



ارتش در فاو

(عملیات والفجر ۸)

«ویراست دوم»

سرهنک هیبت‌الله اسدی

سرشناسه	: اسدی، هیبت‌الله، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸) / هیبت‌الله اسدی؛ بررسی، آماده‌سازی، نشر نجاتعلی صادقی‌گویا؛ بررسی و بازبینی حمید شکبیا؛ [برای] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
وضعیت ویراست	: ویراست ۲.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۴ص.: مصور، نقشه، جدول، نمونه.
شابک	: 978-600-7416-81-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: ص.ع. لاتینی شده: Heybat-allah Asadi.Artesh dar fav (Valfajr 8).
یادداشت	: چاپ دوم.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۸۳ - ۳۸۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- عملیات والفجر ۸ Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Operation Val-Fajr 8 جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- نبردها Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Campaigns
شناسه افزوده	: صادقی‌گویا، نجاتعلی، ۱۳۲۷ -
شناسه افزوده	: شکبیا، حمید، ۱۳۲۷ -
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: DSR۱۶۰۷
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۵۱۰۵۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸)

نویسنده: سرهنگ هیبت‌الله اسدی

بررسی، آماده‌سازی، نشر: سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی‌گویا

بررسی و بازبینی: سرتیپ ۲ حمید شکبیا

صفحه‌آرایی، طرح جلد: حامد خدمتی

نوبت / سال چاپ: چاپ دوم، ویراست دوم / ۱۴۰۰

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۸۱-۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن ۲۲۹۷۹۶۹۸ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

www.maarefjang.ir

"از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند."

"جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود."

امام خمینی (ره)

"می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند."

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دین‌داری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است."

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ه) در اسفندماه ۱۳۶۷
خطاب به روحانیت سراسر کشور (در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)
صحیفه امام خمینی^(ه)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته‌ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته‌ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ حسّ برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سرمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم؛ راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشئت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب اسلامی را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۸ بدین ترتیب بوده است که بر اساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. این هیئت بعد از سال ۱۳۷۸، همچنان با اجرای آموزش‌های میدانی، نسبت به تکمیل برداشت‌های میدانی عملیات ثامن الائمه^(ع) و سایر عملیات‌ها اقدام نمود. چاپ ۱۹۰ عنوان کتاب مستند از وقایع هشت سال دفاع مقدس از سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۹۹ از اقدامات هیئت معارف جنگ می‌باشد.

آموزش معارف جنگ، از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی^(ع) نذاجا و از سال ۱۳۸۲ نیز برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه‌های افسری هوایی، دریایی و فزاری و از سال ۱۳۹۴ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء^(ص) به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۹، تعداد ۳۲۷۸۸ نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت شانزده ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۹، بیش از ۴۷۹ هزار از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای کلیه دانش‌آموزان پایور اجا از سال ۱۳۸۷ در آموزشگاه نظامی جوادالائمه نزاجا برگزار می‌گردید و از سال ۱۳۹۸ این آموزش‌ها در ۵ مرکز آموزش اجا (جوادالائمه^(ع)، نزاجا، تفنگداران دریایی نداجا، باقرالعلوم^(ع)، نداجا، شهید خضایی نهجا و علی اکبر^(ع)، نپاجا) برنامه‌ریزی شد، که بر این اساس تا پایان سال ۱۳۹۹، تعداد ۱۲۳۹۲ نفر دانش‌آموز پایور به مدت ۱۶ ساعت در هر دوره، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دوره‌های عالی رسته‌ای با موضوع نقش رسته مربوطه در دفاع مقدس به مدت ۸ ساعت برگزار شد که از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹، آموزش‌ها در ۱۸ مرکز برای تعداد ۹۴۹۱ نفر دانشجو برگزار گردیده است.

از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۹، بیش از ۵۶۹ هزار نفر از سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت هشت ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

آموزش معارف جنگ برای دانشجویان دافوس آجا به مدت ۸ ساعت در ۴ جلسه در سال ۱۳۹۸ برای تعداد ۲۶۴ نفر برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد ساحفاجا به مدت ۸ ساعت برای تعداد ۲۲۰ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.

آموزش معارف جنگ برای مدیران ارشد عقیدتی سیاسی ارتش برای تعداد ۶۰ نفر در سال ۱۳۹۹ برگزار شد.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

برای مقابله با دشمنان بلذتی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیگی ید واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپهبد علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

پیشگفتار نویسنده

در آذرماه ۱۳۸۰ از طرف هیئت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی » مأموریت یافتیم، فعالیت‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ را تدوین نمایم، که برابر یک برنامه مدون شده، کار خود را با جمع‌آوری مدارک آغاز کردم، خیلی زود دریافتم اسناد موجود (که در کتاب آمده است) کمک قابل توجهی در تدوین یک کتاب جامع نخواهد کرد، اما همین اسناد محدود، نشانه خوبی برای شروع و تعیین روش تحقیق در عملیات به حساب می‌آیند. بنابراین کار را ابتدا با مراجعه به یگان‌های توپخانه و سپس به قرارگاه‌های درگیر پیگیری نمودم و از طریق گفتگو با همکاران به این واقعیت کاربردی رسیدم که دامنه شرکت یگان‌ها فراتر از آن است که فقط توپخانه را شامل شود. به همین انگیزه دامنه فعالیت خود را توسعه دادم و تحقیق را با عنوان «ارتش در فاو» پی گرفتیم. در عمل متوجه شدم به علت گذشت زمان، بسیاری از پرسنل آگاه و مؤثر، بازنشسته و در سراسر کشور پراکنده شده‌اند و این مهم، تلاش افزون‌تر و مسافرت‌های طولانی‌تری را سبب گردید، اما در نهایت خداوند را سپاس می‌گویم که توانستم تحقیق خود را بعد از ۱۸ ماه در فروردین ماه ۱۳۸۲ به هیئت معارف جنگ تقدیم کنم.

هیئت معارف جنگ، این کتاب را در سال ۱۳۸۷ به چاپ رساند و با توجه به استقبال گسترده علاقمندان، چاپ دوم نیز در سال ۱۳۹۱ با ویرایش جدید و افزودن مطالب تکمیلی بویژه در بخش‌های هوانیروز و نهاجا، انجام گرفت.

اینک با کسب اطلاعات جدید بویژه در بخش پدافند هوایی نهاجا و نداجا، چاپ سوم (ویراست دوم) را برای انتشار آماده کرده‌ام که امیدوارم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد.

به سوخت حافظ در شرط عشق و جان بازی هنوز بر سر عهد و وفای خویشان است

آشنایی با مؤلف



در سال ۱۳۲۳ در شهر کرند غرب (شهرستان دالاهو) متولد شدم. تا مقطع دبیرستان در همانجا تحصیل نمودم. سال آخر را در دبیرستان نظام گذراندم، سپس به عنوان معلم در یک روستا به کار مشغول شدم. در سال ۱۳۴۳ به دانشکده افسری آمدم و پس از دانش آموختگی، با درجه ستواندومی در رسته توپخانه خدمت خود را ابتدا در کرمانشاه و سپس به عنوان مربی در دانشکده توپخانه صحرایی شروع نمودم. پس از طی دوره عالی بار دیگر به کرمانشاه برگشتم و ایام جنگ را در گردان‌های توپخانه و قرارگاه‌های توپخانه لشکر، ستاد لشکر و مقدم نزا، کار خود را پی گرفتم. پس از جنگ تحصیلی به مرکز توپخانه منتقل و تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۳۷۳ به تدریس اشتغال داشتم. سپس تدریس را در دانشگاه‌های وزارت دفاع، افسری امام علی (ع)، شهید ستاری و نیروی انتظامی ادامه دادم و همزمان به کارهای تحقیقاتی نیز مشغول هستم. آنچه می‌ماند این است که در سایه آموزه‌های همکاران اندیشمند خود توانسته‌ام تألیفاتی برابر جدول زیر از خود به یادگار بگذارم. امیدوارم به عنوان هدیه‌ای مناسب مورد قبول جوانان ارتش قرار گیرد. پیام روشن اقدامات انجام شده این است که بازنشستگی مرگ خدمتی نیست؛ بلکه می‌توان آن را به تداوم فرهنگی دوران خدمت مبدل کرد، امید است چنین شود.

تالیفات و آثار سرهنگ هیبت‌الله اسدی

ردیف	عنوان	نوع اثر	سال انتشار
۱	زاویه یاب پ آب ۲	ترجمه	۱۳۵۸
۲	تاکتیک نقشه برداری	تألیف	۱۳۶۷
۳	روش اندازه‌گیری مسافت	تألیف	۱۳۶۷
۴	ماشین محاسبه SR-58	ترجمه	۱۳۶۷
۵	شناخت علمی نقشه برداری	تألیف	۱۳۶۸
۶	نشریه ضد آتش	تألیف	۱۳۶۸
۷	روشنایی میدان رزم	تألیف	۱۳۷۱
۸	رکن سوم توپخانه	تألیف	۱۳۷۲
۹	عوامل موثر در انگیزه افسران ----	پژوهش	۱۳۷۵ تا ۷۷
۱۰	تبدیل مختصات قائم‌الزاویه به جغرافیایی و برعکس	برنامه رایانه ای	۱۳۷۸
۱۱	اندیشه‌های خوب برای همه	ترجمه	۱۳۸۱
۱۲	یاد یار	تألیف	۱۳۸۲
۱۳	هرچند دیر (ویراست دوم یاد یار)	تألیف	۱۳۸۴
۱۴	فرماندهی در چشم‌انداز	تألیف	۱۳۸۶
۱۵	نقشه‌خوانی و نقشه‌برداری کاربردی	تألیف	۱۳۸۷
۱۶	سامانه تعیین موقعیت جهانی (G.P.S)	تألیف	۱۳۸۹
۱۷	یه کم له کوردی (فرهنگ کوردی)	پژوهشی	۱۳۹۰
۱۸	دانش جامع نقشه‌خوانی (۲ جلد)	تألیف	۱۳۹۳
۱۹	آتش توپخانه	تألیف	۱۳۹۴
۲۰	توپخانه در سد و تثبیت متجاوز	تألیف	۱۳۹۶
۲۱	راهنمای تجربی فرمانده آتشبار	پژوهشی	۱۳۹۸
۲۲	رزمندگان آتش	پژوهشی	در حال چاپ
۲۳	آتش پشتیبانی (آتش به اختیار)	پژوهشی	در حال چاپ
۲۴	آتش پشتیبانی (به فرمان من)	پژوهشی	در حال چاپ

فهرست مطالب

۱	سخنی با خوانندگان
۳	فصل یکم: طرح اولیه عملیات والفجر ۸
۴	مقدمه
۹	نگاه اجمالی به بعضی عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات
۹	۱- اصل وحدت فرماندهی
۱۴	۲- ادغام نیروها
۱۵	۳- جدائی نیروها
۱۵	۴- وضعیت ارتش
۲۲	۵- وضعیت سپاه پاسداران
۲۶	۶- نتیجه
۲۹	فصل دوم: ارتش در عملیات والفجر ۸
۳۰	دستورالعمل عملیات
۴۱	شرح مختصر عملیات
۴۱	نخستین شب عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۰)
۴۱	روز اول عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۱)
۴۲	روز دوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)
۴۲	روز چهارم عملیات (۱۳۶۴/۱۲/۲۴)
۴۲	روز پنجم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۵)
۴۳	تلفات و ضایعات دشمن و خودی
۴۴	انهدام واحدها
۴۶	بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸
۴۸	ابعاد نظامی شرکت نیروی زمینی ارتش
۴۹	۱- شرکت در طراحی
۵۱	۲- رها کردن یگان‌های سپاه پاسداران
۵۳	۳- شرکت در طرح پوشش و فریب تاکتیکی

۵۹	۴ - شرکت به عنوان تک پشتیبانی
۷۸	۵ - تقویت تک اصلی (سپاه پاسداران)
۸۸	۶ - پشتیبانی‌های آمادی (لجستیکی)
۱۰۰	۷ - شرکت یگان‌های توپخانه پدافند هوایی
۱۰۳	۸ - شرکت موثر یگان‌های توپخانه صحرایی
۱۰۵	الف: توپخانه‌های پشتیبانی کننده تلاش اصلی (کنترل عملیاتی سپاه)
۱۱۳	ب - توپخانه‌های پشتیبانی کننده تلاش پشتیبانی
۱۱۷	فرماندهان یگان‌های توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸
۱۲۹	فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل کادر)
۱۳۱	فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل وظیفه)
۱۳۴	فهرست رزمندگان شهید توپخانه در عملیات والفجر ۸
۱۳۶	هوانیروز در عملیات والفجر ۸
۱۴۴	نقش هوانیروز (به روایت تاریخ شفاهی و اسناد)
۱۶۷	بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸
۱۶۷	پیشگفتار
۱۶۸	۱ - شرکت در عملیات هوایی
۲۲۴	۲ - شرکت یگان‌های پدافند هوایی در عملیات والفجر ۸
۲۵۲	۳ - عملیات شفق
۳۰۲	بخش سوم: نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸
۳۰۲	۱ - پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ با بکارگیری چهار فروند هواناو BH7 (هاورکرافت)
۳۰۳	۲ - نصب توپخانه سنگین دریایی
۳۰۴	۳ - پشتیبانی و شناسایی توسط هوا دریا (بالگردها)
۳۰۴	۴ - اسناد
۳۲۱	فصل سوم: دستاوردهای آموزشی
۳۲۲	کلیات
۳۲۵	۱. نکات مثبت
۳۲۵	الف - شرکت در طرح فریب تاکتیکی
۳۲۷	ب - تنوع و کثرت یگان‌ها:
۳۲۹	ج - پیش بینی و تهیه مواضع:

۳۳۲	د - رعایت اصول حفاظتی
۳۳۵	هـ - پشتیبانی‌های مناسب (در ابتدا)
۳۴۲	تدارک مهمات
۳۴۵	سایر پشتیبانی‌ها
۳۴۷	۲- نکات منفی
۳۶۳	سخن پایانی
۳۷۷	پیوست: نگرشی بر مجروحین عملیات والفجر ۸
۳۸۷	نمایه

سخنی با خوانندگان

یزیدان بود زور ما؛ خود که ایم بدین تیره خاک اندرون، بر چه ایم

(فردوسی)

اگر رزم‌آوران پیشین نوعی احساس نیاز برای بازگو نمودن، دانستنی‌های زمان نبردشان از خود بروز می‌دهند، نباید نسبت به آنان دچار این توهم شد که جنگ طلبند، می‌خواهند خودستائی کنند، بلکه باید توجه داشت که ذهن روشن بین آنان گرایش به این دارد که بیشتر جنبه‌هایی از تجربیات خود را بیان کنند که نشانه‌ای از همبستگی، از خودگذشتگی و جانفشانی برای رفع تجاوز را در خود داشته باشد و پیامی با انرژی مثبت برای جوانان برومند این مرز و بوم را مهیا کنند.

ممکن است خوانندگان غیر نظامی ما اینطور بیاندیشند که ما از بیان خاطرات جنگی خود لذت فراوانی می‌بریم، اما این نکته را نباید فراموش کنند که ما از این که در جنگ بسیاری از دوستان و هم‌زمان خوب خود را از دست داده‌ایم، احساس دلتنگی می‌کنیم و از خرابی و رنجی که جنگ برای میلیون‌ها نفر از هم‌میهنانمان به بار آورده است در خود احساس تألم و شرمساری داریم، اما در این میان شاید همه با من هم‌رأی باشند، چون جنگ در زمان جوانی ما اتفاق افتاده، در صورتی باید احساس انزجار می‌کردیم که از آن به دور می‌ماندیم، اکنون که چنین نبوده و در بطن جنگ بوده‌ایم، پس با احساس سرافرازی به فکر فرزندان رشید خود هستیم که ممکن است روزی بار دیگر گرفتار این مصیبت و شاید به صورت وحشتناک‌تر گردند، آنان اگر بدانند ما چه کرده‌ایم با چشمانی باز به استقبال دفاع از خود می‌روند تا کشور اسلامی و خود را ایمن بدارند. جدای از هدف اصلی این کتاب که اطلاع رسانی درباره موضوعی ویژه است اهداف آرمانی دیگری را که با آن رشد کرده‌ام و کار را در پناه این اهداف به سرانجام رسانده‌ام در نظر دارم:

ارتقاء فرهنگ سازمانی، نگاه آموزشی داشتن، نمایاندن همکاران و همچنین احترام به پیشکسوتان از جمله پیام‌های این نوشتار می‌باشد که امید است به آنان دست یازیده باشم تا نظر شما خواننده گرامی چه باشد.

فصل يكم:

طرح اوليه عمليات والفجره

مقدمه

تاریخ آیین‌های است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد. زشتی‌ها، زیبایی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها و عوامل هریک از این امور را. تفسیر نمونه ج ۹ ص ۳۰۴

رزم آوران پرتوان ایران اسلامی در واپسین ماههای سال دوم جنگ، در پناه عزم ملی با وحدت و انسجام کامل که به ترکیب مقدس^۱ معروف شده بود توانستند بخشی از سرزمین از دست رفته خود را از وجود دشمن متجاوز پاک نمایند، اوج این رشد و بالندگی و حماسه آفرینی در عملیات بیت المقدس و بازستانی خرمشهر نمایان گردید تا آنجا که امروزه در بازبینی جنگ ناخواسته، خرمشهر نماد مقاومت بی مانند و نمونه اراده ملت سرفراز ایران برای کسب پیروزی به شمار می‌آید.

بازنگری نتایج عملیات‌های رمضان (۶۱/۴/۲۳)، مسلم بن عقیل (۶۱/۷/۹)، والفجر مقدماتی (۶۱/۱۱/۱۷)، والفجرهای ۱، ۲، ۳ و ۴ در سال ۶۲ و عملیات خیبر (۶۲/۱۲/۳) نشان‌دهنده این واقعیت ناخوشایند است که پس از باز پس‌گیری خرمشهر، تلاش‌های بعدی موفقیت‌آمیز نبوده و یا موفقیت‌ها محدود و تاثیر چندانی در سرنوشت جنگ نداشته‌اند افزون بر این در این مدت جبهه مقابل با ایجاد یک سیاست کارساز در جلب حمایت تعدادی از کشورها، توان نظامی خود را به طور محسوس افزایش داد، به کلامی دیگر در حالی که ادامه جنگ در سال‌های سوم و چهارم برای ایران با بگومگوهای نظامی، انزوای تحمیلی جامعه بین‌المللی، تشدید فشار و در نتیجه بن‌بست جنگ همراه بود. در عراق با تجدید نظر ساختار کلی ارتش، یارگیری سیاسی، کسب امکانات و افزایش توان رزمی که تمامی ناشی از حمایت استکبار از عراق بود به پایان رسید، با این وصف در بهار سال ۱۳۶۳ با وجود این که فشارهای سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای توسط حامیان صدام حسین در جهت آتش‌بس به ایران وارد می‌شد نظر به نیاز تحرک در میدان نبرد، راضی نمودن افکار عمومی و ارتقاء سطح روحیه

۱. ترکیب مقدس، واژه‌آشنایی است که فرماندهی وقت نزا - شهید سپهبد صیاد شیرازی - در گفته‌های خود برای فراهم نمودن وحدت و همدلی بین نیروهای ارتش و سپاه از آن بهره می‌برد و البته بسیار کارساز افتاد تا جایی که توانست در دورانی از جنگ این وحدت را از قوه به فعل در آورد و عملیات‌های موفقی را با ترکیب نیروهای مردمی و سپاه و ارتش به سرانجام رساند.

رزمندگان^۱، تلاش برای انجام عملیات در مقیاس وسیع شروع گردید. مهمترین هدف این عملیات، دستیابی به یک پیروزی قاطع از نظر نظامی در آن شرایط زمانی در جبهه جنگ بود تا بدینوسیله دولتمردان و سیاستمداران کشور برای حل مسئله جنگ و پایان دادن به نبردها از راه سیاسی، بتوانند از قدرت عمل بیشتری برخوردار شوند. آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید^۲:

"فاویکی از عملیات‌هایی بود که برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم. هدف، هم این بود که از جاده ساحلی به ام‌القصر برویم."

۱. روحیه (به صورت تخصصی، روحیه جنگی) در کسب پیروزی همواره مورد تأیید فرماندهان و نظریه پردازان نظامی قرار گرفته و هرکس دستی به قلم داشته در این باره قلم فرسایی کرده است. کزنفون (فرمانده و اندیشمند یونانی پیش از میلاد) در کتاب با ارزش آنایاسیس می‌گوید: «شما می‌دانید که تعداد نفرات و قدرت باعث پیروزی در جنگ نمی‌شود بلکه هر ارتشی که با نیروی روحی قوی‌تر به میدان نبرد وارد شود، معمولاً دشمنانش قادر نخواهند بود که در مقابل آن ایستادگی کنند.» و چندین قرن بعد پس از جنگ دوم جهانی فیلد مارشال مونتگمری در تکمیل سخنان کزنفون می‌گوید: «روحیه سرباز پر اهمیت ترین عامل در جنگ است» و پس از رسیدن به ریاست ستاد کل ارتش سلطنتی انگلستان به دستور او روحیه به عنوان یک موضوع درسی اصلی در آموزش نظامی مورد بحث قرار گرفت و گفته فراگیر (منصوب به ناپلئون) یعنی روحیه ۷۵/۰ قواست از جمله بیاناتی هستند که در اهمیت روحیه نقل شده است. این بزرگان عرصه میدانهای رزم می‌خواهند بگویند برای جنگیدن نیاز به روحیه می‌باشد و اگر سرباز فاقد روحیه باشد نمی‌تواند بجنگد، لذا از عواملی مانند، غذای خوب، بهداشت خوب، استراحت، مرخصی، دور نگهداشتن سرباز از خط مقدم، مدال، پاداش، درجه و فصلی کردن جنگیدن برای ارتقا، سطح روحیه بهره برده اند اما بدون شک در جنگ تحمیلی تعریفی جدا گانه از روحیه به وسیله رزمندگان ما ارائه گردید، رزمندگان اسلام برای کسب روحیه فشار می‌آوردند که باید جنگید و فرصت نفس کشیدن را از دشمن گرفت و توقف موردی در جبهه‌ها را از عوامل پائین آمدن روحیه می‌دانستند، لذا فرماندهان و دست اندرکاران اداره کننده جنگ بر خلاف آنچه که در گذشته تجربه شده بود، نیازمند ساز و کار جدیدی بود، این ساز و کار مورد قبول رزمندگان چیزی جز گرم نگهداشتن جبهه‌ها با طراحی عملیات‌های گوناگون نبود، نقل نمونه‌ای تاریخی از زبان پزشکی مجرب شاید تکمیل‌کننده خوبی برای این سطور باشد.

ژنرال ریچاردسون (رئیس بهداشتی ارتش بریتانیا در جنگ جهانی دوم) در کتاب خود به نام روحیه جنگی در دستورالعملی برای ارتقاء سطح روحیه سربازان چنین می‌نویسد: با توجه به این که در طول جنگ نمونه‌های زیادی از ترس، فرسودگی و فشارهای عصبی ناشی از طولانی شدن جنگ دیده می‌شود، لذا اهمیت استراحت و دور ماندن از جبهه به خصوص در شرایط تدافعی مورد تاکید است و برای این منظور، گردان‌ها مجبور به تهیه یک مرکز برای نگهداری سربازان می‌گردند، فراموش نکنیم

منظور از این پاورقی طولانی، نفی لزوم ایجاد شرایط رفاهی برای پرسنل درگیر در جنگ نیست بلکه مقایسه اقدامات مورد نیاز فرماندهان در جنگ‌های گذشته و جنگ ناخواسته ایران و عراق برای حفظ روحیه می‌باشد. و به عنوان حسن ختام مقام معظم رهبری درباره روحیه می‌فرمایند: باید از حماسه‌های بجا مانده از جنگ برای جاری کردن این روحیه در امتداد تاریخ استفاده شود.



در بررسی‌های همه جانبه‌ای که به عمل آمد، منطقه عمومی فاو^۱ به دلیل اهمیت شهر و تأسیسات بندری آن، تسلط کامل بر اروندرود (آبراهی که صدام به بهانه آزادی آن جنگ را شروع کرد) تسلط بر شمال خلیج فارس و سایر حساسیت‌های راهبردی منطقه برای عملیات مناسب تشخیص داده شد و دستور تهیه یک طرح عملیاتی در جهت تصرف بندر فاو صادر گردید که پس از تبادل افکار بین طراحان جنگ در نهایت طرح اولیه عملیات والفجر ۸ از طرف قرارگاه خاتم الانبیاء(ص)^۲ تهیه و به قرارگاه‌های سه گانه (کربلا، نجف، ظفر) ابلاغ گردید.

قرارگاه‌های سه گانه پس از دریافت طرح، اقدامات گسترده‌ای در جهت رفع موانع و کسب آمادگی برای اجرا را شروع نمودند، تا آنجا که غواصان یگان‌های تک ور سپاه پاسداران (که قرار بود از اروندرود عبور نمایند) در رودخانه دز و تیپ ۵۵ هواپرد (که قرار بود در غرب فاو هلی برد^۳ شود) در باتلاق گاو خونی تمرین‌های آمادگی خود را آغاز نمودند^۴ با این وصف به دلایلی که در بخش دوم همین فصل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت، اجرای این عملیات منتفی شد و چندی بعد این طرح به عملیات والفجر ۸ انجام نشده معروف گردید.^۴

اینکه یک طرح عملیاتی تهیه و انتشار یابد، سپس اجرای آن به آینده سپرده شود و یا به طور کلی به انجام نرسد، مطلب جدید و غیرقابل درکی نیست، بازنگری پیشینه جنگ بویژه

۱. منطقه فاو علی‌رغم این‌که از جانب عراق به دلیل غیرقابل عبور تلقی کردن اروندرود، منطقه‌ای غیرعملیاتی و فراموش

شده به حساب می‌آمد، لکن از نظر ایران پیوسته مورد بررسی اطلاعاتی و آماده نمودن برای عملیات قرار داشت.

۲. هلی برد یا هلی برن HELIBORNE. جابجائی پرسنل، تجهیزات، وسائل و جنگ افزار مورد نیاز یک عملیات از طریق هوا به وسیله بالگرد را هلی برد می‌نامند، گفتنی است که هوانیروز در جنگ حدنصاب تازه‌ای از این نوع عملیات به جای گذاشت.

۳. نقل از سرتیپ ۲ سعید پورداراب (یکی از فرماندهان جبهه جنگ)

۴. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۹۹.

جنگ‌های طولانی، فراوانی این رخداد را می‌نمایاند؛ دلایل زیادی را می‌توان برای طرح‌های عملیاتی به سامان نرسیده بر شمرد. گرچه ملاحظات سیاسی در بیشتر موارد عامل باز دارنده به حساب می‌آیند، اما دلایل تاکتیکی و نیازمندی‌های آمادی همیشه دستاویز مناسبی برای فرماندهان و اداره کنندگان جنگ‌ها در عدم اجرای طرح‌های آماده شده بوده و خواهد بود. برآورده نشدن پیش‌بینی‌ها، فراهم نشدن امکانات لازم، افشای اطلاعات، عوامل آب و هوایی، اقدامات دشمن و... مواردی هستند که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد. آقای هاشمی رفسنجانی^۱ در جلسه‌ای که با شرکت کلیه فرماندهان ارشد در دزفول تشکیل شده بود پس از شنیدن پیشنهادهای که فرماندهان ارتش و سپاه در رابطه با عملیات والفجر ۸ ارائه کردند اظهار می‌دارند:

انجام عملیات با تمام امکانات لازم تا آنجائی که من می‌دانم مقدور نخواهد بود عملیاتی را پیشنهاد کنید تا بتوانیم بپذیریم.^۲
سرتیپ ۲ بهروز صفری کیا، پس از خواندن کتاب طی نامه‌ای می‌نویسد:

اینجانب در آن جلسه حضور داشتم. ایشان (حجت‌الاسلام رفسنجانی) مطالب فرماندهان ارتش و سپاه را که قرار بود در عملیات شرکت نمایند به دقت گوش دادند که بیشتر بلکه در همه موارد بر عدم اجرای این مأموریت با توجه به امکانات و ریسک بالای آن صحبت کردند و برای من جالب بود که فرماندهان سپاه در مخالفت با اجرای طرح پیش‌قدم بودند و تنها کسی که موافق اجرای طرح صحبت کردند جناب سرهنگ عبادت (فرمانده تیپ ۵۵ هوابرد) بود و در نهایت آقای هاشمی فرمودند: صحبت‌های شما را شنیدم. به تهران برمی‌گردم و شما کار خودتان را ادامه بدهید تا پس از طرح مسئله در تهران تصمیم نهایی در خصوص اجرا یا عدم اجرای این مأموریت از طریق سلسله مراتب اعلام می‌شود.

بدون تردید نگاه تحلیلی به این فراز نشان می‌دهد که پیشنهادهای خارج از امکانات بوده است، از طرفی ضمن خودداری از هرگونه اظهار نظر شعارگونه، از بررسی عملیات‌های سال‌های اول و دوم جنگ آشکار می‌گردد که فرماندهان ما در تلاش خود برای رسیدن به پیروزی، نه تنها به دنبال بهانه برای ننگیدن نبوده‌اند، بلکه با نادیده گرفتن مسائل و

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی که به فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء منصوب شده بود، به طور معمول در منطقه حضور فعال داشت و تلاش می‌نمود ضمن ایجاد هماهنگی و رفع موانع، امکانات و تجهیزات لازم را برای اجرای عملیات‌های در دست اقدام فراهم نماید.

۲. سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی؛ دزفول ۱۳۶۳/۴/۳۰

کمبودهای معقول به دنبال سوسویی هر چند کم نور و کم حرارت در جهت گرم نگهداشتن و فعال کردن میدان کارزار بوده‌اند، با این وصف مشاهده می‌گردد، در این برهه از زمان، لیست درخواست امکانات فراتر از توانائی‌های کشور است. به طوری که در نهایت نوعی اشتراک نظر در مخالفت با اجرای عملیات به دلیل ظاهری کمبود امکانات به وجود می‌آید و عملیات غیر قابل اجرا تشخیص داده می‌شود. اما این دستاویز در مقابل حماسه‌های کم نظیر و پیروزی‌های فخرآفرین کسب شده در گذشته بهانه معقولی به نظر نمی‌رسد. پس بایستی به فکر باور دیگری غیر از مسائل تاکتیکی حاکم بر جبهه‌ها بود.

در پیگیری دلایل عدم اجرای عملیات والفجر ۸ با یکی از فرماندهان (سرتیپ ۲ سعید پورداراب) مصاحبه‌ای انجام گرفت، ایشان که در آن جلسات تصمیم‌گیری به عنوان افسر عملیات قرارگاه عملیاتی نذاجا حضور داشت، در جواب بیان نمود:

برابر بند مانور عملیات والفجر ۸ که قرار بود به وسیله یگان‌های عمده ارتش و سپاه در تابستان سال ۱۳۶۳ اجرا گردد، بایستی تیپ ۵۵ هوابرد^۱ برای ایجاد سرپل مطمئن به پشت فاو (غرب فاو) با استفاده از بالگردهای هوانیروز، هلی‌برن می‌گردید و سپس با دو یگان عمده تک‌ور (یکی با عبور از اروندرود و دیگری از طریق شلمچه) عمل الحاق را انجام می‌داد تا بدین وسیله محاصره فاو تکمیل و در نتیجه فاو به تصرف در می‌آمد. تمام یگان‌ها و قرارگاه‌ها برابر طرح به محل عزیمت نمودند و در آخرین جلسه هماهنگی که با شرکت فرماندهان ارشد عملیات تشکیل شده بود فرمانده تیپ ۵۵ هوابرد سؤال نمودند: اگر عمل الحاق انجام نگیرد و یا عملیات عبور از رودخانه خروشان اروندرود با موفقیت همراه نباشد چگونه می‌توانید تیپ هوابرد را که در پشت جبهه دشمن پیاده شده است نجات دهید؟ با سکوت حاضرین مواجه گردید. در این جلسه همچنین برادر علی تجلائی از سپاه پاسداران که فرماندهی یک تیپ را به عهده داشت، غیر قابل اجرا بودن طرح را تأیید نمود. در نتیجه در پایان جلسه آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) دستور دادند عملیات به تأخیر بیافتد و بررسی بیشتری به عمل آید.

۱. تیپ ۵۵ هوابرد یک یگان پیاده سبک می‌باشد که به علت آموزش‌های ویژه، توانائی عملیات‌های پرش با چتر و جابجائی سریع به وسیله بالگرد برای ایجاد سرپل را دارد این تیپ با توجه به تجهیزات ویژه خود، بیشتر توان تهاجمی دارد تا دفاعی. با این وصف از این تیپ در تمام سال‌های دفاع مقدس در سخت‌ترین شرایط استفاده شده و موفقیت‌های چشمگیری نیز بدست آورده است. فرماندهی تیپ ۵۵ هوابرد در این زمان، جناب سرهنگ کریم عبادت بودند.

نگاه اجمالی به بعضی عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات

اگر می‌خواهی آینده را پیش‌بینی کنی به مطالعه گذشته پرداز.

(کنفوسیوس)

ارزیابی توقف عملیات والفجر ۸ و یا به طور اساسی‌تر، توقف گاه و بیگاه در ادامه جنگ با توجه به عدم تغییر در سیاست کلی نظام و اراده سیاسی برای رسیدن به پیروزی قطعی به یک نکته بسیار مهم و تعیین کننده بر می‌خوریم و آن تغییر در روش و شیوه جنگیدن است، لذا ملاحظه می‌شود، در هجده ماه بعد همین طرح با دو فرماندهی (سپاه و ارتش) به اجرا در آمد. این رخداد در شرایطی است که اگر نگوییم امکانات کاستی یافته بود، به طور یقین چیزی اضافه نشده بود. بررسی دقیق روشهای به کار گرفته شده برای ادامه جنگ، علل افت و خیزها و فرود و فرازهای دوران جنگ را نمایان می‌کند. اما قبل از هر چیز با یاری جستن از گنجینه گلستان استاد سخن «سعدی»، زمینه نسبی مناسبی برای پیگیری تحلیل‌های شاید ملال آور را فراهم می‌نماییم.

کس خوشتر از خویشتندار نیست	که با خوب و زشتش کسی کار نیست
تورا دیده در سر نهادند و گوش	دهان جای گفتار و دل جای هوش
مگر باز دانی نشیب از فراز	نگویی که این کوتاه است؛ آن دراز

۱- اصل وحدت فرماندهی:

«در امور جنگ مشورت نما، لیکن آن چه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده»
«سوره آل عمران آیه ۱۵۹»
وحدت فرماندهی یعنی وحدت اختیارات به منظور ارائه حداکثر تلاش، وحدت فرماندهی باعث ایجاد وحدت در استفاده بهینه از امکانات و حداکثر قدرت نیروهای موجود برای رسیدن به هدف می‌شود و چون اصل هدف ایجاب می‌نماید که تمام تلاش‌ها به سمت یک هدف معین معطوف شود، لذا موثرترین عامل برای رسیدن به وحدت، واگذاری اختیارات به یک فرد واحد است تا بتواند نیروها را هدایت، هماهنگ و کنترل نماید. در اهمیت شیوه اداره جنگ همین بس که حضرت امام خمینی^(ره) می‌فرمایند^۱:

۱. رهبر انقلاب به طور معمول با توجه به شرایط به وجود آمده در موارد جنگ و در جهت تقویت و انسجام نیروها اظهار نظر می‌نمودند.

«وحدت فرماندهی از مسائل سرنوشت ساز است که بدون آن پیروزی میسر نیست و عدم مراعات آن فاجعه آفرین است»^۱.

سرتیپ ۲ نصرت‌الله معین‌وزیری (استاد مجرب دانشکده فرماندهی و ستاد) اصل وحدت فرماندهی را برابر آئین نامه ارتش جمهوری اسلامی ایران چنین تعریف و تشریح می‌نماید:

بر طبق آخرین آئین نامه مصوبه ارتش جمهوری اسلامی ایران به شماره (۲/۱۰۱ - ۴۳) که در سال ۱۳۷۹ منتشر شده تعریف اصل وحدت فرماندهی به شرح زیر است؛

بدیهی است نباید در کتاب‌ها مطلبی مغایر با آن نوشت:

«وحدت فرماندهی یعنی اینکه در یک سلسله مراتب فرماندهی، همه نیروها تحت امر یک فرمانده مسئول و واجد شرایط با اختیارات کافی قرار گیرند تا وی بتواند در راستای خط‌مشی کلی با ایجاد وحدت تلاش، کلیه منابع و نیروها را در یک جهت و به سوی هدف مشترک سوق دهد.»

«وحدت تلاش از طریق هماهنگی، همکاری، همدلی و اشتراک مساعی بین همه نیروها امکان‌پذیر می‌گردد؛ هرچند الزاماً به عنوان جزیی از همان ساختار فرماندهی محسوب نشوند...»

«در عملیات مرکب^۲ احتمال دارد وحدت فرماندهی ناممکن باشد، اما حتماً نیازمند وحدت تلاش است که به موجب آن بین نیروهای مختلف با ملیت‌های متنوع، روح همکاری، همدلی و اشتراک مساعی برای رسیدن به منظور مشترک وجود داشته باشد.» ولی در عملیات مشترک ایجاد چنین وحدتی ضروری و ممکن است.»

«در واقع وحدت تلاش به عنوان مکمل اصل وحدت فرماندهی محسوب می‌گردد.»

در فرهنگ واژه‌های نظامی در اهمیت رعایت اصل وحدت فرماندهی آمده است:

«داشتن اختیارات لازم و به کار بردن حداکثر تلاش تمام نیروها برای رسیدن به هدف نهایی را اصل وحدت فرماندهی گویند، اصل هدف، کلیه تلاش‌ها را متوجه یک هدف عمومی می‌نماید و برای تکمیل این اصل باید وحدت فرماندهی برای تمرکز کلیه تلاش‌ها وجود داشته باشد. موثر ترین اقدام جهت وحدت تلاش، وحدت فرماندهی

۱. صحیفه نور؛ ج ۱۴، ص ۱۰.

۲. عملیات مرکب و مشترک در پاورقی صفحه‌های بعد تشریح شده است.

است یعنی باید اختیارات لازم به فرمانده تفویض گردد، اصل وحدت فرماندهی^۱ در تمام وظائف نظامی صدق می‌نماید، وحدت فرماندهی همکاری و اعمال دسته جمعی را موجب می‌شود.^۲

۱. فرماندهی، آموزش، تجهیزات، روحیه، انضباط، سلسله مراتب و... از مولفه‌های یک ارتش کار آمد است، در این میان فرماندهی دارای نقش اول است و در رابطه با نقش و جایگاه فرمانده، بین صاحب نظران اشتراک نظر وجود دارد و آنقدر مهم تلقی می‌گردد که در بین تعاریف متفاوت از جنگ، تعریف جنگ‌ها را می‌توان در واقع نبرد میان دو فرماندهی دانست از جمله زبازندترین تعریف محسوب کرد و اصل وحدت فرماندهی از اصول انکار ناپذیر جنگ است که تمام ارتشهای جهان در پذیرش آن تردید به خود راه نداده اند و باور آشنایان به اصول جنگ این است که در صورت نادیده انگاشته شدن در جنگ، آسیب‌های جبران ناپذیری را سبب خواهد شد. با نگرش به اهمیت موضوع و کسب اطلاعات بیشتر و تجزیه و تحلیل کارشناسانه اصل وحدت فرماندهی، به دانشکده فرماندهی و ستاد (گروه عملیات مشترک) مراجعه و رئیس گروه سرتیپ ۲ حمدالله جمشیدی که سال‌هاست در این دانشکده تدریس می‌کند را چنین مورد سؤال قرار دادم: **آیا هدایت عملیات با دو فرماندهی مستقل و ابلاغ طرحها و دستورات عملیاتی با دو امضاء نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی نیست؟**

ایشان برابر عادت همیشگی با تأمل و بسیار شمرده جواب گفتند: شاید آنچه را که انجام گرفته است با توجه به شرایط زمان، مکان و نیروها، تنها راه حل در پیش رو بوده است که البته درپاره ای موارد نتایج خوبی هم داشته است. اما جواب من به عنوان یک معلم بایستی با اصول حاکم بر هدایت مشترک نیروها منطبق باشد، روشن است که هر عملیاتی باید با هماهنگی کامل نیروهای درگیر به انجام برسد تا این که، هم از پراکندگی تلاش‌ها جلوگیری شود و هم از وسائل و امکانات و تسهیلات موجود در راه رسیدن به هدف بهره برداری خوبی به عمل آید. ساده بگویم برای رسیدن به هدف معین، وحدت تلاش نیاز است، لازمه وحدت تلاش، ایجاد وحدت در فرماندهی است و برای رسیدن به وحدت فرماندهی تشکیل سازمانهای مختلفی پیش بینی شده است که بر اساس آنها یک نفر فرماندهی عملیاتی را که قرار است به وسیله نیروهای مختلفی انجام شود به عهده می‌گیرد.

سؤال: تأکید شما روی یک فرمانده است؟

استاد در حالی که کتاب (نیروهای مشترک و مرکب) را از قفسه بیرون می‌آورد گفتند: شکی نداشته باشید. زیرا تعریف فرماندهی مشترک همین است سپس جملات زیر را از کتاب قرائت نمودند: فرماندهی مشترک یک فرماندهی است با مأموریت کلی و مداوم که از عناصر عمده واگذاری از دو نیروی مسلح و یا بیشتر، تحت امر یک فرماندهی واحد تشکیل می‌شود، فرماندهی مشترک توسط فرمانده کل نیروهای مسلح یک کشور تشکیل می‌شود.

سؤال: آیا جنگیدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار یکدیگر را می‌توانیم به عنوان دو نیروی مسلح که تشکیل یک فرماندهی مشترک داده اند قلمداد کنیم؟

تعریف فرماندهی مشترک برای دو نیروی مکمل یکدیگر به کار برده می‌شود. مانند نیروی هوایی و نیروی زمینی. گرچه ما عملیات‌های جنگ تحمیلی را همیشه با عنوان عملیات مشترک یاد می‌کنیم، اما این یک اشتباه مصطلح است. به هر حال چون نیروی هوایی همیشه نیروهای زمینی ارتش و سپاه را پشتیبانی می‌کرده است شاید به نوعی بتوانیم تعریف کلی فرماندهی مشترک را برای مجموعه نیروها صحیح بدانیم.

سؤال: برای جنگ خلیج فارس بین نیروهای متحد و عراق چه اصطلاحی می‌توان استفاده کرد؟ جنگ‌هایی را که با همکاری چند کشور شکل می‌گیرد، نیروهای مرکب می‌گویند در این تعریف هم همانطوری که شما در متن سؤال به آن اشاره کردید، یک تعارض وجود دارد؛ آن اصطلاح نیروهای متحد به جای نیروهای مرکب است.

۲. رستمی؛ سرتیپ محمود؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص ۸۷ و ۸۸.

در کتاب سیری در جنگ ایران و عراق (فاو تا شلمچه) آمده است:

پس از انجام عملیات بدر، شکل جدیدی در سازماندهی نیروها به اجرا در آمد و از سال ۱۳۶۴ نیروهای ارتش و سپاه هر کدام به صورت مستقل نسبت به طراحی و اجرای عملیات اقدام نمودند.^۱

اکنون این سؤال مطرح است، روش قبلی یعنی هدایت جنگ به طور مشترک و با دو فرماندهی، روشی که در گذشته در هیچ جنگی دیده نشده است چه مشکل و نارسائی داشته است که باید در این مقطع حساس و در نیمه راه کسب پیروزی قطعی بر خصم زبون، مورد دگرگونی و تغییری اساسی قرار گیرد.

مگر نه اینکه پیروزی‌های افتخارآفرینی همچون فتح‌المبین و بیت‌المقدس و... در سایه ترکیب مقدس نیروها در میدان عمل رخ داده است؟ اکنون چه شده است که دیگر این ترکیب مقدس جوابگوی نیاز جبهه را فراهم نمی‌کند و ادامه جنگ با دو فرماندهی مجزا مورد ایراد است؟ و یا آن چه در گذشته اتفاق افتاده است موردی و تحت شرایط ویژه بوده است؟ یا اینکه در اخلاص و روش فرماندهان شک و تردید ایجاد شده است؟

بدون تردید هیچ‌گونه نظرمندی در مورد اخلاص و احوال شخصی و اهداف فرماندهان ارشد و اداره‌کنندگان جنگ مطرح نیست و منیت و خودخواهی و قدرت طلبی را نمی‌توان به آنان نسبت داد و خوشبختانه بستر چنین افکار نادرستی در مجموعه‌ای که اصول حاکمیت دارد وجود ندارد. عدم رعایت اصل وحدت فرماندهی و تبعات منفی آن را می‌توان به طور گسترده از زبان و قلم اظهارنظر کنندگان درباره جبهه و جنگ شنید به عنوان نمونه، در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به قلم سرهنگ سید یعقوب حسینی آمده است:

"این مسائل موضعی و محلی، سبب بروز مشکلاتی در سیستم فرماندهی می‌گردید به طور کلی هماهنگی و وحدت فرماندهی بین قرارگاه‌های هدایت‌کننده را مختل می‌ساخت و شکاف بین سیستم فرماندهی را عمیق‌تر می‌کرد و قرارگاه‌های رده بالاتر ارتش و سپاه نیز که در رأس ارتش ستاد مشترک بود، توانائی بر طرف کردن ناهماهنگی‌ها را نداشته و فقط به مکاتبه اکتفا می‌کردند، چنانکه در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۶۴ ستاد مشترک طی نامه‌ای از نیروی زمینی درخواست کرد میزان هماهنگی بین ارتش و سپاه را به ستاد اعلام کند و..."^۲

۱. درودیان، محمد، فاو تا شلمچه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۹.

۲. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۱۷.

معطل ماندن اصل وحدت فرماندهی و ناهماهنگی بین نیروها در بسیاری از موارد سبب بروز اختلاف نظر، نامه نگاری غیر اصولی، به خطر افتادن امنیت خطوط دفاعی، به تعویق افتادن و حتی عدم اجرای عملیات های طراحی شده می گردید، چنانکه در همان مدرک در پیش گفته شده می خوانیم:

در هر صورت مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برای رفع این معضل (خلل در وحدت فرماندهی) و ضرورت و لزوم بکارگیری تمامی امکانات ملی از جمله نیروی انسانی و تمامی ن.م تصمیم گرفتند وحدت را در عالیترین سطح فرماندهی یا سرفرماندهی کل جنگ حل کنند. بدین ترتیب آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ وارد عمل شدند و قرارگاه خاتم الانبیاء به عنوان ستاد ایشان مأموریت هماهنگی نیروها را به عهده داشت.

مسئله رهائی یگان های سپاه سبب اختلاف نظر بین نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران شد و بالاخره قرارگاه مرکزی سپاه پاسداران برای حل این مشکل به آقای هاشمی رفسنجانی که فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء^(ص) را برعهده داشت متوسل گردید. در ۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۴ طی نامه ای از ایشان درخواست کرد به نیروی زمینی دستور دهد لشکر نصر سپاه را که در منطقه «کانی شیخ» مستقر بود تعویض و آن را رها سازد.

از طرف آقای هاشمی رفسنجانی به این منظور نامه ای به نیروی زمینی نوشته شد. ولی چنین بنظر می رسد که فرمانده نیروی زمینی مشکلات آن نیرو را حضوراً به اطلاع آقای رفسنجانی رسانید و در تاریخ اول مهرماه به سپاه پاسداران پاسخ داد که با توجه به مذاکره حضوری با حضرت حجت الاسلام رفسنجانی، نیروی زمینی ارتش فعلاً از رها کردن لشکر نصر و تحویل گرفتن مسئولیت پدافندی خط أخذ معذور است.^۱ و خطاب به نیروی زمینی، ارتش اعلام می کند:

در اجرای دستور حجت الاسلام رفسنجانی، لازم است نیروی زمینی ارتش خط پدافندی (احد) را تحویل بگیرد، به علت نیاز مبرم به یگان ها، سپاه این خط را به هر حال در ۲۵ آبان ماه تخلیه خواهد کرد و در این رابطه هیچ مسئولیتی را متقبل نخواهد

شد.^۱ فرماندهی نیروی زمینی در ۲۰ آبان ماه به نامه سپاه پاسخ می دهد: امکان اجرای دستور را ندارد.^۲

با کمال تأسف، از بررسی مدارک در دسترس چنین بر می آید که جابه جایی یگان های سپاه و ارتش که نمونه آورده شده یکی از آنها بود تا اوائل ۱۳۶۴ طول کشید.

۲- ادغام نیروها:

با وجود اینکه تجربه، ادغام، ترکیب و هماهنگی نیروهای، سپاه پاسداران و نیروی زمینی در مقاطعی از جنگ اعجاز آفرین و کار ساز بوده و نتیجه غیر قابل انکاری داشته است اما رویدادهای بعدی به روشنی نشان می دهد که این اقدام، موردی، شکننده و غیر قابل اعتماد و تحت شرایط ویژه انجام گرفته و چون هیچ گونه ارتباط تدوین شده ای بین دو نیرو وجود نداشت و نیروهای ادغامی در سلسله مراتب^۳ فرماندهی همدیگر قرار نداشتند. به طور لزوم مسائل، مشکلات و تصمیم گیری های نهایی با دخالت افراد ذی نفوذ^۴ و در پاره ای اوقات با وساطت کسانی خارج از سیستم و به صورت کدخدا منشی حل و فصل می گردید که البته چنین روش هایی در نظام مدیریتی دنیای امروز، آن هم در رأس هرم و در شرایط بحران که دقایق و ثانیه ها در تصمیم گیری سرنوشت ساز است نه تنها جایگاه مطلوبی ندارد، بلکه تردید و عدم قاطعیت در نظام تصمیم گیری و طولانی شدن خط تصمیم گیری، می تواند فاجعه آفرین باشد.

بنابراین بسط و توسعه روش هدایت نیروهای رزمی با دو فرماندهی مستقل و در سازمان های دولتی با دو مدیریت^۵ به عنوان یک الگو و روش امکان پذیر نیست و در میدان عمل

۱. همان، ص ۵۲۰.

۲. همان.

۳. شهید سرلشکر ولی الله فلاحتی، پس از شهادت دکتر چمران، چنین نقل می کند: هیچگاه او (دکتر چمران) به عنوان وزیر دفاع یا نماینده نخست وزیر در امور انقلاب، در سلسله مراتب فرماندهی دخالت نکرد و باعث تضعیف این سیستم نشد. همیشه روی این سیستم تأکید داشت، حتی بخاطر دارم در ستونی که از بانه به طرف سردشت می رفتیم، به اتفاق هم با هماهنگی یکدیگر، در آن زمان که من فرمانده نیروی زمینی و دکتر وزیر دفاع بودند، توافق کردیم تا سرگرد شیبانی فرمانده ستون عملیاتی پذیرفته شود و در کارش مداخله نکردیم.

۴. حضور تقریباً دائمی ریاست محترم جمهور، ریاست محترم مجلس وقت و در پاره ای از اوقات حضور آیات عظام و امامان جمعه و... در منطقه و شرکت در جلسات مشترک، مواردی بودند که برای ایجاد هماهنگی و رفع اختلاف انجام می گرفت. که البته در آن شرایط بهترین و شاید هم تنها راه در پیش رو به حساب می آمد.

۵. انجام وظیفه واحد با مدیرت های جداگانه که با هم ارتباط سازمانی نداشته باشند پس از انقلاب در امنیت داخلی (شهربانی، ژاندارمری، کمیته) و در پشتیبانی دفاعی (وزارت سپاه و وزارت دفاع) و در اقتصاد و تولید (وزارت جهاد، وزارت کشاورزی) مورد

مردود شمرده شده است. درک و باور این نتیجه‌گیری دور از انتظار نیست. زیرا صرف نظر از هر مسئله جانبی دیگر، از دید اقتصادی حذف سازمان‌های موازی به عنوان یک راهکار مناسب شناخته شده از وظائف اولیه برنامه‌ریزان در سطح جامعه می‌باشد و رعایت این اصل، بویژه در کشور ما که مجبوریم پول کمتری در امور دفاعی هزینه کنیم باید به طور جدی مورد توجه دست‌اندر کاران امور دفاعی و امنیتی قرار گیرد.

۳- جدائی نیروها:

حجت السلام هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسد:

"در این عملیات (عملیات رمضان) پیشروی محدود داشتیم، خیلی کمتر از اهداف تعیین شده و اولین ضربه به روحیه رزمندگان که فکر می‌کردند، چیزی نمی‌تواند مانع پیشرویشان شود، وارد شد. همین تجربه در عملیات والفجر مقدماتی هم تکرار شد، با موانعی از نوع دیگر، البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه‌های کلاسیک جنگ می‌اندیشد و دیگری به شیوه‌های ابتکاری و انقلابی و شهادت طلبانه پای می‌فشرد.^۱

مفهوم گفتار آقای هاشمی را به نوعی می‌توان از بیانات سردار محسن رضایی استنباط کرد.^۲

۴- وضعیت ارتش:

بررسی پیشینه جنگ‌های قرن اخیر نشان می‌دهد، هیچ ارتشی در ایام جنگ نه تنها بی‌نیاز از حمایت‌های ویژه دولت‌ها و کمک‌های داوطلبانه مردم نبوده، بلکه پیروزی و یا شکست، همیشه به توانائی استفاده از امکانات نهفته در جامعه و همبستگی و همدلی^۳ نیروهای مسلح و ملت، بستگی مستقیم داشته است. در این راستا ارتش جمهوری اسلامی ایران افزون بر این که از این قاعده نمی‌تواند متمایز باشد، بلکه از آنجائی که وقوع انقلاب تمام زیرساخت‌های آنرا

تجربه قرار گرفت که به دلالت متفاوت، در عمل غیر قابل قبول شناخته شد و مورد تجدید نظر جدی قرار گرفت و در نهایت با تصحیح روش، اصل وحدت سازمانی به مورد اجرا گذارده شد.

۱. هاشمی رفسنجانی، پس از بحران، کارنامه و خاطرات، نشر معرف انقلاب، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۸

۲. درودیان محمد، آغاز تا پایان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷۸

۳. گفته شده است برآستی برای متحد ساختن یک ملت باید جنگی روی دهد، اما حتی در زمان صلح و شاید مخصوصاً در زمان صلح افزایش درک متقابل بین ملت و نیروهای مسلح آن حائز اهمیت فراوانی است. (روحیه جنگی؛ ص ۵۰).

دگرگون کرده بود، به عنوان یک نیاز مضاعف می‌بایستی مورد حمایت افزونتری قرار می‌گرفت در صورتی که پشتیبانی از ارتش در زمان جنگ مشکلات عدیده داشت:

به عنوان یک نمونه روشن می‌توان به افزایش ساختار سازمانی نیروها اشاره کرد که به طور معمول در جنگ با احضار نیروهای ذخیره و احتیاط عملی می‌شود. اما این اقدام به دلیل گسستگی نظام ارتش ناشی از التهاب اولیه انقلاب نه تنها عملی نگردید بلکه در روند سربازگیری به طور سنتی هم خلل ایجاد گردید و تمام سربازان در اختیار ارتش قرار داده نمی‌شدند^۱ و در ایام جنگ همواره یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود نیروی انسانی و به تبع آن یگان مانوری بود. در همین زمینه در کتاب دفاع مقدس آمده است:

"عمده‌ترین مشکلات نیروی زمینی برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت ساز کمبود یگان مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگان‌ها در مواضع پدافندی بود."^۲

به همین دلیل بود که نزاجا در مقاطعی از جنگ برای تحرک در جنگ و انجام عملیات آفندی درخواست واگذاری تعدادی از نیروهای بسیج به این نیرو را داشت که هیچگاه عملی نگردید.

سردار محسن رضائی فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید:

۱. در یک مورد در ابتدای جنگ اقدام به احضار نیروهای احتیاط موسوم به سربازان سال ۵۶ گردید که موفق نبود البته عدم موفقیت در مدارک منتشرشده ناتوانی ارتش در سازماندهی ذکر گردیده است در حالی که با تمام کمبود وسائل و تجهیزات با استفاده از پرسنل کادر مراکز آموزشی به عنوان پرسنل کلیدی تعداد ۵۴ گردان موسوم به قدس تشکیل گردید و در خطوط جبهه از آنان استفاده گردید اما عدم موفقیت اولیه یگانهای تشکیل شده ناشی از برداشت نادرست پرسنل وظیفه ای بود که انقلابی بودن را با هرج و مرج خواهی و عدم تبعیت از فرماندهان (آنهم در زمان جنگ) اشتباه گرفته بودند در صدی از این پرسنل با تحریک گروهکهای ضد انقلاب خواستار رای گیری و انتخابی بودن فرماندهان بودند که بدون تردید بدعتی ساختارشکن بود که شیرازه تحکیم انضباط را در ارتش سست و رعایت اصل و سلسله مراتب فرماندهی را دچار دگرگونی می‌کرد در کتاب ارزیابی ثبات در این باره آمده است:

الف: کمبود نیرو و عدم سازماندهی مناسب نیز به چشم می‌خورد، ارتش نه تنها فرصت توجه به روند تحولات نظامی دشمن را پس از انقلاب نداشت بلکه در آن شرایط توان لازم را نیز برای سازماندهی نیروهای مردمی نداشت، لذا پس از شروع جنگ نیروهای منقضی خدمت سال‌های قبل جذب شدند و البته با این تعداد نیرو (۸۰ هزار تن) امکان سازماندهی پنج لشکر پیاده وجود داشت، لیکن اقدام مناسبی در این زمینه انجام نگرفت.

ب: مجلس محترم شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۹ با تصویب یک لایحه اجازه استفاده از نیروهای وظیفه را به سپاه پاسداران به شرح زیر داد: به سپاه پاسداران اجازه داده می‌شود که تعداد نفرات مورد نیاز خود را از میان مشمولین خدمت نظام وظیفه طبق ضوابط و صلاحیت‌های مقرر در سپاه پاسداران انتخاب کند و آموزش دهد و پس از پایان خدمت وظیفه برگ خاتمه خدمت صادر نماید.

۲. نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس؛ ص ۱۳.

نگاه اجمالی به بعضی عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات / ۱۷

"عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه نیروهای بسیج را به سپاه بدهند بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند، قبل از عملیات والفجر مقدماتی همین بحث‌ها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد."^۱

نگاه کارشناسانه از منابع مختلف به پاره‌ای آمار و ارقام ... و مقایسه گسترش سازمان خودی و دشمن در سال‌های جنگ، روشن‌گر محدودیت‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات مستقل و مداوم می‌باشد.

جدول زیر آمار پرسنلی نیروهای سه گانه در ۸ سال دفاع مقدس را نشان می‌دهد^۲:

سال	کل نیروهای نظامی	نیروی زمینی	نیروی هوایی	نیروی دریائی
۱۳۵۹	۲۴۰ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۷۰ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۰	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۱	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۲	۲۰۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۳	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۴	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۵	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر
۱۳۶۶	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر

توجه: جدول فوق تقریبی بوده و احتمالاً ۱۰ الی ۱۵ درصد اختلاف دارد.

در رابطه با جدول ارائه شده محدودیتهایی که در افزایش یگان‌های رزمی وجود داشت، موارد زیر قابل ذکر هستند:

الف - برابر جدول ارائه شده آمار پرسنلی نیروی هوایی به نصف و نیروی دریائی به ۲/۳ تقلیل پیدا کرده است، استفاده فراوان از هواپیماهای شکاری بمب افکن نیروی هوایی در ۲ الی ۳ ماه اول جنگ (شاید هم استفاده بیش از حد برای متوقف کردن هجوم اولیه متجاوز لازم بوده باشد)، عدم امکان پشتیبانی آمادی مؤثر از این نیرو به علت تحریمهای اعمال شده،

۱. درودیان محمد، آغاز تا پایان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷۸

۲. لطفیان، سعیده؛ ارتش و انقلاب اسلامی؛ ص ۴۹۷.

کاهش توان رزمی و زمینگیر شدن (ground) هواپیما و بالطبع تقلیل نیروی پرسنلی تا حد نصف و همین استدلال در مورد نیروی دریایی، وضعیت این دو نیرو در از دست دادن درصدی از توان رزمی خود را توجیه می‌کند.

ب - نیروی زمینی که بیشترین بار جنگ را به دوش داشت، تعداد نیروهایش در چهار سال اول جنگ در حد ۱۵۰ هزار ثابت ماند و تنها در دو سال آخر ۱۵۰ هزار نفر پرسنل وظیفه به آن اضافه گردید.

پ - نیروی زمینی از همان روزهای آغاز جنگ دست به گسترش سازمان خود زد و چون منابع لازم را در اختیار نداشت با استفاده از نیروی انسانی پشت جبهه (عموماً مراکز آموزشی) و کم و زیاد کردن یگان‌های رزمی اقدام به تشکیل چند یگان نمود. (تیپ چهارم چند لشکر) بنابراین همیشه با کمبود پرسنل سازمانی مواجه بود که با واگذاری تعداد بیشتری پرسنل وظیفه در دو سال آخر جنگ ضمن اینکه کمبود سازمانی یگان‌های موجود رزمی را بر طرف نمود البته در حد جایگزین تلفات رزمی اقدام به تشکیل چند تیپ مستقل و تعدادی یگان قدس نمود.

ت - درباره اقلام و تجهیزات عمده برای یگان‌های جدید التأسیس و جایگزینی اقلام عمده انهدامی و تعمیری، آنقدر شرایط نامطلوب بود که جای هیچگونه تحلیل و تفسیری نمی‌ماند. با توجه به این که تهیه بیشتر تجهیزات و سلاحهای سنگین از منابع داخلی امکانپذیر نبود و خرید از منابع خارجی با محدودیت شدید همراه بود، نیروی زمینی مجبور گردید یگان‌های خود را با بهره برداری از اقلام آمادی موجود در آمادگاهها تجهیز نماید. که این خود نقض غرض است زیرا این اقلام محدود بطور معمول برای جایگزین کردن اقلام انهدامی پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است در مواردی با برداشت از اقلام بعضی از یگان‌های رزمی، سایر یگان‌ها تجهیز می‌شدند.

ث - به علت پایبندی جمهوری اسلامی ایران به آنچه ارزشهای انقلاب نامیده می‌شد و غیر قابل انعطاف بودن سیاست خارجی، اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان از فروش تجهیزات مناسب مورد نیاز که به طور اجبار در زمان جنگ افزایش یافته بود، خودداری می‌کردند. به طوری که هیچگاه نتوانستیم سلاحهای مورد نیاز خود را به میل و اراده خود انتخاب کنیم چون خریدهای محدود انجام شده از مجاری مختلف و از روی اجبار و با واسطه انجام می‌گرفت در مجموع از کیفیت مطلوب برخوردار نبودند و بهره‌وری چندانی نداشتند، آماده نگهداشتن این

تجهیزات برای نیروها همراه با مشکل و دردسر بود، در تحلیلی در این باره از کتاب ارتش و انقلاب اسلامی می‌خوانیم:

"ایران با توجه به تحریم تسلیحاتی، از منابع متعددی تسلیحات لازم ارتش را با دشواری بدست می‌آورد. در بین فراهم آورندگان جدید جنگ‌افزار برای ایران می‌توان به کشورهای کره شمالی، چین و برزیل اشاره کرد. گوناگونی تسلیحات خریداری شده از کشورهای مختلف، مسأله آموزش نیروها و تهیه قطعات یدکی را بسیار دشوار ساخته بود. اما ایران درگیر جنگ تحمیلی فرسایشی دچار کمبودهای دائمی تسلیحات لازم برای نیروهایش، مجبور به خرید اسلحه از تمام منابع موجود بود^۱."

شرائط دشمن به طور کامل با ما متفاوت بود. افزایش سازمانی آن، چنان گسترده و به سرعت انجام می‌گرفت که حتی کسب اطلاعات از همه یگان‌های تازه تشکیل به طور معمول با تقریب و دیر هنگام امکان پذیر بود.

سرلشکر وفیق سامرائی (رئیس اطلاعات نظامی عراق) که توان ماندن در فضای پر از جور و ستم حکومت حاکم بر عراق را از دست داده و در حال تبعید به سر می‌برد در کتاب دروازه ویرانی شرقی می‌گوید:

نیروهای مسلح عراق در سال ۱۹۸۷ به بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیدند زیرا نیاز دفاع (ساکن) گسترش یکصد و سی تیپ منظم در طول جبهه برای چند سال متمادی بود^۲.

سرتیپ ۲ عبدالحسین مفید از مسئولین معاونت عملیات و اطلاعات نزااجا، دانسته‌های خود را درباره گسترش و افزایش سازمان رزمی دشمن در طول جنگ، در کلیه مناطق عملیاتی چنین بیان می‌کند:

"سازماندهی قرارگاه سپاه ۴ در شهریور ماه ۱۳۶۰

تشکیل لشکرهای ۱۴ و ۱۵ پیاده در سال ۱۳۶۰

تشکیل لشکرهای ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۶ پیاده در سال ۱۳۶۱

تشکیل لشکرهای ۱۷ زرهی و ۱۸ و ۱۹ پیاده در سال ۱۳۶۲

تشکیل لشکرهای ۳۵، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴ پیاده در سال ۱۳۶۳

۱. لطفیان، سعیده، ارتش و انقلاب اسلامی، ص ۴۲۵

۲. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص ۱۴۰.

تشکیل لشکرهای ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۳۲ و ۴۵ پیاده در سال ۱۳۶۴ سازماندهی قرارگاه سپاه ۵ در تیرماه ۱۳۶۴ (این قرارگاه به نام نیروهای عمود تغییر نام داد)

تشکیل قرارگاه سپاه ۶ (بنام نیروهای الحکم) در شهریور ۱۳۶۴

تشکیل قرارگاه سپاه ۷ (بنام نیروهای ذیقار) در شهریور ۱۳۶۴

بدون تردید آنچه را سرتیپ ۲ مفید درباره بزرگ شدن ارتش عراق گفته، مربوط به منطقه مسئولیت ایشان در جنوب می‌باشد و همه یگان‌های جدید التأسیس را شامل نمی‌گردد. فراهم کردن امکانات برای حجیم شدن ارتش عراق در حد و اندازه‌های گفته شده نه تنها در توان کشور عراق به رهبری صدام نیست، حتی با استفاده از دلارهای ۴۵ میلیاردی چند کشور عربی هم میسر نمی‌گردد و نیاز به حمایت کشورهای سازنده سلاح و تجهیزات نظامی دارد که به هر طریق به وسیله حکومت بعث جلب شده بودند.

یک مفسر غربی به نام کنت آرتیمِرن می‌گوید:

"جمعاً ۴۴۵ شرکت غربی به صدام کمک می‌کردند تا ماشین مرگ صدام به حرکت درآید".^۱

علاقه و به کلامی بهتر، جنون حاکم شرور و جنگ طلب بغداد در تبدیل عراق به یک پادگان نظامی آنچنان است که شخصی به طعنه درباره آن گفته است:

"او آنقدر مردمش را دوست دارد که می‌خواهد آنها با پای مصنوعی ساخته شده با آخرین و پیشرفته‌ترین تکنولوژی راه بروند."

در مقام مقایسه توان جایگزینی ارتشهای ایران و عراق با نگرش به حمایت بی قید و شرط کشورهای ریز و درشت جهانی از عراق، سرهنگ سید یعقوب حسینی که با نگارش ۷ جلد کتاب، خدمت بزرگی به بازگویی جنگ کرده است می‌نویسد:

"اگر ایران چیزی از دست می‌داد دیگر جایگزین نمی‌شد. درحالی که ارتش عراق هر مقدار وسائل و تجهیزات از دست می‌داد، احتمالاً بیش از دو برابر آنها با کمک پشتیبانان همه جانبه بین‌المللی وی تأمین می‌گردید. و هر قدر فشار نظامی ایران بر نیروهای عراق در میدانهای جنگ شدیدتر می‌شد به نسبت مضاعف، پشتیبانی از حکومت و ارتش عراق به وسیله اغلب کشورهای جهان، هر کدام در حد توانائی سیاسی

۱. تیمِرن، کنت آر؛ سوداگری مرگ؛ ص ۷۵۳.

و اقتصادی و نظامی خود افزایش می یافت. و بدین طریق حالت منزوی شدن ایران در مجامع بین المللی قویتر می گردید. چنانکه چند کشور معهود عربی که در آغاز جنگ حداقل به ظاهر از حکومت جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز نظامی عراق حمایت می کردند، آنها نیز یکی بعد از دیگری رشته های الفت و مودت با جمهوری اسلامی ایران را ضعیف تر کردند و کشورهایی که به ظاهر درباره جنگ ایران و عراق اعلام بیطرفی کرده بودند، بتدریج طرفداری خود را از حکومت عراق نمایان ساختند. که نتایج نهائی آن در نبرد خلیج فارس و حضور ناوگان جنگی آمریکا و اروپای غربی در آن و همچنین موشک باران تهران، اصفهان، شیراز به وسیله موشکهای میان برد ساخت شوروی توسط ارتش عراق کاملاً مشهود گردید.^۱

به هر حال ماشین مرگ صدام (به قول تیمرمن آمریکائی) آنقدر بزرگ و بزرگتر شد که به عنوان خطری برای بزرگ کنندگان آن به حساب آمد تا جائی که از ترس آن بلافاصله پس از جنگ با ایران با دسیسه چینی شرائطی را برای انهدام این ماشین مرگ فراهم کردند، ژنرال اسکوکرافت (مشاور امنیت ملی آمریکا) پس از جنگ نفت درباره قدرت ارتش عراق گفت:

"پنتاگون در خلال جنگ با عراق دریافت که با دشمن بسیار پیچیده و مجهزی روبرو است که هرگز فکرش را نمی کرده است. ما یک مرکز فرماندهی و تسهیلات کنترل را نابود می کردیم، فردا می دیدیم یکی دیگر جایگزین آن شده است. آنرا هم از بین می بردیم، اما باز یکی دیگر جایش را می گرفت. هزینه و برنامه ریزی باورنکردنی که (صدام) در ایجاد قابلیت نظامی به کار برده بود وحشتناک است."^۲

اگر در این کتاب از قدرت ارتش دشمن آنهم به اعتراف سیاستمداران غربی که بیشترین حمایت را از آن به عمل آوردند صحبتی به میان می آید برای دادن نوید به رزمندگان ایران است که حریف زمان نبردشان آن چنان قوی بوده است که میلیتاریستهای غربی را به وحشت انداخته بود و این در حالی است که این دشمن جهانی در مقابل ایران، خوار و ذلیل و ناکام از رسیدن به اهداف خود بود. و این افتخاری ماندگار در تاریخ برای نیروهای مسلح سلحشور ایران است که با تمام کمبودها و فشارهای روانی غیر قابل ذکر، با فداکاری و ایثارگری و جانفشانی، بیش از توان خود عمل نمود.

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ جلد ۷ ص ۴۹۷ و ۴۹۸

۲. تیمرمن، کنت آر؛ سوداگری مرگ؛ ص ۷۴۵.

۵- وضعیت سپاه پاسداران:

امروزه در بازخوانی توانمندی سپاه پاسداران با سرفرازی می‌توانیم ادعا کنیم این مهم در سایه هدایت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و صداقت، گذشت، تلاش، تدبیر و احساس مسئولیت فرماندهان، افسران و درجه داران ارتش به گونه‌ای انجام گرفت که در هر مورد در کوتاهترین زمان ممکن، تجربه، دانش نظامی و مهارت‌های فنی به نیروهای مستعد و علاقمند و با شور سپاه پاسداران منتقل گردید. که آثار و برکات آن در هشت سال دفاع مقدس بر کسی پوشیده نیست. در توجیه این توانمندی در بعد تربیت نیروی انسانی کارآمد و انتقال دانش نظامی، همین بس که اگر نیرویی در یک عملیات به عنوان فرمانده گروهان عمل کرده بود، در عملیات بعدی فرمانده گردان و در عملیات سوم فرماندهی تیپ یا لشکر را عهده‌دار می‌گردید و یا در نمونه دیگر با نادیده گرفته شدن مدارج تحصیلی و اساسنامه‌ها مراکز آموزشی فقط با هدف انتقال دانش نظامی چه بسیار کسانی را بدون گذراندن آموزشهای مقدماتی رسته‌ای، اجازه ورود به کلاسهای آموزش عالی و حتی ورود به دانشکده فرماندهی و ستاد را می‌یافتند و از این طریق مجوز احراز مشاغل عمده و بویژه فرماندهی را دریافت کردند و البته این تلاش دلسوزانه ارتش همراه با انگیزه ایمان و علاقه به فراگیری و روحیه ابتکار و جسارت و خلاقیت در برادران سپاهی از سپاه، یک سازمان مقتدر نظامی و رو به رشد ساخت.

طرح بسیج که نوعی احضار عمومی برای شرکت در جنگ محسوب می‌گردید با فرمان امام خمینی (ره) به اجرا در آمد و بدینوسیله فرصت بسیار مناسب دیگری در تکمیل نیروی انسانی و تشکیل یگان‌های سپاه پاسداران بدست آمد. یگان‌های رزمی سپاه با گذشت زمان و جنگیدن در کنار نیروهای سازمان یافته نزاچا و بویژه با تشکیل قرارگاه‌های مشترک که به ابتکار فرماندهی وقت نزاچا (شهید صیاد شیرازی) تشکیل گردیده بودند، تجربه کافی را کسب نمودند.

با این وصف و با وجود فراهم شدن نیروی انسانی و تشکیل یگان‌های متعدد، به دلیل این که تمام مراحل گفته شده در فرصت کوتاه و تحت شرایط اجبار و نیاز و خارج از روشهای معمول عملیاتی شدن یک یگان انجام گرفته بود، از دوام و قوام مناسب برخوردار نبود. لذا ملاحظه می‌شود در مواردی حتی برای انتخاب فرمانده مناسب برای یگان‌های تشکیل شده و مهیا کردن سلاح‌های سنگین پیاده با مشکل روبرو می‌شدند و نیاز به پشتیبانی جدی بود، در مجموع عدم برخورداری از سلاح‌های سنگین پیاده، سلاح‌های

زرهی، توپخانه، پشتیبانی هوایی، مراکز آموزشی جهت ارائه آموزش‌های مناسب، محدود بودن مدت خدمت نیروهای بسیج، جوان بودن^۱، عدم استحکام بنیان‌های انضباطی، عدم آگاهی و باور به رعایت اصول جنگ و روش‌های کلاسیک^۲ مورد قبول ارتش‌ها در سطح جهان را می‌توان به عنوان مشکلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای عملیات به طور مستقل مورد نظر قرار داد، لذا توجه به این واقعیات است که یکی از تحلیلگران حقیقت نگر سپاه می‌گوید:

پیشروی توأم با دشواری فوق العاده در عملیات کربلای ۵، ناظر بر این معنا بود که نیروی زمینی سپاه، به رغم در هم شکستن کلیه خطوط و استحکامات دشمن به دلیل در اختیار نداشتن نیروی زرهی و پشتیبانی هوایی مناسب، قادر به پیشروی در عمق مواضع دشمن نبود. این کاستی اساسی در بنیه نظامی رزمندگان اسلام سبب گردید با وجود موفقیت‌های بدست آمده در شرق بصره، تدریجاً دور عملیات کند و متوقف شود و در پی آن امکان ادامه جنگ در منطقه جنوب حداقل برای مدتی غیر ممکن ارزیابی شود و ... در این مرحله به ابزاری جدید، مانند امکانات زرهی و پشتیبانی قوی هوایی نیاز بود^۳.

موارد مشابه زیادی وجود دارد که مشکلات در انجام عملیات به طور مستقل را به اثبات می‌رساند. به عنوان نمونه دیگر در رابطه با سقوط فاو که در اوج سازمان یافتگی سپاه اتفاق افتاده است نویسنده از قول یکی از فرماندهان ارشد سپاهی می‌نویسد:

۱. با توجه به گستردگی و پیچیدگی امور تاکتیکی و تکنیکی جنگ‌های امروزی، اکثر کارشناسان امور امنیتی و دفاعی در سطح جهان معتقد هستند که حداقل ۱۵ الی ۲۰ سال وقت لازم است تا یک جوان مستعد با طی مراحل آموزشی مختلف و کسب تجربه بتواند مجوز کسب فرماندهی گردان و تیپ را دریافت نماید و تمام برنامه ریزیها و سرمایه گذاریها دفاعی با توجه به این پندار تشکیل می‌گیرد.

۲. رعایت اصول جنگ و استفاده از روشهای کلاسیک که مورد تأکید طراحان و فرماندهان ارتش جمهوری در طول جنگ بود بارها به عنوان نکات ضعف از طرف برادران سپاه پاسداران نقد گردیده است با این وجود، فرماندهان و مسئولین ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هر فرصت و بویژه پس از فراغت از جنگ با شرکت در کلاسهای دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا و حتی با دعوت از استادان مجرب این دانشگاه و تشکیل کلاسهای فشرده خود را ملزم به فراگیری اصول جنگ و روشهای کلاسیک نمودند و فراتر از این اقدام اساسی هم اکنون دانشگاه امام حسین (ع) مسئولیت آموزشهای شناخته شده نظامی را به عهده دارد.

۳. شلمچه تا حلبچه؛ ص ۱۴۲.

فرماندهان سپاه تلاش‌های زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو، هلی کوپتر، هواپیما و سیستم پدافندی هاگ انجام دادند، ولی همانند سایر نیازمندیهای سپاه این در خواست‌ها نیز تأمین نشد و ...^۱

خواندن این سطور از زبان فرماندهان ارشد سپاهی نشان‌دهنده احساس نیاز به پشتیبانی مؤثر از طرف بخش دیگری از نیروهای مسلح (ارتش) و گله و شکایت از وضع موجود است لذا با نگرش و اطلاعات کافی از توانائیهای دو نیرو بود که مسئولین ارشد اداره کننده جنگ با مدارا و مصلحت اندیشی به این نتیجه کاربردی رسیده بودند که با وجود اختلاف و مشکلات اساسی، از دو نیرو در کنارهم برای ادامه جنگ استفاده کنند و این کار سنجیده و حساب شده‌ای بود که در آن مقطع زمانی بهترین و شاید تنها ترین شیوه برای پیشبرد اهداف جنگ محسوب می شده است و تأکید مسئولین، فرماندهان و بویژه تأکید حضرت امام (ره) برای ایجاد وحدت در هر فرصت بستگی به ارزیابی دقیق از وضعیت و شرائط موجود بوده است. حضرت امام (ره) به عنوان فرماندهی کل قوا یکی از عوامل افزایش توان دفاعی را در سایه وحدت ارتش و سپاه تبیین کردند، تا آنجا که ایجاد اختلاف بین دو نیرو را از اهداف دشمن دانسته و می فرمایند:

"اگر روزی بین ارتش و سپاه اختلاف ظاهر شود، در آن روز آمریکا به هدف خود نزدیک خواهد شد."^۲

و یا در جایی دیگر با اعتقاد به وحدت نیروها خطاب به فرماندهی سپاه می فرمایند:

این جور فکر نکنید که شما به تنهایی می‌توانید جنگ را جلو ببرید، یا ارتش فکر کند، به تنهایی می‌تواند این کار را به انجام رساند، با هم این جنگ را جلو ببرید و با هم دفاع کنید.^۳

در اهمیت همکاری سپاه و ارتش همین بس که بارها مورد تأیید و تأکید منابع تبلیغاتی در جهان قرار گرفت و خطری را که از این بابت متوجه نیروهای دشمن می‌گردید گوشزد می‌کردند. روزنامه لوموند فرانسه در تاریخ ۱۹۸۲/۴/۱ نوشت:

۱. سند شماره ۶۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو؛ ص ۱۲۹.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۱/۱۲/۱۴.

۳. مبلغ، محمد؛ مجموع خاطرات؛ ص ۱۴۲.

ارتش ایران نه تنها خود را منظم و قانونی جلوه گر ساخته است بلکه خیلی جنگجو و توانا نیز می‌باشد، همکاری پاسداران با ارتش موجب پدیدار شدن پیروزی‌ها شده است.

اما صد افسوس از این که با تمام سفارشات لازم که در هر فرصت از طرف مسئولین و اداره کنندگان جنگ می‌شد و از تمام ابزار ممکن برای نزدیک کردن نیروها و رفع اختلاف بهره برده می‌شد. کماکان بین دو نیرو برای ادامه جنگ و شیوه بکارگیری نیروها و طرح‌ریزی‌ها اختلاف نظر جدی وجود داشت و اختلاف رأی و عقیده بود که بارها جبهه‌ها را دچار رکود نمود و بدینوسیله زمان و فرصت از دست می‌رفت افزون بر این در روحیه پرسنل نیروهای مسلح و حتی مردم در پشت جبهه اثر منفی می‌گذاشت. در کتاب آغاز تا پایان آمده است:

عملیات والفجر مقدماتی در موقعیتی که بسیاری از مسئولین کشور با امیدواری به صحنه جنگ می‌نگریستند در تاریخ ۶۱/۱۱/۱۸ آغاز شد، مواجه شدن رزمندگان با خطوط دفاعی جدید عراق و مشکلات ناشی از رمل بودن منطقه عملیات و سایر مشکلات و ناهماهنگی‌ها مانع از دستیابی به اهداف عملیات شد ضمن اینکه اختلاف نظر ارتش و سپاه در موارد طرح ریزی، فرماندهی و اجرای عملیات برای نخستین بار آشکار گردید.^۱

و در ادامه همین نوشته آمده است:

ناکامی در عملیات (والفجر مقدماتی) دامنه اختلاف نظر ارتش و سپاه را آشکار نموده لکن اندیشه اجرای عملیات به صورت مستقل توسط سپاه و ارتش که عملاً از عملیات خیبر آغاز شده بود در این عملیات ریشه گرفت.^۲

در سندی دیگر دامنه اختلاف ارتش و سپاه به جایی میرسد که فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و مبتکر «ترکیب مقدس» ارتش و سپاه سپهبد شهید صیاد شیرازی که برابر رفتار معمول کمتر دوست داشت از ناکامیها صحبت کند، در تحلیل علت ناکامی عملیات رمضان در کتاب ناگفته‌های جنگ می‌گوید:

هر کدام از این تحلیل‌ها تا اندازه‌ای درست است ولی چون نبرد و رزم ما رزم عقیدتی بود، یعنی بعد عقیده بر ما حاکم بوده، من شخصاً جزو آن دسته هستم که ضمن این

۱. درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۹۹.

۲. همان.

که بعضی از ملاکهای دو بعد دیگر را قبول دارم بعد اصلی را در این می بینم و می گویم اخلاص، توکل و توجه به خدا که در بیت المقدس داشتیم، از فتح المبین بیشتر نبود ولی به اندازه ای بود که خدا به ما نصرت بدهد. ولی در اینجا (رمضان) کم آورده بودیم. حالت غرور به وجود آمده بود و البته یک مقدار هم ارتش و سپاه به طرف خود محوری رفتند، یعنی ارتش برای خودش می گفت: من هستم، این دو تا «من‌ها» شروع شد. یعنی احساس موجودیت ارگانی در هر دو شکل گرفت. هیچ کدام زیر بار هم دیگر نمی رفتند و خود به خود باید یکی از آنها باقی می ماند و آن یکی می رفت. آن یکی می گفت تو برو برای خودت به جنگ که معلوم بود ضعیف می شود، حالا هر کدام می خواست باشد.^۱

۶- نتیجه:

اینک بعد از گذشت سال‌ها، این تجربه فراروی ماست که:

الف: تجربه بکارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقاطعی، جواب مثبت داده است ولی تجربه موفقی نبوده و در دراز مدت، شکننده، غیر قابل اعتماد و اختلاف بر انگیز است و نیازمند یک هیأت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده فرماندهی می باشد. این نوع مدیریت در فضای بحرانی جنگ که لحظه‌ها در تصمیم گیری سرنوشت ساز هستند کاربرد مناسبی ندارد.

ب: با توجه به اینکه اقدام فوق در یک جنگ طولانی و در شرائط انقلابی به وسیله نیروهای مؤمن، فداکار و مسئولینی دلسوز و خیر خواه و با رهبری امام خمینی (ره) به کار گرفته شد و موفقیت‌ها بدلیل این ویژگی‌ها بود اما در عمل و در دراز مدت، با مشکلات و در نهایت ناهماهنگی و تنش‌های فراوانی روبرو گردید و آسیب‌هایی به بار آورد.

ج: گرچه ممکن است افکار سیاسی مانع انتخاب راه کارهای مناسب در شیوه مدیریت دفاعی کشور شود، اما نباید فراموش کرد که تضمین امنیت پایدار برای کشور از هر باور و گمانی مقدم‌تر است.

۱. ناگفته‌های جنگ صیاد شیرازی؛ ص ۳۳۲.

والتر لپپمن (walterlippman) نویسنده و محقق آمریکایی می گوید:

"یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای ملی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد، امنیت ملی عاملی برای حفظ ارزشهای ملی یک کشور است."^۱

لذا نیاز امنیتی کشور تکلیف می کند که:

یک گروه کارشناسی با تجربه بدون لحاظ کردن هر ملاحظه ای و فقط با توجه به اهمیت امنیت دفاعی کشور، راهکار مناسبی را برای بهره برداری از امکانات موجود دفاعی کشور در جهت ایجاد امنیت دفاعی تضمین شده پایدار تدوین و برای تصمیم گیری نهایی تقدیم فرماندهی کل قوا نمایند.

اهمیت این نگرش در کلام رهبر دوراندیش انقلاب امام فرزانه و حکیم نمایانده شده است. آقای هاشمی رفسنجانی پس از انتصاب به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا طی یک مصاحبه مطبوعاتی می گویند:

حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است: موضوع اصلی یکی اینکه باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع بهتر استفاده شود، که به خاطر چند گانگی نیروهای مسلح از امکانات به خوبی استفاده نمی شود.^۲

در کتاب روند جنگ ایران و عراق صفحه ۱۴۹ این چنین آمده است:

"در زمستان سال ۱۳۶۴، ایران به دنبال آن بود که با اجرای یک عملیات سرنوشت ساز، ضربه نهایی را به رژیم بعث عراق وارد کند و یا با رسیدن به اهداف خود، جنگ را پایان دهد. آقای هاشمی رفسنجانی در جلسه ای پیش از آغاز عملیات والفجر ۸ و در جمع فرماندهان در دزفول گفت: «شما از اروندرود عبور کنید و به آن طرف بروید و منطقه فاو را تصرف کنید، ما جنگ را تمام می کنیم.»

پیروزی در این عملیات می توانست تا حدودی از روند سقوط قیمت نفت که در زمستان سال ۱۳۶۴ به شدت کاهش یافته بود، جلوگیری کند. سپاه پاسداران تمام امکاناتش را برای اجرای موفق عملیات والفجر ۸ بسیج کرد. از جمله ده ها هزار نفر از بسیجیان داوطلب که تحت عنوان "راهیان کربلا" عازم جبهه های جنگ شدند، به

۱. روزنامه همشهری، ۸۱/۱۰/۲۲.

۲. مصاحبه آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۱/۲/۱۳.

همراه تمامی واحدهای توپخانه سپاه و ارتش و همچنین موشک های هاگ و راپیر و تعدادی از بالگردهای هوانیروز و هواپیماهای نیروی هوایی ارتش. تا آن هنگام و برای هیچ عملیاتی این همه امکانات و نیرو پای کار نیامده بود. سپاه پاسداران در منطقه فاو عملیات خود را با بکارگیری دو قرارگاه کربلا و نوح برنامه ریزی کرده بود. ارتش نیز قرار بود همزمان در منطقه شلمچه عملیات مستقل خود را انجام دهد. قرارگاه خاتم الانبیاء هم فرماندهی و اداره دو قرارگاه سپاه و ارتش را بر عهده داشت.^۱

۱. علایی، حسین، دکتر، روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم، انتشارات مرز و بوم، تهران، ۱۳۹۱.

فصل دوم:

ارتش در عملیات والفجره

دستور العمل عملیات

عملیات والفجر ۸ با دستور العمل قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) به شرح زیر اجرایی گردید:

بگلی سزی

«دستور العملی بقرارگاه خاتم الانبیاء (ص)»
والله اعلم بالصواب

دستور العملی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)

۱- عملیات :

الف - نیروهای مسلح صیقلی اسلامی ایران ضمن پیاده شدن از مودهای کشور
عملیات ابتدایی را دستورالعمل مودهای متجاوز و دارن در دسترس به قبول سوله
برحق ایران اولی میخیزد -

ب - قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) دستورالعملی عملیات ابتدایی در منطقه جنوب
غربی کشور قبیل بشود . این قرارگاه قبل و بعد از حمله خاتم (۱) (سیاه پاندان)
و قرارگاه خاتم (۲) (سزی سزی آریز) و سزی سولی و دانی آریز صیقلی
اسلامی ایران را در منطقه تاخلفه عملیات فرق بهیخته خواهد گرفت و دست
(الف - عملیات)

۲- تأسیسات : قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) ضمن پیاده شدن در منطقه در سلامت (ص)
و در (ص) در منطقه عملیاتی جنوبی کف پیروزه و حسن (ص) و اسطوخا
الکلی و الصبی را به خط آبیاری رده منطقه نادر و راس البیضاء و جزیره
۳۱ (ص) و جزیره ۳۱ (ص) و خط نهر را در منطقه شلمچین تا سبیلین
۳- دستورالعملی :

قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) عملیات ابتدایی را با استفاده از مود قرارگاه
خاتم (۱) و جنوب (ص) و دستورالعملی به خط آبیاری و جنوب (ص) و جنوب (ص) و جنوب (ص)
و تأسیسات خط آبیاری خاتم (۲) در منطقه (ص) و دستورالعملی به خط آبیاری و جنوب (ص)

بگلی سزی

همچنین دستورالعملی برای قرار دادن خام (پایه) در آب

نصف آب را میزنند، همزمان سوزی در آب آتش میزنند و سوزی را میزنند
بیا را نصف میزنند. پوسته (کاف) میزنند
سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند
و درجه سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

۴ - وظایف و مسئولیتها:

الف - ق. خام

۱۱. بهیچانند از سوزی سوزی را میزنند.

۱۲. در سوزی سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند
و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

۱۳. احتیاط خود را در سوزی سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

نماید، کار را با سوزی سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

۱۴. سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

نماید سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

۱۵. سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

ب - ق. خام

۱۱. بهیچانند از سوزی سوزی را میزنند.

۱۲. با سوزی از سوزی سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

خط سوزی را میزنند.

۱۳. در سوزی سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند و سوزی را میزنند.

ب. خام

تشیب دستور العمل کنی ق ختم الانبساط

بکلی مدزی

(۴) آماده باشید میزان تا سیم خط منتهی یا در دستور مدنی خود به طیف
عرب به شیایان الحاد داده و یا بعد از زحمت خاتم اراکین و تشیایان نمایند.
(۵) احتیاط خود را در منطقه عمومی دشمنی و خارج از آن مستقر نمایند
کاربرد احتیاط با دستور قرارگاه خاتم الانبساط (۱۰۰).
ب - نهانجا : تشیایان نزدیک مدالی برای نگاهای مانورهای فرازم
نموده پیش مدالی منطقه را با توجه به منورهای تا سیم نمایند.
ث - نهانجا :

«۱» حلقه پراستورف، دمانه خود را در حال مانور و مدالی قرار
دشمن مستقر کنند.

(۶) ملاحظات قرارگاه خاتم ارا در جهت منورهای تشیایان نمایند.
ث - قرارگاه بعد : بکلی، پرتیب تقدم، میانه مدالی منطقه
عبور، قرارگاه خاتم الانبساط، قرارگاه خاتم ارا، ق خاتم ۲ را
فرازم نمایند.

ج - محدودی مدزی : تشیایان عمومی، بافتن کت در مانور
عبور، عبور نگاهای مانور را منتهی و منتهی نمایند.

ح - هراسیانی مدزی : ارتش جمهوری اسلامی ایران : تشیایان عمومی
د - منورهای

الف - ساعت (۱۰۰) روز (۱۰۰) تماماً اطلاع خواهد شد.

بکلی مدزی

ضمیمه دستورالعملی ق. خاتم الانبیا (عجلی سرزی

- ب - معن استعاره خوارگاه تا شکی بعد از اتمام شود .
 ب - این عملیات با عملیات و المنور ۷ نامگذاری میشود .
 و السلام

ف. ق. خاتم الانبیا (عجلی سرزی

۵۶/۱۱/۱۳۵۸
 ۱۳۵۸

یوم شنبه :

الف - نیت معما :

ب - کلمات معنیات

تبریکات

- قرآن - خاتم ۱ : نخت ۲ از ۵ نخت
 قرآن - خاتم ۲ : نخت ۳ از ۵ نخت
 قرآن - خاتم ۳ : نخت ۴ از ۵ نخت
 قرآن - خاتم ۴ : نخت ۵ از ۵ نخت

قرآن - خاتم ۵ : نخت ۵ از ۵ نخت
 قرآن - خاتم ۶ : نخت ۶ از ۵ نخت

بکا

پروستانت (لیندبرگ) - بگلی سزای

- ق. خاتم ۱

سایه‌سازان انقلاب اسلامی

یامزده گریان قومخانه سزای زمینی ارتش جمهور اسلامی ایران (در تیرک سزای)

- ق. خاتم ۲

مزدک زمینی ارتش جمهور اسلامی ایران

۲۷ مردگان بسیجی (مردگان ۱۰۰ نفر)

- ق. وید

میراثه حوایی نجای (زمین دهوا)

عناصری از زمین امت حوایی مزدک زمینی ارتش جمهور اسلامی ایران (در تیرک سزای)

- سزای حوایی ارتش جمهور اسلامی ایران.

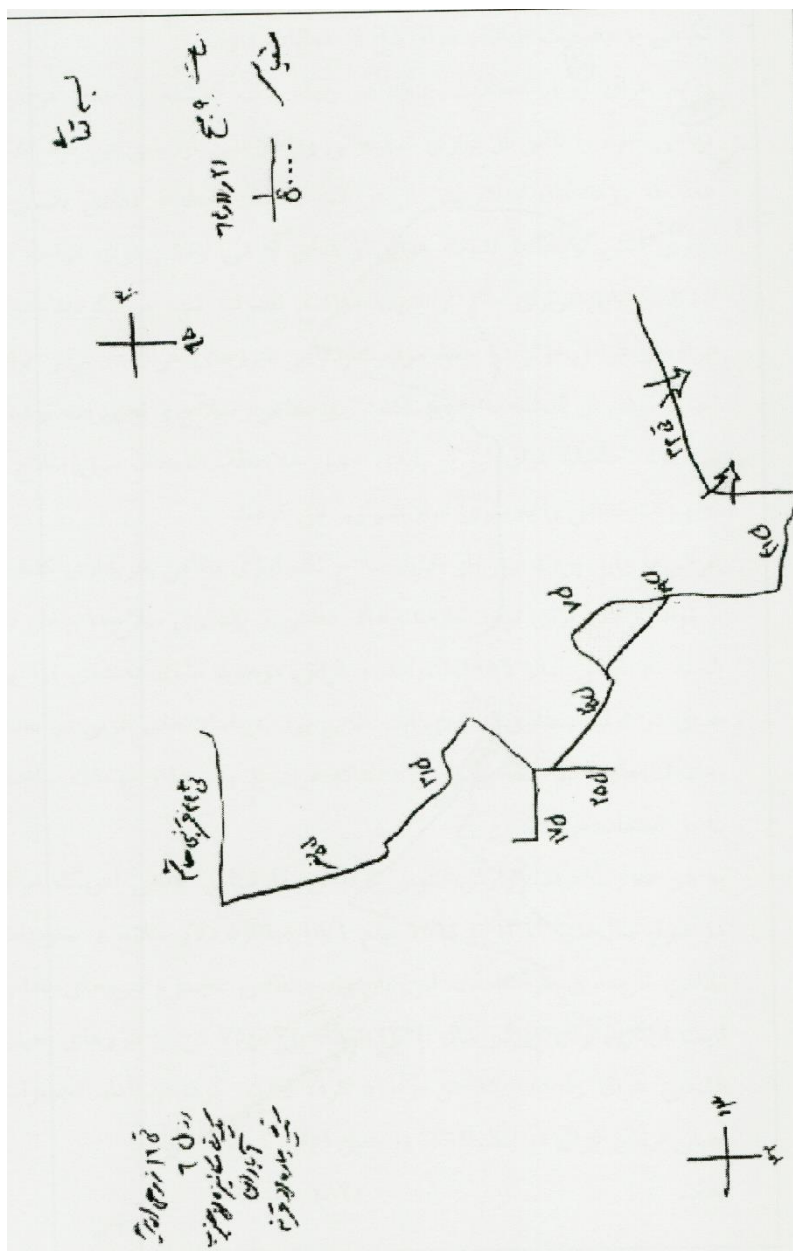
سزای حوایی ارتش جمهور اسلامی ایران.

موتورهای بزرگ خاتم الانبیا، من، تیرک شده با نامزد از مودمی سزای و سزای

بی خندایا.

حداکثر: از سزای زمینی ارتش جمهور اسلامی ایران در تیرک سزای

بگلی سزای



رونوشت دستورالعمل عملیات

بسمه تعالی
بکلی سری
نسخه ۳ از ۵ نسخه
"در دستورات شفاهی تغییری داده نشده است"
ق خاتم الانبیاء (ص)
والذین جاهدوا فینا لهندینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین
ایران - تهران
دیمه شصت و چهار
دستورالعمل کلی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)
شماره: ۱۸۹ ق.خ
۱- کلیات:

الف- نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ضمن پدافند از مرزهای کشور عملیات آفندی را به منظور انهدام نیروهای متجاوز و وادار کردن دشمن به قبول شرایط بر حق ایران را ادامه می‌دهند.

ب- قرارگاه خاتم النبیه (ص) به منظور اجرای عملیات آفندی در منطقه جنوب غربی کشور تشکیل می‌گردد. این قرارگاه کنترل و هدایت عملیات خاتم ۱ (سپاه پاسداران) و قرارگاه خاتم ۲ (نیروی زمینی ارتش) و نیروی هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در منطقه تا خاتمه عملیات فوق به عهده خواهد گرفت. (پیوست الف: لیست عده ها)

۲- مأموریت: قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) ضمن پدافند در منطقه در ساعت (س) روز (ر) در منطقه عملیاتی جنوب تک نمود، دشمن را منهدم، اسکله های البکر و الامیه را متصرف، خط ایثار را در منطقه فاو و رأس البیشه و جزیره ام الرصاص، جزیره ام البابی و خط نصرت را در منطقه شلمچه تأمین می نماید.

۳- تدبیر کلی

قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) عملیات آفندی را با استفاده از دو قرارگاه خاتم ۱ در جنوب (چپ) به منظور تصرف هدف الف، هدف ب، شهر فاو و تأمین خط ایثار و خاتم ۲ در شمال (راست) به منظور تصرف خط نصرت اجرا می نماید. همزمان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هدف پ را تصرف می نماید. پیوست ب (کالک عملیات)

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نزدیک یگان های مانوری را تأمین و در حد مقدرات، پوشش هوایی را برقرار نماید.

۴- وظایف و مسئولیت ها

الف- ق خاتم ۱

- (۱) به پدافند از مناطق محوله ادامه دهید.
- (۲) در منطقه عمومی ام الرصاص تا فاو تک نموده، هدف های الف و ب و شهر فاو را تصرف و خط ایثار را تأمین نمائید.
- (۳) احتیاط خود را در منطقه عمومی سلمانیه (شرق کارون) مستقر نمایید. کاربرد احتیاط با قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) خواهد بود.
- (۴) پس از تأمین منطقه عمومی فاو و رأس البیشه، آماده باشید بنا بدستور عناصری از ق خاتم ۲ را کمک و پشتیبانی کنید.
- (۵) طرف تصرف جزیره بوبیان را تهیه و بنا بدستور اجرا نمائید.

ب- ق خاتم ۲

- (۱) به پدافند از مناطق محوله ادامه دهید.
- (۲) با عناصری از نزاجا در منطقه عمومی شلمچه تک نموده، خط نصرت را تأمین نمائید.
- (۳) در منطقه عمومی کوشک، تک های محدود را در پشتیبانی از عملیات فوق طرح ریزی و همزمان با عملیات آفندی عمومی اجرا نمائید.
- (۴) آماده باشید پس از تأمین خط نصرت، بنا بدستور به تک خود به طرف غرب و نهر کتیبان ادامه داده و با عبور از خط، خاتم ۱ را کمک و پشتیبانی نمائید.
- (۵) احتیاط خود را در منطقه عمومی رحمانی و حفار مستقر نمائید. کاربرد احتیاط با تصویب قرارگاه خاتم الانبیاء (ص).

پ- نهاجا: پشتیبانی نزدیک هوایی برای یگان های مانوری فراهم نموده پوشش هوایی منطقه را با توجه به مقدرات تأمین نمائید.

ث- نداجا

- (۱) هدف پ را تصرف، دهانه خور عبدالله را بر روی وسائل شناور دشمن مسدود کنید.
- (۲) عملیات قرارگاه خاتم ۱ را در حد مقدرات پشتیبانی نمائید.
- ث- قرارگاه رعد: عمل کلی، بترتیب تقدم، پدافند هوایی منطقه عبور، قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، قرارگاه خاتم ۱، ق خاتم ۲ را فراهم نمائید.

ج- مهندسی رزمی: پشتیبانی عمومی با تشکیل یک فرماندهی عبور، عبور یگانهای مانوری را تسهیل و کنترل نمائید.

چ- هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران: پشتیبانی عمومی
۵- متفرقه

الف- ساعت (س) روز (ر) متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

ب- محل استقرار قرارگاه تاکتیکی بعداً اعلام میگردد.

پ- این عملیات به نام عملیات والفجر ۷ نامگذاری میگردد.
والسلام

ف ق خاتم الانبیاء(ص)

امضاء

پیوستها:

الف- لیست عده ها

ب- کالک عملیات

گیرندگان:

قرارگاه خاتم ۱ : نسخه ۲ از ۵ نسخه

قرارگاه خاتم ۲ : نسخه ۳ از ۵ نسخه

نداجا : نسخه ۴ از ۵ نسخه

نهایجا : نسخه ۵ از ۵ نسخه

قرارگاههای رعد، مهندسی رزمی و هوانیروز توسط ق خاتم الانبیاء(ص) توجیه میشوند.

پیوست الف (لیست عده ها)

- ق خاتم ۱

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پانزده گردان توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (در کنترل عملیاتی)

- ق خاتم ۲

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۲۷ گروهان بسیجی (هر گروهان ۱۰۰ نفر)

- ق رعد

پدافند هوایی نهاجا (زمین بهوا)

عناصری از پدافند هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (در کنترل عملیاتی)

- نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

- نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

- مهندسی رزمی خاتم الانبیاء (ص) تقویت شده با عناصری از مهندسی سپاه و یگانهای پل نذاجا.

- هوانیروز از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنترل عملیاتی.



۱. دشمن با از اذ دست دادن فاو حاضر به پذیرش شکست اسفبار خود نشد و در چندین مورد با استفاده از نیروهای احتیاط منطقه ای و یگانهای متحرک زرهی نزدیک به منطقه اقدام به پاتکهای سنگین نمود و هر بار با دادن تلفات و ضایعات مجبور به عقب نشینی شد، در یکی از این پاتکها با رخنه در خط پدافندی در منطقه دریاچه نمک جا پائی را اشغال نمود تا این که رزمندگان سلحشور در تاریخ ۶۵/۲/۸ بار دیگر و برای آخرین بار اقدام به حمله نمودند و منطقه اشغال شده را باز پس گرفتند و بدینصورت عملیات والفجر ۸ بعد از ۷۸ روز به سرانجام رسید و عملیات پایان یافته تلقی گردید. (از: خر مشهر تا فاو؛ ص ۲۰۸)

شرح مختصر عملیات^۱

تاریخ عملیات: ساعت ۲۲:۰۰ مورخه ۲۰/۱۱/۱۳۶۴

رمز عملیات: یا فاطمة الزهراء (س)

منطقه عملیات: جزیره فاو- شمال شلمچه تا کوشک

یگان‌های عمل کننده: نیروهای بسیج، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی

قرارگاه اداره کننده: خاتم الانبیاء (ص)

نخستین شب عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۰)

در نخستین ساعات عملیات، رزمندگان اسلام با یورش سریع و برق‌آسا و رعایت اصل غافل‌گیری توانستند بیش‌تر خطوط پدافندی دشمن را فرو بریزند. و در مقابل، دشمن به دلیل عدم آمادگی لازم برای پاسخگویی و کامل نشدن ارتباطات (بی‌سیم)، در طول عملیات بیش‌تر از رادیورله و ایستگاه تقویتی استفاده کرد.

در آغاز تک، مجموعه نیروهای شناسایی شده، تیپ ۱۱۰ و تیپ ۱۱۱ بودند که هدف تهاجم قرار گرفتند. در نخستین ساعات درگیری، دشمن هیچ‌گونه ارتباط (بی‌سیم) نداشت و بیش‌تر به ارتباط تلفنی متکی بود و بلافاصله وضعیت را به لشکر ۲۶ گزارش داد و درخواست کمک کرد که به منطقه نرسید و تیپ ۱۱۱ مجبور شد تا از احتیاط محلی خود استفاده کند. در نخستین شب، نیروها و تجهیزات دشمن به سرعت منهدم شد و هیچ‌گونه کمکی به او نرسید. آتش توپخانه نیز برای پشتیبانی او بسیار کم و ناچیز بود.

روز اول عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۱)

در این روز، قرارگاه تیپ ۱۱۱ کاملاً به محاصره رزمندگان اسلام درآمد و دیگر گردان‌ها نیز منهدم شدند؛ زیرا نیروهای خودی اجازه نشان دادن کوچک‌ترین واکنشی را به دشمن ندادند. در نخستین مرحله پاتک، دشمن مذبوحانه به بمباران شیمیایی متوسل شد و منطقه را آلوده کرد.

از سوی دیگر، تلاش زیاد نیروهای عراق برای نجات فرمانده تیپ ۱۱۱ و بردن سایت موشکی بی‌نتیجه بود و تیپ ۳۸ کماندویی به دلیل حجم زیاد آتش خودی به منطقه پاتک نرسید.

۱. سند شماره ۱۲۳۹۷، بانک اطلاعات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران در کتاب عملیات والفجر ۸ (مجموعه مقالات) به صورت روزشمار (روزهای اول، دوم، پنجم) مندرج در صفحات ۱۶۵، ۱۶۶ و ۱۶۷

روز دوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۲)

قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک ارتش عراق در شهر ناصریه پس از کشف تک اصلی نیروهای خودی و تشخیص محور اصلی عملیات، به فرماندهی نیروهای گارد ریاست جمهوری اعلام کرد که باید هر چه سریعتر با تمام امکانات برای سد کردن راه دشمن و بازپس گرفتن اهداف قبلی، زیر امر سپاه هفتم وارد عمل شود. در این روز ستاد عملیات جنوب در پی تصمیمی عجولانه تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده را وارد عمل کرد و در بدترین موضع دفاعی قرار داد. این دو تیپ برای جلوگیری و سد کردن تک نیروهای خودی در دو طرف جاده استراتژیک گسترش یافتند، اما با اجرای آتش مؤثر توپخانه خودی، در نخستین روز، حدود ۳۰ درصد تلفات جانی را متحمل شدند. در همین روز، به گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهی دستور داده شد تا در سه راهی منتهی به جاده قرارگاه لشکر ۲۶ گسترش پیدا کند و مانع دور زدن رزمندگان به پشت تیپ‌های ۳ و ۴ گارد ریاست جمهوری شوند. در طول ۲۴ ساعت پدافند تیپ ۳ و تیپ ۴، حدود ۳۵ درصد از نیروهایشان توسط آتش دقیق و قدرتمند توپخانه‌های ما منهدم شدند. سرانجام دو تیپ مزبور تا روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۴ به صورت دقیقه شمار از سوی نیروها و توپخانه خودی متحمل تلفات شدند.

روز چهارم عملیات (۱۳۶۴/۱۲/۲۴)

در این روز روز بالاخره پس از چندین روز نبردهای زمینی و هوایی سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه سوم ارتش عراق که در بصره مستقر بود و همین سپاه، خرمشهر را متصرف شده بود اعلام می‌کند که شهر «فاو» و مناطق اطراف آن سقوط کرده و به دست نیروهای ایرانی درآمده است.

روز پنجم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۵)

نیروهای خودی که در سحرگاه این روز به تیپ ۴۴۳ حمله کرده بودند، توانستند حدود ۵۰ درصد آن را منهدم و حلقه محاصره دو تیپ گارد ریاست جمهوری را تنگ‌تر کنند. تیپ ۴۴۳ بدون اطلاع سپاه هفتم دو کیلومتر از مقابل سه راهی و تیپ ۳۴ کماندویی نیز حدود سه کیلومتر از مواضع خود در جناح چپ کارخانه نمک عقب‌نشینی کرد. در ساعت ۲ بعدازظهر، گردان کماندویی تیپ ۱۰ زرهی در تقاطع جاده دوم مستقر شد. در این روز، آتش توپخانه (خودی) تلفات سنگینی را به دشمن وارد آورد و هر گونه حرکتی را از آن سلب کرد.

به هر حال نبرد تاثیرگذار و افتخارآفرین والفجر ۸، پس از ماه‌ها تفکر، تلاش و کسب آمادگی در ساعت ۲۲ روز ۶۴/۱۱/۲۰ آغاز و پس از ۶ روز قسمتی از جزیره فاو به تصرف رزمندگان درآمد، تا در نهایت در تاریخ ۶۵/۰۲/۰۸ در اثر حمله رزمندگان سلحشور دشمن مجبور به قبول واقعیت‌های میدان رزم گردید و دست از مقاومت برداشت، بدین صورت این عملیات بعد از ۷۸ روز به عنوان طولانی‌ترین عملیات با موفقیت به پایان رسید.

تلفات و ضایعات دشمن و خودی^۱

در این عملیات حدود ۲۲ هزار نفر از ارتش عراق کشته و مجروح شدند. یعنی روزانه حدود ۴۲۵ نفر از آنان کشته یا زخمی شدند. ۲۱۰۵ نفر از نظامیان عراقی نیز به اسارت درآمدند. همچنین تعداد ۴۹ فروند هواپیما و ۵ فروند بالگرد ارتش عراق ساقط و منهدم گردید. در این عملیات پایگاه پدافند ضد هوایی هاگ ایران بسیار فعال بود و در مجموع ۸۶ فروند موشک به سمت هواپیماهای عراقی پرتاب کرد که ۵۲ موشک به هدف اصابت کرد که موجب انهدام یا آسیب جنگنده‌های عراقی گردید. تعداد هواپیماهای ساقط شده عراق که ۲ فروند هواپیمای توپولوف بمب افکن هم در بین آنها بوده، تا ۶۳ فروند نیز ذکر گردیده است. ۱۲ خلبان عراقی نیز بر اثر سرنگونی هواپیماهایشان به اسارت درآمدند.

۳۰۰ تانک، ۲۴۰ نفربر، ۵ لودر و بلدوزر، ۳۵۰ دستگاه انواع خودرو، ۳۰ قبضه توپ صحرایی، ۵۵ قبضه توپ ضد هوایی و ۳ فروند شناور عراقی نیز در عملیات والفجر ۸ منهدم شد. ۵۰ دستگاه تانک، ۴۵ نفربر، ۳۰ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۸۰ دستگاه انواع خودرو، ۳ دستگاه رادار موشکی، ۲۰ قبضه توپ صحرایی و ۱۲۰ قبضه توپ ضد هوایی هم به غنیمت رزمندگان ایرانی درآمد.

در این عملیات حدود ۱۰ هزار نفر از رزمندگان اسلام و از جمله تعدادی از فرماندهان برجسته سپاه پاسداران شهید و مجروح شدند. همچنین ۴ فروند هواپیمای اف ۵ نیروی هوایی مورد اصابت قرار گرفت و تعدادی از خلبان‌های آنها به شهادت یا اسیر شدند. لازم به ذکر است که در جریان عملیات والفجر ۸، نیروی هوایی ۲۷۰ نوبت بمباران هوایی، ۱۴۸۶ پرواز مراقبت مسلحانه و ۲۹۱۰ پرواز ترابری هوایی انجام داد و ۱۴۵۲۳ مجروح را جابه‌جا کرد.

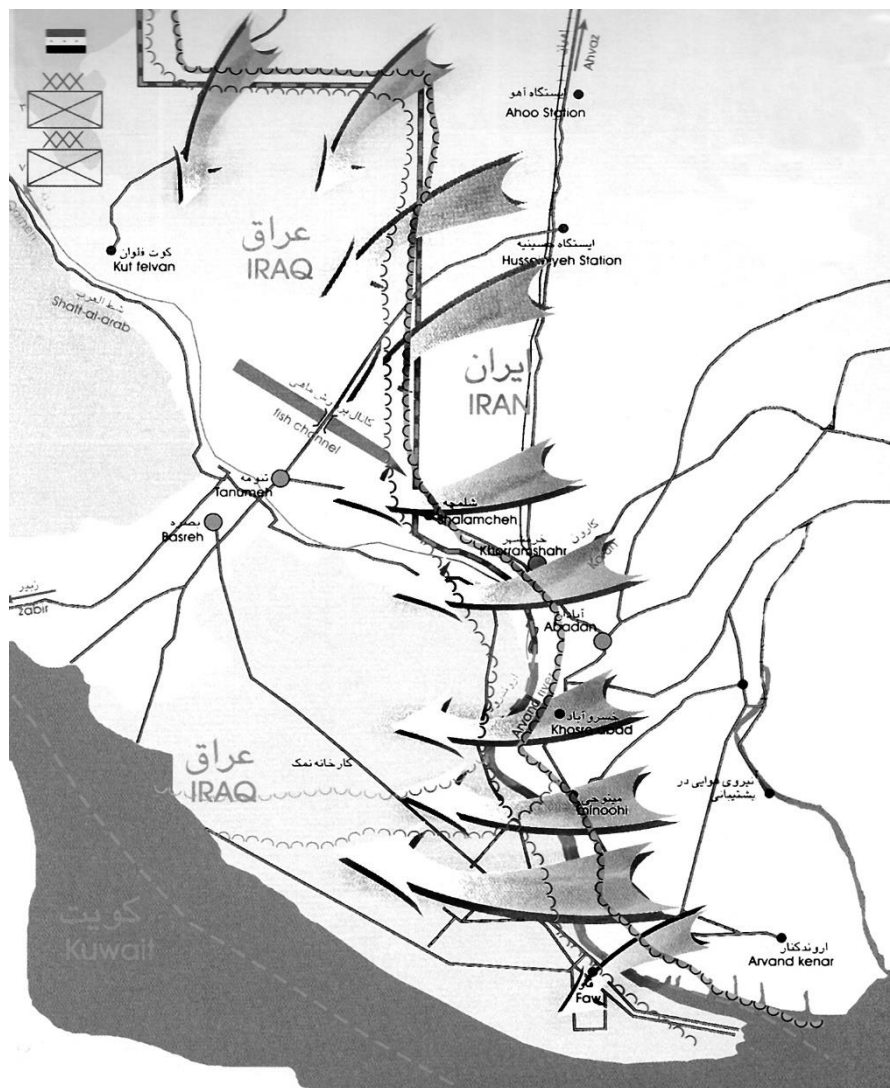
۱. علایی، حسین، روند جنگ ایران و عراق، جلد ۲، انتشارات مرزوبوم، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴

انهدام واحدها^۱

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندوئی و نیروی مخصوص ۲ تیپ زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰٪ منهدم گردید. از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی، خارج شدند. همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند.

این عملیات نتایج و دستاوردهای فراوانی در هر دو بعد سیاسی و نظامی به ارمغان آورد تا به عنوان لوح افتخار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای همیشه تاریخ ماندگار بماند. نکته قابل ذکر، نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در این عملیات می باشد که در مدارک منتشر شده، کم رنگ و در بعضی اسناد بی رنگ بیان گردیده است و این در حالی است که اگر با دید تحلیلی و منطقی از نقطه آغاز تا پایان و از جنبه های مختلف به این عملیات بنگریم بدون تردید روشن می گردد، به راستی اگر از توان ارتش در طرح ریزی اجرا و پشتیبانی بهره برده نمی شد، این مهم نه ممکن و نه موفقیت مورد نظر کسب می گردید. برای اثبات این که مبادا سخنی به گزاف گفته شده باشد، بر آنیم آن چه را ارتش در عملیات والفجر ۸ در منطقه عمومی شلمچه و فاو انجام داده است در حد توان و مدارک موجودی که در دسترس قرار گرفته است در سه بخش به شرح زیر برای مخاطبین خود تدوین نماییم و قضاوت را به خوانندگان بسپاریم.

۱. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۲۰۱ و ۲۰۰



منطقه عملیاتی فاو (عملیات والفجر)^۱

۱. جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار، سازمان اینترگران نزاجا، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹.

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸

ارتش جمهوری اسلامی ایران، بویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید. بخش فرهنگی که با اثر گذاری عمیق حماسی و آرمانی در روح و فکر فرزندان پاکباز و فداکار این مرز و بوم همراه است برای همیشه تاریخ در روشنگری نسلهای آینده ماندگار می‌ماند، تغییر معانی آرمانی واژگان، مرگ و زندگی، گذشت و ایثار، حمیت و همکاری، مردی و مردانگی و در نهایت دین و دینداری از جمله دستاوردهای فرهنگی بجا مانده از جبهه و جنگ است که به وسیله رزمندگان به وقوع پیوسته است نقل گاه و بیگاه آنان در کنار فعالیت‌های نظامی و اقدامات فیزیکی لازم و ضروری می‌نمایند.

از شهید سر لشکر ولی الله فلاحتی، یا به تعبیری «امیر خستگی ناپذیر» که روزگاری فرماندهی نیروی زمینی را به عهده داشته است در معنی واژه مرگ و زندگی نقل می‌کنند:

"در زندگی دو چیز قابل تغییر نیست، یکی تولد و دیگری مرگ، ولی اکنون جوانان ما مرگ را به بازی می‌گیرند، آنها نمی‌میرند، بلکه شهید می‌شوند و زندگی ابدی می‌یابند."^۱



۱. حسینی، احمد؛ سرهنگ، امیر خستگی ناپذیر؛ ص ۶۶.

شاید چنین بیانات آرمانی از استاد دانشمند دانشکده فرماندهی و ستاد دور از انتظار نباشد، اما چنین تفکرات حماسی منحصر به یک فرد خاص نیست تا جایی که دانشجویی از تبار جوانان دانشگاه افسری، تحت تأثیر آموزشهای معارف جنگ که به‌وسیله پیشکسوتان و یادگارهای دوران جنگ ارائه گردیده است در مقاله‌ای بسیار آرمانی تحت عنوان نفس جنگ چنین می‌نویسد:

"وقتی با کسی دچار اختلاف می‌شویم و با هم به تفاهم نمی‌رسیم، تنها راه چاره دعوا نیست. زور همه‌جا کار ساز نیست. عاقل کسی است که گره را با دست باز کند نه دندان. سازش در اینجا معنی پیدا می‌کند. بتوانیم یکدیگر را درک کنیم و از دید دیگری بنگریم. اگر نشد چه؟ جنگ؟ نه، باز هم نه، حتی با وعده و وعید، حتی با قانع کردن، حتی با دوز و کلک، حيله و سیاست، (که البته بعضی از این راهها چندان هم درست نیست) مشکلی نیست که حل نشود. آخرین راه کار درگیری است. راه آخر ستیز است، قبل از آن بایستی راهی طولانی پیمود. زرنگی، هوش، تدبیر، برنامه‌ریزی، زهر چشم گرفتن، از پارامترهای جلوگیری از جنگیدن است.

بالاخره موقعی پیش می‌آید که جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌شود و به قولی تحمیلی می‌شود. حال تکلیف چیست؟ در مقابل گلوله نمی‌شود دلیل آورد، دهان پر از خون می‌شود و نفس هم نمی‌توان کشید، برای مقابله با کسی که شمشیر برهنه در دست دارد، با کتاب و نرمش نمی‌توان پیش رفت که عطای منطق را به لقایش خواهد بخشید. تا قیامت حداقل خنجرى باید به همراه داشت. خنجر، شاید مشکل همین است. کسی که شمشیر دارد، بایستی با تفنگ به پیشوازش برویم، چرا عقب باشیم، چه عیبی دارد یک قدم هم جلوتر باشیم، تا طرف جرأت نکند حرف زورآزمایی بزند و از موضع ضعف مجبور به تفاهم بر سر خواسته‌هایمان شود. به قول معروف: اگر خواهان صلحی، همیشه آماده نبرد باش."

اهمیت شنیدن چنین پیام‌های فرهنگی از زبان فرمانده نامدار نیروی زمینی که جنگ را از نزدیک تا مغز استخوانش لمس کرده و یا از زبان دانشجویی که تازه به اردوی نظامیان پیوسته و فقط شنیدنی‌هایی از جنگ را در ذهن پویای خود دارد هیچگاه کمتر از فعالیت‌های نظامی و اقدامات فیزیکی در شوریدن علیه دشمن متجاوز نیست. ضمن این که بایستی باور داشت

که رسیدن به چنین فرهنگ والای انسانی، فقط و فقط در میداین رزم و با انجام رزم آفرینی میسر می‌گردد. اگر مرشد و رهبر فرزانه انقلاب می‌گویند: «جنگ چیز خوبی است» هدف همین بخش پویایی آن است و نه روح تجاوز گری و میلیتاریستی آن. شرکت یگان‌های مختلف نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ را که با هماهنگی کامل با سپاه پاسداران در تضعیف دشمن و کشاندن جنگ به خاک دشمن انجام می‌گیرد به شرح زیر ارزیابی می‌کنیم:

ابعاد نظامی شرکت نیروی زمینی ارتش

هدف از عملیات والفجر ۸ تعقیب دشمن و کشاندن جنگ به خاک دشمن به عنوان تنبیه متجاوز بود، لذا یگان‌های مختلف و متنوع “نزاجا” با هماهنگی کامل با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در پشتیبانی از این نیرو به روشهای زیر شرکت فعال داشتند:

۱. شرکت در طراحی عملیات مربوط به تک پشتیبانی
۲. رها کردن یگان‌های سپاه پاسداران از خطوط پدافندی
۳. شرکت فعال در طرح پوشش و فریب تاکتیکی
۴. شرکت به عنوان تک پشتیبانی
۵. تقویت تک اصلی
- الف - اعزام یگان‌های مانوری
- ب - اعزام رندهای ضد تانک
- پ - اعزام یگان‌های مهندسی
۶. پشتیبانی آمادی (لجستیکی)
۷. شرکت یگان‌های پدافند هوایی
۸. شرکت یگان‌های توپخانه صحرائی
۹. پشتیبانی هوانیروز

۱- شرکت در طراحی^۱

طرحریزی عملیات والفجر ۸ برای اولین بار در خرداد ۱۳۶۳ در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) با شرکت طراحان ارتش و سپاه انجام و یک طرح تهیه و ابلاغ گردید، بر مبنای این طرح سه قرارگاه مشترک (کربلا، نجف و ظفر) می بایستی پس از عبور از رودخانه اروند با اجرای یک عملیات آفندی در شبه جزیره فاو اقدام به تصرف سر پل و تأمین خطی به نام استقامت بنمایند. برای اجرای این عملیات جلسات متعددی تشکیل گردید، در این جلسات با شور و تبادل نظر، تمام جوانب و مشکلات که در مسیر انجام مأموریت وجود داشت مشخص و در هر مورد راهکارهای مناسب ارائه و برآوردهای لازم بعمل آمد.

گر چه این عملیات در زمان تعیین شده انجام نگرفت اما بسیاری از موانع بر سر راه عملیات شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل طراحان قرارگرفت و در مواردی با انتخاب زمین و منطقه مشابه به منطقه عملیات، یگان های مانوری اقدام به تمرینهای لازم نمودند.

۱. یکی از ویژگی های مثبت شهید سپهبد صیاد شیرازی واقع بینی و عمل مبتنی بر درک حقایق جنگ بود. او که به نیاز علمی و تخصصی یک فرمانده نیرو آن هم در هنگامه جنگ به خوبی اشرف داشت، با برداشت صحیح از تربیت نظامی و باورهای دینی بدون اینکه گرفتار تکبر و خود بزرگ بینی شده باشد، می دانست به تهائی و حتی با استفاده از ستاد سازمانی نراجا نمی تواند اداره امور تخصصی جنگ را در جبهه های مختلف به عهده بگیرد. در اولین فرصت با علم به توان فکری و دانش نظامی استادان مجرب دانشکده فرماندهی و ستاد، آنان را به جبهه احضار و به دو گروه طراحی در قرار گاههای جنوب و غرب تقسیم نمود. بدین ترتیب یک ستاد قوی مبتنی بر دانش و تجربه در هر یک از قرارگاهها تشکیل گردید که اثرات اعجاز آفرین آن در طول جنگ با طراحی عملیات های عمده و امروز با بازنویسی و تحلیل جنگ نمایان گردید. سرتیپ ۲ روح الله سروری که خود یکی از یاران با وفای شهید صیاد شیرازی بوده است، در کتاب صیاد دلها می گوید:

اولین اقدام او در آغاز فرماندهی که حاکی از مدیریت صحیح او بود، انحلال موقت دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) بود. این کار به منظور تقویت ستاد طراحی نیروی زمینی انجام گرفت. او بیان می داشت چنین شرایطی که مردم انقلابی ما داوطلبانه جهت کمک به ارتش در بیرون راندن دشمن تفنگ بدست گرفته و بی صبرانه آماده حمله به دشمن متجاوز می باشند، لازم است در طرح ریزی های عملیاتی از وجود اساتید دانشگاه جنگ بیشترین بهره برده شود. لذا به آنان فرصت داد که نتیجه سال ها تجربه خود را در صحنه نبرد به مرحله آزمون در آورند. گرچه در آغاز کار تعطیل دافوس مورد انتقاد تعدادی از دلسوزان قرار گرفت. لیکن ثمره شیرین آن که همانا طراحی عملیاتی هائی چون کربلای ۱ (آزاد سازی بستان) کربلای ۲ (آزاد سازی غرب کرخه) کربلای ۳ (آزاد سازی خرمشهر) بود تلخی این داوری موقت را بر طرف نمود. (صیاد دلها؛ ص ۱۰۰ و ۱۰۱)

لازم است به پاس قدرشناسی از این استادان که موجبات افتخار همکاران خود را فراهم کرده اند نامی برده شود. استادان سرتیپ ۲ غلامحسین قرائی، سرتیپ ۲ ناصر نخعی، سرتیپ ۲ عیسی تفرشی و سرتیپ ۲ شکبیا مقدم در قرارگاه غرب و سرتیپ ۲ غلامحسین امیربیگی، سرتیپ ۲ محسن شاهان، سرتیپ ۲ نصرت الله معین وزیری، سرتیپ ۲ مسعود بختیاری، سرتیپ ۲ اقبال محمدزاده و سرتیپ ۲ هوشنگ نوایی در قرارگاه جنوب از جمله کسانی بودند که ستاد مقدم نراجا را از نظر طراحی تقویت نمودند.

سرتیپ ۲ سعید پورداراب در رابطه با عملیات والفجر ۸ می گوید:

طرح عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۳ تهیه و قرار بود به وسیله یگان‌های مختلف سپاه و ارتش برای آزادسازی فاو به اجرا در آید، این طرح چندین بار در قرارگاه‌های مشترک مورد بررسی قرار گرفت حتی بعضی از یگان‌های مجری طرح به منطقه عزیمت نمودند و طرح به وسیله غواصان که بایستی از رودخانه ارونند بگذرند در رودخانه دز و به وسیله تیپ ۵۵ هوابرد که قرار بود هلی‌برن شود در مرداب گاوخونی تمرین گردید. اما بنا به دلایلی اجرا نشد.

با توجه به این که عملیات والفجر ۸ با یک تأخیر هیجده ماهه در بهمن ماه ۱۳۶۴ به اجرا درآمد، در این فرصت، غیور مردان سپاه پاسداران فرصت کافی برای فراهم کردن امکانات برآورده شده و انتخاب راه کار مناسب برای موانع شناسایی شده را داشتند، کما این که در این مدت به خوبی توانسته بودند تمام وزارت خانه‌ها را بسیج و از امکانات بالقوه آنان استفاده نمایند و برای هر وزارت خانه وظیفه ای تعیین کنند. لازم به ذکر است چنین اقدام مؤثری هرگز در عملیات‌های قبل و بعد از عملیات والفجر ۸ (حتی در عملیات‌های فراگیر فتح‌المبین و بیت‌المقدس) در اختیار رزمندگان اسلام قرار نگرفت تا از امکانات موجود در جامعه در جهت جنگ استفاده گردد و این در حالیست که چنین اقداماتی بایستی حتی در زمان صلح پیش‌بینی و تمرین گردد.

در کتاب سیری در جنگ ایران و عراق جلد دوم (از خرمشهر تا فاو) آمده است:

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات کمیسیون ویژه ای در هیأت دولت متشکل از وزارتخانه‌های مختلف راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران تشکیل شد پس از آن دو کمیته بنام مهندسی و مهندسی صنعتی بوجود آمد تا بصورت اساسی تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.^۱

ساختن دکل‌های مخابراتی، پست‌های دیدبانی، دکل‌های دیدبانی، ساخت و مرمت صدها کیلومتر جاده، تأمین و راه‌اندازی چند بیمارستان تخصصی، انجام ترابری سنگین، ساخت چند صد دستگاه انواع قایق و دو به، ساخت انواع پل‌های آماده و در نهایت تهیه سنگر و مواضع سلاح‌های مختلف حداقل کاری بود که این وزارتخانه‌ها در کمک به سپاه پاسداران انجام دادند.

۱. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۱۸۱.

۲- رها کردن یگان‌های سپاه پاسداران

با آماده شدن سپاه پاسداران برای اجرای یکی از حساسترین نبردها در طول جنگ ناخواسته برابر تدبیر فرماندهی کل نیروهای مسلح، دفاع کامل مرز ۱۰۰۰ کیلومتری (به جز جزیره آبادان) به نیروی زمینی ارتش واگذار گردید، بدین ترتیب نزاجا مجبور به قبول مسئولیت بیشتر و گسترش یگان‌های خود در خطوط پدافندی طولانی‌تری گردید^۱ و تمام یگان‌های سپاه پاسداران را که مسئولیت پدافند داشتند رها نمود. و این در حالی بود که احتمالاً دشمن از این عملیات اطلاع پیدا کرده بود و حملات ایذائی و ممانعتی خود را در تمام جبهه‌های جنوب و غرب و شمال غرب به نحو چشمگیری افزایش داده بود، چنان که گزارش عوامل اطلاعاتی حاکی از آماده شدن دشمن برای انجام عملیات آفندی در جبهه غرب و شمال غرب و جنوب در مدارک موجود آمده است:

در اوایل آذر ماه به قرارگاه غرب دستور داده شد، عناصر لشکر ۵ نصر سپاه را که در منطقه تنگ بیجار در غرب صالح آباد مستقر بود، با تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی تعویض کند تا آن یگان‌ها به جزیره آبادان تغییر مکان نمایند.^۲

و یا در نمونه دیگری در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آمده است:

از جمله یگان‌های سپاه که برای شرکت در عملیات آینده در فاو در نظر گرفته شده بود همان تیپ امیرالمؤمنین مستقر در منطقه چنگوله بود و سپاه تصمیم گرفته بود آن تیپ را از منطقه خارج سازد در حالی که واحد دیگری در دسترس نبود تا مأموریت پدافندی آن تیپ را برعهده بگیرد و حتی با بودن تیپ امیرالمؤمنین در آن منطقه ضعف پدافند منطقه عملیاتی مهران همیشه موجب نگرانی فرماندهی قرارگاه غرب بود چنانکه از طرف ستاد این قرارگاه در ۱۷ مرداد از منطقه مورد بحث بازدید شد و نتیجه بازدید آن بود که با وجود یگان‌های موجود قسمتهای قابل ملاحظه‌ای از خط مقدم پدافندی آن منطقه خالی از نیروی مدافع می‌باشد. ولی به هر حال شرایط موجود نبرد

۱. اهمیت پدافند در جنگ بر کسی پوشیده نیست و مورد تأیید کارشناسان نظامی می‌باشد و در هیچ مدرکی دیده نشده که آفند بر پدافند برتری داشته باشد. نیروی زمینی در طول جنگ ناخواسته با داشتن مسئولیت کامل پدافند مرز طولانی ایران و عراق (به جزء مقاطع خاصی از زمان آنهم در یک منطقه محدود که سپاه پاسداران مسئولیت پدافندی بعهد می‌گرفت) فشارهای روحی روانی زیادی را متحمل گردید و در بیشتر موارد یگان‌ها مجبور می‌شدند با قبول جبهه طولانیتر از توان خود به طور مضائق برای مدت طولانی زیر فشار قرار گیرند و از حریم میهن اسلامی دفاع کنند به عنوان مثال لشکر ۸۱ زرهی در یک منطقه با عرض ۴۰۰ کیلومتر در غرب کشور (از پاوه تا کنگان چم) گسترش یافته بود و مأموریت پدافندی داشت که از نظر عرض چند برابر توان یک لشکر بود.

۲. حسینی، سید یعقوب، سرهنگ، تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عقیدتی سیاسی آجا، ج ۷؛ ص ۵۲۲.

و روش تصمیم‌گیری حاکم بر کل جریان جنگ چنین حکم کرد که لشکر ۸۴ پیاده گسترش یافته در منطقه مهران خط پدافندی خود را تا چنگوله توسعه دهد یگان‌های سپاه مستقر در آن منطقه رارها سازد و دستور اجرای این امر در ۲۷ مرداد ماه به لشکر ۸۴ پیاده ابلاغ شد.^۱

بدین ترتیب به علت وضعیت ویژه‌ای که به وجود آمده بود، وضعیت پدافندی یگان‌های ارتش در تمام جبهه‌های نبرد رو به ضعف نگران‌کننده‌ای می‌نهاد و فرماندهان با احساس مسئولیت و آگاهی از خطری که خطوط پدافندی منطقه آنانرا تهدید می‌کرد. اقدام به نگارش نامه‌های گله آمیزی درباره کمبود توان رزمی خود برای حفظ امنیت جبهه و اجرای مأموریت‌های پدافندی به نیروی زمینی می‌کردند. و به طور معمول معاونت اطلاعات عملیات نیروی زمینی گردشکارهایی بر مبنای گزارشات یگان‌های در خط در خصوص کمبود نیرو تهیه می‌کرد و برای تصمیم‌گیری نهائی به فرماندهی نیرو ارائه می‌داد، اما نیروی اضافی وجود نداشت تا جبران کمبودها را بنماید و تنها راه حل آن بود که واحدی از نقطه‌ای برداشته شود و به منطقه دیگری اعزام گردد و بدینوسیله نقطه‌ای تضعیف می‌گردید تا نقطه دیگری به طور ظاهر پوشانده شود، در این مرحله فرماندهی نیروی زمینی به علت وسعت یک هزار کیلومتری عرض جبهه و کمبود نیرو به طور عملی قادر نبود یک سازمان رزمی متعادل برای پدافند تمام مناطق نبرد سازماندهی کند افزون بر این مشکل اساسی دیگری در این برهه از زمان بوجود آمد و آن فعالیت ضدانقلاب داخلی در منطقه جوار بود که خود به خود نیاز به نیرو برای مقابله را داشت.

در این رابطه ستاد مشترک از نیروی زمینی می‌خواهد یگانی برای دفع ضد انقلابیون اعزام کند و فرمانده نیرو به طور رسمی پاسخ می‌دهد: "از اعزام نیرو به آن منطقه معذور است".^۲

با تمام این مشکلات نیروی زمینی در آذرماه ۱۳۶۴ مجبور شد وضعیت خود را با عملیات آینده در فاو هماهنگ نماید و به قرارگاه‌های سه گانه خود دستور داد عناصر پیش بینی شده سپاه پاسداران را از مناطق پدافندی رها نمایند و خود مسئولیت پدافندی مرز را به طور کامل از شمال جزیره آبادان تا دالامپرداغ در مرز مشترک ترکیه و عراق و ایران به عهده بگیرد و بدین

۱. همان، صفحه ۵۱۷ و ۵۱۸

۲. همان، صفحه ۵۲۲

ترتیب تدبیر گسترش واحدهای ارتش و سپاه بر اساس نیاز عملیاتی والفجر ۸ در شبه جزیره فاو از آذرماه به صورت کامل به مرحله اجرا در آمد و کلیه یگان‌های سپاه پاسداران رها و به جنوب عزیمت نمودند تا بر دشمن زبون بتازند.

۳- شرکت در طرح پوشش و فریب تاکتیکی^۱

همه هنر جنگ بر اساس فریب و اغفال استوار است (سون تزو) پس از استقرار یگان‌های سپاه و ارتش در مناطق عملیاتی پیش بینی شده در طرح عملیاتی والفجر ۸، برابر تدبیر فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) طرح عملیاتی والفجر ۸ بر مبنای دو فرماندهی مجزا و مستقل که به وسیله آن قرارگاه هماهنگ می شدند با شرکت ارتش و سپاه به اجرا در می آمد در این طرح قرارگاه کربلا متشکل از یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در منطقه کوشک تا شلمچه و یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پشتیبانی نیروی هوایی، نیروی دریایی، هوانیروز، توپخانه و مهندسی و سلاحهای ضد زره ارتش عملیات را در منطقه فاو اجرا می نمود.

آقای محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران می گوید:

..... ضمن اینکه همزمان با این عملیات (والفجر ۸)، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) مقرر گردید تا ارتش در منطقه شلمچه نیز عملیات انجام دهد.^۲

تدبیر فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) به روشنی در بند مأموریت دستور عملیاتی آن قرارگاه به شرح زیر آمده است:

الف - مأموریت: قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق در ۲۰، ۲۲۰۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی جنوب تک نموده، دشمن را منهدم، اسکله‌های البکر و الامیه را تصرف، خط ایثار را در منطقه فاو، رأس البیشه، جزیره ام‌الرصاص، ام‌البابی و خط نصرت را در منطقه شلمچه تامین نماید.

۱. پوشش تاکتیکی یعنی پوشیده نگاه داشتن طرحها و اقدامات تاکتیکی.

فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که باعث گمراهی و اشتباه دشمن می‌شود، به طور کلی پوشش و فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که به منظور پوشیده نگاه داشتن طرحها و گمراهی دشمن انجام می‌گردد و روشهای آن عبارتند از: تکه‌های فریبنده، نیرنگها، دستبرد، تظاهرات و تکه‌های پشتیبانی. (فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص ۲۲۹)

۲. درودیان، محمد، از فاو تا شلمچه، تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۷۸.

ب - مأموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه عملیاتی فاو و ام‌الرصاص (تلاش اصلی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص): سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق، با قرارگاه‌های کربلا، نجف، نوح و یونس - ۱ در ۲۲۰۰، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه فاو، رأس‌البیشه، جزیره ام‌الرصاص و ام‌البابی تک نموده دشمن را منهدم، اسکله‌های البکر و الامیه را تصرف و خط ایشار انتهایی کارخانه نمک را تامین نمایند.

پ - مأموریت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی کوشک و شلمچه (تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)): نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت دارد ضمن پدافند در سایر مناطق، با قرارگاه عملیاتی کربلا در ۲۲۰۰، ۲۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ در منطقه کوشک و شلمچه تک نموده و به ترتیب خط استقامت (خط مرز) را در منطقه کوشک و خط‌های شهامت (نهر جاسم) و (کانال دوردیفه) نصرت را در منطقه شلمچه تأمین و آماده می‌شود بنا به دستور تک را بمنظور تامین سواحل شرقی اروندرود از شلمچه تا نهر کتیبان و شهر بصره ادامه دهد.

در ۱۷ دیماه فرماندهی نزاجا به فرماندهی قرارگاه جنوب دستور داد با توجه به راهنمائیهای انجام شده (احتمالاً شفاهی) طرح عملیاتی آن قرارگاه را بر مبنای طرح عملیاتی والفجر ۸ که به وسیله قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) تهیه و ابلاغ شده است در مدت ۴۸ ساعت تهیه نماید، همچنین در این دستور گفته شده یک طرح پوشش و فریب نیز برای اجرا در منطقه عمومی فکه با استفاده از لشکرهای ۱۶، ۸۱، ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد تهیه شود. در اجرای این دستور سه طرح مستقل برای سه منطقه عملیاتی به شرح زیر تهیه شد:

(۱) طرح عملیاتی والفجر ۸ برای عبور از اروندرود و حمله در شبه جزیره فاو که بوسیله یگان‌های رزمی سپاه و پشتیبانی نیروی هوایی و یگان‌هایی از نیروی زمینی ارتش انجام می‌شد. (تلاش اصلی)

(۲) طرح عملیاتی بدر ۳ - برای اجرای عملیاتی آفندی در شمال غربی خرمشهر (شلمچه) به عنوان تلاش پشتیبانی برای تسهیل عملیات تلاش اصلی در عبور از اروندرود که به وسیله یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی اجرا شد (تلاش پشتیبانی).
(۳) طرح عملیاتی خندق - به عنوان طرح پوشش و فریب برای منطقه عملیاتی فکه.^۱

۱. حسینی، سید یعقوب، سرهنگ، تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عقیدتی سیاسی آجا، ج ۷؛ ص ۵۲۳.

بر مبنای طرحهای سه گانه قرارگاه جنوب در تاریخ ۲۲ دیماه دستور شماره ۲۵ و در تاریخ ۴ بهمن ماه دستور شماره ۲۶ را صادر کرد و دستور داده شد تیپ ۵۵ هوابرد و لشکر ۸۱ زرهی که در منطقه عملیاتی فکه، عین خوش، مستقر بودند به منطقه خرمشهر تغییر مکان نمایند و لی به علت تشدید فعالیت دشمن در منطقه شرق عماره چنین احساس شد که دشمن آماده برای یک عملیات آفندی جدی در منطقه فکه می شود بدین جهت دستور داده شد یک تیپ از لشکر ۸۱ زرهی در منطقه فکه باقی بماند و احتیاط قرارگاه جنوب در منطقه فکه باشد و بقیه به منطقه عملیاتی شلمچه تغییر مکان نمایند.

در رابطه با طرح پوشش و فریب تاکتیکی نزاجا و تاثیر موفقیت آمیز آن در راهکارهای انتخابی دشمن در همان مدرک آمده است. در حالیکه نیروهای ایران برای اجرای یک عملیات آفندی در اروندرود آماده می شدند احتمالاً عوامل اطلاعاتی دشمن به حمله قریب الوقوع نیروهای ایران در منطقه عمومی شرق بصره پی برده بودند ولی محل تلاش اصلی نیروهای ایران را کشف نکرده بودند و با توجه بغیر قابل عبور بنظر رسیدن اروندرود (بعلت میزان شدید جزر و مد آب آن که تحت تاثیر جزر و مد آب خلیج فارس قرار می گیرد) نیروهای عراقی عبور نیروهای ایران از اروندرود را غیر محتمل دانسته و هر گونه فعالیت متمرکز نیروهای ایران در جزیره آبادان و کرانه شرقی اروندرود را یک عملیات فریبنده به منظور پوشش عملیات عبور از هورالهویزه در ادامه عملیات خیبر و بدر تلقی کرده بودند. در رابطه با تفکر فرماندهان ارشد ارتش عراق، عکس العمل آنان نسبت به نامه یکی از فرماندهان تیپ (که باسارت درآمد) قابل توجه می باشد:

"در عملیات والفجر ۸، نامه ای از فرمانده تیپ ۱۱۱ به فرمانده سپاه هفتم ارتش عراق بود. در آن نامه فرمانده تیپ در گزارش خود نوشته بود، ۴۰۰ دستگاه لودر، بلدوزر و کامیون ایرانی در حال اجرای فعالیت های مهندسی در میان نخلستان های اطراف اروندرود هستند. او با ذکر قرائن و شواهدی که از مشاهده فعالیت های گوناگون رزمندگان اسلام جمع بندی کرده بود، نتیجه گرفته بود که ایرانی ها می خواهند در اینجا عملیات کنند، ولی فرمانده سپاه هفتم در جواب وی نوشته بود که ایرانی ها می خواهند ما را در منطقه آبادان و فاو فریب بدهند و شما بیخود ترس در دل نیروها نینداز. ما بهتر می دانیم که ایران کجا می خواهد عملیات کند."^۱

اظهار نظر مقامات مختلف نظامی امنیتی عراق در قبل و حتی چند روز بعد از عملیات والفجر ۸ به خوبی نمایانگر موفقیت طرح پوشش و فریب تاکتیکی و رعایت اصل غافلگیری از طرف رزمندگان اسلام می‌باشد به‌طوری‌که دشمن عبور از اروندرود را به عنوان تلاش پشتیبانی قلمداد می‌کرد و تلاش اصلی را در منطقه شلمچه، هورالهویزه در شمال غربی فاو (همان جایی که نیروهای نزاجا حضور داشتند) تشخیص داده بودند در این رابطه در کتاب عملیات والفجر ۸ (فاو) از انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آمده است:

سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه ۳، تک گسترده ایران را در روزهای آینده از سمت هورالهویزه می‌داند و یا رادیو اسرائیل در همین تاریخ از قول منابع اطلاعاتی ماهواره‌ای می‌گوید "که حکومت اسلامی ایران نیروهای عظیمی را در سوسنگرد و سایر شهرها و آبادی‌های نزدیک به باتلاق‌های هور متمرکز ساخته و قصد هجوم دارد."^۱ دشمن بر اساس همین تفکر (خوشبختانه غلط) اقدام به طرح‌ریزی و شکل دادن نیروهای در خط خود بویژه به تقویت منطقه هورالهویزه پرداخت و برابر مدرک پیش گفته شده:

"استعداد قابل توجهی از نیروهای ارتش عراق جذب این منطقه شده و در توان رزمی او در سایر مناطق اثر می‌گذارد."^۲

در پیگیری اینکه چه استعدادی از نیروهای عراقی در مقابله با نیروهای نزاجا آرایش گرفته‌اند در کتاب خرمشهر تا فاو آمده است:

- پوشانیدن منطقه هورالهویزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط.
- انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزنه.
- مستقر ساختن دو لشکر زرهی در العماره و بصره تا در صورت لزوم از دو محور شمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند.^۳

لازم به ذکر است افزون بر این اقدامات، دشمن اقدامات مهندسی گسترده‌ای نیز انجام داد تا از حمله گسترده ایران بر اساس ذهنیت خود جلوگیری نماید.

پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات والفجر ۸ و بازجویی از اسرای زیاد این عملیات (۷۰۰ الی ۲۰۰ نفر گفته شده است)^۴ تأیید گردید که ارتش عراق کاملاً فریب خورده و استعداد قابل

۱. احمدی، سرهنگ ستاد؛ عملیات والفجر ۸ (فاو)؛ ص ۹.

۲. همان.

۳. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۵.

۴. سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات‌ها، لشکر ۶ قدس گیلان؛ ص ۲۳۰.

توجهی از نیروهای زرهی - پیاده و توپخانه خود را تا شروع عملیات فاو در منطقه هورالهوریزه و شلمچه نگه داشته و حتی تعدادی را نیز از منطقه فاو (منطقه مسئولیت سپاه ۷) برداشت نموده و جهت تقویت به جبهه شرق دجله اعزام کرده است.

به عنوان آخرین گفتار

با نگاهی کوتاه به بند ماموریت دستور عملیاتی قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، تدبیر عملیاتی فرماندهی نزاجا، دستورات شفاهی فرماندهی نزاجا به قرارگاه جنوب برای پیش بینی طرح پوشش و فریب، دستورات جز به جز شماره‌های ۲۵ و ۲۶ قرارگاه جنوب و جابجاییهایی که نزاجا از آغاز عملیات والفجر ۸ انجام داده است و ... ، این واقعیت رخ می‌نماید که:

نزاجا نقش ارزنده ای در فریب دشمن داشته است و عملیات پوشش و فریب یگان‌های نزاجا آنچنان به واقعیت نزدیک بود که دشمن منطقه فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک ننموده به طوری که بیشترین توان خود را متوجه مناطق دیگری غیر از منطقه تک اصلی والفجر ۸ می‌نماید، و همین اشتباه دشمن به رزمندگان سپاه پاسداران به عنوان تک اصلی فرصت می‌دهد با خیال آسوده تر شبانگاه از رودخانه خروشان اروندرود عبور نموده و شهر بندری فاو را تصرف نمایند و بر خلاف معمول در روزهای اول و دوم عملیات پاتکهای دشمن به علت عدم پیش‌بینی در نگهداری احتیاط کافی آنچنان که باید موثر واقع نمی‌شود و رزمندگان توانمند در همین فاصله، مواضع خود را در غرب فاو و دریاچه نمک گسترش و تحکیم می‌بخشند.

صحت این نتیجه‌گیری به خوبی در مدارک و اسناد منتشر شده و اظهار نظر عوامل دشمن و مصاحبه با رزمندگان درگیر عملیات به خوبی آمده است که پاره ای از آنها به شرح زیر نقل می‌گردد:

الف - در تحلیلی که به وسیله استادان دانشکده فرماندهی و ستاد درباره عملیات والفجر ۸ (فاو) کرده‌اند در بند غافلگیری آمده است:

با توجه به مطالب فوق و نتایج شناساییهای به عمل آمده قبل از شروع عملیات و نیز اطلاعات بدست آمده از عکس هوایی مورخه ۶۴/۱۰/۲۷ از منطقه غرب اروند نتیجه‌گیری می‌شود که دشمن در غرب اروند به طور ۱۰۰٪ غافلگیر گردید و با توجه به مقدرات نشود، عکسهای ماهواره ای، همکاری کامل سازمان منافقین، وجود ستون پنجم، مبادله اطلاعات از طریق دیپلماتیک، عوامل نفوذی باید موفقیت در اصل غافلگیری را مرهون دو عامل زیر بدانیم:

(۱) رعایت حفاظت اطلاعات و مدارک و اسناد توسط رزمنده سپاه پاسداران در حد ممتاز.

(۲) اجرای عملیات فریب مانند تمرکزات و ادامه فعالیت‌هایی که در منطقه شرق عماره و شرق بصره توسط نزا جا و سپاه پاسداران.^۱

ب - یکی از مسئولین اداره توجیه سیاسی عراق در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۶۴ یعنی فقط شش روز قبل از شروع عملیات اظهار می‌دارد:

"حمله ایرانیها به منظور قطع جاده بغداد - بصره و ایجاد شکاف بین سپاه‌های ۴ و ۶ یعنی اهدافی که قبلاً بدان دست نیافته‌اند در منطقه هورالهویزه صورت خواهد گرفت."^۲

پ - یکی از مسئولین اطلاعات ستاد کل ارتش عراق چند روز قبل از شروع عملیات در بازدید خود از جبهه فاو در جمع فرماندهان عراق اظهار می‌دارد:

"در منطقه غرب اروندرود تهدیدی از سوی ایران وجود نداشته لذا ممکن است تعدادی یگان دیگر علاوه بر آنچه تا کنون از این منطقه برداشت شده، به منطقه سپاه ۶ در شرق دجله اعزام گردد."^۳

ت - اما شیرین‌ترین و در عین حال موثقت‌رین نقل قول از عالی‌ترین مقام اطلاعات نظامی عراق (وفیق السامرائی، مدیر اطلاعات نظامی) است که به تبعیت از وظیفه‌اش به طور اصولی بایستی مسائل اطلاعاتی جنگ را لحظه به لحظه پیگیری نماید تا حداقل از غافلگیر شدن جلوگیری کند ولی با جسارت تمام زبان به اعتراف می‌گشاید و می‌گوید:

"ضربه سقوط فاو برای رهبران عراق و سرویس اطلاعات غافلگیرانه بود، اولین عملیاتی که ایرانیها اصل غافلگیری را به صورت کامل در آن به اجرا گذاشته بودند، سقوط فاو بود."^۴

۱. احمدی، سرهنگ ستاد؛ عملیات والفجر ۸ (فاو)؛ ص ۱۰.

۲. مصاحبه با خبرنگاران رادیو مونت کارلو؛ ۶۴/۱۱/۱۴.

۳. حسینی، سید یعقوب، سرهنگ، تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عقیدتی سیاسی آجا، ج ۷؛ ص ۲۴۶.

۴. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص ۹۷.

همچنین در جای دیگر از همین کتاب آمده است:

"اصل غافلگیری به ایرانی ها کمک کرد تا فاو را که یک شهر کوچک و متروکه بود به اشغال خود درآورند."^۱

(البته متروکه بودن و کوچک بودن شهر فاو را دشمن به عنوان جنگ روانی و تبلیغاتی مطرح نمود).

۴- شرکت به عنوان تک پشتیبانی^۲

تدبیر کلی عملیات در رده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، آن بود که دو قرارگاه اجرایی سپاه و ارتش به نامهای خاتم ۱ و خاتم ۲ هدایت عملیات را با عنوان تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی به صورت مستقل عهده دار شوند.

در کتاب تاریخ جنگ تحمیلی ایران و عراق در این باره نوشته شده است:

... " قرارگاه خاتم ۲ متشکل از لشکرهای ۲۱، ۷۷ پیاده و لشکرهای ۸۱، ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوایر و ۲۷ گروهبان بسیج در منطقه شلمچه و کوشک (شرق بصره) حمله

۱. همان.

۲. تک : یک عمل قطعی آفندی است که در آن آتش و مانور توأمأ سهولت حرکت را در یک سمت قطعی به منظور تصرف هدف معینی فراهم می آورد، تلاش اصلی، تلاش پشتیبانی، مانور احاطه ای تک تثبیت کننده، تک جز به جزء، تک شبانه، تک فریبنده و تک هماهنگ شده از انواع تک هستند.

تک اصلی : تکی است که در آن فرمانده حداکثر توان رزمی خود را به منظور تحمیل برتری به دشمن و تامین نتیجه قطعی در زمان و مکان مناسب متمرکز می نماید، مشخصات تک اصلی عبارتند از :

الف - استفاده از عناصر مانوری بیشتر، ب - استفاده از بهترین معبر وصولی،

پ - قراردادن احتیاط به دنبال آن، ت - هدایت تک به نقاط ضعیف دشمن.

ث - تقدم استفاده از عناصر پشتیبانی آتش و سایر عناصر پشتیبانی رزمی

تک پشتیبانی : به منظور پشتیبانی از تک اصلی و با حداقل نیروی لازم اجرایی گردد، تک پشتیبانی ممکن است در یک یا چندین نقطه اجرا شود و منظور از آن، فریب دادن دشمن از محل و سمت تک اصلی، وادار کردن دشمن به استفاده از احتیاط خود و تثبیت دشمن در مواضع و تصرف زمینی که مانور تک اصلی را تسهیل نماید، می باشد.

باید توجه داشت تک پشتیبانی و تک فریبنده هر دو به منظور منحرف کردن توجه دشمن از منطقه تک اصلی انجام می گیرد ولی تک فریبنده هیچگاه به منظور تصرف هدف نهایی ادامه نخواهد یافت. (فرهنگ واژه های نظامی؛ ص ۲۷۷، ۲۷۸ و ۲۸۰)

اصطلاح تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی مترادف تک اصلی و تک پشتیبانی بوده که برای یگانهای بالاتر از لشکر بکار می روند. (فرهنگ واژه های نظامی، صفحات ۲۸۰، ۲۷۸)

می کرد و نیروهای دشمن را در شرق بصره درگیر می نمود و عملیات تلاش اصلی را در شبه جزیره فاو تسهیل می کرد.^۱

سردار حسین علایی می نویسند:

قرار بود همزمان با عملیات سپاه در منطقه فاو، ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در هر منطقه ای که توانایی دارد، با لشکرها و تیپ‌های سازمانی خود به اجرای تک مستقل بپردازد. لذا به طرح‌ریزی عملیات مورد نظر خود اقدام کند. بنابراین تک در محور پاسگاه زید تا شلمچه که در دستور کار ارتش قرار گرفته بود، به عنوان تک پشتیبانی برای عملیات سپاه در فاو به حساب می آمد. البته اجرای عملیات سپاه در فاو نیز متقابلاً نقش تک پشتیبانی برای عملیات ارتش را ایفا می کرد. قرار بود که اگر هر یک از این عملیات‌های ارتش یا سپاه در منطقه خود موفق شد، به عنوان تلاش اصلی عملیات قلمداد شود و محور بعدی به عنوان تک پشتیبانی به حساب بیاید. پیشروی نیروهای ایران در محور شلمچه به دلیل نزدیکی آن به شهر بصره برای دشمن بسیار خطرناک تلقی می شد. بنابراین چنانچه یگان‌های ارتش ایران می توانستند خط مقدم دشمن در این ناحیه را تصرف کنند و حتی اندکی در آن پیشروی کنند، این اقدام باعث عدم جابه جایی فوری واحدهای ارتش بعثی به سمت منطقه تلاش اصلی در فاو می شد و یک تک پشتیبانی به حساب می آمد. البته تک ارتش در محور شلمچه موفقیت لازم را نداشت و واحدها علیرغم تلاش در خط، نتوانستند خط دشمن را بشکنند. در نتیجه پیشروی چندان در این جبهه صورت نگرفت. لازم به ذکر است که تعدادی از گردان‌های سپاه برای اجرای این تک در شلمچه در اختیار نیروی زمینی ارتش بودند. این عملیات بیش از ۴۸ ساعت ادامه نیافت و عملاً نتوانست انتظاری را که از آن می رفت، پاسخ دهد.^۲

به هر حال تک تلاش پشتیبانی (مستقل از تک تلاش اصلی) با رمز یا فاطمة الزهرا، یا فاطمة الزهرا، یا فاطمة الزهرا، ادرکنی همزمان با تک تلاش اصلی آغاز و اولین پیام از طریق قرارگاه عملیاتی کربلا به شرح سند شماره ۲ به قرارگاه خاتم ۲ ارسال می گردد.

۱. حسینی، سرهنگ سید یعقوب؛ تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ ج ۷، ص ۵۲۶.

۲. علایی، حسین، روند جنگ ایران و عراق، جلد ۲، انتشارات مروزبوم، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۹.

سند شماره ۱



آرش جمهوری اسلامی ایران

پیام کشف / پیام رمز

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پی دریافت تدبیر کلی قرارگاه خاتم۲ با تشکیل یک قرارگاه تاکتیکی به نام قرارگاه عملیاتی کربلا هدایت عملیات یگانهای خود را در منطقه شلمجه و شرق بصره بعهد می گیرد . و موضوع را طی پیامی که در تصویر شماره ۱ درج گردیده است به اداره سوم ستاد مشترک گزارش می نماید .

شماره پیام		اگرچه به:
آگاه شوند	اجمیت	ب : ر- سماجا (ادارہ سوم - معاونت عملیات - مدیریت
اداک کنند	(عملیات)	ار : نزا جا، معاونت عملیات و اطلاعات (مد . عملیات)
خیلی محرم مانده	طبقه بندی	

برابر گزارش قرارگاه عملیاتی جنوب

قرارگاه تاکتیکی قرارگاه عملیاتی جنوب بنام قرارگاه عملیاتی کرپلا از ساعت ۱۰۰۰ روز جاری مورخه

۶۴/۱۱/۲۰ در مختصات نقشه خرمشهر دایر گردیده است، مراتب جهت استحضار بعرض -

۳۲-۱۹۹۰ . ۳-۱-۱۹۹۰

ف. نرجا هندی ای خانه علی صیاد شیرازی

گه زده کنه

مذہبہ اطلاعات نواحیہ حیت آگہی .

2011.08.18-252

8 f 11 f

اصل پیام و نامه در سر رشته قرار میگیرد ۳-۱۱-۱۲۰۲ هجری قمری ۱۳۸۱ شمسی

درجه نام و مقام تهیه کننده پیام	درجه نام و مقام امضا کننده
تأیید صفحه از صفحه	تاریخ و ساعت امضا امضاء
درجه نام و امضاء نگارچی فراستنده کمینه	تاریخ و ساعت پایان خبر

۱. راکر که پیام « ۳ و ۲ » را نهی کند پیام « ۴ » را نگذارد و یا بهیچ پرمیسی ندارد خطوط نظیر همین قسمت برای آسان شدن کارهای مرتبط
فرم ۱۲۲ الف

سند شماره ۲

بسمه تعالی
از قرارگاه عملیاتی جنوب (۱۳)
به قرارگاه خاتم ۲ گیرنده کتبی
اگهی به نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات مد عملیات

شماره پیام ۸ / ۲ / ۱۱ / ۱۳ / ۳۰۰۱ سند ۶۴ / ۱۱ / ۶۴

خیلی محرمانه انجمنی

تک در ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۶۴ / ۱۱ / ۲۰ با رمز یا فاطمه الزهرا یا
فاطمه الزهرا یا فاطمه الزهرا در کتی آغاز گردید .
لشکر ۲۱ در ساعت ۲۲۱۲ در شهر خین رخنه نموده و مشغول یل زدن و عبور
از شهر مزبور میباشند
گردان ۱۶۳ وارد جزیره بوارین گردید و مشغول پاک سازی میباشد .
ل ۷۷ در تمام محورها درگیر شده و به پاسگاه کت عواری ~~جاری~~ را
به تصرف در آورد . این لشکر همچنان به پیشروی خود ادامه میدهد .
ل ۸۱ و ۹۲ درگیر هستند .
ادامه وضعیت متعاقبا گزارش خواهد شد .

د ق ع جنوب سرمنعک ستاد سلیمانجه

تکین دکوات
۸/۰۲۸۰

(رونوشت سند شماره ۲)

بسمه تعالی

از: قرارگاه عملیات جنوب (کربلا)

به: قرارگاه خاتم ۲ گیرنده کتبی

آگهی به نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات مد عملیات

شماره پیام ۶۴/۱۱/۲۱ — ۲۰۰۱/۱۲/۱۱/۲/۸

خیلی محرمانه — انی

تک در ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز یا فاطمة الزهرا یا فاطمة الزهرا می باشند

لشکر ۲۱ در ساعت ۲۲۱۷ در نهر خین رخنه نموده و مشغول پل زدن و عبور از نهر مزبور

گردان ۱۶۳ وارد جزیره بوارین گردید و مشغول پاکسازی می باشند.

ل ۷۷ در تمام محورها درگیر شده و به پاسگاه کوت سواری را به تصرف در آورد. این لشکر همچنان به پیشروی خود ادامه می دهد ل ۸۱ و ۹۲ درگیر هستند. ادامه وضعیت متعاقباً گزارش خواهد شد.

ف ق ع جنوب سرهنگ ستاد سلیمانجه

سرتیپ ۲ داود سنجری پور (استاد دانشکده فرماندهی و ستاد) که در عملیات والفجر ۸ رئیس رکن دوم لشکر ۲۱ حمزه بوده، درباره شرکت لشکر ۲۱ حمزه در عملیات می گوید:

همزمان با تک اصلی عملیات والفجر ۸، تک پشتیبانی در شلمچه برای آزاد سازی جزیره بوارین و جزیره ام الرصاص در شرف اجرا بود. در این عملیات لشکر ۲۱ حمزه در مرکز و لشکر ۷۷ در سمت راست و عناصری از سپاه پاسداران در سمت چپ برای حمله به جزیره بوارین قرار داشتند، عملیات در ابتدا موفقیت آمیز بود و حتی مهندسی قرارگاه خاتم اقدام به زدن پل روی رودخانه اروند برای عبور لشکر کرد و این پل بوسیله آقای فروزنده مورد بازدید قرار گرفت و ایشان و همراهان از این پل عبور کردند و وارد جزیره بوارین شدند، اما عملیات به دلیل وجود موانع زیاد که عبور از آن برای لشکرهای سنگین همچون لشکر ما ساده نبود متوقف شد و یگان های تک ور به مواضع خود برگشتند.

ایشان درباره نتیجه عملیات در شلمچه می‌گویند:

حُسن این عملیات آن بود که یگان‌های توپخانه جاده‌های منطقه از جمله جاده بصره به فاو را زیر آتش داشتند و ارتش عراق به این نتیجه رسید که این عملیات تلاش اصلی می‌باشد و به تقویت خود در مقابل شلمچه پرداخت و حتی نیروهایی را از جنوب (سپاه ششم) به این منطقه گسیل داد و این سبب شد که نیروهای عمل‌کننده در عملیات فاو درگیری کمتری داشته باشند و عبور از ارونند تسهیل شود. اضافه بر این توپخانه‌هایی که در پشتیبانی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ به کار گرفته شده بودند، طوری عمل می‌کردند که جابجایی نیروها را برای عراق مشکل کرده بودند و تقویت نیرو در منطقه فاو برای عراق به سختی انجام می‌شد.^۱

مکاتبات بعدی قرارگاه کربلا که پاره‌ای از اسناد آن آورده شده است خود گویای شرح رویدادها و بازگوکننده تلاش یگان‌های درگیر عملیات می‌باشند و نیاز به هیچ‌گونه تفسیر و تحلیلی ندارند. (اسناد شماره ۳ الی ۸)

۱. حسینی، سید یعقوب؛ سرهنگ، تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ عقیدتی سیاسی آجا، ج ۷، ص ۵۲۶.

سند شماره ۳

بسمه تعالی

ارتش جمهوری اسلامی ایران		کشف پیام / پیام رمز	
شماره ۱۳۰۲۱۱۲/۱۳۰۲/۳۰۱	تاریخ ۲۱، ۱۱، ۶۵	وسیله ارسال	ریخ و ساعت وصول به مرکز پیام
طبقه بندی :		شماره مرکز پیام	مقداد کلمه یا گروه
اقدام کننده :		از: ق. ع. ک. (۳)	به: ف. ق. ع. خاتم ۲ کتب
آگاه شوند :		آگهی به: ف. ن. ز. ا. ج. د. ت. ع. و. پ. ا. ر. (مستقیم)	

بدر ۱۳۰۲/۱۱/۲۱
آخرین وضعیت - ساعت ۲۱:۰۸:۵۵ برج نیریز:

۱- ل ۲۱ در قسمت تصرف جزیره بهارین مشغول گشت است. شش بهارین عبور و نقل سنگ

در زیر آتش شدید و صدای آوازه بلند

۲- ل ۷۷ مشغول گشت در بخش رود محمد ۱ است که تصرف شده در بعد از ظهر راهپیمایان حفظ کرده است

۳- ل ۹۲ و ل ۸۱ همچنان زیر آتش شدید بوده و تا به حال بهر خبر شمرده است

ف. ق. ع. ک. بدر - نیریز - دستخطی
از طرف

و به وقت ۸:۴۵ دقیقه
در قسمت بهارین (م. ۸۶)
ک. ن. ز.

۱۳۰۲/۱۱/۲۱
۸۴۵

درجه و نام امضاء کننده	فرستنده	تاریخ و ساعت امضاء

سند شماره ۴



ارتش جمهوری اسلامی ایران

پیام کشف / پیام رمز

۱- تاریخ و ساعت وصول بکرم پیام شماره مرکز پیام وسیله ارسال تعداد کلمه یا گروه		عنوان
۲- از : ... به : ... آگهی به :		طبقه بندی اقدام کننده آگاه شونده شماره پیام
تاریخ : ۱۳۸۱/۰۸/۲۰ ساعت : ۱۱:۴۴ از : ... به : ... آگهی به : ... درجه نام و مقام تهیه کننده پیام متن درجه نام و مقام تایید کننده پیام متن		
۳- درجه نام و مقام تایید کننده پیام متن		تاریخ و ساعت امضاء امضاء
۴- درجه نام و مقام تایید کننده پیام متن		تاریخ و ساعت امضاء امضاء

نمونه ۱: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۲: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۳: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۴: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۵: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۶: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۷: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۸: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۹: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...
 نمونه ۱۰: درجه نام و مقام تایید کننده پیام ...

سند شماره ۵

کشف پیام / پیام رمز	تاریخ و ساعت وصول به مرکز پیام	وسیله ارسال	شماره ۲، ۳، ۱۱، ۱۳ - ق-۴
عدد اد کلمه یا گروه	شماره مرکز پیام	تاریخ ۲، ۱۱، ۶۷	
از: ق ع ^{کتاب} (۳)	طبقه بندی : ح' - ۳		
به: فقه حاتم ۲ (کتبی)	اقدام کننده :		
آگهی به: فنزاجی یار محمد زاهد (مدیریت)	لوحه چوبی		آگهی ه شوند :

84, 21 - 201. 1/13/11/1/0.6

۱- آرام عیسی و النجیر، بزرگانه بزهره، بزرگانه بنام بزرگ، ادرسناس
درست ۲۳۰۰ هزار ۵۴۹ آواز و صدای تک در درست ۷۰۰ هزار ۲۳۰۰
بزرگی نیش در بزرگ نه نیمه صدای اول خواند

فصل در بیان سیرت و اخلاق

۱) کربا کے راجہ متروک ہے (۵)

22, 4, 55. 0.33.

سند شماره ۶

تعل ۷۷ ۲۹

تعل ۷۷ ۲۹

تعل ۷۷ ۲۹

تعل ۷۷ ۲۹

تعل ۷۷ ۲۹

سپهبد
برقرار در فاو
۱- مرتبه نهان به رسم ارتش

در تمام کس - در ارتش

بسمه تعالی
از قرارگاه عملیات جنوب (مرکز سوم) /
به فتنه با معاونت عملیات و اطلاعات / عملیات /
اکنون به فتنه با معاونت عملیات و اطلاعات / عملیات /

در تمام کس - در ارتش

۲- به نظر شما و ارتش

شماره ۳۲/۳۰۰۱/۱۲/۱۱/۳۲۶۱ به ۶۴/۱۱/۲۵

برای گزارش ل ۹۲ زمین دشمن در ساعت ۰۷۳۰ روز چارن ۶۴/۱۱/۲۵ در تهران

جنوبی مدیریت به تک نموده و از این سنگر کمین به سرکون و به

به ل ۹۲ را تصرف و در سایر پدما شرف و شرفین شرف درگیری ادامه دارد

به پیش بینی های لازم از نظر اعزام یگان احتیاطی لشکر و اعزام افسر را

به متعلقه ل ۹۲ بعمل آمده است مشروح جزئیات به ضمیمه پیوسته است

بسمه تعالی
جهت استحضار در هر روز

به نظر شما و ارتش

۳۲/۳۰۰۱/۱۲/۱۱/۳۲۶۱

فتح جنوب سرهنگ ستاد سلیمان پناه
از طرف سرهنگ ستاد دمچمد پناه

۳۲

سند شماره ۷



تعالی

سری

احکام سربرج
۵۴ / ۲۰۱۸ / ۹
۲۴ / ۱۱ / ۲۲

نزاجات معاشرت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)
رسمی (اداره سم و معاونت عملیات و مد عملیات)
عملیات والفجر ۸

بازگشت بشماره ۳۴۳-۹-۲۰۱-۲۰۱۸ م س ۲۲/۱۱/۱۳۶۴ و پیرو شماره ۲۸-

۲۰۱-۲۰۱۸ م س ۲۲/۱۱/۱۳۶۴

۱- طرحهای مربوط به عملیات والفجر ۸ که بوسیله نزاجاد در حال اجرا میباشد طرح آن قبلاً بعنوان -
طرح عملیاتی بدر ۳ (تجدید نظر شده سم) با شماره اعلام وصول ز - ۵ - ۴۵ تقدیم گردیده -
است .

۲- از ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۲۰/۱۱/۶۴ که عملیات آغاز گردیده چگونگی اجرا و پیشرفت عملیات بطور
مرتب در تمام ساعات شبانه روز گزارش گردیده ضمن اینکه مراتب در گزارش نوبه ای عملیاتی روزانه
درج و تقدیم شده است .

۳- چنانچه منظور عملیات انجام شده در منطقه فار میباشد این نبرد فقط با پخش اطلاعیه های قرارگاه
خاتم الانبیا (ص) از رسانه های گروهی اطلاع لازم را کسب نموده و بهره برداری مینمایند
و منتظر دریافت گزارشات از سماجا ۳ بود که با قرارگاه خاتم الانبیا (ص) بوسیله افسران معرفی
شده در ارتباط میباشد .

۴- باتوجه باینکه در حال حاضر ریاست محترم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در قرارگاه
خاتم الانبیا (ص) حضور دارند سماجا ۳ میتواند کلیه اطلاعات مورد نظر را بطور کامل دریافت
و نزاجا را در جریان رویدادها قرار دهند .

۵- خواهشمند است مقرر فرمایید بایز قرار ارتباط با قرارگاه خاتم الانبیا (ص) گزارشات مورد نظر را

دریافت نموده و مراتب را جهت بهره برداری باین نیرو اعلام فرمایند . ب

رازی

۱۱/۲۴

۶۴/۱۱/۲۲

سنته

سرانجام، قرارگاه عملیاتی جنوب به دلیل عدم توفیق در به ثمر رساندن تک لشکرهای ۲۱ و ۷۷ در تصرف جزیره بوارین و ادامه تک شرق بصره، برابر دستور جز به جزء شماره ۵ (سند شماره ۸) با قبول مأموریت پدافندی ضمن ساماندهی دوباره خطوط پدافندی موفق به برداشت لشکر ۳۰ گرگان شده و با تقویت این لشکر آنرا به طور مستقیم زیر امر قرارگاه خاتم ۱ برای کمک به تلاش اصلی در منطقه فاو می گذارد.

سند شماره ۸

بسمه تعالی

از: ق.ع جنوب (۳)

به: گیرندگان مراجعه شود

موضوع: دستور جزء جزء ۵

۱- مدارک:

الف- طرح عملیاتی شماره ۳ بدو دستورات جزء جزء شماره ۱ و ۲ و ۳

ب- دستورات شفاهی

پ- نقشه ۵۰/۰۰۰: ۱ منطقه

تغییرات در سازمان

الف- ل.ع ۳۰ و یک گروهان تانک از گد ۲۴۶ ل ۷۷ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل خاتم ۱

ب- گردان ۳۶۸ ت ۱۰۵ ل ۷۷ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ تک مستقیم ل.ع ۳۰ در کنترل عملیاتی خاتم ۱

پ- گردان ۳۹۹ تیخانه ۳۰ گروه ۵۵ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی خاتم ۱

ت- گردان ۳۹۷ تیخانه (۰۰) ۲۰۳ ل ۲۱ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی خاتم ۱

ث- یک آتشبار کاتینوشا از گد ۳۷۶ گروه ۵۵ از مورخه ۶۴/۱۱/۲۴

۲- آخرین وضعیت:

تک قرارگاه خاتم ۱ در منطقه فاو همچنان با موفقیت ادامه دارد و ق.ع کربلا ضمن پدافند از منطقه محوله به بازسازی و آموزش پیگانیهای احتیاط جهت اجرای عملیات آتی ادامه میدهد.

۳- مأموریت: تغییری داده نشده است.

۴- دستور پیگانیها:

الف- ل ۱۶ زرشکی:

همچنان از منطقه محوله پدافند کنید.

ب- ل ۲۱ حوزه:

(۱) گردان ۷ تیخانه (۰۰) ۲۰۳ از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ق خاتم ۱

(۲) ضمن پدافند از منطقه محوله نسبت به تحکیم مواضع اقدام کنید.

(۳) نسبت با حادث یک خاکریز بموازات خاکریز مواضع اولیه در نهرخین بمنظور تشکیل خط دوم پدافندی اقدام کنید.

(۴) سایر پیگانیها را (تی ۲۰۱) در منطقه ای مناسب مستقر ضمن بازسازی و آموزش بعنوان --

احتیاط این قرارگاه و تقدم بکار گرفتن در منطقه آن لشکر را تا برگشتن به بیان تا منتظر پدافند خاتم ۱

(۵) آماده باشد تا با یک دستور یک تیخانه گردانی را در کنترل عملیاتی ل ۲۰۳ قرار دهد.

۱۹۶۴/۱۱/۲۴

۹۰/۲۰/۱۰

۹۲

۲۴

رک

پ - ل ۷۷

(۱) یک گروهان تانک از گد ۲۴۶ را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ل.ع ۳ قرار دادید

(۲) گد ۲۶۸ تیخانه ۱۰۵ را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی ل.ع ۳ قرار دادید

(۳) بگادهای تاجیه (تی ۳۷۲ و ۳۷۱) را از منطقه فعلی تغییر مکان دادید و در منطقه قبلی در -

کتابت ثبت مستقر نمودید

(۴) ضمن آموزش و بازسازی بعنوان احتیاط این قرارگاه به تقدم بکار رفتن در منطقه جزایر مجنون و

منطقه جزایر و جنگل مستقر -

ت - ل ۸۱ درمی

بگادهای تاجیه را در منطقه عمومی جعفر (منطقه استقرار فعلی) مستقر ضمن بازسازی و آموزش

بعنوان احتیاط این قرارگاه به تقدم بکار رفتن در منطقه ل ۹۲ درمی از طلا تبه تا شمال

آبگرفتگی بهمان

ت - ل ۹۲ درمی :

همچنان از منطقه محوله پدافند کنید

ج - ل.ع ۳۰

(۱) یک گروهان تانک از گد ۲۴۶ ل ۷۷ را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی بگیرید

(۲) از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل عملیاتی خاتم ۱

(۳) دریافت وسائل عبور و وسائل تهیه سنگر و تاسیس پدافند هوایی و وسائل سنگین میمند -

و تقویت کردن لشکر با نیروهای بسیج از طریق خاتم ۱ یا هماهنگی تیم رابط این قرارگاه

مستقر در قرارگاه خاتم ۱ پیگیری نمودید

ج - ل.ع ۵۸ ذوالنهار

همچنان از منطقه محوله پدافند کنید

ج - تی ۲ ل ۸۱

بعنوان احتیاط این قرارگاه آماده و باشیید بنا به دستور به ترتیب تقدم در منطقه ل ۱۶ و ل.ع ۵۸ بکار رود

خ - تی ۵۵ هد

(۱) بنا به دستور از منطقه فعلی تغییر مکان دادید و در منطقه قبلی (ابومصلحی عات) مستقر نمودید

(۲) ضمن آموزش بازسازی بعنوان احتیاط این قرارگاه به تقدم بکار رفتن در منطقه ل.ع ۵۸

د - گروه ۵۵

گردان ۳۲۳ تیخانه را از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۴ در کنترل بگیرید

ه - دستورات بعدی :

رک

(۹۷)

%

سازمان

- الف - کلیه حرکات و جابجائیها با رعایت اضل تا زمین وایمنی و در شرایط دید محدود انجام گیرد .
- ب - یگانها در منطقه پراکندگی اصول پدافند عامل و غیر عامل را رعایت کنند .
- پ - کالک آخرین وضعیت گسترش رگ تهیه و در د و نسخه باین قرارگاه ارسال دارید .
- ت - یگانهای احتیاط طرح پاتک را بر مبنای معابر نفوذی و مناطق خطرناک منطقه مسئولیت پیش بینی و تهیه ویکسسه باین قرارگاه ارسال دارند .

ف ق ع کرلا - سرهنگ پیاده ستاد سلیمانجاده

عبارت

گیرندگان :

ف نزا جا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات)

ف خاتم ۲

ف ل ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰

جهت آگهی و اقدام لازم .

ر ک ق ع جنوب جهت آگهی و اقدام لازم .

ری

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۷۳

گرچه مدارک ارائه شده به اندازه کافی خود گویای شرکت یگان‌های عمده نذاجا در عملیات والفجر ۸ به‌طور مستقیم می‌باشند، مدرک (سند شماره ۹) که به پیوست گزارشات نوبه‌ای روزهای ۲۲ و ۲۳/۱۱/۶۴ تهیه و به مبادی مربوطه ارسال گردیده است به‌طور مشخص‌تر رویدادها و اقدامات عملیاتی لشکرهای ۷۷ پیاده ۲۱ پیاده مکانیزه ۹۲ و ۸۱ زرهی را که همزمان با تک اصلی انجام گرفته است نشان می‌دهد.

لازم به ذکر است یگان‌های شرکت کننده در این عملیات ۵۷ نفر شهید ۳۷۹ نفر مجروح و ۷۷ نفر اسیر تقدیم انقلاب کردند که جا دارد از مقام و منزلت آنان پاسداری گردد.^۱

۱. نوار مصاحبه سرتیپ ۲ داود سنجرپور، رئیس رکن دوم وقت لشکر ۲۱

سند شماره ۹

بسمه تعالی

پیوست به گزارش نوبه‌ای عملیاتی شماره ۳۲۸ و ۳۲۹ مورخ ۶۴/۱۱/۲۲ الی ۶۴/۱۱/۲۳ نتیجه عملیات انجام شده در منطقه جنوب (والفجر ۸) تا صبح مورخ ۶۴/۱۱/۲۳

۱- قرارگاه تاکتیکی قرارگاه عملیاتی جنوب از ساعت ۱۰۰۰ روز ۶۴/۱۱/۲۰ در مختصات ۳۲-۹۶ نقشه خرمشهر دایر گردید.

۲- تک رزمندگان اسلام در ساعت ۲۲۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز یا فاطمة الزهرا - یا فاطمة الزهرا - یا فاطمة الزهرا ادرکنی آغاز گردید و نیروهای خودی در ساعت ۲۲۱۷ - ۶۴/۱۱/۲۰ با دشمن بعضی درگیر شدند.

۳- آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده تا ساعت ۰۲۵۰ مورخ ۶۴/۱۱/۲۱

الف: در ساعت ۲۲۱۷ لشکر ۲۱ در نهر خین رخنه نموده و مشغول پل زدن و عبور از نهر مزبور می‌باشد گردان ۳۳ وارد جزیره شده و مشغول پاک سازی است. [احتمالاً گردان ۱۳۳ است]

ب: لشکر ۷۷ در تمام محورها در گیر و پاسگاه کوت سواری را در ساعت ۲۲۳۵ مورخ ۶۴/۱۱/۲۰ به تصرف خود در آورده است این لشکر به پیشروی خود ادامه می‌دهد.

پ: لشکرهای ۸۱ و ۹۲ درگیر هستند (پیشروی حاصل نشده است)

۴- آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده تا ساعت ۰۴۱۵ - ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

گردان ۱۶۹ ضمن برپایی سه پل کوثری^۱ بر روی نهر خین وارد جزیره شده ولی به علت مقاومت شدید دشمن پیشروی به سمت غرب و به کندی صورت می‌گیرد.

گردان ۱۳۱ و گروهان شهادت که از معابر دیگر عمل می‌کردند موفق شدند عناصر تامین دشمن در شرق نهر خین را منهدم نمایند.

ب - ل ۷۷

در امتداد دژ عراق پیشروی نموده سعی در توسعه وضعیت دارد لیکن به علت مقاومت شدید دشمن پیشروی به کندی انجام می‌گردد.

۱. پل کوثری و پل خیبری، پل‌هایی بودند که برای رفت و آمد در هورالهیوز برای عبور نفرات و خودروها به کار گرفته شدند، این پل‌ها ابتکاری بودند.

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی

زیر آتش شدید دشمن بوده و یگان‌ها به مواضع دشمن بر خورد و سعی در رخنه و خنثی نمودن آنها را دارند.

۵- آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده تا ساعت ۰۶۰۰ مورخ ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

پیشروی گردان‌های ۱۶۹ و ۱۴۱ به علت آتش شدید دشمن متوقف و تلاش گردان ۱۳۱ و گروهان شهادت جهت نفوذ در نهر خین بی نتیجه بوده است.

ب - ل ۷۷

پیشروی درامداد دژ متوقف و در سایر معابر نیز مقاومت زیاد است.

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی:

کماکان پیشروی حاصل نشده است.

۶- آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده تا ساعت ۰۸۱۵ روز ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

در قسمت متصرفی جزیره بوارین مشغول تحکیم مواضع است تلاش برای عبور وسائل سنگین در زیر آتش شدید ادامه دارد

ب - ل ۷۷

سنگرهای کمین دشمن بر روی محور شماره ۴ تصرف شده همچنان حفظ می‌نماید.

پ - ل ۹۲ و ل ۸۱ زرهی

همچنان زیر آتش شدید بوده و قادر به پیشروی نمی‌گردند.

۷- آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده تا ساعت ۲۲۲۰ - ۶۴/۱۱/۲۱

الف - ل ۲۱

همچنان حدود ۱۰۰۰ متر از منتهی الیه گوشه شرق جزیره بوارین در تصرف دارد و پل خاکی توسط مهندسی لشکر و جهاد تهران با استفاده از لوله تا ساعت ۱۵۰۰ مورخ ۶۴/۱۱/۲۱ بر روی خین نصب نموده و سه دستگاه وسائل سنگین مهندسی جهت تحکیم مواضع به داخل جزیره عبور داده شد.

ب- ل ۷۷

ضمن حفظ مواضع کمین دشمن در محور شماره ۴ (دژ عراق) بقیه یگان‌ها به مواضع خود برگشته و به عنوان احتیاط قرارگاه آماده به کار رفتن در سایر مناطق است

پ- ل ۹۲ و ۸۱ زرهی

پیشروی حاصل نگردیده است: ل ۹۲ یگان‌های ل ۸۱ را از خط تعویض نموده و ل ۸۱ به عنوان احتیاط در اختیار قرارگاه کربلا قرارگرفت.

۸- برابر گزارش ق ق ع کربلا در ساعت ۱۷۳۰ - ۶۴/۱۱/۲۱ تعداد سه دستگاه تانک ل ۲۱ وارد جزیره بوارین گردیده است.

۹- در ادامه عملیات والفجر ۸ با رمز یا فاطمة الزهرا - یا فاطمة الزهرا - یا فاطمة الزهرا ادرکنی در ساعت ۲۳۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۱ آغاز گردیده است و یگان‌های تک‌ور در ساعت ۰۱۰۷ - ۶۴/۱۱/۲۲ با دشمن درگیر گردیده که نتایج حاصله متعاقباً بعرض خواهد رسید..

۱۰- برابر اعلام ق ق ع کربلا بر اثر فشار شدید دشمن پیشروی ل ۲۱ متوقف و در حال حاضر که ساعت ۰۹۰۰ - ۶۴/۱۱/۲۲ می‌باشد تغییری در مواضع اشغال شده نسبت به روز قبل حاصل نشده

۱۱- برابر اعلام ق ق ع کربلا:

آخرین وضعیت یگان‌های عمل کننده به شرح زیر است:

ل ۲۱

الف: از ساعت ۰۹۰۰ الی ۱۵۳۰ در مواضع متصرفی جزیره بوارین پدافند نموده است.

ب: در ساعت ۱۵۴۰ دشمن با اجرای حجم آتش شدید همزمان مبادرت به پاتک در جزیره نموده.

پ: به علت فشار شدید دشمن ضمن تحمل تلفات زیاد در ساعت ۱۹۰۰ - ۲۲ / مبادرت به عقب نشینی نموده‌اند.

ل ۷۷، ۸۱ و ۹۲

همچنان از منطقه محوله پدافند نموده ضمناً عناصری از ل ۹۲ در حال تعویض ل ۸۱ در منطقه کوشک می‌باشد.

۱۲- برابر اعلام ق ق ع کربلا:

الف: یگان‌های ل ۷۷ تک خود را از ساعت ۰۱۲۰ - ۶۴/۱۱/۲۳ در محور دژ عراق آغاز نمودند.

ب: یگان‌های تک ور در ساعت ۰۲۲۰ / ۱۱ / ۶۴ با دشمن درگیر و آتش تهیه پیش بینی شده بمنظور پشتیبانی نزدیک نیروی تک ور اجرا گردیده است.

۱۳ - برابر اعلام ق ع کربلا:

لشکر ۷۷ که با آتش پشتیبانی تک خود را آغاز نموده به علت مقاومت شدید دشمن قادر به پیشروی نگردید و بانگیزه روشنائی روز و افزایش آسیب پذیری در ساعت ۰۵۳۰ / ۱۱ / ۶۴ به مواضع اولیه مراجعت نمودند.

از جمع بندی مطالب گفته شده و مشاهده اسناد و مدارک ارائه شده چنین استنباط می‌گردد، نزاجا در عملیات والفجر ۸ نقش اساسی و ارزنده خود را به عنوان تلاش پشتیبانی به انجام رسانده است.

گر چه ممکن است به علت عدم موفقیت در تصرف هدفهای مربوطه به تک پشتیبانی این توهم به وجود آید که نزاجا در این عملیات تاثیر گذار نبوده است، اما با توجه به ماموریت و ماهیت تلاش پشتیبانی در طرح‌ریزیها می‌توان با قاطعیت اعلام کرد که یگان‌های نزاجا با درگیر کردن بسیاری از یگان‌های مجاور منطقه تلاش اصلی، عملیات تک اصلی را تسهیل نموده و از امکان تقویت یگان‌های دشمن در منطقه تک اصلی ممانعت جدی به عمل آورده است و این به تنهایی موفقیت تلاش پشتیبانی را توجیه می‌نماید.

در این رابطه در پاورقی صفحه ۱۶ کتاب فاو تا شلمچه چنین آمده است:

همزمان با عملیات والفجر ۸، ارتش و سپاه با دو فرماندهی مستقل، در شمال این منطقه عملیاتی، در شلمچه و ام‌الرصاص، اقدام به عملیات کردند.

از این نوشته چنین استنباط می‌گردد که عملیات والفجر ۸ یک عملیات و عملیات در منطقه شلمچه و ام‌الرصاص عملیات دیگری است در حالی که در بند مأموریت دستور عملیاتی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص):

- ماموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه فاو و ام‌الرصاص (تلاش اصلی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص))؛

- ماموریت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی کوشک و شلمچه (تلاش پشتیبانی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص))؛

ذکر گردیده است و این دو نوشته از نظر مفهوم کاملاً متفاوت می‌باشند، این تفاوت از آن جایی ناشی شده است که در این عملیات از روش ابداعی هدایت یک عملیات با دو فرماندهی

مستقل استفاده گردیده است که در عمل جوابگوی نیاز طرح ریزی در جنگ را فراهم نمی کند و به همین دلیل ارزشیابی این روش بایستی مورد توجه مسئولان و مراکز آموزشی عالی نظامی قرار گیرد.

۵- تقویت تک اصلی (سپاه پاسداران)

الف- اعزام یگان های مانوری

(۱) اعزام لشکر ۳۰ تقویت شده

نزاجا با احساس مسئولیت و توجه کامل به اهمیت منطقه فاو، پس از به بن بست رسیدن تک پشتیبانی و تثبیت خطوط پدافندی در منطقه شلمچه با اعزام لشکر ۳۰ تقویت شده به منطقه فاو اقدام به تقویت تک اصلی نمود. جزئیات شرکت لشکر ۳۰ تقویت شده در نامه شماره ۶۴/۱۱/۲۴-۲ ج خ ۲۰/۱۰/۸/۹۱/۲۰/۱۱/۲۴-۲ قرارگاه خاتم ۲ به روشنی ذکر گردیده است. (سند شماره ۱۰)

ستوانیکم رمضانعلی حکیمی جمعی گردان ۱۸۸ پیاده تیپ ۲ لشکر ۳۰ جزئیات شرکت گردان ۱۸۸ پیاده در عملیات والفجر ۸ را چنین بیان می کند:

"من در این مأموریت گروهبان دسته خمپاره انداز ۱۲۰م.م بودم که در منطقه شلمچه به اجرای آتش مشغول بودیم که ناگهان دستور آتش بس و سپس جمع کردن دسته خمپاره انداز از طریق گردان داده شد. ما ابتدا فکر کردیم شاید مشکلی برای یگان های در خط پیش آمده باشد. اما بزودی همه چیز روشن شد، بایستی تیپ ۲ به منطقه آبادان برای شرکت در عملیات والفجر ۸ که به وسیله سپاه پاسداران اجرا می شد حرکت کند. وقتی دسته ما به قرارگاه گردان رسید، ملاحظه کردیم گروهانهای گردان قبل از ما آماده حرکت هستند و منتظر ما هستند. گردان یک پارچه در ساعت ۱۲ شب از طریق خرمشهر، آبادان، چوئبده خود را به ارونند کنار رساند و بدون معطلی با استفاده از قایقهای بزرگی به نام دوبه از رودخانه گذشت و در منطقه فاو پیاده شدیم. با روشن شدن هوا، هواپیماهای دشمن سر رسید و بدون اینکه اقدامی بکنند به طرف ایران پرواز کردند، پس از اندکی توقف بار دیگر دستور حرکت به طرف شهر فاو داده شد و پس از پشت سر گذاشتن موانع زیادی مانند سیم خاردار، موانع خورشیدی، خاکریز به شهر فاو رسیدیم، موقعی که به شهر فاو رسیدیم چند نقطه از شهر در حال سوختن بود و هنوز

رادیو اعلام نکرده بود که فاو آزاد شده است، در فاو بودیم که از رادیو شنیدیم که فاو آزاد شده است.

عملیات توسط: سپاهیان، بسیجیان با پشتیبانی توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی انجام گرفت. ما بدنبال همه وارد فاو شدیم. وقتی در فاو بودیم مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفتیم و زمین گیر شدیم. شاید تعداد هواپیماها ۲۰ فروند بودند. پس از حمله هوایی ما به سرعت شهر را ترک کردیم و به یک سه راهی رسیدیم که روی تابلوها نوشته شده بود فاو، بصره و فاو، ام القصر، ما از جاده فاو، ام القصر به جلو رفتیم تا به یک خاکنیز رسیدیم و مستقر شدیم و دیدبانهای خود را به بالای دکل بلندی که ارتفاع آن ۲۵ متر بود فرستادیم و به درخواست دیدبان تیراندازی شروع شد و مأموریت ادامه یافت، روزهای بعد ما با استفاده از امکانات محلی مواضع خود را مستحکم کردیم تا در مقابل آتش توپخانه و حمله هوایی دشمن تامین باشیم، من ۴۵ روز ماندم و بعد به مرخصی رفتم وقتی برگشتم گردان جابجا شده بود و به ایستگاه حسینیّه آمده بود. به طور کلی مأموریت تیپ ۲ لشکر ۳۰ سه ماه ادامه داشت تا این که دوباره به منطقه غرب برگشتیم.^۱

(۲) اعزام تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه

نزاجا برای بار دوم در حالی که هنوز درگیری تک اصلی در منطقه فاو ادامه داشت و دشمن هنوز از دست دادن شهر و منطقه فاو را باور نکرده بود و با اعزام یگان‌های تازه نفس سعی در باز پس گیری منطقه از دست رفته داشت با اعزام یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه خطوط پدافندی منطقه فاو را تقویت می‌کند.

سرتیپ ۲ داود سنجری‌پور، رئیس رکن دوم وقت لشکر در این باره می‌گوید:
پس از تثبیت خط پدافندی در شلمچه یک تیپ از لشکر ۲۱ حمزه برای کمک به نگهداری خطوط تصرفی در فاو وارد فاو شد که من به عنوان رئیس رکن دوم به همراه عناصری از ستاد لشکر برای بازدید از این تیپ به فاو رفتم و دچار حادثه ای هم شدم که بحمد الله برطرف شد.

و در جواب این سؤال، غیر از تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه چه یگان دیگری اعزام شده بود؟ گفت:

تیپ ۳۰ گرگان (در آن موقع لشکر شده بود) نیز در فاو بود که در نگهداری خطوط پدافندی کمک می کرد.^۱

با توجه به اینکه چگونگی اعزام تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه در نامه شماره ۵۰/۱۱/۲۰۱/ج/ع/ق - ۶۴/۱۲/۱۲ معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا آمده است، هر گونه شرح و تفسیر دیگر سبب اطاله کلام می گردد و صرفاً به سند این نامه اکتفا می گردد. (سند شماره ۱۱)

سند شماره ۱۰

بسمه تعالی

از: قرارگاه خاتم ۲
شماره: ۹۱/۸/۲۰۱/ج/خ ۲
به: قرارگاه کربلا (رکن ۳)
تاریخ: ۶۴/۱۱/۲۴

در اجرای اوامر قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) دستور فرمائید اقدامات مشروحه زیر را اجرا و از نتیجه این قرارگاه را مطلع نمائید.

۱- ل ع ۳۰ را در کنترل عملیاتی خاتم قرار دهید.

۲- با اعزام یک تیم رابط به قرارگاه خاتم هم آهنگی های لازم را برابر امکانات مشروحه زیر بعمل آورید.

الف - تخصیص وسایل عبور

ب - واگذاری آماد طبقه ۴ به لشکر فوق (وسایل تهیه سنگر)

پ - واگذاری وسایل سنگین مهندسی جهت تهیه سنگر

ت - زیر امر گذاردن دو گروهان از نیروهای بسیج مردمی

ث - تامین پدافند هوایی یگان اعزامی

۳ - کلیه یگان های توپخانه ای که مازاد بر نیاز عملیاتی پدافند منطقه می باشد در کنترل عملیاتی قرارگاه خاتم قرار دهید (با مهمات مربوطه)

۴ - یک گردان توپخانه ۱۰۵ م م رها شده به شرح فوق را به عنوان کمک مستقیم ل ع ۳۰ در کنترل عملیاتی لشکر مزبور قرار دهید.

۵ - با اجرای آتش با خط مسیر منحنی (خمپاره انداز) در صورت امکان مستقیم (تانک) روی جزیره ام الرصاص کلیه فعالیت های دشمن را در جزیره محدود کنید.

۱. نوار مصاحبه سرتیپ ۲ داود سنجری پور.

۶- با استقرار یگان‌هایی از لشکر ۲۱ در خط پدافندی نسبت به تعویض ل ۷۷ و اعزام آن جهت بازسازی به منطقه هور (کیاندشت) اقدام نمائید.

۷- آماده باشید ل ع ۳۰ را با یک تیپ به استعداد ۲ گردان از ل ۲۱ بنا به دستور تقویت نمائید.

۸- کلیه نیروهای بسیج مردمی بغیر از نیروهای مامور به ل ۳۰ را با یک برنامه منظم به قرارگاه خاتم اعزام نمائید

۹- یک گروهان تانک در کنترل عملیاتی ل ع ۳۰ قرار داده شود (ترجیحاً از گردان ۲۱۶ تانک)

۱۰- زمان اعزام ل ع ۳۰ با یگان‌های در کنترل را به منطقه ق خاتم پس از انجام هماهنگی‌های توسط تیم رابط در نظر گرفته شود.

ف نزااجا سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی

گیرندگان:

۱- قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) جهت استحضار و صدور اوامر لازم پیرامون موارد زیر:

الف: منطقه واگذاری به ل ع ۳۰ برابر اوامر شفاهی ابلاغی جنوب کارخانه نمک و جناح چپ یگان‌های خاتم در نظر گرفته شود.

ب: ۵ گردان نیروهای بسیج مردمی مامور به ل ع ۳۰ کماکان در کنترل لشکر مزبور باقی مانده و با آن یگان به منطقه خاتم اعزام خواهد شد

پ- به منظور تقویت ل ع ۳۰ در اجرای ماموریت ۲ گردان بسیج از قرارگاه خاتم زیر امر ل مزبور گذارده شود.

ت- خاتم ۲ هماهنگی‌های لازم با تیم اعزامی از قرارگاه عملیاتی جنوب در مورد نکات مشروحه در بند ۲ متن بعمل آورد.

ث- تعداد ۴ قبضه توپ پدافند هوایی از منطقه عملیاتی خاتم ۲ برداشت و زیر امر قرارگاه خاتم قرار داده شد.

۲- قرارگاه خاتم جهت آگاهی

۳- م ع ط نزااجا (مد عملیات) جهت آگاهی

سند شماره ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۰/۱۱/۵۰
۲۴/۱۲/۵۰

زیراجا، سرت علی و لطف علی (۳۳ ج)

«وَأَمَّا هَذَا فَهُوَ حَقٌّ» «در دستورات شفاهی که با قیادت خدای است»

بنظر من که اینها به جهت لغزش علی آری دستوراتی که است مشهور زیراجا از سیم سرت علی را که می شنید.

۱- در زمان جنگی با قادی منطقه سولیت به جهت لزوم سوزاندن او که در آنجا بود و ۷۷ باره
که لازم است در آنجا به یاد از خط رد گردیدن، تا شایسته از ره های نابینا و
در خط با قادی منطقه محمدی که در وقت سوز.

۲- بر تندی که در زمین مخفی است، در منطقه علی ناو، به جهت از دست دادن از
ل آنجا به جهت از دست دادن از دست دادن علی و از راه سوز، هدایت
و کنترل که در زمین در دست محمد بشیر تر خواهد بود.

الف- محمد سیم از دست دادن از دست دادن علی و از راه سوز، هدایت
و کنترل که در زمین در دست محمد بشیر تر خواهد بود.

ب- محمد سیم از دست دادن از دست دادن علی و از راه سوز، هدایت
و کنترل که در زمین در دست محمد بشیر تر خواهد بود.

پ- محمد سیم از دست دادن از دست دادن علی و از راه سوز، هدایت
و کنترل که در زمین در دست محمد بشیر تر خواهد بود.

ب - اعزام رسدهای ضد تانک

تجربه میدان رزم بویژه در عملیات‌های موفق نشان می‌دهد که ارتش عراق در شرایط بحرانی در پاتک‌های خود از یگان‌های زرهی به طور گسترده و تا حد توان استفاده می‌نمود، با توجه به این که در عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو یگان‌های مانوری سپاه پاسداران فاقد یگان زرهی بودند که بتوان در مقابله با پاتک‌های سنگین یگان‌های زرهی عراق موثر باشند، لذا استفاده از جنگ افزارهای ضد تانک سبک که به وسیله نفر حمل می‌شوند خود به خود راه حل مناسبی بود که فرا روی فرماندهان قرار داشت و البته نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اشراف به این واقعیت و احساس مسئولیت اقدام به جمع‌آوری سلاح‌های ضد تانک کلیه یگان‌ها به شرح زیر نمود و آنها را با خدمه مناسب و کافی به منطقه والفجر ۸ اعزام نمود. تعداد ۴۰ قبضه موشک انداز تاو با خودرو و خدمه (یگان‌های زیر امر قرارگاه شمال غرب ۱۵ قبضه، یگان‌های زیر امر قرارگاه غرب ۱۵ قبضه و یگان‌های زیر امر قرارگاه جنوب ۱۰ قبضه)

تعداد ۱۵ دستگاه نفر بر حامل موشک انداز تاو (از قرارگاه جنوب)
تعداد ۶۰ قبضه موشک انداز ضد تانک مالیوتکا با خدمه (این سلاح‌ها از یگان‌های مستقر در شمال غرب ۲۰ قبضه و غرب ۱۳ قبضه و جنوب ۲۷ قبضه همراه با یک دستگاه سمیلاتور جهت اطمینان از بهبود کار اعزام گردیده‌اند)
اهمیت سلاح‌های ضد تانک در مقابله با پاتک‌های متعدد دشمن مورد تایید فرماندهان و ناظران خط مقدم جبهه می‌باشد چنانچه در تحلیلی که نویسنده کتاب خرمشهر تا فاو زیر عنوان علل موفقیت عملیات والفجر ۸ به عمل آورده است:
بکارگیری سلاح‌های ضد زره به عنوان یکی از دلایل ذکر شده است.^۱
برابر آمارهای منتشر شده از سوی سپاه پاسداران در عملیات والفجر ۸ بیش از ۶۰۰ دستگاه تانک و نفر بر زرهی منهدم گردیده است که حاصل تلاش رسدهای موشک انداز ضد زره بوده است.

۱. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۲۰۸.

ج - اعزام یگان‌های مهندسی

ارتش متجاوز عراق با اطلاع کامل از جغرافیای منطقه خرمشهر و جزیره آبادان با توجه به آبی خاکی بودن منطقه و وجود خطوط تدارکاتی بسیار محدود، به منظور قطع خطوط تدارکاتی مستقر در جزیره آبادان با آماد راههای اصلی در پشت جبهه و شرق رودخانه بهمنشیر با استفاده از برتری هوایی و توپخانه دوربرد اقدام به بمباران پلهای رودخانه بهمنشیر نمود و این پلها را در چند نوبت تخریب کرد خوشبختانه آمادگی جهاد سازندگی و پیش بینی نزاجا در اعزام تمام یگان‌های پل به منطقه سبب گردید در تدارکات یگان‌های توپخانه مستقر در جزیره آبادان و یگان‌های سپاه پاسداران مستقر در فاو مشکلات جدی بعمل نیاید و هر بار پلی تخریب می‌گردید. با نصب پلهای آماده (پی ام پی، ام - ۴ تی - ۶) بلافاصله ارتباط برقرار می‌شد به طوری که نزاجا در نصب و روانه کردن پلهای خود رکورد جدیدی از نظر زمان و تعداد سطوح به کار گرفته شده به دست آورد.

گرچه برای کسب اطلاعات در خصوص چگونگی شرکت یگان‌های پل در عملیات والفجر ۸ تلاش زیادی گردید اما به جز نامه شماره ۳۰۱/۱۸/۸۱/۷۸۱۱ - ۶۴/۱۱/۲۴ قرارگاه عملیات جنوب مدارک دیگری بدست نیامد، (سند شماره ۱۲) این نامه به تنهایی مشخص می‌کند که نزاجا تا چه اندازه در این رابطه خود را سهیم می‌دانسته است و بی‌دریغ تمام امکانات خود را برای برقراری خطوط تدارکاتی به کار گرفته است.

افزون بر یگان‌های قید شده در نامه مورد بحث، برابر سندی از معاونت پرسنلی نزاجا که در آن آمار تلفات رزمی یگان‌های شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ قید شده است، از شرکت گردان‌های ۴۰۴ و ۴۳۶ و گروهان پل نام برده شده است.^۱

۱. این جدول از جدول ترکیبی معاونت پرسنلی که در آن آمار تلفات یگان‌های توپخانه و مهندسی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ قید شده است استخراج گردیده است.

آمار تلفات پرسنلی بعضی از یگانهای مهندسی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ (از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۲)

شرح		افسر		درجه دار				سرباز	
یگان	شهید	مجروح	اسیر	شهید	مجروح	اسیر	شهید	مجروح	اسیر
گد ۴۱۴	—	۲	—	۲	۷۲	—	—	۴۶	—
کد ۴۳۶	—	۱	—	۲	—	۱	۸	—	۱
گروهان پل	—	—	—	۱	—	—	—	—	—
جمع	—	۳	—	۵	۷۲	۱	۸	۴۶	۱

جدای از یگانهایی که نام برده شدند در یک جمع بندی که معاونت عملیات اطلاعات نذاجا از یگانهای شرکت کننده در منطقه عملیات والفجر ۸ بعمل آورده است، در بخش مهندسی قید گردیده است که ۹۵ سطح پل پی. ام. پی (معادل سه گروهان پل شناور) با خودروهایی مربوطه و ۲۰ دستگاه طراد جی اس بی اعزام گردیده است (ممکنست پاره ای از یگانهای پل که در جدول از آنها نام برده شده است جزء همین ۹۵ سطح فوق باشند).

سند شماره ۱۲

۲۰۱۸/۱۱/۲۴

پسند نهالی

تاریخ ۲۴/۱۱/۸۷

انبار محرمات

از: ق.ع جنوب ۳ مهندسی

به: ق.ع گروه ۲۱۱ مهن (عملیات)

موضوع: عملیات والفجر ۸

در اجرای اوامر فرماندهی نزاجا دستور فرمائید اقدامات زیردقیقا اجرا

و نتیجه را به موقع گزارش نمائید .

۱- گردان ۲۱۳ پل منهای گروهان ۴ تی ۶ را از مورخه ۲۴/۱۱/۸۷ زیر امر قرار ده

خاتم ۱ قرار دهید .

۲- سرپناه نسبت به روانه نمودن پل ۴ تی ۶ در دارخوین اقدام نمائید .

۳- پس از استقرار پل ۴ تی ۶ نسبت به جمع آوری پل پی ام پی اقدام شود .

۴- با زیر امر گرفتن کلیه تجهیزات شناور موجود در خاتم ۱ قهلا از نزاجا مأور -

گردیده اند نسبت به روانه نمودن پل پی ام پی با هم آمکنی مسئولین مهندسی

خاتم ۱ بر روی رودخانه آروند اقدام نمائید .

۵- از تاریخ ۲۴/۱۱/۸۷ گروهان پل پی ام پی ل ۸۱ زرهی را با کلیه امکانات موجود

زیر امر بگيريد .

۶- ۶ سطحه میانی بدوین کراس از گروهان پل پی ام پی ل ۹۲ زرهی را در اختیار بگيريد .

۷- امکانات فنی و تکنیکای لازم از طرف مهندسی خاتم ۱ در اختیار باروانه نمودن پل -

پی ام پی واگذار خواهد شد .

۸- نتیجه اقدامات انجام شده را روزانه پتزارگاه عطیاش جنوب گزارش نمائید .

ف.ق.ع کربلا - سرهنگ پیلدستاد جلیانجاه
امضات

گيرندگان:

۱- معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا (مطابقه جنوب) پیرو ل و امر شفا هی فرماندهی نزاجا

جهت استحضار .

۲- فل ۸۱ زرهی جهت آگهی و اقدام به موقع

۳- فل ۹۲ زرهی جهت

خبرنامه

۶- پشتیبانی‌های آمادی (لجستیکی)

پشتیبانی نذاجا از عملیات والفجر ۸ در دو بخش پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی انجام گرفت، در بخش پشتیبانی رزمی که به وسیله آتش هوانیروز، یگان‌های توپخانه صحرایی، یگان‌های توپخانه پدافند هوایی انجام شد در فصول بعدی به تفسیر گفته خواهد شد اما در بخش خدمات رزمی، نذاجا در حد توان و ظرفیت اقلام آمادی کمک و یاری نمود تا جایی که با توجه به اهمیت حیاتی عملیات و ضرورت‌های موجود در بعضی موارد موجودی خود را در نقاط آمادی به صفر رساند و در موارد دیگر خود را موظف به جمع‌آوری اقلام موجود در سطح یگان‌ها نمود، گرچه دست زدن به چنین کارهایی از نظر نظامی توجیه علمی ندارد اما حساسیت مسئولان سطح بالای این نیرو را نسبت به سرنوشت و نتیجه عملیاتی نشان می‌دهد که به ظاهر بایستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به طور مستقل انجام می‌داد.

گرچه مدارک موجود در بایگانی معاونت‌های مختلف نیروی زمینی گویای تمام واقعیت‌های پشتیبانی انجام شده نیست و بسیاری از مدارک با گذشت زمان غیر قابل بهره برداری تشخیص داده شده و سوزانده شده‌اند، ولی آنچه را که توانسته ایم جمع‌آوری کنیم به اندازه کافی نشان‌دهنده احساس مسئولیت نیروی زمینی نسبت به سرنوشت این عملیات به ظاهر مستقل می‌باشد.

به هر حال حداقل پشتیبانی‌های آمادی و تعمیرانی به شرح زیر می‌باشد:

الف- سند شماره ۶۴/۱۲/۲۷-۱۴۰۳/۳/۶۷۲ معاونت لجستیکی:

این سند دارای ۱۵۹ برگ پیوست است که نشان می‌دهد چه حجمی از تدارکات انجام گرفته است. (سند شماره ۱۳)

ب- سند شماره ۱۶-۲-۱۴۱۱-۶۴/۱/۵ قرارگاه عملیاتی جنوب:

این سند نشان می‌دهد که مهمات مورد نیاز یگان‌های شرکت کننده در عملیات در مقاطع مختلف برآورد و سپس تحویل شده است. (سند شماره ۱۴)

پ- سند شماره ۶۴/۱۲/۱۵-ط-۹۱/۲۰۱/۰۸/۴۸ معاونت اطلاعات عملیات:

این سند مشتمل بر ۴ برگ پیوست است که شامل پوشاک، مهمات و سلاح‌های سبک و سنگین می‌باشد. (سند شماره ۱۵)

ت- سند شماره ۲۰۱/۱۰/۳۱-۶۴/۱۱/۲۳ قرارگاه خاتم (سند شماره ۱۶)

ث- سند شماره ۱۴۲۰/۲/۱۴/۱۷۲۹-۶۴/۱۲/۱۱ معاونت لجستیکی (سند شماره ۱۷)

ج - افزون بر اقدام مندرج در اسناد ذکر شده، نذاجا برای انجام پشتیبانی مؤثر اقدام به تشکیل کمیسیون‌هایی در سطح بالا نمود که با ایجاد هماهنگی و تشکیل نقاط آمادی مختلف بتواند به موقع و بدون وقفه به وظیفه خود عمل نماید کمیسیون مورخه ۶۴/۱۲/۱۵ یکی از کمیسیونهایی است که تصمیم گیریهای مندرج در آن بخوبی علاقمندی مسئولان در امر آماد و پشتیبانی عملیات والفجر ۸ را نشان می دهد. (سند شماره ۱۸)

چ - در شرایطی که احتمال حملات گسترده شیمیائی وجود داشت، نذاجا در یک اقدام غیر منتظره و با قبول خطر فراوان دست به جمع‌آوری ۳۵۰۰۰ دستگاه ماسک ضد گاز از سطح یگان‌های مستقر در خطوط پدافندی زد و به طور غیر معمول ۳۵۰۰۰ نفر از عزیز ترین فرزندان میهن اسلامی در مقابل دشمن بریده از تمام قراردادهای انسانی را به یک ایثار بزرگ دست زدند تا بدینوسیله هیچ حرف و حدیثی را در عزم راسخ پشتیبانی بی دریغ ارتش از سپاه در عملیات فاو ایجاد نشده و وحدت و همدلی و دفاع از برادر هم‌رزم باز هم به منصه ظهور عینی برسد.

رونوشت سند شماره ۱۳

ارتش جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۴۰۳/۳۰/۲۷۲

نیروی زمینی

بسمه تعالی

تاریخ: ۶۴/۱۲/۲۷

از: معاونت لجستیکي نزاجا (مدآماد)

پیوست:

به: معاونت عملیات و اطلاعات نزاجا (مد عملیات)

خیلی محرمانه

موضوع: پشتیبانی لجستیکي عملیات والفجر ۸

بازگشت به: ۱۲۱-۰۸-۲۰۱۰ - ۴۰/۲۰۱ - ۶۴/۱۲/...

بدینوسیله ۱۵۴ برگ شرح کارهای آمادی و تعمیراتی مشتمل بر:

- ۱- قطعات مصرف شده و کار انجام یافته برای گردانهای مأمور به سپاه پاسداران (۱۳ برگ)
- ۲- قطعات مصرف شده و کارهای انجام شده برای هویترهای ۱۰۵ و ۱۵۵ و ۲۳ م و موشک انداز تاو و سهند و مالیوتکا سازمانی سپاه (۱۵۲ برگ) و همچنین فهرست جنگ افزارهای تحویلی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در عملیات والفجر ۸ مورد استفاده قرار گرفته است به پیوست ارسال می گردد.

امضاء: معاون لجستیکي نزاجا سرهنگ ستاد جلالی

از طرف سرهنگ ستاد

سند شماره ۱۴



سمه تعالی

۶۹/۲۰/۱/۸/۴۸
۶۶۱۱۵

پیوست ۳ ب

تراجا معاونت عملیات و اطلاعات
(مد عملیات)
سماجا ۳ (م-ع-د ع)
وضعیت یگانها

بازگشت ۸۷-۲۶-۲۶-۲۰-۴-م-۳-۶۴/۱۲/۲
در رابطه با عملیات والفجر جهت پشتیبانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه فاو اقدامات زیرین بعمل آمده است.

۱- وسایل مشروحه زیر از میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحویل گردیده است.

الف. آمار طبقه ه (مهمات) پیوست الف (لیست مهمات تحویلی)

ب. موشک انداز مالتونکا ۶۰ قبضه

پ. ماسک ضد گاز راگرافیلتر مربوطه ۱۰۰۰ عدد

ت. باطری بیسیم پی آر سی ۷۷ ۴۰۰۰ عدد

ث. لباس کار ۵۰۰۰۰ تن

ج. پوتین ۵۰۰۰۰ زوج

چ. اوزک ۵۰۰۰۰ تن

توضیح اینکه ردیف های ج و و ۵۰۰۰۰ تن لباس کار به پرسنل بسیجی مادره تراجا تحویل گردیده است.

۲- پشتیبانی تعمیراتی یگانهای تراجا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الف. تعمیر نفر برام ۳ (درا) ۱ عراده

ب. مالتونکا ۸۴ دستگاه

پ. موشک انداز سپند و تاو ۱۵۲ =

ت. خور وهای چرخدار ۱۵ =

۳- یگانها و جنگ افزارهای اجتماعی که با خدعه مربوطه جهت پشتیبانی از عملیات والفجر به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مامور گردیده است.

الف. خدمه جهت بکارگیری (۶۰ قبضه مالتونکا

ب. ۱۵ قبضه موشک تاو و سوار بر تریلر

پ. ۳۰ قبضه ۱ = = = = خور و ۱ = تن

بقیه پشت صفحه

سازماندهی ... شماره پروتکل ...
تاریخ ...

رونوشت سند شماره ۱۴

بسمه تعالی

نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) ۹۱/۲۰۱/۰۸/۴۸ ط
سماجا ۳ (م ع - مد ع) ۶۴/۱۲/۱۵
وضعیت یگانها پیوست ۴ برگ

بازگشت ۸۷-۲۶-۲۴-۲۰۴-خ م س - ۶۵۴/۱۲/۲

در رابطه با عملیات والفجر ۸ جهت پشتیبانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه فاو، اقدامات زیر به عمل آمده است.

۱- وسایل مشروحه زیر از مخازن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحویل گردیده است:

الف. آماد طبقه ۵ (مهمات) پیوست الف (لیست مهمات تحویلی)

ب. موشک انداز مالیوتکا ۶۰ قبضه

پ. ماسک ضد گاز دراگر با فیلتر مربوطه ۹۰۰۰ عدد

ت. باطری بیسیم پی آر سی ۷۷ ۴۰۰۰ عدد

ث. لباس کار ۵۰۰۰ توپ

ج. پوتین ۵۰۰۰ زوج

چ. اورکت ۵۰۰۰ توپ

توضیح اینکه ردیف های ج و چ و ۵۰۰۰ توپ لباس کار به پرسنل بسیجی مأمور به نزاجا تحویل گردیده است.

۲- پشتیبانی تعمیراتی یگانهای نزاجا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الف. تعمیر نفربر ام ۱۱۳ ۹ عراده

ب. مالیوتکا ۸۴ دستگاه

پ. موشک انداز سهند و تاو ۱۵۲ دستگاه

ت. خودروهای چرخدار ۱۵ دستگاه

۳- یگانها و جنگ افزارهای اجتماعی که با خدمه مربوطه جهت پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور گردیده است.

الف- خدمه جهت بکارگیری ۶۰ قبضه مالیوتکا

ب. ۱۵ قبضه موشک تاو سوار بر نفربر

پ. ۳۰ قبضه = = = = خودرو ۱/۴ تن.

صورت اقلام تحویلی طبقه ۵ نزا جا به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در رابطه با عملیات والفجر ۸

بف	شرح اقلام	تعداد	ملاحظات
۱	فشنگ هویتزر ۱۰۰ مم	۱۵۱۲۰۰	م عا ط طی ۲۵/۱۷-۱۷۰-۱۰۱/۵۰ ق - ۶۴/۱۰/۲۲
۲	موشک ۲۲ مم کاتیوشا	۳۱۶۰۰	باستناد امریه شماره ۱۰۰-۱۹۱/۱۰/۶۴
۳	گلوله توپ ۱۳۰ مم	۶۳۳۶۰	ت ق خاتم الانبیا (ص) اعلام نزا جا بلی شماره
۴	گلوله هویتزر ۱۵۰ مم	۳۰۲۴۰۰	۳۳/۱۴۱۲/۱-۱۱/۱۱/۶۴ دستور - تحويل بکلیه مبادی صادر نمود
۵	گلوله هویتزر ۲۰۳ مم	۹۶۰۰	
۶	خمپاره ۲۰ مم شرقی	۱۰۰۰۰۰	فرماندهی کل سپاه پاسداران طی شماره
۷	خمپاره ۸۱ مم شدید	۱۲۵۰	۱۵۱-۱۵۱-۱۵۱-ط ۵-۱۰/۶۴ بفرماندهی
۸	خمپاره ۸۱ مم منور	۶۲۵	ق. خاتم الانبیا (ص) و نزا جا درخواست
۹	خمپاره ۸۱ مم دود انگیز	۶۵۰	نموده و نزا جا طی شماره ۳۵/۱۴۱۲/۱-۱۱/۶۴ - ۵/۱۱/۶۴ به ق خاتم الانبیا (ص)
۱۰	فشنگ ۸۲ مم	۱۰۰۰۰	دستور تحويل بمبادی صادر نمود
۱۱	موشک سپند ۳ روسی	۱۵۰	
۱۲	فشنگ ۲۳ مم ضد هوایی	۳۰۰۰۰	
۱۳	فشنگ ۵/۴۱ مم ضد هوایی	۱۰۰۰۰۰	
۱۴	فشنگ ۶۰ مم شدید ضد تانک	۷۵۰۰	
۱۵	خرج گود ۵ (پوندی)	۱۰۰۰	
۱۶	خرج تخریب سی ۴	۴۰۰۰۰	
۱۷	ماسوره تاخیری ۱۰ ثانیه	۲۵۰۰	
۱۸	ماسوره شمار	۲۵۰۰	
۱۹	ماسوره قطع شمار	۲۵۰۰	
۲۰	ماسوره کشی	۵۰۰۰	
۲۱	ماسوره قطع کشی	۱۰۰۰	
۲۲	چاشنی الکتریکی	۵۰۰۰۰	
۲۳	فتیل مایم	۵۰۰۰ فوت	
۲۴	مین ضربفر	۵۰۰۰	
۲۵	مین ضد تانک	۱۵۰۰۰	
۲۶	نارنجك دستی آتشزا	۳۰۰۰	
۲۷	نارنجك تفنگی طبرالقدس	۲۰۰۰۰	
۲۸	فشنگ اعلام خبر ۲۶ مم کوتاه	۵۰۰۰	
۲۹	فشنگ ۱۰۰ مم دود انگیز	۲۸۰۰	طی ۱۸۱۶-۱۱/۱۱/۶۴ ستاد
۳۰	گلوله ۵۰ مم کامل با ماسوره زمانی	۲۲۴۰	مرکزی سپاه (معاونت تدارکات و لجستیکی)
۳۱	گلوله ۵۰ مم کامل دود انگیز	۱۱۲۰	به معاونت طرح پیرا زکود شکار طی شماره ۴۲/۱۴۱۲/۱-۱۱/۱۱/۶۴ دستور تحويل

خیلی بسیار مانده

سند شماره ۱۵



بِسْمِ اللَّهِ

جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور محترم و ائمه‌ها (منطقه عیدای جنوب) / نیروهای گمنام ارتش / معاونت لجستیکی ترابری (منطقه عیدای جنوب) / روضه / نهادهای

آقدام سرزمین
شماره ۳/۱۰۷۱۰/۲۴
تاریخ ۶۹/۱۱/۲۳
پیوست

در اجرای امر و ملحق فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا (ع) دستورهای نهادهای روضه و سرزمین به پادشاهان انقلاب اسلامی تحویل نمایند

۵۰۰۰ مکرر ۱۰۷ میلیتری (در شماره)

فهرست نهادهای سرزمین و روضه

گنجان

- ۱- نهادهای عیدای خاتم الانبیا (ع) جهت آگاهی
- ۲- نهادهای پادشاهان انقلاب اسلامی منطقه جنوب جهت آگاهی و اقدام لازم
- ۳- ق. ع. جنوب (ر. ر) جهت آگاهی و اقدام لازم
- ۴- معاونت عیدای و اطلاعات ترابری (منطقه عیدای جنوب) جهت آگاهی
- ۵- معاونت لجستیکی ترابری (مدآمار - م) جهت آگاهی و اقدام لازم



بِسْمِ اللَّهِ

فهرست نهادهای سرزمین و روضه

۹۶/۱۱/۲۸
۹۶/۱۱/۲۸

۱۴

بسمه تعالی
ملاحظه شد
۹۶/۱۱/۲۸
شماره برگ
از صفحه

سند شماره ۱۶



(بسمه تعالی)

بسمه تعالی

شماره ۱۷۲۹ / ۱۴۲۰ / ۲ / ۱۴
تاریخ ۱۱ / ۱۳۱۴ / ۲
پیوست

نیز وی زینتی

با و نیت لجستیکی نزا جا (مد نگهداری)
با و نیت عملیات و اطلاعات نزا جا (مد عملیات)

ع. پشتیبانی

(تلفن ۲۲۱۳)

بازگشت به ۱۳۱۴ / ۱۲ / ۵ ط ۹۰ / ۲۰ / ۱ / ۵۸ / ۱۳۱
خیلی محرمانه
+++++

پشتیبانی تعمیراتی یگانهای نزا جا از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو
از تاریخ ۱۳۱۴ / ۲۶ / ۱۰ الی ۱۳۱۴ / ۱۲ / ۳ بشرح زیر میباشد مراتب جهت هرگونه اقدام لازم اعلام
میداد.

۱- تعمیر نفر برام ۱۱۳	۹/- عراده
۲- = مالهوتکا	۸۴/- دستگاه
۳- = موشک انداز سپند - فاو	۱۵۲/- =
۴- = بخود روهای چرخدار	۱۵/- =

معاون لجستیکی نزا جا سرهنگ ستاد جلالی
سرور نظامی سرور نظامی سرور نظامی

گیرندگان

+++++

- ۱- ف. ولوج نزا جا (معاونت تعمیر و نگهداری - کنترل تولید و بهره کار) برابر هماهنگی حضوری با سرکار
سرگرد صادق هندی جهت آگهی و اقدام لازم.
- ۲- ف. ق. م. ولوج نزا جا در جنوب بازگشت به ۱۳۱۴ / ۲۸ / ۲ / ۲۰ / ۱۴۲۰ - ۲ / ۱۳۱۴ / ۱۲ / ۴ جهت آگهی.

تست شده در زمان
۱۳۱۴

شماره
ساز
شماره
ساز
شماره
ساز

۴۶
شماره
ساز
شماره
ساز

خیلی محرمانه

شماره
ساز

سند شماره ۱۷



۱۴۰۱/۲/۹۴

از: ق. ع. جنوب (ر-۴) شماره :

۱۴۰۱/۲/۹۴

به : معاونت لجستیکی نزاجا (طرح) تاریخ :

امور و اسناد

موضوع : پشتیبانی لجستیکی یگانهای مستقر در بند رفاو

بازگشت بشماره ۹۵ - ۰۹ - ۷۱۲ - ۱۳۶۴/۱۲/۴

بدینوسیله یک نسخه نتیجه کمیسیون مورخه ۱۵/۱۲/۶۴ در مورد پشتیبانی

لجستیکی یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی

به پیوست ارسال میگردد. ۰٪

ق. ع. جنوب : سرهنگ ستاد سلیمانجاء

امور و اسناد

گیرندگان : ق. ع. جنوب (ر-۴)

۱- معاونت عملیات و اطلاعات (مد عملیات) جهت استحضار.

۲- دفتر لجستیک نزاجا (معاونت آمادگی) جهت آگاهی و اقدام لازم.

۳- ف. پش. م. ۳

۴- ف. پش. م. ۲

۵- ف. ترابری نزاجا

۶- ف. مخابرات

۷- ستاد اوره بهداری نزاجا

۸- ف. ل. ۲۱ حمزه

۹- ف. ل. ع. ۳۰ گرگان

۱۰- ف. ق. ع. پش. م. ۳ در جنوب

امور و اسناد
۱۴۰۱/۲/۹۴

- ۱- موضوع کمیسیون : تشکیل نقاط آماد طبقه (۱ - ۳ - ۵) جهت یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو .
- ۲- تاریخ و ساعت تشکیل کمیسیون : ساعت ۹۰۰ ، مورخه ۱۵ / ۱۲ / ۶۴
- ۳- محل تشکیل کمیسیون و اعضا : شرکت کننده :
- رکن ۴ ق . ع . جنوب - شرکت کنندگان بشرح برگ پیوست
- ۴- علت تشکیل کمیسیون : بمنظور اجرای امریه شماره ۱۵ - ۹ - ۷۱۲ - ۴ / ۱۲ / ۶۴ نزا جاماونت لجستیکی (طرح) و رسیدن به راه حل مناسب آماد طبقه (۱ - ۳ - ۵) یگانهای مستقر در منطقه عملیاتی بند رفاو .
- ۵- بحث :
- الف - آماد طبقه (۱ - ۳) :
- (۱) - ل ۲۱ حمزه - رئیس رکن ۴ ل ۲۱ حمزه اظهار نمود نقطه آماد طبقه (۳ و ۱) این لشکر در محور آبادان - اهواز (۲۵ کیلومتری آبادان) در خوالی سلیمانیه مستقر میباشد که باتوجه بوضعیت استقرار یگانهای لشکر در منطقه بند رفاو در وضع فعلی بسیار مناسب است و چنانچه پشتیبانی منطقه ۳ آماد طبقه (۳ و ۱) مورد نیاز لشکر را در نقطه مذکور تحویل دهد برای آماد یگانهای مورد بحث مشکلی وجود نخواهد داشت .
- (۲) - ل ع ۳۰ گرگان - فرمانده گردان پشتیبانی لشکر مرزبوره اظهار داشت نقطه آماد طبقه (۳ و ۱) لشکر در محور دارخوئین آبادان (۵ کیلومتری دارخوئین) بطرف آبادان مستقر میباشد که در وضعیت فعلی آماد یگانهای آن لشکر مستقر در بند رفاو از این نقطه انجام میشود چنانچه پشتیبانی منطقه ۳ آماد مورد نیاز لشکر را در نقطه مذکور تحویل دهد مشکلی وجود نخواهد داشت و مناد بصورت تغییر مکان یگانهای لشکر و در نتیجه تغییر مکان نقطه آماد لشکر چنانچه پشتیبانی منطقه ۳ تقبل نماید آماد طبقه (۳ و ۱) را در نقطه آماد جدید لشکر تحویل دهد نیازی به تشکیل نقطه آماد از طرف پشتیبانی منطقه نمیشود .
- لشکر بمنظور نگهداری مواد فاسد شدنی خود نیاز به یک دستگاه کانتینر سردخانه ۲۰ تن جهت نگهداری خواروبار نیاز به پنج دستگاه کانتینر ۲۰ فوتی دارد در صورت امکان واگذار شود .
- (۳) - پشرم ۳ - معاون پشتیبانی منطقه ۳ اظهار نمود باتوجه به خواسته های نمایندگان لشکرهای ۲۱ حمزه و ل ۳۰ گرگان برای این پشتیبانی مقدور است در نقاط آمادی مورد

لشکر آماد طبقه (۳ و ۱) را حمل و در محل های فعلی تحویل دند ضامن پشتیبانی منطقه تعهد میکند چنانچه محل استقرار فعلی نقاط آمادی لشکر هاتفیر و به محل های دیگری نقل مکان نماید آماد طبقه (۳ و ۱) را در محلهای جدید به پشتیبانی آن لشکرها تحویل دهد

ب : آماد طبقه ۵ :

از نظر نمایندگان هردو لشکر با توجه به محل استقرار یگانهای عملیاتی آنها در رند رغاو و موقعیت - فعلی نقطه آماد مهمات سلمانیه که فاصله مناسبی دارد آماد طبقه ۵ این یگانها در صورتیکه از نقطه مذکور واگذار شود هیچگونه مشکلی نخواهد داشت .

ع - نتیجه و پیشنهادات :

الف - پشتیبانی منطقه ۳ آماد طبقه (۳ و ۱) را به محل استقرار نقطه آماد لشکرهای ۲۱ دمره ول ۳۰ - گرگان حمل و تحویل نماید در صورت جابجائی نقاط آمادی ولشکر مورد بحث ، پشتیبانی منطقه ۳ موظف است آمادها را به محل استقرار جدید حمل و تحویل نماید .

ب - آماد طبقه ۵ - کلیه نیازمندیهای مهماتی لشکرها با توجه به انواع و مقدار آن در صورت موجود بودن از نقطه آماد طبقه ۵ سلمانیه تحویل خواهد شد - در صورت نبودن موجودی بعضی اقلام مهماتی مورد نیاز در نقطه مذکور از نقاط دیگر منطقه تامین خواهد شد .

۱- سرهنگ ستاد پرن	فوق ملوچ نزا جاد رج جنوب
۲- سرهنگ ارد نانس روزبه	افسر آماد = = =
۳- سرهنگ ستاد عامریان	معاون پشتیبانی منطقه ۳
۴- سرهنگ مهندس همدانی	رئیس رکن ۴ ق . ع . جنوب
۵- سرهنگ راستگار	رئیس رکن ۴ ل ۲۱ دمره
۶- سرهنگ ۲ ارد نانس قنبری	افسر مهمات ق . ع . جنوب
۷- سرگرد تکجو	فگد ۵۴۳ ملوچ پش ۳۰
۸- سرگرد حسینی	افسر آماد های لشکر ۲۱ دمره
۹- سروان نیکزاد	فگد پشتیبانی ل ع ۳۰ گرگان
۱۰- سروان افسری	فگر آماد و خدمت فگد ۵۴۳ ملوچ

۷- شرکت یگان‌های توپخانه پدافند هوایی

حراست از آسمان میهن اسلامی و ایجاد امنیت هوایی از مسئولیت‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی می‌باشد، لذا در رابطه با اهمیت و نقش بی نظیر پدافند هوایی در فصل دوم (نهایا در فاو) به تفسیر صحبت خواهد شد.

در رابطه با فعالیت‌های یگان‌های پدافند هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نکته اساسی قابل ذکر است که: مسئولیت اصلی این یگان‌ها پوشش هوایی سطح پایین یگان‌های مختلف نزاجا در هنگام رزم است، بنابراین یگان‌های پدافند هوایی با توجه به این نیاز، از نظر سلاح و تجهیزات و آموزش پیش بینی و سازماندهی شده‌اند اما در ایام جنگ، تحولات میدانی مسئولیت جدیدی را متوجه این نیروها نمود. در میدان جنگ ما با دشمنی مواجه شدیم که هیچگونه پایبندی به کنوانسیون‌های بین‌المللی و قراردادهای اجتماعی و اخلاقی نداشت و هر گاه خود را در رویارویی با نیروهای پر توان ما در جبهه ناتوان می‌دید، حملات هوایی خود را متوجه شهرها و مناطق مسکونی و حیاتی کشور می‌کرد، در نتیجه در مقابله با این تهدید ایجاد امنیت نسبی برای شهروندان در تقدم یکم فرماندهی نیروهای مسلح قرار می‌گرفت و در مجموع نزاجا ملزم گردید با اعزام بخشی از یگان‌های پدافند هوایی خود در تقویت سیستم پدافند هوایی کشور شرکت نماید این مسئولیت جدید ضمن اینکه حجم کار و تلاش پرسنل را طلب می‌کرد تاکتیک جدیدی را نیز دیکته می‌کرد و برابر این تاکتیک و نگرش به تجربه عملیات‌های انجام شده نزاجا مجبور بود برای ایجاد پوشش هوایی هر عملیات اقدام به جمع‌آوری سلاح‌های پدافند از سراسر جبهه بنماید و آن را به منطقه مورد نظر گسیل دارد. در عملیات والفجر ۸ پیش بینی می‌شد که دشمن به دلیل از دست دادن یک منطقه حساس به‌ویژه شهر بندری فاو از نیروی هوایی به طور گسترده استفاده نماید لذا نزاجا در کنار پدافند نیروی هوایی و با هماهنگی کامل به دو طریق در ایجاد پوشش هوایی برای یگان‌های عمل‌کننده در شرق و غرب اروندرود ظاهر گردید، تاثیر میدانی این اقدام آن چنان بود که تحلیل‌گران برای اولین بار در تاریخ جنگ تحمیلی، عملکرد یگان‌های پدافند هوایی را در کنار عوامل مؤثر در موفقیت عملیات والفجر ۸ ذکر کرده‌اند و سقوط بخشی از ۷۰ فروند هواپیمای دشمن را به این اقدام مرتبط دانسته‌اند.

همانطوریکه گفته شد یگان‌های پدافند هوایی نزاجا به دو صورت به شرح زیر در ایجاد امنیت هوایی منطقه فاو شرکت داشتند:

الف- اعزام جنگ افزارهای ۲۳م پدافند هوایی به همراه یگان های توپخانه صحرایی شرکت کننده در عملیات:

برابر روش جاری در ایام جنگ، توپخانه های لشکر و گروه های توپخانه بخشی از توپهای گردان های ۲۳م را به گردان های توپخانه صحرایی مأمور کردند در نتیجه گردان های توپخانه صحرایی افزون بر دسته های موشک سهند سازمانی، توپهای ۲۳م پدافند هوایی را هم به همراه داشتند. و چون این گردان ها از یک سازمان بودند در نتیجه مشکلات کمتری برای توپهای جدا شده از یگان مادر به وجود می آمد و همین امر کارایی این توپها را افزایش می داد، با توجه به این که در عملیات والفجر ۸ گردان های توپخانه صحرایی زیادی در یک منطقه محدود استقرار داشتند در نتیجه حجم بالایی از سلاح های پدافند هوایی در منطقه عملیاتی فاو و جزیره آبادان و شلمچه ظاهر شدند که در مجموع یک پدافند منسجم سطح پایین بوجود آمد و این پدافند در قالب سیستم پدافند هوایی نهجا قرار گرفت و شگفتی آفریده شد. از نظر تعداد این جنگ افزارها تقریباً به ازای هر آتشبار توپخانه صحرایی یک توپ و در بعضی موارد دو توپ اعزام گردیده است، بررسی بیشتر در این باره بویژه از طریق مراجعه مستقیم به پرسنل شرکت کننده در عملیات فاو نشان می دهد که بخشی از سلاح های پدافندی گردان های ۳۲۵ گروه ۳۳، ۳۱۴ و ۳۲۲ گروه ۲۲، ۸۲۰ ل ۸۱ زه، ۳۹۸ ل ۷۷ پ و ۳۹۵ ل ۲۱ حمزه در این عملیات به اجرای مأموریت پرداخته اند.

ب- اعزام جنگ افزار پدافند هوایی به صورت یگانی:

گرچه نزاجا آنچنان استعدادی از جنگ افزارهای هوایی در اختیار ندارد که بتواند در طرح پدافند منطقه ای شرکت کند، اما آمارهای موجود نشان می دهد که در صد بالایی از جنگ افزارهای خود را در ایام جنگ در پدافند از مناطق حساس و حیاتی کشور در شهرها و اطراف شهرها به کار گرفته است و همین مسئله در بیشتر موارد پدافند از یگان های در خط را به طور جدی با مشکل روبرو می کرد شاید اگر ترتیبی اندیشیده می شد که برابر مأموریت نیروی زمینی از سلاح های پدافند هوایی استفاده می گردید، یگان های رزمی با آرامش خاطر بیشتری به اجرای مأموریت می پرداختند و تلفات و ضایعات کمتری می دیدند، البته نباید فراموش کرد، سیستم پدافندی نهجا با استعداد کنونی نمی توانست پدافند منطقه ای تاسیسات و مناطق حیاتی کشور را پوشش دهد و همان طوری که گفته شد برداشت از پدافند هوایی نزاجا اقدامی

از روی اجبار و با توجه به اولویتهای فرماندهی پدافند کل کشور بوده است اما تجربه نشان می‌دهد گشایش این معضل بایستی در دستور کار سیستم امنیت هوایی قرار گیرد به هر حال نذاجا در عملیات والفجر ۸ با اعزام استعدادهایی از سلاح‌های پدافند هوایی به شرح زیر در ایجاد امنیت هوایی منطقه‌ای نقش ایفا نموده است: (۱) اعزام سه آتشبار اورلیکن از مرکز آموزش توپخانه (جهت پدافند قرارگاه‌ها، پل‌ها، و پدهلی کوپتر)

(۲) اعزام یک دسته پدافند ۲۳م.م از لشکر ۲۱ حمزه (۸ توپ) (جهت پدافند از پلهای مارد و دارخوین و بیمارستان)

(۳) اعزام یک دسته پدافند هوایی ۲۳ م.م از گروه ۳۳ توپخانه (جهت پدافند پدهلی کوپتر)

(۴) اعزام گردان ۳۳۸ اسکای گارد^۱ مرکز آموزش توپخانه (این یگان چندی بعد به نهاجا منتقل گردید).



۱. اسکای گارد همان اورلیکن است که به رادار مجهز می‌باشد.

۸- شرکت موثر یگان‌های توپخانه صحرائی

نقش با ارزش توپخانه^۱ به عنوان مشت فرمانده همیشه مورد اقبال آشنایان به امور نظامی بوده و هست، در فراز و فرود جنگ ناخواسته چه بسیار فرماندهان یگان‌های پیاده و زرهی خط مقدم به بیان اینکه با شنیدن صدای شلیک توپخانه آرامش یافته‌اند پروا نداشته و ندارند، این فرماندهان از وجود توپخانه‌های همیشه بیدار ارتش جمهوری اسلامی ایران در سخت‌ترین شرایط احساس امنیت می‌کرده‌اند.



یگان‌های توپخانه صرف نظر از پشتیبانی‌هایی که با انواع آتشیهای آفندی از عملیات‌های طرح ریزی شده به عمل می‌آوردند، متوقف کردن هجوم غافلگیرانه و یا بی اثر کردن پاتک‌های سنگین دشمن را در کارنامه افتخار آمیز خود دارند.

کسی منکر این واقعیت نیست که توپخانه قدرتمند نزااجا در هنگام بحران (بویژه در اوائل جنگ)^۲ در غیاب یگان‌های رزمی به سرعت خود را در تیرس دشمن قرار داده و با اجرای انواع

۱. در رابطه با اهمیت توپخانه در تاریخ آمده است: تنها شکست عمده نادر در سال ۱۱۱۰ شمسی در جنگ کرکوک بود که نادر نتوانست در برابر نیروی قدرتمند و مجهز عثمانیها که از توپخانه سود می‌بردند مقاومت کند زیرا نادر به اشتباه، توپخانه‌های خود را برای حفاظت از شهر بغداد مستقر کرده بود. (تاریخ جهانگشای نادری، ص ۲۶۸).

۲. در تحلیل روزهای آغازین در کتاب بازیابی ثبات آمده است: اسرای عراقی در اعترافات خود آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند، تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق به ویژه در محور عین خوش، امام زاده عباس و گیلانغرب در اثر تلاش توپخانه و هلی کوپترهای (هوانیروز) مورد تأکید اسرا است. (از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۰۴)

آتشهای پدافندی به عنوان سدی نفوذ ناپذیر عمل نموده و حماسه‌های ماندگاری از خود به یادگار گذاشته و از این بابت، افسران اندیشمند، درجه داران غیرتمند و سربازان توانمند این رسته دارای لوح زرین نا نوشته ای هستند که برای همیشه تاریخ جاودان خواهد ماند. گر چه یک کار تحقیقی از اثر بخشی گلوله‌های توپخانه به عمل نیامده است اما نقل قولهای عوامل دست‌اندر کار بویژه اسرای جنگی دشمن نوید بخش است.

در این مورد پست شنود در عملیات والفجر ۸ از قول عراقیها چنین گزارش می‌کند: وضعیت ما بسیار بد و سخت می‌باشد آتش توپخانه روی ما بسیار مؤثر و تلفات نفرت با شمارش دقیقه افزون تر می شود، فعلاً در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی به داد ما برسید.^۱

و یا در جایی دیگر یکی از فرماندهان تیپ دشمن می گوید: آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است تعداد شش دستگاه تانک از کار افتاده است. توان رزمی به شدت پایین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می‌باشد، توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند، خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود.^۲ در چنین وضعیتی یک تحلیل گر در سپاه اسلام چنین اظهار نظر می‌کند: با توجه به پاتک‌های متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوریکه چند تن از فرماندهان رده بالا خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.^۳ در ادامه می‌نویسد:

در نخستین شب عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۰) آتش توپخانه نیز برای پشتیبانی او بسیار کم و ناچیز بود. در روز اول عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۱) تیپ ۳۸ کماندویی به دلیل حجم زیاد آتش خودی به منطقه پاتک نرسید.

در روز دوم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۲) تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده برای جلوگیری و سد کردن تک نیروهای خودی در دو طرف جاده استراتژیک گسترش

۱. درودیان، محمد؛ جنگ، بازیابی ثبات؛ مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۴۷.

۲. همان.

۳. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۲۰۷.

یافتند، اما با اجرای آتش مؤثر توپخانه خودی، حدود ۳۰ درصد تلفات جانی را متحمل شدند و تا روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۴ به صورت دقیقه شمار از سوی نیروها و توپخانه خودی متحمل تلفات شدند.

روز پنجم عملیات (۱۳۶۴/۱۱/۲۵) آتش توپخانه (خودی) تلفات سنگینی را به دشمن وارد آورد و هر گونه حرکتی را از آن سلب کرد. گرچه ناخواسته و بنا به ضرورت به شرکت یگان‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ اشاره شد اما به طور مشخص یگان‌های توپخانه نزاجا به طور گسترده و مؤثر به دو صورت در عملیات والفجر ۸ شرکت نمودند:

الف: توپخانه‌های پشتیبانی کننده تلاش اصلی (کنترل عملیاتی سپاه)

طراحان ارتش و سپاه در قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) به این نتیجه رسیده بودند که عبور از رودخانه خروشان اروندرود و هجوم به دشمن پناه گرفته در این سد طبیعی نیاز به آتش انبوه و مداوم دارد و چون یگان‌های محدود توپخانه سپاه پاسداران، جوابگوی این نیاز نبودند لذا به فرماندهی نزاجا تکلیف گردید که تعدادی یگان توپخانه زیر امر سپاه که مأموریت تلاش اصلی عملیات را به عهده داشت قرار دهند.

آقای محسن رضایی (فرمانده وقت سپاه) می نویسد:

پشتیبانی عملیات والفجر ۸ توسط نه‌جا و هوانیروز تامین می گردید و همچنین بنابر پیشنهاد سپاه و تصویب فرماندهی عالی جنگ، (آقای هاشمی) بخشی از آتش پشتیبانی توسط ارتش تامین می شد^۱.

اجرای این امر با توجه به محدودیت‌های نزاجا برای حفظ امنیت خطوط پدافندی به سادگی مقدور نبود، لذا مراحلی به شرح زیر پیموده شد تا شرایط آماده گردید:

(۱) فقط شش گردان

فرماندهی نزاجا به جناب سرهنگ ابوالقاسم جاودانی به عنوان رابط توپخانه نزاجا در قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) مأموریت داد که با هماهنگی برادر شفیع‌زاده (نماینده توپخانه سپاه) زیر نظر حجت الاسلام دکتر حسن روحانی (دبیر شورای عالی دفاع) برآورد نمایند که توپخانه مورد نیاز عملیات والفجر ۸ چقدر است؟

به طور مشخص نیروی زمینی چه استعدادی را از نظر توپخانه می‌تواند واگذار نماید؟

بقیه ماجرا را از بیان سرتیپ ۲ بازنشسته جاودانی پی می‌گیریم:

تیم ما شامل، برادر شهید شفیع زاده و سرتیپ ۲ پرویز افراز (سرهنگ ۲ آن زمان) کار خود را شروع کردیم. با توجه به آشنائی نسبی از مناطق عملیاتی شمال غرب، غرب و جنوب و با در نظر گرفتن گسترش یگان‌های عمده نیروی زمینی در آن مناطق و استفاده از منابع اطلاعاتی معاونت عملیات و اطلاعات نیروی زمینی و همچنین با لحاظ کردن ماموریت‌های تاکتیکی یگان‌های توپخانه و بکارگیری حداقل یگان‌های موجود بمنظور دفاع نسبتاً مطمئن از مواضع پدافندی؟ اعلام داشتیم «ما قادر به رهایی حداکثر ۶ گردان توپخانه از خطوط پدافندی خواهیم بود نه بیشتر، برداشت بیشتر توپخانه خطوط پدافندی را آسیب‌پذیر خواهد کرد و پذیرش باریسک همراه است و در این مورد تصمیم با فرماندهی است.»^۱

ایشان مراتب را با همین عبارت به فرماندهی نذاجا گزارش می‌کند.

(۲) فرماندهی می‌تواند ریسک را بپذیرد:

برابر پیش بینی قبلی قرار بود در روز ۶۴/۱۱/۱۹ جلسه‌ای با شرکت مسئولان بلند پایه جبهه و جنگ در پایگاه هوایی دزفول تشکیل گردد، دستور کار چنین جلساتی به طور معمول بررسی مسایل جبهه، بر طرف کردن مشکلات، فراهم کردن امکانات، برنامه ریزی برای آینده، ایجاد هماهنگی‌های لازم و... می‌باشد اما در این جلسه آنچنان که در پایان معلوم گردید تصمیم گیری درباره عملیات قریب الوقوع فاو در رأس امور قرار داشت.

سرتیپ ۲ جاودانی در مورد چگونگی تشکیل این جلسه چنین می‌گوید:

همه پرسنل که قرار بود در جلسه شرکت کنند آمده بودند تا این که تیمسار جلالی (وزیر دفاع وقت) وارد سالن شدند من برای عرض ادب و سلام جلو رفتم ایشان با من دست داد و فرمودند:

آقای روحانی در یک جلسه خصوصی فرمودند: جاودانی هم طرف ارتش را گرفته است و همکاری نکرد. کمی بعد جناب آقای دکتر حسن روحانی وارد جلسه شدند و مرا

۱. دست نویس سرتیپ ۲ جاودانی.

۲. در مورخه ۵۹/۱۱/۱۹ پرسنل نیروی هوایی به طور خود جوش و هماهنگ با لباس رسمی در مدرسه علوی با امام (ره) بیعت کرده و از مقابل ایشان رژه رفتند. این روز از طرف امام (ره) به نام روز نیروی هوایی نامگذاری و هر ساله جشنی به این مناسبت برگزار می‌شود.

مورد خطاب قرار دادند و اظهار داشتند: غیبت شما را کردم. و من در جواب عرض کردم: قبلاً این خبر به من رسیده است. و ایشان فرمودند: خبرها چه زود منتشر می شوند. حالا همه منتظر تشریف فرمایی آقای رفسنجانی بودند که همراه فرمانده نزاجا و فرمانده پایگاه هوایی وقت و تنی چند از افسران نیروی هوایی و نیروی زمینی و برادران سپاهی وارد شدند گرچه جلسه به علت طولانی شدن مراسم نیروی هوایی با تأخیر انجام شد اما در نهایت پس از قرائت کلام ا... مجید، فرمانده نزاجا پشت تریبون قرار گرفت و با خواندن دعای همیشگی^۱ خود سخنان خود را آغاز کردند:

من برای اعزام یگان‌های توپخانه یکی از افسران مجرب را مأمور بررسی موضوع نمودم، ایشان نظر کارشناسی شده خود را اعلام داشتند که با توجه به رعایت حفظ امنیت خطوط پدافندی نمی‌توانیم بیش از شش گردان اعزام نمایم اما، جنابعالی به عنوان فرمانده عالی جنگ می‌توانید ریسک را بپذیرید و هر چند یگان که بخواهید برداشت نمایید که در این صورت مسئولیت با فرمانده خواهد بود.

آنگاه آقای رفسنجانی فرمودند: به عنوان فرمانده ریسک را می‌پذیرم^۲ و دستور می‌دهم ۱۸ گردان برآورد سپاه پاسداران را واگذار کنید.

۱. خواندن دعا به ویژه دعای فرج برای علی صیاد شیرازی به صورت یک عادت روزمره در آمده بود ایشان نه فقط به هنگام فرماندهی نزاجا بلکه در زمان فرماندهی آتشبار و نه فقط در مراسم رسمی اداری بلکه در مجامع خصوصی خانوادگی به طور ناخودآگاه دعای فرج را قرائت می‌کرد. بیاد دارم در سال ۱۳۵۵ شبی در یک جمع خانوادگی در مراسم نام گذاری فرزند یکی از همکاران قبل از آن که اذان را در گوش بچه قرائت نمایند مراسم را با خواندن دعای فرج آغاز کردند که از یک طرف موجب تعجب بعضی از حاضرین شد و از طرف دیگر موجب وجد مادر بزرگ بچه گردید و خطاب به صیاد گفت پسرم تو با این عقیده محکم (قرص) به خدا نزدیک هستی و حتماً دعا‌های شما مستجاب می‌شود، خداوند کمک کار شما باشد.

جالب است که بدانیم همین اقدام ساده به مجلس تا پایان، بعد معنوی بخشید.
این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا
(مولوی)

۲. در شرایط عدم اطمینان وقتی که تصمیم‌گیری بر مبنای رعایت اصول و داده‌های موجود امکان‌پذیر نباشد ریسک به عنوان یک راه کار فراروی مدیران بخشهای مختلف و فرماندهان نظامی در میدان کار زار قرار دارد.

در جنگ تحمیلی کمتر مواردی اتفاق می‌افتد که برآوردهای ستادی اجازه تصمیم‌گیری را بر مبنای امکانات موجود بدهد، معمولاً افسران ستاد با نگرش به دانسته‌های اکادمیک به این نتیجه می‌رسیدند که راه کار مناسبی برای انجام عملیات فراهم نیست در چنین مواردی بود که فرماندهان مجبور بودند با استفاده از اصل خطرپذیری تصمیم‌گیری نمایند. البته ناگفته نماند در هیچ موردی مشاهده نشد فرماندهی از این عنوان استفاده کند، بلکه با توجه به معنویتی که بر جبهه‌ها حاکم بود فرماندهان از واژه‌هایی مانند، توکل، امید به نصرت پروردگار، استخاره و... استفاده می‌کردند و در نهایت تصمیم‌گیری لازم را بعمل می‌آوردند و از رکود غیر ضروری در جبهه‌ها ممانعت به عمل می‌آمد. در رابطه با نقش و درجه خطرپذیری

سرتیپ ۲ جاودانی دستنویس خود را چنین تکمیل می‌کند:

« این ۱۸ گردان توپخانه از نیروی زمینی جدا شده و در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفت و علاوه بر آن کلیه توپخانه‌های مستقر در منطقه آبادان و خرمشهر که جزء توپخانه‌های لشکرهای ۷۷ و ۲۱ و سایر یگان‌های نیروی زمینی بودند روی جابجائیها و تحرکات دشمن در محور بصره به فاو بصورت موثر اجرای آتش می‌کردند نظر به اینکه برادران سپاه در آن مقطع زمانی قادر به طرح ریزی و تطبیق و هدایت آتش در حجم گسترده در عملیات فاو نبودند قرارگاه ۲۲ توپخانه با مسئولیت تطبیق آتش توسط سرهنگ ۲ افراز با کمک تنی چند از برادران سپاه پاسداران مسئولیت طرح ریزی، تطبیق آتش گردان‌های گنجانده شده در طرح عملیات را به عهده داشتند»

بدین صورت اعزام ۱۸ گردان توپخانه رسمیت پیدا کرد و فرماندهی نزاجا از طریق قرارگاه جنوب دستور اعزام را دادند، اما در عمل برابر آنچه بدنبال خواهد آمد تحولات بعدی حجم بیشتری از یگان‌های توپخانه نزاجا را درگیر پشتیبانی آتش از عملیات والفجر ۸ نمود و این پشتیبانی در دو بُعد تلاش پشتیبانی و تلاش اصلی به شرح زیر انجام گرفت:

(۳) مشخصات یگان‌های توپخانه (پشتیبانی از تلاش اصلی)

با وجود روشن بودن مبادی کسب اطلاعات دقیق (معاونت عملیات نزاجا معاونت طرح و برنامه و قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب که به طور معمول امریه‌های عملیاتی را صادر می‌نمود) در مورد تعداد و مشخصات یگان‌های توپخانه در اختیار سپاه پاسداران، اطلاعات یکنواختی در اختیار نیست، در حالی که سرتیپ ۲ قاسم جاودانی برابر آنچه گفته شد ۱۸ گردان را تأیید می‌کنند سرتیپ ۲ غلامحسین امیریگی که در آن زمان افسر هماهنگ کننده توپخانه در قرارگاه جنوب بود، چنین بیان می‌دارد:

من برابر امریه ای که فرمانده نزاجا آنرا امضاء کرده بود، ۱۶ فرمانده گردان توپخانه را با خود به قرارگاه سپاه پاسداران در ساختمان موسوم به گلف در اهواز بردم و همراهان

عملیات نظامی نظر تیمسار سرتیپ ۲ عبدالحسین مفید که در اکثر عملیات‌ها نقش ارزنده ای در برآوردهای ستادی داشته اند جویا شدم ایشان چنین اظهار نظر کردند. فرمانده حتماً باید شرایط و اوضاع حاکم بر منطقه عملیات، راه کارهای احتمالی، استعداد و امکانات دشمن را مد نظر قرار داده و سپس با نتیجه‌ای که از قبول خطر انتظار دارد بدست آورد، مقایسه و در نهایت تصمیم گیری نماید به هر حال قبول خطر در تصمیم گیری‌های عملیاتی منطقی است و دور از انتظار نیست.

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۰۹

را به برادر رحیم صفوی (فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه) و برادر شهید شفیع زاده (فرمانده وقت توپخانه سپاه) معرفی کردم و به طنز می گویند، عقد اخوت را در دفتر خانه سپاه امضاء کردم.

در این میان اظهارات سرتیپ ۲ جاودانی در کتابچه ای که در دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) با نام والفجر ۸ تهیه شده است هماهنگی دارد:

در این عملیات ۳۰ گردان توپخانه (۱۸ گردان از نزاجا و ۱۲ گردان از سپاه) در شرق بهمنشیر تا آبادان گسترش یافته بودند.

با این وصف جالب است بدانیم برادر پاسدار غلامرضا نوشادی در پایان نامه دانشکده فرماندهی و ستاد خود (تحت عنوان، توپخانه در والفجر ۸) ۱۹ گردان را با مشخصات کامل سازمان داده اند (لیست شماره ۱) و این در حالی است که در لیست تلفات یگان های توپخانه در عملیات والفجر ۸ که معاونت پرسنلی نزاجا آنرا تهیه کرده است ۲۱ گردان قید شده (لیست شماره ۲)

لیست شماره ۱: صورت یگان های توپخانه شرکت کننده در پشتیبانی از تلاش اصلی (بر مبنای گزارش برادر نوشادی)

ردیف	شماره یگان	کالیبر	سازمان
۱	گد ۳۲۷	۱۰۵ م م	ل ۲۱ حمزه
۲	گد ۳۱۳	۱۵۵ م.م	ل ۲۱ حمزه
۳	گد ۳۸۳	۱۰۵ م.م	ل ۷۷ پیاده
۴	گد ۳۲۶	۱۵۵ م.م	ل ۷۷ پیاده
۵	گد ۸۵۰	۲۰۳ م.م	ل ۷۷ پیاده
۶	گد ۳۷۰	۱۵۵ م.م	ل ۷۷ پیاده
۷	گد ۳۱۷	۱۵۵ م.م.خ.ک	ل ۸۱ زرهی
۸	گد ۳۴۰	۱۵۵ م.م.خ.ک	ل ۸۱ زرهی
۹	گد ۳۹۴	۱۵۵ م.م.خ.ک	ل ۱۶ زرهی
۱۰	گد ۳۱۲	۱۵۵ م.م.خ.ک	ل ۹۲ زرهی

۱۱	گد ۳۳۳	۱۳۰ م.م	گروه ۲۲
۱۲	گد ۳۴۱	۱۳۰ م.م	گروه ۳۳
۱۳	گد ۳۴۳	۱۳۰ م.م	گروه ۳۳
۱۴	گد ۳۷۲	۱۲۲ م.م کاتیوشا	گروه ۳۳
۱۵	ات یکم ۳۶۹	۱۲۲ م.م کاتیوشا	گروه ۲۲
۱۶	گد ۳۹۹	۱۳۰ م.م	گروه ۵۵
۱۷	گد ۳۳۶	۱۰۵ م.م	ل ۳۰ پیاده
۱۸	گد ۳۵۲	۱۰۵ م.م	تیپ ۵۵ هوابرد
۱۹	گد ۳۷۹	۲۰۳ م.م	ل ۲۱ حمزه

لیست شماره ۲: آمار تلفات رزمی گردان‌های توپخانه زیر نظر سپاه از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۲

ردیف گردان	افسر			درجه دار			سرباز		
	شهید	مجروح	اسیر	شهید	مجروح	اسیر	شهید	مجروح	اسیر
گد ۳۲۷	۱	-	-	۱	۲	-	۹	۴	-
گد ۳۱۳	-	-	-	-	۱	-	۱	-	-
گد ۳۸۳	-	-	-	-	۱	-	۱	۱۵	-
گد ۳۲۶	-	-	-	-	۴	-	-	۳	۷
گد ۸۵۰	-	۱	-	-	۲	-	-	-	۴
گد ۳۷۰	-	-	-	-	۱	-	-	۱	۱۳
گد ۳۱۷	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱۳
گد ۳۴۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-
گد ۳۹۴	-	-	-	-	۵	-	۲	۸	-
گد ۳۱۲	-	-	-	-	۱	-	-	-	۳
گد ۳۳۳	-	-	-	-	۱	-	-	-	۵
گد ۳۴۱	-	-	-	-	۱	-	-	-	۱۹
گد ۳۴۳	-	۲	-	-	۱	-	-	۱۹	-

گد ۳۷۲	-	۱	-	۱	۱۵	-	۲	۵۵	-
گد ۳۹۹	-	-	-	۱	۱	-	-	۵	-
گد ۳۳۶	-	۶	-	-	۵	-	۱	۲۵	-
گد ۳۵۲	-	۵	-	-	۹	-	-	۲۲	-
گد ۳۹۷	-	۵	-	-	۲	-	-	۱۲	-
گد ۳۳۸	-	۲	-	۱	۹	-	۱۵	۱۵	-
گد ۳۷۶	-	-	-	-	-	-	-	-	-
گد ۳۴۷	-	-	-	-	۸	-	-	۲	-
جمع	۱	۲۲	-	۳	۷۰	-	۳۱	۱۸۶	۶۴

در مقایسه لیست‌های شماره (۱) و (۲) به یک نکته قابل تأمل می‌رسیم که نشان‌دهنده عدم هماهنگی و دقت در نگارشات رسمی در دوره بحرانی جنگ می‌باشد. همان‌طوری که ملاحظه می‌گردد در لیست شماره (۱) آتشبار یکم گد ۳۶۹ قید گردیده است که در لیست شماره (۲) قید نشده است و در مقابل در لیست شماره (۲) از گردان‌های ۳۷۶، ۳۴۷ و ۳۳۸ نام برده می‌شود که در لیست شماره (۱) آورده نشده‌اند.

تذکر ۱: در بررسی‌های بعدی معلوم گردید که یک آتشبار از هر یک از گردان‌های ۳۶۹ و ۳۷۶ و ۳۴۷ در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته است.

تذکر ۲: گردان ۳۷۹ قید شده در لیست شماره ۱ اشتباه بود و گردان ۳۹۷ صحیح است.

تذکر ۳: گردان ۳۳۸ قید شده در لیست شماره ۲ - پدافند هوایی بوده که عناصری از آن در عملیات شرکت داشته‌اند. (به بخش پدافند مراجعه شود).

(۴) واقعیت چیست ؟

(الف) برابر ضمیمه ۱ پیوست ت (پشتیبانی آتش) طرح عملیاتی شماره ۳ بدر (تجدید نظر شده) که از طرف قرارگاه عملیاتی کربلا در بهمن ماه ۱۳۶۴ با شماره اعلام وصول ز - ۴۵-۱ صادر گردیده است، در مرحله یکم ۱۵ گردان توپخانه از نزاجا منفک و در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار می‌گیرد و در مرحله دوم به منظور تقویت و مداومت پشتیبانی آتش تلاش اصلی عملیات والفجر ۸، سه گردان و دو آتشبار دیگر در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت.

(ب) سقوط شهر بندری فاو و جزیره فاو به دست رزمندگان توانمند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آن چنان برای حکومت بعثی عراق گران تمام شد. که برای بازپس

گیری آن تمام امکانات خود را بسیج و اقدام به پاتکهای سنگین و مداوم نمود در نتیجه در جبهه داخلی حجم بالائی از آتش به وسیله یگان‌های توپخانه اجرا گردید تا جائی که پاتک‌های پی در پی نیروهای متجاوز ناکام ماند، در اثر این حجم آتش بسیاری از یگان‌های توپخانه در ۲۰ روز اول عملیات آسیب جدی دید و با مشکلات تعمیراتی (صفر شدن لوله) و فرسودگی پرسنل مواجه شدند، پس از پیگیری قرارگاه خاتم ۱ با صدور امریه شماره ۲۰۱/۱۱/۷۴ - م ع ج - ۶۴/۱۲/۱۹ از نزاجا می‌خواهد یگان‌های آسیب دیده را تعویض نماید.

نزاجا بی‌درنگ با توجه به رسالت خود، برای فراهم کردن مداومت پشتیبانی آتش از عملیات غرور آفرین والفجر ۸ و بازیابی روحیه پرسنل در حد امکان و حفظ آمادگی رزمی یگان‌های توپخانه و پائین آوردن سطح تعمیرات از طریق قرارگاه عملیاتی جنوب اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۱۹/۴۵۵ - ۶۴/۱۲/۲۸ برای تعویض هشت گردان توپخانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار داد.

(پ) در ادامه عملیات والفجر ۸ و پس از تثبیت خطوط پدافند به علت طولانی شدن مدت مأموریت و نیاز یگان‌های توپخانه شرکت کننده در عملیات به تجدید سازمان و انجام تعمیرات اساسی به ترتیب بعضی از یگان‌ها با یگان‌های مشابه تعویض گردیدند. گرچه مدارکی در رابطه با تاریخ اعزام این یگان‌ها در دست نیست اما نامه شماره ۳۰۱/۱۹/۲۲۵ - ۶۵/۱۱/۲۵ ق. ع جنوب کربلا (ر ۳) نشان‌دهنده شرکت این یگان‌ها در پدافند از منطقه فاو می‌باشد.

(ت) با نگرش به لیست مشخصات یگان‌های توپخانه، حجم آتش بکار گرفته شده در این عملیات در هیچ یک از عملیات‌های سرنوشت ساز جنگ تحمیلی سابقه نداشته است و این واقعیت نشان‌دهنده عزم و اراده فرماندهی نزاجا برای شرکت در عملیات مهم و حیاتی والفجر ۸ می‌باشد که تنها در بخش توپخانه با شرکت دادن ۵۰٪ از آتش موجود نیروی زمینی در یک منطقه محدود با عرض ۳۰ کیلومتر، پیشاپیش موفقیت در این عملیات را تضمین نموده است و اینکه در مدارک از قول صاحب نظران یکی از پایه‌های اصلی تصرف جزیره و شهر بندری فاو استفاده از حجم آتش توپخانه نقل گردیده است واقعیتی مبتنی بر تحلیل میدان رزم می‌باشد، جادارد از این تدبیر در حد این گفتار تقدیر گردد. (لیست شماره ۳)

(ث) ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ عملیات والفجر ۸

ب - توپخانه‌های پشتیبانی کننده تلاش پشتیبانی

برابر طرح عملیاتی بدر (تجدیدنظر شده) یگان‌هایی از لشکرهای ۲۱ و ۷۷ پیاده ۹۲ و ۸۱ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد همزمان با عملیات والفجر ۸ به عنوان تلاش پشتیبانی و با هدف فریب تاکتیکی در منطقه شلمچه برای تصرف جزیره بوارین اقدام به تک می نمایند، برابر بند (۲) سازمان برای رزم پیوست (ت) پشتیبانی آتش، یگان‌های توپخانه مشروحه زیر این عملیات را پشتیبانی کرده‌اند:

گردان ۳۴۶ توپخانه مختلط ل ۲۱ حمزه

گردان ۳۲۳ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک (-) گروه ۵۵ توپخانه

گردان ۳۹۷ توپخانه ۲۰۳ م م ل ۲۱ حمزه

گردان ۳۴۷ (منهای یک آتشبار) توپخانه ۱۳۰ م م ل ۲۱ حمزه

گردان ۳۶۸ توپخانه ۱۰۵ م م ل ۷۷ پ

گردان ۳۷۰ توپخانه ۱۵۵ م م ل ۷۷ پ

گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م م گروه ۵۵

گردان ۳۶۹ (منهای آتشبار) کاتیوشا گروه ۲۲ توپخانه

گردان ۳۳۰ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک ل ۹۲ زرهی

گردان ۳۱۸ توپخانه ۱۵۵ م م خ ک ل ۹۲ زرهی

گردان ۳۴۲ توپخانه ۱۳۰ م م گروه ۳۳

گردان ۳۸۷ (-) توپخانه مختلط ۱۷۵ و ۱۳۰ م م گروه ۲۲

آتشبار دوم گردان ۳۷۶ کاتیوشا گروه ۵۵

قرارگاه گروه ۳۳ توپخانه به عنوان توپخانه عمل کلی تطبیق آتش قرارگاه عمل کننده

(خاتم ۲) را به عهده داشت.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه تک تلاش پشتیبانی برای تصرف جزیره بوارین برخلاف موفقیت‌های اولیه به سرانجام نرسید، یگان‌های تک ور به خطوط پدافندی مراجعت نمودند و برابر تدبیر قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بعضی از یگان‌های توپخانه شامل گردان‌های ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۹۹، ۳۷۷، ۳۴۲، ۳۹۷ و یک آتشبار از گردان‌های ۳۷۶، ۳۴۷ و ۳۶۹ بعد از تثبیت خطوط پدافندی در شلمچه جهت تقویت آتش تلاش اصلی به منطقه فاو اعزام شدند به همین انگیزه این یگان‌ها هم در لیست تلاش اصلی و هم در لیست تلاش پشتیبانی مشاهده می‌گردند.

لیست شماره ۳: مشخصات یگان‌های توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸

ردیف	یگان	کالیبر	یگان سازمانی	شرکت در پشتیبانی		مدت مأموریت		مدرک
				تلاش اصلی	تلاش پشتیبانی	تاریخ اعزام	تاریخ خاتمه	
۱	گد ۳۲۷	۱۰۵ م م	ل ۲۱	*		۶۴/۱۱/۱۵		ضمیمه ۱
۲	گد ۳۱۳	۱۵۵ م م	ل ۲۱	*		۶۴/۱۱/۱۵	۶۴/۱۲/۲۸	//
۳	گد ۳۳۶	۱۰۵ و ۱۳۰ م م	ل ۳۰	*		۶۴/۱۱/۱۵		//
۴	گد ۳۹۴	۱۵۵ م م	ل ۱۶	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۵	گد ۳۴۱	۱۳۰ م م	گروه ۲۲	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۶	گد ۳۳۳	۱۳۰ م م	گروه ۲۲	*		۶۵/۱۱/۲۰		//
۷	گد ۳۴۳	۱۳۰ م م	گروه ۳۳	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۸	گد ۳۷۲	۱۲۲ م م	گروه ۳۳	*		۶۵/۱۱/۲۰		//
۹	گد ۳۸۳	۱۰۵ م م	ل ۷۷	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۰	گد ۳۲۶	۱۵۵ م م	ل ۷۷	*		۶۵/۱۱/۲۰		//
۱۱	گد ۸۵۰	۲۰۳ م م	ل ۷۷	*		۶۵/۱۱/۲۰		//
۱۲	گد ۳۵۲	۱۰۵ م م	تی ۵۵	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۳	گد ۳۱۲	۱۵۵ م م	ل ۹۲	*		۶۵/۱۱/۲۰	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۴	گد ۳۱۷	۱۵۵ م م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۱/۱۵	۶۴/۱۲/۲۸	ضمیمه ۱

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۱۵

ردیف	یگان	کالبر	یگان سازمانی	شرکت در پشتیبانی		مدت مأموریت		مدرک
				تلاش اصلی	تلاش پشتیبانی	تاریخ اعزام	تاریخ خاتمه	
۱۵	گد ۳۹۹	۱۳۰ م م	گروه ۵۵	*	*	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سندشماره ۱۹
۱۶	گد ۳۹۷	۲۰۳ م م ک	ل ۲۱	یک آتشبار	گد (-)	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۷	گد ۳۷۶	۱۲۲ م م کاتیوشا	گروه ۵۵	*	یک آتشبار	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۸	گد ۳۴۷	۱۳۰ م م	ل ۲۱	یک آتشبار	گد (-)	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	//
۱۹	گد ۳۱۵	۱۰۵ م م	ل ۷۷	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۰	گد ۳۴۰	۱۵۵ م م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۱/۱۵		ضمیمه ۱ سند ۲۰
۲۱	گد ۳۷۰	۱۵۵ م م	ل ۷۷	*	*	۶۴/۱۱/۲۲	۶۴/۱۲/۲۸	سند ۱۹
۲۲	گد ۳۶۴	۱۵۵ و ۱۰۵ م م	ل ۲۱	*	*	۶۴/۱۲/۲۸	۶۵/۱۱/۲۰	//
۲۳	گد ۳۷۳	۱۵۵ م م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۴	گد ۳۱۸	۱۵۵ م م خ ک	ل ۹۲	*	*	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۵	گد ۳۰۵	۱۳۰ م م	گروه ۲۲	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۶	گد ۳۴۲	۱۳۰ م م	گروه ۳۳	*	*	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۷	گد ۳۳۴	۱۰۵ م م	ل ۵۸	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		سند ۱۹
۲۸	احتمالاً ۳۲۱	۱۵۵ م م	ل ۱۶	*	-	۶۴/۱۲/۲۸		//
۲۹	گد ۳۱۰	۱۰۵ م م	ل ۲۸	*	-	۶۵/۱۱/۲۰		//

۱۱۶ / ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸)

۳۰	گد ۳۹۶	۵ م خ ک	ل ۸۱	*	-	۶۵/۱۱/۲۰	//
ردیف	یگان	کالیبر	یگان سازمانی	شرکت در پشتیبانی		مدت مأموریت	
				تلاش اصلی	تلاش پشتیبانی	تاریخ اعزام	تاریخ خاتمه
۳۱	آت ۲ گد ۳۹۲	۲۰۳ م م	گروه ۱۱	*	-	۶۵/۱۱/۲۰	//
۳۲	گد ۳۲۳ (-)	۱۵۵ م خ ک	گروه ۵۵		*	۶۵/۱۱/۲۰	طرح عملیاتی
۳۳	گد ۳۶۸	۱۰۵ م م	ل ۷۷		*	۶۵/۱۱/۲۰	//
۳۴	گد ۳۶۹	۱۲۳ م کاتیوشا	گروه ۲۲	یک آتشبار	گردان (-)	۶۵/۱۱/۲۰	//
۳۵	گد ۳۳۰	۱۵۵ م م خ ک	ل ۹۲		*	۶۵/۱۱/۲۰	//
۳۶	گد ۳۸۷	۱۳۰ و ۱۷۵ م م	گروه ۲۲	-	دو آتشبار	۶۵/۱۱/۲۰	
۳۷	ق ل ۷۷			-	*	۶۴/۱۱/۱۵	۶۴/۱۱/۲۲
۳۸	ق ل ۲۱			-	*	۶۴/۱۱/۱۵	۶۴/۱۱/۲۲
۳۹	ق گروه ۲۲			*	-	۶۴/۱۱/۱۵	۶۵/۱۱/۲۰
۴۰	ق گروه ۳۳			*	-	۶۵/۱۱/۲۰	پایان مأموریت

فرماندهان یگان‌های توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۱	سرهنگ ۲	فضل ا. بیگانی	ف گد	گد ۳۲۱
۲	سروان	غلامحسین خلعت آبادی	ف آت ارکان	گد ۳۲۱
۳	ستوان ۱	داود طریقه دار	ف آت ۱	گد ۳۲۱
۴	ستوان ۱	حسین گوری	ف آت ۲	گد ۳۲۱
۵	ستوان ۱	محسن باغ داسراف	ف آت ۳	گد ۳۲۱
۶	سرهنگ ۲	حسین عباسی	ف گد	گد ۳۹۴
۷	سرهنگ	جعفر الفت منش	ف تول ۲۱	ق تول
۸	سروان	محمود مصطفوی	ف آت ارکان	ق تول
۹	سرهنگ ۲	امیر بهمن همتیان	ف گد	گد ۳۱۳
۱۰	سرگرد	حسن حیدری	ف آت ارکان	گد ۳۱۳
۱۱	ستوان ۱	احمد مغربی	ف آت ۱	گد ۳۱۳
۱۲	ستوان ۲	مرتضی محمدی قوهکی	ف آت ۲	گد ۳۱۳
۱۳	سروان	ابراهیم سلطان دهقان	ف آت ۳	گد ۳۱۳
۱۴	سرهنگ ۲	غلامحسین سعیدی	ف گد	گد ۳۲۷
۱۵	سروان	محمد فریبرز کریمی	ف آت ارکان	گد ۳۲۷
۱۶	سروان	احمد ارامی	ف آت ۱	گد ۳۲۷
۱۷	سروان	لطفعلی مرادزاده	ف آت ۲	گد ۳۲۷
۱۸	ستوان ۱	فرامرز تاج محرابی	ف آت ۳	گد ۳۲۷
۱۹	سرهنگ	حمید شکیبیا	ف گد	گد ۳۴۷
۲۰	سروان	حبیب اله قره باغی	ف آت ارکان	گد ۳۴۷
۲۱	ستوان ۱	احد محمدی آزاد	ف آت ۱	گد ۳۴۷
۲۲	سروان	محمدباقر رحیم‌پور اصفهانی	ف آت ۲	گد ۳۴۷
۲۳	ستوان ۲	عزت اله نصیری	ف آت ۳	گد ۳۴۷

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۲۴	سرهنگ ۲	سید محسن طباطبایی	ف گد	گد ۳۶۴
۲۵	ستوان ۱	محمد ابراهیم کهن	ف آت ارکان	گد ۳۶۴
۲۶	سروان	محمد ابراهیم میرزایی مقانی	ف آت ۱	گد ۳۶۴
۲۷	سروان	جمشید سلامت	ف آت ۲	گد ۳۶۴
۲۸	سروان	ناصر گودرزی	ف آت ۳	گد ۳۶۴
۲۹	سرهنگ ۲	کاظم نشوادیان بخشی	ف گد	گد ۳۹۷
۳۰	سروان	مسعود تابان	ف آت ارکان	گد ۳۹۷
۳۱	سروان	منصور دهبید	ف آت ۱	گد ۳۹۷
۳۲	ستوان ۱	موسی امجدی	ف آت ۲	گد ۳۹۷
۳۳	ستوان ۱	شعبانعلی سعادت قید	ف آت ۳	گد ۳۹۷
۳۴	سرگرد	قلی کلانتری	ف گردان	گد ۳۳۶
۳۵	ستوان ۱	علی گنابادی	ف آتشبار ۳	گد ۳۳۶
۳۶	سرهنگ	بهروز صفری کیا	ف گروه ۲۲	ق گروه
۳۷	سرهنگ	علی احمدیان	جانشین ف گروه ۲۲	ق گروه
۳۸	سرگرد	محمد قلم کاری	ف گردان	گد ۳۴۲
۳۹	سروان	ابراهیم اژدریوش	ف آت ارکان	گد ۳۴۲
۴۰	ستوان ۱	علی اکبر اصلانی	ف آت ۱	گد ۳۴۲
۴۱	سرگرد	حسین تعجب باهر	ف آت ۲	گد ۳۴۲
۴۲	سروان	علی اکبر تاجیک	ف آت ۳	گد ۳۴۲
۴۳	سرهنگ ۲	محسن زینعلی	ف گردان	گد ۳۴۳
۴۴	سروان	ابراهیم مرادی	ف آت ارکان	گد ۳۴۳
۴۵	ستوان ۱	محمد حسین رشدامامی	ف آت ۱	گد ۳۴۳
۴۶	ستوان ۱	تقی اسدی	ف آت ۲	گد ۳۴۳
۴۷	ستوان ۱	داود شرف نیا	ف آت ۳	گد ۳۴۳

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۴۸	سرهنگ ۲	حسن رهنما فرد	ف گردان	گد ۳۷۲
۴۹	سروان	حسن طالبی	ف آت ارکان	گد ۳۷۲
۵۰	ستوان ۱	سید عباس میرشفیعی	ف آت ۱	گد ۳۷۲
۵۱	ستوان ۱	ناصر زنگنه	ف آت ۲	گد ۳۷۲
۵۲	ستوان ۱	محمد رهبری لایق	ف آت ۳	گد ۳۷۲
۵۳	سرگرد	احمد جواد نژاد	ف گردان	گد ۳۹۹
۵۴	ستوان ۱	محمد ولی شیبانی	ف آت ارکان	گد ۳۹۹
۵۵	سروان	غلامرضا شیرینی ورنامخواستی	ف آتشبار ۲	گد ۳۹۹
۵۶	سرگرد	مرتضی غلامی کیا	ف گردان	گد ۳۲۳
۵۷	ستوان ۱	رحمت علی لاوی	ف آتشبار ارکان	گد ۳۲۳
۵۸	ستوان ۱	محمد رضا مبارکی	ف آتشبار ۱	گد ۳۲۳
۵۹	ستوان ۱	احمد قلی لطفی	ف آتشبار ۲	گد ۳۲۳
۶۰	سرهنگ ۲	علی جبل عاملی	ف گد	گد ۳۷۶
۶۱	سروان	احمد دوخانی	ف آتشبار ۲	گد ۳۷۶
۶۲	ستوان ۱	بیت اله باقر زاده	ف آتشبار ۳	گد ۳۷۶
۶۳	سرگرد	علی اصغر سهرابی	ف گردان	گد ۳۴۰
۶۴	سروان	مصطفی قاسمی	ف آتشبار ارکان	گد ۳۴۰
۶۵	ستوان ۱	محمد رضا اسماعیلی	ف آتشبار ۱	گد ۳۴۰
۶۶	ستوان ۱	عیسی سلیمی	ف آتشبار ۲	گد ۳۴۰
۶۷	ستوان ۱	علی میرزا کرمی	ف آتشبار ۳	گد ۳۴۰
۶۸	سرگرد	عین... ایزدی	ف گردان	گد ۳۱۷
۶۹	ستوان	جابر نجفی	ف آتشبار ارکان	گد ۳۱۷
۷۰	ستوان ۱	علیرضا سیفی تبار	ف آتشبار ۱	گد ۳۱۷
۷۱	ستوان ۱	علیرضا ملکی	ف آتشبار ۲	گد ۳۱۷

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۷۲	ستوان ۱	خیرمراد کرمی	ف آتشبار ۳	گد ۳۱۷
۷۳	سرگرد	علاءالدین احمدی	ف گردان	گد ۳۷۳
۷۴	ستوان ۱	امیر خان عزیزی	ف آتشبارارکان	گد ۳۷۳
۷۵	ستوان ۲	بهمن توپچی نژاد	ف آتشبار ۱	گد ۳۷۳
۷۶	ستوان ۱	مرتضی جلیلیان	ف آتشبار ۲	گد ۳۷۳
۷۷	سرگرد	بیژن سید جمالی	ف گردان	گد ۳۹۶
۷۸	سروان	محمد دهقان	ف آتشبارارکان	گد ۳۹۶
۷۹	سروان	صفدر عزیزی	ف آتشبار ۱	گد ۳۹۶
۸۰	ستوان ۱	ایرج سلطانی	ف آتشبار ۲	گد ۳۹۶
۸۱	سرهنگ	عوض سرپاسی	ف تول	ق تول
۸۲	سروان	محمد ابراهیم ابراهیمی	ف آت ارکان	ق تول
۸۳	سرگرد	حسین مهرآرا	ف گد	گد ۳۷۰
۸۴	سروان	غلامرضا کمیلی	ف ات ارکان	گد ۳۷۰
۸۵	ستوان ۲	حسین مظلوم	ف آت ۱	گد ۳۷۰
۸۶	سروان	حسن طلوع خیبری	ف آت ۲	گد ۳۷۰
۸۷	سروان	غلامرضا اولیائی	ف آت ۳	گد ۳۷۰
۸۸	سرگرد	پرویز جلالی	ف گد	گد ۳۱۵
۸۹	سروان	سید محمود علمدار	ف آت ارکان	گد ۳۱۵
۹۰	ستوان ۱	اسماعیل تربتی	ف آت ۱	گد ۳۱۵
۹۱	ستوان ۱	سید محسن حسن زاده	ف آت ۲	گد ۳۱۵
۹۲	سرهنگ ۲	حسین دارابی	ف گد	گد ۳۶۸
۹۳	سروان	محمد بهرامی	ف آت ارکان	گد ۳۶۸
۹۴	سروان	سید عباس موسوی	ف ات ۱	گد ۳۶۸
۹۵	سروان	علی اکبر نماز	ف آت ۲	گد ۳۶۸

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۱

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۹۶	سروان	ابوالحسن ایزدجو	ف آت ۳	گد ۳۶۸
۹۷	سروان	علی اکبر گلمرادی	ف آت ارکان	گد ۳۲۶
۹۸	ستوان ۲	علیرضا خرم تبریزی	ف آت ۱	گد ۳۲۶
۹۹	ستوان ۲	محمد سلیمانی	ف آت ۳	گد ۳۲۶
۱۰۰	سرهنگ ۲	پرویز افراز گنجین	ف گروه ۲۲ تو	ق گروه
۱۰۱	سروان	مهراب نگهداری	ف آت قرارگاه	آت ق گروه
۱۰۲	سرگرد	حسن شهریارپناه	ف گد	گد ۳۰۵
۱۰۳	سروان	محسن عباسی	ف آت ارکان	گد ۳۰۵
۱۰۴	ستوان ۱	شهباز زارع	ف آت ۱	گد ۳۰۵
۱۰۵	سروان	علی اکبر لطفی	ف آت ۲	گد ۳۰۵
۱۰۶	ستوان ۲	غلامحسین خاکرند	ف آت ۳	گد ۳۰۵
۱۰۷	سرگرد	نصرا..سلطانی	ف گد ۳۳۳ تو	گد ۳۳۳
۱۰۸	سروان	محمد رسان میرزایی	ف آت ارکان	گد ۳۳۳
۱۰۹	ستوان ۱	خالد اما مقلی	ف آت یکم	گد ۳۳۳
۱۱۰	ستوان ۱	عباس اسماعیلی	ف آت دوم	گد ۳۳۳
۱۱۱	ستوان ۱	محمد جواد نامجو	ف آت سوم	گد ۳۳۳
۱۱۲	سرگرد	هوشنگ استکی	ف گد ۳۴۱ تو	گد ۳۴۱
۱۱۳	سروان	مهدی ایزدپرست	ف آت ارکان	گد ۳۴۱
۱۱۴	ستوان ۱	ایوب داوطلبی	ف آت ۱	گد ۳۴۱
۱۱۵	ستوان ۱	شهباز زارع	ف آت ۲	گد ۳۴۱
۱۱۶	ستوان ۱	غلامرضا نومیری	ف آت ۳	گد ۳۴۱
۱۱۷	سرگرد	نورالله قطره سامانی	ف گد ۳۶۹	گد ۳۶۹ کا
۱۱۸	سروان	عباس بهرام نژاد	ف آت ارکان	گد ۳۶۹ کا
۱۱۹	ستوان ۱	محمد جواد کرمی	ف آت یکم	گد ۳۶۹ کا

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۱۲۰	ستوان ۱	اصغر محمدی	ف آت دوم	گد ۳۶۹ کا
۱۲۱	ستوان ۲	فیض الله بهمنی	ف آت سوم	گد ۳۶۹ کا
۱۲۲	سرهنک ۲	عباس امیرحائری	ف گد	گد ۳۸۷
۱۲۳	ستوان ۱	عزیز اله عطوفت	ف آت ارکان	گد ۳۸۷
۱۲۴	ستوان ۲	حسین جعفری	ف آت ۱	گد ۳۸۷
۱۲۵	ستوان ۱	کمال الدین صفایی	ف آت ۳	گد ۳۸۷
۱۲۶	سرهنک	محمداسکندرزاده	ف گردان	گد ۳۱۲
۱۲۷	ستوان ۲	عباس رضوی	ف آتشبار ارکان	گد ۳۱۲
۱۲۸	ستوان ۱	محمد باقر فیض دولت آبادی	ف آتشبار ۱	گد ۳۱۲
۱۲۹	ستوان ۲	علی میرزا عصمت	ف آتشبار ۲	گد ۳۱۲
۱۳۰	ستوان ۱	عارف لطفی	ف آتشبار ۳	گد ۳۱۲
۱۳۱	سرگرد	حجت اله توکلی	ف گردان	گد ۳۱۸
۱۳۲	ستوان ۱	غلامرضا علیپور	ف آتشبار	گد ۳۱۸
۱۳۳	ستوان ۱	فضل اله زند	ف آتشبار	گد ۳۱۸
۱۳۴	ستوان ۱	بهرام رضائیان	ف آتشبار	گد ۳۱۸
۱۳۵	سرگرد	حسین ربیعی	ف گردان	گد ۳۳۰
۱۳۶	ستوان ۲	ویسعلی مراد خانی	ف آتشبار ارکان	گد ۳۳۰
۱۳۷	سرگرد	حسین ربیعی	ف گردان	گد ۳۳۰
۱۳۸	ستوان ۲	ابوالفضل محمدی	ف آتشبار ۱	گد ۳۳۰
۱۳۹	ستوان ۱	فرجام ابیضی	ف آتشبار ۲	گد ۳۳۰
۱۴۰	ستوان ۱	مصیب زنگانی	ف آتشبار ۳	گد ۳۳۰
۱۴۱	سرهنک	فرجا... سجادی	ف گردان	گد ۳۳۰
۱۴۲	ستوان ۱	غلامرضا وفادار	ف آت ۲	گد ۳۹۲
۱۴۳	سروان	مصطفی جعفری	ف گد	گد ۳۳۴

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۳

ردیف	درجه	اسم و شهرت	شغل	یگان
۱۴۴	سرگرد	ابولقاسم کیا	ف گد	گد ۳۱۰
۱۴۵	ستوان ۱	ابن یمین کریمی	ف آتشبارارکان	گد ۳۱۰
۱۴۶	ستوان ۱	شیرزاد رود لاور	ف آتشبار ۱	گد ۳۱۰
۱۴۷	ستوان ۲	حسن هماگرانی	ف آتشبار ۲	گد ۳۱۰
۱۴۸	ستوان ۲	تقی توکلی	ف آتشبار ۳	گد ۳۱۰

سند شماره ۱۸

سند شماره ۱۸
از: قرارگاه عملیاتی جنوب (۳)
شماره: ۶۴/۱۲/۲۴
تاریخ: ۶۴/۱۲/۲۴
موضوع: دستورالعمل تعیین یگانهای توپخانه در کنترل عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مدرک: امریه شماره ۲۴/۱۱/۷۴-۲۰۱-۵۴۴-۶۴/۱۲/۱۹
۱- منشاء: فراهم آوردن مداومت پشتیبانی آتش و در جهت ادامه عملیات فرور آفرین والفجر.
۲- هدف: بازپایی روحیه پرسنل در حد امکان و حداقل آمادگی رزمی یگانهای فوق و پایش آورد
سلاح تعمیرات
اجرا:

الف- تقویت پرسنل و تهیه گردانهای توپخانه ماور به سپاه با واگذاری ۱۰۰ نفر سرباز وظیفه به گردان و جایگزین کردن قبضه های انهدامی و غیر قابل تعمیر ۴۴۱۳ و ۴۴۱۲۲.
کامیو ها از مخازن ف لوج نراچا و تعداد توپهای تعمیراتی یگانهای ماور به سپاه با استفاده از همه امکانات

ب- تعیین گردان توپخانه ماور به سپاه با یگانهای توپخانه مشابه و همپرا از یگانها سازمانی به شرح زیر.

(۱) - ل ۷۷ گد ۳۸۳ ت ۴۴۱۰۵ را با گد ۳۱۵ ت ۴۴۱۰۵ تعیین نمایند.

(۲) - ل ۲۱ گد ۳۱۳ ت ۴۴۱۵۵ کشتی را با گد ۲۶۶ متعلق (۱۵۵ و ۴۴۱۰۵)

کشتی تعیین نمایند.

(۳) - ل ۸۱ گد ۳۱۷ ت ۴۴۱۵۵ خ ب را با گد ۳۷۳ ت ۴۴۱۵۵ خ که ملی نام

شماره ۶۴/۱۲/۲۴-۳۰۰۱/۱۹، ۲/۱۰۷ این قرارگاه هماهنگی در

مورد رمائی آن از ق ع فرستاده می شود پس از حصول نتیجه ظرف مدت ۱۰

تعیین نمایند.

(۴) - ل ۹۲ گد ۳۱۲ ت ۴۴۱۵۵ خ ب را با گد ۳۱۸ ت ۴۴۱۵۵ خ ب تعیین.

نمایند.

(۵) - ل ۱۶ گد ۳۹۴ ت ۱۵۵ خ د را با یکی از گردانهای موجود در دست

تعیین نمایند.

د (۶) - گروه ۲۲ تو گد ۳۴۱ ت ۱۳۰ م م را با گد ۳۰۵ ت ۱۳۰ م م از تاد

الی ۶۵/۱/۱۴ تصویب نمائید .

(۷) - گروه ۳۳ تو گد ۳۴۳ ت ۱۳۰ م م را با گد ۳۲۲ ت ۱۳۰ م م از تاد

الی ۶۵/۱/۱۴ تصویب نمائید .

(۸) ل ع ۵۸ گد ۳۵۲ ت ۱۰۵ م سازمانی تی ۵۵ د را با گد ۳۲۴ ت

سازمانی ل ۵۸ تصویب نمائید .

پ- گروه ۲۲ ت با هم آمنگی قرارگاه خاتم نسبت به موارد زیر اقدام لازم بعمل آو

خ (۱) واگذاری وسائل ترابری از سپاه پاسداران انقضا ب اساسی ایران به یکا.

تصویب شونده برابر بند ب اجراء

خ (۲) رمائی سه گردان و ۲ آتشبار توپخانه ایکه در مرحله دوم به سپاه پاسدا

گردیده بشن زیر :

(الف) گد ۳۷۰ ت ۱۵۵ م م ل ۷۷

(ب) گد ۳۶۹ ت ۱۳۰ م م گروه ۵۵

(پ) گد ۳۹۷ (-) ت ۲۰۳ م م ل ۲۱

(ت) آتشبار یکم گد ۳۷۶ ت ۱۲۲ م م کاتیرها گروه ۵۵

(ث) آتشبار سوم گد ۳۴۷ ت ۱۳۰ م م ل ۲۱

ت - رتن چهارم قرارگاه عملیاتی جنوب با توجه به تصمیمات متخذ در جلسه مورخه ۳

نسبت به مصرفی نماینده یکانهای توپخانه مأمور به سپاه به نزدیک ترین نقطه

باقیه ۱ و ۳ و تشکیل نقطه آاد باقیه ۵ در نزدیکی محل استقرار یکانها اقدام

آورید .

ص ۲

- ت - کلیه تعمیرات رژه ۳ و ۴ یگانهای زیر امر توسط تیم های تعمیراتی تعیین شده در شمریه انجام خواهد شد .
- ث - آماد طبقه ۵ با معرفی نماینده یگانها به نقاط آمادی برابر مجوز رکن ۴ ق ع جنوب تحویل میگردد .
- ج - نیازمندی طبقه ۴ (وسائل سنگری) از طریق گروه ۲۲ و ۲۳ به رکن ۴ و ۳ ق ع جنوب گزارش پس از تأیید رکن ۳ از طریق رکن ۴ قرارگاه واگذار خواهد شد .
- ح - آماد سایر اقلام از طریق یگان اصلی اقدام گردد .

ف. ق. ع جنوب : سرهنگ ستاد عادت

جانشین سرهنگ پیاده ستاد هوشنگ ناصری

نیز در وقت ۱۲ جهت آگاه رانندگی

۶۰۲/۰۲/۲/۱۲۱
۱۳۶۵/۱۱/۲۹
ق ع گروه ۲۲ ت (۲)

رونوشت امریه فوق جهت اطلاع و اقدام لازم در مورد یگانهای زیر امر به ریاست رکن چهارم گروه ارسال میگردد .

ف. ق. ع ۲۲ ت : سرهنگ ویدافسر

از طرف : سرهنگ ستاد صدیق

جانشین رکن سوم سران احمدی

سند شماره ۲۰

پسماند - بعد - بی

شماره : ۳۰۰۱/۱۹/۲۲۵/ت/س

تاریخ : ۶۵/۱۱/۲۵

از: ق.ع جنوب کرمان (۳)

ه. ف. گروه ۳۳ توپخانه (۳)

موضوع: دستورات تکمیلی به دستور جزء بجزر شماره ۱۱

۱- گردانهای مشروحه زیر را از تاریخ ۶۵/۱۱/۲۵ زیر امر گرفته و تحت کنترل عطیاتی سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی قرار دهید .

الف - گد ۳۰۵ ت ۱۳۰ مم

ب - گد ۲۲۶ (-) ۱۵۵ مم خ ل

پ - گد ۳۱۰ (-) ۱۰۵ مم

ت - گد ۳۹۶ ۱۵۵ مم خ ل

ث - گد ۲۴۰ ت = =

ج - گد ۳۷۲ کاتیوشا

ح - گد ۳۴۲ ت ۱۳۰ مم

خ - آتشبار ۲ گد ۳۹۲ ت ۲۰۳ مم گشتی

ح - گد ۳۹۴ ت ۱۵۵ مم خ ل ل ۱۶

بجای گد ۳۶۴ ت ل ۲۱

۲- مأموریتهای برون مرزی را بنا بدستور اجراء و نتیجه را در اسرع وقت گزارش نمایند .

۳- گزارشات نهی ای را هر ۴۸ ساعت یکبار شامل (تلفات و ضایعات پرسنلی و لجستیکی - مهمات مصرفی

وضعیت حاضر یگان جنگ افزارهای سنگین) به نزاجا معاونت عطیات و اطلاعات (مد عطیات)

بهت آگهی به رکن ۳ و ۴ ق ع جنوب ارسال نمائید .

۴- کلیه جایجائی ها و تغییر مکانها واستقرار هر یگان در موضع جدید رابه رکن ۳ ق ع جنوب گزارش نمائید .

۵- به موارد زیر در رابطه با امور تعمیراتی وآمادگی یگانها توجه کافی مبذول دارید :

۱- الف - تعیین حق تقدم به یگانها جهت کارهای تعمیراتی اعم از جنگ افزار و خودرو و هم آهنکی با -

ق.ع پشتیبانی منطقه ۳ (دارخوین) با استفاده از تبهای تعمیراتی مستقر در شمیره .

ب - آماد طبقه ۱ و ۲ توسط ق ع پشتیبانی منطقه ۳ (دارخوین) .

پ - آماد طبقه ۳ و برابر روش لوله های تدارکاتی از منطقه آماد طبقه ۳ اهواز (پادگان

اهواز) انجام خواهد شد .

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۲۹

فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل کادر)

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	احمد وند	محمدصادق	استوار دوم	ل ۷۷	۶۴/۱۱/۲۱	شلمچه
۲	احمدی شک	علیرضا	ستوان دوم	ل ۷۷	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه
۳	ارمش	حبیب	ستوان دوم	ل ۲۱	۶۵/۱/۵	فاو
۴	اسماعیلی	منصور	ستوان دوم	ل ۳۰	۶۵/۲/۵	شلمچه
۵	تاجیکی	حسین علی	استوار یکم	ل ۹۲	۶۷/۱/۲۸	فاو
۶	مرزویی	منوچهر	ستوان دوم	ل ۲۱	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه
۷	بستیانی	حمید	گروهبان دوم	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۱/۲۲	شلمچه
۸	بیات	محمد	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۹	بیات اشکفتگی	کریم	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۱۰	پروینه	محمد	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۲/۲۶	آبادان
۱۱	توسلی	حسن	ستوان یکم	ل ۹۲ اهواز	۶۴/۱۱/۲۱	حسینیه
۱۲	رضائی	علی اکبر	ستوان دوم	ل ۲۱		فاو
۱۳	جلالی	نصرت	گروهبان یکم	ل ۳۰ گرگان	۶۴/۱۱/۲۸	فاو
۱۴	جمشیدی	قمر	گروهبان یکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۴	شلمچه
۱۵	حیدری	غلامحسین	ستوانیار یکم	ل ۸۱	۶۵/۲/۱۸	آبادان
۱۶	خاکبازیان	سعید	گروهبان دوم	ل ۹۲ اهواز	۶۴/۱۱/۲۱	حسینیه
۱۷	خسروی	علی	ستوان یکم	ل ۳۰ گرگان	۶۵/۲/۹	شلمچه
۱۸	دری	غلامرضا	گروهبان یکم	ل ۳۰ گرگان	۶۴/۱۲/۱۶	فاو
۱۹	ربانی مقدم	مهدی	ستوان دوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۲۰	رجبی	احمد	استوار دوم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۲/۱۶	فاو
۲۱	رفیعی	مجید	استوار دوم	ل ۸۱	۶۵/۳/۲۷	فاو
۲۲	روشندل سلیمانی	فریدون	استوار دوم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۲۲	شلمچه
۲۳	زلع دانلو	صفر	گروهبان یکم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۲۱	خرمشهر
۲۴	زحمتکش	سلطانعلی	ستوان دوم	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۶/۱۰	شلمچه
۲۵	سگری	رجبعلی	گروهبان یکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۲۶	ابرام	اکبر	ستوان دوم	تیپ ۵۵	۶۵/۳/۱	فاو
۲۷	سیدجوادی لیمودهی	علی	ستوان یکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۲	شلمچه

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان	تاریخ شهادت	محل شهادت
۲۸	سیستانی	حسین	ستواندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۱	شلمچه
۲۹	شیرسوار	علی محمد	گروه‌بانیکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۱	شلمچه
۳۰	صالحی باورصاد	حمید	کارمند	۱۲۸۶۴	۶۵/۶/۱۶	فاو
۳۱	صبوری زاده	ابراهیم	گروه‌بانیکم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۱۲	شلمچه
۳۲	صیدی زیرطاق	اله یار	گروه‌بانیکم	گروه ۴۱۱ بروجرد	۶۴/۱۱/۲۱	فاو
۳۳	طهماسبی	محمد	استواریکم	ل ۸۱	۶۵/۲/۱	فاو
۳۴	عابدی کوهپایی	مرتضی	ستواندوم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۲۲	شلمچه
۳۵	علی حسینی	محمد رضا	سروان	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۱۶	خرمشهر
۳۶	غازی	حسینعلی	گروه‌بانیکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۲	شلمچه
۳۷	غزنوی نیروی	جلال الدین	ستواندوم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۲۱	آبادان
۳۸	فرمانی سنگاچین	ابراهیم	ستواندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۳۹	قره سوغلو	رمضانعلی	استواردوم	ل ۲۱ حمزه	۶۵/۱۰/۳	فاو
۴۰	قلاوند	علی اکبر	گروه‌بانیکم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۱	شلمچه
۴۱	کریمی	احمد	گروه‌باندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه
۴۲	ندایی	داریوش	گروه‌باندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه
۴۳	متقیان سعدآبادی	سیدعلی	ستواندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۰	شلمچه
۴۴	محمدپور اقدام	محمدجعفر	گروه‌بانیکم	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۴/۶	حسینیه
۴۵	محمدی	عزت ا...	گروه‌بانیکم	ل ۹۲ اهواز	۶۴/۱۱/۲۹	حسینیه
۴۶	معصوم شاهی	ناصر	استواردوم	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۱۱/۱۵	شلمچه
۴۷	معین الدین	سیدابوالقاسم	استواردوم	ل ۹۲ اهواز	۶۷/۱۱/۲۸	فاو
۴۸	دوری	غلامرضا	گروه‌بانیکم	ل ۹۲ اهواز	۶۵/۱۱/۲۲	شلمچه
۴۹	ریاضتی	مجید	ستوانیکم	ل ۲۱		فاو
۵۰	نژاد محمد سرابی	کریم	گروه‌باندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه
۵۱	نقی زاده	علیرضا	ستوان دوم	ل ۲۱ حمزه	۶۴/۱۱/۲۲	شلمچه
۵۲	ندایی	داریوش	گروه‌باندوم	ل ۷۷ خراسان	۶۴/۱۱/۲۳	شلمچه

تذکر: با توجه به اینکه جمع‌آوری اطلاعات بسیار مشکل است، احتمالاً شهدای دیگری باشند که نتوانسته باشیم به اسامی آنان دست پیدا کنیم.

فهرست شهدای عملیات والفجر ۸ (پرسنل وظیفه)

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان
۱	آرش فر	صفرعلی	سرباز	لشکر ۲۱ حمزه
۲	امیری	طهمورث	//	//
۳	بابایانی	عبدالرحمان	//	لشکر ۷۷ خراسان
۴	پورشفیغ	یدا...	//	لشکر ۲۱ حمزه
۵	پوریعقوب	فرمان	//	//
۶	جاهدی	بهارعلی	//	لشکر ۷۷ خراسان
۷	جهانپور	فرض علی	//	لشکر ۲۱ حمزه
۸	حاجی زاده	محمدحسین	//	//
۹	حق شناس	محمدعلی	//	//
۱۰	حمزه نیان	مهرداد	//	//
۱۱	خدایاری	محمد	//	//
۱۲	دری دولت آبادی	غلامحسین	//	//
۱۳	دریس	حمید	//	//
۱۴	دلفانی	درویش	//	//
۱۵	دیلم	محسن	//	//
۱۶	دیلمی	محمدامین	//	//
۱۷	رحمت الهی	حمیدرضا	//	//
۱۸	رزاقی	فرامرز	//	//
۱۹	رستمی	سیفعلی	//	//
۲۰	روحی	همت	سرباز	لشکر ۷۷
۲۱	رهای	قسمت	//	لشکر ۲۱
۲۲	زارع بهبهانی	اصغر	//	//
۲۳	کیکاووس زمانی	ناصر	//	//
۲۴	زوارای	غلامرضا	//	//
۲۵	ستوده	امیر	//	تیپ ۵۵
۲۶	سجادی هزاوه	سید محمد	//	//

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان
۲۷	سلیمانی ساده	محبعلی	//	لشکر ۲۱ حمزه
۲۸	سهراب زاده	نادر	//	تیپ ۵۵
۲۹	سهرابی	محمد	//	لشکر ۲۱
۳۰	شعبان چورشی	عبدال...	//	//
۳۱	سفیحی	احمد	//	//
۳۳	صمدی مقدم	یوسف	//	لشکر ۲۱
۳۴	صیادی	جمشید	//	لشکر ۲۱
۳۵	صیفی	کیومرث	//	//
۳۶	ظهوریان	محمدتقی	//	//
۳۷	عبداللہی نیک آبادی	سلطانعلی	//	//
۳۸	علی نقی	حمید	//	//
۳۹	فتحی	جمشید	//	//
۴۰	فتوکیان	عباس	سرباز	لشکر ۲۱
۴۱	علی فرخی	بایرام	//	//
۴۲	فلاح تقی پور	سیروس	//	//
۴۳	قاسم زاده	سلیمان	//	//
۴۴	قربانی	مرتضی	//	تیپ ۵۵
۴۵	قندهاری زاده	فرهاد	//	//
۴۶	قورت	عباس	//	لشکر ۲۱
۴۷	کهندوز	عباس	//	//
۴۸	ماندگاری	اصغر	//	تیپ ۵۵
۴۹	محرمی	سیف علی	//	لشکر ۷۷
۵۰	محمدی	یداله	//	لشکر ۲۱ حمزه
۵۱	محمدی مؤید	حسن	//	//
۵۲	مرتضی پور	بہروز	ستواندوم	لشکر ۹۲ اہواز
۵۳	مقدم شاد	جواد	سرباز	لشکر ۲۱ حمزه

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۳۳

ردیف	نام خانوادگی	نام	درجه	یگان
۵۴	موری	امیر	//	//
۵۵	موسوی	سید محمد	//	لشکر ۷۷
۵۶	موسوی	سید حمزه	//	لشکر ۲۱
۵۷	موسوی کریمی	محمد	//	لشکر ۹۲ اهواز
۵۸	مهویدی	محمد رضا	//	لشکر ۲۱
۵۹	میر	غلامرضا	//	//
۶۰	میرزایی	جواد	سرباز	لشکر ۲۱
۶۱	مبعل اسرمی	حسین	//	//
۶۲	ناظمی بالینی	مالک	//	//
۶۳	ناصری	بدر	//	//
۶۴	نجف زاده	نورالدین	//	//
۶۵	نجفی	ابراهیم	//	//
۶۶	نسائی جرودی	حسن	//	//
۶۷	نوبهاری	حسین	//	تیپ ۵۵
۶۸	وردانی	جلیل	//	لشکر ۲۱
۶۹	ولی زاده	احمد	//	//
۷۰	هواوند	محمد	//	//
۷۱	یوسفی	عباسعلی	//	گروه ۴۴
۷۲	فروتن	محمد علی	گروهبان سوم	لشکر ۹۲
۷۳	نیک بخت	حسن	سرباز	لشکر ۹۲
۷۴	خوشابی	علی	سرباز	لشکر ۷۷

توجه: آمار ارائه شده از کتابچه لیست شهدای نزا جا با توجه به مأموریت یگان های توپخانه و محل مأموریت تهیه شده است. همانطوری که ذکر گردید، امکان دارد تعداد دیگری باشند که در این لیست به آنها اشاره نشده است. روحشان شاد باد.

فهرست رزمندگان شهید توپخانه در عملیات والفجر ۸^۱

ردیف	نام	نشان	تاریخ شهادت	محل شهادت	درجه	یگان
۱	اسماعیل	زارعی	۱۳۶۴/۱۱/۱۵	حسینیه	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۲	وزیر	حیدری	۱۳۶۴/۱۱/۱۶	شلمچه	سرباز	لشکر ۷۷ پیاده
۳	منصور	اسکندر نژاد	۱۳۶۴/۱۱/۲۶	اروند رود	سرباز	لشکر ۷۷ پیاده
۴	مصطفی	سعیدی انجیله	۱۳۶۴/۱۱/۲۸	آبادان	استوار دوم	گروه ۳۳ توپخانه
۵	حسین	شفیعی رونیزی	۱۳۶۴/۱۱/۳۰	شلمچه	سرباز	لشکر ۷۷ پیاده
۶	رمضان	دشتکار	۱۳۶۴/۱۲/۰۲	جنوب	سرباز	مرآتو
۷	حبیب	گله داری	۱۳۶۴/۱۲/۰۴	آبادان	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۸	سید محمود	حسین زاده	۱۳۶۴/۱۲/۰۴	جزیره مجنون	گروهبان دوم	لشکر ۹۲ زرهی
۹	حسین	خواجه وند	۱۳۶۴/۱۲/۰۵	آبادان	استوار دوم	گروه ۳۳ توپخانه
۱۰	محمد جعفر	خدادادیان	۱۳۶۴/۱۲/۰۷	دارخوین	ستوان سوم	لشکر ۲۱ پیاده
۱۱	عیسی	شیخ سیه نبویه	۱۳۶۴/۱۲/۰۸	آبادان	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۱۲	غلامرضا	دری	۱۳۶۴/۱۲/۱۰	فاو	گروهبان یکم	لشکر ۳۰ پیاده
۱۳	ابوالحسن	اسلامی	۱۳۶۴/۱۲/۱۰	آبادان	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۱۴	محمد	بهمدی	۱۳۶۴/۱۲/۱۰	آبادان	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۱۵	جلال الدین	قادری	۱۳۶۴/۱۲/۱۱		سرباز	لشکر ۵۸ تکاور
۱۶	عباسعلی	اسلامی نصرت آبادی	۱۳۶۴/۱۲/۱۱	آبادان	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۱۷	علیرضا	ربیعی	۱۳۶۴/۱۲/۱۱	آبادان	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۱۸	فرهاد	حسینی	۱۳۶۴/۱۲/۱۲	دارخوین	گروهبان یکم	گروه ۲۲ توپخانه
۱۹	سیاوش	زارعی	۱۳۶۴/۱۲/۱۲	دارخوین	سرباز	گروه ۲۲ توپخانه
۲۰	اصغر	غافل	۱۳۶۴/۱۲/۱۴	شلمچه	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۲۱	قنبر	عالیزاده	۱۳۶۴/۱۲/۱۷	شلمچه	سرباز	لشکر ۷۷ پیاده
۲۲	مهرداد	سلطانی	۱۳۶۴/۱۲/۱۸	عین خوش	ستوان دوم	گروه ۵۵ توپخانه
۲۳	جاوید	رحیمی زاده	۱۳۶۴/۱۲/۱۸	عین خوش	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۲۴	بختیار	سلیمانی مرغملکی	۱۳۶۴/۱۲/۱۸	جنوب	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۲۵	مرتضی	کریمی خوزانی	۱۳۶۴/۱۲/۲۲	آبادان	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۲۶	محمد	پودینه	۱۳۶۴/۱۲/۲۶	آبادان	ستوان سوم	لشکر ۷۷ پیاده
۲۷	احسان دوست	افراسیابی	۱۳۶۴/۱۲/۲۷	جنوب	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۲۸	اکبر	بذرافشان کلودانی	۱۳۶۴/۱۲/۲۷	آبادان	سرباز	لشکر ۸۱ زرهی
۲۹	قادر	خداوردی	۱۳۶۵/۰۱/۰۱	جزیره مجنون	ستوان دوم	گروه ۳۳ توپخانه
۳۰	قربان	جوانمرد فرخانی	۱۳۶۵/۰۱/۰۱	جزیره مجنون	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه

۱. این فهرست مربوط به شهدای توپخانه در منطقه جنوب در مدت ادامه عملیات والفجر ۸ است که به علت جابجایی گسترده بی ارتباط با عملیات نیست.

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۳۵

ردیف	نام	نشان	تاریخ شهادت	محل شهادت	درجه	یگان
۳۱	مجید	توکل	۱۳۶۵/۱۰/۱	جزیره مجنون	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۳۲	سلیمان	کاظمی محسن آبادی	۱۳۶۵/۱۰/۸	شلمچه	سرباز	لشکر ۷۷ پیاده
۳۳	محمدعلی	دریکوندی	۱۳۶۵/۱۰/۹	جنوب کشور	گروهبانیکم	لشکر ۸۱ زرهی
۳۴	علی	گرزین	۱۳۶۵/۱۱/۲	فاو	سرباز	لشکر ۲۰ پیاده
۳۵	محمدرضا	الهی چورن	۱۳۶۵/۱۱/۵	فاو	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۳۶	میرحمزه	قریشی	۱۳۶۵/۱۱/۵	فاو	سرباز	لشکر ۲۱ پیاده
۳۷	ابراهیم	صفیعی	۱۳۶۵/۱۱/۸	عین خوش	ستواندوم	لشکر ۱۶ زرهی
۳۸	میرتقی	عمادی چاشمی	۱۳۶۵/۱۱/۸	فاو	سرباز	لشکر ۳۰ پیاده
۳۹	نصرت اله	منتظری کلهودشتی	۱۳۶۵/۱۱/۸	فاو	سرباز	لشکر ۳۰ پیاده
۴۰	اکبر	رستم خانی	۱۳۶۵/۱۱/۸	فاو	سرباز	لشکر ۳۰ پیاده
۴۱	نصرت اله	بنی عامریان	۱۳۶۵/۱۲/۱	جنوب کشور	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۴۲	اسماعیل	توکل	۱۳۶۵/۱۲/۲	فاو	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۴۳	حمیدرضا	بشیری طبره	۱۳۶۵/۱۲/۳	جنوب	سرباز	گروه ۳۳ توپخانه
۴۴	جواد	خوب نسب جعفری	۱۳۶۵/۱۲/۳	شهرانی	گروهبان سوم	گروه ۵۵ توپخانه
۴۵	مرتضی	ناطق زاده	۱۳۶۵/۱۲/۳	شهرانی	گروهبانیکم	گروه ۵۵ توپخانه
۴۶	حسین	ماهینی	۱۳۶۵/۱۲/۳	شهرانی	گروهبان دوم	گروه ۵۵ توپخانه
۴۷	سیف اله	بهمنی	۱۳۶۵/۱۲/۶	جنوب	سرباز	لشکر ۵۸ تکاور
۴۸	مصیب	بی‌آزار ساروکلایی	۱۳۶۵/۱۲/۶	بیات	سرباز	لشکر ۵۸ تکاور
۴۹	بهمن	شکورزاده	۱۳۶۵/۱۲/۶	بیات	سرباز	لشکر ۵۸ تکاور
۵۰	مهرداد	اکبرنژاد	۱۳۶۵/۱۲/۶	بیات	سرباز	لشکر ۵۸ تکاور
۵۱	سیدرحمت‌اله	اسحاقی	۱۳۶۵/۱۲/۶	جنوب	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۵۲	هوشنگ	الهی	۱۳۶۵/۱۲/۷	عین خوش	ستواندوم	گروه ۵۵ توپخانه
۵۳	یعقوب علی	باقری	۱۳۶۵/۱۲/۷	جنوب	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۵۴	غلامرضا	دهشیری زاده	۱۳۶۵/۱۲/۷	جنوب	سرباز	گروه ۵۵ توپخانه
۵۵	احمد	مکرمی	۱۳۶۵/۱۲/۱	جزیره مجنون	سرباز	گروه ۲۲ توپخانه
۵۶	ابراهیم	میر باقری	۱۳۶۴/۱۱/۲۳	فاو	استوار دوم	مرآتو
۵۷	بهمن	اسماعیلی	۱۳۶۵/۰۳/۱۳	فاو	گروهبان دوم	مرآتو
۵۸	ایرج	جعفری	۱۳۶۴/۱۲/۰۴	آبادان	استوار دوم	گروه ۵۵
۵۹	مصطفی	سعیدی	۱۳۶۴/۱۱/۲۸	آبادان	استوار دوم	گروه ۲۲
۶۰	مهدی	لشکری	۱۳۶۵/۰۲/۲۶	آبادان	گروهبانیکم	گروه ۲۲

هوانیروز در عملیات والفجر ۸



مقدمه

شاید عنوان هوانیروز قهرمان را بتوان به آشکار و نه در شعار بلکه در میدان کار زار در چند فراز از نوشته‌های تحلیل گران جنگ در فاو تجسم کرد:

“تیپ زرهی از سپاه هفتم عراق که برای پاتک به منطقه وارد شده بود، مورد هدف هلی کوپترهای کبرا قرار می‌گیرد و پس از بر جای گذاشتن تلفات و خساراتی از منطقه می‌گریزد.”^۱

و یا: “... در حالی که درگیری شدت یافته است، حضور مجدد هلی کوپترهای کبرا بر فراز آسمان خستگی و کوفتگی را از بدن رزمندگان می‌زداید و خوشحالی و شادمانی به خاطر عملیات قابل توجه و مؤثر آنان، در چهره نیروها دو چندان می‌گردد، آنان به قدری مانور هلی کوپترها را موفق می‌دانند که به هر وسیله شده فرمانده عملیات را جهت تکرار صحنه ای مشابه تحت فشار می‌گذارند پیک می‌فرستند و یا از طریق بی

۱. نداف، مجید؛ نبرد فاو؛ مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، ص ۱۲۵.

سیم مکرراً درخواست پرواز مجدد هلی کوپترهای کبرا را می کنند، در همین حال حملات نیروی هوایی خودی نیز روحیه نیروها را افزایش می دهد.^۱ این نخستین باری نیست که زبان و قلم آشنایان به فعالیت های هوانیروز نا خودآگاه در وصف این یگان قدرتمند میدان های رزم مجبور به توصیف و تمجید می شوند زیرا در ایام جنگ ناخواسته هر گاه ماموریتی به هوانیروز واگذار گردید، نتیجه رضایت بخش و غرورآفرین آن پیشاپیش مشخص و تضمین شده، تلقی می گردید و این مهم بدون تردید در سایه خردمندی فرماندهان، شجاعت خلبانان، دقت نظر ناوبران، کاردانی عوامل فنی و تلاش همگانی امکان پذیر می گردید در مجموع هوانیروز آمده بود که افتخاری جاویدان بیافریند و چنین کرد و از خود نامی ماندگار بر جای گذاشت، به طوری که امروز برای ما در نقش بازگو کنندگان این حماسه آفرینها هر چه بگوئیم و بنویسیم بازهم حق مطلب را ادا نکرده و جای بیشتر گفتن و بیشتر نوشتن برای دیگران می ماند.

سازمان رزمی:

هوانیروز با تمام توان و با شرکت دادن حداقل ۸۰ فروند از انواع بالگردهای خود در عملیات والفجر ۸ شرکت نمود و توان رزمی خود را به نمایش گذاشت. برابر اسناد و مدارک موجود یگان های زیر در عملیات والفجر ۸ شرکت موثر داشته اند:

- گروه پشتیبانی عمومی اصفهان با کلیه مقدرات در پشتیبانی مستقیم از تلاش اصلی (یگان های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)
- گروه رزمی مسجد سلیمان و گروه رزمی کرمان در پشتیبانی مستقیم تلاش پشتیبانی (ارتش جمهوری اسلامی ایران)

لازم به ذکر است با توجه به این که عملیات تلاش پشتیبانی در چند روز اول عملیات به پایان رسید و خط پدافندی تثبیت گردید، بیشتر وسائل پشتیبانی آتش (توپخانه و هوانیروز، ...) با تغییر ماموریت به پشتیبانی تلاش اصلی پرداختند، لذا گروه های رزمی مسجد سلیمان و کرمان نیز با تغییر ماموریت، به پشتیبانی از تلاش اصلی مبادرت کردند.

- پایگاه تهران در احتیاط و با تقدم در منطقه تلاش اصلی.

درباره حجم وسائل پرند هوانیروز شرکت کننده در عملیات فاو معاونت هماهنگ کننده هوانیروز می گویند "آمار اولیه را می توان از مدارک استخراج کرد، اما این آمارها معمولاً قابل

استناد نیستند، زیرا با توجه به حضور دائمی فرمانده وقت هوانیروز در ستاد هدایت کننده عملیات هر شب در شور ستادی نیاز روز بعد پیش بینی و شبانه دستورات لازم به گروه‌های هوانیروز صادر می‌گردید و روز بعد وسائل پرنده مورد نیاز در منطقه حاضر می‌شد. این دستورات بیشتر شفاهی و تلفنی انجام می‌گرفت و در جایی ثبت نمی‌شد، بنابراین ممکن بود در یک روز چندین فروند اضافه و یا کسر گردد و این هم یکی از ویژگیهای خوب هوانیروز است که در اثر تحرک بالای آن به دست می‌آید.^۱

مأموریت

هوانیروز، این یگان پرصلابت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با داشتن نیروهای متخصص و فداکار در تمامی زمینه‌های جنگ فعال بود، ترابری پرسنل، حمل آذوقه، مهمات، جابجایی وسائل رزمی سنگین و سبک، پشتیبانی از نیروهای تک کننده، دفع پاتک‌های دشمن، انجام پروازهای شناسائی، تخلیه مجروح و از همه مهمتر پشتیبانی آتش موثر از جمله وظائفی بود که بر دوش پرسنل این یگان سنگینی می‌کرد. در مدارک منتشره آمده است که هوانیروز در عملیات والفجر ۸ با استفاده از کلیه تاکتیکهای رزمی و تجربه‌های کسب شده در جنگ ناخواسته، انواع مأموریت‌های متنوع پیش بینی شده برای این نیرو را با توانایی بیش از انتظار به انجام رسانده و به طور مشخص با توجه به اهمیت رعایت فریب تاکتیکی^۲ که در عملیات والفجر ۸ به عنوان موثرترین تاکتیک مورد نظر بود، هوانیروز با پروازهای فریبنده در فریب دشمن و انحراف عناصر اطلاعاتی در تشخیص تک اصلی نقش موثری ایفا نموده است که با روال عادی عملیات‌های گذشته به طور کامل متفاوت بود، صرف نظر از انواع مأموریت‌های رزمی و پشتیبانی رزمی که به طور معمول انجام گرفته است، هوانیروز در روزهای اول عملیات که یگان‌های تک و از رودخانه خروشان اروندرود گذشته بودند و هنوز پلی روی رودخانه زده نشده بود و پلهای روی رودخانه بهمنشیر نیز تخریب شده بود و ارتباط تدارکاتی آنان با عقبه قطع بود، با حمل بار خارجی بویژه سلاحهای سنگین پیاده توانست کمک چشمگیری به یگان‌های در خط بنماید.

۱. نوار مصاحبه با افسران هوانیروز.

۲. کلیه اقداماتی است که باعث گمراهی و اشتباه دشمن می‌شود.

محل استقرار هوانیروز

منطقه اصلی استقرار بالگردها و سایر نیروهای پشتیبانی هوانیروز در مناطق دارخوین، چنانه و عین خوش قرار داشت و از این مناطق برابر مأموریت‌های ابلاغی به مناطق فرعی (قرارگاه شهید سلیمان‌خاطر، قرارگاه رعد، قرارگاه خاتم‌الانبیاء، قرارگاه عقاب، قرارگاه المهدی) در قالب تیم‌های چند فروندی اعزام می‌شدند تا مأموریت‌های خود را انجام دهند.

شرح عملیات

پس از عبور شبانه نیروها از رودخانه و روشن شدن هوا، عملیات وارد مرحله تازه‌ای شد و برای ادامه کار نیروهای خط شکن با پشتیبانی آتش، نیروهای تقویتی و از همه مهمتر تجهیزات سنگین مانند توپ‌های ۱۰۶، توپ‌های پدافندی، سکوها، پرتاب موشک و... در نظر گرفته شد. بنابراین بالگردهای هوانیروز ترابری نیروها و انتقال تجهیزات سنگین از اروندرود به منطقه فاو را شروع کرده و همزمان تیم‌های آتش (بالگردهای کبرا) نیروهای دشمن را که سرسختانه مقاومت می‌کردند در هم می‌کوبیدند.

لازم به ذکر است در روزهای اول که هنوز پلی بر روی رودخانه ارونند ساخته نشده بود کلیه تجهیزات سنگین، مهمات و نیروها، به وسیله بالگردهای هوانیروز به آن طرف رودخانه منتقل می‌شد.

در همان چند ساعت اول دشمن طوری غافلگیر شده بود که یکی از فرماندهان عراقی، وضعیت نبرد را به رده بالاتر چنین گزارش می‌دهد: «دشمن (ایران) مانند سیل به وسیله قایق و بالگرد نیرو پیاده می‌کند و باز می‌گردد. اگر چاره‌ای نکنید، می‌روند ام‌القصر را هم می‌گیرند. وضعیت ما بسیار بد است.

تاکتیک هوانیروز در عملیات والفجر ۸ طوری بود که بالگردهای کبرا به سه تیم آتش تقسیم شده بودند. همیشه یک تیم در پرواز و درگیری مستقیم با دشمن، یک تیم در حال بازگشت از منطقه عملیات جهت بارگیری مجدد مهمات و یک تیم در حال رفت به سمت منطقه و اجرای آتش بر روی دشمن بود.

این تیم‌ها با استفاده از انواع راکت، موشک «تاو»، موشک «ماوریک» و توپ‌های ۲۰ میلیمتری آنچنان آتشی در منطقه عملیات بر روی دشمن گشودند که فرصت هرگونه حرکتی را از دشمن گرفته و هر پاتک عراق در همان آغاز با شکست قطعی روبرو می‌گشت. دشمن فکر نمی‌کرد نیروهای ایرانی، از منطقه فاو، عملیات والفجر ۸ را با آن سطح بالا شروع

کنند و حتی تا چند ساعت اول فرماندهان ارتش عراق گمان می کردند که تک اصلی از منطقه هورالهویزه انجام خواهد شد و حمله به فاو، حمله فریبنده و ایدایی نیروهای ایرانی است.



در نهایت با مطلع شدن دشمن از منطقه اصلی عملیات و تصرف شهر فاو به وسیله رزمندگان ایرانی، نیروهای ارتش عراق در صدد مقابله با نیروهای اسلام برآمده و اقدام به اجرای پاتک های شدید کردند که با آتش انبوه دلاوران هوانیروز، نیروی هوایی و رزمندگان هر بار با شکست مواجه می شدند.

شرح فعالیت های پایگاه های چهارگانه می تواند به ما کمک کند که بیشتر به نقش ارزنده و تعیین کننده این نیرو در عملیات والفجر ۸ پی ببریم.

(۱) پایگاه رزمی پشتیبانی اصفهان

پایگاه اصفهان که به نام پایگاه مادر خوانده می شود با دارا بودن حداکثر استعداد بالگرد و به عنوان تنها پایگاهی که بالگرد شنوک را در اختیار دارد، در عملیات والفجر ۸ با حداکثر ظرفیت بالگرد (۴۲ فروند) و بیش از ۶۰۰ نفر نیروی متخصص (خلبان، فنی) و بالاترین حجم پرواز به شرح زیر شرکت نمود:

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۴۱



استعداد نیرو بالگرد پایگاه اصفهان

ردیف	واحد اعزام کننده	نوع بالگرد	تعداد	تعداد خلبان	پرسنل فنی و ستادی
۱	گردان شنوک	شنوک	۱۲ فروند	۶۶ نفر	۶۰ نفر
۲	گردان هجومی	۲۱۴	۱۵ فروند	۳۶ نفر	۸۵ نفر
۳	گردان تک	کبرا	۹ فروند	۲۱ نفر	۷۰ نفر
۴	گردان تک	۲۰۶	۵ فروند	۱۵ نفر	۵۰ نفر
۵	یگان فسک ^۱	-	-	-	۲۵ نفر
۶	گردان —	-	-	-	۹۰ نفر
۷	یگان قرارگاه	-	-	-	۲۵ نفر

جدول فعالیت‌های پایگاه اصفهان^۱

ردیف	شرح	تعداد
۱	ساعت پرواز انجام شده	۴۳۴ ساعت پرواز در ۶۴۴ نوبت
۲	ترابری نیرو (هلی‌برن)	۱۰۵۸ نفر
۳	حمل باز (داخلی و خارجی)	۳۴ تن
۴	تخلیه مجروح	۱۴۰۰ نفر

۱. یگان فسک، تعمیرات سنگین بالگردها را انجام می‌دهد.
۲. جداول از کتاب هوانیروز در عملیات بزرگ فاو صفحات ۱۹ و ۲۷ و ۲۸ آورده شده است.

مهمات استفاده شده

ردیف	شرح	تعداد
۱	موشک تاو	۶۷ فروند
۲	موشک ماوریک	۴ فروند
۳	راکت	۸۴۱ عدد
۴	گلوله ۲۰ میلیمتری	۵۲۸۰ عدد

(۲) پایگاه هوانیروز کرمان

پایگاه کرمان با مأموریت پشتیبانی مستقیم از قرارگاه کربلا (پشتیبانی از تلاش پشتیبانی) با استعداد ۲۷ فروند انواع بالگرد (۱۲ فروند ۲۱۴، ۸ فروند کبرا، ۳ فروند ۲۰۶ و ۴ فروند شنوک) در عملیات والفجر ۸ شرکت فعال داشت.



(۳) پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان

شرکت این پایگاه در عملیات به علت نزدیکی پایگاه به جبهه جنوب برای پشتیبانی از سایر نیروهای هوانیروز مستقر در مناطق عملیاتی بود و در طول عملیات به صورت آماده در پایگاه انجام وظیفه می کردند. این پایگاه با ۲۱ فروند بالگرد (۶ فروند بالگرد کبرا، ۸ فروند بالگرد ۲۱۴، ۳ فروند بالگرد ۲۰۶ و ۴ فروند بالگرد شنوک) در این عملیات شرکت داشت.

(۴) پایگاه تهران

این پایگاه که مدیریت و فرماندهی هوانیروز را به عهده داشت با اعزام یک فروند جت فالکن و یک فروند فرندشیپ در عملیات والفجر ۸ شرکت نمود.

خلاصه شرح فعالیت‌ها

برابر آمارهای منتشره هوانیروز اقدام به جابجائی ده‌ها دستگاه خودرو جیپ حامل موشک تاو، تفنگ ۱۰۶ م.م و تفنگ ۵۷ م.م نموده است که از نظر سرعت و تعداد، رکورد جدیدی بجای گذاشته است. در این عملیات در مجموع ۳۹۳۸ ساعت پرواز در ۳۸۹۰ سورتی انجام گرفته است که در این پروازها ۲۰۵۸ نفر مجروح تخلیه گردیده و ۱۶۴۲ نفر از رزمندگان در منطقه جابه‌جا شده و ۳۳۰ تن مهمات حمل گردیده است.

جدول پیوست که خلاصه فعالیت هوانیروز را در ۱۰ روز اول عملیات منعکس می‌کند، به خوبی نشان می‌دهد این یگان تا چه اندازه فعال بوده و چه نقش تعیین کننده‌ای را در عملیات فاو ایفا کرده است. شاید همین جدول کافی باشد که بگوییم اگر تنها هوانیروز در این عملیات شرکت نداشت، هرگز موفقیت افتخار آمیز تسخیر فاو و تثبیت پیروزی‌های کسب شده در ۲۴ ساعت اول عملیات به وقوع نمی‌پیوست.

جدول خلاصه فعالیت هوانیروز از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۱/۳۰

نوع مأموریت	تعداد سورتی	ساعت پرواز	فعالیت انجام شده
پشتیبانی آتش	۲۵۴	۱۹۳/۵۰ س	دفع پاتک‌های دشمن
تخلیه مجروح	۴۶۶	۳۴۷/۴۵	تخلیه ۱۵۷۰ نفر
حمل بار و نفرات	۱۲۰	۸۲	۱۲۰۰ نفر ۳۸ تن بار
متفرقه	۴۲	۱۴۰	۳۸۵ نفر
جمع	۸۷۲	۷۷۳/۳۵	—

نقش هوانیروز (به روایت تاریخ شفاهی و اسناد)^۱



شنیدن فرازهایی از زبان خلبانان درگیر در خط مقدم جبهه یا نقل تحلیل‌های نظامی بوسیله صاحب نظران به ما کمک می‌کند تا بیشتر در جریان فعالیت‌های انجام شده بوسیله این یگان پر صلابت و توانای نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ قرار گیریم و گوشه‌های دیگری از تلاش برای رسیدن به موفقیت قطعی در این عملیات را بیان کنیم.

نویسندگان و تحلیل‌گران در کتاب فاو تا شلمچه می‌نویسند:
قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوائی عملیات را به عهده داشت و برادران هوانیروز نقش برجسته‌ای در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می‌کردند.^۲

و یا در بخش پیشروی خودی، (انهدام دشمن) از کتاب نبرد فاو که وقایع جنگ در فاو را لحظه به لحظه منعکس می‌کند آمده است:

۱. آنچه در این قسمت بیان می‌گردد، از طریق گروه معارف جنگ هوانیروز ارسال شده است که نشان دهنده فعالیت و ایثارگری پرسنل نیروی زمینی می‌باشد. لازم به ذکر است نویسنده هیچ گونه دخل و تصرفی در بیان خاطرات نداشته است.

۲. از فاو تا شلمچه؛ ص ۱۹.

در اوج درگیری، در ساعت ۰۹۰۰ صبح دو فروند هلی کوپتر خودی در صحنه حضور می‌یابند و با فریادهای الله اکبر رزمندگان مورد استقبال قرار می‌گیرند. حضور به موقع آنها روحیه خسته ولی امیدوار نیروهای خودی را تازه می‌کند. جاده آسفالت‌ه البحار در یک لحظه راکت باران می‌شود و نیروهای عراقی حتی آنان که دور از منطقه درگیری در سنگرهای فرماندهی و پشتیبانی صحنه را نظارت می‌کنند، از آتش رعب انگیز کبراها در امان نمی‌مانند. خلبانان هلی کوپترها با شجاعت خاصی روی سر دشمن ظاهر گردیده و با مانورهای بسیار عالی، تانکها و توپهای دشمن را مورد هدف قرار می‌دهند.

سرتیپ ۲ خلبان رحمان قضاات که در تمام صحنه‌های جنگ تحمیلی، حضور فعال داشته و هم اکنون (۱۳۸۲) در پست معاونت هماهنگ کننده هوانیروز می‌باشد، درباره فعالیت هوانیروز چنین اظهار نظر می‌کند:

“ گرچه در تمام عملیات‌ها شرکت موثر داشته‌ایم، اما از نظر حجم وسایل پرنده، عملیات والفجر ۸ ویژگی خاص خود را دارد، من با درجه سروانی به عنوان لیدر پرواز در این عملیات شرکت داشته و از ۴۸ ساعت قبل در منطقه دارخوین مستقر شدیم و از طریق زمین شناساییهای خود را تا ساحل اروندرود آغاز کردیم، انواع بالگردهای کبرا، ۲۱۴ و شنوک از پایگاههای اصفهان، کرمان، مسجد سلیمان و تهران شرکت داشتند، مأموریت پایگاه اصفهان پشتیبانی از سپاه پاسداران و پایگاههای کرمان و مسجد سلیمان در پشتیبانی از قرارگاه کربلای ارتش و پایگاه تهران به عنوان احتیاط عمل میکرد. در این عملیات انواع مأموریت‌های پشتیبانی آتش، نجات، حمل مجروح، جابجاییهای پرسنل و تجهیزات و شناسایی هوایی در حد مطلوب و با برنامه‌ریزی صحیح انجام گرفت و اضافه بر تیم‌های پروازی - تیمهای تعمیراتی و پشتیبانی و ستاد فرماندهی شرکت داشتند که در این حجم قبل از این تقریباً بی سابقه بود.

عملیات شبانه شروع و یگان‌ها از رودخانه خروشان اروند با موفقیت عبور و ساحل غربی به تصرف در آمد، اما با روشن شدن هوا و نیاز یگان‌های تک ور به انواع پشتیبانی‌ها، و کمبود امکانات حمل و نقل روی آب، مأموریت هوانیروز با حساسیت خاصی ابلاغ گردید، ضمن اینکه تیمهای آتش به وظیفه خود در حد گسترده عمل می‌کردند، کمبود تجهیزات سنگین و لزوم تدارکات ایجاب می‌کرد مأموریت اسلینگ

(حمل بار خارجی) برای جابجایی انواع سلاح‌های ضد تانک، (تفنگ ۱۰۶ م.م و تفنگ ۵۷ م.م) انجام گیرد که هوانیروز از این جهت، رکورد جدیدی از نظر تعداد پرواز و سرعت عمل به‌دست آورد، با شروع پاتک‌های عراق و بمبارانهای هوایی تخلیه مجروح و جابجائی‌های سریع پرسنل و تدارکات نیز شدت یافت. تا جایی که با آمار می‌توان ادعا کرد که در چند روز اول عملیات که هنوز روی ارون‌د پلی وجود نداشت، هوانیروز و قایق ۸۰٪ از تدارک مورد نظر را جابجا کردند، اگر اغراق نکرده باشم هوانیروز مانند تاکسی تلفنی عمل می‌کرد. آنهم در شرایطی که تقریباً برتری هوایی با دشمن بود، کار ساده ای نبود و فقط با قبول خطر و روحیه شهادت طلبی و عزم راسخ برای پیروزی امکان پذیر بود، که چنین صفاتی در خلبانان رشید هوانیروز وجود داشت.

بدون تردید و جدای از این که من یک خلبان هوانیروز هستم، اگر هوانیروز نبود و چنین آماد رسانی گسترده ای انجام نمی گرفت و تیمهای آتش کبرا نقش خود را در پشتیبانی آتش ایفا نمی‌کردند، عملیات به نتیجه افتخار آمیز نمی رسید، زیرا عقبه خودی قطع شده بود و حتی پلهای روی رودخانه بهمنشیر هم به وسیله هواپیماهای عراقی تخریب شده بودند، یگان‌های تک و ر عموماً پیاده و با تجهیزات سبک بودند و پاتک‌های سنگین دشمن هم آغاز شده بود و هیچگونه تانک یا سلاح‌های ضد تانک موثری هم در ساحل غربی وجود نداشت در نتیجه آنچه می‌ماند، حرکت از راه هوا و سرعت عمل است که تنها در امکانات هوانیروز است.

سرهنگ سلطانی‌نیا، یکی دیگر از خلبانان هوانیروز که در عملیات والفجر ۸ شرکت مؤثر داشته است می‌گوید:

در آن هنگام (بهمن ماه) در سال ۶۴ که در قرارگاه بودیم، دو مورد شنود را که از نظر اطلاعاتی اهمیت داشت برای پرسنل تشریح و معرفی کردند که مورد اول گفته یکی از فرماندهان عراقی در مورد حمله ایرانیها بود که یک هفته قبل از عملیات والفجر ۸ ایراد شده بود، او با اطمینان گفته بود که "عبور از ارون‌د بسیار مشکل و حداقل کار ایرانیها نیست"، اما مورد بعد این بود که یگان‌های مأمور پاتک برای پس گیری فاو در توجیه عدم موفقیت خود گزارش کرده بودند: "به علت فعالیت بیش از حد هلیکوپترهای دشمن (ایران) قادر به گرفتن آرایش برای انجام پاتک نیستیم."

در مورد گفته اول، بر خلاف اظهارات آن فرمانده عراقی رزمندگان اسلام با رعایت اصل غافلگیری و بارشادت تمام از ارون‌د رود گذشتند و سر پلی را اشغال کردند، اقدام بعد گسترش سرپل و یا حداقل حفظ سر پل بدست آمده بود، که بدلیل شرائط ویژه و

امکانات محدود کاری بس دشوار بود اگر امکانات محدود و موجود هم به سرعت به دست رزمندگان نمی‌رسید موفقیت‌های اولیه از کف می‌رفت. همان طوری که امیر قضات گفتند استفاده از امکانات هوانیروز تنها چاره کار بود که خوشبختانه هوانیروز با صلابت تمام آماده خدمات رسانی بود که من به عنوان یک خلبان بالگرد ۲۱۴ شاهد قبول خطر و نادیده گرفتن محدودیت‌ها به وسیله خلبانان بودم. ما انواع سلاح‌های سنگین مانند جیپ یا موشک تاو و تفنگ ۱۰۶ و تفنگ ۵۷ را به آن طرف رودخانه بردیم تا سایر راه‌های ارتباطی برقرار گردید و دیگر سلاح‌های سنگین به کمک یگان‌های تک‌ور آمدند والحمدلله شاهد موفقیت در عملیات شدیم.^۱

یکی از خلبانان غیرتمند بر فعالیت چشمگیر و فراگیر هوانیروز مُهر تأیید می‌گذارد. او می‌گوید:

از گروه کرمان با بالگرد ۲۱۴ به عملیات فاو اعزام شدم. در داخل جزیره آبادان در کنار سایر همکاران استقرار یافتیم.

در روز اول عملیات، مأموریت یافتیم تجهیزات را به ساحل غربی اروندرود حمل کنیم. من قبل از این عملیات گرچه آموزش حمل بار خارجی را دیده بودم اما هیچگاه عمل نکرده بودم. برای اولین بار یک دستگاه جیپ همراه با موشک تاو را جابجا کردم و این تجربه اول را طوری انجام دادم که در هیچ آیین نامه ای نوشته نشده بود، من آنقدر به زمین نزدیک بودم که چرخ‌های جیپ روی آب رودخانه اروند تماس داشت و در همان روز اول این کار را در چند نوبت با موفقیت و اعتماد به نفس به سرانجام رساندم و در هر مورد پس از پیاده کردن خدمه و بلند شدن ملاحظه می‌کردم که جیپ حامل جنگ افزار برای انجام مأموریت بحرکت در می‌آمد و این باعث می‌شد تا در من یک نوع در خود احساس شعف و سربلندی بوجود آید. در یک مورد، خدمه یکی از موشک‌های تاو را دیدم که بلافاصله درگیر یک تانک عراقی شده با شلیک مؤثر تانک را به آتش کشید. پرواز در ارتفاع پست از یک طرف خطر برخورد با موانع را داشت اما از طرف دیگر تارسیدن به هدف خلبان در دید قرار نمی‌گیرد و درگیر هواپیماهای دشمن نمی‌شود. اگر تمام مأموریت‌های گذشته را ورق بزنیم در هیچ عملیاتی به اندازه والفجر ۸، هوانیروز مجبور به حمل بار خارجی نشده بود و یا در شرایط نامساعد پرواز نداشته است، در این عملیات با توجه به ویژگی خاص آن تمام استانداردها را کنار گذاشت و با

هدف اجرای مأموریت به هر قیمت وارد کارزار شده و از یگان‌های در خط پشتیبانی کرد همین موضوع سبب گردید که پاتک‌های مکرر دشمن به شکست بیانجامد و تصرف فاو مقدور شود.

یکی از خصوصیات بارز این عملیات اصل غافل‌گیری آن بود. به صورتی که تا شب عملیات اکثر نیروهای خودی هم از شروع و ساعت آن بی اطلاع بودند.

سرهنگ حسین وکیلی یکی از خلبانان کبرا عنوان می‌نماید:

قبل از عملیات خلبانان از راه زمین و با حضور در دیدگاه‌ها، مناطق عملیاتی (فاو) را شناسایی و محورهای پروازی را مشخص نمودند و در یکی از این شناسایی‌ها که با حضور برادر رحیم صفوی انجام می‌گرفت پس از بازدید از منطقه عملیاتی جهت توجیه نقشه در سوله‌ای وارد شدیم و پس از توجیه کامل زمانی که از آن محل بیرون آمدیم تقریباً هوا تاریک شده بود و در این لحظه، برادر صفوی من را صدا کرد و آهسته گفت: که وقتی به مقر هوانیروز رسیدید به سرهنگ محمد انصاری (فرمانده پایگاه) بگو که خلبانان کبرا برای فردا صبح جهت مقابله با پاتک‌های دشمن آماده باشند.

ما که فکر می‌کردیم این عملیات حداقل در چند روز آینده انجام می‌گیرد، از این خبر بسیار شوکه و مجبور شدیم آن شب به کمک پرسنل فنی برویم و تا صبح بالگردهای کبرا را مهمات‌گیری نماییم تا اول صبح آن‌ها آماده پرواز باشند.

با روشنایی صبح تیم‌های آتش هوانیروز وارد صحنه عملیات گردیده و به کمک نیروهای زمینی شتافته و با هدف قرار دادن تانک‌های دشمن، پاتک‌های سنگین آن‌ها را متوقف می‌نمودند، خلبانان کبرا در طول عملیات و با حضور در بالای سر نیروهای رزمنده ضمن تقویت روحیه آن‌ها نقش به سزایی را در توقف و انهدام نیروهای دشمن داشتند. نبرد آن‌ها با تانک‌های گارد ریاست جمهوری عراق و در اطراف کارخانه نمک که با هدایت شخص صدام انجام می‌گرفت واقعاً نبردی نفس‌گیر و در جلوگیری از پیشروی دشمن بسیار مؤثر بوده است.

استفاده از موشک‌های ماوریک که توسط بالگردهای کبرا شلیک می‌گردید، یکی دیگر از نکات بارز هوانیروز در این عملیات بوده است. خلبانان کبرا، بارها با شلیک این موشک به اهداف و مراکز تجمع نیروهای دشمن در مسیر جاده فاو تا دریاچه نمک باعث انهدام و سر درگمی دشمن و سهولت در امر پیشروی نیروهای ودی را داشته است.

از طرفی دشمن با استقرار شناورهای خود در آب‌های خور عبدالله و متکی به جزیره بویان کویت سعی می‌نمود که جناح غربی نیروهای اسلام را همواره مورد تهدید قرار دهد و با شلیک از راه دور ضرباتی را وارد نماید لذا یکی از مأموریت‌های هوانیروز مقابله با این شناورها بوده است که به محض رویت آن‌ها بالگردهای کبرا با پرواز بر روی آب‌های خور عبدالله با شلیک‌های خود آن‌ها را هدف قرار می‌دادند.

سرهنگ بازنشسته خلبان اژدر نظری می‌گوید:

۳ روز متوالی گوش به زنگ و منتظر فرصت بودیم تا اینکه در روز چهارم هیکل غول آسای شناور بزرگی را در اطراف جزیره بویان مشاهده نمودیم و با پرواز به سمت آن و شلیک یک موشک ماوریک، پس از چند ثانیه کوهی از آتش و دود و تکه‌های شناور به آسمان پرتاب شد و به دنبال آن انفجارهای پی‌درپی و شدیدی ملاحظه نمودیم. از مواردی که پرواز بالگردهای ۲۱۴ را با مشکل مواجه ساخته بود اسلینگ و حمل تجهیزات به صورت بار خارجی بود. زیرا حجم زیاد بعضی از این تجهیزات مثل (جیب و تفنگ ۱۰۶ مربوطه) باعث برهم خوردن تعادل بالگرد در حین پرواز می‌گردید و چنانچه پرواز دقیقی انجام نمی‌گرفت سقوط بالگرد حتمی بود. آتش سنگین توپخانه و حضور هواپیماهای دشمن در این لحظات هم مزید بر علت و کار را برای خلبانان بسیار مشکل ساخته بود.

حضور مسئولین به خصوص فرمانده گردان بالگردهای ۲۱۴ (امیر سرتیپ دوم بازنشسته خلبان علیرضا فیروزان) در بین خلبانان جمعی خود و پرواز با آن‌ها در این لحظات حساس باعث تقویت روحیه و افزایش جسارت آن‌ها برای انجام این پروازهای سخت گردیده بود به صورتی که آن‌ها بدون هیچ مشکلی به خوبی این تجهیزات را اسلینگ و در منطقه فاو پیاده می‌نمودند.

از دیگر اتفاقات مهم این عملیات سقوط یک فروند هواپیمای جنگی دشمن توسط خلبانان هوانیروز بود. هر چند بالگرد کبرا با توجه به مأموریتی که برای این وسیله تعریف گردیده نبایستی با هواپیماهای جنگی مقابله نماید ولی در ارتش جمهوری اسلامی ایران، هدایت این وسیله در طول هشت سال دفاع مقدس را خلبانانی بر عهده داشتند که خیلی از معیارها و معادلات جهانی پرواز را بر هم زده بودند و با شهامت و جسارتی که از خود نشان می‌دادند هیچ سلاحی حتی هواپیماهای جنگی دشمن در منطقه از خشم آن‌ها در امان نبودند.

سرهنگ بازنشسته خلبان جهانگیر کاووسی می‌گوید:

من در این عملیات افسر رابط و در کنار دریاچه نمک بودم و صحنه هدف قرار گرفتن و سرنگونی آن هواپیما را به اتفاق درجه‌دار مخابراتم از روی زمین کاملاً مشاهده نمودیم. در آن لحظه نیروهای دیگر هم شاهد این اتفاق بودند. هواپیما به وسیله آتش پر حجم سه فروند بالگرد کبرای هوانیروز که در حال عملیات بودند مورد اصابت قرار گرفته و سرنگون شد. در آن عملیات من شاهد سرنگونی دو فروند از بالگردهای عراق هم بودم.

به عنوان نمونه خلبان حسن خدابنده‌لو که خود از نزدیک دستی بر آتش جنگ داشته است می‌گوید:

عجیب ترین واقعه در تاریخ جنگ که از همان مقطع جنگ (عملیات والفجر ۸)، جهانیان را به شگفتی فرو برد، انهدام یک فروند هواپیمای میراث ۲۰۰۰ توسط یکی از خلبانان هوانیروز است که متأسفانه هیچ وقت آن طور که شایسته است به این حماسه بزرگ که چگونه یک فروند بالگرد کبرا توانسته است یک فروند جنگنده عراقی را نابود سازد، پرداخته نشد^۱.

در روزنامه کیهان شماره ۱۲۹۷۳ مورخه دوشنبه ۱۳۶۴/۱۱/۲۸ آمده است:

"نخستین هفته نبردی گسترده در جنوب خاک عراق را در حالی پشت سر می‌گذاریم که نیروهای اسلام در راه رسیدن به آخرین بندر عراق در خلیج فارس هستند. این پیشروی با حملات وسیع، بی سابقه و سنگین جنگنده‌ها و بالگردهای هوانیروز و هواناو ایران توأم شده است. طی نبردهای روز گذشته جنگنده‌ها و بالگردهای ایران هم‌زمان با پیشروی نیروهای اسلام در محور استراتژیک فاو - ام‌القصر، تیپ‌های پیاده و زرهی دشمن را زیر آتش گرفتند."

بالگردهای هوانیروز ایران طی روز گذشته به شکار تانک‌ها و واحدهای زرهی و پیاده عراقی در امتداد جاده فاو - ام‌القصر پرداختند. از جمله یک یگان از نیروهای زرهی سپاه هفتم عراق که برای انجام پاتک وارد عملیات شده بود، مورد تعقیب بالگردهای توپ‌دار هوانیروز قرار گرفت و چندین دستگاه تانک پیشرفته تی-۷۲ به هنگام فرار مورد هدف قرار گرفت و نابود شد.

بخشی از عملیات بالگردهای هوانیروز با هماهنگی جنگنده‌های نیروی هوایی صورت گرفت و شمار قابل توجهی از مواضع، تجهیزات و نفرات عراقی بر اثر این حملات از بین رفت.

پیشروی چندین کیلومتری نیروهای اسلام در جاده فاو - ام‌القصر با بمباران مواضع عراق در این مسیر توسط هواپیماها و بالگردهای ایران سرعت بیشتری گرفته است.. ارتش عراق در سه پاتک سنگین در شمال فاو ده‌ها تن دیگر از نفرات و شمار قابل توجهی از تجهیزات هود را از دست داد. در جریان این پاتک‌ها که طی روز گذشته انجام شد یک فروند دیگر از جنگنده‌های ارتش عراق و یک فروند بالگرد «سوپر فرستون» سرنگون شد. به این ترتیب مجموع هواپیماهای ساقط شده ارتش عراق در طول عملیات به سه فروند رسید. در همین حال خلبانان هوانیروز مواضع و تجهیزات دشمن را به آتش کشیدند.

بالگرد هوانیروز یک فروند بالگرد عراقی را شکار کرد: یک فروند بالگرد عراقی در یک نبرد هوایی کم‌نظیر توسط بالگرد هوانیروز ایران شکار شد. یک فرمانده هوانیروز در پی این حادثه اعلام کرد: چنین درگیری مستقیم بالگردها از موارد نادر است که در جنگ اتفاق می‌افتد و اتخاذ تاکتیک ویژه و به موقع، خلبان بالگرد را قادر می‌سازد تا بالگرد دیگر را شکار کند. وی مهارت خلبانان هوانیروز را در دنیای بی‌نظیر توصیف کرد. با سقوط این بالگرد شمار بالگردهای ساقط شده عراق در طول عملیات والفجر ۸ به چهار فروند رسید. لازم به یادآوری است که این پنجمین بالگرد عراقی است که از ابتدای جنگ تحمیلی تا کنون توسط بالگردهای هوانیروز سرنگون شده است.

سرهنگ فنی هوایی حسینعلی جمشیدی:

در عملیات والفجر ۸ ما در نقاطی با نام‌های (عقاب، مهدی) در جاده جراحی مستقر بودیم. نقطه عقاب در نزدیک بیمارستان الزهرا قرار داشت و نقطه مهدی مسافتی جلوتر بود. این دو نقطه گذشته از اعزام تیمهای پروازی به مأموریت، محلی نیز برای گردهمایی خلبانان و نیروهای فنی برای گرفتن خط‌مشی و توجیهات شده بود که بیشتر از نقطه عقاب استفاده می‌شد.

نیروهای هوانیروز با سابقه‌ای که از بمباران هواپیماهای دشمن در منطقه داشتند با گذشت چند روز از این جمع شدن روزانه، به فرمانده عملیات وقت گاه و بیگاه هشدار جابجایی عقاب را می‌دادند. اما فرمانده با گفتن (فعلاً زود است) از اقدام به این کار خودداری می‌کرد.

در عصر پنجمین روز مأموریت، فرمانده عملیات هوانیروز در یک بازدید کوتاه عنوان نمود (این نقطه فردا باید تخلیه شود). پس از گفتن این جمله به سوی دارخوین پرواز کرد.

دستور تخلیه عقاب شبانه به ما ابلاغ شد. صبح زود تیم مستقر در عقاب شروع به جابجایی بالگردها و دیگر وسایل و نیروهای فنی نمود. این کار تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر طول کشید. آخرین بالگرد باقیمانده در حال استارت بود که یکباره سر و کله هواپیماهای دشمن پیدا شد و شروع به بمباران کردند.

بمباران به حدی پر حجم و شدید بود که پس از خاتمه وقتی از نقطه عقاب بازدید کردیم حتی کوچکترین آثاری از سوله‌هایی که در آنها اسکان داشتیم، وجود نداشت. وجود بی‌شماری از بمبهای خوشه‌ای عمل نکرده در کنار آثار به جا مانده از بمباران به ما تلنگرمی زد که اگر اقدام به تخلیه نکرده بودیم، فاجعه عظیمی را باید متحمل می‌شدیم.

سرهنک خلبان محمد چوب‌بندی (خلبان بالگرد شنوک)

در هشتمین روز عملیات فاو با یک فروند بالگرد شنوک از منطقه دارخوین به سوی نقطه المهدی برای حمل بار خارجی در حال پرواز بودم. هم‌پروازم در آن مأموریت، خلبان احمد منوچهری‌فر بود. پس از فرود در نقطه المهدی مشاهده کردیم که مسئولان هوانیروز و سپاه نیز حضور دارند.

با مشاهده محموله، که یک دستگاه سکوی پرتاب موشک با حجم و وزن سنگین بود که می‌بایست به آن طرف اروند (فاو) حمل شود، احساس کردیم که انجام این مأموریت با توجه به بزرگی شنوک و سکو، و وجود هواپیماهای متعدد دشمن و توپخانه امکان‌پذیر نبوده و صد در صد هدف قرار خواهیم گرفت.

موضوع را با مسئولان در میان گذاشتیم، پی‌به‌وخامت انجام کار بردند و با شور و مشورت عنوان نمودند «فعلاً به منطقه دارخوین باز گردید تا برای این مسئله راه حلی پیدا کرده و شما را با خبر سازیم».

همان لحظه ما به سوی دارخوین پرواز کردیم. در حین پرواز وقتی به نقطه عقاب رسیدیم، نیروهای هوانیروز را مشاهده کردیم که با اشاره دست سعی داشتند تا مطلبی را به ما بفهمانند. با اشاره‌های آنها فکر کردیم که در بالا و اطرافمان هواپیماهای دشمن قرار دارند و آنها به ما هشدار می‌دهند که مواظب باشیم. امنیت و دقت پرواز را بیشتر کردیم و بسوی دارخوین مسیر را ادامه دادیم. نزدیک دارخوین که رسیدیم دود زیادی را مشاهده کردیم که از نقطه استقرار هوانیروز و واحدهای اطرافش به هوا بلند است.

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۵۳

من نگران به منوچهری فر گفتم: «احمد نکند که بچه‌ها را زده باشند». احمد نگران‌تر از من گفت:

«خدا به فریاد برسد فکر میکنم اتفاقی افتاده»

با دیدن وضعیت هر چه سعی در تماس گرفتیم موفق نشدیم. در یک دو راهی مستاصل مانده بودیم که بازگردیم و یا فرود بیاییم.

در نهایت با فکر اینکه شاید تعدادی از نیروها مجروح و نیاز به کمک دارند فرود آمدیم. با فرود ما چند نفری به سویمان دویدند و گفتند: دو دقیقه قبل از رسیدن شما، هواپیماهای عراقی اینجا را بمباران کردند و خلبان صحتی یک چشمش در اثر ترکش آسیب دید. در اثر آن بمباران مسجد، سوله‌های اسکان نیروها و تعدادی از اتاقهای پیش ساخته هم منهدم شده بودند. نقطه عطف این بمباران این بود که به هیچ یک از بالگردهای هوانیروز که بصورت پراکنده استتار شده بودند حتی یک ترکش اصابت نکرده بود. تنها مجروح هوانیروز هم در آن بمباران خلبان صحتی بود که توسط بالگرد ۲۱۴ (نجات) به بیمارستان اهواز تخلیه گردید. فردای همان روز عملیات ترابری سکوی موشک نیز توسط بالگردهای ۲۱۴ انجام شد.



سرهنگ خلبان علیرضا حق‌شناس (خلبان بالگرد کبرا)

یکی از زیباترین و پر حادثه‌ترین عملیاتی که برای من بیشترین صحنه‌ها را آفرید عملیات والفجر ۸ بود. در آن عملیات غرورآفرین که مشترک با سپاه پاسداران انجام شد توانستیم شهر فاو را تصرف کنیم. وسعت منطقه عملیات بسیار وسیع بود و ما توانستیم از تمام امکانات و وسایل پرنده‌ای که در اختیار داشتیم به نحو شایسته استفاده کنیم.

در عملیات والفجر ۸ از وجود بالگردهای کبرا برای پشتیبانی آتش سنگین، از بالگردهای ۲۱۴ و شنوک برای ترابری تجهیزات و هلی برن نیروها و تخلیه مجروح، و از بالگردهای ۲۰۶ برای شناسایی دشمن استفاده گردید که در هر سه مورد موفق بودیم. در مقابله با موفقیت ما، دشمن نیز سنگین ترین فعالیت را برای هواپیماهای اختصاص داده بود. حجم زیاد پرواز، بمبارانهای پی در پی و تعقیب و گریز با بالگردهای ما از نکات پر حادثه والفجر ۸ می باشد. به عنوان نمونه در یکی از پروازها بیش از یک ساعت چند هواپیمای جنگنده دشمن از صحرای جفیر تا دارخوین و انتهای آبادان در تعقیب ما بودند که با ترفند و مانور از رگبار و موشکهای آنها جان به در بردیم. در همان عملیات بود که یک فروند از جنگنده های مدرن دشمن به وسیله بالگردهای کبرا سرنگون شد و این در تاریخ جنگ بی سابقه است.

نکته دیگر عملکرد هوانیروز در عملیات والفجر ۸ در کنار هلی برن، تخلیه مجروحان با بالگردهای ۲۱۴ و شنوک بود که در سریع ترین زمان ممکن از مناطقی با نام باغچه های ۱ الی ۹ انجام می گرفت.

پس از خاتمه جنگ، به کرات اتفاق افتاده است که در ملاقاتهای حضوری و یا با تلفن با من تماس گرفته اند که من نجات یافته هوانیروز در عملیات والفجر ۸ هستم، در حالی که حتی این اشخاص را نمی شناسیم.



سرهنک خلبان بهرام کاظمی (خلبان بالگرد شنوک)

عملیات والفجر ۸ در جنوب آبادان انجام شد. در آن عملیات تیمهای هوانیروز در مناطق مختلفی مثل (دارخوین - چنانه - عین خوش - جراحی - اهواز - باغچه‌های یک الی ۹) مستقر بودند.

محل استقرار ما با (۲ فروند بالگرد شنوک - ۲ فروند ۲۱۴ - ۴ فروند کبرا) در بیمارستان علی بن ابی طالب بود. وظیفه ما روزها حمل و ترابری نیرو و مهمات و آذوقه به جنوب آبادان و در بازگشت تخلیه مجروحان و شهدا به بیمارستان الزهرا و دیگر بیمارستانهای شهرهای اهواز و دزفول و ... بود.

در کنار این اقدامات در منطقه چوبیده آبادان هم عملیات انجام می دادیم. در آن منطقه آب همه جا را گرفته بود. شبها با (جزر) بالا می آمد و روزها با (مد) پائین می رفت. دیدبانهای دشمن پروازهای ما را به علت وجود دشت صاف بدون استثنای دیدند. هیچ گونه تپه ماهوری وجود نداشت و هر چند هم در سطح پایین پرواز می کردیم باز هم از دید آنها مخفی نمی ماندیم. شروع پرواز ما در صبح مصادف با گزارش دیدبانهای دشمن و فعال شدن توپخانه آنها بود، ولی چون منطقه هم آب و لجن بود انفجار توپ و گلوله‌ها فقط موجب پراکندن آب و لجن می شد و خوشبختانه ترکش‌ها جذب زمین می گردید.

در عملیات والفجر ۸ بیشترین حجم پرواز تیم ما در تخلیه مجروح بود. مجروحان و شهدا را از خط مقدم به عقب می آوردند و مجروحان پس از درمانهای اولیه در بیمارستان علی ابن ابی طالب، توسط بالگردهای ما به بیمارستان بقایی در اهواز و دیگر بیمارستانها ترابری می شدند.

یکی از روزها که در حین اجرای مأموریت بودیم اطلاع دادند که بیمارستان الزهرا هدف بمباران شیمیایی واقع شده و تعدادی از نیروها و مجروحان شیمیایی شده‌اند. با وجود اینکه ماسک همراه نداشتیم سریع خود را به بیمارستان رساندیم. می دانستیم که الزهرا بخش شیمیایی ندارد و اگر دیر برسیم فاجعه به بار می آید. مجروحان زیاد بودند و درنگ جایز نبود. تا پاسی بعد از غروب در پروازهای متعدد مجروحان را تخلیه کردیم. شب همان روز این بلا به سر خود ما هم نازل شد. در سنگر بودیم که با انفجار شدیدی بیرون آمدیم. با استشمام بو فهمیدیم که بمباران شیمیایی بوده است. آن شب من و تعدادی از نیروهای هوانیروز نیز شیمیایی شدیم. در مجموع در عملیات والفجر ۸ هوانیروز بسیار موفق عمل کرد.



سرهنگ خلبان علی علینقی پور (خلبان بالگرد ۲۱۴)

من یک عکس در آلبوم دارم که در آن ۸ نفر شهید وجود دارد. خلبان نصیر رادفر، خلبان محرم‌نژاد، خلبان عین علی طلب و چند نفر از نیروهای فنی هوانیروز که همه در جنگ شهید شده‌اند. هر وقت به آن عکس نگاه می‌کنم فقط می‌گویم خدا بیامرزدشان و آلبوم را بی حوصله می‌بندم.

از پایگاه هوانیروز تهران پرواز کردم تا در عملیات فاو شرکت کنم. همراه بالگرد من چندین بالگرد هم بودند. در پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان تجدید سوخت کردیم و خود را به خسروآباد آبادان رساندیم. در آن عملیات من بیش از ۸۰ ساعت پرواز تخلیه مجروح و کمک رسانی داشتم. باسبم تاول زده بود و از سوزش تاولها در موقع نشستن روی صندلی بالگرد فریادم به آسمان می‌رفت. می‌خواستم پرواز نکنم اما با دیدن وضعیت مجروحان دوباره نیرو می‌گرفتم و بخودم می‌گفتم درد تو از درد آنها بیشتر نیست.

من در یکی از نقاط تخلیه مجروح به نام (باغچه ۵) اقدام به تخلیه مجروحان و شهدا به بیمارستانهای ماهشهر و اهواز می‌کردم. آنقدر در آن منطقه پرواز کرده بودم که وقتی نزدیک ماهشهر با برج فرودگاه تماس می‌گرفتم می‌گفتند: «علی جان خودتی؟ بیا بشین اشکالی نیست».

در منطقه فاو، هوانیروز از جان مایه گذاشت. با خطراتی که ما در فاو مواجه بودیم دل شیر می‌خواست که طاقت بیاورد. خلبانهای هوانیروز در زیر آن بمبارانهای شدید دشمن و آتش سنگین توپخانه واقعاً جگر شیر داشتند. خلبان اسماعیل صحتی در آن

عملیات یک چشمش را از دست داد. عبدالله نجفی غوغا کرد. امثال خلبان قضا و دیگر خلبانان امان نیروهای دشمن را بریده بودند. دشمن تانکهایش را به صورت خط (دشتبان) چیده بود. خلبان صحتی فریاد می زد: (علی هوای منو داری؟) و شیرجه می زد به قلب تانکها و توپ و ضد هواپیهای دشمن که من نفسم می گرفت. وقتی آرایش آنها را به هم میزد و از آن طرف بیرون می آمد پشت سرش انفجار و دود و آتش تانکهای سوخته بود که به هوا می رفت.

سرهنگ خلبان نادر پابیز (خلبان بالگرد ۲۱۴)

در عملیات والفجر ۸ تیمهایی از هوانیروز در مناطق چنانه و عین خوش مستقر بودند. این تیمها شامل نیروهای فنی پروازی و بالگردهای مختلف (شنوک - ۲۱۴ - ۲۰۶ - کبرا) می شدند که وظیفه داشتند ضمن اجرای آتش و درگیری با دشمن نسبت به تخلیه مجروحان و شهدا، تدارکات نیروی انسانی و مهمات و آذوقه رزمندگان را هم به مناطق عملیاتی برسانند.

در یکی از روزهای عملیات از تیم ما که در چنانه مستقر بود، برای تخلیه مجروحان فاو کمک خواستند. در آن روز هم پرواز من خلبان عطاءالله شادمان بود. وظیفه ما پرواز از چنانه به فکه و حمل مجروحان به پایگاه دزفول و بیمارستان شهید کلانتری بود. مجروحان ضربه مغزی را هم می بایست به بیمارستان اهواز منتقل می کردیم.

در آن روز هوا بارانی بود عراق اقدام به حمله از طریق فکه کرده بود. ما هم در حالی که باران به شدت می بارید و ابر و مه غلیظی منطقه را گرفته بود به پرواز در آمدیم. در آن مناطق آنقدر پرواز کرده بودیم که این جور مسائل مشکل خاصی برایمان به وجود نمی آوردند.

تخلیه مجروحان سه روز ادامه پیدا کرد. در آن مدت از صبح تا غروب آنچنان خلبان و کادر فنی درگیر تخلیه و کار بودند که فرصت سر خاراندن نداشتند. مشکل ما بیشتر وجود هواپیماهای دشمن بودند که در مسیر رفت و برگشت موی دماغمان می شدند. بمباران آنها بی وقفه ادامه داشت و ما هم نترس به کارمان ادامه می دادیم. اما در کنار آن بمبارانها سه فروند هواپیمای دشمن هم بودند که صبح و عصر سر ساعت معین می آمدند و بمباران می کردند و ضربه می زدند و می رفتند. بیشتر از همه عملیات این سه فروند بود که بد داغی روی دل ما گذاشته بودند و هیچ وقت هم هدف واقع نمی شدند. عصر روز سوم خسته و کوفته از عملیات و تخلیه به عین خوش بازگشتم و هلیکوپتر را در گوشواره ای فرود آوردم. موتور را خاموش کردم و در حال بررسی کتاب پرواز بودم

که صدای کروچیف (خدمه پروازی) از بیرون در گوشم نشست: «نادر بیا پایین صدای هواپیما می آید».

با نگاه از در نیمه باز به او گفتم: «ملخ که ایستاد می آیم». و با اطمینان از توقف ملخ از هلی کوپتر پیاده شدم و کنار خاکریز گوشواره بی حال نشستم. کروچیف درست گفته بود. صدای هواپیما از سمت راست به گوش می رسید و می دانستیم که همان هواپیماهای بزن و در رو هستند. ضمن برخاستن به دیگر افراد گفتم:

از هلی کوپتر دور شوید که اگر بمباران کردند آتش نگیریم. آمدیم در پشت گوشواره نشستیم و چشم دوختیم به هواپیماهای دشمن که حالا به وضوح در آسمان پیدا بودند. همانطور که مانور آنها را نگاه می کردم چشم به آسمان بالای آنها دوختم و با همان خستگی گفتم: «خدایا یک جوری که خودت میدانی روی اینها را کم کن که بد جوری ما را چزانده اند. آخر این نمی شود که روزی دو مرتبه ما را بمباران کنند و هیچوقت هم هدف قرار نگیرند».

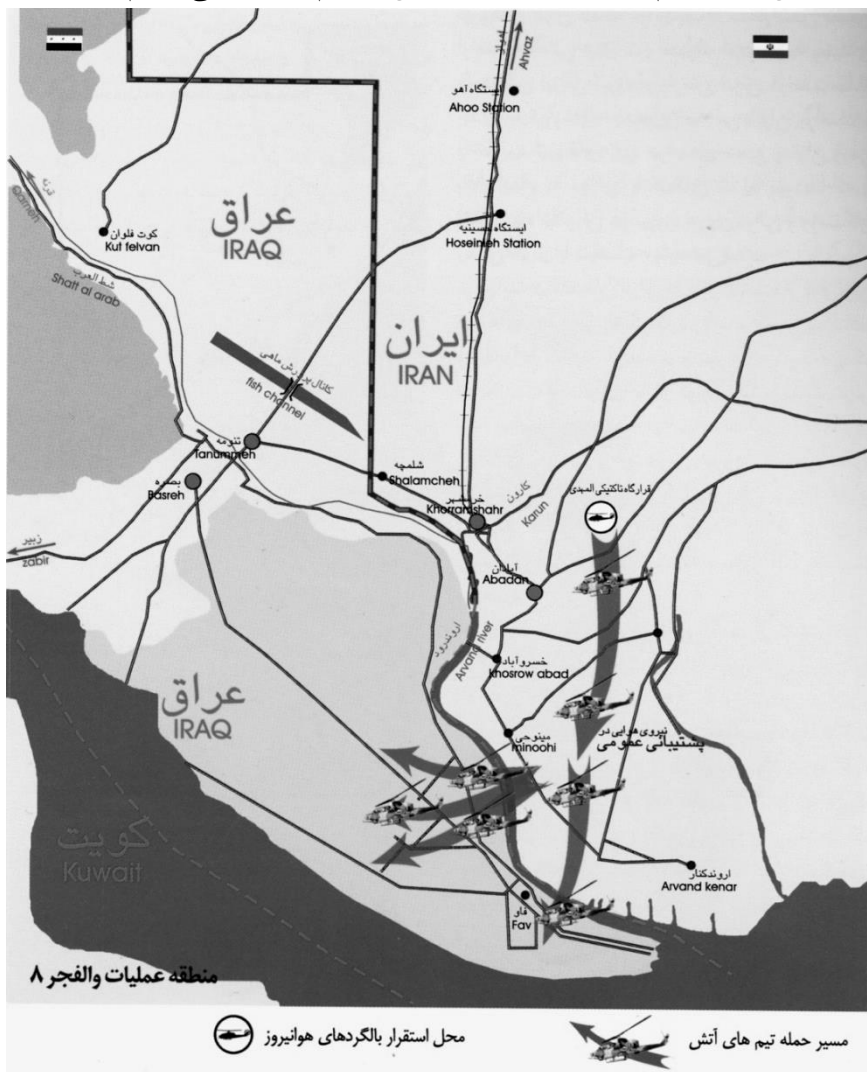
خدا خودش شاهد است، هنوز درد دلم تمام نشده بود که یک مرتبه دود آتش از دم و بدنه یکی از هواپیماها بیرون زد و تعادلش بهم خورد و به زمین سقوط کرد. با وجود اینکه مسافت ما تا سقوط دور بود، اما چنان به زمین اصابت کرد که صدای برخورد و متلاشی شدن آن هم بگوش ما رسید بچه ها با دیدن این صحنه از جا برخاستند و یکی از آنها به من گفت، نادر بلند شو برویم سنگر، وضع دارد وخیم می شود!

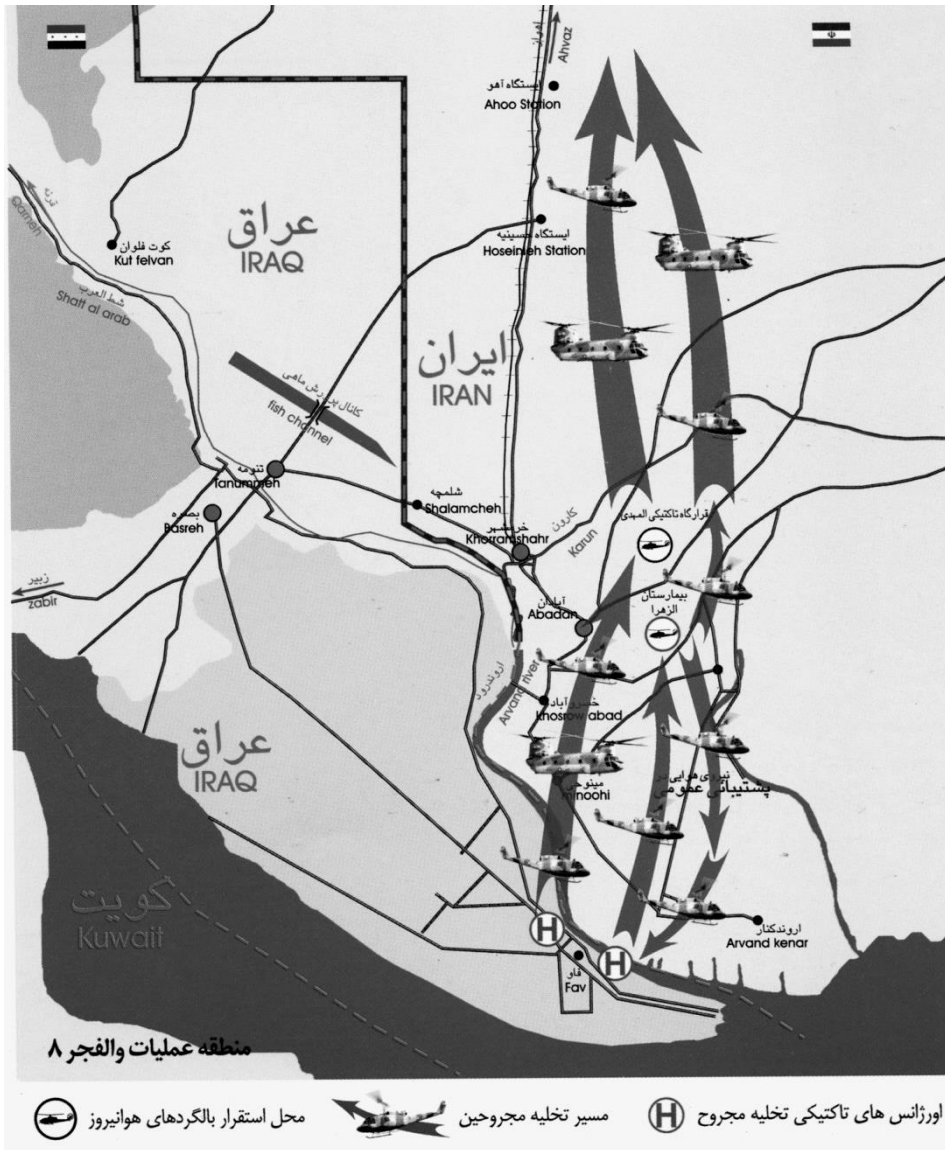
من که هنوز در کیف و حال سقوط هواپیما بودم معترض گفتم: «من تازه، یک کم دلم خنک شده نترس الان تماس می گیرند که بیائید خلبانش را تخلیه کنید.» با اصرار بچه ها به سنگر رفتم. در حال باز کردن بند پوتین بودم که تلفن قورباغه ای زنگ زد و خبر دادند (پرواز کنید سمت رودخانه دویرج و خلبان را که دستگیر کرده ایم تخلیه کنید).

با پروازی سریع خود را به منطقه ای که گفته بودند رساندیم. خلبان عراقی را بیهوش و زخمی روی برانکادر خوابانده بودند. او را داخل هلیکوپتر گذاشتند و ما به عین خوش پرواز کردیم. وقتی کنار برانکادر همراه او به بیمارستان لشکر میرفتم با دیدن ناخن های بلند و سر و وضع کثیف و فلاکت بارش بی اختیار خنده ام گرفت و به خودم گفتم: (این هم مثل ما در به دره).

داخل بیمارستان وقتی پزشک آمد بالای سرش وضعیتش را از او پرسیدم. دکتر گفت: وخیم است و باید به بیمارستان اهواز تخلیه شود. ضربه مغزی شده. به او گفتم «اگر اینطور است تا شب نشده او را به اهواز منتقل کنیم».

دکتر گفت: خیر، فرمانده لشکر گفته باید بهوش بیاید تا از او بازجویی کنیم. سریع خود را به فرمانده لشکر رساندم و گفتم: این خلبان که قادر به مصاحبه نیست، اگر زمان بگذرد و هوا تاریک شود ما قادر به پرواز نیستیم و او خواهد مرد. اجازه دهید او را به بیمارستان اهواز برسانیم. فرمانده لشکر در مقابل منطق من تسلیم شد و من از اینکه با برداشت از تعالیم خوب اسلامی توانسته بودم جان خلبانی را هر چند دشمن نجات دهم و شبانه او را به بیمارستان برسانم، بر خود می‌بالیدم.





عسر



شماره ... ۱۹۰۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
تاریخ ... ۱۳۵۷/۱۰/۲۰
پیوست ...

از ستاد قرارگاه خاتم الانبیا (ع)
به فرادستی، محترم، انرجا جمهوری اسلامی ایران
موضوع

فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا (ص)

باجایه اندام فرادستی قرارگاه خاتم الانبیا (ع) محترم جهت ارجاع
در سطح قرارگاه خاتم ۱ در منطقه مذکور به منظور تهیه زیردراختیار قرارگاه
بزرگ قرارگاه

- ۱- احزاب و فرادستی ۱۱ و ۱۲ فرادستی
- ۲- فرادستی - آتش سنجی و سازه های آتش سنجی
- ۳- سازه ۲۰ سازه و ۳۰ سازه

رئیس ستاد قرارگاه خاتم الانبیا (ع)

عسر

۱۳۵۷/۱۰/۲۰

کسر شده

- فرادستی قرارگاه خاتم جهت آتش سنجی و سازه های آتش سنجی

عسر

ادامه صورت اسامی کارکنان فنی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸

ردیف	درجه	نام و نشان	ردیف	درجه	نام و نشان	ردیف	درجه	نام و نشان
۳۱	همافر	عبدالحسین عزیزاده شهری	۶۸	همافر	عبدالرضا بهتیا	۱۰۵	استوار	حسین مرادی
۳۲	همافر	بایرام رستمی	۶۹	همافر	یوسف وفایی	۱۰۶	استوار	غلامرضا فاضلی
۳۳	همافر	مهدی مختاری	۷۰	همافر	محمد رضا اسدی	۱۰۷	استوار	محمد رضا توکلی
۳۴	همافر	امان... یوسفی	۷۱	همافر	رضا سوری	۱۰۸	استوار	رمضان رحمانی
۳۵	همافر	نادر قاسم زاده	۷۲	همافر	اصغر قمری	۱۰۹	استوار	محمود مظاهری
۳۶	همافر	صادق آل خمیس	۷۳	همافر	غلامرضا زرانیان	۱۱۰	استوار	تقی امیری
۳۷	همافر	منوچهر آقا محمدی	۷۴	همافر	عباس مسائلی	۱۱۱	استوار	اکبر غلامپور
۳۸	همافر	محمد ملکی	۷۵	همافر	محمد شفیعی	۱۱۲	استوار	صمد پور دلجو
۳۹	همافر	ماشاء... کمالی	۷۶	همافر	محبتی احمدی	۱۱۳	استوار	مصطفی یوسفیان
۴۰	همافر	سیامک دهقانپان	۷۷	همافر	رحمت الله حسین پور	۱۱۴	استوار	فتحعلی عزتدار
۴۱	همافر	امانقلی سقر	۷۸	همافر	داوود میرابادی	۱۱۵	استوار	حسین ترکی
۴۲	همافر	محمد مسرور	۷۹	همافر	کاکا آذر	۱۱۶	استوار	غلامحسین توکلی
۴۳	همافر	علی جمشیدی	۸۰	استوار	عباس شکری	۱۱۷	استوار	محمد حسن اسدی
۴۴	همافر	غلامرضا معروفی	۸۱	استوار	فروزنده اکبری	۱۱۸	استوار	داود نقدی قشلاق
۴۵	همافر	حسن شاه قاسمی	۸۲	استوار	شمس باقری	۱۱۹	استوار	ولی... عباس زاده
۴۶	همافر	ناصر برمه کرنق	۸۳	استوار	داریوش بهارلونی	۱۲۰	استوار	سید جواد صلواتی
۴۷	همافر	غلامرضا سوری	۸۴	استوار	ولی... عباس زاده	۱۲۱	استوار	محمد جواد قاسمی
۴۸	همافر	محمد رضا قنبری	۸۵	استوار	فراتون ابراهیمی	۱۲۲	استوار	سید کمال هاشمی
۴۹	همافر	محمد حسن مولوی	۸۶	استوار	علی محمد باقر پور	۱۲۳	استوار	حسن علی شفیعیان
۵۰	همافر	ابوالفضل ابرقویی	۸۷	استوار	ولی پروینی	۱۲۴	استوار	فراتوش ابراهیمی
۵۱	همافر	علی محمد زاده	۸۸	استوار	علی شاهین	۱۲۵	استوار	حبیب... جعفری
۵۲	همافر	عبدالکریم اسحاقیان	۸۹	استوار	ابوالقاسم صرافپور	۱۲۶	استوار	محمد علی ایزدی
۵۳	همافر	قنبر کردی نژاد	۹۰	استوار	خسرو جنگجو وطن	۱۲۷	استوار	ابراهیم شاه میرزالی
۵۴	همافر	ابراهیم مهدی پور	۹۱	استوار	منصور دادخواه	۱۲۸	استوار	امین حیدر دهقان
۵۵	همافر	نعمت... میرزایی	۹۲	استوار	بهادر کشاورز	۱۲۹	استوار	علی اکبر مهدوی
۵۶	همافر	محمد کریمی	۹۳	استوار	علی محمد بابازاده	۱۳۰	استوار	ایرج سگالی
۵۷	همافر	محمد رضا نوین	۹۴	استوار	علی جان لشگر بلوکی	۱۳۱	استوار	محمدعلی روز بهانی
۵۸	همافر	رحمت... حسن پور	۹۵	استوار	محمد علی توده‌روستا	۱۳۲	استوار	علی آخوندی
۵۹	همافر	بیوک درخشانی کیا	۹۶	استوار	علی بابائی	۱۳۳	استوار	علی گودرزی
۶۰	همافر	قنبر کردی فراد	۹۷	استوار	حسن آزاده مشفق	۱۳۴	استوار	اسماعیل دودانگه
۶۱	همافر	محمد حسن خسروی	۹۸	استوار	حسین اخوان	۱۳۵	استوار	قربان یزدانی
۶۲	همافر	رحیم آدمیگ	۹۹	استوار	هاشم غلامپور	۱۳۶	استوار	ابراهیم خیاطی
۶۳	همافر	عباس نظام هاشمی	۱۰۰	استوار	جانعلی ملاشاهی	۱۳۷	استوار	غلامحسین نگهبان
۶۴	همافر	محمد مهدی نعمتی	۱۰۱	استوار	سیروس نجف پور	۱۳۸	استوار	اکبر غلامپور
۶۵	همافر	حسین نیک بختیان	۱۰۲	استوار	محمود دوزنده	۱۳۹	استوار	تقی عزیزادگان
۶۶	همافر	علیرضا خرسلاں	۱۰۳	استوار	حسین شمس	۱۴۰	استوار	مجید سلطانیان
۶۷	همافر	حسن جمشید گرجی	۱۰۴	استوار	رحمان شیرزاد	۱۴۱	استوار	حسن سردهنه

و العجیر ۸

صورت اسامی فرماندهان و مسئولین شرکت کننده در عملیات ۸

ردیف	درجه	نام و نشان	سمت
۱	سرهنگ	محمد انصاری	ف. پایگاه پشتیبانی هوانیروز
۲	سرهنگ	سید نصرآ... آسیائی	ف. گروه رزمی مسجد سلیمان
۳	سرگرد	غلامرضا صفائی نژاد	افسر عملیات گ.پ.ع
۴	سرگرد	محمد افشین	ف. گد شنوک و افسر عملیات منطقه پع
۵	سرگرد	رضا فیروزان	ف. گد هجومی گ. پ
۶	سرگرد	اسماعیل بلادی	ف. گد هجومی مسجد سلیمان
۷	سرگرد	محمد کارگشا	عملیات مسجد سلیمان
۸	سرگرد	محمدعلی ایرانمنش	ر- رکن ۳ پ ع
۹	سرگرد	اکبر اکبری	مهندسی گ.پ.ع
۱۰	سرگرد	اقبال کیانفر	ف. گد تک
۱۱	سرگرد	محمد علی بختیاری	ف. عملیات هجومی مسجد سلیمان
۱۲	سرگرد	علی اکبر چرختابیان	ف. گد شنوک
۱۳	سرگرد	مهدی نکوئی	خلبان شنوک
۱۴	سرگرد	حسین علی خلیلی	افسر رابط
۱۵	ستوان	مظاهر عزیزی	سرپرست گروه مستقر در اهواز

بخش یکم: نیروی زمینی ارتش در والفجر ۸ / ۱۶۵

ادامه صورت اسامی کارکنان فنی شرکت کننده در عملیات والفجر ۸

ردیف	درجه	نام و نشان	ردیف	درجه	نام و نشان	ردیف	درجه	نام و نشان
۱۴۲	استوار	عشقعلی آرا	۱۸۵	استوار	موسی نمازیان	۲۲۹	گروهبانیکم	فریعلی رجبی
۱۴۳	استوار	حسن نوری	۱۸۶	استوار	حسین رادمد	۲۳۰	گروهبانیکم	صفر کاووسی
۱۴۴	استوار	علیرضا محسنی	۱۸۷	استوار	حسنعلی شریفی	۲۳۱	گروهبانیکم	اکبر احمدزاده
۱۴۵	استوار	حسن صابری	۱۸۸	استوار	رمضان ریگی	۲۳۲	گروهبانیکم	مسعود عباس زاده
۱۴۶	استوار	علی فتحی	۱۸۹	استوار	نورعلی معصومی	۲۳۳	گروهبانیکم	سید رضا نازرمار
۱۴۷	استوار	علیرضا قلیزاده	۱۹۰	استوار	علیرضا امیدی	۲۳۴	گروهبانیکم	خسرو شادباشکی
۱۴۸	استوار	علیرضا خساری	۱۹۱	استوار	داود امیدی نژاد	۲۳۵	گروهبانیکم	تیمور طالبی
۱۴۹	استوار	کاظم معصومی	۱۹۲	استوار	حسن حسن پور	۲۳۶	گروهبانیکم	سید کمال هاشمی
۱۵۰	استوار	غلامحسین مهدی پور	۱۹۳	استوار	خسرو توکلی	۲۳۷	گروهبانیکم	علیرضا خاکسار
۱۵۱	استوار	عزیزالله رسائی	۱۹۴	استوار	محمود وظایفی	۲۳۸	گروهبانیکم	جمشید گرجی
۱۵۲	استوار	رجبعلی همتی	۱۹۵	استوار	مرتضی اسد	۲۳۹	گروهبانیکم	اکبر خدابنده
۱۵۳	استوار	محمد رضا ابراهیمی	۱۹۶	استوار	رحیم رحمان احمدبیگ	۲۴۰	گروهبانیکم	رجبعلی همتی
۱۵۴	استوار	سعید سیمایی	۱۹۷	استوار	محمد رضا بابائی	۲۴۱	گروهبانیکم	غلامحسین مهدی پور
۱۵۵	استوار	علی تیغ پناهی	۱۹۸	استوار	عبدال... شفیع	۲۴۲	گروهبانیکم	علی اینانلو
۱۵۶	استوار	مجید داوری	۱۹۹	استوار	خلیل مهنائی	۲۴۳	گروهبانیکم	محمود وظایفی
۱۵۷	استوار	تیمور طالبی	۲۰۰	استوار	علی یزدانی مطلق	۲۴۴	گروهبانیکم	سعید گل محمدی نژاد
۱۵۸	استوار	مجید شهبازی	۲۰۱	استوار	علی سجودی	۲۴۵	گروهبانیکم	اصغر غلامی
۱۵۹	استوار	محمد حسن خیابانی	۲۰۳	استوار	محمد باقر نجفی	۲۴۶	گروهبانیکم	حسن فلاح فرد
۱۶۰	استوار	رضا قلی حسن آبادی	۲۰۴	استوار	جهانبخش قبائی	۲۴۷	گروهبانیکم	مهدی اسدپور فعال
۱۶۱	استوار	اسد... صادقی	۲۰۵	استوار	کریم زنگنه	۲۴۸	گروهبانیکم	محمد رضا حشمتی
۱۶۲	استوار	حسین زمر	۲۰۶	استوار	قیاد عظیمی	۲۴۹	گروهبانیکم	حشمت... ملکشاهی
۱۶۳	استوار	مجید حسینی	۲۰۷	استوار	محمد رضا آئینی	۲۵۰	گروهبانیکم	علی بخش فخری
۱۶۴	استوار	محمد شرقی	۲۰۸	استوار	غلامرضا کریمی دلپذیر	۲۵۱	گروهبانیکم	حسین آزادی
۱۶۵	استوار	حسن حاج محمدی	۲۰۹	استوار	رحیم کبیری	۲۵۲	گروهبانیکم	نامحاسب ذوالفقاریان
۱۶۶	استوار	ارسلان رضائی	۲۱۰	استوار	حسن دهدار	۲۵۳	گروهبانیکم	عادل شایسی
۱۶۷	استوار	حسن پور رضائی	۲۱۱	استوار	معروف قریبی	۲۵۴	گروهبانیکم	مرتضی مرادی
۱۶۸	استوار	حبیب الله صالحی	۲۱۲	استوار	مرتضی کحالی	۲۵۵	گروهبانیکم	محمد رضا زمانی فر
۱۶۹	استوار	عبدالله عظیمی	۲۱۳	استوار	سید علی حسینی	۲۵۶	گروهبانیکم	بهمن کریمی
۱۷۰	استوار	حسن قربانپور	۲۱۴	استوار	حسن فلاح فر	۲۵۷	گروهبانیکم	جواد رستمی
۱۷۱	استوار	سید مهدی حسینی	۲۱۵	استوار	علی درخشانی	۲۵۸	گروهبانیکم	کاووس استواری
۱۷۲	استوار	حسین صابری	۲۱۶	گروهبانیکم	غلامرضا بهلول ابهری	۲۵۹	گروهبانیکم	داریوش غفارپور
۱۷۳	استوار	علیرضا قلی زاده	۲۱۷	گروهبانیکم	مجتبی فراهانی	۲۶۰	گروهبانیکم	عین... یارمحمدی
۱۷۴	استوار	جمشید بی باک	۲۱۸	گروهبانیکم	فیض الله تیموری	۲۶۱	گروهبانیکم	غلام رضا امینیان
۱۷۵	استوار	سردار عربانی	۲۱۹	گروهبانیکم	غلامرضا مهری	۲۶۲	گروهبانیکم	محمدرسلول بیات
۱۷۶	استوار	حسن نوری	۲۲۰	گروهبانیکم	اصغر سلمانی	۲۶۳	گروهبانیکم	نازعلی فلاح
۱۷۷	استوار	جواد صلواتی	۲۲۱	گروهبانیکم	حسن حاجیان	۲۶۴	گروهبانیکم	علی غفارخانی
۱۷۸	استوار	مرتضی موسوی	۲۲۲	گروهبانیکم	کاووس خالقی	۲۶۵	گروهبانیکم	حیدر محمودی
۱۷۹	استوار	کاظم معصومی	۲۲۳	گروهبانیکم	فریدون عمریان	۲۶۶	گروهبانیکم	محمد رضا اکبری
۱۸۰	استوار	محمدعلی توده روستا	۲۲۴	گروهبانیکم	عنایت جعفری	۲۶۷	گروهبانیکم	چنگیز شاه صفی
۱۸۱	استوار	علی قلی زاده	۲۲۵	گروهبانیکم	داوود نقدی	۲۶۸	گروهبانیکم	علی عباسی
۱۸۲	استوار	حسن فواندی	۲۲۶	گروهبانیکم	علی اکبر مهدوی	۲۶۹	کارمند	علیرضا عرب بیگ
۱۸۳	استوار	رجبعلی امیری	۲۲۷	گروهبانیکم	حجت کیسه وری	۲۷۰	کارمند	علی عباسی
۱۸۴	استوار	رجبعلی کمالی	۲۲۸	گروهبانیکم	حبیب الله مرادی			

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸

پیشگفتار

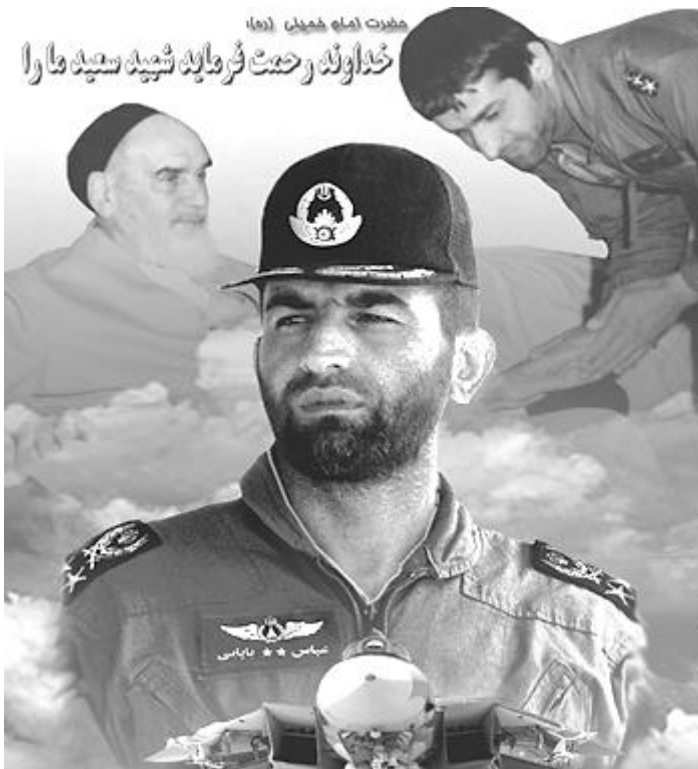
با وجود اینکه در مدت ۱۸ ماه که مسئولیت تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در این خصوص را داشتم، بارها به مراجع ذی صلاح در ستاد نیروی هوایی و اداره سوم ستاد مشترک مراجعه نمودم، اما نتوانستم حتی یک برگ سند رسمی در مورد فعالیت نهاجا در عملیات والفجر ۸ را بدست آورم. البته می‌توان گذشت زمان و دیر هنگام بودن این تحقیق و شاید طبقه بندی بالای اسناد را دلیل موجه ای به شمار آورد، اما با قاطعیت نمی‌توان قبول کرد که همه چیز نیست و نابود شده باشد و دیگر هیچ آثاری از یک جنگ ناخواسته ۸ ساله در بایگانیها و دفاتر ویژه به جای نمانده باشد. چاره نداشتم بایستی راههای دیگری را بکار می‌گرفتم، این بار حافظه همکاران در دسترس را به عنوان مدرک زنده مورد توجه قرار دادم و خواسته‌هایی به شرح مطالب صفحه بعد را با آنان در میان گذاشتم و در این مصاحبه‌ها به یک نکته اساسی پی بردم که دلیل موجه ای برای عدم دستیابی به اسناد و مدارک بود و آن اداره و هدایت عملیات از یک قرارگاه تاکتیکی - ابتکاری بود که برای بهره‌برداری بهتر و کامل‌تر از امکانات نهاجا و بیشتر به دلایل امنیتی و رعایت اصول حفاظتی تشکیل شده بود که در نهایت چاپ یکم و دوم با حداقل اطلاعات انتشار یافت. اما هیچگاه مرا از رسالتی که به عهده گرفته بودم قانع نساخت و همیشه بفکر کسب اطلاعات جدید برای انتشار چاپهای بعدی بودم که اکنون خوشبختانه پس از سال‌ها با کمک همکار بسیار خوبم (امیر سرتیپ دوم قاسم فراوان) به اطلاعات جدیدی دست یافته‌ام که شایسته است چاپ سوم کتاب را منتشر کنم.

با این وجود پیشاپیش اعتراف می‌کنم این اقدام هم نه این که بیان کننده، آنچه این نیرو انجام داده است نیست، بلکه به یقین اشاره‌ای بسیار جزئی، سطحی و غیر تخصصی به آنچه انجام گرفته است به شمار می‌آید که می‌توان آن را قطره‌ای از دریای بیکران توانائیهای بکار رفته در عملیات والفجر ۸ محسوب کرد که به گمان نویسنده فقط از هیچ بهتر است.

عملیات

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نهایجا) در عملیات والفجر ۸ به دو صورت بطور فعال و موثر شرکت داشته است:

۱- شرکت در عملیات هوایی



نهایجا، برای شرکت موثر و هماهنگ در عملیات والفجر ۸ (فاو) با تقویت و فعال کردن قرارگاه رعد (به عنوان قرارگاه عملیاتی و ستاد مقدم نهایجا DASC) تمامی فعالیت‌های هوایی و پدافند هوایی را بدون واسطه و هماهنگ با یگان‌های عملیاتی هدایت می‌کرد و مأموریت‌های لازم برای پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ را به طور مستقیم در حداقل زمان به اجرا در می‌آورد.

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۶۹

این قرارگاه به وسیله سرتیپ شهید خلبان عباس بابائی (معاون عملیاتی نهاجا) سرپرستی می‌گردید و نخبگانی از ستاد نیروی هوایی از جمله شهید سرتیپ ستاری (فرمانده پدافند هوایی نهاجا) و شهید اردستانی و... در این قرارگاه فعالیت شبانه‌روزی داشتند.

وظیفه این ستاد که در جوار قرارگاه خاتم‌الانبیاء (قرارگاه اداره کننده عملیات والفجر ۸) در جنوب تشکیل شده بود هماهنگی با قرارگاه‌های خاتم ۱ (قرارگاه سپاه پاسداران) و خاتم ۲ (قرارگاه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران) و برآورد نیازهای پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی بود که پس از تصمیم‌گیری جهت اجرا از طریق پایگاه هوایی امیدیه به طور مستقیم به سایر پایگاه‌های مربوطه دستورات لازم داده می‌شد.

امیر سرتیپ شهرام رستمی که در عملیات والفجر ۸ جانشین معاون عملیاتی نهاجا را به عهده داشته است در این باره می‌گوید:

”برای پشتیبانی از عملیات والفجر ۸، در منطقه جنوب، پایگاه هوایی امیدیه نزدیک‌ترین پایگاه به عنوان پایگاه اصلی برای اجرای مأموریتها در نظر گرفته شده بود و برای به حداقل رساندن زمان اجرای مأموریتها و بالا بردن ضریب حفاظتی و امنیت پروازها پایگاه‌های تبریز و همدان با اعزام هواپیما و گروه‌های فنی به پایگاه امیدیه اقدام نموده بودند و سایر پایگاه‌ها مانند اصفهان، بوشهر و دزفول به طور مستقیم از پایگاه‌های خود اقدام به اجرای مأموریت‌های واگذاری از طرف قرارگاه رعد می‌نمودند نهاجا به روش‌های زیر عملیات والفجر ۸ را پشتیبانی می‌نمود.“

الف: پشتیبانی نزدیک هوایی

اجرای پشتیبانی نزدیک هوایی با در نظر گرفتن تجربیات عملیات‌های گذشته با هدف پشتیبانی موثر آتش از آفند یگان‌های رزمی و به‌ویژه درهم شکستن پاتک‌های سنگین دشمن که معمولاً به صورت یک روش جاری و قابل پیش‌بینی از سحرگاه شروع عملیات به اجرا درمی‌آمد، انجام گرفت.

برای اجرای آتش موثر و هماهنگ با عملیات یگان‌های رزمی و به حداقل رساندن اشتباهات و بویژه حفظ تأمین و حفاظت پروازها در عملیات والفجر ۸، اقدام به اعزام افسران رابط هوایی و افسران ناظر مقدم در سطح وسیع گردید که در دیگر عملیات‌ها سابقه ای در این حد نداشت. این افسران در رده‌های مختلف با فرماندهان هماهنگی لازم را به عمل می‌آوردند، نیازمندیها را برآورد و به قرارگاه رعد گزارش و سپس هدایت پشتیبانی نزدیک هوایی را به عهده گرفتند تا نتیجه مطلوب تری بدست آید. این هماهنگی تاکتیکی که بر اصول آموزشی دانشگاهی استوار

بود بی شک نقش ارزنده ای در پشتیبانی آتش موثر ایفا نمود، تا جایی که بخشی از موفقیت‌های آفندی یگان‌های رزمی و درهم شکستن پاتک‌های دشمن را میتوان در گرو همین اقدام دانست. در این رابطه نویسندگان کتاب «خرمشهر تا فاو» استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز را از جمله دلایل موفقیت عملیات والفجر ۸ برآورد کرده‌اند.^۱

و در تحلیلی دیگر از کتاب «کارنامه توصیفی عملیات» می‌خوانیم:

در نبرد فاو، ایران اسلامی علاوه بر استفاده از نیروهای پیاده و شکارچیان تانک، موفق می‌شود با آتش توپخانه و خمپاره‌انداز، ضربات سنگینی را برادوات زرهی دشمن در جاده‌های فاو-بصره و فاو-ام‌القصر وارد آورد و در تکمیل آن، هوانیروز و نیروی هوایی با حمایت از یگان‌های عمل‌کننده اسلام، با نبردی درخشان در هوا و زمین، برگ زرینی از افتخار و حماسه از خود به جا می‌گذارند. نیروی هوایی ایران در این عملیات با همکاری پدافند زمین به هوا، ۷۴ فروند از هواپیماهای پیشرفته عراق را ساقط می‌کند و با نشان دادن توان رزمی خود، ادعای کارشناسان خارجی مبنی بر ناتوانی هوایی ایران را باطل می‌کند و با بیش از ۱۰۰۰ سورتی پرواز دوست و دشمن را در حیرت فرو می‌برد.^۱

و در جایی دیگر از همین مدرک گفته شده است:

«در این روز (۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۴) نیروی هوایی ارتش در حالی که جنگنده‌های دشمن نیز در منطقه حضور داشتند طی چند مرحله مواضع دشمن را هدف قرار دادند.^۲»

در مورد نقش افسران رابط در عملیات والفجر ۸ سرتیپ ۲ حسین مهرآرا چنین اظهار نظر می‌کند:

«در قرارگاه‌های مختلف که برای هدایت عملیات در فاو تشکیل شده بود، افسران رابط نیروی هوایی حضور فعال داشتند. من اولین بار بود که می‌دیدم در این حد برای هماهنگی و پشتیبانی نزدیک هوایی پیش بینی شده است و این یک کار کلاسیک است که بایستی همیشه مورد توجه قرار گرفته شود. در جنگ، پروازها با ارتفاع بالا را بدون افسر رابط می‌شود کنترل و هدایت کرد، ولی چون در پشتیبانی نزدیک هوایی و بویژه در عملیات فاو برای

۱. از خرمشهر تا فاو؛ ص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۱. سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات، لشکر ۱۶ قدس گیلان؛ ص ۲۲۷.

۲. همان؛ ص ۲۱۶.

حفظ تأمین و رعایت اصول حفاظتی بیشتر پروازها با ارتفاع پست انجام می گرفت بنابراین افسران رابط و ناظر مقدم بطور اجبار بایستی وجود داشته باشند. مطلب دیگری که باید اضافه کنیم، وقتی که هواپیماهای خودی می آمدند، یگان‌های توپخانه در حال تیراندازی بودند، بنابراین بایستی اقدامات کنترل آتش فضای هوایی انجام می شد و چون در این مقطع پرسنل سپاه پاسداران با چنین اقداماتی آشنائی نداشتند لذا بایستی از افسران مجرب نیروی هوایی برای اینکار استفاده می شد که این چنین شد. در تمام مدتی که در عملیات والفجر ۸ شرکت داشتیم، هیچگاه شاهد اشتباه نیروی هوایی خودی نبودم و عدم اشتباه نشانه کار صحیح و اصولی است که با اعزام افسران رابط و افسران ناظر مقدم امکان پذیر شده بود.^{۱۰}»

سرهنگ منصور بختیاری که در عملیات والفجر ۸ در یکی از یگان‌های توپخانه خدمت می کرده است در جواب این سؤال که چه خاطره آموزنده ای از این عملیات دارد، می گوید: عملیات فاو دارای نکات آموزنده زیادی است که در عملیات‌های دیگر شاید نبوده است. یک نمونه مربوط به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که در این عملیات بسیار چشمگیر بود؛ در این عملیات برای اولین بار من شاهد بودم که نیروی هوایی اقدام به اعزام افسران رابط با درجه سروانی و بالا به یگان‌ها کرده بود، این افسران پرواز هواپیماهای خودی را با پدافند هماهنگ می کردند که مورد اصابت قرار نگیرند و هواپیماها را تاروی هدف هدایت می کردند که نتیجه خوبی داد.

۳۰۰۱۲۷-۷۵
۱۱۰۱

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
«دفتر ویژه»

روز ۲۴ (پنجشنبه)

۱۲۱-۱۰۱۲-۳۵۶۲

بیمه منافع هوایی در کربلای معلی (کربلای معلی)

۲۸ ۱۲ ۷۵

در روز گسترش آفات ۵

مقامات مسئولیت رستوران و رستوران در سطح رستوران و رستوران

آفات ۵ تا ۱۲ (کربلای معلی) منافع هوایی در کربلای معلی

(انواع تلفات) به بانک و به بانک و به بانک و به بانک و به بانک

قرارداد منافع هوایی در کربلای معلی

مقامات مسئولیت رستوران و رستوران

کربلای معلی قرارداد منافع هوایی (از طریق فایده) به بانک

فایده ۵ به بانک و به بانک و به بانک و به بانک و به بانک

در سطح منافع هوایی در کربلای معلی

۷۵

بسمه تعالی
«دفتر ویژه»
۱۱-۱۲-۷۵

۱۱

۱۱۹
۶۲
۷۵

مجموعه ۷۵-۱۲۷

۲

بسم الله الرحمن الرحيم

سپهری کار انستیتی

از معاون عملیاتی فضاها / مد عملیات /

به فبا ۶ شکاری / معاون عملیاتی /

شماره ۶۴/۱۲/۱۷ ۲۰۱۳۰۶/۴۳۲۶۵۲ و هـ

در باره وضعیت هواپیماها

برابر هماهنگی و اعلام قرارگاه رعد خواشمند است دستور فرماید

در مورد اداعه وضعیت آمادگی رزمی آن یگان در زمینه عملیات

ولفجر - ۸ سرپا شرح زیر اقدام نمایند *

۱- از بین هواپیماهای شکاری موجود تنها سه فروند را که به

موتور ماوریک مجهز میباشند آماده عملیات نگه داشته و بقیه

را که در رابطه با عملیات فوق الذکر بارگیری گردیده اند

از ریزر LOAD خارج نمایند و نحوه استفاده بعدی از آنها همانند

مراحل قبل از شروع عملیات مذکور خواهد بود *

۲- دوفروند هواپیمای وکروی پروازی مربوطه را که از ابتدای

عملیات یادشده بصورت کمکی از بندر عباس بآن یگان مأمور گردیده

اند سرپا به پایگاه مهم شکاری بازگشت دهند *

معاون عملیاتی فضاها / سرهنگ خلیلیان با بادی

(۱۲)

گسترده کان

۱- فبا ۹ شکاری / معاون عملیاتی / جهت آگاهی و اقدام در مورد

اعزام سریع و مجدد ۲ فروند هواپیمای اف - ۴ به جبهه بیمار بدشتور

برقراری مجدد مأموریت اثرات یگان مذکور و اعلام تاریخ اعزام

هواپیماها باین معاونت *

۲- فبا ۱۰ شکاری / معاون عملیاتی / جهت آگاهی و اقدام لازم

و اعلام تاریخ برقراری مجدد اثرات آن یگان باین معاونت

۳- فبا ۷ فضاها / معاون عملیاتی / جهت آگاهی

۴- معاونت لوج فضاها / مد مارتیل / جهت آگاهی

۵- فرماندهی قرارگاه رعد جهت آگاهی / از طریق پایگاه مجتمع

شکاری /

شماره ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
التمنا خلیلیان بادی
۱۳۳۲

بسم الله الرحمن الرحيم
لقد تم تأیید این امر
۱۳۳۲

۲۵ - احمد علی مرعشی

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۷۷

بیتبث
بسم الله الرحمن الرحيم

از پایگاه پنجم شکاری / معاونت عملیات - دفتر ویژه
به معاون عملیات ستاد نظامی / مدع تاکتیکی
بمباریه - مأموریت بیرون رفتن
شماره و تاریخ ۱۲/۲۶ - ۱۱۰۱ (متر) ۶۵/۱/۵
مأموریت های بیرون رفتن تاریخ ۶۵/۱/۵ در این مکان بطور اختصار و
تعداد عمیات مصرفی بشرح زیر به عرض میرسد *

تعداد موردی ۲
عمیات مصرفی
۱ تیر بمب ۲۰۰۰ پوندی
۲ تیر بمب ۱۰۰۰ پوندی
آنتیر بمب ۷۵۰ پوندی
۱۰ تیر بمب ش - م - ر

فرمانده پایگاه پنجم شکاری
سردار خلیان مادی

۱۷۵۶
.....
فرستنده ۱۲۳
گیرنده
ساعت و تاریخ پایان مخابره ۱۹۲ - ۵/۱/۵۸

نامند محبت * هر چه عم قبا ح م م ق آ ل ق ل تر ۱۲ ل ر ن م و ع
عقید طوع و خیرند و شجاعت در نوا

نسبتاً
به بردار گشته بایکانه
شماره
۵۸/۱/۵

از بازگاه بنجم شکای معاونت عملیات به دفتر ویژه /
به معاونت عملیاتی ستاد نجا / مد سع تاکتیکی /
اکسسسی به

معاونت اطلاعاتی نجا / مد اطلاعات عملیاتی /
پست فرماندهی نجا

شماره ۱۲ - ۲۹ - ۱۱۰ / پتر ۵ ۶۵/۱/۷

در باره پرواز های بیرون مرزی

بازگشت به شماره ۲۱ - ۱/۲ - ۵۰ / و ۲ ۶۵/۱/۱ صادره

از معاونت اطلاعاتی نجا

سوربی های انجام شده این بگان با محمات سوربی به اختیار

بعرض میرسد *

ردیف اسامی عملیاتان زمان بلند شدن زمان نشستن معرف

۱- سرگرد اردستانی - سروا نیوسفی ۰۸۱۴ ۰۸۴۶ قاشی

۲- // // - سرهنگ امین پور ۰۹۳۰ ۰۹۵۵ // (فرمانده)

۳- // // - سرهنگ بقاشی ۱۱۰۵ ۱۱۴۲ //

۴- // // - سروان ایراهیمی ۱۴۱۵ ۱۴۴۲ //

سورتیهای انجام شده ۸ سورتی میباشد ۱۰

نیم ۲۰۰۰ ۸ نیم

// ۱۰۰۰ ۱۲ نیم

// سی سی سی CBM ۱۲ نیم

// ۱۱۷ ام ۷۵۰ ۸ نیم

فشارک

دایره تاکتیکی

سورتی ۱۱۸

۸۸، ۹

سورتهنگ سادقی از طرف سروان عالیزاده

۱۴۴

* مسسرج بر امریکا و شوروی

حافظ ۷۰

ک ۷۶

۱۴۱۲ ساعت وصول پیام

تمام محمات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

70-19

۱- تعداد سورتی
۸ سورتی

۲- قیمت پوندی ۸۴
۷۵۰ // ۱۱۷ م ۱۴ تیر
۳ - ۵۰۰ // ۱۲۶ P MK ۸
۴ - ۱۰۰۰ // ۱۲۶ P MK ۸
۵ - ۵۸ // CBU ۱
۶ - ۲۱ // CBU ۱
۷ - ششم ر ۱۸ //

..... مہنگہ • حلیہ ان مہرقی

دلیہ
نہایت دارالافتاء
نہایت دارالافتاء
نہایت دارالافتاء

وینستون چرچیل بر امریکا و شوروی

٢٠ جاف: ط
١٣٥
١٢٢
١
٦٥/١/٤

۱۰۱۸۴ ر چپ مایک کیلیو ردیف ۲ بعد ۰۱
۱۱۷ مایک ردیف ۳ قبل ۰۱ ۱۸۲ ر چپ کلف نقطه پایا بعد ۰۱ ۸۲
۰۱ ر چپ مایک کیلیو ردیف ۴ مثل ۰۱ ۵۸
۰۱ ر چپ جالسی براوو یونیفرم ردیف ۶ مثل ردیف ۵ تمام نمود
۱۸۱ مایک ۰۱ ر چپ یونیفرم مشرق

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطاهرين الطيبين الطاهرين
الطيبين الطاهرين الطاهرين
الطيبين الطاهرين الطاهرين
الطيبين الطاهرين الطاهرين
الطيبين الطاهرين الطاهرين

ب: ترابری سنگین هوایی:

نهایجا با استفاده از امکانات ترابری سنگین خود و به‌ویژه با استفاده از هواپیماهای C - 130 در جابه‌جایی سریع نیرو، حمل مجروح، حمل وسایل و تجهیزات از فرودگاه‌های عقبه، نقش پشتیبانی خود را به طور شایسته ایفا نمود. و در یک اقدام اضطراری در جابجایی صدها تن انواع مهمات توپخانه از یکی از کشورها کمک نمود که در پیشبرد اهداف حمله تاثیر بسزایی داشت.

۲۰۱-۶۷۱-۵
۶۵ / ۱۱/۱۶

مهری

بسمه تعالی

از گروه اطلاعات و شناسایی الکترونیکی (عملیات، طرح)

به معاونت عملیاتی نهاجا (مدیریت ترابری)

در باره: هواپیمای ۵/۸۵۷۳

- ۱- برنامه پروازی این یگان از مورخه ۱۳۶۵/۲/۱ الی ۱۳۶۵/۲/۱ (پتعداد ۸ سورتی اصلی و ۲ سورتی رزرو) بهیوست ارسال میگردد. خواشمندست دستور فرمائید برنامه بهیوست را در صورت نیاز در اختیار رستمهای جنگل (پایگاهها، دستکها و گردانهای انا ۱۴) قرار دهند.
- ۲- بدیهی است در صورتیکه ماموریت جدید با تقدم بیشتری به این یگان واگذار گردد، ماموریتهای عادی لنووبرنامه چندم مورد اجرا درخواهد آمد.
- ۳- در روزهاییکه مسیر پیش بینی شده است هیچگونه پروازی انجام نخواهد شد. لذا تعیین محول برای تمام روزهای ماه صفر " بمنظور ماموریتهای پیش بینی نشده نهاجا میباشد.
- ۴- لازم بتوجه است چنانچه پرواز عملی کسل گردد، وزرر آن بمورد اجرا درخواهد آمد.
- ۵- پروازهای مورخه ۱۳۶۵/۲/۶ و ۱۳۶۵/۲/۲۸ با توجه به امریه شماره ۱۱۸/۱۲/۵۰۱ و ۵۰۱/۲ و ۲- مورخه ۱۳۶۴/۱/۵ معاونت اطلاعاتی نهاجا (مدیریت اطلاعات عملیاتی) بصورت گسترش میباشد. لذا خواهشمندست دستور فرمائید مسکنات لازم بطریق عملی آهنگاری پروازی این یگان از امکانات مسکن و غذا در پایگاههای مورد نظر بهر همت شوند.
- ۶- ضمناً " بنابه امریه معاون اطلاعاتی نهاجا و نیاز به تعیین کدها و پیمای ۵/۸۵۷۳ در مکالمات تلفنی، اردیبهشت ماه سال جاری از کد دلاور استفاده گردد.

فرمانده گروه اطلاعات و شناسایی الکترونیکی، سرهنگ لیست آموز

گیرندگان:

- ۱- معاونت عملیاتی نهاجا (مدیریت جنگل) بهیوست یکبرگ لیست پروازی جهت آگاهی.
- ۲- معاونت عملیاتی نهاجا (مدیریت عملیات، گروه طرح، دلفرویزه) بهیوست یکبرگ لیست پروازی جهت آگاهی.
- ۳- معاونت اطلاعاتی نهاجا (مدیریت اطلاعات عملیاتی) بهیوست یکبرگ لیست پروازی و یکبرگ کدهای مخابراتی هواپیمای جهت اطلاع و همچنین هماهنگیهای لازم در مورد بند ۵ یاد شده فوق.
- ۴- فرماندهی پدافند هوائی (عملیات) بهیوست یکبرگ لیست پروازی و یکبرگ کدهای مخابراتی هواپیمای بمنظور دریافت پیام جهت آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی.
- ۵- فرماندهی منطقه هوائی مهرآباد (معاون عملیاتی، دایره عملیات) بهیوست یکبرگ لیست پروازی جهت آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی.
- ۶- معاونت لجستیک نهاجا (مدیریت مائوریل) بهیوست یکبرگ روزهای پرواز جهت آگاهی.
- ۷- منطقه هوائی مهرآباد (لوج، ترابری) بهیوست شماره ۱۲۶۴/۲/۱۲۰۱۴۲ و ۲- صادره از لوج نهاجا بهیوست یکبرگ روزهای پروازی جهت آگاهی.

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۸۳

ردیف	ایام هفته	تاریخ	ساعت پرواز	مسیر پرواز	مصرف
۱	دوشنبه	۱۳۶۵/۲/۱	۰۷۲۰	P ۲۸۰۰ اصلی	سیاس ۱۲
۲	سه شنبه	۱۳۶۵/۲/۲			دانا ۲۵
۳	چهارشنبه	۱۳۶۵/۲/۳	۰۷۲۰	P ۲۸۰۰ روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۱	مهدی ۱۲
۴	پنج شنبه	۱۳۶۵/۲/۴			عماد ۶۴
۵	جمعه	۱۳۶۵/۲/۵			امین ۲۵
۶	شنبه	۱۳۶۵/۲/۶	۰۷۲۰	K ۲۸۰۰ اصلی نشستن در شیراز	امیر ۲۱
۷	یکشنبه	۱۳۶۵/۲/۷	۰۷۲۰	۲۴۰۴ برخاستن از شیراز فرود در تهران	شایان ۷۰
۸	دوشنبه	۱۳۶۵/۲/۸			پاشا ۵۱
۹	سه شنبه	۱۳۶۵/۲/۹	۰۷۲۰	A ۲۴۰۰ اصلی	رنا ۷۲
۱۰	چهارشنبه	۱۳۶۵/۲/۱۰			سپهر ۲۳
۱۱	پنج شنبه	۱۳۶۵/۲/۱۱			ستاره ۱۶
۱۲	جمعه	۱۳۶۵/۲/۱۲	۰۷۲۰	A ۲۴۰۰ روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۹	اندیشه ۹۰
۱۳	شنبه	۱۳۶۵/۲/۱۳			مهران ۱۱
۱۴	یکشنبه	۱۳۶۵/۲/۱۴			کوشر ۱۷
۱۵	دوشنبه	۱۳۶۵/۲/۱۵	۰۷۲۰	P ۲۸۰۰ اصلی	فرهنگ ۲۶
۱۶	سه شنبه	۱۳۶۵/۲/۱۶			رازی ۳۵
۱۷	چهارشنبه	۱۳۶۵/۲/۱۷	۰۷۲۰	P ۲۸۰۰ روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۱۵	جواهر ۷۸
۱۸	پنج شنبه	۱۳۶۵/۲/۱۸			ارمقان ۸۶
۱۹	جمعه	۱۳۶۵/۲/۱۹			اسد ۷۴
۲۰	شنبه	۱۳۶۵/۲/۲۰	۰۷۲۰	K ۲۸۰۰ نشستن در شیراز روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۱۶	فاضل ۱۵
۲۱	یکشنبه	۱۳۶۵/۲/۲۱	۰۷۲۰	۲۴۰۴ برخاستن از شیراز روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۱۷	کیمیا ۴۴
۲۲	دوشنبه	۱۳۶۵/۲/۲۲			موج ۵۰
۲۳	سه شنبه	۱۳۶۵/۲/۲۳			غزال ۶۳
۲۴	چهارشنبه	۱۳۶۵/۲/۲۴	۰۷۲۰	K ۲۸۰۰ اصلی	ایزد ۱۸
۲۵	پنج شنبه	۱۳۶۵/۲/۲۵	۰۷۲۰	K ۲۸۰۰ روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۲۴	یزدان ۲۸
۲۶	جمعه	۱۳۶۵/۲/۲۶			میخک ۴۱
۲۷	شنبه	۱۳۶۵/۲/۲۷			مهرداد ۳۶
۲۸	یکشنبه	۱۳۶۵/۲/۲۸	۰۷۲۰	مسیر تهران مشهد	یگانه ۹۳
۲۹	دوشنبه	۱۳۶۵/۲/۲۹	۰۷۰۰	A ۲۴۰۰ اصلی برخاستن از مشهد	سینا ۲۴
۳۰	سه شنبه	۱۳۶۵/۲/۳۰	۰۷۰۰	A ۲۴۰۰ روزرومورخه ۱۳۶۵/۲/۲۹	ناجی ۵۴
۳۱	چهارشنبه	۱۳۶۵/۲/۳۱			هدیه ۲۴

پ - عکس برداری هوایی:

این مأموریت‌ها قبل و بعد از شروع عملیات با استفاده از هواپیماهای E-4F به طور برنامه ریزی شده و ۲۴ ساعته برای شناسایی هوایی و برخورد با هواپیماهای دشمن انجام می‌گرفت.

۳۵۲۰۱-۶۱۴-۶
۳۵۱/۳
۵-۱۹-۶۴
۳۵۱/۳

بسمه تعالی

از معاون عملیات نجابا (مدع - طرح)
برف منطقه هوایی صحرای (عمیات - طرح)
در باره: هواپیمای RF-4
به پرونده: ۳-۴-۲۰۱-۳۵۲۰۱-۳۵۱/۳

۱- پیرو عملیات علی‌آباد می‌باشد معاون عملیات نجابا و نماینده آن معاون (سرانضام حسین مددی) خواسته است دستور فرماید تصمیمات منتهی در کمترین مدتی ۳۵۱/۳ را کان کم یعنی و موارد زیرین را برود و اعلام کنند:

الف - یک پرونده هواپیمای RF-4 را به دوین ارتش با یکی از خبر نموده به باغچه پنجم شکاری گسترده نمایند و تحت امر قرارگاه عملیات رعد (مستقر در باغچه پنجم) قرار دهند.

ب - از برادران مربوط به RF-5 را که به باغچه پنجم شکاری گسترده شده است به آن منطقه اعاده نمایند.

معاونت عملیات نجابا - سرانضام حسین مددی

گزارش‌دهنده:

ف یاد ۸ شکاری (ع ۲) پرونده داشته در باغچه پنجم است.
ف یاد ۵ شکاری (ع ۲) پرونده داشته در باغچه پنجم است.
معاونت اطلاعات نجابا پرونده داشته در باغچه پنجم است.
ف یاد ۶ نجابا (ع ۲) پرونده داشته در باغچه پنجم است.
ف یاد ۷ (عمیات) پرونده داشته در باغچه پنجم است.

انتهای کار / سر

اجرای عملیات عکس برداری در زمستان سال ۱۳۶۴

در مورخه ۶۴/۱۰/۳ جلسه هماهنگی مجدد در منطقه هوایی مهرآباد تشکیل و مقرر گردید عکس برداری از مورخه ۶۴/۱۰/۷ به مورد اجرا گذاشته شود و دستورات جزء به جزء به یگان های درگیر داده شد و نمایندگان مطلع فرمانده پدافند هوایی شرکت کننده در جلسه توجیه افسر پروژه عکس برداری به رادار بندر امام اعزام گردید.

به استناد گزارش رادار بندر امام در مورخه ۶۴/۱۰/۷ دسته پروازی شامل RF-4، تانکر، خفاش و F14 جهت اجرای مأموریت عکاسی وارد منطقه گردیدند و تحت کنترل رادار بندر امام قرار گرفتند، که به علت وجود تهدید و کشف هواپیماهای دشمن توسط رادار بندر امام و همچنین تأیید سایت های شنود منطقه مبنی بر فعالیت دشمن علیه هواپیماهای خودی، ناچاراً این مأموریت لغو و هواپیماهای خودی به نقطه امن هدایت گردیدند و عکس برداری انجام نگردید.

(۶۴/۱۰/۵ مورخه ۳ و ۲۰۱-۰۶/۴-۲۱۱۳)

شماره تاریخ پیوست مر عملیات	۱۳۰۱/۱۵ ۶۵-۱۲۱		بسمه جمهوری اسلامی ایران				
۱۷۱							
قرارداد همکاری							
از: قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) - اطراف							
به: نیروی هوایی ارتش							
تاریخ: ۱۳۰۱/۱۵							
عبدالمولود محمدی							
با تشکر از زحمات							
اطراف قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)							
محمد باقر							
۶۵-۱۲۱							
<table border="1"><tr><td>شماره برگه</td><td>۶۷</td></tr><tr><td>صفحه</td><td>از</td></tr></table>				شماره برگه	۶۷	صفحه	از
شماره برگه	۶۷						
صفحه	از						

عملیات عکس برداری در شرایط نا مطمئن ۱۵ بهمن ۱۳۶۴

عکس مورخه ۶۴/۱۱/۱۵: قرارگاه رعد مرتباً جهت اجرای عملیات درخواست به روز شدن اطلاعات عکاسی از منطقه عملیاتی والفجر ۸ را می نمودند و علی رغم وضعیت بد جوی جوی و عدم حضور هواپیمای خفاش و تقلیل اسکورت F14 به یک فروند دستور عکس برداری با تاکید فوق العاده معاونت عملیاتی نیروی هوایی صادر گردید و در زمان اجرای مأموریت هواپیمای عکاس مورد تهدید یک فروند هواپیمای عراقی در ۹ مایلی و دو فروند در فاصله ۳۰ مایلی قرار گرفت که با تلاش مستمر رادار بندر امام هواپیمای عکاسی به منطقه امن هدایت و به سلامت منطقه را ترک نمود.

۹۴-۶/۴-۲۰۱/ و گ ۲۲ مورخه ۶۴/۱۱/۱۵

اجرای عملیات عکسبرداری هوایی سرنوشت ساز قبل از شروع عملیات

در ساعت ۱۱۳۰ مورخه ۶۴/۱۱/۱۹ دسته پروازی شامل یک فروند RF4 با معرف شبیح و دوفروند F14 با معرف دارد و هواپیمای تانکر با معرف الهام برابر هماهنگی به عمل آمده با رادار بندر امام از شرق ارتفاعات بهبهان از قسمتی جنوبی فاو وارد منطقه و با گردش به راست از شمال و پس از عکاسی موفقیت آمیز از منطقه خارج گردیدند در این مرحله از مأموریت دشمن کاملاً غافلگیر گردید و موفق به پرواز درآوردن هواپیماهای شکاری رهگیر (اسکرامبل) از پایگاه های ناصریه و شعبیه نگردید. و یکی از مأموریت های منحصر به فرد برون مرزی هوایی که با هماهنگی رادار کنترل کننده و دسته پروازی کنترل کننده و دسته پروازی اختصاص یافته به این طرح در این مقطع زمانی حساس جنگ به ثمر نشست و مقدمه ای بود بر حصول اطمینان از آخرین وضعیت نیروهای دشمن در منطقه عملیات و تجزیه و تحلیل فرماندهان یگان های عمل کننده سطحی به منظور شروع عملیات والفجر ۸ و پس از اجرای موفقیت آمیز این مأموریت، قرارگاه عملیاتی رعد با توجه به تامین نیازمندی های عکاسی نیروهای اجرایی مأموریت اجرایی عکاسی را متوقف نمود و کلیه تلاش ها معطوف به آماده نمودن هواپیماها جهت اجرای مأموریت های عکاسی آتی گردید.

یک روز بعد از اجرای عملیاتی موفق عکسبرداری هوایی از منطقه فاو، عملیات والفجر ۸ در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ با رمز یا فاطمه الزهرا شروع گردید.

۱۰۱-۶/۴-۲۰۱/ و گ ۲۲ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ و ۱۴۹۷-۶/۴-۲۰۱/ و ه ۲۰ مورخه ۶۴/۱۲/۱۲

۳۲۲۰-۶/۲-۲۰۱/ و گ ۳۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰

هوایی دشمن می گردد. این سایت ها با در اختیار داشتن پرسنل کارآمد و مجرب و تجهیزات بروز قادر می باشد تعداد، نوع و سمت و در مواردی مأموریت هواپیماهای مهاجم را کشف و با گزارش به رادار های منطقه افسران عملیات را در به کارگیری تجهیزات زمین به هوا و هواپیماهای شکاری رهگیر کمک نماید و با شنود اطلاعات هواپیماهای خودی در حال پرواز در منطقه را (تانکر سوخت رسان، هواپیماهای ترابری، شکاری های برون مرزی، هواپیماهای تحت کنترل رادار و...) از مورد حمله قرار گرفتن نجات دهند.

سایت های شنود شرکت کننده پدافند هوایی در عملیات والفجر ۸

سایت های شنود تحت امر نهجا جهت پایش و رسد پایگاه های هوایی دشمن متخاصم به گونه ای گسترش یافته اند که در اولویت اول پایگاه های خاصی را پوشش دهند و در اولویت بعدی پایگاه های کم اهمیت تر و لذا با توجه به در پیش بودن عملیات والفجر ۸ در منطقه عمومی خوزستان و جزیره فاو ضرورت داشت در چیدمان سایت های شنود تجدید نظر به عمل آید و این سایت ها در محل های جدیدی نصب گردند به طوری که حداکثر پوشش را در منطقه استان خوزستان و عمق منطقه جنوبی کشور عراق خصوصاً پایگاه های شعیبیه و ناصریه ایجاد نماید. ایجاد لایه های پوشش در عمق منطقه شمالی خلیج فارس خصوصاً منطقه خارک، گوره، بحرگان، به منظور جلوگیری از نفوذ هواپیماهای متخاصم مورد توجه قرار گرفت و همچنین جهت عدم نفوذ هواپیماهای دشمن از منطقه شمالی استان خوزستان بازسازی و عملیاتی شدن مجدد سایت شنود ایلام که در گذشته مورد تهاجم قرار گرفته است در دستور کار قرار گرفت به طوری که تحرکات نیروی هوایی عراق از شمالی ترین منطقه (استان های خوزستان (بهبهان) و بوشهر) به طور کامل تحت پوشش سایت های شنود قرار گیرد و کلیه تحرکات هوایی دشمن متخاصم رسد و اقدام تاکتیکی مناسب توسط شبکه کنترل و فرماندهی پدافند هوایی بر علیه این عملیات انجام شود.

جدول سایت‌های شنود و مراکز تجزیه و تحلیل شرکت کننده در عملیات والفجر ۸

ردیف	نام سایت
۱	سایت شنود بهبهان (امیدیه)
۲	سایت شنود دزفول
۳	سایت شنود غدیر
۴	سایت شنود کربلا
۵	سایت شنود سماجا ۲
۶	سایت شنود ایلام
۷	مرکز تجزیه و تحلیل شیراز
۸	مرکز تجزیه و تحلیل بندر امام
۹	سایت شنود تاکتیکی

استقرار سایت‌های شنود سماجا ۲

همزمان با طراحی شبکه شنود نه‌هاجا اداره دوم سماجا نیز با توجه به زمانبند عملیات والفجر ۸ اقدام به شناسایی محل گسترش سایت‌ها شنود نمود و در عملیات شنود سماجا ۲ با در اختیار داشتن مجهزترین شنود رادیویی بصورت اطلاعات رد و بدل شده بین پست‌های دیده بان عراق مستقر در جنوب یا پست فرماندهی صفوان را شنود نموده و در اولویت یکم این اطلاعات را در اختیار شبکه فرماندهی و کنترل قرار می‌داد که با تجربیاتی که از عملیات والفجر ۸ وجود داشت این سایت‌ها اطلاعات ذی‌قیمت و سرنوشت‌سازی را فراهم می‌نمود و با گزارش بموقع حملات هوایی روی دریا و آماده باش کامل در شبکه دیدبانی عراق شبکه کنترل فرماندهی را در اعلام به موقع حملات هوایی یاری می‌نماید و اعتماد کاملی بین این سایت‌ها و شبکه فرماندهی کنترل وجود دارد.

استقرار سایت شنود کربلا

سایت شنود تاکتیکی کربلا همزمان با شروع عملیات والفجر ۸ در منطقه درگیر عملیات والفجر ۸ گسترش داده شد و در شبکه قرار گرفت که با توجه به گزارشات به موقع و حساس و حیاتی از فعالیت‌های هوایی دشمن موجب رضایتمندی رادار بندر امام گردید که مراتب مفید واقع شدن این سایت شنود چگونگی برابر سند(سند ۴۷۱-۶/۰۶-۲۰۱ و گ ۲۳ مورخه ۶۴/۱۱/۲۵) به فرماندهی پدافند هوایی اعلام گردید.


 جمهوری اسلامی ایران
 نیروی هوایی

به فرماندهی عالی
 به فرماندهی عملیات
 موضوع: سایت هوایی
 محل: فاو
 تاریخ: ۶۴/۱۱/۲۵
 ساعت: ۱۰:۵۰

به استحضار می‌رساند که
 در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۵
 عملیات والفجر ۸ در منطقه
 فاو انجام پذیرفت
 و در نتیجه
 سایت هوایی
 فاو
 تخریب گردید
 و در نتیجه
 عملیات
 موفقیت آمیز
 به سرانجام رسید
 و در نتیجه
 عملیات
 موفقیت آمیز
 به سرانجام رسید
 و در نتیجه
 عملیات
 موفقیت آمیز
 به سرانجام رسید

۶۴/۱۱/۲۵
 ۱۶۸

تاثیر سایت هواپیمای شنود (خفاش) در عملیات

استقرار سایت‌های شنود در سرتاسر نوار مرزی گاه‌ها به علت وجود عوارض طبیعی و یا محدودیت سیستم‌ها موجود عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد و لذا به منظور رفع این خلاء پوششی سیستم‌های شنود بر روی هواپیماهایی که به این منظور اختصاص یافته است نصب گردیده و به صورت برنامه‌ای و یا با درخواست قرارگاه‌ها یا پرواز در منطقه تحرکات هوایی دشمن را به موقع شنود و کشف می‌نمودند و جهت اقدام تاکتیکی با استفاده از کدهای قراردادی و توسط کانال‌های رادیویی در زمان به ایستگاه‌های راداری جهت بهره‌برداری شبکه فرماندهی و

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۱۹۵

محرری	
۳۵/۵۰۳-۰۵/۷-۸ ۳۵/۱۲۱	ف نهاجا (م ع - مدجنکال) وسماجا (اداره سوم - م ع - جنکال) فعالیت های جنگ الکترونیک در عملیات والفجر بازگشت بشماره ۶۴/۱۲/۲۴۳۰۱-۲۷۷-۱۴۲
۱- دشمن تا قبل از شروع عملیات والفجر ۸ و ادارهای باند ((L)) فرکانس ۱۱۲ تا ۱۱۵ را پارازیته مینمود ولی حدود یک هفته پس از آغاز عملیات پیروزمندانه مزبور و ادارهای باند ((K)) فرکانس ۱۵۰ تا ۱۵۰ را نیز ECM نمود و در تمام طول عملیات یادشده تاکنون گروه - اطلاعات و شناسائی الکترونیک این نیرو فعالیت های مزبور را دریافت و بمبایدی زیربط اعلام - نموده است . ۲- مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی بعرض میرسد .	
فرمانده نهاجا - سرهنگ خلیان هوشنگ سرهنگ غایب از میدان عمل گیرنده :	
۱- ف نهاجا (م ع - مدجنکال) بازگشت بشماره ۳۹-۱۱/۱۱-۲/۱۱ س ع - ۶۵/۱۱/۱۹ و پیرو شماره بازگشتی فرق جهت آگاهی و هرگونه بهره برداری ضمناً " منابع انتشار پارازیت ۲۲-۵۰ و میراژ F-۱ شناسائی گردیده است . ۲- ف نهاجا (م ع - مدجنکال) جنگ الکترونیک (پیرو بازگشتی بالا جهت آگاهی و بهره برداری .	
محرری	مدیر جنکال
معاون عملیات	معاون هماهنگ کننده
جانشین ف نهاجا	
اقدام کننده	
طیق شیر سرسبز ارسال کرد ۶۵/۱۲/۲۰	

ج- پوشش هوایی



هواپیماهای پوشش هوایی در مناطق پیش بینی شده شروع به گشت زنی می کنند
بدین منظور قبل از اجرای عملیات والفجر ۸ مناطق زیر جهت گشت زنی هواپیماهای اف ۴
و اف ۱۴ تعیین و اجرایی گردید.

اقدام سریع

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
«دفتر ویژه»

۸-۶۴-۳۵۱۰۱
۶۴/۱۰۱
۱۹-۱۰-۶۵
۱۰-۱۰-۶۵

از: ۶۴/۱۰۱ - مع

به: ف.پ.ه. - مع

در باره: پوشش هوایی منطقه والفجر

بازگشت شماره ۲-۶۴/۱۰۱ - ۲۰/۱۰/۶۵ مورخه اردیبهشت

رسید شماره ۲۷۴۳ - ۶۴/۱۰۱ - ۳۵/۱۰/۶۵ مورخه ۲۴/۱۲/۶۴

۱۴۹ - ۱۰/۱۰/۶۵ - ۳۵/۱۰/۶۵ مورخه ۲۴/۱۲/۶۴

- ۱- نحوه کنترل و حرارت هواپیماها هنگام برآوردن و آیین نامه ها معهود در باره سادتهای رادار کشفیات بود و فقط شرایط استفاده از آنها بصورت استثنای باگشتی با درخواست رفرش و منیت عملیاتی منطقه با کد پیکر داده شود و بجا میماند.
- ۲- مراتب اعلام شده در روز ۲ بازگشتی فوق این از دستورالعمل میماند آن فرماندهی اطلاع گردیده و نیازی به اعلام مجدد نبوده و این معاونت دقیقاً در جریان کلیه دستورات و امریه های مبادون میماند.
- ۳- نسبت محدودتهای معهود و دستورالعملهای عملیاتی اعلام و اطلاع رسانی هواپیماها شناسایی اف - ۴ یک مدت طولانی تکلیف نامرست نبود و بنا بر وضعیت نسبت به برقراری از آنها دستورالعمل لازم صادر گردید.

- بازگشت به دستورالعمل و نیازنامه دستورات لازم در زمینه یکبارگی از هواپیماهای اف - ۴ در منطقه شناسایی والفجر ۸ طی امریه شماره ۱۶۹۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۲۰/۱۰/۶۵ مورخه ۲۴/۱۲/۶۴ و پیرویه های فوق آن گمان اطلاع گردیده است.

- ۴- دستورالعمل با توجه به شرایط منطقه شناسایی رادار نسبت به برقراری از هواپیماهای اف - ۴ برابر

امریه نیروی دوم اقدام الفجر ۸
فرماندهی نیروی هوایی ارتش

فرماندهی نیروی هوایی ارتش
فرماندهی نیروی هوایی ارتش
(فرماندهی نیروی هوایی ارتش)

۱۲۷-۷۵

کار آبی

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
« دفتر ویژه »

۱۲۹-۲-۱۰۱-۴۰۲ روه

۶۴۱۲۲۹

از معاون عملیاتی نهجا (بدع - بی)

به فایگاه پنجم سکای (ع۲)

موضوع: گزارش هواپیمای

خواسته ارتش دستور فرماید به منظور جلوگیری از حملات هوایی روز افزون دشمن صوبه شرق عراق به منطقه اهر از تعداد سه فروند هواپیمای اف - ۱۴ با پیلوتی و عملیاتی از آن یگان به فایگاه پنجم سکای (برابر جانشینان نام کرده بآن فرماندهی) از تاریخ ۱۲۹۰۲۰۶ به مدت یک هفته به شرح زیر جهت مقابله با تهدیدات هوایی گسترش یابد.

معاون عملیاتی نهجا - بر چند
سر فنگت و پیلوتی

۱- تاریخ گسترش ۶۴۱۲۲۹ به مدت یک هفته

۲- زمان مورد استفاده از ساعت ۰۸۳۰ الی ۱۶۰۰ بصورت یکپارچه و در صورت نیاز در صورتیکه در حالت فرماندهی به اقدامات (در صورت نیاز) تعداد ۲ فروند بصورت تک فروندی بصورت یکپارچه با در خواست فرماندهی به اقدامات (در صورت نیاز) روزانه در اختیار گرفته شود.

۳- رادار کنترل کته ۵ رادار بندر امام خواهد بود.

۴- رادار کنترل کته ۵ رادار بندر امام خواهد بود.

۵- در صورت نیاز به منطقه استانی از منطقه مجتمعات الف ۳۰۴۰ شمسی و ب ۴۸۴۷ شمسی و ج ۴۹۱۵ شمسی

ت ۳۰۴۵ شمسی و ارتفاع ۵۰۰۰ ایما بالایی زمین استفاده بعمل آید.

۶- کلیه کلمات با استفاده از کدهای ارتباطی و در صورت نیاز رادار پیش پیل آید.

گزینه گمان - مروج نهجا (در صورت نیاز) جهت آگاهی و اقدام مقتضی

فایگاه پنجم سکای (ع۲) جهت آگاهی و در اختیار گرفتن تسهیلات لازم جهت پیلوتی از فایگاه

ف بهاد (ع۲) جهت استفاده از هواپیماهای مورد نظر به منظور مقابله با تهدیدات هوایی اهر از منطقه دستور

فرماید تعداد ۲ فروند از آن یگان سکای (برابر جانشینان نام کرده بآن فرماندهی) از تاریخ ۱۲۹۰۲۰۶ به مدت یک هفته به شرح زیر جهت مقابله با تهدیدات هوایی گسترش یابد.

زمانه می تواند گاه بعد از ساعت ۱۶۰۰ در صورت استفاده از هواپیماها با بدیهه منطقه

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
« دفتر ویژه »

اقدام سریع

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
«دفتر ویژه»

۳۵۲۰۱-۶۴-۸
۶۴/۱۰۱
۶۵-۱۹
۱۰

از: ۶۴/۱۰۱ - مع

به: ف پ ه - ۶۴

در باره: پوشش هوایی منطقه والفجر

بازگشت شماره ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱

رسید شماره ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱

۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱ - ۶۴/۱۰۱

- ۱- نحوه کنترل و هدایت هواپیماها هنگام برابری با نیروی هوایی عراق و آتش نامرئی و محدود در آتش
- ۲- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت
- ۳- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت
- ۴- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت

۱- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت

۲- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت

۳- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت

۴- مأموریت ها و وظایف عملیاتی در منطقه با کدگذاری و نامگذاری و نحوه هدایت

چ- مناطق ایستائی و هواپیماهای شکاری رهگیر:

منطقه ایستایی جزیره خارک (نهنگ)

این منطقه در شمال غرب شهر بوشهر حد فاصل جزیره خارک و ساحل طراحی شده و جهت گشت هواپیماهای F14 و به منظور دفاع هوایی از جزیره خارک و تأسیسات نوار ساحلی گوره و بحرگان پیش بینی گردیده است و این منطقه با توجه به توانایی های کنترل رادار بوشهر و حداکثر شعاع گشت زنی و هواپیماها مشخص شده است.

سند (۶۴/۲/۱۲ مورخه ۳ و ۱۱۰۱-۲۷/۲۷) و ۳ مورخه ۶۴/۲/۱۲



بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۰۱

منطقه ایستایی بوشهر (کوسه)

این منطقه در جنوب شهر بوشهر جهت پوشش هوایی کاروان های نفتکش و جلوگیری از حمله نیروهای عراقی به شناورهای در حال تردد به خارك و سکوها طراحی گردیده این منطقه توسط رادار بوشهر مرتباً ارزیابی گردیده و مشکلات آن مطرح و نهایتاً مورد تصویب قرار گرفته و شعاع گشت زنی با توجه به توانایی های رادار بوشهر و هواپیما مشخص شده است.

سند (۶۴/۲۷-۱۱۰۱/۳ مورخه ۶۴/۲/۱۲)



منطقه ایستایی مقابله با میگ ۲۵ (حمید)

هواپیماهای میگ ۲۵ با ارتفاع بالا پس از پرواز از پایگاه حبانیه از شمال خوزستان اقدام به نفوذ نموده و از سمت نوار ساحلی شمال خلیج فارس اقدام به بمباران منطقه گوره - بحرگان و خارك می نمایند. لذا این منطقه به گونه ای طراحی شد که هواپیماهای شکاری طرح ابابیل با دریافت دستور از سوی رادار منطقه مبادرت به اجرای پروفایل درگیری با هواپیماهای دشمن نموده و پس از افزایش سرعت و اوج گیری و رسیدن به ارتفاع مناسب، دقیقاً در روبه روی هواپیماهای میگ ۲۵ قرار گرفته و با انجام تاکتیک Pup Up (نهایت اوج گیری) با هواپیماهای دشمن درگیر می گردد.

سند (۶۴/۷۱۷-۲۰-۰۶/۴-۹۳۴ مورخه ۶۴/۷/۱۷)



منطقه گشت خارک (دلفین و پنگوئن)

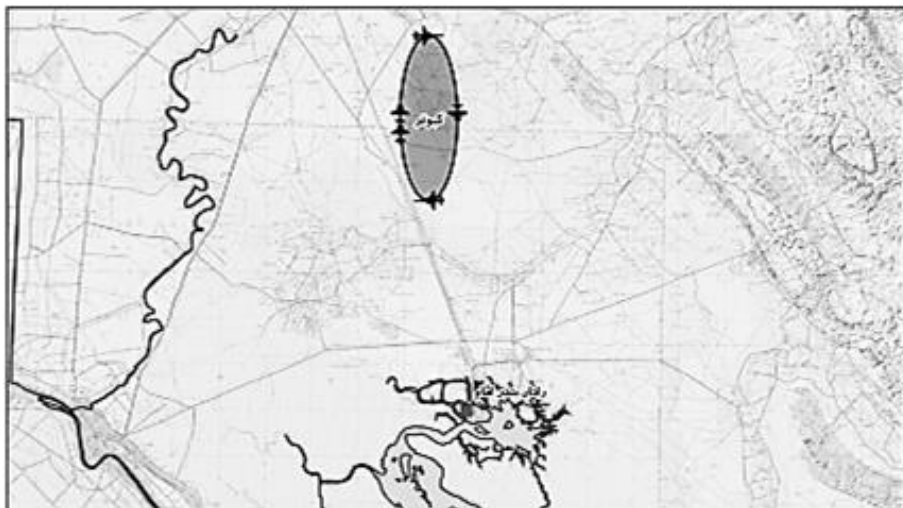
حمله به جزیره خارک و قطع جریان صادرات نفت کشور در دستور کار رژیم بعث عراق قرار داشت و به منظور دفع حملات هوایی به جزیره خارک و حفظ شریان صادرات نفت منطقه دلفین و پنگوئن جهت گشت زنی هواپیماهای F4 و F14 پیش بینی و ارزیابی گردید و پس از تأیید جهت اجرا ابلاغ شد. هواپیماهای گشت هوایی با استقرار در این مناطق ضمن مقابله با هواپیماهای مهاجم، از منطقه تحت مسئولیت حراست می نمایند.

سند (۸۷۱-۰۶/۴-۲۰۱/۲۰ هـ مورخه ۶۴/۷/۲)



منطقه کبوتر

این منطقه جهت پوشش هوایی مناطق حساس و حساسی استان خوزستان از جمله شهرهای اهواز، آبادان، ماهشهر، پوشش مناطق عملیاتی و انجام اقدام تاکتیکی علیه هواپیماهای مهاجم و دفاع از مناطق حساس و حیاتی طراحی گردیده و این منطقه به علت مسطح بودن بهترین شرایط پرواز جهت هواپیماهای F5 و F4 در شرایط دید بصری (VFR) فراهم می نماید.



منطقه درنا

این منطقه به جهت پوشش هوایی مناطق استان خوزستان، بهبهان، منطقه شمال خلیج فارس و پوشش مناطق عملیاتی و انجام اقدام تاکتیکی علیه هواپیماهای مهاجم و دفاع از مناطق حساس و حیاتی این منطقه جهت گشت هواپیماهای F14 طراحی گردیده است.



منطقه ایستایی F14 والفجر ۸

با شروع عملیات والفجر ۸، منطقه جدید ایستایی جهت هواپیمای F14 و به منظور دفاع از نیروهای سطحی طراحی گردید و این منطقه گشت هوایی از فضای شهر سربندر شروع و تا شرق آبادان ادامه داشت و با توجه به مسطح بودن این منطقه، هواپیمای F14 با پرواز در ارتفاع حداقلی در پوشش رادار عراق قرار نمی گرفت. با پرواز F14 در این منطقه، لایه های دفاع هوایی در نزدیک ترین نقطه به محل درگیری هوایی تأمین می شود و رادار بندر امام مسئولیت هوایت و کنترل هواپیماهای گشت را به عهده داشت.

سند (۱۴۱۴-۰۶/۴-۲۰۱-۰۶/۴ و ۲۰۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۲)



منطقه ایستایی تانکر در عملیات والفجر ۸

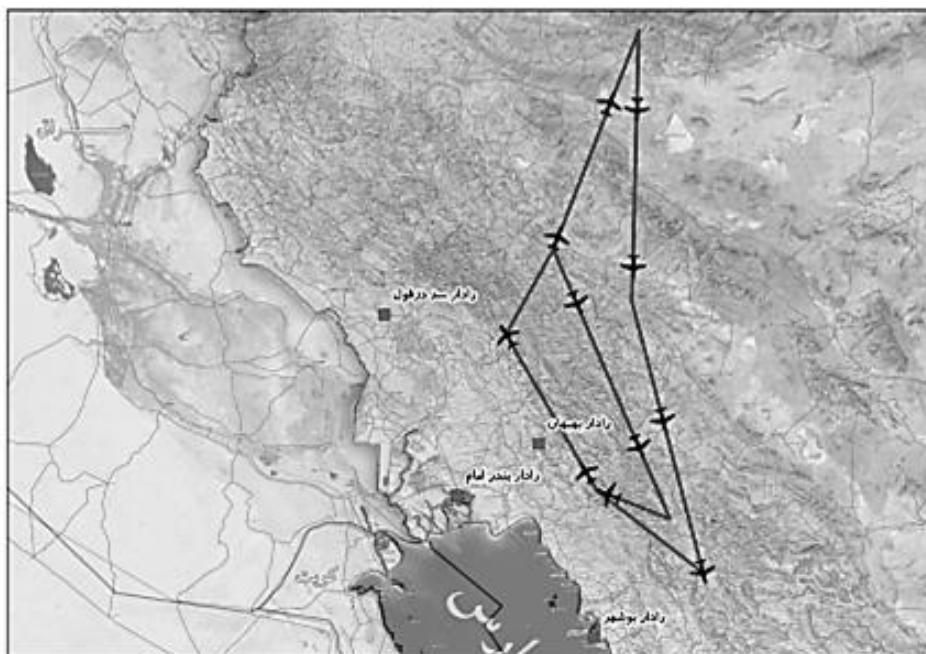
منطقه ایستایی هواپیمای سوخت رسان از شمال آسمان شهر سی سخت شروع و تا جنوب شهر دهدشت ادامه داشت و این منطقه به گونه ای در نظر گرفته شده که هواپیماهای سوخت گیر با استفاده از سامانه های ناوبری هوا به هوا و در شرایط مختلف به هواپیمای سوخت رسان ملحق و پس از انجام سوخت گیری در اختیار رادار کنترل کننده در منطقه قرار می گرفتند.

سند (۱۴۱۱-۰۶/۴-۲۰۱-۰۶/۴ و ۲۰۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۲)



منطقه ایستایی شنود

این هواپیما پس از پرواز از پایگاه‌های شیراز و یا تهران به سمت شمال منطقه خرم‌آباد مسیر داده و سپس به سمت جنوب یاسوج پرواز می‌نماید. منطقه پروازی این هواپیما به گونه‌ای پیش‌بینی گردیده که در زمان پرواز در پوشش رادارهای کشور عراق قرار نگیرد. سند (۵۶-۱/۰۶-۲۰۱ مورخه ۶۴/۱۲/۸)



مستشرق
مستشرق

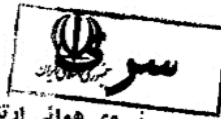
کاز آن...

- مقابله با تهدیدات هوایی جزیره خارک برابر روش جاری استفاده میشود .
- (۳) - در صورتیکه همزمان تهدیدات هوایی بر علیه جزیره خارک و کشتیها انجام شود تقدم با جزیره خارک میباشد و میبایستی با هواپیماهای اف - ۴ نسبت به خنثی نمودن حملات هوایی دشمن اقدام نمود .
- (۴) - بهنگام رهگیری ارتفاع هواپیماهاى خودى (اف - ۴ و اف ۱۴) به حداکثر ۵۰۰۰ پا با تقلیل داده میشود .
- (۵) - در صورتیکه بدلائلی امکان حضور هواپیماى اف - ۴ در منطقه نباشد از هواپیماى اف ۴ طرح پرداختن پایگاه ششم بران منطقه خارک استفاده بعمل خواهد آمد و شعاع عمل هواپیماهاى اف - ۴ در طول روز ۶۰ مایل در شمال غرب و جنوب شرقی از تنگ بوشهر و فاصله ۱۰ مایلی قبل از FIR ایران در خلیج فارس خواهد بود .
- (۶) - در صورتیکه از هواپیماهاى اف - ۴ در شب جهت تأمین پوشش هوایی خارک استفاده .. گردد شعاع عمل آن ۵۰ مایل در شمال غرب و جنوب شرقی از تنگ بوشهر و فاصله ۲۰ مایلی از FIR ایران در خلیج فارس با ارتفاع ۱۵۰۰۰ پا خواهد بود .
- مناطق تعیین شده با شعاع عمل هواپیماها روی کالک ترسیم و پیوسته تقدیم میگردد .
- مراعات جهت استحضار بعمل میبرد . م

فرمانده نهاجا - سرهنگ خانان هوشنگ مست یسقی

ر

۷۵-۱۴۱۴
۸



نیروی هوایی ارتش
(تلفن)

از پایگاه هتیم شکاری - عملیات - دفتر شماره ۲۸-۶۶-۲۰۱ ریش ۸
به معاون عملیاتی نهاجا - عملیات - آموزش تاریخ ۶ اردیبهشت
موضوع: آمادگی رزس - پیوست - یک برگ

بیرود شماره ۳۶۰-۶ ریش ۸-۲۰۱ ریش ۸-۳۰۱ ریش ۸

به پیوست جهت هرگونه اقدام مقتضی ارسال میگردد
فوا نه پایگاه هتیم شکاری: سرهنگ خلبان نژاد ریش

فوا نه پایگاه هتیم شکاری: سرهنگ خلبان نژاد ریش

بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۱۱

مسئولیت

از پایگاه هشتم شکاری - عملیات - دفتر پروژ
به: ستاد فرماندهی ناوایده آموزش
فرم گزارش آمادگی رزمی یگانهای پروازی پایگاه هشتم شکاری

۸ ردیف و تاریخ	۷ درجه آمادگی و تاریخ	۶ خدمت پروازی										۵ هواپیمای				۴ نوع	۳ محل استقرار		۲ تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۱ ردیف			
		آماده		آماده		آماده		آماده		آماده		آماده		تعداد	آباده		تعداد				محل	طرح	
		آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده	آماده										
۱ گردان ۸۰ شکاری	۲	۲	۲	۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۱	۱	۱	۱					
	۴	۴	۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۲	۲	۲	۲						
	۹	۹	۱۰	۲۲	۲۲	۲۲	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۳	۳	۳	۳						
	۱۴	۱۴	۱۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۴	۴	۴	۴						
۲ گردان ۸۰ شکاری	۲	۲	۲	۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۱	۱	۱	۱					
	۴	۴	۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۲	۲	۲	۲						
	۹	۹	۱۰	۲۲	۲۲	۲۲	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۳	۳	۳	۳						
	۱۴	۱۴	۱۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۴	۴	۴	۴						
۳ گردان ۸۰ شکاری	۲	۲	۲	۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۱	۱	۱	۱					
	۴	۴	۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۲	۲	۲	۲						
	۹	۹	۱۰	۲۲	۲۲	۲۲	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۳	۳	۳	۳						
	۱۴	۱۴	۱۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۴	۴	۴	۴						
۴ پایگاه هشتم شکاری	۲	۲	۲	۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۱	۱	۱	۱					
	۴	۴	۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۲	۲	۲	۲						
	۹	۹	۱۰	۲۲	۲۲	۲۲	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۳	۳	۳	۳						
	۱۴	۱۴	۱۶	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۱۶	اف-۱۴	اف-۱۴	۱۳۸۰/۱۰/۲۵	۴	۴	۴	۴						

۱۴۸۴

۸۰ - عوامل مؤثر در پایش بودن طبقه بندی آمادگی رزمی
۱۱ - اقدامات انجام شده جهت وصول به درجه آمادگی بالاتر

سری



بسمه تعالی

شماره ۱۴-۶۸

انطقه هوایی مهاباد (عملیات) • دفتر ویژه (شماره ۱۴-۶۸-۱۴۱۰۱) •
به معاونت عملیات نهاجا (مد عملیات) • تاکتیک و تدبیر (دفتر ویژه) •
موضوع: آمار آمادگی رزمی • پیوست: سرچشمه

بدینوسیله تعداد ۳ برگه نم گزارش آمادگی رزمی این یگان
جهت هرگونه اقدام مقتضی پیوست ارسال میگردد •

فرمانده منطقه هوایی مهاباد سرهنگ نعمت الهیسی

بسمه تعالی
کامران عزیز و جوان نبی
مکرمین صبیح قریب الله
با شما در فوج اشکال آه برگر
لگرام خرابیه
سرچشمه

دفتر ویژه
انبار کربلای نور
مهر
۶۴-۱-۸
(الف) ۵۲-۰۱-۰۹-نهاجا

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۱۳

پناه ۶۴

ملیاتی نهانجا (مدیریت عملیات • تائیکی • دفتر پوهنم) • فوتم گنواش آمانگی رزمی ینگانهای پروازی

وایش مهرلایه (معاونت عملیات • دفتر پوهنم)

۹ ملاحظات	۸ زمان لازم برای رسیدن به درجه آمادگی بالاتر	۷ درجه آمادگی ذهنی کلی	۶ خسده پرواری				۵ هوایما				۴ نوع هوایما	۳ محل انتشار		۱۱ ری
			آماده عملیات دوربین	آماده عملیاتی	موجود	شده	واکنکار	سازمانی	آماده عملیات در دوربین	آماده عملیاتی		موجود	شده	
۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴۷۱-۱۴۷۲-۱۴۷۳-۱۴۷۴-۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۴۷۷-۱۴۷۸-۱۴۷۹-۱۴۸۰-۱۴۸۱-۱۴۸۲-۱۴۸۳-۱۴۸۴-۱۴۸۵-۱۴۸۶-۱۴۸۷-۱۴۸۸-۱۴۸۹-۱۴۹۰-۱۴۹۱-۱۴۹۲-۱۴۹۳-۱۴۹۴-۱۴۹۵-۱۴۹۶-۱۴۹۷-۱۴۹۸-۱۴۹۹-۱۵۰۰-۱۵۰۱-۱۵۰۲-۱۵۰۳-۱۵۰۴-۱۵۰۵-۱۵۰۶-۱۵۰۷-۱۵۰۸-۱۵۰۹-۱۵۱۰-۱۵۱۱-۱۵۱۲-۱۵۱۳-۱۵۱۴-۱۵۱۵-۱۵۱۶-۱۵۱۷-۱۵۱۸-۱۵۱۹-۱۵۲۰-۱۵۲۱-۱۵۲۲-۱۵۲۳-۱۵۲۴-۱۵۲۵-۱۵۲۶-۱۵۲۷-۱۵۲۸-۱۵۲۹-۱۵۳۰-۱۵۳۱-۱۵۳۲-۱۵۳۳-۱۵۳۴-۱۵۳۵-۱۵۳۶-۱۵۳۷-۱۵۳۸-۱۵۳۹-۱۵۴۰-۱۵۴۱-۱۵۴۲-۱۵۴۳-۱۵۴۴-۱۵۴۵-۱۵۴۶-۱۵۴۷-۱۵۴۸-۱۵۴۹-۱۵۵۰-۱۵۵۱-۱۵۵۲-۱۵۵۳-۱۵۵۴-۱۵۵۵-۱۵۵۶-۱۵۵۷-۱۵۵۸-۱۵۵۹-۱۵۶۰-۱۵۶۱-۱۵۶۲-۱۵۶۳-۱۵۶۴-۱۵۶۵-۱۵۶۶-۱۵۶۷-۱۵۶۸-۱۵۶۹-۱۵۷۰-۱۵۷۱-۱۵۷۲-۱۵۷۳-۱۵۷۴-۱۵۷۵-۱۵۷۶-۱۵۷۷-۱۵۷۸-۱۵۷۹-۱۵۸۰-۱۵۸۱-۱۵۸۲-۱۵۸۳-۱۵۸۴-۱۵۸۵-۱۵۸۶-۱۵۸۷-۱۵۸۸-۱۵۸۹-۱۵۹۰-۱۵۹۱-۱۵۹۲														

انجام شد. جهت وصول بدرجه آمادگی بالاتر
تو درپائین بودن طبقه بندی آمادگی رزمی
م.ح.ح

فرمانده منطقه هوایی مهراباد سرخند نعمت اله

[illegible]

انجام شده جهت وصول بدرجه امانتی بالا و
خواری درایان بودن طبقه بندی آمادگی رزمی
ن. ه. ج.

معاون

معادن عسلای منطقه هوایی مهرباد • سرحد خلیان لغاس بیک
نماینده منطقه هوایی مهرباد • سرحد جمعیت المسلمین

خ- مهمات مصرفی:

مستعمل ۷ - ۶۵
۱۵

۲۷-۳۱ ۴۱۲۰۰ اردو ۲۰۰
۱۱ اردو ۲۰۰

خواهشمند است دستور فرمایید مقدار زیر مستعمل در بازگشتی ۱۵
که با در فرزند هر ایما ۱۵-۱۳۰ به مقدار پانزده تن همگاری حمل
گردیده و در حال حاضر در پانزده تن همگاری می‌باشد سرریا با
خود و از طریق رستور با یک حال کلیه حواصت حفاظت
و امنیت به پانزده تن همگاری عمل و گویا پانزده تن
گردیده

در مورد تعدادی از اینها - سر وقت
سر وقت و جنبی در اینها

کتاب لوح هوایی (جانب) پرواز ۷ به بازگشتی ۱۵ لغت اقدام
برابر این و اطلاع آکبره
گزینه ۱۰ در این آبروی پرواز ۷ به بازگشتی ۱۵ لغت اقدام
به برعلیت سر وقت ۱۵
آقای

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۱۷

بسمه تعالی

بسمه تعالی

ارتش جمهوری اسلامی ایران

نیروی هوایی

«دفتر ویژه»

از: معاونت لوجستیک (مدیرکل لجستیک)

به: معاونت عملیات (مدیرکل عملیات)

در باره: آمار وضعیت مهمات هوایی

پرونده شماره: ۶۴-۳۶۴-۴۲-۱۴۰۱/۱۴۰۱-۶۴/۱۱/۲۲

شماره ۱۳-۴۲-۱۴۰۱/۱۴۰۱ و ۶۴/۱۱/۲۲

تاریخ: ۶۵/۱/۱۱

پوست: یکپوست

موضوع: اقدامات

در خصوص تکمیل فستاد آمار مهمات کامل موجود در گانهای تابعه و نیازها جهت بهره برداری در طرحهای عملیاتی به پوست ارسال میگردد.

معاون لوجستیک و نیازها: سرنگ ذبیحان عصاره

ارژون سرنگ محمدزنی

سازمان ۷
۶۵-
۱۳۰۱

سبد تعالی * فهرست مهمات کامل موجود در رگانه های تابنده نوا

ردیف	نوع مهمات	پاکیه یکم	پاکیه دوم	پاکیه سیم	پاکیه چهارم	پاکیه پنجم	پاکیه ششم	پاکیه هفتم	پاکیه هشتم	پاکیه نهم	پاکیه دهم	گروه پراکنده	فراوان
۱	بمب ۲۵۰ پوندی G.P	۱۳۶۸	-	۱۵۴۰	۱۵۰	۴۰۳	۸۰۰	-	-	۵۹۷	-	۳۳۱	۱۰۸۱
۲	بمب ۵۰۰ پوندی G.P	۲۵۶	۵۹۳	۴۰۳	۳۷۱	۴۴	۵۴۶	-	-	۳۶۰	-	-	۷۰۴
۳	بمب ۵۰۰ پوندی تانکری	۲۸۲	۲۸۵	۴۷۷	۳۰۳	۲۸۴	۴۶۲	۶۰	-	۳۳۰	۶۰	-	۶۳۵۳
۴	بمب ۵۰۰ پوندی لیزر	۴۳	-	۷۲	-	-	۷۷	-	-	۶۳	-	-	۴۹
۵	بمب ۷۵۰ پوندی G.P	۵۹۱	۶۰۰	۹۷۰	۴۰۵	۱۵۰	۶۱۷	۳۰	-	۸۰۵	۳۰	۳۱۵	۵۳۵۰
۶	بمب ۷۵۰ پوندی تانکری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷	بمب ۱۰۰۰ پوندی G.P	۸	-	۲	۱۰۰	۱۴	-	-	-	۱۲	-	-	۵
۸	بمب ۱۰۰۰ پوندی تانکری	۲۷	۳۰	۱۰۰	۶۷	-	۱۱۶	-	-	۳۴	۳۰	-	-
۹	بمب ۲۰۰۰ پوندی G.P	-	-	۱۲	-	۴۶	۲۰	-	-	-	-	-	-
۱۰	بمب ۲۰۰۰ پوندی لیزر	۷۰	-	۱۷۳	-	-	۱۱۲	-	-	۶۵	-	-	۵۶۳
۱۱	بمب توشرای CBK-58	۵۰	۶۶	۱۱۳	۹۰	۶۲	۱۰۴	-	-	۶۸	-	-	-
۱۲	بمب توشرای CBK-71	۴۸	۵۰	۷۲	۶۸	۶۴	۸۰	-	-	۱۹	۱۰	-	۱
۱۳	بمب کلارتر BL-755	-	۱۲	۱۳	۶۰	۳۴	۲۲	-	-	-	-	-	-
۱۴	بمب ناپالم BLU-1/B	۵۹۳	۱۰۶۱	۸۱۴	۳۵۶	۱۹۵	۵۴۰	-	-	۲۰۱	-	-	۵۶۶۶
۱۵	فلیمر LUU-2	۱۲۳۳	-	۳۴۹۳	-	-	۴۲۵۵	-	-	۶۸۸	-	-	۴۱۵۸
۱۶	راکت ۷۵۰ با سر جنگل MKS	۵۷۰۰	۶۹۶۶	۱۴۴۳۳	۱۷۶۸	۴۷۵	۷۸۳۱	۵۷۰	-	۵۱۳۰	۵۷۰	۱۷۱۰	۹۶۰۸
۱۷	راکت ۱۷۵۰ با سر W.P	۶۴۶	۱۲۹۹	۲۱۹۰	۴۱۱	۹۵	۲۰۴۸	-	-	۱۰۸۰	-	-	۱۰۸۹
۱۸	لاپچر LAU-3/A	۳۳۴	۴۳۵	۸۷۳	۱۰۸	۳۰	۵۲۰	-	-	۲۲۹	۳۰	۹۱	۵۶۳
۱۹	راکت ۵ زونی	-	۱۹۱	-	۷۶	-	-	-	-	۷	-	-	۴۸۰
۲۰	لاپچر LAU-10/A	-	۴۸	۴۹	۱۹	-	-	-	-	-	-	-	-

بسمه تعالی

سری

کد ارتش جمهوری اسلامی ایران - نیروی هوایی

(تلفن)

از پایگاه نهم شکاری (لوج - دفتر ویژه) شماره ۱ - ۴۲ - ۱۰۰۰۰۰۰۰ / ۹۲۱۸۸

به معاونت لوج نهاجا (مد ماتریل - جام - تادفیع ویژه) ۷۵ / ۱ / ۲

موضوع - ذخیره عملیاتی فشنگهای ۲۵ م م بیوست

پیرو شماره : ۱ - ۴ - ۱۳۱۲ - ۶۵ / ۱ / ۲ (صادره خیلی محرمانه از این یگان)

بدینوسیله کمبود ذخیره عملیاتی این یگان از فشنگهای فوق جهت آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی باستحضار میرسد .

۱ - فشنگ ۲۵ م م HEI ۹۲۱۸۸ تیر

۲ - فشنگ ۲۵ م م HEIT ۱۶۶۳ تیر

فرمانده پایگاه نهم شکاری - سرهنگ خلبان ستاد صمدی

۷۵ / ۱ / ۲

گیرندگان :

معاونت عملیات نهاجا (مد عملیات) پیرو شماره یاد شده فوق جهت استحضار .

فرماندهی لجستیک هوایی (جامه) پیرو شماره یاد شده فوق جهت آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی .

سازمان

اطلاع

۱۰۰۱

۵۲۰۲ (الف)

نیواک

۱۰۰۱

معارف مکتوب ۷
۶۵ - ۱۹۴۱

بسمه تعالی
ارتش جمهوری اسلامی ایران
نیروی هوایی
«دفتر ویژه» سری

مسجد تعالی

از ۳ لوح فایده (مدرسه تری - جام)

بسمه تعالی (مدرسه - سباز منوچهر)

در باره مهمات هوائی

بازگشت بشماره ۳۲ - ۱۳۱ - ۱۴۱۳ - ۳۵۹۱۲ - ۱۲/۱۲/۵۵

در پیوسته یک برگ فتوکپی پیام شماره ۱۱ - ۴۲ - ۱۴۰۱ پیوسته ۵ با نگاه به پیوسته شکاری در

را دیه با درخواست مهمات مورد نیاز جهت بررسی و اعلام نظر به آن معاونت

تبدیل رنجه تأمین آن به پیوسته ارسال میگردد. ضمناً وضعیت مالی حای موجود کامل

نگاههای نامه فایده با شرح برگ پیوسته میبارش

۳ لوح فایده - سرفنگ خندان شماره ۲۵۹۱۲

اظهار
سرگردید و بجا

گیرندگان

۱ - فایده هوائی (عاب) به پیوسته یک برگ فتوکپی پیام یاد شده در متن جهت آگاهی و اقدامات بعدی به پیوسته ارسال میگردد.

۲ - فایده به پیوسته شکاری (لوح) بازگشت بشماره یاد شده در متن جهت آگاهی

بخش دوم: نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۲۲۱

2011/1415-21-2A
40/11

بِسْمِ تَعَالٰی

ارتش جمهوری اسلامی ایران

نیروی هوائی

« دفتر و یژہ »

بِسْمِ اللّٰہِ

(از مجموع ۱۰۰ نمره)

م. ل. ج. (م. ل. ج. ح. م.)

”یہاں پر کھڑے ہوئے

بازگشت شد.

٢٤-٢٥-١٤٠١ هـ / ١٠ / ١٤٠١

خواهش من است که در فراموشی تعداد به عدد طایفی که پایلی، چارم و اخبر پایلی.

پنجم کتاب در فرا داره و نسبت به جائزین بخوبی است و یک دوام هر یک از اینها در این

فدایم السلام علی سید اکبر

الف: ۲۵ عدد از فهم و ادب

ب: ۱۰ " ۳۵ ۳۰

ج : ۲۵ " " " " " "

ن ل ن
م، عملیاتی و تحقیقاتی
نظران و روش‌های

گزشتہ دوں

۱- ف بوج هوائی (جانب) بهر و با کس فوق صوب اکابر و در آنند اندام ^{است} صفت حسی و طبیعتی از

یاد، جو ہم بہ پاک، پیغمبر (ارادہ) دینی سرگزشت و اسرار

۲- فم ۵ قدر بار حدت آقا سر و سر لونه اندام مالتی

۲- و باینکه مردم در پیج منم شکر و صفت اکتفا در و در کلام الله باشد

Handwritten signature: *Dr. J. A. ...*

سید

م ۷ - ۷۵
۱۴

----- سری ۱

این بایگام به تمام مکانی / معاونت لوح دفتر ویژه
به معاونت لوح شجاعا مدد و ارسال عام
اکم به

معاونت عملیات شجاعا (شیراز)

شماره ۱۴۰۱-۱۴۲/۷-۱۴۰۱ به ۵-۱۴۲/۱۴۰۱
در باره معائنات هوایی

با رنگت به شماره ۱۴۲/۷-۱۴۰۱ و ۱۴۰۱-۱۴۲/۱۴۰۱

به دستوریه به اطلاع میرساند که تعداد ۵۰ پنجاه عدد هندوانه
از خروج عملیات والفجر ۸ تا پایان روز ۱۴۰۱/۱۴۰۱ در این
مکان به مصرف رسیده است مراتب جهت آگاهی و برگزیده اقدام
تأیید به عرض میسرود

دانشور
معاونت

سرهنگ مادی

بسمه تعالی

سری - کار ادبی

معملاً نش ۱۲۷-۶۵
۳

از فرماندهی نهاجا

به فرماندهی قرارگاه رعد

شماره ۴۵۸-۳/۴-۱۶۰۰ و ۲ و ۶۴/۱۲/۲۲

درباره سرگرد خلیان محلی اردستانی

نظر بانکه افسر یاد شده از خلیانان عکتبی نهاجا بوده که بطور مستمر در مأموریتهای متعدد رزمی مشارکت داشته است و از آن جا بیکه نامبرده مسئولیت معاون عملیاتی پایگاه دوم شکاری را نیز بعهده دارد و در آینده هم در نظر است وی در مأموریتهای محوله مثابه شرکت نماید لذا دستور فرماید عنارالبه سریعاً به بگان اولیه مراجعت تا پیش بینیهایی لازم را در این مورد انجام دهد.

ف. نهاجا سرهنگ خلیان صدیق

از طرف سرهنگ خلیان عابدین

۱۸

سید شایان
ناشر در صورت ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۴
علی ناگوریت به مراسم عزت
عزاد است
بیت فی نزد

۱۴
۱۳۶۴

توارکننده میرا سdale

۱۹۶۷
۱۸۴
تاریخ و ساعت وصول
۲۱۱۸

فهرست	شماره	تاریخ
۱۸۴	۱۹۶۷	۲۱۱۸

۲ - شرکت یگان‌های پدافند هوایی در عملیات والفجر ۸^۱



الف: کلیات:

نقش یگان‌های پدافند هوایی در جنگ تحمیلی آن گونه که شایسته آن است بازگو نشده و این امر مهم چه در طول جنگ و چه بعد از آن برای اکثریت پوشیده مانده است. پدافند هوایی در تمام مدت دفاع مقدس به صورت شبانه روزی و مداوم درگیر جنگ با دشمن متجاوز بوده و حتی در مراحل درگیری‌ها از حالت پدافند از نیروها و منابع و تأسیسات مهم و حیاتی فراتر رفته و حالت درگیری مستقیم و رو در رو با دشمن را به خود گرفته است. گرچه در دوران دفاع مقدس ابرقدرت‌های شرق و غرب با هماهنگی کامل نابرابری‌های ظالمانه‌ای را به ما تحمیل کردند، آنان از یک طرف با تحریم‌های گسترده و فراگیر مانع رسیدن نیازمندیهای فنی و قطعاتی و حتی مواد مصرفی ویژه سامانه‌های پدافندی به دست ما می‌شدند و از طرفی دیگر مدرن‌ترین تجهیزات روز دنیای موجود در بلوک شرق و غرب همانند هواپیماهای میراژ اف - ۱، میگ ۲۹ و میگ ۲۵ و سوخوی ۲۴ و ۲۵ و موشک‌های ضد راداری ۲۸خ و ۵۶خ و موشک‌های ضد رادار ساخت کارخانجات مارتای اروپا که همه از سرآمدهای

۱. این بخش با همکاری صمیمانه و تخصصی امیر سرتیپ براتعلی غلامی و امیر سرتیپ ۲ فراوان که در عملیات والفجر ۸ شرکت مؤثر داشته اند و از صاحب نظران پدافند هوایی می‌باشند تهیه و تدوین گردیده است.

تجهیزات آفندی روز دنیا بود بی‌دریغ در اختیار عراق قرار می‌گرفت و با گذشت زمان بر محدودیت‌های ایران افزوده می‌شد و بر عکس حجم کمک‌ها به عراق فراگیر و گسترده تر می‌گردید، با این وجود یگان‌های پدافند هوایی هیچ‌گاه اجازه جولان هوایی‌های مدرن دشمن را در فضای مقدس جمهوری اسلامی ایران را نداد و با قبول مشقات زیاد، خلق نوآوری و ابداعات جدید همه جا عرصه را بر دشمن تنگ نمود و در فرصتی مناسب ضربات سنگین و مهلکی بر دشمن وارد کرد که یکی از فرازهای غرور آفرین آن عملیات والفجر ۸ بود.

عملیات والفجر ۸ آوردگاه مناسبی برای ایثار گری تمام رزمندگان و فرصت مناسبی بود برای تاختن بر دشمن متجاوز که روزگاری پا را از گلیم خود فراتر گذاشته و خاک مقدس ایران اسلامی را با قدمهای ناپاک خود آلوده نموده بود.

اینک زمان آن فرا رسیده بود که معنی تجاوز را مزه مزه نمایند و مجموعه پدافند هوایی هم به حق، نقش ارزنده خود را ایفا کرد و درسی ماندگار به متجاوزان و استکبار جهانی داد و خاطره‌ای شیرین و جاودانه در تاریخ پدافند هوایی از خود به یادگار گذاشت.

ب- اصول حاکم بر طراحی عملیات والفجر ۸

در طراحی عملیات والفجر ۸، از تمام ظرفیت‌ها و پرهیز از هر نوع ساده اندیشی و توجه به قوانین و اصول رزم که ارتش از ابتدا بر آن تأکید داشت، از سوی طراحان عملیات مدنظر بود. مواردی چون تأمین امنیت هوایی منطقه در عملیات و بهره‌گیری از تجهیزات پدافندی کلیه نیروها (ارتش و سپاه) به صورت یک پارچه به منظور ایجاد وحدت فرماندهی و بهره‌گیری از حداکثر آتش سلاح‌های پدافندی در مقابل حملات هوایی دشمن و تقویت لایه‌های پدافندی در عمق و استفاده ترکیبی از رادارهای هدایت و کنترل و مراقبت هوایی و موشک‌های زمین به هوا و هواپیماهای شکاری رهگیر و بهره‌گیری از اصل غافلگیری، رعایت اصول حفاظتی حداکثری از دکترین پدافند هوایی که به صورت نوین در این عملیات استفاده گردید و همچنین بهره‌گیری حداکثری از سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات همه نیروها در این مرحله از رزم به صورت یکپارچه با تقویت پدافند در عمق و ابتکار عمل و استفاده از روش جنگ ضد الکترونیک (ECCM) از ویژگی‌های این عملیات بود.

به اختصار:

۱- وحدت فرماندهی

۲- تمرکز قوا

۳- بهره گیری از اصل غافلگیری

۴- تقویت لایه‌های تقویت لایه‌های پدافند هوایی (رادارها، زمین به هوا، هواپیما)

۵- بهره گیری از حداقل تجهیزات در مقابله با حجم گسترده حملات دشمن

پ- سازمان قرارگاه عملیاتی رعد

این قرارگاه بر اساس نیازمندی‌های تاکتیکی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (ص) در جهت تأمین پوشش هوایی و پشتیبانی پدافند هوایی از نیروهای سطحی در خطوط مقدم جبهه طرح‌های مربوطه به چگونگی تأمین جنگ افزار پدافند هوایی را از طریق تغییر اولویت‌های مناطق حساس و حساسی و پرسنل را با سازماندهی مناسب به منطقه نبرد هدایت و مورد استفاده تاکتیکی قرار می‌داد.

- قرارگاه تاکتیکی پدافند هوایی: متشکل از فرماندهی پدافند هوایی و معاونت عملیاتی نهاجا.

- قرارگاه آماد رزمی: متشکل از فرماندهی لجستیک هوایی و معاونت لجستیک نهاجا.
قرارگاه ارتباط رزمی: متشکل از فرماندهی ارتباط و الکترونیک و معاونت ارتباط و الکترونیک نهاجا.

- قرارگاه امداد و درمان: اداره بهداری نهاجا.

- قرارگاه مهندسی رزمی: متشکل از مرکز جهاد خودکفایی پدافند هوایی و معاونت لجستیک نهاجا.

فرمانده قرارگاه تاکتیکی پدافند هوایی پس از دریافت مأموریت تعدادی از افسران باتجربه و زبده عملیاتی و فنی را جهت فرماندهی و هدایت تجهیزات را تعیین و به فرمانده پدافند هوایی معرفی نمود که نهایتاً با هماهنگی معاونت عملیات و لجستیک فرماندهی پدافند هوایی افسران پروژه‌های هاگ، اسکای گارد نهاجا و نزاجا، ۲۳ م م، اورلیکن، راپیر تعیین و به قرارگاه معرفی گردیدند.

این افسران مأموریت داشتند کلیه تجهیزات و پرسنل مأمور به قرارگاه را سازماندهی و آماده مأموریت نمایند و کلیه گسترش‌ها و پشتیبانی فنی و لجستیک را به موقع برنامه ریزی و هدایت نمایند.

ت- مرکز فرماندهی و کنترل عملیات پدافند هوایی

این مرکز فرماندهی و کنترل باز و می تواند فرماندهی پدافندی می باشد که به صورت شبانه روزی و یا در اختیار داشتن شبکه های فرماندهی و کنترل منطقه ای و سنسورهای گوناگون و متنوع به صورت مستمر کلیه تحرکات و فعالیت های هوایی را اعم از داخل و عمق کشورهای همجوار را رصد نموده و با تجزیه و تحلیل این اطلاعات دریافتی و تشخیص به موقع تهدیدات در مراحل مختلف دفاعی اطلاعات تجزیه و تحلیل شده از تحرکات هوایی را جمع آوری و در اختیار فرماندهی پدافند هوایی قرار دهد. این مرکز مجهز به شبکه ارتباطی یکپارچه می باشد که آن را قادر می سازد کلیه تحرکات هوایی را در سطح کشور کنترل و رصد نماید. در این مرکز، زبده ترین افسران عملیاتی پدافند هوایی و نمایندگان ستاد تخصصی من جمله نمایندگان ارتباط، لجستیکی، رادار، زمین به هوا، آماد... فاشا مسقر می باشد و به صورت لحظه ای و ۲۴ ساعته اطلاعات دریافتی از شبکه فرماندهی و کنترل را به معاونت تخصصی ستاد فرماندهی پدافند هوایی منعکس نموده و بر روند آماده به کار بودن کلیه سنسورهای تحت امر نظارت کامل اعمال می گردد. از طرفی کلیه دستورات جزء به جزء ستادی از طریق این مرکز (اعم از عملیاتی، لجستیکی و حتی اداری) به کلیه شبکه های فرماندهی و کنترل تحت امر ابلاغ می گردید و در عملیات والفجر ۸ این مرکز با مجرب ترین افسران عملیاتی و لجستیکی تقویت گردید و یکی از وظایف مهم این مرکز، هماهنگی با پست فرماندهی نیروی هوایی، پست فرماندهی پایگاه های هوایی به منظور تأمین به موقع هواپیماهای شکاری، رهگیری اسکراملر جهت مقابله با هواپیماهای متخاصم و متجاوز و همچنین پرواز به موقع هواپیماهای شکاری، گشت هوایی (CAP) و حضور در مناطق ایستایی مصوبه تحت هدایت و کنترل رادارهای منطقه در راستای پوشش نسبی هوایی در مقابله با تهدیدهای هوایی دشمن ضمن اینکه برنامه ریزی جهت به پرواز درآمدن به موقع هواپیماهای سوخت رسان و حضور آن در منطقه ایستایی از پیش تعیین شده از وظایف این مرکز عملیات والفجر ۸ می باشد.

ث- تشکیل شبکه فرماندهی و کنترل پدافند هوایی والفجر ۸

مرکز فرماندهی و کنترل عملیات اصلی پدافند هوایی والفجر ۸ (مستقر در بندر امام)

شهید (سرهنگ) ستاری به عنوان نماینده تام الاختیار قرارگاه عملیاتی رادار قبل از شروع عملیات والفجر ۸ به منظور اعمال سریع دستورات بلا واسطه دستورات عملیاتی در این مرکز مستقل گردیدند و شخصاً نسبت به سازماندهی و توجیه عملیاتی کارکنان درگیر در این مرکز

اقدام نموده و از ساعات اولیه شروع عملیات با ابلاغ دستورات عملیاتی جزء به جزء به عوامل پدافندی مستقر در منطقه، رأساً نسبت به مدیریت و هدایت عملیات اقدام می نمود و همزمان کلیه اقدامات با رده بالاتر فرماندهی قرارگاه رعد هماهنگی های لازم را به عمل آورد و ضمن اینکه کلیه رویدادها توسط شخص ایشان با ستاد فرماندهی پدافند هوایی به عمل آمد و دسک های هوایی مستقر در منطقه و سایت های هاگ، سایت های شنور برآورد و برقرار گردید و تعدادی خطوط جایگزین نیز پیش بینی گردید که در صورت قطع ارتباط، اختلالی در روند تبادل اطلاعات به وجود نیاید و کنترل عملیاتی کلیه جنگ افزارهای پدافند هوایی گسترش یافته در منطقه تلاش اصلی عملیات والفجر ۸، لایه های دفاعی در عمق استان خوزستان، شمال خلیج فارس و مناطق حساس و حیاتی و آسیب پذیر در حیطه مسئولیت مرکز قرار گرفت.

مرکز فرماندهی و کنترل جایگزین بهبهان

این مرکز با قرار گرفتن در شبکه فرماندهی و کنترل پدافند هوایی مأموریت داشت اطلاعات کلیه اشیاء پرنده کشف شده در منطقه تحت مسئولیت خود را اعم از خودی و دشمن در لحظه به مرکز فرماندهی و کنترل مستقر در بندر امام و همچنین مرکز عملیات منطقه ای شیراز (SOC) گزارش نماید و در صورت غیر عملیاتی شدن مرکز فرماندهی و کنترل بندر امام، مسئولیت هدایت و کنترل آتش کلیه جنگ افزارهای مستقر در منطقه عملیات والفجر ۸ را عهده دار گردد. ضمن اینکه کلیه خطوط ارتباطی مورد نیاز پیش بینی و در این مرکز برقرار گردید.

مرکز فرماندهی و کنترل جایگزین دزفول

به این مرکز در عملیات والفجر ۸ ابلاغ گردید اطلاعات دریافتی از هواپیماهای مهاجم عراقی که از پایگاه های مرکزی عراق در حال فعالیت بودند را بلافاصله به مرکز عملیاتی فرماندهی و کنترل بندر امام گزارش نماید تا این مرکز با استفاده از این اطلاعات فرمان کنترل آتش جنگ افزارها را به موقع و قبل از نفوذ هواپیماها به منطقه عملیات والفجر ۸ ابلاغ نماید و همچنین مسئولیت ویژه گزارش اطلاعات هواپیماهای میگ ۲۵ را که از پایگاه هوایی حبانیه پرواز می نمودند به عهده داشت که با گزارش لحظه ای این اطلاعات به مرکز عملیات منطقه ای شیراز (SOC) اقدامات پیشگیرانه به عمل می آید.

مرکز فرماندهی و کنترل جایگزین بوشهر

این مرکز فرماندهی و کنترل علاوه بر حفظ و حراست از فضای منطقه تحت مسئولیت خود که مهمترین آنها جزیره خارک، سکوه های نفتی شمال خلیج فارس، بندر گناوه، گوره، بحرگان و... می باشد، با بهره گیری ای هواپیماهای شکاری طرح پدافندی F4 و F14 و همچنین

سایت‌های هاگ، در تکمیل دفاع از لایه‌های پدافندی در عمق نقش اصلی و حیاتی را به عهده داشت که با استفاده از این امکانات پدافندی از تهاجم تلافی جویانه عراق و حمله به تأسیسات منابع نفتی و شناورهای در حال تردد، جلوگیری به عمل آورد و این مرکز فرماندهی و کنترل مسئولیت داشت به صورت لحظه‌ای کلیه اطلاعات دریافتی از اشیاء پرنده را در منطقه شمال خلیج فارس در اولویت یکم به مرکز فرماندهی و کنترل بندر امام در اولویت بعدی به مرکز عملیات منطقه ای شیراز گزارش نماید و همچنین این مرکز به سیستم‌ها و تجهیزات ارتباطی مورد نیاز مجهز گردید تا در شرایط بحرانی بتواند مسئولیت فرماندهی و کنترل مرکز عملیات منطقه ای شیراز را به عهده بگیرد و رأساً عملیات پدافند هوایی در منطقه تحت مسئولیت SOC شیراز را کنترل و هدایت نماید.

مرکز عملیات منطقه ای اصلی شیراز (SOC)

این مرکز فرماندهی و کنترل مسئولیت هدایت و کنترل عالی پدافند هوایی منطقه جنوب غرب کشور را به عهده دارد و کلیه جنگ افزارهای پدافند زمین به هوا اعم از موشکی و توپخانه ای و هواپیماها و طرح پدافندی تحت کنترل عملیاتی این منطقه قرار دارند و کلیه تحرکات هوایی تحت پوشش رادارهای بوشهر، بندر امام، بهبهان و دزفول به صورت لحظه‌ای به این مرکز مخابره و گزارش می‌گردد. این مرکز با در اختیار داشتن زبده ترین افسران کنترل شکاری متناسب با نوع تهدید و موقعیت تهدید پیش بینی های تاکتیکی را به عمل آورده و دستور درگیری به موقع را صادر می نماید. این مرکز مسئول شناسایی کلیه پروازهای کشف شده در منطقه تحت مسئولیت می باشد و با در اختیار داشتن طرح های پروازی و با استفاده از کلیه ابزارها نسبت به شناسایی هر نوع شیء پرنده اقدام می نماید. این مرکز همچنین موظف است با تمامی مستمر با پست های فرماندهی با پایگاه های شکاری، زمان پرواز و نشست و برخاست کلیه هواپیماهای طرح پدافندی از جمله F4، F5 و F14 را مدیریت می نماید که همواره منطقه هوایی، منطقه خالی از پوشش مناسب نباشد و همچنین با هماهنگی مرکز عملیات پدافند هوایی، زمان پرواز هواپیماهای تانکر و سوخت رسان را مدیریت می نماید و زمان خروج هواپیماهای شکاری از منطقه را به منطقه جهت سوخت گیری مدیریت می نماید. در این مرکز نماینده فاشا مستقر می باشد و کلیه اطلاعات دریافتی از سنسورهای اطلاعات شناسایی را به فرمانده منطقه نبرد اعلام می نماید و این فرمانده با ترکیب اطلاعات دریافتی از فاشا، با اطلاعات دریافتی از سنسورهای راداری به موقع تهدیدات را شناسایی و اقدام متناسب با نوع تهدید را به اجرا می گذارد.

ج- تشکیل آماد قرارگاه رعد

پس از شکست های پی در پی ارتش متخاصم عراق در جبهه زمینی نیروی هوایی عراق کلیه تلاش های خود را معطوف حمله به تاسیسات نفتی و صنعتی نمود و لذا به منظور تقویت بنیه دفاعی این تاسیسات ضرورت داشت تعداد زیادی جنگ افزار پدافندی در این نقاط گسترش یابند. در آن مقطع زمانی سیستم آمادی موجود نهاجا مستقر در پایگاه های امیدیه و دزفول فاقد زیر ساخت های لازم جهت پشتیبانی از این تجهیزات گسترش یافته در این مناطق نفت خیز بودند و با امکانات موجود فقط قادر به پشتیبانی از جنگ افزار های مستقر در اطراف پایگاه ها بودند. و لذا به منظور فراهم نمودن. امکانات از عملیات آتی که تردد بود در وسعت زیادی در استان خوزستان انجام شود از سال ۱۳۶۲ مقدمات تشکیل قرارگاه رعد در اهواز فراهم شود.

در اولین قدم آماد قرارگاه با کمک آماد گروه پدافند پدافند هوایی اهواز تشکیل گردید و مسئول آن (محدوده پشتیبانی) که دارای تخصص آمادی بود تعیین گردید. این مرکز آمادی به تنهایی قادر به پشتیبانی از عملیات های اتی نبود و ضرورت داشت در تهران نیز مرکزی بدین منظور تشکیل گردد تا بتواند به نیاز های آمادی سریع پاسخ دهد لذا در قصر فیروزه دو محلی تعیین گردید و دفتر آماد قرارگاه رعد تهران با استقرار تعدادی کانکس رسماً شروع به کار نمود و مسئول آن (استوار قاسم علیپور) معرفی گردید. این مرکز با حمایت مستقیم سرهنگ ستاری و فرمانده لجستیک هوایی سرهنگ اناری به تعدادی خودرو سبک و خودرو سنگین و خط تلفن ستاد و شهری تجهیز گردید و تعدادی پرسنل کادر، راننده و تعداد ۲۰ نفر سرباز خدماتی به منظور دریافت اجناس از انبارها و دریافت کمک های مردمی از مساجد شهر اختصاص یافت. مسئول این دفتر در تهران به علت داشتن روابط عمومی مناسب و اشراف به تخصص آمادی از میزان شارژ و موجودی انبارهای نهاجا و پدافند آگاه بود و سریعاً به درخواست فرماندهی نهاجا و فرماندهی لجستیک را به خود جلب نمود و ماموریت هایی که به سادگی قابل اجرا نبود به این دفتر واگذار می شد و در یک مرحله در سال ۱۳۶۳ (مطالبه سروان علیپور) سرهنگ اناری مسئول دفتر قرارگاه رعد را در دفتر فرماندهی لجستیک هوایی سرهنگ اناری احضار و به وی ماموریت داد ۵۱ دستگاه نیسان را از انبار سپاه پاسداران جاده کرج دریافت کند و در این جلسه اکثراً به میزان کارایی این دفتر اعتماد چندانی نداشتند ولی نامبرده علاوه بر داشتن سنوات خدمتی کم این ماموریت را پذیرفت و همان روز تعداد ۵۱ دستگاه وانت نیسان را از انبار های

سپاه خارج و هماهنگی تلفنی با ستاد پدافند ۵۱ نفر راننده که از پرسنل عادی ستاد پدافند بودند به کرج اعزام و تا آخر شب انتها را دریافت و در ستاد پدافند پارک نمود که فردای مورد تقدیر مسئولین آمادی قرار گرفت و با مرور زمان این دفتر آماد اعتماد سلسله مراتب را جلب نمود. تا حدی که نیازمندی‌ها از اهواز به صورت تلفنی در هر ساعتی از شبانه روز به این دفتر اطلاع داده می شد و مسئول دفتر بلافاصله به انبار قصر فیروزه و سایر انبارها مراجعه و با تعویض اختیاری که انجام شده بود اجناس از جمله پلاستیک، باتری و... را بلافاصله دریافت و به محل دفتر منتقل گردید.

چ-گسترش پست‌های دیده‌بانی بصری زمینی در منطقه

-دیده بانی

فلات ایران از شمال غرب تا جنوب شرق توسط رشته کوه زاگرس و از شمال غرب تا شمال شرق توسط رشته کوه البرز و در شرق توسط رشته کوه های بینالود و تفتان احاطه گردیده و این رشته کوه های سر به فلک کشیده فلات ایران را مانند نگینی در بر گرفته و از ان حفاظت می نماید این رشته کوهها به صورت طبیعی دارای دره های عمیق می باشند که به صورت طبیعی به داخل خاک ایران امتداد دارند و همواره اقوام یاغی با استفاده از این دره ها و معابر وصولی از غرب، شمال و شرق این سرزمین کهن را مورد تاخت تاز قرار داده اند و این حملات مختص به تمدن ایران نبوده بلکه تمدن های رم و چین و مصر باستان نیز همواره در معرض تهاجم این اقوام یاغی بوده اند بطوریکه تمدن باستان چین با احداث دیوار در قسمت شمالی و گماردن دیده بان ها بر روی این رشته دیوار ها از حملات اقوام شمالی جلوگیری به عمل می آورد و با کاوش در رشته کوه ها و دشت های ایران نیز میتوان برج های دیدبانی را که توسط حاکمان آن دوران جهت حفاظت از خود احداث نموده اند مشاهده نمود لذا گماردن دیده بانی به منظور رسد تحرکات دشمن امری جدید نیست با پیشرفت تکنولوژی و رنسانس صنعتی اعتماد به این ابزار پیشگیری کمزنگ گردید و سنسور های مختلف از حمله رادارهای رادار های ثابت، رادار های محصول هوایی (EWACS) سایت های شنود به خدمات دیدبانی از فضا و پایش عمق کشور های همجوار درآمد و با تجميع این اطلاعات در شبکه کنترل و فرماندهی به صورت موثر از این اطلاعات در راستای اهداف پدافندی بهره برداری گردید و لذا طراحان نظامی قبل از شروع جنگ تحمیلی اعتقادی به گسترش پست های دیدبانی نداشته و سازمان

فرمانده پدافند هوایی نیز هیچگونه پیش بینی به عمل نیامده است و با شروع جنگ تحمیلی اعتقاد به گسترش پست های دیده بانی افزایش یافت بگونه ای که در اواخر سال ۱۳۶۳ تعداد پست های دیده بانی خود جوش در غرب ارتفاعات زاگرس و در معابر وصولی راه اندازی گردیدند، در عملیات والفجر ۸ مأموریت دیده بانی و گزارش پرواز هواپیماهای مهاجم به عهده مواضع جنگ افزار های گسترش یافته در منطقه محول گردید و ابلاغ گردید. یک نفر از خدمه توپ های هر موضع با دوربین های دو چشمی که در مواضع وجود دارد فضای منطقه را پایش نموده و پرواز هرگونه شیئی پرنده بلافاصله از طریق بی سیم به پست های فرمانده ارتفاع کم مستقر و در منطقه گزارش نماید و همزمان این اطلاعات بلافاصله از طریق پست های فرماندهی ارتفاعات کم مستقر در منطقه گزارش نماید و همزمان این اطلاعات بلافاصله از طریق پست های فرماندهی ارتفاعات کم به رادار های مراقبت هوایی جهت شناسایی گزارش می گردید که با این روند تعدادی از هواپیماهای دشمن که در ارتفاعات بسیار پست در حال پرواز بودند به موقع کشف و گزارش و بر علیه آنها اقدامات تاکتیکی انجام می گردید.

گسترش پست های دیده بانی در عملیات والفجر ۸



ح- تاکتیک‌های جدید

عملیات والفجر ۸ برای رزمندگان در یگان‌های پدافند هوایی یک آزمون و تجربه‌ای موفقیت‌آمیز در مقابله با نیروئی با تکنولوژی برتر بود که استکبار جهانی در اختیار دشمن قرار داده بود. اما اندیشه، ابتکار، خلاقیت، جسارت و از خودگذشتگی رزمندگان در سامانه پدافند هوایی نتیجه قابل انکاری را رقم زدند تا جایی که هم به نیروی هوایی دشمن خسارات قابل توجه‌ای وارد گردید و هم حامیان صدام را از نظر روانی آنچنان منقلب نمود که روزی نبود به طریقی ضعف و زبونی خود را به گونه‌ای توجیه نکنند یک روز مدعی بودند که کره شمالی با تکنولوژی شوروی سابق پدافند هوایی ایران را باز سازی نموده و روز دیگر مدعی خرید تجهیزات ضد هوایی جدید ایران از روسیه از طریق لیبی و دیگران بود و عملیات والفجر ۸ برای پدافند هوایی ارتش شروع فصل جدیدی برای چگونه جنگیدن بدون اتکاء به دیگران و متکی به خود بودن به شمار می‌آید.

ستاری، مبتکر تحول در سامانه پدافند هوایی:

در هر جنگی معمولاً تعدادی به عنوان قهرمانان جنگ از بین نیروهای خودی نمایان می‌شوند در این عملیات اندیشه‌های دفاعی افسری جوان، موقعیت کنترل فضای منطقه ی عملیات را دگرگون ساخت و او کسی نبود جز سرهنگ منصور ستاری خواص، او سیستم دفاع هوایی منطقه نبرد یا صحنه‌ی نبرد را طراحی کرده و سیستم پدافندی را با ترکیبی از موشک‌های زمین به هوای هاگ و با استفاده از توپ‌های ضد هوایی سی و پنج میلی متری اورلیکن به صحنه ی عملیات آورد. تاکتیکی که طراحان عملیات زمینی در آن درمانده بودند و برای همه غیر قابل باور بود. وی با بردن سایت‌های موشک هاگ به وسط میدان نبرد و رو در رو قرار دادن آن‌ها در مقابل هواپیماهای مامور پشتیبانی نزدیک هوایی دشمن، کار را به جایی رسانید که شاید ارزش‌های دفاع هوایی صحنه را که از جمله وظایف و نیازمندی‌های نیروی زمینی می‌باشد، متجلی و متعالی ساخت، او نه از این جهت قهرمان جنگ «والفجر ۸» بود که اندیشه او موجب سرنگونی تعداد زیادی هواپیما شد، بلکه از این دیدگاه بود که کاستی‌ها را با بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و توانایی‌های پنهان یک نیرو جبران کرد و سرنوشت شکست‌ها را و ناکامی‌ها را در عملیات گذشته به یکباره در پیروزی چشمگیر و خیره کننده‌ای به نمایش گذاشت.

این افسرکاردان و مبتکر، بعدها به درجه سرتیپی رسید و فرمانده نیروی هوایی ارتش شد و نشان داد که یک نظامی حرفه‌ای به عده‌های دشمن به عنوان عوامل پیروزی آفرین نمی‌نگرد

بلکه به بهره‌وری نیروها و ابزار و ادوات نظامی تکیه دارد. استفاده از موشکهای هاگ با سکوهای پرتاب ثابت در میدانی که امکان عقب‌نشینی و پیش‌روی در هر لحظه متصور است شجاعت حرفه‌ای می‌خواهد، او در حقیقت قرارگاه رعد را با موفقیتی روبرو ساخت که توانایی نه‌اجا رادارانجام عملیات معجز آسا را به رخ دوست و دشمن کشید.



سرلشکر شهید منصور ستاری، در هنگام نبرد «والفجر ۸» سرهنگ بود و قهرمان جنگ شد. او از مبتکرین بردن موشک "هاگ" به میدان‌های نبرد زمینی بود. او نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را که با از دست دادن تعداد قابل ملاحظه‌ای هواپیما و خلبان، قدرت دفاعی واقعی خود را به شدت از دست داده بود، در این عملیات دوباره احیا کرد. تنها با اندیشه‌ی دفاعی صحیح و متکی بر دانش نظامی و حرفه‌ای خود این کار را کرد. نام سرتیپ منصور ستاری در جنگ‌های تاریخی کشور ایران به عنوان یک قهرمان زنده، همیشه جاوید خواهد بود و اگر در این عملیات او نبود شاید پیروزی‌ها در این حد تجلی نمی‌کرد. تخصص او کنترل شکاری‌ها در رادارهای تاکتیکی بود. ولی او در حقیقت افسر نخبه‌ای بود که درس بزرگی به ارتش عراق داد. درسی به یاد ماندنی و تاریخی.^۱

۱. در دانشکده افسری (دانشگاه افسری امام علی) به درجه ستوان دومی نایل آمد و در سال ۱۳۵۰ جهت طی دوره علمی کنترل رادار به کشور آمریکا اعزام شد و پس از گذراندن دوره یک ساله، به ایران بازگشت و به عنوان افسر کنترل شکاری نیروی هوایی مشغول به کار شد. شهید ستاری در سال ۱۳۵۴ در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته برق و الکترونیک پذیرفته شد. تعدادی از واحدهای دانشگاهی را گذرانده بود که با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی تحصیل را کنار گذاشت و همدوش دیگر آحاد مردم به پاسداری از دستاوردهای انقلاب پرداخت. وی افسری مؤمن، متعهد،

خ- اقدامات تاکتیکی:

در بخش پدافند دشمن با استفاده از سیگنال‌های راداری پدافند هوایی بویژه رادارهای موشک‌های پدافندی به محض روشن شدن، زده می‌شدند. قرارگاه رعد به این موضوع پی برد و برای مقابله با این برتری جزئی دشمن اقدامات تاکتیکی به شرح زیر انجام داد:

(۱) با استفاده از رادار مادر در بندر امام خمینی (ره) و خاموش نگه داشتن سایر رادارها از طعمه شدن بیشتر سایت‌های موشکی به عنوان اصلی‌ترین سلاح پدافندی نه‌اجا ممانعت به عمل آمد.

(۲) یکی از اقدامات اساسی و فنی و ابتکاری برای افزایش قابلیت‌های پدافند هوایی گذاشتن موشک هاگ به جای فنی‌کس روی هواپیمای اف ۱۴ می‌باشد تا برد پدافند هوایی به دو برابر برسد، از این رو مشاهده می‌کنیم تمامی اقدامات سرهنگ منصور ستاری به لطف و عنایت پروردگار مؤثر افتاد و بخشی از هواپیماهای دشمن بوسیله سامانه پدافند هوایی ایجاد شده ساقط شدند، و این درسی فراموش نشدنی است که تا می‌توانیم به خود اتکا داشته باشیم،

شجاع، آگاه، تیزهوش و کاردان بود. طرح‌ها و ابتکارهای زیادی در تجهیز سیستم‌های راداری، پدافندی به اجرا گذاشت که در طول جنگ تحمیلی توان نیروی هوایی را در سرنگونی هواپیماهای متجاوز دشمن دو چندان نمود. به علت فعالیت‌های بیش از حدی که در اجرای طرح‌های جنگی از خود نشان داد، در سال ۱۳۶۲ به سمت معاون عملیات فرماندهی پدافند نیروی هوایی منصوب شد. طرح‌ها و برنامه‌هایی که شهید ستاری ارائه می‌داد بسیار منطقی، عملی، کاربردی و مؤثر بود. از این رو در سال ۱۳۶۴ به عنوان معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی برگزیده شد و به علت لیاقت و کاردانی و شایستگی که از خود نشان داد، در بهمن ماه سال ۱۳۶۵ با درجه سرهنگی به سمت فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و تا هنگام شهادت عهده دار این مسئولیت بود. سرانجام این انسان خلاق و مشتاق پس از گذراندن ۴۶ بهار پربار در سال ۱۳۷۳ به دیدار یار شتافت.

اقدامات شهید ستاری بر چهار رکن اصلی استوار بود:

- ۱- طرح و برنامه صحیح از ابتدای فرماندهی همراه با آینده نگری هرچه ژرف تر.
- ۲- سازماندهی نیروی انسانی متعهد و کارا = مستعد و مبتکر و بیش از همه خوداتکا و خودباور در پروژه‌های توسعه پیشرفت. - تأمین وسایل و تجهیزات با بهره گیری حداکثر از منافع موجود داخلی و با تکیه بر اهداف خودکفایی - اعمال مدیریت پویا و متکی بر روابط انسانی و ایجاد محیطی هرچه مناسب تر برای تشریک مساعی - تأسیس دانشکده پرواز (خلبانی) این آرزوی دیرینه هر ایرانی وطن پرست و پرسنل نیروی هوایی بود. اولین سری دانشجویان خلبانی در مهرماه سال ۱۳۶۷ وارد دانشکده پرواز شدند.
- تیمسار ستاری سرانجام در نیمه دی ماه ۱۳۷۳ به همراه چند تن از مسؤولان نیروی هوایی، در مسیر برگشت از کیش به تهران، در راه، تصمیم به شرکت در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دوره خلبانی در پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان گرفتند. تا این که پس از اقامت دو ساعته در اصفهان در راه بازگشت، هواپیما، دچار سانحه شده پس از آتش گرفتن سقوط کرد. در این حادثه، شش امیر نیروی هوایی ارتش به همراه تیمسار ستاری و شش تن از خدمه پروازی به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

زیرا همیشه این امکان وجود دارد که دیگران آنچه را در اختیار ما گذاشته‌اند به سادگی در اختیار دشمن ما قرار دهند.



(۳) تجهیز ارتش عراق به تجهیزات آفندی هوایی روز دنیا و فرسودگی سامانه‌های پدافندی ما باعث گردیده بود که در چند عملیات قبل از والفجر ۸ پدافند هوایی قادر به انجام وظیفه خود به گونه قابل قبول نگردد. که در تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده متخصصین پدافند هوایی به این نتیجه رسیدند که با روشهای کلاسیک تعریف شده در آیین‌نامه‌ها و دستورالعملها نمی‌توان رو به روی چنین دشمن مجهز به تکنولوژی روز دنیا ایستاد به همین دلیل تصمیم گرفته شد به هیچ وجه از روش مشخص شده قبلی استفاده نگردد اصول جدیدی تعریف شد که بر مبنای آنها سناریوی جنگ با هواپیماهای دشمن به پدافند هوایی از منطقه خاصی تدوین گردید. این تاکتیک بر چند اصل استوار بود:

اصل اول - جابه‌جایی‌های فوق العاده سریع و برق آسا

اصل دوم - مخفی ماندن از دید دشمن و اجتناب از تمام مواردی که باعث شناسایی گردید.

اصل سوم - فریب دشمن از نظر فیزیکی - الکترونیکی و حرارتی همزمان و منطبق با واقعیت

با ایجاد سایتهای فریب.

با چنین زمینه فکری منطقه و هدفها و چگونگی اجرای عملیات والفجر ۸ حدود سه ماه قبل از شروع عملیات به قرارگاه تازه تأسیس رصد ابلاغ گردید. قرارگاه با رعایت هر چه دقیق‌تر اصول طبقه بندی اطلاعات در سه محل جدا از هم در چهار زمینه مشغول فعالیت شد به گونه‌ای که گروهها از چگونگی فعالیت یکدیگر اطلاعی نداشتند.

تیم اول - آماده نمودن تجهیزات و سامانه‌های پدافندی اصلی و حذف وسایل اضافه و تمرین برای حرکت و جا به جایی سریع با کمترین امکانات.

تیم دوم - آماده نمودن تجهیزات و سامانه‌های فریب با تلاش برای هر چه بیشتر و واقعی‌تر بودن آن از نظر شکل ظاهری حرارت ایجاد شده و نشت امواج الکترونیکی.

تیم سوم - آماده شدن برای پشتیبانی فنی و تعمیرات و سایر نیازمندیها به صورت کاملاً متحرک و کارا.

تیم چهارم - سایت یابی و آماده نمودن مواضع به گونه‌ای که انجام مأموریت امکان پذیر باشد و کمترین تغییرات در زمین به وجود آید بین مواضع اصلی و فریب هیچ تفاوتی نبود برای هر جنگ‌افزار سه موضع تهیه شده بود.

د- انواع جنگ افزارهای پدافندهوایی شرکت کننده در عملیات:

(۱) سامانه هاگ:



به علت سنگینی و آسیب پذیری تجهیزات هاگ در جابه‌جایی‌ها، در طول عملیات همیشه دو سایت عملیاتی و درگیر با دشمن بودند، دو سایت در حال استقرار در محل جدید و دو سایت باقیمانده در حال تعمیر و نگهداری و آماده شدن برای جایگزینی بودند. در مواقعی برای

حفاظت از خدمه سایتها و جلوگیری از تخریب سایتها، تصمیم گرفته می‌شد از یک سایت عملیاتی کمتر از شش ساعت استفاده شود و به محض مشاهده خطر وسایل استتار کامل شده و افراد محل را ترک نموده و پس از تاریکی هوا اقدام به جمع‌آوری سایت نمایند تا به مأموریت جدید اعزام گردد و به منظور پنهان نگه داشتن هر چه بیشتر محل سایت‌های هاگ به هیچ وجه از رادارهای شناسایی و جستجوگر در سایت‌های عملیاتی استفاده نمی‌گردید و موقعیت اهداف با استفاده از رادارهای منطقه‌ای به صورت دقیق به سیستم‌ها اعلام می‌گردید. عملیات آنچنان دقیق و سریع انجام می‌شد که دشمن به جز یک مورد (آن هم به علت خطای فردی) فرصت حمله و هجوم به سایتها را به دست نیاورد و بالاترین بهره ممکن از سیستم موشکی گرفته شد در این عملیات حدود ۸۰ شلیک موفق موشک داشتیم که بیش از ۵۰ فروند از هواپیماهای دشمن سرنگون گردید.

لازم به یادآوری است که روزانه سایت‌های فریب به طور مکرر مورد هجوم سنگین هوایی دشمن قرار می‌گرفت و همین سایت‌های فریبنده تله‌ای شده بود برای شکار هواپیماهای دشمن که بیشتری هواپیماهای ساقط شده در همین نقاط بود.

س م ر

ف نجا (م ع - مد ع)
سماجا (اداره سوم - مد عملیات)
نوتام پروازی

۲۵۲-۰۳۱۲-۱۴۱۲ / ۲۵۲
۶۵،۲،۷

۱ - بانگش به استقرار عملاتی شدن سیات هاگ در نقطه ای به مختصات ۳۱ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی و ۴۸ درجه ۳۰ دقیقه شرقی ضرورت دارد بمنظور امنی هواپماها و -
هلهکترهای خودی به کله گانه های پروازی ابلاغ گردد از پرواز در منطقه اندیشه به
شعاع ۵۰ مایل و ارتفاع ۵۰/۰۰۰ پا بدون اعلام خبر قبلی خود داری نمائنده
۲ - پرواز در منطقه ۷ مایلی محل اندیشه و ارتفاع داخل ۵۰/۰۰۰ پا بمنظور کلی ممنوع
گردد است .
۳ - در صورت ضرورت پرواز در منطقه مراتب باستی در ۵۰ مایلی سیات از بطریق خلیان
به استگاه وادار بندر امام و استگاه وادار در فوکل بمنظور کد اعلام تا توسط منابع
اندیشه به سیات هاگ مذکور اعلام خبر گردد .
۴ - مراتب جهت آگاهی و اقدام با سیته با ستاد فرماندهی رسد .

فرمانده نجا - سرهنگ خلیان هوشنگ مدتی
از طرف سرهنگ خلیان عباس عابدین

۱ - نجا (م ع - مد ع) جهت آگاهی و اقدام برابری .
۲ - نجا (م ع - مد ع)
۳ - نجا (رکن ۳ - عملیات)
۴ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (طرح و برنامه - عملیات) جهت آگاهی و اقدام برابری .
۵ - ریاست اداره کل عملیات سازمان هواپمایی کشوری (مراقبت پرواز) جهت آگاهی و اقدام
برابری .
۶ - ف پدا (م ع) بازگشت به (۶-۸ / ۵۲-۱۴۰۱ / ۲۵۲-۰۳۱۲-۱۴۱۲) جهت آگاهی
و ابلاغ مراتب به گروه های پداه زیربط .
۷ - ف منطقه هوایی مهرآباد - ف منطقه هوایی شیراز - ف پایگاه های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰،
شکاری (م ع) جهت آگاهی و ابلاغ مراتب به خلیانان زیربط .

ف نهاجا (م ع - مد ع - زمین بهوا)
ف نزاجا (م عاط - مد ع)
نوتام پروازی

بازگشت بشماره ۶۵/۲/۱۴ - ۱۲۰۷/۰۴/۲/۱۹۹۹
و پیرو شماره ۶۵/۲/۷ - ۳/۲ - ۱۴۱۲ / وه ۳ - ۶۵/۲/۷

۱ - محل استقرار سایت خاک منطقه اهواز (کوثر ۱) در مختصات اعلام شده بر مبنای نیاز عملیاتی و بنابر اوامر صادره از ستاد کل پدافند کشور انجام پذیرفته است .
۲ - خواهشمند است دستور فرمائید بمنظور پرهیز از هرگونه حادثه و رویداد ناگوار مراتب نوتام پروازی اعلام شده در پیروی فوقرا دقیقاً به مرحله اجراء در آورند .

فرمانده نهاجا - سرهنگ خلیلان محمدعلی صدیق
سرهنگ ذبیان عبدالعزیز آذر

اقدام کننده :
مساجا (اداره سوم - عملیات) پیرو شماره های فوق جهت استحضار .

مدیر عملیات
معاون عملیات
معاون هماهنگ کننده
جانشین ف نهاجا

اقدام کننده :
۱۱/۱۸

(۲) جنگ افزارهای ارتفاع پست

در منطقه اصلی عملیات والفجر ۸ و مناطق نزدیک به این منطقه که به نحوی در عملیات زمینی اثر داشتند شامل جزیره آبادان - رودخانه بهمنشیر و پلهای رودخانه و جاده های مواصلاتی به جزیره به صورت یکنواخت از یک سطح پدافندی هوایی ارتفاع پست که از ترکیب

توپهای ۳۵م.م و راپرو ۲۳م.م پوشیده شده بود تأمین کننده سلاحهای ارتفاع پست بیشتر نه‌اجا بودند و البته سپاه پاسداران هم با توجه به اهمیت منطقه تعدادی از سلاحهای ۵۷م.م و ۲۳م.م موجود در واحدهای خود را در این عملیات شرکت داده بودند. نزدیکی منطقه به فرودگاههای دشمن، ارتفاع بلند نخلهای منطقه و دستی بودن سلاحهای ارتفاع پست دفاع در مقابل پروازهای ارتفاع پست دشمن را مشکل نموده بود. هواپیماهای دشمن در ارتفاع فوق‌العاده پایینی خارج از دید رادارهای منطقه در پناه درختان و پوششهای طبیعی منطقه پرواز میکردند به گونه‌ای که در زمان خیلی کوتاهی در دید خدمه جنگ‌افزارها قرار می‌گرفتند و زمان لازم برای ساقط نمودن آنها نبود گرچه حجم آتش یک ناامنی کلی برای پرواز این گونه هواپیماها ایجاد نموده بود اما مانع و سد کننده نبود. در چنین شرایطی سامانه‌های اتوماتیک ارتفاع پست که دارای عکس‌العمل بالایی هستند همانند اسکای کارد می‌توانند فوق‌العاده مفید باشند ولی به علت اینکه کلیه نقاط حساس و حیاتی کشور در تهدید شدید بودند انتقال سیستم‌های اسکای کارد به منطقه نبرد کار مشکل و پرخطری بود ولی ناچار چهار رسد اسکای کارد از مناطق مختلف جمع‌آوری شده و در مناطق اصلی بویژه در کنار اروندرود در مکانهایی که محل عبور و مرور قایقهای تدارکاتی و نفرات بود مستقر گردید که باعث تحولی در دفاع ارتفاع پست منطقه گردید و در همان روز اول چهار فروند از هواپیماهای دشمن بر فراز اروندرود سرنگون گردید و باعث تجدید نظر کلی دشمن در این گونه پروازها شد.

اکنون در تحلیل عملیات پدافند هوایی با اطمینان و افتخار می‌توان ادعا کرد:

عملیات والفجر ۸ برای رزمندگان در یگان‌های پدافند هوایی یک آزمون و تجربه‌ای موفقیت‌آمیز در مقابله با نیروئی با تکنولوژی برتر بود که استکبار جهانی در اختیار دشمن قرار داده بود. اما اندیشه، ابتکار، خلاقیت، جسارت و از خودگذشتگی رزمندگان در سامانه پدافند هوایی نتیجه قابل انکاری را رقم زدند تا جایی که هم به نیروی هوایی دشمن خسارات قابل توجه‌ای وارد گردید و هم حامیان صدام را از نظر روانی آنچنان منقلب نمود که روزی نبود به طریقی ضعف و زبونی خود را به گونه‌ای توجیه نکنند یک روز مدعی بودند که کره شمالی با تکنولوژی شوروی سابق پدافند هوایی ایران را باز سازی نموده و روز دیگر مدعی خرید تجهیزات ضد هوایی جدید ایران از روسیه از طریق لیبی و دیگران بود و عملیات والفجر ۸ برای پدافند هوایی ارتش شروع فصل جدیدی برای چگونه جنگیدن بدون اتکاء به دیگران و متکی به خود بودن به شمار می‌آید.

سامانه توپ ۲۳ میلیمتری

مشخصات:

شاید پرتعدادترین سلاح پدافند هوایی کوتاه برد در کشورمان همین نمونه ۲۳ میلیمتری دو لول معروف به ZU-23-2 باشد. کارایی خوب این جنگ افزارسبک ۹۵۰ کیلوگرمی سبب گردید در سال های جنگ تحمیلی از آن به انواع مختلف مورد استفاده شود. تاجایی که از آن حتی برای انهدام اهداف سطحی استفاده می کردید رزمندگان اسلام از این سلاح علاوه بر استفاده به صورت کششی بانصب آن روی وانت و سقف خودروهای تاکتیکی، کامیون، نفربرها و حتی ساختمان ها و... از قابلیت های متفاوت آن استفاده گسترده کرده اند.

توپ ۲۳ م م بر علیه هواپیماهای کوتاه پرواز و بر علیه آماجهای زمینی و دریایی و همچنین علیه آماجهای هوایر و خودروهای نفربر زرهی سبک و استحکامات مهندسی مورد استفاده قرار می گیرد. این توپ بطور خودکار تیراندازی می کند و دارای دو نوع مهمات جنگی می باشد □ (فشنگ سوختار شدید رسام آتشزا - فشنگ ضد زره رسام آتش زا) و در سه حالت زیر می تواند تیراندازی نماید: * روی چرخ (ایستاده و وصل به خودرو) * روی جک (در موضع و حاضر بجنگ) * در حال حرکت

مختصات:

- حداکثر برد هوایی مؤثر بطور مایل ۲۵۰۰ متر و بطور قائم ۱۵۰۰ متر است
- حداکثر برد زمینی مؤثر ۲۰۰۰ متر است
- در هر جعبه ۵۰ تیر با نوارهای مربوطه و با نسبت ضد زره و سوختار (۱ و ۳) پر می شود.
- زمان حاضر بجنگ ۱۵ تا ۲۰ ثانیه است. - وزن فشنگ ۴۵۰ گرم است.
- نواخت تیر عملی هر دو لوله ۴۰۰ تیر در دقیقه است.
- وزن کلی توپ با فشنگ ۹۵۰ کیلو گرم است. - تعداد خدمه ۶ نفر است.



در نیروی دریایی با استقرار این سلاح بر روی نفتکش‌ها و کاروان‌های دریایی سعی می‌گردید در پدافند از آنها حداکثر استفاده از این جنگ افزار به عمل آید. همچنین در قایق‌های موشک‌انداز نیروی دریایی سپاه نیز یک قبضه از این توپ رو به سمت عقب نصب شده و مورد بهره برداری قرار گرفته است.

سامانه موشکی راپیر



مشخصات

نوع: موشک سطح به هوای کوتاه برد

مختصات:

وزن: ۴۵ کیلوگرم، طول: ۲/۲۳ متر، قطر: ۱۳۳ میلی متر، موتور: سوخت جامد

برد موثر: ۴۰۰ تا ۶۸۰۰ متر، سقف پرواز: ۳۰۰۰ متر، سرعت: ۲/۵ ماخ

ذ- حجم جنگ افزارهای پدافندهوایی شرکت کننده در عملیات:

در تاریخ ۶۴/۱۰/۱۰ به نیروی هوایی دستور داده می شود تعداد ۴۴ عراده توپ ضدهوایی ۲۳ میلی متری و ۳۵ عراده ضد هوایی اورلیکن ۳۵ میلی متری و چهار قبضه توپ های ۱۴/۵ میلی متری خود را به همراه بار مبنای مهمات و کارکنان فنی و عملیاتی آن تحت پروژه ای بنام «کمیل» به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دهد. این کاهش جنگ افزار از فرماندهی پدافند هوایی این نیرو در آستانه ی عملیات «والفجر ۸» بنا به دستور فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء ابلاغ می گردد.

در پروژه ی چاوش نیز انتقال ده قبضه توپ ۲۳ میلی متری در تلمبه خانه های مارون ۳ و مارون ۴ و ۵ و اهواز و تعداد یک قبضه توپ ۲۳ میلی متری در مارون ۲ امیدیه انجام شده بود و توپ ها مستقر و عملیاتی شده بودند. از سوی دیگر تعداد چهار قبضه توپ ۲۳ میلی متری دیگر به علت حاضر نبودن مواضع آنها در امیدیه جایی که به آنها بوستر ۱ و ۲ گفته می شد، همچنین در محل «پازنان» منتقل نشده بودند و سه قبضه از همین توپ در مواضعی در منطقه «رگ سفید» گسترش یافته و عملیاتی شده بودند. فرماندهی پدافند هوایی برای گسترش سایت های موشکی هاگ زمین به هوا از پایگاه های هوایی به مناطق نبرد نیروهای زمینی درخواست ۱۵ سورتی پرواز هواپیمای «C130» کرده بود و همچنین برای استقرار یک قبضه توپ به پشت بام شرکت پنها درخواست یک فروند هلیکوپتر شده بود و اینها فشارهایی بود که نیروی هوایی با تمام وجود تحمل می کرد و انجام می داد. در نهایت جنگ افزارهایی به شرح زیر جمع آوری و سازماندهی گردید.

۱- رادار برد بلند	۳ دستگاه
۲- رادار کپ فیلر	۳ دستگاه
۳- هاگ تک واحد آتش	۶ سایت
۴- توپ رایپر	۲ آتشبار
۵- توپ اسکای گارد کامل	۴ رسد
۶- توپ ۳۵ م.م (اورلیکن)	۳۵ قبضه
۷- توپهای ۳۵ م.م نزاجا	۱۶ قبضه
۸- توپهای ۲۳ م.م نهاجا و نزاجا	۸۰ قبضه

ر- جنگ افزارهای مستقر در مناطق موثر در عملیات (جداول چهارگانه زیر):

۱- جنگ افزار های ۵/۱۴ م م گسترش یافته در استان خوزستان در مرحله ی میا شدن (قبل از

عملیات)

ردیف	محل گسترش	نعداد	ردیف	محل گسترش	نعداد
۱	کارخانجات نورد اهواز	۵	۱۲	واحد بهره برداری پاریس ۲ (کلاستر)	۲
۲	واحد بهره برداری مارون ۲ اهواز	۲	۱۳	واحد بهره برداری کونج	۲
۳	تلمبه خانه مارون ۱ اصفهان	۲	۱۴	واحد بهره برداری پازنان ۱	۲
۴	تلمبه خانه مارون ۴ اصفهان	۲	۱۵	واحد بهره برداری رگ سفید ۱	۲
۵	تلمبه خانه مارون ۵ اصفهان	۲	۱۶	کارخانه گاز مایع ۵۰۰ (امیدیه)	۲
۶	واحد بهره برداری شماره ۱ آغاجاری	۲	۱۷	کارخانه گاز مایع ۱۰۰۰ (امیدیه)	۲
۷	واحد بهره برداری شماره ۲ آغاجاری	۲	۱۸	تلمبه خانه شماره ۱ و ۲ امیدیه (بوستر ۱ و ۲)	۱
۸	واحد بهره برداری شماره ۳ آغاجاری	۲	۱۹	واحد بهره برداری شماره گچساران	۴
۹	واحد بهره برداری شماره ۴ آغاجاری	۴	۲۰	واحد بهره برداری بینک گناوه	۲
۱۰	واحد بهره برداری شماره ۵ آغاجاری	۲	۲۱	واحد بهره برداری پازنان ۲ بهبهان	۲
۱۱	واحد بهره برداری پاریس ۱ (درنی)	۲	۲۲	واحد بهره برداری رگ سفید ۲	۲
جمع :		۵۰			

۲۰- جنگ افزار های ۳۵ م م گسترش یافته در استان خوزستان و بوشهر در مرحله ی مهیا شدن (قبل از عملیات)

ردیف	محل گسترش	تعداد
۱	پایگاه هوایی دزفول	۱۲
۲	سد دز	۲
۳	شهر اهواز	۸
۴	پایگاه هوایی امیدیه	۳
۵	پالایشگاه گازی ماهشهر	۸
۶	پتروشیمی رازی	۸
۷	پایگاه امیدیه	۷
۸	صنایع لوله سازی اهواز	۳
۹	ایستگاه رادار بهبهان	۲
۱۰	پایگاه هوایی بوشهر	۱۱
۱۱	ایستگاه رادار و پایگاه دریایی بوشهر	۵
۱۲	تلمبه خانه گوره	۸
۱۳	جزیره خارک	۲۱
جمع :		۹۸

۳- جنگ افزار های گسترش یافته ۳۵ م م (اسکای گارد) در استان خوزستان و بوشهر در مرحله ی مهیا شدن (قبل از عملیات)

ردیف	محل گسترش	تعداد
۱	صنایع لوله سازی اهواز	۳
۲	ایستگاه رادار بهبهان	۲
مجموع		۵

۴- جنگ افزار های ۲۳ م م گسترش یافته در استان خوزستان در مرحله ی میا شدن (قبل از

عملیات)

ردیف	محل گسترش	تعداد	ردیف	محل گسترش	تعداد
۱	صنایع فولاد اهواز	۲	۱۶	ایستگاه رادار دزفول	۴
۲	ایستگاه برق شماره ۱ اهواز	۲	۱۷	سیلو اندیمشک	۲
۳	واحد بهره برداری مارون ۳ اهواز	۴	۱۸	تاسیسات هفت تپه	۴
۴	واحد بهره برداری مارون ۴ اهواز	۲	۱۹	پایگاه هوایی امیدیه	۱۸
۵	واحد بهره برداری مارون ۵ اهواز	۴	۲۰	برق امیدیه	۲
۶	واحد بهره برداری مارون ۶ اهواز	۴	۲۱	ایستگاه رادار بندر امام	۴
۷	واحد بهره برداری مارون ۵ اهواز	۴	۲۲	تلمبه خانه شماره ۱ و ۲ (بوستر ۱ و ۲)	۱
۸	یونیت ۳ و نفت خام اهواز	۵	۲۳	پایگاه هوایی بوشهر	۲۲
۹	یونیت بهره برداری شماره ۴ اهواز	۶	۲۴	رادار بوشهر	۸
۱۰	پازنان ۲ بهبهان	۲	۲۵	انرژی اتمی بوشهر	۴
۱۱	پالایشگاه گازی ماهشهر	۶	۲۶	تلمبه خانه گوره	۴
۱۲	ایستگاه برق ماهشهر	۲	۲۷	جزایر خارک و خارکو	۲۰
۱۳	تلمبه خانه مارون ۲ اصفهان (رامهرمز)	۳	۲۸	هاگ دزفول	۸
۱۴	ایستگاه رادار بهبهان	۴	۲۹	هاگ سربندر	۴
۱۵	پایگاه هوایی دزفول	۱۶	۳۰	هاگ هجرت	۴
جمع :		۱۷۵			

محلای ۱۲۷-۷۵

طبقه بندی
ارجحیت کمی کمی
شماره ۱۵۴-۱-۳
تاریخ ۱۲/۱۲/۷۵



تکس
تلفگرام
پیام



سری
آنی

به: فرماندهی قرارگاه و فتح نیما
از: فرماندهی قرارگاه و فتح (۱۳۴)

در خصوص: ترابری

موضوع: ترابری
موضوع: ترابری
موضوع: ترابری
موضوع: ترابری
موضوع: ترابری



۷. در خصوص: ترابری قرارگاه و فتح (۱۳۴)

(۱۳۴) ۱۳۴/۱۲/۱۲/۷۵

لایحه
مجلس
۱۸

ر- عملکرد پدافند با توجه به اسناد:

درباره فعالیت پدافند هوایی نه‌اجا در کتاب خرمشهر تا فاو تحت عنوان پوشش مناسب هوایی منطقه آمده است:

«تک‌های ممانعتی هوایی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می‌شود اساساً با هدف عقبه‌ها و نیز خطوط مقدم و به منظور بر هم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیت‌های بدست آمده می‌باشد. از این رو چنین پیش‌بینی می‌شد که با توجه به شکل منطقه و این که دشمن، محدود به نوع خاصی از مانور هوایی خواهد بود، می‌توان با آرایش مناسب سلاح‌های ضد هوایی، بر خلاف تصور دشمن، جنگنده‌های آن را هدف قرار داد و تلاش‌های هوایی او را خنثی نمود.»^۱

و در جایی دیگر از مدرک پیش گفته شده درباره ضرورت به‌کارگیری سلاح‌های پدافند هوایی برای اطمینان از کسب پیروزی از قول تحلیل‌گر این بخش از کتاب می‌خوانیم:

«آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوایی را روشن نموده و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد تجربه عملیات بدر و تلاش‌های دشمن در اثبات برتری هوایی خود بود بر این اساس و به منظور برخورد جدی‌تر با امر پدافند هوایی عملاً روش‌های مناسب‌تری گزینش شد و به دنبال آن انواع مختلف سلاح‌های ضد هوایی از جمله: سایت موشکی انواع توپ‌های ضد هوایی و عملاً به گونه‌ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیرس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاح‌های ضد هوایی مورد اصابت قرار گیرد.»^۲

در یکی دیگر از مدارک منتشر شده از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نام «کارنامه توصیفی عملیات» درباره شرکت موثر نه‌اجا در این عملیات نقل شده است.

«در اول اسفند ماه، هنوز هوا روشن نشده است که دو فروند از جنگنده‌های عراق هدف قرار می‌گیرند و در میان تکبیر رزمندگان، همچون گلوله‌های آتشین سقوط می‌کنند. با سقوط پیاپی هواپیماهای دشمن، آسمان منطقه عملیات والفجر ۸ به صورت دامی مخوف برای نیروی هوایی عراق در می‌آید و خلبانان بعضی از وحشت موشک‌های ضد هوایی و اقدامات تاکتیکی شکاریه‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بمب‌های خود را بدون هدف رها می‌کنند و حتی به دفعات نیروهای گارد ریاست جمهوری و دیگر نیروهای عراق را هدف قرار می‌دهند. تا پایان این روز سه فروند

۱. از خرمشهر تا فاو؛ ص ۱۶۷.

۲. همان؛ ص ۱۸۰.

دیگر از هواپیماهای عراق ساقط میشوند و تلفات هوائی آنان از ابتدای عملیات والفجر ۸ به ۵۰ فروند می‌رسد و بدین ترتیب ضربه ای کشنده به نیروی هوائی عراق وارد می‌آید.^۱

و یا در جای دیگر از همین مدرک درباره پدافند هوائی ذکر شده است:

« یگان‌های خودی تا ۱۵ اسفند ماه به تثبیت مواضع تصرف شده می‌پردازند، در این میان ۴ فروند دیگر از هواپیماهای عراق سقوط می‌کند، یک فروند جنگنده عراق هدف توپ ضد هوائی قرار می‌گیرد و خلبان هواپیمای دیگر بدون این که هواپیمایش هدف قرار بگیرد، با مشاهده سقوط هواپیمای اول، از شدت ترس و وحشت، هواپیمارا رها کرده و با چتر نجات فرود می‌آید.»^۲

یکی دیگر از رزمندگان اسلام در لشکر ۴۳ امام علی (ع) یافته‌های خود را در مورد عملیات والفجر ۸ چنین بیان می‌کند:

«عملیات والفجر ۸ عملیات بسیار درخشانی بود. دشمن فریب بزرگی خورد، به طوری که در لحظه شروع عملیات چند لشکر را روانه ام‌الرصاص کرد و مقدار کمی نیرو به فاو فرستاد. سرعت عمل نیروها بسیار خوب و پشتیبانی تدارک به نحو احسن انجام شد. هماهنگی چنان بود که دشمن نمی‌توانست عکس العمل مناسب را انجام دهد و پس از کمی تلاش بیهوده، محاصره می‌شد. مهمترین کار عملیات رعایت اصل حفاظت بود. به طوری که چند ماه قبل هر کسی وارد منطقه می‌شد، حق بازگشت پیدا نمی‌کرد. یگان‌های دریایی کار نقل و انتقالات را به سرعت انجام می‌دادند و در این میان آتش توپخانه ایران بسیار ثمر بخش بود و در تکمیل پدافند هوائی همراه با خلبانان ارتش توانستند ستون فقرات بعثیان را از هوا و زمین خرد کنند. این عملیات تا ابد از یاد سردار مفلوک قادسیه نخواهد رفت.»^۳

نشانه‌های زیادی را می‌توان از قول رزمندگان درگیر در عملیات و یا از مطالب مندرج در کتابها، نقل کرد که در همه آنها به اهمیت کار پدافند نهاجا در عملیات والفجر ۸ اشاره شده باشد، اما بی تردید آوردن تمام این نشانه‌ها، خسته کننده و کسالت آور خواهد شد. لذا این

۱. سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات، لشکر ۱۶ قدس گیلان؛ ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۲۲۵.

۳. همان، ص ۲۳۵.

بخش از کتاب را با نقل یک تحلیل از کتاب نبرد فاو به پایان می‌برم، که امیدوارم توانسته باشم گوشه‌ای از دنیای تلاش و ایثار این نبرد را بازگو کرده باشم.

تحرک موشکی و قدرت دفاعی برادران نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران چنان رعبی در دل خلبانان عراقی ایجاد کرده است که برخلاف پروازهای عادی اولیه، آنان در ادامه بمباران‌های دیوانه‌وار خود، از ترس سقوط و انهدام هواپیما، بمبها را بی‌هدف رها می‌کنند، حتی بعضی از خلبانان عراقی قبل از اصابت موشک خودی به هواپیمایشان با چتر نجات هواپیما را ترک می‌گفتند.^۱

۱. نداف، مجید؛ نبرد فاو، گزارش عملیات ۸۰۰؛ ص ۱۱۷.

۳ - عملیات شفق^۱

(نگاه مشترک به عملیات هوایی و عملیات پدافند هوایی)

بخش نیروی هوایی در چاپ یکم کتاب ارتش در فاو به دلایلی که در ابتدای همان بخش عنوان گردید، کامل نبود و به حق شایسته تلاش و عملکرد افتخار آمیز و ارزنده آن نیرو نبود و پیشاپیش می‌توانست پیش بینی کرد که مورد اعتراض سازمان و کارکنان با فرهنگ و توانمند آن قرار خواهد گرفت که چنین شد. از این رو طی تماس با مرکز مطالعات و پژوهش نهاجا در نظر گرفته شد که در چاپ بعدی در حد توان و در اختیار گرفتن مدارک، نقص موجود بر طرف گردد. اینک آنچه به دنبال خواهد آمد، حاصل یک پژوهش چند ماهه و فراگیر درباره عملکرد نهاجا در پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ برای آزادسازی بندر استراتژیک فاو است که تحت عنوان عملیات شفق با ذکر مورد بیان می‌گردد.

مورد ۱- بخشی از مطالب این پژوهش به اجبار در چاپ یکم به روش دیگری آمده است که ممکن است با آنچه بیان می‌شود کمی متفاوت باشد. که به علت عدم دسترسی به مدارک مستند در چاپ یکم می‌باشد.

مورد ۲- در این پژوهش امکان تفکیک عملکرد پشتیبانی هوایی و عملکرد پدافند هوایی مقدور نشد زیرا این دو بخش لازم و ملزوم همدیگر تشخیص داده شده است.

الف- پیشگفتار:

سال ۱۳۶۴ در شرایطی آغاز گردید که رکورد نسبی بر جنگ حاکم بود و طولانی شدن جنگ و محاصره‌ی اقتصادی و محدودیت‌های گوناگون به لحاظ جنگ افزار و قطعات یدکی مورد نیاز، توان رزمی نهاجا را می‌کاست.

از زمان عملیات خیبر در سال ۱۳۶۳ تا کنون چنین بود. هر روز و هر شب از شمالغرب استان آذربایجان غربی تا تنگه هرمز، هواپیماهای «اف-۱۴» و «اف-۵» و «اف-۴» به همراه هواپیماهای سوخت رسان و هواپیماهای جمع‌آوری کننده اطلاعات الکترونیکی در پرواز بودند و هر روز پس از روز دیگر نیاز به قطعات هواپیما و سلاح و انسان‌های جوان آموزش دیده بیشتر می‌شد، کمبود خلبانانی که به علت کثرت پرواز از نظر جسمی به تدریج کنار گذاشته می‌شدند و جایگزین نمی‌شدند بیشتر احساس می‌شد.

۱. منابع این موضوع در پایان کتاب، در بخش منابع نام برده شده اند

در اواخر سال ۶۴ اوضاع تا حدودی بهبود یافته بود. به همین نظر طرح عملیاتی بزرگ و سرنوشت‌ساز والفجر ۸ از سوی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) ابلاغ گردید که در آن قرار بود توسط نیروی زمینی و نیروی دریایی ارتش و سپاه پاسداران به اجرا گذارده شود. نیروی هوایی نیز می‌بایستی با بخشی از توان خود این طرح را پشتیبانی نماید.

پشتیبانی نیروی هوایی به این معنی بود که آتش پشتیبانی هوایی «support air fire» را باید برای نیروهای تک‌کننده فراهم می‌نمود و همزمان دفاع هوایی «defense air» از آسمان منطقه عملیات را انجام می‌داد و هشدار اولیه از حملات هوایی دشمن و جمع‌آوری اطلاعات را در منطقه عملیات تا جایی که پایگاه‌های هوایی عراق وارد عملیات دفاعی می‌شدند می‌بایستی تأمین می‌نمود. و در نهایت سیل عظیم کالاهای و نیروهایی که وجود آنها در رزم ضرورت داشت مانند انواع سلاح، خودرو، مهمات، مواد غذایی و همچنین نفراتی را که ارتش سپاه معرفی می‌کردند در حد لشکر و تیپ و گردان به منطقه عملیات با هواپیماهای ترابری خود به صورت خدمات پشتیبانی رزمی «combat service support» حمل می‌کرد و برعکس کالاهای فرسوده را به مراکز تعمیراتی و مجروحین را به مراکز درمانی می‌رسانید.

عملیات والفجر ۸ در شرایطی آغاز می‌شد که نیروی هوایی تجربه بسیار گرانبهایی از جنگ به دست آورده بود و می‌دانست که دشمن در هر مرحله‌ای از این جنگ که تحت فشار قرار می‌گیرد بلافاصله اقدام به توسعه جنگ در خلیج فارس و ادامه حملات هوایی به نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل کالاهای تجاری و همچنین تشدید حملات هوایی به جزیره‌ی خارک و در آخر، جنگ شهرها را پیش خواهد کشید.

نیروی هوایی به تازگی و اندکی قبل، از جنگ شهرها فراغت یافته بود. اما با اجرای این عملیات باید دوباره در انتظار مرحله‌ی جدیدی از جنگ شهرها می‌بود.

در آن زمان اغلب دستور پروازهای استراتژیک و اجرای عملیات استراتژیک هوایی از طریق گروه کار نظامی واقع در نهاد ریاست جمهوری صادر می‌گردید.

از طرفی این نیرو می‌بایستی نیروی هوایی دشمن را از حضور بر فراز منطقه نبرد دور نگهدارد تا نیروهای رزمنده‌ی زمینی و دریایی به راحتی کار خود را تا رسیدن به سرپل و تصرف جزیره‌ی فاو و اتخاذ سرپل در آنجا ادامه دهند، از سوی دیگر نیروهای رزمنده‌ی زمینی و دریایی به این صورتی که می‌خواستند وارد نبردهای والفجر ۸ با دشمن بشوند فاقد سیستم موشکی ضد هوایی صحنه نبرد بودند. «theatre air defence» و دفاع هوایی از صحنه نبرد به گونه

ای تبلیغ شده بود که انگار این مهم وظیفه نیروی هوایی است و نهاجا ناگزیر بود به تبلیغ نام و نشانی که داشت این مسئولیت سنگین را علیرغم مجهز نبودن به نوع مناسب سیستم بپذیرد و در عمل موشک‌های زمین به هوای تاکتیکی خود را به صحنه عملیات بکشانند. در حالی که این موشک‌های هاگ که در اختیار نهاجا بود برای این کار ساخته نشده بود. سپاه و نیروی زمینی ارتش می‌بایستی سیستم موشکی ویژه‌ی صحنه‌ی نبردهای زمینی را دارا می‌بودند که نبودند.

به این ترتیب بود که فصل جدیدی از خدمات پدافند هوایی و موشکی در جنگ عراق و ایران پدید آمد و والفجر ۸ با حجم وسیع تری از امکانات و مقدرات هوایی در کنار نیروهای رزمنده زمینی در خط مقدم صحنه نبرد و در میانه‌ی میدان رزم زمینی همراه گردید و پدافند زمین به هوای نهاجا به سرعت متحرک شد و روانه‌ی میادین نبرد گردید.

این تحول در امر پشتیبانی از نیروهای زمینی و دفاع هوایی و حضور کارکنان پدافند زمین به هوا در خط مقدم نبردهای زمینی، نیاز به قرارگاه رزمی ویژه‌ی هوایی داشت که گروه‌های رزمی مانند آماد و پشتیبانی رزمی، ارتباطات رزمی، امداد و درمان رزمی، مهندسی رزمی را که همگی در حالی که خدمات پشت جبهه را تداعی می‌کردند، در میانه‌ی میدان نبرد نیز حضور داشته باشند و آنها را هدایت نمایند. آن قرارگاه نیز فراهم گردید و به نام قرارگاه رعد شهرت یافت.

ب- مأموریت:

مأموریت قرارگاه از سوی قرارگاه فرماندهی خاتم‌الانبیاء به شرح زیر ابلاغ گردید:

از: فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)

به: فرماندهی محترم نهاجا- جناب سرهنگ صدیق

سلام علیکم بدینوسیله به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا با بهره‌گیری از تمام مقدرات سازمانی نهاجا، قرارگاه رعد را به فرماندهی جناب سرهنگ عباس بابایی تشکیل داده و تحت فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه مأموریت‌های زیر را به انجام رسانید.

الف- پشتیبانی نزدیک هوایی برای ۱۵ روز عملیات سپاه قابل تمدید تا یک ماه

ب- بمباران عقبه‌های دشمن

ج- پدافند موشکی و توپخانه‌ای ارتفاع بالا و پست

د- پوشش هوایی منطقه

ع- عکسبرداری هوایی از منطقه

و- پشتیبانی از عملیات نزاجا و نداجا

لازم است کلیه امکانات پیش بینی شده حداکثر تا روز ۲۵ دی ماه ۶۴ برای اجرای مأموریت در منطقه عملیاتی آماده گردد.

و من الله التوفیق

اکبر هاشمی رفسنجانی ۶۴/۱۰/۱۵

همان طور که از متن امریه‌ی فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) بر می آید، عملیات والفجر ۸ می‌بایستی نیروهای سپاه و ارتش را در بر می‌گرفت و نیروی دریایی ارتش نقش بسیار مهمی در عبور از ارونردود ایفا می‌کرد. در حالی که در خلیج فارس نیز می‌بایستی دفاع سرزمینی خارک و انتقال کاروان کشتی‌های حامل کالاهای تجاری که برخی از این کالاهای در آن زمان اهمیت کالای استراتژیک به خود گرفته بودند، مانند: گندم، شکر و برنج و برخی مواد غذایی برای جبهه‌های جنگ را نیز پوشش دهد و عملاً در این راه با دشمن درگیر شود.

دشمن هواپیماهای «میراژ F1»، «EQ-5» و «EQ-6» را از فرانسه خریداری کرده بود و در حملات هوایی در شب علیه ناوها و کشتی‌ها از آنها استفاده می‌کرد و آنها را علیه کشتی‌های نفت‌کش و تجاری در آبهای آزاد و آبهای ساحلی ایران بکار می‌برد. در قبل برای این کار از هلیکوپترهای «سوپر فرلئون» و موشک‌های «اگزوست» استفاده می‌کرد. اما هلیکوپترها نقاط ضعف بسیاری در میدان وسیع نبرد شمال غرب خلیج فارس داشتند، از جمله، بعد از پرتاب موشک به سرعت نمی‌توانستند منطقه را ترک گویند. برای رفع این نقیصه سوپر اتانداردها را اجاره کردند. آنها در اختفای کامل از فضای کویت به منطقه وارد می‌شدند و پس از پرتاب موشک اگزوست بلافاصله خود را به فضای کویت می‌رساندند. حتی اگر با کوچکترین اضطراری در شب روبرو می‌شدند، در فرودگاه‌های کویت به راحتی فرود می‌آمدند و از بند خطر می‌رستند. اکنون آنها را پس فرستاده بود و میراژها را که فوق صوت بودند در اختیار گرفته بود. اگر عملیات والفجر ۸ به پیروزی می‌انجامید، نیروهای ایرانی در منطقه وسیعی بین کویت و عراق قرار می‌گرفتند و حایل می‌شدند و به طور کلی وضعیت نظامی منطقه شمال غرب خلیج فارس با تغییرات کلی و عمده‌ای روبرو می‌شد. آن وقت هلیکوپترهای سوپر فرلئون به هیچ وجه در آن منطقه کارایی نداشتند و هواپیماهای جنگنده بمب افکن میراژ نیز قطعاً باید با سوخت گیری در آسمان خود را به خور موسی و شمال غرب خلیج فارس برسانند. زیرا در پایگاه هوایی

شعبیه که در کنار بصره واقع است اصلاً نمی‌توانستند سرویس بگیرند و در پایگاه ناصریه اگر می‌نشستند هواپیماهای ایرانی می‌توانستند پایگاه را به شدت بمباران کنند و آنها کارایی خود را از دست می‌دادند.

پ- نام عملیات:

به طور معمول عملیات پشتیبانی از نیروهای سطحی تحت نام‌های شب و شهاب انجام می‌شد. در این عملیات تصمیم بر این شد که نام عملیات هوایی را عملیات شفق قرار دهند که مناسب و هماهنگی در معنی با نام فجر داشت.

ت- زمان عملیات:

عملیات برای نیروهای سطحی که شامل نیروهای سپاه پاسداران و بخشی از نیروهای ارتش که تحت امر قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) قرار داشتند در ساعت ۲۲۰۰ از روز بیستم بهمن ماه آغاز می‌شد. در حالی که نه‌اجا ناگزیر بود از چندی قبل، برخی عملیات ایزدایی و فریب را در صفحات شمالی جبهه‌ها انجام دهد تا نیروهای زمینی بتوانند برای مانور و حرکت آماده شوند.

از طرفی انتظار فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) مندرج در امریه‌ی مذکور بر این بود که تمام ادوات جنگی نه‌اجا و پرسنل متخصص که در طرح عملیات هوایی شفق پیش بینی شده‌اند شامل عملیات قطع خطوط مواصلاتی دشمن، اطلاعات و هشدار اولیه هوایی، عکسبرداری تاکتیکی هوایی، پشتیبانی نزدیک هوایی، دفاع هوایی تاکتیکی و ترابری تاکتیکی هوایی همچنین عملیات مراقبت‌های تاکتیکی هوایی شامل پوشش هوایی قرارگاه‌های فجر، رعد خاتم الانبیاء(ص) و کربلا و نوح نبی (ع) توسط هواپیماهای «اف-۱۴» بر قرار گردد. از سوی دیگر می‌بایستی عملیات استراتژیک هوایی شامل حمله هوایی به تأسیسات نظامی در داخل شهرهای عراق که عملیات شهرزنی یا جنگ شهرها نیز مشهور شده است، قبل از آغاز عملیات بزرگ والفجر آغاز به کار نماید و تا پانزده روز پس از فتح سرپل در آن سوی اروند و فتح فاو این عملیات هوایی ادامه داشته باشد.

این حجم از عملیات هوایی مداوم می‌بایستی در مدت زمان بین ۲۵ دی ماه تا دهم اسفند ماه مداوم انجام می‌شد.

ث- رمز عملیات:

عملیات زمینی با واژه‌های مقدس یا زهرا(س) آغاز گردید. در حالی که هر یک از پروازهای آفند هوایی خود رمز جداگانه و نام پروازی ویژه‌ای داشت.

ج- اهداف عملیات:

اهداف عملیات برای نیروهای زمینی، گرفتن شهر بندری فاو و اسکله‌ی فاو - تأسیسات نفتی شمال و غرب فاو رأس البیشه - پایگاه نیروی دریایی عراق منطقه سکوه‌های پرتاب موشک کرم ابریشم سطح به دریا در شمال غرب فاو و مرکز خدمات پشتیبانی رزمی ارتش عراق در آن منطقه بود.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف نیروی زمینی، نیروی دریایی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حرکت می‌کرد. اهداف مهم همان هدف‌ها بودند که ذکر شد، اما یک سری اهداف تاکتیکی نیز در این عملیات هوایی برای نیروی هوایی متصور بود که شامل:

الف: انهدام سکوه‌های پرتاب موشک سطح به دریای کرم ابریشم.

ب: انهدام پایگاه هوایی ناصریه

ج: انهدام پایگاه دریایی ام‌القصر

د: حمله‌ی هوایی به نیروهای زمینی دشمن در غرب اروند که نقطه دقیق از روی عکس‌های هوایی تعیین می‌گردید و یا قرارگاه فجر نقطه‌ی مورد نظر خود را اعلام می‌نمود.

ه: سکوه‌های البکر و الامیه

و: انهدام هسته‌ی اصلی فعالیت‌های دریایی دشمن در رأس البیشه برای تأمین آب راه خور

موسی و عبور و مرور کشتی‌های تجارتی.

چ- جغرافیای منطقه عملیات:

خط مقدم منطقه عملیات از مقابل هورالعظیم شروع می‌شد و تا اسکله‌های البکر و الامیه برای ارتش ادامه می‌یافت. در عمق نه‌جا به پایگاه هوایی ناصریه می‌اندیشید که پرواز بمب افکن‌های نیروی هوایی عراق ممکن بود از آن جا آغاز گردد.

در حقیقت مختصات جغرافیایی منطقه عملیات از نظر عمیات هوایی چنین بود:

۲۹۳۰ شمالی ۴۸۴۰ شرقی ۳۲۴۰ شمالی ۴۷۴۰ شرقی ۳۲۳۰ شمالی ۴۵۵۰ شرقی

۳۱۰۰ شمالی ۴۶۰۰ شرقی که سکوه‌های نفتی البکر و الامیه، جزیره آبادان، حوالی فکه، شهر کوت در خاک عراق، شهر ناصریه در جنوب عراق و شهر مرزی صفوان، منطقه عملیات هوایی تنها برای این عملیات والفجر ۸ محسوب می‌شد. اما واقعیت این است که وقتی نیروهای سطحی ایران حملات خود را آغاز می‌کردند نه‌جا می‌بایست بر فراز تک تک شهرها و بنادر و

مناطق حساس و حیاتی می‌جنگید. از جمله جزیره‌ی خارک و خلیج فارس، اما منطقه عملیات برای نیروهای سطحی بسیار کوچک بود.

ح- تأثیر جغرافیای منطقه بر عملیات هوایی:

منطقه عملیات در جنوب منطقه عملیات خیبر در نظر گرفته شد. یعنی شبه جزیره فاو که در این صورت باید نیروهای زمینی و دریایی و سپاه از ارونند عبور می‌کردند که کار بسیار سنگین و خطرناکی بود. زیرا نیروی هوایی دشمن به راحتی قادر بود نظم نیروهای ایرانی را در عرض رودخانه ارونند که بیش از یک کیلومتر است و در برخی نقاط به چند هزار متر می‌رسد در هم ریزد و آنها را به گونه‌ای پراکنده سازد که ارتباطات بین نیروهای خط مقدم و فرماندهان تصمیم گیرنده در قرارگاه‌ها را قطع کند و عملیات را ناکام گذارد. اما از سوی دیگر مسیر ورود هواپیماهای دشمن به منطقه در یک قطاع غربی کمتر از ۹۰ درجه محدود می‌شد و این برای هواپیماهای «اف-۱۴» و رادارهای بندر امام، دزفول و بوشهر کار روبرو شدن با دشمن را بسیار آسان می‌کرد.

از طرفی همین قطاع محدود وضعیت درگیری با آتش موشک‌های زمین به هوای هاگ را که توسط فرماندهی پدافند هوایی بر اساس تجربیات عملیات خیبر و سایت‌های بدر و تبوک، چنین آسان می‌نمود، سمت انتظار دیگر، یک قطاع گسترده ۲۷۰ درجه‌ای نبود و از این جهت منطقه بسیار مناسب برای عملیات تشخیص داده شد.

البته در این عملیات سایت موشک‌های ضد هوایی هاگ بنام کوثر در منطقه‌ای به مختصات ۳۰۱۰ شمالی و ۴۸۴۰ شرقی قرار داده شد که بیشترین تلفات و ضایعات هوایی را به هواپیماهای دشمن این سایت وارد نمود.

خ- امکانات هوایی دشمن:

وضعیت نیروی هوایی ارتش عراق نیز یک وضعیت بهتری از نیروی زمینی این ارتش داشت. اولاً هواپیماهای میراژ «F-1» و «EQ-5»، «EQ-6» را از فرانسه دریافت کرده بود و به شدت هواپیماهای F14 نه‌جا را تهدید می‌کرد. از سوی دیگر به کشتی‌های تجاری، نفت کش و بنادر نفتی و پایانه‌های نفتی در خلیج فارس، با این هواپیماها بهتر از گذشته می‌توانست دسترسی داشته باشد و منهدم نماید.

هواپیماهای میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴ را نیز دریافت کرده بود. اما هنوز بصورت کاربردی تأثیر چندانی بر پتانسیل‌های نه‌جا نداشتند.

پایگاه هوایی کوت و فرودگاهی در نزدیکی شهر العماره، پایگاه هوایی شعبیه در بصره و پایگاه هوایی ناصریه با هواپیماهای میگ-۲۳ و سوخوی-۲۲ و میگ-۲۱ تجهیز شده بودند و این هواپیماهای سوخوی-۲۲ قابلیت حمل موشک‌های ضد رادار را به نام «KH-28» داشتند. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که می‌توانست از میدان‌های نبرد زمین با موشک‌های زمین به هوای هاگ دفاع کند سیستم‌های راداری این موشک‌ها که قرار بود وارد صحنه شود به شدت در برابر KH-28 آسیب پذیر بودند. زیرا باید به محض حضور هواپیماهای سوخوی-۲۲ در منطقه بصره و فاو بلافاصله سیستم رادار هاگ را در حالت غیر عملیاتی «STANDBY» قرار می‌دادند تا موشکی به سوی آنها پرتاب نشود از طرفی هجوم هواپیماهای عراقی در این لحظات «STBY» بی‌امان می‌شد.

هواپیماهای میگ-۲۵ نیز از پایگاه حبانیه هر روز بر می‌خاستند و به سمت بوشهر و جزیره خارک روانه می‌شدند و بمب‌های خود را بدون نشانه روی جزیره یا روی بوشهر فرو می‌ریختند.

این وضعیت اجازه نمی‌داد که هواپیماهای عکس برداری هوایی به منطقه بروند و از گسترش نیروهای دشمن عکس تهیه کنند. البته در روزهای آخر بالاخره فرصتی پیدا می‌شد و عکس قبل از آغاز عملیات بدست می‌آمد که فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) از روی این عکس تفسیر شده در می‌یافت که نقاط ضعف و قوت دشمن در منطقه در چیست؟

دشمن نیز از هواپیمای بلند پرواز میگ-۲۵ برای عکسبرداری استفاده می‌کرد و اخیراً فرماندهان و خلبانان دشمن دریافته بودند که میگ-۲۵ در ارتفاع هشتاد هزار پایی بالای سطح دریا از سوی اف-۱۴ و موشک معروف فنیکس تهدید نمی‌شود. فرماندهان ایرانی هم این موضوع را پس از شلیک‌های متوالی و به هدر دادن موشک‌های فنیکس و هاگ دریافته بودند.

د- امکانات هوایی خودی:

برای عملیات والفجر ۸، در حقیقت نیروهای ارتش تحت امر فرماندهان سپاه قرار گرفته بودند و غواصان نیروی دریایی ارتش و تعدادی از پرسنل سپاه قرار بود که سرپلی را در ساحل غربی اروند بگیرند و بتدریج نیروهای زمینی این سرپل را توسعه دهند. البته با استفاده از یک دهنه پل نظامی از پیش ساخته شده این کار انجام می‌گردید.

نیروهای رزمنده ایرانی در سه قرارگاه عمده باید این عملیات را تحت امر قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) به اجرا در می‌آوردند.

قرارگاه نوح نبی (ع) در کنار جاده‌ی قفاص به اروند کنار تشکیل شده بود. قرارگاه کربلا در نقطه‌ای در کنار جاده چویده به ابودیره و فرخ‌بی استقرار یافته بود. اما قرارگاه سوم، قرارگاه رعد بود که قرارگاه هوایی بود و به فرماندهی سرهنگ خلبان عباس بابایی در پایگاه امیدیه تشکیل شده بود و عملیات مشترک والفجر ۸ را که اغلب سپاه از آن به عنوان عملیات مستقل سپاه یاد می‌کند پشتیبانی می‌نمود.

پایگاه هوایی ششم شکاری در استان بوشهر و پایگاه هوایی چهارم شکاری در دزفول در شمال خوزستان و پایگاه پنجم شکاری در امیدیه با هواپیماهای اف-۴ ای و اف-۵ ای در این عملیات نقش بمب افکن‌ها و جنگنده رهگیری‌های محلی را ایفا می‌کردند. پایگاه هوایی هفتم شکاری در شیراز و پایگاه هشتم شکاری در اصفهان در بخش جنگنده رهگیری‌های منطقه‌ای وارد عملیات شده بودند، با هواپیماهای اف-۱۴ و پایگاه یکم شکاری و فرماندهی اطلاعات و شناسایی نهاجا در بخش اطلاعات عملیاتی وارد کارزار شده بودند و پایگاه یکم ترابری در مهر آباد و پایگاه هفتم ترابری در شیراز به عنوان خدمات پشتیبانی رزمی این عملیات در کارزار والفجر ۸ وارد شده بودند.

فرماندهی پدافند هوایی نهاجا نیز با ایستگاه‌های رادار دزفول، بندر امام، بوشهر، بهبهان در بخش هشدار اولیه و هدایت هواپیماهای رهگیر علیه نیروی هوایی دشمن وارد معرکه شده بود و همچنین مسئولیتی را که هرگز برای آن تجهیز نشده بود پذیرفت و آن مسئولیت موشک تغییر یافته‌ی زمین به هوای هاگ در سایت‌های کوثر-۳ و کوثر-۴ بود که در قلب منطقه عملیات موضع گرفته بود.

پایگاه‌های نهم شکاری در بندر عباس و سوم شکاری در همدان و دوم شکاری در تبریز مسئولیت تأمین هواپیماهای از دست رفته در عملیات و خلبانان پایگاه‌های خط مقدم این عملیات یعنی دزفول، امیدیه و بوشهر را بر عهده داشتند.

ذ- طرح‌ریزی عملیات هوایی و اجرای آن:

فرماندهی کل نیروهای مسلح طی نامه‌ی شماره‌ی پ ۲-۶۴/۸/۱۰ به نیروی هوایی ابلاغ نمود که طرح ریزی عملیات هوایی را بر اساس هماهنگی‌ها در پنج محور تخصصی انجام دهد که این محور به شرح زیر بودند:

- برای مدت پانزده الی ۳۰ روز عملیات بمباران‌های هوایی را در قالب آتش پشتیبانی برای عملیاتی که سپاه پاسداران می‌خواست انجام دهد تهیه و ارائه نماید.

- بمباران‌های هوایی را به سمت عقبه‌ی دشمن هدایت نماید و جاده‌ها و خطوط مواصلاتی و آمارسانی دشمن را به سمت منطقه عملیات نا امن نماید.

- تسلیحات پدافند هوایی را شامل توپ‌های ضد هوایی ۲۳ میلی متری و اورلیکن ۳۵ میلی متری و موشک‌های ضد هوایی هاگ را به منطقه عملیات نیروی زمینی و سپاه پاسداران بکشد و از آسمان منطقه در ارتفاعات مختلف دفاع نماید زیرا نیروی زمینی ارتش فاقد سیستم دفاع موشکی صحنه بود و سپاه پاسداران نیز که به تازگی صاحب گردان‌های زرهی و پیاده شده بود، چنین امکاناتی را در اختیار نداشت.

- آسمان منطقه را با برقراری پروازهای هواپیماهای شکاری رهگیر اف-۱۴ و فانتوم پوشش دهد و برتری هوایی منطقه‌ای را کسب نماید.

قبل از آغاز عملیات زمینی والفجر ۸ عکس‌های هوایی تاکتیکی از منطقه عملیات گرفته شود و در اختیار قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) قرار گیرد تا از استقرار نیروهای زمینی دشمن و شیوه‌های چیدمان دفاعی او در سرزمین‌های مجاور اروند و اطراف بصره و نحوه‌ی گسترش سلاح‌های توپخانه‌ای و موشک‌های آنها اطلاعات بدست آید و عملیات با دیدگاه وسیع‌تر و روشن‌تری آغاز گردد.

- البته مانند تمامی عملیات بزرگ زمینی، انتقال سربازان و نیروهای رزمنده و تجهیزات و آماد به اهواز و امیدیه از راه هوا را باید انجام می داد.

در فرضیات عملیات آمده بود که رادارهای بوشهر، بندر امام، دزفول و بهبهان باید حتماً عملیاتی می‌بودند و سه سایت موشک‌های زمین به هوای هاگ در منطقه عملیات همگی آماده و بدون کاستی باشند.

ر- تدابیر هوایی عملیاتی شفق:

- عکس برداری در ارتفاع بالا توسط هواپیمای فانتوم شناسایی RF4E بنابر درخواست قرارگاه رعد برابر دستورالعمل خاص خود که به نام دستور العمل ناصر معروف بود باید انجام می‌شد. این نام ناصر هم از نام یک خلبان شکاری شناسایی با نام فامیلی رضوانی که بسیار شجاع بود و اغلب تصاویر هوایی از مناطق عملیاتی و داخل خاک عراق را این خلبان گرفته است، به پاس یادآوری شجاعت‌های او، این نام، به طرح عملیاتی داده شده بود.

- به هر تقدیر بدیهی بود فرمانده قرارگاه رعد سرهنگ خلبان عباس بابایی نیازهای قرارگاه‌های نصر و فجر و کربلا را می‌گرفت و پس از بررسی دستور انجام عملیات هوایی عکسبرداری را صادر می‌نمود که این عملیات هوایی خود داستان شورانگیزی دارد.

دو فروند هواپیمای RF5 شناسایی نیز در امیدیه مستقر شدند تا عکس‌های هوایی ارتفاع پایین را تهیه کنند. پوشش هوایی که در حقیقت انجام مأموریت توأمان مراقبت‌های هوایی به همراه دفاع هوایی بر فراز منطقه عملیات بود توسط ۸ فروند F14 با احتساب سوختگیری در آسمان و به صورت دو گروه پروازی چهار فروندی - دو فروند در منطقه، دو فروند در کنار تانکر سوخت رسان - مداوم و بدون توقف باید انجام می‌شد.

- پروازهای آتش پشتیبانی که به پشتیبانی نزدیک هوایی معروف است از روز (ر) به مدت سه روز و هر روز به میزان ۳۸ فروند شامل ۳۰ فروند جنگنده بمب افکن اف ۵- معروف به تایگر و ۸ فروند جنگنده بمب افکن اف ۴- معروف به فانتوم به ترتیب از پایگاه‌های چهارم در دزفول، پنجم شکاری در امیدیه که به تازگی برای شرکت مستقیم در جنگ و انجام پروازهای بمباران اعلام آمادگی کرده بود و قرارگاه رعد نیز در همان پایگاه تشکیل شده بود و همچنین پایگاه ششم شکاری در بوشهر به پرواز در می‌آمدند. یورش خود را علیه نیروهای زمینی ارتش عراق آغاز می‌کردند و به تدریج با به دست آمدن موفقیت در جبهه‌های زمینی تعداد پروازها کاسته می‌شد. مثلاً در روز (ر+۹) یعنی ۹ روز پس از آغاز عملیات زمینی، پروازها به ۱۸ فروند می‌رسید و در روز (ر+۲۰) یعنی ۲۰ روز از عملیات زمینی گذشته به ۱۲ فروند کاهش پیدا می‌کرد تا توان رزمی نهاجا برای آینده‌ی جنگ تداوم داشته باشد.

ز- تدابیر پدافندی هوایی عملیات شفق:

- رادارهای منطقه می‌بایستی عملیاتی نگهداشته شوند و فرماندهی پدافند هوایی موظف به اعزام افسران مجرب و کارآزموده‌ی فایترکنترلر برای کنترل هواپیماهای شکاری رهگیر و هدایت آنها برای درگیری‌های احتمالی هوایی علیه هواپیماهای دشمن شده بود.

- فرمانده گروه پدافند هوایی اعزامی به منطقه می‌بایستی هماهنگی‌های تخصصی و لازم را با فرمانده قرارگاه رعد به عمل بیاورد تا از تیراندازی به سوی هواپیماهای خودی پرهیز گردد. یعنی فرمانده، کنترل را بر عهده‌ی او گذاشته شده بود، در آن زمان فرمانده قرارگاه رعد سرهنگ خلبان عباس بابائی از سوی سرهنگ خلبان هوشنگ صدیق فرمانده نیروی هوایی و به توصیه‌ی حجت الاسلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) تعیین شده بود و فرمانده گروه پدافند هوایی در آن منطقه سرهنگ فایتر کنترلر منصور ستاری خواص بود.

- چهار فروند هواپیماهای «اف-۵ ای» مجهز به موشک‌های هوا به هوا «ساید وایندر» یا AIM-9 در پایگاه چهارم شکاری دزفول به صورت آماده ی ۵ دقیقه ای وپانزده دقیقه ای قرارداد شده بود که در صورت هجوم سنگین هواپیمائی نیروی هوایی عراق به منطقه، این هواپیماها به دفاع هوایی منطقه بشتابد.

- جمع‌آوری اطلاعات و شناسائی الکترونیکی: این فرماندهی را اختصار به نام «فاشا» یعنی فرماندهی اطلاعات و شناسایی می نامند. در آن زمان گروه بود. در نتیجه آن را «گاشا» نامیدند. از روز «ر» هواپیمای خفاش در مسیری مخصوص در جنوب غرب کشور قرار می گرفت و با دستگاههای جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی معمولاً سیگنالهای الکترومغناطیس رادارها و گفتگوی عوامل هوانوردی و پدافند هوایی، دشمن را کشف، شناسایی و ثبت و حفظ می کرد و برخی از این اطلاعات را درجا بلافاصله به ایستگاههای زمینی مانند یگان‌های رادار و مرکز فرماندهی نهاجا در دوشان تپه و قرارگاه هوایی جنوب در پایگاه هوایی دزفول اطلاع می داد. برخی دیگر را که نیاز به پردازش حرفه‌ای بود به اسکاادران شناسایی الکترونیکی منتقل می نمود تا پردازش شود و نتایج حاصل را به معاونت اطلاعاتی نهاجا برای کاربرد در طرح‌های عملیاتی می فرستاد. سایت ایلام که یک سایت شناسایی ثابت بود نیز همین کار را در طول شبانه روز انجام می داد. این خیلی مهم بود که کار شنود و جمع‌آوری اطلاعات حتی یک دقیقه هم قطع نشود. زیرا پروازهای دشمن و تماس خلبانان با برج مراقبت فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های رادار و هم پروازان آنها در طول شبانه‌روز ادامه داشت. از این راه می شد حتی فهمید که چند خلبان در کدامیک از پایگاه‌ها به سر می برند و حتی از شیوه‌ی حرف زدن آنها می شد فهمید که کدام یک به تازگی به این پایگاه منتقل شده اند. یا سایت موشکی «سام-۳» دشمن در نقطه‌ای از بغداد یا در تمام نقاط، هر یک، در چه ساعتی و چه زمان‌هایی فعال هستند و چه وقت کدامیک از آنها غیر فعال می شود. به هر حال کار جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی حساس تر و زیباتر از آن است که در این چند سطر بگنجد.

- ۶۴/۱۰/۱۰ به نیروی هوایی دستور داده می شود تعداد ۴۴ عراده توپ ضد هوایی ۲۳ میلی متری و ۳۵ عراده ضد هوایی اورلیکن ۳۵ میلی متری و چهار قبضه توپ‌های ۱۴/۵ میلی متری خود را به همراه بار مبنای مهمات و کارکنان فنی و عملیاتی آن تحت پروژۀ ای بنام «کمیل» به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دهد.

این کاهش جنگ افزار از فرماندهی پدافند هوایی این نیرو در آستانه ی عملیات «والفجر ۸» بنا به دستور فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیا ابلاغ می گردد

در پروژه ی چاوش نیز انتقال ده قبضه توپ ۲۳ میلی متری در تلمبه خانه های مارون ۳ و مارون ۴ و ۵ و اهواز و تعداد یک قبضه توپ ۲۳ میلی متری در مارون ۲ امیدیه انجام شده بود و توپ ها مستقر و عملیاتی شده بودند. از سوی دیگر تعداد چهار قبضه توپ ۲۳ میلی متری دیگر به علت حاضر نبودن مواضع آنها در امیدیه جایی که به آنها بوستر ۱ و ۲ گفته می شد، همچنین در محل «پازنان» منتقل نشده بودند و سه قبضه از همین توپ در مواضعی در منطقه «رگ سفید» گسترش یافته و عملیاتی شده بودند. فرماندهی پدافند هوایی برای گسترش سایت های موشکی هاگ زمین به هوا از پایگاه های هوایی به مناطق نبرد نیروهای زمینی درخواست ۱۵ سورتی پرواز هواپیمای «C-130» کرده بود و همچنین برای استقرار یک قبضه توپ به پشت بام شرکت پنها درخواست یک فروند هلیکوپتر شده بود و اینها فشارهایی بود که نیروی هوایی با تمام وجود تحمل می کرد و انجام می داد.

س- خدمات پشتیبانی رزمی (اقدامات لجستیکی):

معاونت لجستیکی نهجا نیز می بایستی بر اساس طرح عملیاتی «شفق» جابجایی هایی را در سطح هواپیماهای پایگاه و نفرات و پروازهای ترابری هوایی صادر نماید که عمده کار این معاونت به شرح زیر طی یک دستور لجستیکی ابلاغ گردید.

- میزان و انواع مهمات مصرفی را که در این عملیات برای انجام حملات هوایی لازم بود باید برآورد می گردید. این کار باید از مدیریت عملیات تاکتیکی در معاونت عملیات نهجا سوال می شد و آنها با شمارش تعداد سورتی پرواز در هر روز و تعیین انواع مهمات بر اساس نوع هدف ها محاسبه می کردند و به معاونت لجستیکی اعلام می داشتند که اگر عملیات را به مدت ۴۵ روز از بیست و پنجم دیماه ۱۳۶۴ تا دهم اسفندماه همان سال محاسبه کنیم چیزی حدود ۳۰۰/۰۰۰ پوند مهمات جنگی هوایی شامل بمب های ۷۵۰ پوندی «M-117»، «MK-82»، «BL-755»، «CBU-57,58» و گلوله های ۲۰ میلی متری مسلسل های هواپیماها و بمب های «BLU-1B» می گردید.

- تعداد سورتی پرواز هواپیماهای «بوئینگ-۷۰۷» و «بوئینگ ۷۴۷» برای سوخت رسانی در هوا به هواپیماهای «اف-۱۴» مأمور پوشش هوایی «CAP» و هواپیماهای فانتوم «اف-۴» محاسبه می شد و اعلام می گردید تا لجستیک پایگاه های مهرآباد و شیراز بتوانند در برنامه های خودشان بگنجانند.

- معاونت تحقیقات و جهاد خود کفایی قرار بود پروژه ای را بنام «ابابیل» که تغییر و تبدیل موشک زمین به هوای هاگ آمریکایی به موشک هوا به هوا برای برخی مصارف هوایی مثل مقابله با حملات «میگ-۲۵» بود انجام دهد و در این عملیات حداقل آزمایش شود.
 - گروه‌های ارتباط و الکترونیک نیز می‌بایستی ارتباطات تلفنی و سوئیچینگ وهات لاین و «ONLINE» را برای یگان‌های درگیر در عملیات آماده سازد.
 - فرماندهی منطقه ی هوایی مهرآباد می‌بایستی دو فروند هلیکوپتر «شنوک» و دو فروند هلیکوپتر «AB-214» با خلبانان مربوطه مجهز به تجهیزات «ش.م.ه» یعنی شیمیایی، میکروبی، هسته ای به پایگاه هوایی دزفول اعزام می‌کرد تا در عملیات خدمات پشتیبانی رزمی جهت نجات خلبانان آسیب دیده یا انتقال مجروحین به پشت جبهه شرکت نمایند. معلوم می‌شد که دشمن از سلاح شیمیایی، میکروبی حتما استفاده خواهد کرد.
 - فرماندهی پایگاه هوایی تبریز، پایگاه دوم شکاری می‌بایستی ۸ فروند هواپیما به اتفاق خلبانان آن به پایگاه هوایی دزفول اعزام می‌نمود تا در عملیات شرکت نمایند.
 - ز- پایگاه چهارم شکاری دزفول نیز باید به تعداد ۱۲ فروند هواپیمای «اف-۵ای» خود را به پایگاه پنجم شکاری در امیدیه گسترش می‌داد تا در عملیات شرکت نمایند.
 - فرماندهی منطقه هوایی شیراز می‌بایستی سه فروند هلی کوپتر «AB-214» و یک فروند هواپیمای بونانزا «F-33» را به پایگاه پنجم شکاری در امیدیه اعزام نماید تا در عملیات خدمات پشتیبانی رزمی شرکت نمایند.
 - فرماندهی پایگاه نهم شکاری در بندرعباس می‌بایستی تعداد ۲ فروند فانتوم «اف-۴» را به پایگاه هوایی بوشهر اعزام نماید تا در عملیات آتش پشتیبانی شرکت داده شوند.
- ش- روز شمار عملیات شفق:**

روز یازدهم دی ماه ۶۴ جنگ شهرها ادامه می‌یابد و رادیو عراق اعلام می‌نماید که هواپیماهای ایرانی شهرک «کاریزه» را در شمال کشور عراق بمباران و در نتیجه ۲۱ نفر کشته و ۱۵ نفر مجروح و ۳۸ باب منزل مسکونی ویران گردیده و در حمله ی دیگری در استان «میسان» واحدهای مسکونی دیگری توسط هواپیماهای ایرانی منهدم شده‌اند، در حالی که نیروی هوایی ایران می‌گوید در ساعت ۱۱:۳۰ جنگنده بمب افکن‌های نه‌اجا تأسیسات ارتباطی و رادیویی دشمن را که به نظر یک مرکز گزارشات و جمع‌آوری اطلاعات الکترونیکی بوده در منطقه سید صادق بمباران و منهدم می‌نمایند که ژاندارمری ناحیه ی کردستان گزارشی مبنی

بر تعقیب هواپیماهای ایرانی توسط عراقی‌ها داده که تا روی شهرستان مریوان و با شکستن دیوار صوتی ادامه می‌یابد.

در ساعت ۱۱:۳۸ دو فروند هواپیمای جنگنده بمب افکن از نوع «میگ-۲۳» و دو فروند میراژ با پرواز در ارتفاع پایین، پادگان ابوذر و سرپل ذهاب را بمباران نموده و چند شهید و مجروح و خانه‌های ویران شده بر جای می‌گذارند. در ساعت ۱۱:۴۷ شهر بانه توسط هواپیماهای دشمن راکت باران می‌شود. در ساعت ۱۳:۱۰ منازل مسکونی پادگان دشت آزادگان توسط هواپیماهای دشمن بمباران و تعدادی شهید و مجروح بر جای می‌ماند. در ساعت ۱۴:۰۲ هواپیماهای نیروی هوایی عراق به جزیره‌ی خارک حمله ور می‌شوند و چهار بمب از ارتفاع بالا به داخل دریا رها می‌نمایند.

در این روز فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ خلبان هوشنگ صدیق، به فرماندهی پدافند هوایی دستور می‌دهد که از تاریخ ۶۴/۱۰/۱۱ تا سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی هر هفته تنها یک موشک هاگ به سوی هواپیمای «میگ-۲۵» نیروی هوایی ارتش عراق که در ارتفاع بالا به خارک حمله ور می‌شوند پرتاب شود. لازم به ذکر است که هواپیماهای مذکور با سرعت ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ کیلومتر در ساعت در ارتفاع هشتاد هزار پایی (۸۰۰۰۰ پا) بر فراز جزیره‌ی خارک ظاهر می‌شدند و هواپیماهای «اف-۱۴» هر بار یک موشک گران قیمت و کمیاب فینیکس را به سوی آنها شلیک می‌کردند. سایت موشک هاگ (HAWK) در جزیره نیز هر بار یک یا چند فروند از این موشک به سوی آن هواپیما شلیک می‌کردند که هرگز اثری و سودی در بر نداشت. بنابراین شلیک موشک‌های فینیکس متوقف شد و تنها در هفته یک شلیک هاگ برای خارک در نظر گرفته شد تا آن دسته از کسانی را که شلیک نشدن موشک علیه «میگ-۲۵» را خیانت می‌پنداشتند و آن را بزرگنمایی می‌کردند، کمتر نیروی هوایی را در معرض اتهام قرار دهند.

روز سیزدهم دی ماه ۱۳۶۴ در ساعت ۱۹:۲۵ پرواز یک فروند هواپیمای «میگ-۲۹» را که هواپیمایی جنگنده رهگیر و جنگنده بمب افکن بود، توسط فرماندهی اطلاعات و شناسایی نیروی هوایی شناسایی و اعلام می‌گردد. «میگ-۲۹» هواپیمایی بود مدرن که اگر نیروی هوایی ارتش عراق می‌توانست از آن بهره برداری کند جریان نبردهای هوایی را می‌توانست دگرگون سازد. روس‌ها در این مقطع نهایت لطف را به ارتش عراق کرده بودند و ابتدا هواپیماهای «میگ-۲۹» و سپس «SU-24» را در اختیار نیروی هوایی عراق قرار دادند.

یک فروند موشک هاگ نیز در همان ساعت از سوی سایت جزیره ی خارک به سوی این جنگنده نشانه روی می شود که به علت اشکال فنی موشک رها نمی گردد، به اصطلاح می گویند «HANGFIRE» شد.

روز چهاردهم دی ماه ۶۴ موضوع انتقال سایت هاگ پایگاه هوایی نوژه به جنوب متوقف می شود و در ساعت ۱۴:۵۹ یک فروند هواپیمای «میگ-۲۵» در ارتفاع بالا به خارک حمله ور می شود و یک تیر موشک هاگ به سوی او شلیک می شود که نتیجه ای دربر ندارد.

روز پانزدهم دی ماه ۶۴ بالاخره دشمن با ادامه ی حملات هوایی به جنوب نیت خود را آشکار می سازد، او نمی تواند ضربه ی عمده ای به جزیره ی خارک بزند. اما با ادامه ی حملات هوایی ارتفاع بالا، وضعیت منطقه که قرمز می شود، یعنی همه ی فعالیت های اقتصادی متوقف می شود. مثل بارگیری کشتی های نفتکش در اسکله ی «تی» و «آذرپاد» در جزیره ی خارک، کشتی های بزرگ و غول پیکر نفتکش در حال سوخت گیری و پر کردن مخازن نفتی خود و سایر خدمات به یکباره باید همه ی عملیات را متوقف کنند و از اسکله جدا شوند، این واقعاً کار ساده ای نیست.

در همین روز در ساعت ۱۳:۱۵ دشمن، یک فروند کشتی یونانی نفتکش را در مسیر بوشهر به خارک در ۳۰ مایلی جنوب بوشهر با موشک هوا به زمین اگزوست می زند. تاکتیک آنها چنین است که دو فروند میراژ به سوی تنها «اف-۱۴» بنام «چنگیز-۱۲» حمله ور می شوند و او سرگرم نبرد با آنها، دو تیر موشک اسپاور به سوی مهاجمین پرتاب می کند، اما فروند سوم میراژها از ارتفاع پائین خود را به کشتی می رساند و او را از پای در می آورد، دشمن تا ماه بهمن ۱۳۶۴ درگیر جنگ نفتکش ها می شود و بطور کلی اهمیت جبهه ی آبادان - خسرو آباد - اروندکنار کاملاً پنهان می ماند.

در روز شانزدهم بهمن پایگاه هوایی بندرعباس مأمور می شود که یک فروند هواپیمای فانتوم «اف-۴» مجهز به موشک هوا به زمین «ماوریک» را به سوی یک فروند کشتی نفتکش در محدوده ی جزیره ی لاوان تا قشم روانه کند و دو تیر موشک ۵۰۰ پوندی ماوریک را بر این کشتی نگون بخت شلیک نماید، تا دشمن و حامیان او یعنی کشورهای غربی که سلاح غیر متعارف در اختیار او می گذارند و نمی خواهند که عراق شکست بخورد بدانند که اگر یک تیر انداختند باید در انتظار یک تیر باشند، این سیاست های تلافی جویانه نیز در طول دفاع مقدس از زمانی که نیروی هوایی عراق توسط فرانسوی ها با میراژ و روس ها با «میگ-۲۳» و «سوخوی-

۲۴» تقویت شد، اثرات پیروزمندانه ای در روند کار نهاجا که حتی یک گلوله هم به او در سراسر جهان فروخته نمی شد داشت. از طرفی جنگ از آنجایی که هدف نیروهای سطحی بود فاصله گرفته بود و این دلخواه فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بود.

روز هفدهم بهمن ماه و روز بیستم بهمن ماه در هر روز ۳ فروند هواپیمای فانتوم، در بندر عباس راه را برای کشتی‌های نفتکش تحت حمایت آمریکایی‌ها در آب‌های آزاد بین‌المللی بستند و جمعا ۱۴ تیر موشک ماوریک بر این کشتی‌ها زدند، البته باید اذعان داشت که موشک ماوریک علیه تانک‌ها خیلی موثر بود اما علیه کشتی‌هایی که طول بدنه ی آنها به یکصد متر می رسید، واقعا تنها ممکن بود عرشه ی کشتی آسیب ببیند، این که کشتی را غرق کند، چنین قدرتی را نداشت.

در روز نوزدهم دی ماه ۱۳۶۴ الی ۶۴/۱۱/۲۳ قرارگاه سپاه سوم ارتش عراق در بصره و قرارگاه لشکر هفتم عراق در غرب اروند توسط پایگاه ششم شکاری با ۱۲ فروند هواپیمای فانتوم «اف-۴-ای» بمباران شدند تا وضعیت مناسبی برای رویارویی با نیروهای ایرانی نداشته باشند. مهمترین بمباران‌های این پایگاه در روزهای ۶۴/۱۰/۱۹، ۶۴/۱۰/۲۰، ۶۴/۱۱/۲۲ و ۶۴/۱۱/۲۳ انجام گردید که جمعا ۳۸ سورتی پرواز بمباران هوایی با یکصد و نود و شش هزار و نهصد و نود دو پوند مهمات جنگی شامل بمب‌های «MK-82» «M-117» «BL-755» «BLU-IB» و گلوله‌های بیست میلی متری بر سر دشمن فرو ریخته شد.

البته تعداد ۱۲۷ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه ی هوایی نیز در طول این مدت از طریق پایگاه ششم شکاری بوشهر با هواپیمای «اف-۴-ای» فانتوم انجام گردید.

در روز بیستم بهمن، دشمن به تلافی حملات هوایی به کشتی‌های نفتکش هواپیماهای «میگ-۲۳» و «میگ-۲۵» بر سطح جزیره ی خارک شلیک می کنند و گودال‌هایی را به وجود می آورند.

همه این بده بستان‌ها در شب‌ها و روزهایی اتفاق می افتاد که ساعاتی بعد حمله ی بزرگ نیروهای سطحی بر غرب اروندرود آغاز می‌گردید و عملیات مشترک وسیعی تحت نام «والفجر ۸» به زودی اجرا می‌شد. روز نوزدهم بهمن یک عکس هوایی در ارتفاع ۴۵۰۰۰ پایی از وضعیت استقرار و نیروهای دفاعی ارتش عراق در ساحل غربی اروندرود و جزیره فاو گرفته شد. در این عکس نشان داده شده بود که تنها یک لشکر هفتم در نزدیکی سایت موشکی ساحل به دریا «HY-2» که بنام کرم ابریشم معروف بود و در مختصات ۲۹۵۵ شمالی و ۴۸۲۰ شرقی در

نقطه ای بنام قشله در خاک عراق نزدیک بندر ام‌القصر قرار داشت، در برابر قرارگاه کربلا در ارون‌کنار حضور دارد. بقیه ی نیروهای عراقی از منطقه فاصله ی قابل توجهی دارند. این اطلاعات که بر اساس طرح نبرد هوایی «شفق» اجرا می‌شد آنچنان اعتماد نفسی به فرماندهان زمینی در قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) داده بود که لحظه ای درنگ را در آغاز حملات خود به دشمن جایز ندانستند.

- در روز بیستم بهمن ماه ۶۴ هنوز جابجایی‌ها ادامه داشت و فرماندهی نه‌جا بنا به امر فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) که توسط رئیس ستاد قرارگاه ابلاغ گردید و این رئیس ستاد بنام رئیس ستاد پدافند هوایی کل کشور هم معروف شده بود کسی نبود جز حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی، دستور داده شد که فرماندهی پدافند هوایی چهار قبضه جنگ افزار ۲۳ میلی متری ضد هوایی را به جای ۴ قبضه مسلسل‌های ضد هوایی ۱۴/۵ میلی متری به پازنان بفرستد.

در تاریخ ۱۱/۲۲ مناسب‌ترین منطقه ی ایستایی برای هواپیماهای «CAP» «اف-۱۴» در عملیات «شفق» تعیین و به ایستگاه‌های رادار و سایر منابع عملیاتی ابلاغ می‌گردد که مختصات جغرافیایی آنها به شرح زیر است. نقطه A ۳۰۴۰ شمالی و ۴۹۰۰ شرقی نقطه B به مختصات ۳۰۳۵ شمالی و ۴۳۳۷ شرقی.

- در این روز نیروی هوایی دشمن فعالانه محل حرکت‌های نیروهای سطحی را هدف قرار می‌دهد و در ساعت ۱۱:۳۱، ۱۱:۵۸ و ۱۳:۱۱ تعداد سه فروند هواپیمای دشمن توسط سایت کوثر هدف قرار داده می‌شود و سرنگون می‌گردند. در ادامه این عملیات ساعت ۱۴:۲۵، ۱۴:۲۸، ۱۴:۳۳ و ۱۴:۳۵ تعداد چهار فروند هواپیمای دشمن درگیر هاگ می‌شوند.

- در ساعت ۱۵:۴۲ و ۱۵:۵۷ نیز دو فروند دیگر سرنگون می‌کردند.

- روز بیست دوم بهمن ماه نیز خلبانان پایگاه هوایی چهارم شکاری در دزفول تعداد چهار فروند هواپیمای تایگر «اف-۵-ای» خود را مجهز به انواع بمب‌های «BL-755» و راکت‌های زونی ۲/۷۵ و بمب‌های «BLU-IB» و گلوله‌های توپ بیست میلی متری به قرارگاه لشکر مستقر در شمال فاو و جنوب بصره حمله ور شدند و آغاز نبرد سهمگین «والفجر ۸» را به دشمن اعلام کردند.

خلبانان پایگاه ششم شکاری در بندر بوشهر نیز با سه فروند هواپیمای فانتوم «اف-۴-ای» خود به قلب دشمن یعنی پایگاه موشکی «HY-2» کرم ابریشم حمله ور شدند و قبل از هر اقدامی از سوی دشمن، این پایگاه را در هم کوبیدند.

روز بیست و سوم بهمن سایت موشکی هاگ «کوثر» با تعداد هفت فروند هواپیمای دشمن که به قصد بمباران این سایت آمده بودند در ساعت ۰۷:۴۰ درگیر شد و سه فروند موشک به طرف آنها شلیک کرد، اما بمب‌های هواپیماهای مهاجم عراقی سه نفر از اعضای سایت کوثر را مجروح می‌سازند و احتمالاً یک فروند هواپیمای مهاجم سرنگون می‌شود.
- در ساعت ۱۰:۴۳ و ۱۰:۴۴ نیز دو فروند هواپیمای دشمن به سایت کوثر سپرده می‌شوند و این سایت آنها را سرنگون می‌سازد.

- در ساعت ۱۰:۵۰ نیز یک موشک هاگ به سمت هواپیمای دشمن شلیک می‌شود که اصابت نمی‌کند در ساعت ۱۰:۵۳ یک فروند هواپیمای مهاجم دشمن توسط شلیک یک موشک هاگ از این سایت سرنگون می‌گردد.

- در ساعت ۱۰:۵۵، ۱۴:۱۵ نیز درگیری سایت کوثر با هواپیماهای دشمن تشدید می‌شود و در موقعیت جغرافیایی ۲۹۵۵ شمالی و ۴۸۳۵ شرقی سه موشک هاگ شلیک می‌شود و یک فروند هواپیمای دشمن سرنگون که خلبان آن با چتر نجات از هواپیما بیرون می‌پرد.
- در ساعت ۱۴:۱۸ بالاخره دشمن با یک هواپیمای مجهز به موشک ضد رادار سیستم «HIPW» سایت کوثر را هدف قرار می‌دهد و سایت از کار می‌افتد بلافاصله در ساعت ۱۴:۲۰ هواپیماهای جنگنده بمب افکن دشمن، سایت را بمباران می‌کنند.
- در ساعت ۱۶:۰۴ تاسیسات گازی نفتی بندر گناوه در شمال غرب بوشهر بمباران می‌شود.

- پایگاه چهارم شکاری در دزفول نیز در روز ۶۴/۱۱/۲۳ با تعداد دو فروند هواپیمای «اف-۵-ای» نیروهای سطحی دشمن را در غرب اروندرود بمباران نمود و در این عملیات سروان خلبان ورزدار با هواپیمای ۷۱۰۶ «اف-۵-ای» به شهادت رسید و هواپیما منهدم شد.
پایگاه چهارم شکاری در روز ۶۴/۱۱/۲۴ با تعداد ۴ فروند به شمال فاو تاخت و قرارگاه لشکر دشمن را بمباران نمود و هواپیمای ۷۰۹۸ «اف-۵» به خلبانی سروان ابوالفضل اسدزاده در شمال فاو مورد اصابت گلوله‌های دشمن واقع گردید و هواپیما در حوالی آبادان سانحه داد و خلبان شهید گردید.

- در روز بیست و چهارم بهمن ماه ۱۳۶۴ بالاخره پس از چندین روز نبردهای زمینی و هوایی سرلشکر ماهر عبدالرشید فرمانده ی سپاه سوم ارتش عراق که در بصره مستقر بود و همین سپاه، خرمشهر را متصرف شده بود اعلام می کند که شهر «فاو» و مناطق اطراف آن سقوط کرده و به دست نیروهای ایرانی درآمده است. رادیوی فارسی زبان عراق گزارش می نماید که ایران در این عملیات از سلاح شیمیایی استفاده برده است. این تبلیغات حکایت از آینده ی تاریک جنگ را دارد مبنی بر ایجاد شرایط برای ارتش عراق تا از سلاح شیمیایی استفاده کند و هیچکس و هیچ قدرتی در جهان به این کار ارتش عراق خرده نگیرد. ستاد پدافند هوایی کل کشور اکنون بوجود آمده و فعال شده و از تسلیحات تاکتیکی نهاجا برای پدافند مراکز نفتی و پالایشگاه ها و نیروگاه ها استفاده می کند=، در همین روز چهار عراده توپ ۲۳ میلی متری پدافند هوایی نیروی هوایی ارتش جایگزین چهار قبضه مسلسل های ۱۴/۵ در تلمبه خانه ی یونیت شماره ی ۴ و یونیت شماره ی ۴ و یونیت شماره ی ۵ در آغا جاری می گردد.

- در ساعت ۱۱۰۰ عملیات بمباران هوایی علیه هدفی در دهانه ی فاو (در خور عبدالله) توسط دو فروند هواپیمای «اف-۴» ایرانی انجام می گیرد که یک فروند آنها اسیر گلوله های ضد هوایی دشمن می گردد و سرنگون می شود.

- روز بیست و چهارم ماه، دیگر جنگ مغلوبه شده بود. دشمن غافلگیر شده را باز هم خلبانان پایگاه های چهارم شکاری در دزفول با ۶ فروند «اف-۵» و خلبانان پایگاه پنجم شکاری در امیدیه با ۸ فروند و خلبانان پایگاه بوشهر با یک فروند فانتوم، تانک ها و ادوات زرهی و عده های دشمن را در منطقه ی فاو و ساحل غربی اروند زیر آتش سهمگین بمباران های هوایی خود قرار دادند تا سر پل به دست آمده در فاو بتواند توسعه پیدا کند.

- در ساعت ۱۱:۲۰ همین روز (روز ۶۴/۱۱/۲۴) یک فروند هواپیمای دشمن توسط عوامل پدافند هوایی نهاجا سرنگون می شود و در ساعات ۱۱:۲۵، ۱۳:۰۰ و ۱۳:۱۵ و ۱۳:۴۲ جزیره خارک، شهر اهواز، بهره برداری منصوریه و بندر گناوه توسط جنگنده بمب افکن های دشمن بمباران می شود. رادیوی عراق طی بیانیه ای از سوی ارتش این کشور ادعا می کند که نیروهای ارتش ایران در شرق بصره از مواضع اشغالی عقب نشسته اند، در حالی که در شرق بصره هیچگونه قصد انجام حملات زمینی نبود. تنها وضعیت دفاعی، حاکم بود. در همین روز هواپیماهای دشمن شهر خرمشهر را بمباران می کنند و سیزده نفر بسیجی مجروح می شوند.

- در ساعت ۰۷:۳۰ روز ۶۴/۱۱/۲۵ دشمن سعی می‌کند که مجنون جنوبی را از دست نیروهای ایرانی خارج سازد. این جزیره از متصرفات خیبر بود.

برج ۴۸ دیده‌بانی و گزارشات عراق در بخش غربی فاو که با آغاز عملیات «والفجر ۸» احتیاط تخلیه شده بود، در این روز مجدداً فعال شد.

روز بیست و ششم بهمن در ساعت ۱۰:۰۹ سایت هاگ کوثر، مورد حملات هوایی هواپیماهای حامل موشک‌های ضدرادار قرار می‌گیرد و اطلاعات واصله حاکی از این است که دشمن موفق شده به ۱۹ فروند شناور در شمال غرب خلیج فارس حمله‌ور شود. البته تلفاتی در کار نبود.

- در ساعت ۱۲:۰۰ و ۱۲:۱۵ انرژی اتمی بوشهر مورد حملات هوایی دشمن قرار می‌گیرد که هواپیماها توسط «اف-۱۴» حاضر در منطقه به عقب رانده می‌شوند.

- در ساعت ۱۴:۰۰ یک فروند هواپیمای دشمن توسط سایت هاگ کوثر مورد اصابت قرار می‌گیرد و در مختصات ۳۰۰۸ شمالی و ۴۸۲۲ شرقی سقوط می‌کند در ساعت ۱۸۱۵ و ۱۹۱۰ سخنگوی نظامی ارتش عراق ادعا می‌کند که یک شناور ایرانی توسط یگان‌های دریایی آنها منهدم گردیده و جزایر مجنون از دست ایرانی‌ها خارج شده است.

- در ساعت ۲۳:۰۳ جزیره ی خارک توسط هواپیمای بلند پرواز «میگ-۲۵» از ارتفاع بالا بمباران می‌شود، این بمباران‌ها بدون دقت از ارتفاع ۷۵۰۰ پایی انجام می‌شد.

تعداد سه عراده توپ اورلیکن که از شمال غرب برداشته شده بودند به بندر گناوه فرستاده شد تا دفاع هوایی تاسیسات نفتی بندر امام حسن کمی مستحکم تر شود. این روزها هواپیماهای عراقی به بندر گناوه چندین بار نفوذ و بمباران کرده‌اند.

روز بیست و هفتم بهمن ماه، دشمن آغاز به عملیات شیمیایی می‌نماید. این عملیات توسط سخنگوی نظامی ارتش عراق اعلام می‌شود که نیروهای عراقی برای باز پس گیری فاو به سوی این بندر روانه شده‌اند. در ساعت ۱۰:۵۵ سرفرماندهی ارتش عراق به برج‌های دیده بانی در منطقه ی بصره و فاو اعلام می‌نماید که از ماسک‌ها و تجهیزات جنگ شیمیایی استفاده کنند، زیرا ممکن است حتی باد بتواند اثرات بمب‌ها و گلوله‌های شیمیایی را بر عکس به سوی یگان‌های عراقی براند. در همین ساعت جنگنده بمب افکن‌های پایگاه ششم شکاری از نوع فانتوم، نیروهای ارتش عراق را در منطقه ی فاو بمباران می‌کنند.

- در ساعت ۱۱۱۵ هواپیماهای عراقی شهر آبادان را بمباران می کنند و خساراتی به پل ایستگاه هفت و چندباب منازل مسکونی وارد می شود در ساعت ۱۵۰۷ و ۱۵۱۵ مجدداً برای چندمین بار تاسیسات نفتی بندر گناوه و اطراف شهر بمباران می شود.

در این گیرودار هواپیمای «اف-۱۴» مأمور مراقبت مسلحانه ی هوایی با هواپیمای «میگ-۲۵» بمب افکن عراقی بر روی گناوه درگیر می شود و هواپیمای مهاجم با ارتفاع بالا حدود ۸۰۰۰ پا بمبهای خود را می ریزند و موشک فنیکس هواپیمای «اف-۱۴» شلیک می شود اما به جایی نمی رسد.

سایت کوثر با شلیک یک فروند موشک هاگ هواپیمای بمب افکن عراقی را در مختصات ۲۹۵۰ شمالی و ۴۸۱۵ شرقی سرنگون می سازد. در ساعت ۱۶۲۲ نیز یک فروند دیگر در موقعیت ۳۰۱۰ شمالی و ۴۸۱۰ شرقی توسط همین سایت سرنگون می شود. در ساعت ۱۶۴۹ در موقعیت ۲۹۴۵ شمالی و ۴۸۳۵ شرقی، فروند دیگری از هواپیماهای عراقی هدف موشک هاگ قرار می گیرد و سرنگون می شود.

- در ساعت ۱۸۰۴ مجدداً یک هواپیمای دشمن در موقعیت ۳۰۰۰ شمالی و ۴۸۲۰ شرقی توسط کوثر منهدم می گردد. در ساعت ۲۱۰۰ و ۲۱۲۰ نیروی هوایی عراق دو تیر موشک توسط هواپیمای جت فالکان که کابین میزراژ در آن تعبیه شده شلیک می نماید و دو فروند شناور ایرانی را در شمل غرب خلیج فارس مورد اصابت قرار می دهد.

روز بیست و ششم بهمن ماه نیز پایگاه پنجم شکاری که قرارگاه رعد در همین پایگاه تشکیل شده بود بلافاصله بر اساس درخواست قرارگاه کربلا تعداد ۶ فروند هواپیمای «اف-۵» خود را به منطقه ی نبرد «الفجر ۸» فرستاد.

پایگاه چهارم در روز ۶۴/۱۱/۲۷ با تعداد ۶ سورتی «اف-۵-ای» شمال فاو را مجدداً به درخواست قرارگاه کربلا بمباران نمود.

روز بیست و هشتم بهمن ماه ۶۴ در ساعات ۰۹:۳۹، ۰۹:۴۸، ۱۰:۱۵، ۱۰:۳۸، ۱۰:۴۷؛ ۱۲:۴۵، ۱۲:۴۸، ۱۳:۱۵، ۱۵:۰۷، ۱۶:۰۳ سایت کوثر با هواپیماهای نیروی هوایی عراق درگیر می شود و در نتیجه این نبردهای زمین به هوا، تعداد ۸ فروند هواپیمای عراقی سرنگون می گردد که یکی از آنها «میگ-۲۳» بوده و یکی دیگر «PC-7» شناسایی شده است. سخنگوی ارتش عراق نیز اعلام می دارد که یک فروند هواپیمای «اف-۵» ایرانی در منطقه شط العرب با موشک زمین به هوا مورد اصابت قرار گرفته است.

روز ۶۴/۱۱/۲۹ در ساعات ۱۱:۰۱، ۱۱:۲۴، ۱۱:۳۳ سه فروند موشک هاگ علیه هواپیماهای دشمن شلیک و سرنگونی آنها اعلام می گردد که دو فروند آنها توسط هواپیمای خفاش و پست شنود فاشا تایید می شود.

بیست نهم بهمن ماه نیز پایگاه پنجم با چهار فروند «اف-۵» عملیات بمباران هوایی نیروهای دشمن را در این منطقه پراشوب ادامه داد و پایگاه هوایی دوم شکاری در تبریز نیز در راستای بمبارانی که دشمن علیه پادگان جلدیان انجام داده بود (منجر به شهادت یک سرباز و یک جوانمرد و مجروح شدن ۸ نفر سرباز دیگر شده بود و همچنین بمباران شهرک ربط که ۱۶ نفر شهید و نوزده نفر مجروح شده بودند) پادگان و تاسیسات نظامی را در کنار شهر.... به آتش کشید، البته خوانندگان محترم توجه دارند که همه ی این خشونت ها بدلیل شکست هایی بود که دشمن در ارونردود اکنون می بایست متحمل شود. او جنگ را به شهرها و یا به خلیج فارس و کشتی زنی می کشانید.

روز ۶۴/۱۱/۳۰ در ساعت ۱۱:۰۱ و ۱۱:۳۳ تعداد سه تیر موشک هاگ توسط سایت هاگ کوثر شلیک می گردد و سه فروند هواپیمای دیگر از دشمن سرنگون می گردد.

- در ساعت ۱۱:۴۶ هواپیمای ضد رادار دشمن از نوع «سوخوی-۲۲» یک تیر موشک ضد رادار به سوی کوثر چهار شلیک می کند که با اقدام به موقع کارکنان هشیار این سایت، در کور کردن سر جستجوگر موشک ضد رادار، بالاخره در این رویارویی و جنگی که به جنگ تن به تن یعنی هواپیمای موشک انداز دشمن و سایت هاگ کوثر ۴ مشهور است، این موشک دشمن است که به بیراهه می رود و با اصابت بر زمین بی اثر و منهدم می گردد.

- در ساعت ۱۳۲۹، ۱۳۳۶ و ۱۴۲۶ نیز سایت ۳ کوثر تعداد سه فروند موشک روانه ی درگیری با هواپیماهای دشمن می سازد در حالیکه هر سه موشک به هدر می رود و دشمن از میدان می گریزد.

- در ساعت ۱۷:۴۹ در رویارویی هواپیمای «سوخوی-۲۲» و موشک ضد رادار آن با سایت ۳ کوثر، این سایت ۳ کوثر است که موفق می شود هواپیمای ضد رادار را به زیر بکشد و سایت چهار کوثر نیز موفق می شود یک فروند هواپیمای دشمن را در ساعت ۱۴:۲۴ و یکی دیگر را در ۱۷:۴۹ سرنگون سازد.

در روز یکم از ماه اسفند سال ۱۳۶۴ مجدداً سایت ۳ کوثر تعداد سه فروند هواپیمای دشمن را در ساعت های ۰۷:۳۵ - ۰۷:۵۰ - ۰۷:۴۵ منهدم سازد که خلبان یکی از آنها با چتر نجات

فرود می آید و دیگری با چشم رزمندگان دیده می شود که منهدم شده و سومی توسط سایت غدیر که سایت شناسایی الکترونیکی است تأیید می گردد، اما در تجزیه و تحلیل ما به نظر می رسد هر سه منبع گزارش از انهدام هواپیما واقعاً در مورد یک فروند صحبت کرده اند.

با نگرش به شیوه ی جنگیدن دشمن هرگاه که در جبهه های زمینی تحت فشار قرار می گیرند با رویکرد جنگ شهرها، خود را از چنگ اهریمن شکست می رهند و به همین منظور در اطراف تهران، هواپیماهای پروژه ی ابابیل یعنی هواپیماهای «اف - ۱۴» مجهز به موشک های هاگ تغییر یافته به نوع هوا به هوا استقرار می یابند تا از هجوم هواپیماهای «میگ - ۲۵» به منطقه تهران جلوگیری کنند.

یک فروند هواپیمای خودی نیز در ساعت ۱۰:۳۰ در منطقه «الفجر ۸» مورد اصابت دشمن واقع می شود و گفته می شود که خلبان آن با چتر نجات از هواپیما بیرون می پرد و توسط هلیکوپتر دشمن از آب گرفته می شود.

جدول پدافند هوایی عملیات شفق

روز	ساعت	سایت درگیر شونده	هدف	نتیجه
۱۰/۱۴	۱۴:۵۹	سایت هاگ خارک	میگ ۲۵	نتیجه ای ندارد
۱۱/۲۲	۱۱:۳۱	سایت کوثر	هواپیمای نامشخص	سرنگون
	۱۱:۵۸	"	"	"
	۱۳:۱۱	"	"	"
	۱۴:۲۵	"	"	بی نتیجه
	۱۴:۲۸	"	"	"
	۱۴:۳۳	"	"	"
	۱۴:۳۵	"	"	"
	۱۵:۴۲	"	"	سرنگون
	۱۵:۰۷	"	"	"
۱۱/۲۳	۰۷:۴۰	"	دیگر با ۷ فروند	سرنگون احتمالی یک فروند
	۱۰:۴۳	"	هواپیمای نامشخص	سرنگون
	۱۰:۴۴	"	"	"
	۱۰:۵۰	"	"	اصابت نمی کند
	۱۰:۵۳	"	"	سرنگون

روز	ساعت	سایت درگیر شونده	هدف	نتیجه
	۱۰:۵۵	سه تیر شلیک می شود	"	"
	۱۴:۱۵	"	"	سرنگونی یک فروند
	۱۴:۱۸	تیم سایت کوثر مورد اصابت قرار می گیرد	"	هواپیما موفق به فرار می شود
	۱۴:۲۰	سایت کوثر مورد اصابت قرار می گیرد	"	"
	۱۱:۲۰	پدافند هوایی نهجا	هواپیمای نامشخص	سرنگون
۱۱/۲۴	۱۱:۲۵	"	"	خارک، اهواز، بهره برداری منصور ۳
	۱۳:۰۰	"	"	بندر گناوه و خرمشهر
	۱۳:۱۵	"	"	بمباران می شود و هواپیماها فرار می کنند
	۱۳:۴۲	"	"	"
۱۱/۲۶	۱۰:۰۹	سایت کوثر مورد حمله قرار می گیرد و خسارت می بیند		هواپیما موفق به فرار می شود
	۱۲:۰۰	"	"	انرژی اتمی بوشهر بمباران می شود و هواپیماهای اف ۱۴ هواپیماهای دشمن را فراری می دهد
	۱۲:۰۵	-	"	"
	۱۴:۰۰	سایت کوثر	"	سرنگون
۱۱/۲۷	۱۱:۱۵	-	"	بمباران آبادان
	۱۵:۰۷	سایت کوثر	میگ ۲۵	سرنگون
	۱۵:۱۵	-	میگ ۲۵	تاسیسات نفتی بندر کناوه بمباران میشود و هواپیماهای اف ۱۴ با هواپیما درگیر می شود
	۱۶:۲۲	سایت کوثر	میگ ۲۵	سرنگون
	۱۶:۴۹	"	هواپیمای نامشخص	سرنگون

روز	ساعت	سایت درگیر شونده	هدف	نتیجه
	۱۸:۰۹	"	"	منهدم می شود
	۰۹:۳۹	"	-	"
	۰۹:۴۸	"	-	"
۱۱:۲۸	۱۰:۱۵	"	-	"
	۱۰:۳۸	"	-	"
	۱۰:۴۷	"	-	"
	۱۲:۴۵	"	-	"
	۱۲:۴۸	"	-	"
	۱۳:۱۵	"	-	"
	۱۵:۰۷	"	میگ-۲۳	"
	۱۶:۰۳	"	-	"
۱۱/۲۹	۱۱:۰۱	"	Pc-7	کوثر
	۱۱:۲۴	"	-	"
	۱۱:۳۳	"	-	"
۱۱/۳۱	۱۱:۰۱	"	-	کوثر ۳
	۱۱:۲۴	"	-	کوثر ۴
	۱۱:۳۳	"	-	کوثر ۳
	۱۴:۲۴	"	-	کوثر ۴
	۱۷:۴۹	"	-	کوثر ۳
۱۲/۱	۰۷:۳۵	"	سوخوی	"
	۰۷:۵۰	"	ضدرادار	"
	۰۷:۵۴	"	-	"

ص- سایر اقدامات نهاجا:

مزید بر تمام فعالیت‌های پایگاه‌های شکاری در پشتیبانی نزدیک هوایی از عملیات والفجر ۸ با توجه به این که وضعیت نیروهای مسلح نیز در این دوران به گونه ای بود که ار راه زمینی انتقال گروه‌های انبوه نیروی انسانی به جبهه‌ها و معطل ماندن آنها در منطقه تا تکمیل شدن نیروها و بدست آمدن الزامات یک عملیات سنگین مثل « والفجر ۸ » در اصل قابل تصور و اجرا نبود، از این رو هوپیماهای غول پیکر « بوئینگ-۷۰۷ » و « بوئینگ-۷۴۷ » و « C-۱۳۰ »

حجم انبوه تجهیزات و نفرات را بلادرنگ می بایستی به منطقه برسانند و این خواست یک رزمنده، و یک فرمانده و یک ملت و رهبران جنگ بود.

نهاد ناگزیر عملیات جنگ شهرها را از خرداد ۱۳۶۴ تا عملیات زنجیره ای والفجر و کربلاها و رمضان همگی را به گونه ای هوشمندانه به «الفجر - ۸» متصل نمود که دشمن هرگز از دست دادن تجهیزات هوایی و خلبانان و سایر نیروهای تخصصی هوایی را نتوانست دریابد و با زیرکی خاص تفکر تاکتیکی دشمن را متوجه ی مسایل جبهه های غرب و شمال غرب و همچنین جنگ شهرها و جنگ دریایی در شمال غرب خلیج فارس نمود. بطوریکه ماهواره های غربی و سیستم های کسب خبر و اطلاعات آنها نیز نتوانستند اهداف عملیات «الفجر - ۸» را دریابند و نیروی زمینی ارتش عراق را در جنوب و بندر فاو مجتمع سازند تا کلاسیک دفاع کند.

ض - خسارات وارده به دشمن با اجرای عملیات شفق:

- از تلفات دشمن در سطح زمین آنچه مربوط به حملات هوایی می شود انهدام سایت موشکی کرم ابریشم در مختصات ۲۹۵۵ شمال و ۴۸۲۰ شرقی و انهدام شناورهای ارتش عراق در بنادر بصره و فاو، همچنین تعدادی تانک و ادوات زرهی بود، اما شاهکار این عملیات انهدام ۷۵ فروند جنگنده بمب افکن نیروی هوایی ارتش عراق بود که توسط سایت های موشک های زمین به هوای هاگ «کوثر - ۳» و «کوثر - ۴» و هواپیماهای «اف - ۱۴» در راستای حفظ برتری هوایی منطقه عملیات سرنگون گردیدند و اگر چنین برتری هوایی کسب نشده بود و این حملات هوایی سنگین و غیر منطقی نیروی هوایی عراق خنثی نشده بود معلوم نبود سرنوشت این عملیات به کجا می انجامید.

- از آنجایی که عملیات «الفجر - ۸» از تاریخ دهم دی ماه ۱۳۶۴ برای نیروی هوایی آغاز گردیده بود در نتیجه هواپیماهای منهدم شده از آن روز در محاسبه آمده است. تعداد ۲ فروند هواپیمای توپولف بمب افکن ساخت روسیه از جمله شاهکارهای یگان های پدافند زمین به هوای موشکی هاگ بود که جمعاً ۸۶ فروند موشک بسوی هواپیماهای دشمن شلیک شد و ۲۵ تیر آن اصابت مستقیم بود و احتمالاً ممکن است تعدادی از هواپیماهای صدمه دیده ی نیروی هوایی عراق توانسته باشند مهلکه بگریزند و لنگ لنگان خود را به فرودگاهی در حوالی منطقه ی نبرد یعنی فرودگاه شعبیه در بصره و فرودگاه قلعه صالح در نزدیکی العماره برسانند. تعداد ۹ فروند هواپیمای دشمن توسط توپ های زمین به هوای بیست میلی متری و سی و پنج میلی متری سرنگون شدند.

ع- عوامل مؤثر در موفقیت نهاجا :

(۱) تحول در سامانه پدافند هوایی:

در هر جنگی معمولاً تعدادی به عنوان قهرمانان جنگ از بین نیروهای خودی نمایان می شوند در این عملیات اندیشه‌های دفاعی افسری جوان، موقعیت کنترل فضای منطقه ی عملیات را دگرگون ساخت و او کسی نبود جز سرهنگ منصور ستاری خواص، او سیستم دفاع هوایی منطقه نبرد یا صحنه ی نبرد را طراحی کرده و سیستم پدافندی را با ترکیبی از موشک‌های زمین به هوای هاگ و با استفاده از توپ‌های ضد هوایی سی و پنج میلی متری اورلیکن به صحنه ی عملیات آورد. تاکتیکی که طراحان عملیات زمینی در آن درمانده بودند و برای همه غیر قابل باور بود.

وی با بردن سایت‌های موشک هاگ به وسط میدان نبرد و رو در رو قرار دادن آن‌ها در مقابل هواپیماهای مامور پشتیبانی نزدیک هوایی دشمن، کار را به جایی رسانید که شاید ارزش‌های دفاع هوایی صحنه را که از جمله وظایف و نیازمندی‌های نیروی زمینی می‌باشد، متجلی و متعالی ساخت، او نه از این جهت قهرمان جنگ «والفجر ۸» بود که اندیشه او موجب سرنگونی تعداد زیادی هواپیما شد، بلکه از این دیدگاه بود که کاستی‌ها را با بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و توانایی‌های پنهان یک نیرو جبران کرد و سرنوشت شکست‌ها را و ناکامی‌ها را در عملیات گذشته به یکباره در پیروزی چشمگیر و خیره کننده ای به نمایش گذاشت.

این افسر بعدها به درجه سرتیپی رسید و فرمانده نیروی هوایی ارتش شد و نشان داد که یک نظامی حرفه ای به عده‌های دشمن به عنوان عوامل پیروزی آفرین نمی‌نگرد بلکه به بهره‌وری نیروها و ابزار و ادوات نظامی تکیه دارد. استفاده از موشک‌های هاگ با سکوها ی پرتاب ثابت در میدانی که امکان عقب نشینی و پیش روی در هر لحظه متصور است شجاعت حرفه ای می‌خواهد، او در حقیقت قرارگاه رعد را با موفقیتی روبرو ساخت که آبروی نیروی هوایی، ارتش و سرهنگ بابایی فرمانده ی قرارگاه رعد را در نزد رهبری و ملت و نظامیان تأمین نمود.

سرلشکر شهید منصور ستاری، در هنگام نبرد «والفجر ۸» سرهنگ بود و قهرمان جنگ شد او از مبتکرین بردن موشک "هاگ" به میدان‌های نبرد زمینی بود. او نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را که با از دست دادن تعداد قابل ملاحظه ای هواپیما و خلبان، قدرت دفاعی واقعی خود را به شدت از دست داده بود، در این عملیات دوباره احیا کرد. تنها با اندیشه ی دفاعی صحیح و متکی بر دانش نظامی و حرفه ای خود این کار را کرد. نام سرتیپ منصور ستاری در جنگ‌های تاریخی کشور ایران به عنوان یک قهرمان زنده، همیشه جاوید خواهد

بود و اگر در این عملیات او نبود شاید پیروزی‌ها در این حد تجلی نمی‌کرد. تخصص او کنترل شکاری‌ها در رادارهای تاکتیکی بود. ولی او در حقیقت ژنرال نخبه‌ای بود که درس بزرگی به ارتش عراق داد. درسی به یاد ماندنی و تاریخی.

(۲) تأثیر عوامل خارجی و داخلی:

قبل از آغاز عملیات «الفجر ۸» نیروی هوایی درگیر یک مرحله از جنگ شهرها شده بود که کار فوق العاده حساس فنی و دقیقی بود و این عملیات بگونه ای انجام می‌شد که دشمن نتواند بهانه ای بیابد تا در مجامع بین‌المللی ادعاهای کنوانسیون ژنو و حقوق بشر و اینگونه دست آویزهایی را که جهان غرب در اختیار او قرار می‌دادند، بهره برداری کند.

از سوی دیگر دشمن هم در هر زمانی که در جبهه‌های زمینی با ناکامی روبرو می‌شد، جنگ را به داخل شهرها می‌کشاند و یا جنگ را به خلیج فارس هدایت می‌کرد که کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های عظیم برای ایران فعالیت می‌کردند پس اگر جزیره‌ی فاو به تصرف قوای ایران در می‌آمد مسیر هواپیماهای «میراژ F-1» او طولانی‌تر می‌شد و دسترسی او به خلیج فارس از طریق خاک کویت و عربستان می‌بایست صورت می‌گرفت که این چنین عملیات هوایی بسیار پر خطر و نا امنی بیشتر خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز را در بر داشت و این به سود غرب در راستای دریافت نفت منطقه باندازه‌ی کافی نبود. غرب و شرق یعنی ایالات متحده و اتحاد شوروی توافق کرده بودند که دولت فرانسه به عراق سلاح بدهد. در آن زمان ژسکار دیستن نماینده‌ی سوسیالیست‌های فرانسه بر این کشور حکومت داشت و از نظر سیاسی هم به چپ می‌زد و هم به راست و این دولت از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح در آن زمان برای عراق محسوب می‌شد و به تازگی ۶۰ فروند هواپیمای میراژ «F-1» «EPQ-6» «EPQ-5» که نزدیک به معادل چهار اسکادران هوایی می‌شد به نیروی هوایی عراق داده بود و توانایی او را در محدود کردن پروازهای عکسبرداری هوایی نه‌اجا در ارتفاع بالا و بمباران‌های سنگین ارتفاع بالای نه‌اجا را چندین برابر ساخته بود. از طرفی با سوخت‌گیری و سوخت‌رسانی در هوا توسط این هواپیماها می‌توانستند خود را به جزایر سیری و لاوان حتی قشم هم برسانند. از دیگر رویدادهای مهم دیگر در این عملیات که بگونه‌ای با وضعیت بین‌المللی نیز ارتباط پیدا می‌کرد تعقیب و مورد اصابت قرار دادن یک فروند هواپیمای مسافربری «اف - ۲۷» بنام فرند شیب توسط هواپیماهای «میگ - ۲۳» در نزدیکی فرودگاه اهواز بود که یکی از شخصیت‌های روحانی مهم بنام حجت الاسلام و المسلمین شیخ فضل‌اله محلاتی نماینده‌ی حضرت امام (ره) در سپاه پاسداران و دو نفر افسر ارشد هوایی بنام‌های سرهنگ فنی محمد رضا کشواد

مدیر ماتریل در معاونت لجستیک فرماندهی نه‌اجا و سرهنگ خلبان محمود خضرائی فرمانده ی مرکز آموزش‌های هوایی به اتفاق دو نفر خلبان هواپیما و ۴۸ نفر از کارکنان نیروهای مسلح همگی به شهادت رسیدند.

از سوی دیگر رئیس جمهور عراق در سوم آبان سال ۱۳۶۲ علناً در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشته بود که «ما شهرهای ایران را اگر چه در عمق سرزمین آن باشند هدف قرار می‌دهیم و برای ما هیچ اهمیتی ندارد که بر اثر این حملات تعداد خانواده‌های بی سرپرست در ایران افزایش یابد، زیرا عراق برای ما از تمام مردان ایران با ارزش‌تر است.»

این بی‌پروایی زمامدار عراق از ابراز بمباران و موشکباران شهرهای ایران نشان می‌دهد ژنرال‌ها و فرماندهان ارتش عراق نیز گستاخانه‌تر به جنگ شهرها پیردازند و حتی ژنرال «ثابت سلطان» که یک ژنرال درجه‌ی سوم در سطح فرماندهان ارتش عراق به حساب می‌آمد با گستاخی فراوانی که نشان می‌داد آنها از عواقب کار جنگ هیچ وحشتی ندارند و ترسی از جنایتکار جنگی نامیده شدن و اینگونه موضوعات به دل راه نمی‌دهند. بر خلاف تمام قوانین حقوق بشر و کنوانسیون ژنو و قطعنامه‌های شورای امنیت در گذشته اعلام می‌دارد که «در کشور عراق دو نوع جنگ یعنی جنگ شهرها و جنگ جبهه‌ها وجود ندارد بلکه تنها جنگ وجود دارد»

این گستاخی‌هایی که بواسطه حمایت‌های بیگانگان غربی اکنون علنی شده بود، کار نیروی هوایی را بسیار سخت کرده بود.

از طرفی نیروی هوایی، مدت‌ها در جنگ بی‌آمان هواپیماهای خود را از دست داده بود و موشک‌های زمین به هوا فاقد قطعات یدکی و پشتیبانی کننده بودند.

در همین سال ۶۴ برابر با ۱۹۸۵ میلادی برابر گزارش نشریه ی فارین ریپورت، آقای کسینجر یک گزارش سری مبنی بر گشودن کانال ارتباطی بین ایالات متحده و ایران برای نجات جان گروگانها و بسیاری مسائل بی جواب سیاسی دیگر بین دو کشور پیشنهاداتی به رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا داده بود که یکی از این پیشنهادها ارسال قطعات یدکی اسلحه و مهمات برای ایرانی‌هایی که در تحریم تسلیحاتی از سوی غرب قرار دارند و محاصره ی اقتصادی نیز علیه آنها اعمال می شود ممکن بود که راهگشا باشد.

در چار چوب ضرورت‌های یاد شده بالاخره آمریکا اولین بهای سیاست‌های غلط خود را در ارسال قطعات یدکی به ایران پرداخت و ماجرایی مک فارلین بوجود آمد که البته این ارسال سلاح و قطعات یدکی در جنگ والفجر بسیار برای نیروی هوایی مفید واقع گردید.

در خرداد ماه ۱۳۶۴ این ارسال اسلحه شروع شد و در اسفند ماه که اوج جنگ "الفجر - ۸" بود خاتمه یافت. نیروی هوایی از خرداد ماه ۱۳۶۴ در دومین دوره جنگ شهرها درگیر شده بود. این کاری بود که تنها از این نیرو بر می آمد، دسترسی به عمق خاک و فضای دشمن کار دریایی یا زمینی نمی توانست باشد و از سوی دیگر تا آماده شدن طرح عملیات «الفجر - ۸» باندازه ی کافی باید دشمن را از نظر روحی روانی می شکستیم و از طرفی جهانیان را باید با یک قدرت برتر هوایی و انجام عملیات استراتژیک هوایی در اعماق خاک دشمن آماده می ساختیم تا یک وقت فرصت فکر کردن به جنگ‌های غیر متعارف میکروبی و شیمیایی را در سر زمانداران عراق نیاندازند و جرأت نداشته باشند سیاستمداران عراق را از عواقب یک جنگ شیمیایی - میکروبی - هسته ای مطمئن سازند، اگر چه از خریدهای تسلیحاتی ارتش عراق معلوم بود که این ارتش خود را برای یک رویارویی شیمیایی در اندازه‌های بزرگ آماده می سازد اما از کشیده شدن جنگ شیمیایی به درون شهرها مثل بغداد، بصره، کرکوک، رمادی، العماره و ناصریه وحشت دارد.

اساس عملیات «الفجر ۸» نیز براین تفکر استوار بود که غرب باید با دیدن و لمس کردن توان نظامی و مردمی کشور ایران بفهمد که عراق برای او متحد خوبی نیست و میزان کمک‌های نظامی استراتژیک خود را نسبت به ارتش عراق محدود سازد.

این بخش را با فرازی از سخنان مقام معظم رهبری به پایان می بریم که در جمع دانش آموختگان دانشگاه افسری در سال ۱۳۶۹ بیان شده است و رهنمودی برای کسانی است که می خواهند به مصداق گذشته چراغ راه آینده از آموزه‌های جنگ تحمیلی بهره برداری نمایند. "آن دوران هشت ساله ی جنگ و دو سال نه جنگ و نه صلح در زندگی ملت ما تجربه ای بسیار کم نظیر و کمیاب و آموزنده ای هستند.

از آنها باید درس گرفت و نباید آنها را فراموش کرد. روز به روز و ساعت به ساعت آن سالیان دشوار برای ما درس است. اما در عین استفاده از آن تجربه ها امروز همه ی ابتکار و تلاش و مدیریت مدیران نیروهای مسلح چه ارتش و چه سپاه باید در ایجاد یک نظم و تربیت و کیفیت بخشیدن و آماده سازی کامل نیروهای مسلح صرف بشود تا همواره قدرت دفاعی ملت در چشم

عملیات شفق؛ نگاه مشترک به عملیات هوایی و عملیات پدافند هوایی / ۲۸۳

دشمنان، همچنین در چشم دوستان که از قدرت جمهوری اسلامی احساس قدرت می‌کنند در اوج قدرت باقی بماند.

غ- شهدا و مجروحین عملیات شفق:

چهار نفر از کارکنان پدافند هوایی به درجه رفیع شهادت نایل گردیدند و تعداد چهل نفر مجروح شیمیایی شدند و ۹۴ نفر دچار موج گرفتگی و ترکش بر اثر بمباران‌های هوایی دشمن شدند

سروان خلبان قاسم ورزدار از پایگاه چهارم شکاری دزفول در روز بیست و سوم بهمن ماه ۶۴ در اجرای عملیات بمباران هوایی در جنوب عراق با هواپیمای «اف-۵ ای» به شماره ۷۱۰۶ در خاک عراق افتاد و به دست دشمن اسیر شد.

سروان خلبان ابوالفضل اسدزاده از پایگاه چهارم شکاری دزفول در تاریخ بیست و چهارم بهمن ماه در اجرای عملیات بمباران هوایی نیروهای لشکر سوم زرهی در شمال فاو با هواپیماهای «اف-۵ - ای» به شماره ۷۰۹۸ سرنگون شد و به شهادت رسید.



نام و نشان: ابوالفضل اسدزاده

نام پدر: جهانگیر

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۹/۲۶

محل تولد: جهرم - فارس

تاریخ استخدام: ۱۳۵۲/۷/۱

شغل: خلبان F5

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۲۴

سروان خلبان ولی الله بزرگی از پایگاه هوایی دزفول در تاریخ یکم اسفند ماه ۶۴ با هواپیمای «اف - ۵ - ای» به شماره ۷۰۴۰ برای بمباران نیروهای دشمن در ساحل غربی فاو برخاست و در بازگشت از مأموریت در خور موسی هواپیمایش با زمین اصابت نمود و به درجه رفیع شهادت رسید.



درجه: سرگرد

نام و نشان: ولی الله بزرگی

عنوان سازمانی: خلبان F5

تاریخ تولد: ۱۳۳۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۱

محل شهادت: خلیج فارس

تاریخ یکم اسفند ماه ۱۳۶۴ به اتفاق ۵۱ نفر دیگر با هواپیمای «اف-۲۷» مسافری در حوالی اهواز هدف موشک یک فروند هواپیمای «میگ-۲۳» دشمن قرار گرفت و همگی به درجه رفیع شهادت رسیدند، در بین شهداء دو تن از خلبانان دیگر، با نام‌های سرهنگ فنی محمدرضا کشواد و سرهنگ خلبان محمود خضرای (فرمانده آموزش‌های هوایی) بودند.



درجه: سرتیپ

نام و نشان: محمود خضرای

عنوان سازمانی: فرمانده آموزش‌های هوایی

تاریخ تولد: ۱۳۲۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۱

محل شهادت: اهواز





درجه: سرهنگ

نام و نشان: عبدالباقی درویش

عنوان سازمانی: خلبان F27

تاریخ تولد: ۱۳۲۷

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۱

محل شهادت: اهواز



شهید محمد رضا کشواد

دوران طفولیت، تحصیلات ابتدایی و متوسطه شهید در تهران سپری می گردد و در سال ۱۳۳۸ به استخدام ارتش و در دانشکده افسری مشغول خدمت می گردد. پس از فارغ التحصیلی و ارتقاء به درجه ستواندومی به نیروی هوایی منتقل می شود. در نیروی هوایی دوره های مقدماتی فنی و نگهداری هواپیما را طی می کند و در گردان های نگهداری مشغول خدمت می گردد. وی آموزش

تخصصهای مختلف نگهداری هواپیما را طی و در مسئولیتهای مختلف نگهداری ایفاء نقش داشته است. او یکی از باسوادترین افسران فنی بوده و در راستای تخصص خود ابداعات مختلفی را پیشنهاد داده که نظریه او مورد بررسی مقامات سازنده موتورهای هواپیما قرار داده و به تصویب رسیده است که به عنوان نمونه پیشنهاد تغییر سرویسهای ۴۰۰ ساعته موتورهای هواپیما به ۶۰۰ ساعته می باشد که نظریه او در کنفرانسی در آمریکا به تصویب کارخانه سازنده موتورهای هواپیما رسیده است. ایجاد سیستم اورهال موتورهای هواپیماهای شکاری در داخل و ابتکارات متعدد دیگر که در خود اتکایی نیروی هوایی سهم به سزایی داشته همه به نام این شهید بزرگوار به ثبت رسیده و این ابتکارات بیش از ۱۲ مورد تشویقی را به نام او به ثبت رسانیده است. وی در سال ۱۳۶۴ در حالی که مسئولیت مدیریت ماتریل معاونت لجستیکی نیروی هوایی را به عهده داشت، در مأموریتی که به منظور بررسی وضعیت لجستیک پایگاه پنجم امیدیه در غالب یک هیئت نظامی با هواپیمای اف ۲۷ به آن پرواز می کرد، هواپیما توسط یک فروند هواپیمای نظامی عراق مورد اصابت قرار گرفت و کلیه سرنشینان آن هواپیما از جمله این شهید بزرگوار به شهادت رسیدند.

در روز چهارم اسفند ماه سرگرد خلبان منصور محمدی آزاد در اجرای مأموریت بمباران هوایی دشمن در فاو با هواپیمای «اف-۵» شماره ۷۰۷۹ در حاشیه ارونردود به شهادت رسید.



درجه: سرلشکر

نام و نشان: منصور محمدی آزاد

رسته: خلبان

عنوان سازمانی: خلبان F5

تاریخ تولد: ۱۳۳۱

وضعیت تأهل: متأهل

تعداد فرزند: ۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۴

محل شهادت: خاک عراق



درجه: سرگرد

رسته: خلبان

نام و نشان: ابراهیم دلال خوش

نام پدر: اسماعیل

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۶/۲۴

تاریخ استخدام: ۱۳۵۱/۲/۱

محل تولد: لاهیجان

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۱/۹

محل شهادت: خاک عراق

شهید سرگرد خلبان دلال خوش دوره مقدماتی پرواز را در ایران گذراند و برای دوره تکمیلی به آمریکا اعزام شد و توانست به اخذ وینگ خلبانی نائل گردد. سپس به ایران بازگشت و در نیروی هوایی ایران دوره خلبانی هواپیمای F5 را طی کرد و به جمع تیزپروازان نیروی هوایی پیوست. در جنگ تحمیلی خدمات شایانی را انجام داد. آخرین مأموریت خود را در روز نهم بهمن ماه ۱۳۶۴ در عملیات برون مرزی در جنگ با مزدوران بعثی عراق انجام داد که در حین نبرد با دشمن، مفقودالثر گردید که پس از چند سال، پیکر پاکش در منطقه عملیاتی کشف و در مورخه ۷۰/۸/۱۵ در تهران تشییع شد.

ف - چندمصاحبه و خاطرات:



امیر سرتیپ دوم خلبان بازنشسته سیداسماعیل موسوی، جانشین پایگاه چهارم شکاری دزفول و یکی از خلبانان هواپیمای - اف ۵ - شرکت کننده در «عملیات والفجر ۸» جزئیاتی از مانور «سلیمان خاطر» را که مقدمه‌ای برای انجام این عملیات بود، به همراه چگونگی شرکت خلبانان نیروی هوایی در عملیات در خاطرات خود چنین بیان می کنند:

در زمان انجام «عملیات والفجر ۸»، من جانشین پایگاه چهارم شکاری دزفول بودم. اما قبل از انجام این عملیات به دستور شهید عباس بابایی که در آن زمان معاون عملیات نیروی هوایی بود، مانوری با نام «سلیمان خاطر» با به کارگیری بیشتر

هوایماهای نیروی هوایی ارتش از جمله پایگاه‌های تبریز و همدان در «میدان تیر منطقه امیدیه» با موفقیت انجام شد. هدایت این مانور به عهده شهید عباس بابایی بود و نیروی هوایی جدیدترین تاکتیک‌های هوایی و ابتکاری خود را به نمایش گذاشت. البته تا پایان «مانور سلیمان خاطر» نمی‌دانستیم که این مانور مقدمه‌ای برای «عملیات والفجر ۸» است و پس از پایان عملیات، شهید بابایی به خاطر اعتمادی که به من داشت به صورت سربسته من را از انجام عملیاتی بزرگی در آینده آگاه کرد.

پس از گذشت یک هفته از پایان مانور هوایی «سلیمان خاطر»، «عملیات والفجر ۸» آغاز شد و نیروی هوایی ارتش در طول عملیات روزانه بیش از ۵۰ سورتی پرواز با استفاده از تاکتیک‌های جدید انجام می‌داد و بعد از این عملیات بود که کلید سبک جدید عملیات در نیروی هوایی زده شد.

نیروی هوایی در عملیات والفجر ۸ علاوه بر بمباران، شناسایی و انهدام نیروهای دشمن، با استفاده از تدابیر ابتکاری شهید منصور ستاری و شهید بابایی و پیش‌بینی سایت‌های موشکی متحرک و جابجایی سایت‌ها در طول ۲۴ ساعت شبانه‌روز، حدود ۵۰ فروند از هوایماهای دشمن را سرنگون کرد و بیشترین پشتیبانی را در این عملیات از رزمندگان انجام داد. البته در آن عملیات، خلبانانی مانند شهید منصور آزاد به شهادت رسید و خلبان قاسم ورزدار نیز به اسارت دشمن درآمد.

حدود دو ماه از آغاز عملیات والفجر ۸ می‌گذشت اما پشتیبانی نیروی هوایی از رزمندگان حتی در شرایط آب و هوایی بسیار سخت منطقه ادامه داشت. نیروی هوایی علاوه بر انجام عملیات‌های هوایی، در جهت انهدام نیروهای دشمن و بمباران مواضع عراقی‌ها، کار سوخت‌رسانی هوایی، ترابری تاکتیکی، انتقال و جابجایی نیروها به منطقه و حمل مجروحین را با استفاده از هوایماهای C130 و ۴۰۷ به خوبی انجام می‌داد.

علاوه بر موارد یاد شده، خلبانان نیروی هوایی در مأموریت‌های روزانه خود با عکسبرداری هوایی از آخرین وضعیت عملیات، همواره راهگشا و کارساز بودند. بعد از عملیات نیز نیروی هوایی با گسترش سایت‌های راداری خود در داخل مرز، نقش پشتیبانی از پدافند نیروها را به خوبی انجام داد و همه توان خود را برای تثبیت مواضع نیروهای خودی به کار گرفت. در هر حال نمی‌توان گفت که نقش نیروی هوایی ارتش در این عملیات تنها پشتیبانی از عملیات و نیروها بوده است چرا که نیروی هوایی نقشی بیش از پشتیبانی در این عملیات داشت.

شهید اردستانی در مرحله‌ای از عملیات و شرایط بسیار بد منطقه که فرماندهانی همچون محسن رضایی و رحیم صفوی از سرانجام عملیات و رزمندگانی که در محاصره دشمن افتاده بودند، نگرانی داشتند بدون هماهنگی با شهید بابایی در عصر یک روز طوفانی عملیاتی انجام داد که همان عملیات فتح‌الفتوحی برای ادامه عملیات والفجر ۸ شد. شهید اردستانی در شرایطی عملیات کرد که آب و هوا بسیار نامساعد بود و به شدت باران می‌بارید. در آن شرایط وقتی این شهید اقدام به پرواز و انجام عملیات کرد، شهید بابایی نیز به وحشت افتاده بود.

من در عملیات والفجر ۸ به عنوان خلبان هواپیمای اف-۵ داوطلب شدم از دزفول به امیدیه (محل استقرار خلبانان عملیات‌کننده در والفجر ۸) بروم. این در حالی بود که ما هنوز اطلاع کاملی از چگونگی و زمان آغاز عملیات نداشتیم ولی چون از شرایط و قرائن فهمیده بودم که عملیاتی انجام خواهد شد با هماهنگی فرمانده پایگاه دزفول به امیدیه رفتم ولی شهید بابایی تا من را در آنجا دید بلافاصله دستور داد که به دزفول برگردم و خلبان دیگری به جای من به امیدیه منتقل شود. هرچه تلاش کردم او را منصرف کنم، قانع نشد و گفت که در آنجا به تو نیاز بیشتری است. بنابراین علی‌رغم میل باطنی، به دستور شهید بابایی مجبور شدم به پایگاه دزفول برگردم. پس از بازگشت به پایگاه دزفول، خلبانی را که شهید بابایی خواسته بود به جای من به پایگاه امیدیه برود، در جریان قرار دادم ولی فرزند این خلبان با یک بیماری سخت مواجه شده بود بنابراین هماهنگ کردیم که قبل از طلوع آفتاب من به جای او به دزفول بروم و این خلبان نیز فردای آن روز خود را به پایگاه دزفول برساند.

من قبل از طلوع آفتاب با هواپیمای اف-۵ به امیدیه رسیدم. شهید بابایی دوباره پرسید چرا تو آمدی و چرا خلبانی که می‌خواستیم نیامد؟ که من هم جواب دادم این فرد مشکلی نداشته و صبح خود را به امیدیه می‌رساند. وقتی من این جواب را دادم شهید بابایی رو به من کرد و گفت: برادر من، فردا جواب خدا را چگونه خواهید داد؟ بعدها وقتی دلیل بیان این جمله را از این شهید بابایی پرسیدم گفت تا یک هواپیما بخواهد از دزفول بلند شود و در امیدیه فرود آید و دوباره سوخت بزند و آماده شود و پرواز کند دو ساعت طول می‌کشد و در این دو ساعت معلوم نیست چند نفر از بسیجی‌ها در منطقه شهید خواهند شد. شهید بابایی با محاسبه درست و دقیق، این عملیات بزرگ را هدایت کرد و در مسایل پیش آمده سعی می‌کرد مشکلات را با آرامش حل کند.

در این عملیات شهادت خلبانی به نام «بزرگی» خاطره تلخی برای من بود. از صبح روزی که به پرواز درآمده بود خبری از او نداشتیم. در طول این مدت، همسرش لحظه به لحظه با ما تماس می‌گفت و در جوابش می‌گفتم که در حال انجام عملیات است و برمی‌گردد. این در حالی بود که «لیدر» او نشسته بود و ما مطمئن بودیم که این خلبان دچار سانحه شده است ولی نمی‌دانستیم که شهید شده یا به اسارت نیروهای عراقی درآمده است. با این حال همسر این خلبان شهید آن قدر به پایگاه تلفن کرد که معاون عملیات گفت به او بگوییم که همسرش سالم است و من گفتم چرا این جواب را بدهیم در حالی که می‌دانیم این خلبان دچار سانحه شده است؟

پس از تلفن‌های ممتد همسر این خلبان شهید به پایگاه، مجبور شدیم تا ارتباط خود را با او قطع کنیم و متأسفانه پس از گذشت دو هفته، پیکر شهید بزرگی را در حالی که با لباس پرواز در آب افتاده بود، شناسایی کردیم.

سرتیپ خلبان محمد تقی جدیدی، که خود در عملیات فعالیت چشمگیری داشته است چنین بیان می‌کند:

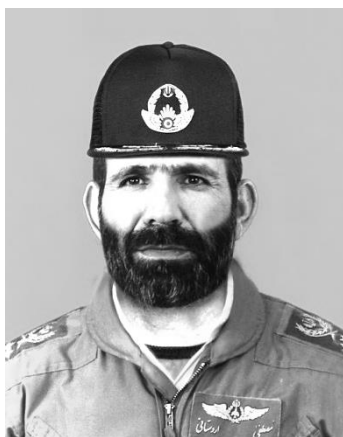
«اواخر سال ۱۳۶۴ بود. رزمندگان سلحشور اسلام خود را برای عملیاتی مهم در منطقه اروندرود آماده می‌کردند. با شروع عملیات والفجر ۸ که منجر به تصرف درآمدن بندر فاو و بخش وسیعی از خاک دشمن شد، همه روزه به همراه شهید اردستانی و جمع دیگری از خلبانان، چندین بار بر فراز منطقه عملیاتی پرواز می‌کردیم و استحکامات پیاده - مکانیزه دشمن را به آتش می‌کشیدیم. شهید اردستانی به هنگام بازگشت از منطقه، در حالی که گلوله‌های ضد هوایی و موشک‌های پدافندی دشمن بی‌امان به طرف هواپیما شلیک می‌شد، اقدام به انجام مانورهای بسیار زیبایی می‌نمود و سعی بر آن داشت تا روحیه جنگاوری بچه‌ها را مضاعف کند.

چند روزی از شروع این عملیات پیروزمندانه می‌گذشت. در حاشیه پروازهای موفق که با تلاش شبانه‌روزی پرسنل فداکار فنی و پروازی صورت پذیرفته بود، پرسنل پدافند مستقر در منطقه نیز دهها فروند از هواپیماهای شکاری و بمب افکن دشمن بعثی را سرنگون کرده بودند. با پشتیبانی هوایی خوبی که از نیروهای عمل‌کننده صورت گرفته بود، آنان با آسودگی خاطر به مستحکم نمودن مواضع خود پرداخته بودند.»^۱

سروان خلبان قاسمی ضمن ستایش یکی از همکاران خود در عملیات والفجر ۸ چنین می‌نویسد:

«ساعت ۹ صبح مورخه ۶۵/۱/۶، همراه شهید اردستانی، سروان یوسفی و چگینی، با چهار فروند هواپیمای "اف ۵" به منطقه عملیاتی "البهار" عراق اعزام شدیم. در آن روز، هوا آبستن ابرهای متراکمی بود که هر لحظه امکان باریدن باران قوت می‌گرفت. با توکل به خدا و دلگرمی‌هایی که شهید اردستانی در اتاق توجیه به ما داده بود، مهیا برای پرواز به سوی هدف شدیم. تراکم ابرها به گونه‌ای بود که ما هیچ چیزی غیر از ابر نمی‌دیدیم و تنها می‌بایست به دستگاه ناوبری درون هواپیما تکیه می‌کردیم. هر چند متکی بودن به این دستگاه که مسیر پروازی را مشخص می‌کند، تا حدودی اطمینان بخش است؛ ولی هیچگاه جای دید چشمی را که انسان از نزدیک هدف را مشاهده می‌کند، نمی‌گیرد.

طبق محاسبه، بالای هدف رسیده بودیم، ولی مرحله سخت این مأموریت زدن دقیق هدف بود که آن هم از پس ابرهای غلیظ غیر ممکن به نظر می‌رسید. به یکباره صدای لیدر دسته در رادیوی هواپیماهای ما به گوش رسید که می‌گفت: بچه‌ها حمله کنید! بمبهایتان را روی هدف بریزید. شما الآن روی هدف هستید. با صدای شهید اردستانی، دستانمان به شاسی رها کننده بمبها فشرد و در چشم بهم زدنی هر آنچه مهمات داشتیم روی هدف فرو ریختیم.»^۱



مصاحبه با سرهنگ حجت‌ا... کثیری

یکی از همکاران که سال‌های زیادی را در یگان‌های پدافند خدمت کرده و اکنون تجربه‌های خود را در معاونت عملیات پدافند هوایی در هدایت عملیاتی یگان‌های پدافندی بکار می‌گیرد، سرهنگ حجت‌الله کثیری است ایشان تجربیات خود را درباره عملیات والفجر ۸ چنین بیان می‌کند:

قرارگاه رعد با برنامه ریزی و گسیل تعداد زیادی از جنگ افزارهای مدرن نیروی هوایی از قبیل سایت‌های هاگ، جنگ افزارهای اسکای گارد، توپ‌های ۳۵ مم اورلیکن و توپ‌های ۲۳ مم وظیفه هماهنگی و ایجاد تأمین هوایی برای یگان‌های رزمنده را به عهده داشتند. به طوری که توانستند با فراری دادن تعداد زیادی از هواپیماهای دشمن نقش برجسته‌ای بازی کنند و آن دسته از هواپیمای دشمن که جرأت می‌کردند در ارتفاع پائین به انجام مأموریت بپردازند، را منهدم نمایند به طوری که تعداد هواپیمایی که در این عملیات سقوط کردند با هیچ عملیات دیگری قابل مقایسه نیست، برابر آمارهای مستند در این عملیات حداقل ۵۰ فروند هواپیما سقوط کردند که ضربه جبران ناپذیری بر پیکر نیروی هوایی عراق به حساب می‌آید.

هواپیماهای عراقی در عملیات والفجر ۸ که به وسیله پدافند هوایی غافلگیر شده بودند با استفاده از امکانات اهدایی استکبار جهانی و در اختیار گرفتن موشک‌هایی اقدام به زدن رادارهای ما در نزدیک خطوط مقدم بودند کردند که بلافاصله قرارگاه رعد با هوشیاری و تغییر تاکتیک و تکنیک پدافندی با بهره گیری از رادارهای مستقر در بندر امام به صورت *SOP*، سایت‌های هاگ را به کار گرفت و بدینوسیله این حيله دشمن خنثی گردید. آنچه اضافه می‌کنم و در این عملیات مورد توجه قرار گرفت هماهنگی لازم بین تمام سلاحهای پدافندی بود، حتی هماهنگی خوبی بین قرارگاه رعد و یگان‌های پدافند نیروی زمینی انجام گرفت که نتیجه مطلوبی بدست آمد.

در این عملیات پرسنل پدافند با قبول مسئولیت و قبول خطر بداخل فاو در آنطرف ارونرد رفتند و یگان‌های خود را به منظور ایجاد تأمین هوایی یگان‌های در خط در نزدیک خطوط مقدم مستقر کردند، این یگان‌ها که بیشتر یگان‌های اورلیکن. ۲۳ م م بودند، در زیر آتش توپخانه دشمن به انجام مأموریت پرداختند و یکی از توپهای ما زیر آتش توپخانه دشمن قرار گرفت و تعدادی از پرسنل آن شهید و مجروح شدند و فرمانده این یگان سرهنگ محمد نقیبی پور پای خود را از دست داد^۱.

مصاحبه با امیر سرتیپ علی محمد نادری

- به عنوان اولین سؤال از امیر می‌خواهم به طور خلاصه سرنوشت خدمتی خود را تشریح نمایند.

من در شروع جنگ تحمیلی ستوان دوم و خلبان هواپیمای جنگی F۵ بوده‌ام در خلال جنگ تحمیلی بیش از ۱۵۰ مأموریت پرواز جنگی داشته‌ام و مسئولیتهای فرمانده گردان پروازی، رئیس آموزش و یکنواختی عملیات پایگاه شکاری، معاونت عملیات پایگاه پنجم شکاری، جانشین فرمانده پایگاه چهارم شکاری و دوم شکاری، جانشین معاونت عملیات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، فرمانده آماد و پشتیبانی نیروی هوایی معاونت آماد و پشتیبانی نیروی هوایی، جانشین ریاست ستاد نیروی هوایی، رئیس دفتر مطالعات نیروی هوایی و مدیر عامل صنایع هوایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بوده‌ام.

- امیر بفرمایید در چه عملیات‌هایی شرکت داشته‌اید؟

- من در آغاز جنگ در پایگاه هوایی دزفول بودم و به علت نزدیکی این پایگاه به منطقه تک اصلی دشمن، افراد این پایگاه که خلبانان هم جزئی از آنان بودند فشار زیادی را تحمل کردند، در روزها و ماههای اول جنگ مجبور بودیم در جلوگیری از پیشروی دشمن شرکت فعال داشته باشیم و بسیار اتفاق افتاد که روزانه ۳ الی ۴ پرواز داشته باشیم. در این رابطه لازم است بگویم پیشروی عراق به حدی بود که گلوله‌های توپخانه به پایگاه اصابت می‌کرد و به همین دلیل مسئولین پایگاه احساس خطر کردند و دستور تخلیه پایگاه را دادند و هواپیماها به سایر پایگاهها اعزام شدند، این موضوع در شب سیزدهم مهر ماه به وقوع پیوست، اما از آنجایی که خداوند همیشه یار و یاور ما بوده است قبل از تخلیه کامل پایگاه یک تیم پروازی مأموریت یافت با هماهنگی تیپ زرهی دزفول یک مأموریت در حوالی پل کرخه که محل تجمع اصلی یگان‌های زرهی دشمن و به اصطلاح نوک حمله دشمن بود انجام دهند که من جزء این تیم بودم، من هیچگاه این حجم از نیرو و تانک را در یک منطقه ندیده بودم. به دستور لیدر تیم ارتفاع خود را کم و اقدام به بمباران نمودیم و در برگشت با راکت و مسلسل‌های خود نیروهای دشمن را هدف قرار دادیم و چون حجم آتش سنگین بود، وقفه‌ای در حرکت نیروهای دشمن ایجاد کرد. همین تیم مأموریت خود را در روز بعد برای بار دوم انجام داد، لذا به نظر رسید که مؤثر واقع شد. من این اقدام را که همزمان با تخلیه پایگاه از هواپیما رخ داد یک امداد غیبی و نصرت الهی می‌دانم که مسئولین و خلبانان را متقاعد ساخته

بود که آخرین تلاش خود را برای حمله و متوقف کردن دشمن بنمایند. و به شکر خدا نتیجه خوبی به دست آمد تا جائی که تمام هواپیماهایی که به سایر پایگاهها رفته بودند بار دیگر برگشتند و فعالیت پایگاه بار دیگر شروع شد و روحیه افراد برای مقاومت افزایش یافت. این پروازها اولین تجربه‌های جنگی من بود که مأموریت‌های بعدی و شرکت در سایر عملیات‌ها از جمله شرکت در عملیات میمک، طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، کربلای ۴ و ۵ و والفجر ۸ را به دنبال داشت.

نباید فراموش کرد در چند ماه اول جنگ به علت فشاری که روی نیروی هوایی بود و به علت حجم پروازها می‌توان گفت برتری هوایی را کسب کرده بودیم اما همین فشار سبب گردید که توان پروازی ما به طور قابل ملاحظه‌ای از بین برود و بسیاری از همکاران صدیق و با وفای ما مظلومانه به شهادت برسند. این که می‌گویم مظلومانه به دلیل اینست که شرایط جنگی و مسائل حفاظتی ایجاب می‌کرد که شهادت این عزیزان در اختفا بماند تا از اثر سوء آن در روحیه بقیه همکاران کاسته شود و خبر آن درج نکند که دشمن را نیز شاد کند. لذا در بیشتر موارد از انجام مراسم مناسب برای این خلبانان قهرمان چشم‌پوشی به عمل می‌آمد.

برتری هوایی ابتدای جنگ یک پیامد مثبت دیگری هم داشت که کمی پوشیده مانده است اگر نیروی هوایی نبود حملات هوایی گسترده چند روز اول جنگ عراق ادامه پیدا می‌کرد و بی تردید منابع حیاتی و مناطق صنعتی و اقتصادی و بویژه نظامی ما سالم باقی نمی‌ماند که به شکر خدا چنین اتفاقی نیافتاد و دشمن نتوانست به اهداف اولیه خود برسد.

خلاصه می‌کنم در سال اول جنگ نیروی هوایی بر خلاف اینکه باید یک نیروی پشتیبانی کننده باشد به عنوان یک نیروی بازدارنده عمل کرد. - امیر به شرکت در عملیات والفجر ۸ اشاره‌ای داشتید با توجه به اینکه هدف از این مصاحبه، پژوهش در مورد چگونگی شرکت نه‌اجا در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو می‌باشد لطفاً به طور دقیق و مشروح به این مهم بپردازید.

- قبل از این عملیات و در فاصله بین سال‌های ۶۱ الی ۶۳ به علت پیروزی‌های چشمگیر ارتش جمهوری اسلامی و فتح خرمشهر و وحشت استکبار از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام اطلاعات و شیوه تاکتیکی و ضعف هواپیماهای خودی را در اختیار دشمن قرار داد و از طرفی دیگر نه‌اجا به دلیل عدم پشتیبانی تدارکاتی و تجهیزاتی و تحمل فشار غیر معمول توانایی اولیه خود را از دست داد و از طرف دیگر نیروی هوایی

دشمن به وسیله کشورهای روسیه و فرانسه با هواپیماهای میگ ۲۵ و میراژ مجهز گردید در نتیجه برتری هوایی دشمن محقق شد تا آنجا که در پاره‌ای اوقات و با هدف کاهش روحیه رزمندگان، دشمن با هواپیماهای سنگین مانند ایلوشین اقدام به پرتاب تیر آهن، مصالح ساختمانی و اسباب بازی و آهن قراضه و آشغال بر روی نیروهای زمینی ما می‌کردند.

در این شرایط بود که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یک اقدام اساسی و با استفاده از امکانات داخلی به بازسازی و افزایش توانمندیهای خود اقدام کرد و تاکتیکهای خود را نیز تغییر داد. این اقدام با تشکیل قرارگاهی موسوم به قرارگاه رعد انجام گرفت. تشکیل این قرارگاه از ابتکارات شهید بزرگوار بابایی بود، فلسفه تشکیل این قرارگاه بر مبنای افزایش ایمنی پرواز و رعایت اصل کلی حفاظت بود. این قرارگاه در جوار قرارگاه خاتم الانبیاء و به عنوان یک قرارگاه عملیاتی نه‌اجا عمل می‌کرد بر این پایه که تمام نیازمندیهای عملیات از طرف یگان‌های مانوری در این قرارگاه مورد بررسی قرار می‌گرفت و از طریق یکی از پایگاههای شکاری به اجرا در می‌آمد. این که می‌گویم برای رعایت اصل حفاظت به این معنی بود که قبل از این اقدام وقتی پروازها از طریق دفتر ویژه به اجرا در می‌آمد. دشمن با شنود کردن مکالمات آمادگی طعمه قرار دادن هواپیماهای ما را پیدا می‌کرد و در فضای هوایی خود منتظر پروازهای ما می‌ماند و با آنان با قدرت بیشتر برخورد می‌کرد و در چندین مورد صدمات جبران ناپذیری به هواپیماهای ما وارد نمود.

اما قرارگاه رعد این مشکل را حل کرد، زیرا هیچگونه ارتباط رادیویی تا بلند شدن هواپیما انجام نمی‌گرفت و بدین وسیله دشمن غافلگیر می‌گردید و اوج این اقدام شایسته در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو اتفاق افتاد که ۴۰ الی ۵۰ هواپیمای دشمن به وسیله نیروی هوایی و بویژه پدافند هوایی که به وسیله همین قرارگاه رعد فعال شده بود ساقط گردید. عملیات والفجر ۸ نقطه عطفی در تاریخ نیروی هوایی برای مقابله اساسی با دشمن بود، هم پدافند هوایی با استفاده از تمام امکانات خود فعال گردید و هم پشتیبانی نزدیک هوایی با استفاده از تاکتیک صحیح و بومی انجام می‌گرفت و به لطف خدا نتیجه خوبی و بهتر است بگویم نتیجه عالی در برداشت و امروز من به عنوان یک خلبان که در این عملیات‌ها اجرای وظیفه می‌کردم به کاری که انجام گرفته است افتخار می‌کنم.

- آیا فقط پایگاه امیدیه قرارگاه رعد را پشتیبانی می‌کرد؟

- خیر، پایگاه امیدیه به علت نزدیکی به منطقه عملیات آبادان به عنوان پایگاه مادر عمل می‌کرد، سایر پایگاهها به دو طریق در عملیات والفجر ۸ شرکت داشتند. از یک طرف پایگاههای تبریز، همدان بخشی از هواپیماها و گروههای فنی خود را به پایگاه امیدیه اعزام داشته و مأموریتهای واگذاری را از این پایگاه انجام می‌دادند و از طرف دیگر پایگاههایی مانند دزفول و بوشهر که نزدیکتر بودند به طور مستقیم از پایگاههای خود اقدام به پشتیبانی از عملیات می‌کردند، بویژه پایگاه اصفهان با استفاده از هواپیماهای اف ۱۴ پوشش هوایی خوبی به وجود می‌آورد که از پرواز هواپیماهای دشمن به شدت جلوگیری به عمل می‌آورد.

- تاکتیکهای مورد استفاده قرارگاه رعد را که در به سرانجام رساندن مؤثر مأموریتها نقش داشته با حساسیت بیشتری تشریح نمایید.

این تاکتیکها چند بعدی و ساده بودند. عراقیها با استفاده از اطلاعاتی که از آمریکاییها گرفته بودند به تاکتیکهای پروازی مآپی برده بودند و به خوبی هواپیماهای ما را طعمه می‌کردند و مشکلاتی فراوان برای ما فراهم کردند به طوری که در یک فاصله زمانی کوتاه به طور تقریب احتمال بازگشت سالم هواپیماها به پایگاههایشان بسیار کم شد.

همچنین در بخش پدافند با استفاده از سیگنالهای راداری پدافند هوایی بویژه رادارهای موشکهای پدافندی به محض روشن شدن، زده می‌شدند. قرارگاه رعد به این دو موضوع پی برد و برای مقابله با این برتری جزئی دشمن دست به کار شد و اقداماتی به شرح زیر انجام داد:

الف - با اعزام گسترده افسران ناظر مقدم تا اولین رده یگانهای مانوری (گروهان) و افسران رابط هوایی تا رده گردان توانست بین یگانهای زمینی و نهاجا ارتباط مستقیم برقرار نماید و با این اقدام اساسی توانست درجه امنیت پروازها را افزایش دهد و تارسیدن هواپیما روی سر دشمن اطلاعات آنرا مخفی نگه دارد. افسران مقدم با ایجاد ای. پی (aim point) به وسیله دو عدد کانکس و سفید کردن آن نقطه نشانی خوبی برای راهنمایی خلبانان به اهدافشان بدون ارتباط رادیویی را ایجاد می‌کردند.

ب - با گسترش قرارگاه رعد در نزدیکترین مکان به جبهه و حذف دفتر ویژه و پست فرماندهی (COMON POST) پایگاهها از چانل اجرای پروازهای اضطراری، ضریب امنیت قابل ملاحظه‌ای برای حفاظت از اطلاعات پروازی را فراهم می‌نمود.

پ - کار دیگری که با اصرار قرارگاه رعد انجام گرفت ترکیبی عمل کردن هواپیماها بود تا امکانات تمامی آنان همزمان استفاده شود و نواقص و کمبودهای همدیگر را پوشش دهند، یعنی برای حفاظت از هواپیماها از دو فروند اف ۱۴ با هم استفاده می کردند که فضای مأموریت را پوشش دهند و در پوشش این هواپیماها از هواپیماهای اف ۵ و اف ۴ با انواع مهمات استفاده می شد. به طور ویژه بمبهای خوشه‌ای که با فاصله عمل می کرد در تأخیر انداختن حرکات سریع دشمن نقش خوبی را ایفا می کرد.

ت - مهمات ساخت داخل را برای آزمایش به پایگاه پنجم امیدیه می آوردند که با نظارت شهید اردستانی در این پایگاه مورد آزمایش قرار می گرفتند و مؤثر بودن آنها به اثبات می رسید و تا حد زیادی از کمبودهای تدارکاتی را از بین می برد.

ث - همین قرارگاه رعد تصمیم گرفت پروازهای جنگی را حتی الامکان قبل از ظهرها انجام دهد تا با توجه به جهت تابیدن نور خورشید هم خلبانها دید بهتری داشته باشند و هم دشمن از حداقل دید برخوردار باشد.

ج - در بخش پدافندی با استفاده از رادار مادر در بندر امام خمینی (ره) و خاموش نگه داشتن سایر رادارها از طعمه شدن بیشتر سایتهای موشکی به عنوان اصلی ترین سلاح پدافندی نهاجا ممانعت به عمل آمد.

د - یکی از اقدامات اساسی و فنی و ابتکاری برای افزایش قابلیت‌های پدافند هوایی گذاشتن موشک هاگ به جای فنیکس روی هواپیمای اف ۱۴ می باشد تا برد پدافند هوایی به دو برابر برسد.

شاهده می کنیم مجموعه این اقدامات و سایر اقداماتی که من فراموش کرده و حضور ذهن برای آنها ندارم و شاید همکاران دیگر بتوانند زوایای آن را بهتر بگشایند به لطف و عنایت خدا مؤثر افتاد و برتری هوایی چند ساله را از دشمن گرفت و نسبت به ساقط شدن ۵۰ فروند از هواپیماهای آنها در عملیات فاو منجر گردید و این برای ما درسی فراموش نشدنی است که تا می توانیم به خود اتکا داشته باشیم، زیرا همیشه این امکان وجود دارد که دیگران آنچه را در اختیار ما گذاشته اند به سادگی در اختیار دشمن ما قرار دهند. کاری که آمریکاییها کردند.

- از امیر نادری می پرسیم نهاجا غیر از مأموریت‌های جنگی و بازدارنده، مأموریت‌های دیگری انجام می داد؟

و او جواب می‌دهد:

خوب بود اشاره کردید، هواپیماهای تاکتیکی و مسافربری یعنی از C130 و بوئینگ ۷۰۷ و ۷۴۷ برای جابجایی بار، تجهیزات، نفرات و بویژه حمل مجروح با ظرفیت کامل استفاده گردید که اگر این هواپیماها نبودند، نیروهای درگیر با مشکلات فراوانی روبرو می‌شدند، تکرار می‌کنم حجم بالایی از مجروحین جنگ از طریق هواپیما به اکثر بیمارستانها در سراسر کشور و حتی مشهد برده شدند و یا از جای جای میهن اسلامی نیروی کمکی به جبهه آورده شد یا با هواپیمای C130 شهدا تخلیه می‌گردیدند، کمک‌های مردم به جبهه آورده می‌شد و اکثراً مهمات مورد نیاز در کمترین زمان به جبهه حمل می‌شد.

- برای اینکه گفته‌های خود را تکمیل کنید اگر حضور ذهن دارید چند نفر از خلبانهای را که در عملیات والفجر ۸ همراه شما در عملیات شرکت داشتند را نام ببرید:

خلبانها و گروههای فنی زیادی در این عملیات شرکت داشتند زیرا تمام پایگاههای هوایی و یا بهتر بگویم نهاجا با تمام ظرفیت در عملیات شرکت داشتند و چون نمی‌توان همه را نام برد بهتر است به این اکتفا کنم و بگویم نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو در کنار سایر نیروهای ارتش و سپاه و بسیج با تمام توان شرکت فعال و مؤثر داشت و اگر این چنین نمی‌شد آزادی بندر فاو به این شکل رقم نمی‌خورد.

- امیر ممکن است به یکی از مأموریتهایی که شخصاً در عملیات والفجر ۸ انجام داده‌اید اشاره‌ای داشته باشید؟

مأموریتها زیاد هستند، یک روز در بعد از ظهر یکی از فرماندهان سپاه پاسداران سراسیمه به قرارگاه آمد و گفت یگان‌های در خط در حوالی کارخانه نمک در فاو مورد حمله یک واحد بزرگ تانک قرار گرفته است که در صورت پیشروی ممکن است فاو را دوباره پس بگیرند و درخواست پشتیبانی هوایی داشت من و یکی از خلبانان دیگر بلافاصله دو هواپیمای مسلح آماده را برداشتیم و خود را به هدف رساندیم و خوشبختانه هواپیماها با انواع بمبهای تخریبی سنگین و خوشه‌ای مسلح بودند ما با ارتفاع پست تانکهای نزدیک به یگان‌های خودی را بمباران کردیم و در برگشت با سلاحهای خود نیز یگان‌های پیاده را زیر آتش قرار دادیم.

فردا از قرارگاه خاتم الانبیاء آمدند و گفتند معجزه شده است. من تعجب کردم زیرا دو فرزند هواپیما نمی تواند چنان مؤثر باشد ولی پس از بمباران به علت وجود بمبهای خوشه‌ای که با تأخیر قابل توجهی منفجر می شوند تأخیری در حرکت دشمن به عمل آمده بود و بعد باران شدیدی بارید و منطقه آنچنان در آب فرو رفت که تانکها نتوانستند حرکت کنند و با این عملیات در اثر لطف خداوند دشمن در گل و لای ماند و از او کاری ساخته نشد.

و یا در یک ماموریت دیگر همراه شهید اردستانی به عنوان لیدر به منطقه فاو رفته بودیم که من به دنبال لیدر در حرکت بودم که ناگهان با شلیک گسترده پدافند هوایی دشمن مواجه شدیم و یکی از موتورهای هواپیمای من در اثر اصابت گلوله از کار افتاد و دیگر نتوانستم لیدر را تعقیب کنم لذا با کمی تأخیر هدف را مورد اصابت قرار داده و چند لحظه بعد به صورت (Low PASS) پرواز در ارتفاع پست بودم که یک هلیکوپتر دو ملخه را در ارتفاع پائین مشاهده کردم که من هم ارتفاع خود را کم کرده و با مسلسل او را هدف قرار دادم که خود سقوط آنرا مشاهده کردم و بالاخره در پایگاه به دنبال شهید اردستانی نشستیم، ایشان با دیدن من تعجب کرد و گفت یک گوسفند نذر کن، گفتم چرا. گفت من تو را دیدم که چطور گرفتار گلوله‌های پدافند هوایی شدی و فکر کردم تو را زدند ولی از اینکه اندکی بعد تو را در حال دور زدن دیدم خوشحال شدم و برای تو دعا کردم.

- امیر گرچه شما به نکات آموزشی بسیار زیادی اشاره داشتید اما با استفاده از فرصت، از شما می‌خواهم به طور ویژه پیامی برای همکاران جوان که خاطرات جنگ را دنبال می‌کنند داشته باشید:

سون تزو (فرمانده چین باستان) گفته‌ای دارد که بسیار آموزنده است؛ او می‌گوید: اگر شما خود و دشمن را شناسی، به طور حتم شکست می‌خوری ولی اگر خود را شناختی و دشمن را نشناختی خود را به قضا و قدر بسپار و اما اگر خود و دشمن را شناختی موفقیت تو حتمی است.

پیام روشن این گفته هوشمندانه این است که وقتی همه چیز را از دیگران گرفتی به این معنی است که دشمن از تو شناخت کامل دارد و چون خود را نیز می‌شناسد بنابراین بر تو پیروز خواهد شد ولی اگر به خود اتکا کردی و از تواناییهای خود استفاده بردی با اندکی تأمل و خود شناسی پیروزی قطعی را هرگز به دشمن نخواهی داد.

و سرنوشت نه‌اجا در جنگ از این تجربه نشأت گرفت تا مادامی که اطلاعات و توانمندیهای نه‌اجا در اختیار دشمن قرار نگرفته بود ما برتری هوایی نسبی را داشتیم اما مادامی که این اطلاعات در اختیار دشمن قرار گرفت و دشمن ما را شناخت، برتری هوایی را از ما گرفت و خوشبختانه مادامی که ما خود را باور کردیم و با استفاده از تواناییهای خود شرایط را به نفع خود تغییر دادیم بار دیگر برتری هوایی را کسب کردیم. پس جوانان ما باید بدانند اگر به خود اکتفایی برسند با اسلام مقتدر و رهبر روشن بینی که داریم نمونه خواهیم شد.

- امیدوارم جوانان تجربیات همکاران خود را که خون بهای جنگ است به کار بندند و گذشته را چراغ راه آینده خود سازند، در پایان با تشکر از جنابعالی به خاطر شرکت صمیمانه در این مصاحبه اگر لازم می‌دانید یک خاطره‌ای برای حسن ختام بفرمایید:

خاطره‌ای که عرض می‌کنم مربوط به عملیات والفجر ۸ نمی‌شود اما به علت ارتباط آن با شهید نامدار نه‌اجا (شهید بابایی) که نقش ارزنده‌ای در معرفی فعالیت‌های نه‌اجا بویژه عملیات والفجر ۸ داشت شاید؛ هم بی ارتباط نباشد:

در آن زمان من جانشین پایگاه دوم شکاری تبریز بودم و قرارگاه رعد در حال پشتیبانی از نیروی زمینی در عملیاتی در غرب کشور بود که از پایگاه سوم شکاری مستقر شده بود شهید بابایی دستور داد که من به پایگاه تبریز بروم و برای یک مأموریت جدید آماده گردم که در روز پنجشنبه پس از یک مأموریت جنگی به پایگاه تبریز رفتم و فردای آن روز جمعه ۶۶/۵/۱۵ مصادف با عید قربان شهید پس از یک مأموریت جنگی در غرب به پایگاه تبریز آمدند و در معیت ایشان که کاملاً روی منطقه شناسایی کامل داشت به مأموریت جنگی بر ضد نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات سردشت به انجام وظیفه پرداختیم.

بنابراین پس از آماده شدن هواپیمای دوکابینه *FF5* (اف ۵ اف) من به عنوان خلبان در کابین جلو و شهید در کابین عقب از زمین بلند شدیم و با راهنمایی ایشان به سمت هدف پیش رفتیم شهید بابایی در مسیر نقطه نشانها را به من نشان می‌داد و پس از اینکه کاملاً آماده عملیات شدیم در آخرین مسیر پروازی با اوج گیری و شیرجه، دشمن را مورد بمباران قرار دادیم و با یک گردش ۱۸۰ درجه در حال برگشتن از هدف بودیم که امیر بابائی از اینکه مأموریت به خوبی انجام گرفته و هدف در حال انفجار بود به وجد آمد و در حال الله اکبر گوئی بود که هواپیمای ما مورد اصابت قرار گرفت و همه چیز به هم ریخت با رادیو سعی کردم که با شهید بابایی تماس برقرار کنم ولی متأسفانه

صدایی نشنیدم آئینه جلو را تنظیم کردم که بتوانم شهید را در کابین عقب ببینم ولی چیزی از او جز شیشه شکسته و خون آلود بین دو کابین ملاحظه نشد. صندلی پران شهید هم که چتر نجاتش پاره شده بود بر سر جای خودش در کابین عقب مشاهده می شد. من پس از یک آشفتگی و لحظات سقوط به خود آمده و کنترل هواپیما را به دست گرفتم و با پایگاه تماس برقرار کردم. وضعیت خود را اضطراری اعلام نمودم و درخواست هلیکوپتر رسکیو کردم چون احتمال می دادم شهید بر اثر اصابت به بیرون پرتاب شده است. خودم در حالی که پشت گردن و بازویم بر اثر ترکش مجروح شده بود و اکثر نشان دهنده های کابین جلو شکسته بود خود را به پایگاه رساندم و با وضعیت ناجور و با مشقت فراوان هواپیما را به زمین نشاندم. پس از استفاده از چتر ترمز هواپیما و ترمز شدید که باعث آتش گرفتن لاستیکهای هواپیما شد چون گاز هواپیما بسته نمی شد با قطع کلیدهای بنزین در تور انتهای باند درگیر شدم پس از رهایی از تور توسط نیروهای اضطراری مشاهده شد که بابایی بر اثر اصابت از گردن، شهید شده است. در این زمان درست اذان ظهر روز عید قربان طنین انداز بود که شهید در راه دفاع از میهن اسلامی عزیز قربانی گردید.

جالب است که بگویم شهید ستاری (فرمانده نیرو) به او گفته بود که به حج برود و او همسرش را فرستاده بود و قرار گذاشته بود تا عید قربان خود را به آنها برساند اما به علت مأموریت از رفتن بازماند و چنین قربانی و شهید گردید. خداوند او را رحمت کند و با خواندن فاتحه و فرستادن صلوات برای شادی روح شهدا مصاحبه را به پایان بردیم.

بخش سوم: نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸

در ایام دفاع مقدس هرگاه صحنه عملیات به مناطق آبی و یا آبی خاکی کشیده می‌شد، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از مسئولیت خود و به تناسب شرایط موجود از انواع امکانات دریایی خود هوانا، ناو، رزمناو، قایق، یدک کش، توپخانه سنگین دریایی، بالگرد، تفنگداران دریایی) استفاده می‌برد و پشتیبانیهای لازم را به عمل می‌آورد. در عملیات والفجر ۸ که صحنه عملیات در منطقه ای مناسب برای فعالیت‌های آبی، خاکی قرار داشت، نداجا با انواع پشتیبانیهای لازم با حداکثر توان، نقش مؤثری در کسب پیروزی و تسهیل کار رزمندگان اسلام ایفا نمود، این اقدامات نداجا در عملیات والفجر ۸ را می‌توان به شرح زیر طبقه بندی نمود:

۱ - پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ با بکارگیری چهار فروند هواناو BH7 (هاورکرافت)

پشتیبانی فوق‌الذکر از مورخه ۶۴/۱۱/۲۳ الی ۶۴/۱۲/۲۵ با ۱۸۰ سورتی پرواز در ۵۰۰ ساعت که به طور کامل در شب و در سه مسیر به شرح زیر انجام گرفت:

الف) در مرحله اول رودخانه بهمنشیر - نهر قاسمیه - پوزه جنوبی خور عبدالله (فاو)

ب) در مرحله دوم بندر امام - نهر قاسمیه - پوزه جنوبی خور عبدالله (فاو)

الف - شرح عملیات:

ماموریت هواناوها در عملیات والفجر ۸ پس از شناسایی و بررسی منطقه عملیات که از ماهها قبل انجام شده بود در جغرافیای کاملاً متفاوت از آنچه در عملیات‌های مختلف هوانا و مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود، انجام گردید.

عبور از رودخانه اروند که محل اصلی ماموریت هواناوها بود با جریان شدید آب و وجود چولان و نیزار و کانالهای مصنوعی و طبیعی و همچنین سواحل نامناسب و وجود موانع طبیعی و موانع ضد هوانا و شامل انواع شاخکهای فلزی و نبشی می‌گردد به شکل هشت‌پر (خورشیدی) و انواع مین، یکی از خطرناکترین و پیچیده‌ترین عملیات‌های آبخاکی بویژه اینکه با توجه به زمان انجام ماموریت در شب که خطر آسیب‌پذیری را چندین برابر افزایش داده بود به شمار می‌رفت.

عملیات پشتیبانی از نیروهای رزمنده، همزمان و بلافاصله پس از شروع عملیات اصلی آغاز و هواناوها با نیروهای خط‌شکن عملیات پشتیبانی را آغاز نمودند. در تمام مدت مأموریت هواناوها، منطقه عملیات زیر آتش سنگین توپخانه و سلاحهای سبک و حملات شیمیایی و بمباران هوایی و موشکی بود. به نحوی که علیرغم حداکثر بهره‌گیری از اصول استتار و اختفاء حداقل تعداد ۲۰ فروند موشک با هدف از بین بردن هواناوها به محل استقرار و در مسیر تردد هواناوها شلیک گردید. کارکنان ناو گروه هواناو با وجود خطرات ناشی از گلوله باران توپخانه دشمن با خلوص نیت و در کوتاهترین زمان مأموریت‌های محوله را با موفقیت کامل به انجام رساندند.

ب - محموله‌های جابجا شده توسط هواناوها:

۲۱۲ تن انواع مهمات.

۱۴۰ دستگاه انواع خودرو.

۱۹۹۶ نفر نیرو و تجهیزات مربوطه.

۴ قبضه سلاح سنگین (توپ).

انجام ۱۵ مأموریت تجسس و نجات در دهانه خور موسی - بهمنشیر - ارون‌درد - سکوه‌های البکر و الامیه - خور عباد...

پ - خسارات و تلفات:

صدمه دیدن ۳ فروند هواناو به علت برخورد ترکش موشک.

ت - نتیجه:

غافلگیری و استفاده از شرایط جوی نامساعد در بدترین شرایط جغرافیایی و پیچیده‌ترین و وسیع‌ترین موانع برای رسیدن به خطوط دشمن عواملی بودند که هواناوها با دقت کامل و پشت سر گذاشتن موانع توانستند پشتیبانی همزمان با شروع عملیات را از عملیات والفجر ۸ با موفقیت کامل به انجام برسانند.

۲ - نصب توپخانه سنگین دریایی

پس از فتح فاو، نصب توپخانه سنگین دریایی در دهانه فاو انجام گرفت که اثر پدافندی کاملاً مؤثر در پشتیبانی و حفظ منطقه ایفا نمود.

(الف) : در مرحله اول رودخانه بهشتی - تهر قاسمیه - پوزه چنوبی خور عبدالله .

(ب) : در مرحله دوم بندرامام - تهر قاسمیه - پوزه چنوبی خور عبدالله .

(پ) : در مرحله سوم تهر حاج محمد به ساحل رهروان دراز رود .

لازم به توضیح است کلیه مأموریت ها در شب انجام پذیرفته است .

طبقه بندی این سند برابر امریه شماره
ط/۲۴۱۳/۵۹
۸۸/۴/۲۸
با دستور تفاوت عملیات به خیلی معنی مانده تقلیل داده شد

۶- اشکالات خبایثی مشخص شده

(الف) : تعداد زیادی از قایقهای سیاه پاسداران در اطراف دهانه رودخانه بهشتی شب و روز تردد می نمودند و جهت شناسایی میله های آهنی و تیرهای متعدد چوبی در طول مسیر نصب نموده و تعدادی از این قایقها در هنگام جزیرگی نشست و این امر تردد حیوانات مخصوصاً در شب را با مشکلات عدیدهای مواجه مینمود .

(ب) : با وجود تاکید های مکرر در مورد محل بارگیری یکماه قبل از شروع عملیات متأسفانه محل بارگیری بهیچ وجه مناسب نبوده و خود روزه های اکثراً در گل فروخته و محل کافی جهت مانور و سوار شدن به حیوانات را نداشته و این امر باعث صرف وقت و انرژی بیش از حد شده و در نتیجه تعداد سورتی ها را به میزان ۵۰٪ کاهش میداد .

(پ) : مکرراً اتفاق می افتاد که حیوانات بعد از ساعت در محل بارگیری مستقر می شدند و هیچگونه وسیله و یا نیرو جهت جابجایی در محل بارگیری وجود نداشت و در بعضی از شبها بهیچ علت اصلاحی مأموریتی انجام نشد .

(ت) : وجود موانع ضد حیوانات در و طرف محل تخلیه ، باعث اتلافی بودن محل و یکساخت نبودن شبها -

خیابانی مشخص شده

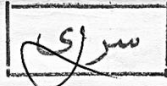
ساحل باعث سر خوردن ناگهانی حیوانات شده و در بعضی از مواقع باعث خارج شدن حیوانات از ترانزیت و برخورد با این موانع میشد .

(ث) : نزدیکی محل بارگیری و تخلیه به سکوی العمیه و خور عبدالله نیاز روشن بودن رادار حیوانات

در طول مسیر وجود ناوچه های دشمن در این مناطق آسیب پذیری حیوانات را بیشتر افزایش داده

بطوریکه دشمن بیش از ۲۰ قریب موشک در طول عملیات بطرف حیوانات شلیک نموده است .

سید



۷- ضایعات :

(الف) : هوانا ۱۰۴ در ساعت ۰۶۱۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ پس از اتمام مأموریت در مسیر بازگشت به محل استقرار بعثت تاریکی هوا و شلوفی بیش از حد دهانه بهشتیر و از تنوع خارج شدن راندارها یک فروند یک کس متروکه که در ساحل بگل نشسته بود تصادم عمود و قسمت زیر Bow RAMP آن آسیب دید . این هوانا و پس از انجام سه ساعت تعمیرات مجدداً بصورت موقت عملیاتی گردید .

(ب) : هوانا ۱۰۵ در ساعت ۰۸۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۵ با مانع شد هوانا و در دهانه خور عبدالله برخورد نموده و اسکرمت سمت چپ آن به مقدار زیاد تخریب گردید . این هوانا و پس از انجام تعمیرات مورد نیاز در منطقه مجدداً عملیاتی گردید .

طبقه بندی این سند برابر امریه شماره ۲۴۱۳/۵۹
۸۸/۴/۲۸
با دستور معاونت عملیات به خیلی مختصر مانع تقلیل داده شد

(پ) : هوانا ۱۰۳ در ساعت ۱۳۴۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۷ در هنگام جابجایی از قنای به بندر امام مؤید حمله ۲ فروند هواپیمای دشمن قرار گرفت که خوشبختانه بعثت سرعت هوانا و و مانوریه موقع خلبان - آسیب جدی به هوانا وارد نشد خیلی مختصر مانع

(ت) : هوانا ۱۰۳ در حین مأموریت در مورخه ۶۴/۱۱/۲۹ با مانع شد هوانا و در محل تخلیه تصادم نمود که پس از انجام تعمیرات مجدداً عملیاتی گردید .

(ث) : در مورخه ۶۴/۱۱/۲۸ از ساعت ۲۱۴۵ الی ۰۲۴۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۹ تعداد ۵ فروند موشک بطرف هواناها که در شهر قاسمیه جهت بارگیری مستقر شده بودند پرتاب و یکی از موشکها در نزدیکی هوانا ۱۰۴ نریز آمده و ترکن های آن خسارات کلی به این هوانا وارد نمود که قبلاً مشروطاً گزارش گردیده است . در حال حاضر این هوانا و تحت تعمیر میباشد و پیش بینی میگردد که کلیه اشکالات طرف مدت یکماه برطرف گردد .

خیلی مختصر مانع

۸- نتیجه

(الف) : مأموریت انجام شده در عملیات والفجر ۸ از مشکل ترین عملیات هواناها در طول جنگ تحمیلی بوده و ضایعات زیادی به هواناها وارد گردید . پرسنل ناوگروه هوانا و با وجود خطرات متعدد خالصانه و بطور داوطلب در این مأموریت شرکت نموده و در کوتاهترین زمان ممکنه تعمیرات هوانا و های آسیب دیده

۱۸

سری

را در منطقه به اتمام رسانده و مجدداً آنها را آماده شرکت در عملیات نمودند .

(ب) : صرف نظر از کمکات و خطرات و ضایعات وارده در عملیات فوق ناها جنگی و عدم برتقاء ریزی -
صحیح در امر بازگویی بازدهی نهایی هواخواها را در این مأموریت به میزان قابل توجهی کاهش داده و این
امر نیاز به رابطه آگاه به مسائل هواخواها با نیروی زمینی و سپاه در مأموریت های آتی را ایجاد مینماید .
در خاتمه خواهشمند است مقرر فرمایید از زحمات پاد ماهشهر که در پشتیبانی هواخواها در این مأموریت
حد اکثر همکاری را نمود مانند قدر دانی بعمل آید بی

خلیجی به شهر میانه

فرمانده پایگاه دریایی خارک : ناخدا حسین احمدی

مجاورین فرمانده پایگاه دریایی خارک
ناخدا سوم حسین اکبری

طبقه بندی این سند برابر امریه شماره ۲۴۱۳/۵۹ ط
۸۸/۴/۲۸
با دستور مقاومت عملیات به خلیجی دفتر خانه تقابل داده شد

گیرندگان :

۱- فرماندهی نداجا / معاونت عملیات .

✓ ۲- فرماندهی م - دریا ساحل .

۳- عملیات پاد خارک

۴- فرماندهی - دبیرخانه

سری

خلیجی به شهر میانه

بکالی نیروی

ناخدا دوم فرماندهی ستاد اشکوس دانه کار

فرماندهی ند احسا

جبهه‌نگی شرکت پیا نهایی نیروی دریایی در عملیات والفجر ۸

۷۴/۱۱/۲۴
۵۰۰۰
فرماندهی ند احسا
فرماندهی ند احسا

۲۱ شهریور این سند را با این شماره
۲۴۱۶۲۶۲۶
تاریخ داده شد.

۱- در اجرای مأموریت های ابلاغی به ند احسا در راه با اجرای عملیات والفجر ۸ دستور
عطیاتی سال - ۱ تهیه گردید .

۲- نیروی دریایی برای هدایت و اجرای عملیات قوارق ماهی ۳ رادوست فرماندهی
مذاکره دوم دریایی تشکیل داد و یک قوارق ماهی عطیاتی پشتیبانی و انبوه ربات ماهی دریایی
ماه شهر رمضان نمود و برای هدایت عطیاتی یک بست فرماندهی مقدم در یک فروند
بارج تشکیل و در کنار کشتی صدمه دیده ساموئیلان در دانه خور موسی مستقر نمود . مضافاً
قوارق ماهی عطیاتی پشتیبانی ناوتیب ویژه تاوران واد و ساختمان سیلوی بند رامام تشکیل
داد .

۳- ناوتیب ویژه تاوران از تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۱۳ با قایق هاوشناورهای مربوطه از راه زمین
به ماه شهر انتقال یافتند و برای تأمین آذوقه پشتیبانی نزدیک با واگذاری ۷ فروند قایق
و موتور از سیاه و ۲ فروند از پیا نهایی شناور نیروی اقدام گردید که قایق های سیاه به علت
مناصب نبودن نوع موتور و مشکلات بدنه تا تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۱۹ بحالت آماده سازی آنها
وقت صرف گردید و به د از دریانوردی مشخص گردید که بدنه آنها آلودگی نمی باشند .

۴- در تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۱۹ ناوتیب ویژه تاوران ماه تاوران و اورستل زیود کنار کشتی ساموئیلان

مستقر گردیدند :

بکالی نیروی
ناوتیب و تاوران برای پشتیبانی

تاریخ

(صفحه یک)

شماره بزرگ	۳۴
صفحه	۸ از ۱

ب : ناوچه فلانین برای استوار و رگنار سگوی الکرید از تصرف.

ب : سه فروند ناوچه ۶۵ مانی براف استوار و اوراق سگویه از تصرف.

ت : ۱۲ فروند قایق سریع السیر ۴۸۵ با سلاح دوش کاوه فروند مجهزه رادار.

ث : ۹ فروند قایق ریتیک مجهزه تیور ۲۳ موشکی کاتوش اوکساره ۱۶۸۸.

ج : ۳ فروند قایق ریتیک ویژه مین گذاری.

ح : ۲۵ فروند قایق ریتیک مجهزه دوشکا.

خ : ۵ فروند لنگ حامل سوخت و مهمات و غذا برای پشتیبانی عملیات.

ط : کتیه بوسنل ناوتیک ۲۴۰۰۰ با اضافه واحد های احتیاط

۵ : ۲ فروند ناوچه کلاس بیکان در کنار سگوی نوروز و تاریخ ۱۱/۱۱/۶۵ مستقر گردید.

که به از تصرف سگوی الکرید و قایق خود در خورید الله کمک نمایند.

۶ : در ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۱۱/۱۱/۶۵ طبرقم و شعبت خود و دریای خراب برای احضار ما موریت که ساعت روز (و) ساعت ۲۳۰۰ مورخه ۱۱/۱۱/۶۵ بین گردید و بود گروه مین گذاری و خود در خورید الله از آنجا که سوخت بیش و بیشان محلت دریای خسرات محدود گردید و بود زود تر از ساعت ۲۰۰۰ بین شده و در دست و مانی از کنار کتی سامیانسر بصوب خورید الله عزیمت نمود و در ساعت ۱۸۰۰ گروه ای تک پشتیبانی آتش

تذکره: این گزارش نیز بموجب ۵۰۰ بگای کتیری

۳۴

۲ از ۸ صفحه

(صنحه ۲)

۵- در آخرین شش‌ساعته که با فرماندهان آن نیروها عمل می‌کنند، مواد مهم و باارزشی
و تعداد موشک‌ها را در تمام مسئله عدم استفاده از زمین به علت مانع بودن برای عملیات
استفاده از موفقیت و اس‌ان‌پشت را در آن گردید که شخصاً از زمین و نیازهای استفاده
از زمین را متذکر شد و اعلام کرد که در آن صورت بین راه‌آنها عوارضی که به
در ساعت ۱۶:۰۰ مورخه ۲۰/۱۱/۵۴ از قرارگاه دائم به پایگاه مادر شهر اراک گردید
که قسمت بین گذری احداث نگردید و حذف شود.

۶- در ساعت ۱۶:۰۷ مورخه ۲۰/۱۱/۵۴ وضعیت جوی خراب به قرارگاه بود. ۱- منعکس
گردید و درخواست گردید تصمیم در مورد ادامه عملیات اتخاذ شود.

۷- با توجه به عدم دریافت و رگشته دستور به لغو عملیات گروه رزمی طبرعم اوفان در رجا
و آبگشتی اکثریتیرک و اناحوائی و حذف نزدیک گردید و گروه ۲۰۰ و ۳۰۰ و ۴۰۰
خبر بهد الله رسیدند که به علت لغو زمین گذری بدون رگشته بین راه‌آنها
به مراجعت شدند و با توجه به اینکه اکثریتیرک و اناحوائی لغو شد و در رجا
میدان و اوفان آبگشته بودند و اکثریتیرک و اناحوائی رگشته و بصورت نیم‌گرفته درآمد و بودند و
به علت خرابی آمد و در یاد رکنا و سکوئی المکرم‌آباد به لغو رفتن قابل اوفان و اناحوائی
و جودند داشت. طبقاً رسیدن گروه رزمی به یک مایلی و ۲۰۰ عملیات در ساعت ۲۳:۳۰ -

۳۸ متعلق و دستور بازگشت گروه به کلبه رزمی

- ۸- گروه وزمی در ساعت ۰۳۰۰ مورخه ۱۱/۲/۱۳۶۵ در حالیکه گلیه شناوردهای روتورک و ریجند در آن به علت اوقاف بصورت نیم فوق درآمد بودند به پست فرماندهی مقدم در کنار سامیان ترسیل داده شدند و نمایه آب قایق های نیمه فوق آغاز شد.
- ۹- در ساعت ۰۵۰۶ مورخه ۱۱/۲/۱۳۶۵ بمباران پست فرماندهی مقدم در کنار کشتی سامیان در فک پیکر و تدموشک اگزوست دشمن قرار گرفت که بمباران موجب انفجار اکسروترک در ناو قایق های ریجند در دریایشت رو شد و اناب گلیه قایق ها بار شد که با فاصله ناوچه قلاخین و ناوچه های ۵ بمبارانی برای احتراز از آسیب دیدن به میله ۳۸ کانال خور موسی منتقل گردیدند و تحسین و نجات میسیده ناوسمیرجان و قایق های FAC انجام گردید و ناوسمیرجان پس از نجات مرسدیل با رج و گلیه مرسدیل مستقر و سامیان ترسیده به ۳۸ کانال خور موسی انتقال پست فرماندهی در ناوسمیرجان به ویرکامل عملیاتی گردید.
- ۱۰- در صبح مورخه ۱۱/۲/۱۳۶۵ اعضا نجات و طبقات بشری زیر مشخص گردید:
- الف: سه نفر نای و نمایه مفقود گردیده بودند.
- ب: ۲۲ فروند ریجند و غرق یا مفقود گردیده بود.
- ج: روتورک ها شامل روتورک مین گذارد و کنار سامیان ترسیده و غرق و بمباران نیم فوق درآمد بودند.

بکابی سری

شماره ۳	شماره ۴۸	شماره ۵
شماره ۶	شماره ۷	شماره ۸

در تاریخ ۵ آذر ۷۰، نیروگاه برق توان نیروی احتیاط در ناوچه های ۵۸ و ۵۹ باقی ماند و پس از
شود و دست نرمانده ای مقدم و از آنجا که یکان شناور بزرگ در تهدید موشک های دشمن
بود و ریک فرزند لاج و بهر محبزه دستگاه های مخابراتی تشکیل داد و سایر یونیت های
لجستیکی را در سه فرزند لاج و دیگر ستون نمود و سه فرزند ناوچه ۵۸ و ۵۹ یکان برای مهندسی
عملیات آماده نمود.

۱۶- در ساعت ۲۰:۳۰ مورخه ۲۳ / ۱۱ / ۵۶ قوازه یونس ۱ اعلام نمود که در ساعت حدود ۱۹:۰۰
برای تصرف هدف عزیمت نمود و اندک زمانی بعد از آن برنامه یونس ۲ عملیات به دستاقتی
راکه بایستی ای می نمودند امکان پذیر نبود. لیکن گروه وزی که تمام عملیات خود را -
بر مبنای غافلگیر نمودن دشمن برنامه ریزی کرد و بود با سرعت بسیار هدف عزیمت نمود که
مناقصانه بازود ترشروع شدن عملیات در سکوی العمیه دشمن ۴۰۰ مایل و شش و گردید و -
و تمام بوسقل بد افتد کنند سکوی المکود و پشت سلاح ۵۰۰ است و آماده بد افتد گردید و بودند
و اندک ۲ فرزند ناوچه ۵۸ و ۵۹ فرزند ناوچه کوچک دیگر و دراد و سکوی المکود و -
کمیت بد افتد و در و سکوی تشکیل داد و بودند.

۱۷- در ساعت ۲۳:۳۰ مورخه ۲۳ / ۱۱ / ۵۶ قوازه یونس ۲ اعلام نمود که در ساعت ۲۳:۳۰
بد افتد و شناور ای بد افتد کنتار و سکواجه گردید و در گویا با شناورهای کنار سکوا
میان ناوچه ها و شناور ای بد افتد نمودند و **بنا بر کلیات عملیات** بد افتد کنند از سکوی نه نمایند

۲۸	بازو و شناور
۲۸	بازو و شناور
۲۸	بازو و شناور

که در ساعت ۲۴ مورخه ۶۵ / ۱۱ / ۲۴ موفق به این رخنه گردید لیکن بایزتاب ۴ بواسطه
که ابراف سگورامش و وزووشن کرده بود قایق ۴ ایشدت زیر آتش پوسنل بد افتد کنند ۴ سگور
قوار گرفتند و متناجا ۴ ایشدت شد او ۴ و ایما ۴ ای دشمن در ابراف آنها در سوار بود ندود در ۴
ساعت ۳۲۷ ۴ دوپوشک استیکس ب ابراف قایق ۴ ایشدت که بامانور از سوار بود به آن احتساب ۴
گردید و دو ساعت ۳۳ ۴ که گروه باشنا و ۴ ای بد افتد کنند ۴ از سگور پوسنل بد افتد ۴ سگور
شدت در گریه بود به علت اتمام سوخت عملیات متوقف و مصوب یست فرماندهی مقدم فسر
خوانده شدند که در ساعت ۳۴ مورخه ۶۵ / ۱۱ / ۲۴ ۴ به لند ۴ ویژه در دانه ۴ و روموسی
به لنگر گرفته و ۴ از آتاسین سوخت به بند و مراجعت نمودند و ذایعات و تاغاتی در این عملیات
نداشتم ۴

۱۸- تاوجه فآخین دو ساعت ۳۵ مورخه ۶۵ / ۱۱ / ۲۴ ۴ مورد خطه ۴ وائی در جبال السسی
کشتی لومیزوان قوار گرفت که بهب به تاوجه امارت نکود ۴

۱۹- در روز ۴ بامانوریت پشیمانی از جملات والفجر ۴ سه فروند ۴ و انا و از تاریخ ۶۵ / ۱۱ / ۱۹
در پستو امام مستقر از تاریخ ۶۵ / ۱۱ / ۲۳ ۴ عملیات خود را در دانه ۴ ارنود رود آنا و سیه
فرایس ۴ بهزات پوسنل سپاه اقدام نموده اند و عملیات ادامه دارد ۴

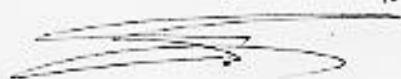
۲۰- ده داد و فریاد ۴ ایشدت SH3D و ۴ AB212 بامانور پشیمانی عملیات تخصصی و نجات
خود را مشغول مستر گردیده اند بیکالین الموسی ۴ KDD ۴ محیزه ۴ پوشک ۴ مایرک ۴ در ۴

حزبه آبادان با هلیکوپترهای هوانیروز ما موریت را از ناوچه های دشمن رها کرده دار -
گرفته اند .

۲۱- ناوهای ایران عصر ایران اجریموب پوشه عزیمت نمودند و در صورتیکه هیچ کاتال پروند
رود اجازه دهد و در تریوی تحریرات سپاه کمک خواهند نمود .

۲۲- دوتورند بار آب وید که کشتیهای پشتیبانی ترابری سنگین سپاه آماده گردیده اند .

ناخدای دوم دانه گوار



گرفته :

فرماندهی مذاقته دوم دریایی (عملیات) جهت استحضار -

چهار شماره ۴

بکلی سری

تاریخ مدارک	۴۸
صفحه	۸
تعداد	۸

(صفحه هشت)

رونوشت سند چگونگی شرکت یگان‌های نیروی دریایی در عملیات والفجر ۸

بکلی سری

ناخدا دوم فرماندهی ستاد اشکیوس دانه کار

فرماندهی نداجا

چگونگی شرکت یگانهای نیروی دریائی در عملیات ولفجر ۸

۱- در اجرای ماموریت های ابلاغی به نداجا در رابطه با اجرای عملیات والفجر ۸ دستور عملیات سال-۱ تهیه گردید.

۲- نیروی دریائی برای هدایت و اجرای عملیات قرارگاه یونس ۲ را در دست فرماندهی منطقه دوم دریائی تشکیل داد و یک قرارگاه عملیاتی پشتیبانی را نیز در پایگاه دریائی ماهشهر فعال نمود و برای هدایت عملیات یک پست فرماندهی مقدم در یک فروند بارج تشکیل و در کنار کشتی صدمه دیده سامبو بانر در دهانه خور موسی مستقر نمود. مضافاً قرارگاه عملیاتی پشتیبانی ناوتیپ ویژه تکاوران را در ساختمان سیلوی بندر امام تشکیل داد.

۳- ناوتیپ ویژه تکاوران از تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۶۴ با قایق ها و شناورهای مربوطه از راه زمین به ماهشهر انتقال یافتند و برای تامین آتش پشتیبانی نزدیک با واگذاری ۷ فروند قایق روتورک از سپاه و ۲ فروند از یگانهای شناور نیروبر اقدام گردید که قایق های سپاه به علت به علت متناسب نبودن نوع موتور و اشکالات بدنه تا تاریخ ۱۹/۱۱/۶۴ جهت آماده سازی آنها وقت صرف گردیده و بعد از دریانوردی مشخص گردید که بدنه آنها آب بندی نمی باشند.

۴- در تاریخ ۱۹/۱۱/۶۴ ناوتیپ ویژه تکاوران با شناورها و پرسنل زیر در کنار کشتی سامبوباتر مستقر گردیدند:

الف- ناو سیرجان برای پشتیبانی قرارگاه.

ب- ناوچه افلاخن برای استقرار در کنار سکوی البکر بعد از تصرف.

پ- سه فروند ناوچه ۶۵ پایی برا استقرار در اطراف سکوبعد از تصرف.

ت- ۱۲ فروند قایق سریع السیر FAC با سلاح دوشکا و ۵ فروند مجهز به رادار.

ث- ۹ فروند قایق روتورک مجهز به تیربار ۲۳م.م و مینی کاتیوشا و خمپاره ۸۱ م.م.

ج- ۲ فروند قایق روتورک ویژه مین گذاری.

چ- ۲۵ فروند قایق رجندر مجهز به دوشکا.

ح- ۲۵ فروند لنچ حامل سوخت و مهمات و غذا برای پشتیبانی عملیات.

خ- کلیه پرسنل ناوتیپ تکاوران باضافه واحدهای احتیاط.

۵- ۲ فروند ناوچه کلاس پیکان در کنار سکوی نوروز در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۹ مستقر گردیدند که بعد از تصرف سکوی البکر در قطع تردد خور عبدالله کمک نمایند.

۶- در ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ علی رغم وضعیت جوی و دریایی خراب برای اجرای ماموریت که ساعت ۲۲۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ تعیین گردیده بود گروه مین گذار وقایع تردد خور عبدالله از آنجائیکه سرعت پیش رویشان به علت دریای خراب محدود گردیده بود زودتر از ساعت تعیین شده در دستور عملیاتی از کنار کشتی سامبوبانر بطرف خور عبدالله عزیمت نمود و در ساعت ۱۸۰۰ گروه‌های تک پشتیبانی آتش نزدیک و احتیاط نیز بصوب هدف حرکت کردند.

۵- در آخرین نشست که با فرماندهان نیروهای عمل کننده و برادر محسن رضایی و ستاد مربوط داشتیم مسئله عدم استفاده از همین به علت مانع بودن برای عملیات استفاده از موقعیت رأس البیشه مطرح گردید که شخصاً لزوم و نیاز حیاتی استفاده از زمین را متذکر شدم و اعلام کردم در آن صورت مین ها را پاک خواهیم کرد و لیکن در ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ از قرارگاه خاتم به پایگاه ماهشهر ابلاغ گردید که قسمت مین گذاری اجرا نگردیده و حذف شود.

۶- در ساعته ۱۹ ۴۷ مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ وضعیت جوی خراب به قرارگاه یونس منعکس گردید و درخواست گردید تصمیم در مورد ادامه عملیات ابلاغ شود.

۷- باتوجه به عدم دریافت هرگونه دستور به لغو عملیات گروه رزمی علیرغم طوفان دریا و آبگرفتگی اکثر روتورک ها تا حوالی هدف نزدیک گردیده و گروه قطع و مین گذار به خور عبدالله رسیدند که به علت لغو مین گذاری بدون ریختن مین ها مجبور به مزاحمت شدند با توجه به اینکه اکثر قایق های ... و به صورت نیم غرق در آمده بودند و به علت تلاطم شدید دریا در کنار سکوی البکر امکان پهلو گرفتن قایق ها و قرار دادن لنگر متوقف و دستور بازگشت گروه صادر شد.

۸- گروه رزمی در ساعت ۰۳۰۰ مورخه ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ در حالی که کلیه شناور های روتورک و ریچندر آن به علت طوفان نیم غرق در آمده بودند به پست فرماندهی مقدم در کنار سامبوبانر پهلو داده شدند و تخلیه آب قایق ها نیمه غرق آغاز شد.

۹- در ساعت ۰۵۰۶ مورخه ۶۴/۱۱/۲۱ بارچ پست فرماندهی مقدم در کنار کشتی سامبوبانر هدف یک فروند موشک اگزوست دشمن قرار گرفت که بر اثر موج انفجار اکثر روتورک ها و قایق های ریچندر در دریا پشت رو شدند و طناب کلیه قایق ها پاره شد که بلافاصله ناوچه فلاخن و ناوچه های ۶۵ پایی برای اجتناب از آسیب دیدن به [ناخوانا] کانال خور موسی منتقل گردیدند و تجسس و نجات به وسیله ناو سیرجان و قایق های FAC انجام گردید و ناو سیرجان پس از نجات پرسنل بارچ و کلیه ی پرسنل مستقر در سامبوبانر به [ناخوانا] کانال خور موسی انتقال و پست فرماندهی در ناو سیرجان به طور کامل عملیاتی گردید.

۱۰- در صبح مورخه ۶۴/۱۱/۲۱ ضایعات و تلفات به شرح زیر مشخص گردید:

الف: سه نفر ناوی وظیفه مفقود گردیده بودند.

ب: ۳۳ فروند ریچندر غرق یا مفقود گردیده بود.

پ: روتورک ها شامل روتورک مین گذار در کنار سامبوبانر اکثرا غرق و یا به حال نیمه غرق درآمده بودند.

۱۱- در تاریخ بعدازظهر ۶۴/۱۱/۲۱ مجدداً دو فروند موشک به کشتی سامبوبانر پرتاب شد و در نتیجه ناو سیرجان در معرض تهدید قرار گرفت و به ماهشهر انتقال یافت.

۱۲- تجسس و نجات برای پرسنل و تجهیزات گمشده با هلیکوپتر و قایق های FAC و ناوچه های ۶۵ پایی و لنج ها در تاریخ ۲۱ و ۲۲ و ۶۴/۱۱/۲۳ ادامه یافت و پرسنل گمشده در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۲ سالم و یا نجات یافتند و مجموعاً سه فروند روتورک و دو فروند ریچندر سوخته و ۱۵ فروند ریچندر آسیب دیده جمع آوری گردیدند.

۱۳- در نشست که در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۳ در قرارگاه نوح و خاتم الانبیا سپاه با مسئولین سپاه داشتیم قرار شد که عملیات تسخیر سکوها در دریای خوب و وضعیت جوی مناسب انجام گردد. بعد از اینکه وضعیت جوی به وسیله نیروی دریایی مناسب اعلام گردید ساعت عملیات هماهنگ و اجرا شود و برای پشتیبانی آتش نزدیک از سپاه تقاضای روتورک گردید که واگذار نشد.

۱۴- در تماس تلفنی با برادر فلاح زاده در ساعت ۱۷۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۳ وضعیت جوی مناسب اعلام گردید و هماهنگ شد که ساعت سین روزه ر ساعت ۰۲۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ باشد.

۱۵- نیروی دریایی به علت عدم تامین قایق روتورک برای آتش پشتیبانی نزدیک عملیات خود را بر مبنای عملیات ضربت با قایق های FAC و ۷۰ نفر تکاور در قایق ها و ۷۰ نفر تکاور به عنوان نیروی احتیاط در ناوچه های ۶۵ پایی طرح ریزی نمود و پست فرماندهی مقدم را از آنجایی که یگان شناور بزرگ در تهدید موشک های دشمن بود در یک فروند لنج ویژه مجهز به دستگاه های مخابراتی تشکیل

بخش سوم: نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸ / ۳۱۹

داد و سایر پشتیبانی های لجستیکی را در سه فروند لنج دیگر مستقر نمود و سه فروند ناوچه کلاس پیکان برای پشتیبانی عملیات آماده نمود.

۱۶- در ساعت ۲۰۲۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۳ قرارگاه یونس ۱ اعلام نمود که در ساعت حدود ۱۱۰۰ برای تصرف هدف عزیمت نموده اند که جلو انداختن برنامه یونس ۲ به علت بعد مسافتی را که بایستی طی می نمودند امکان پذیر نبود. لیکن گروه رزمی که تمام عملیات خود را بر مبنای غافل گیر نمودن دشمن برنامه ریزی کرده بود با سرعت بصوب هدف عزیمت نمود که متأسفانه با زود تر شروع شدن عملیات در سکوی الامیه دشمن کاملاً هوشیار گردیده بود و تمام پرسنل پدافند کننده سکوی البکر در پشت سلاح ها مستقر و آماده پدافند گردیده بودند و تعداد دو فروند ناوچه اوضاع و هشت فروند ناوچه کوچک دیگر دور سکوی البکر مستقر و یک کمر بند پدافندی در دور سکو تشکیل داده بودند.

۱۷- در ساعت ۲۳۴۲ مورخه ۶۴/۱۱/۲۳ یک گروه رزمی تا ۵۰۰ یاردی سکوی البکر نزدیک و به شدت با آتش پدافندی شناورهای پدافند کننده از سکو مواجه گردید و درگیری با شناورهای کنار سکو آغاز شد و سعی نمودند ضمن درگیری با نیروهای پدافند کننده از سکو رخنه نمایند که در ساعت ۰۲۴۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ موفق به این رخنه گردید لیکن با پرتاب نوعی منور که اطراف سکو را مثل روز روشن کرده بود قایق ها به شدت زیر آتش پرسنل پدافند کننده سکو قرار گرفتند و متناوباً هلیکوپترها و هواپیماهای دشمن در اطراف آن ها در پرواز بودند و در ساعت ۰۳۲۷ دو موشک استیکس به طرف قایق ها پرتاب که با مانور از برخورد آن ها اجتناب گردید و در ساعت ۰۴۲۵ که گروه با شناورهای پدافند کننده از سکو و پرسنل پدافندی سکو به شدت درگیر بود به علت اتمام سوخت عملیات متوقف و بصوب پست فرماندهی مقدم فراخوانده شدند که در ساعت ۰۶۰۵ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ به لنج ویژه در دهانه خور موسی پهلوی گرفته و پس از تأمین سوخت به بندر مراجعت نمودند و ضایعات و تلفاتی در این عملیات نداشتیم.

۱۸- ناوچه فلاخن در ساعت ۰۷۰۰ مورخه ۶۴/۱۱/۲۴ مورد حمله هوایی در حوالی کشتی [ناخوانا] قرار گرفت که بمب به ناوچه اصابت نکرد.

۱۹- در رابطه با مأموریت پشتیبانی از عملیات والفجر ۸ سه فروند هواناو از تاریخ ۶۴/۱۱/۱۹ در بندر امام مستقر و از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۳ عملیات خود را در دهانه اروندرود آغاز و به ترابری تجهیزات و پرسنل سپاه اقدام نموده اند و عملیات ادامه دارد.

۲۰- تعداد دو فروند هلیکوپتر SH3D و AB212 برای پشتیبانی عملیات تجسس و نجات در ماهشهر مستقر گردیده‌اند که هلیکوپتر sh3d مجهز به موشک ماوریک در جزیره آبادان بتا هلیکوپتر های هوانیروز ماموریت شکار ناوچه های دشمن را عهده گردیده‌اند.

۲۱- ناوهای ایران عصر و ایران اجر بصوب بوشهر عزیمت نموده‌اند و در صورتی که عمق کانال ارون‌دروود اجازه دهد در ترابری تجهیزات سپاه کمک خواهند نمود.

۲۲- دو فروند بارج آب و یدک کش برای پشتیبانی ترابری سنگین سپاه آماده گردیده‌اند.

امضاء:

ناخدا دوم دانه کار

گیرنده: فرماندهی منطقه دوم دریایی (عملیات) جهت استحضار

فصل سوم:

دستاوردهای آموزشی

دستاوردهای آموزشی^۱

کلیات

یک شعار خوب آموزشی که بارها در کلاس‌های نظامی تکرار می‌شود این است که: عرق ریختن در میادین آموزشی از ریختن خون در زمان جنگ ممانعت می‌کند. حال که جنگی خونین و با بهائی وافر رخ داده است، این پرسش در باور هر تحلیلگر نظامی و یا هر ناظر غیر نظامی حک می‌شود که دستاورد خونهای پاک بزمین ریخته^۲ و منابع فراوان مادی از دست رفته چه می‌باشد.

صرف نظر از هر پندار دیگری، اگر جنگ به درستی تحلیل و ارزیابی نگردد و نکات قوت و ضعف آن در هر مورد مشخص نشود، بهره برداری از جنگ میسر نمی‌گردد و بدون تردید آیندگان از جنگی که بوسیله نیاکانشان اتفاق افتاده است اگر بی زاری نجویند حداقل به آن افتخار نمی‌کنند گرچه باید پذیرفت بی طرف ماندن در تحلیلها با توجه به حمیت ملی و نیتهای پاکی که وجود دارد برای کسانی که خود سهمی در این نبرد داشته‌اند کاری بس دشوار است، اما به هر طریق اگر لازم است از رویدادها بهره برداری آموزشی شود بایستی ارزیابی آن‌هم تا حد امکان با برشمردن واقعیتهایی که رخ داده است انجام پذیرد و از بزرگنمایی موفقیت‌های کسب شده و نادیده انگاشتن ناکامیها به شدت خودداری گردد.

مد نظر داشتن این نکته که موشکافی علل و عوامل ناکامیها به اندازه جلوه دادن پیروزی‌ها اهمیت دارد از دیگر مواردی است که در ارزیابی هر عملیاتی ضروریست حذف خونریزی بیشتر و کاهش چشمگیر آسیبها در جنگی دیگر بستگی مستقیم به دستاوردهای آموزشی جنگ دیروز ما دارد، لذا بنا به گفته یک تحلیل گر جهانی:

“ارتشی که بهترین‌ها را تربیت می‌کند و با بالاترین سرعت یاد می‌گیرد و بهترین‌ها را می‌داند، برتری بزرگی دارد که بسیاری از نقصها را جبران خواهد کرد.”^۳

۱. برابر آنچه به دنبال خواهد آمد، دستاوردهای ارائه شده بیشتر مربوط به یگانهای توپخانه است و این ناشی از تخصص نویسنده می‌باشد، امیدوارم دیگر همکاران با عنایت به اهمیت تحلیلهای آموزشی، به بررسی آموزشی عملیات بپردازند تا در چایهای بعدی با نام آنان افزون گردد.

۲. آمار تلفات رزمی، شامل شهید، مجروح، به یک میلیون نفر رسید.

۳. تافلر، آلوین؛ جنگ و ضدجنگ؛ ص ۱۴.

با عنایت به آنچه گفته شد در این بخش از کتاب به تجزیه و تحلیل آموزشی توپخانه والفجر ۸ می پردازیم تا زمینه فراگیری هر چه بیشتر از جنگ را فراهم کنیم زیرا به خوبی می دانیم جنگ های آینده نیازمند جایگزینی تفنگ بدوشان متعارف و کم سواد با نیروهای هوشمند و تعلیم دیده ایست که بتوانند مغزشان را بکار برند و این وظیفه ما را که از نزدیک دستی بر آتش جنگ داشته ایم افزون تر می کند.

این پندار که نیروهای عراقی در جنگ خود با ایران از تسهیلات و پشتیبانیهای آمادی به طور کلی و بویژه از نظر آماد مهمات از حجم بیشتری استفاده کرده اند. بر کسی پوشیده نیست و در مدارک موجود ثبت است.

یکی از تحلیلگران عراقی (سرلشکر وفیق السامرائی)؛ مصرف مهمات توپخانه در ارتش عراق را هفته ای ۹۰/۰۰۰ گلوله (یعنی ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ در طول جنگ) ذکر می کند.^۱

اما این مهم نیست ما چند هزار گلوله بیشتر یا کمتر تیراندازی کرده ایم بلکه مهم این است که چه درصدی از گلوله های تیراندازی شده به هدف اصابت می کند و چه نتیجه ای به دست می آید^۲ و این فرایند به طور کامل بستگی به امر حیاتی آموزش پرسنل درگیر دارد. شاید آگاهی از این پندار است که ژنرال رومل نابغه جنگ دوم جهانی می گوید: آموزش به بهترین نحو، بهترین وسیله رفاهی است که می توان در اختیار افراد قرار داد^۳ و امروزه نظریه پردازان علوم و فنون عقیده دارند که بهره وری سرمایه گذاریهای آموزشی به مراتب بیشتر از سایر بخشهای اقتصادی است.

وقتی از سرتیپ ۲ سعید پورداراب^۴ خواستم مقایسه ای داشته باشد بین کارائی توپخانه های دو طرف جنگ، با اطمینان و تاکید گفت:

۱. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ص ۹۲.

۲. در سال ۱۸۸۱، یک ناوگان انگلیسی ۳۰۰۰ گلوله توپ به دژهای نظامی مصر نزدیک اسکندریه شلیک کرد، تنها ده گلوله به هدف اصابت کرد و یا خلبانان آمریکائی در جنگ ویتنام، در حمله های ناموفق برای از کار انداختن پل تان هوا ۸۰۰ پرواز انجام دادند و ۱۰ هواپیما از دست دادند و موفق نشدند، بعدها در اواخر جنگ چهار هواپیمای Fمجهز به بمبهای هوشمند تنها در یک پرواز پل را منهدم کردند..

۳. رستمی، سرتیپ ستاد محمود؛ فرهنگ واژه های نظامی؛ ص ۶۳۵.

۴. سرتیپ ۲ سعید پورداراب به عنوان فرمانده همیشه در صحنه جنگ در تمامی عملیات های ل ۲۱ حمزه به عنوان فرماندهی گردان، فرماندهی تیپ حضور فعال داشته و تفنگ به دست پیشاپیش سربازان و همپای آنان می جنگیده است در قلب همه جای گرفته است. ایشان پس از بازنشستگی رزم بی امان خود را در جبهه فرهنگی جنگ ادامه داده و ضمن تدریس تجربه های گرانبهای خود در دانشگاهای نظامی، تاکنون موفق به تألیف چند اثر با ارزش با نامهای (سپتون تا

این درست است که حجم آتش توپخانه ارتش عراق همیشه بر ما برتری داشته است، اما این دقت تیر است که در جنگ نتیجه را تعیین می کند، خوشبختانه ندیده ام توپخانه‌های عراق دقت تیر داشته باشند و من آرزو می کنم دشمنان ما این چنین باشند.

درباره وضع توپخانه‌های خودی گفت:

من تقریباً از پشتیبانی مؤثر توپخانه در عملیات مطمئن بودم، اما می‌توانید اطلاعات بیشتری را از زبان دشمن و به‌ویژه زندانیان جنگی که منبع اطلاعاتی خوبی هستند و در کتابها ثبت شده است نقل کنید. به کنکاش کتابهای معرفی شده از طرف ایشان که عمری را در خدمت صادقانه به این کشور عزیز گذرانده‌اند پرداختم و به واقعیت کلام پر بار ایشان پی بردم. در یکی از این کتابها آمده است:

«اسرای عراقی در اعترافات خود، آتش توپخانه را مناسب و باعث تلفات در نیروهای عراقی ذکر کرده‌اند، تلفات در برخی محورها به واحدهای زرهی عراق بویژه در محور عین خوش، امامزاده عباس و گیلان غرب را در اثر تلاش توپخانه و هلی‌کوپترهای (هوانیروز) مورد تاکید اسرا است.»^۱

و یا در جایی دیگر در طرح پژوهش، آموزش دانشگاه هوایی از قول وفیق السامرائی در کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌خوانیم:

«نیروهای ایرانی به کارگیری توپخانه را ماهرانه و در سطحی وسیع آغاز نمودند، افسران دیده بان کار هدایت آتش را به خوبی انجام می‌دادند و از این رو نیروهای مادر مواضع اشکار (اول جنگ) و شکننده به شدت کوبیده می‌شدند.»^۲

سرتیپ ۲ مسعود بختیاری^۳، توپخانه‌های ایران و عراق را چنین مقایسه می‌کند:

شلمچه، قرارگاه نصر، عملیات محرم) شده و اکنون در گروه معارف جنگ ارتش مشغول بازنویسی رویدادهای جنگ ناخواسته هستند.

۱. جنگ، بازیابی ثبات؛ پاورقی صحنه ۴۷.

۲. السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی.

۳. سرتیپ ۲ مسعود بختیاری برای تمامی افسرانی که موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه فرماندهی و ستاد شده‌اند، چهره آشنا و استادی مقتدر و با پشتوانه علمی بالایی است، ایشان یکی از طراحان عملیات‌های طریق القدس، فتح‌المبین و بیت المقدس بوده و سه اثر ارزنده به همین عناوین تألیف نموده که در مراکز علمی تدریس می‌گردند هم اکنون (۱۳۸۲) دوران بازنشستگی پر افتخار خود را به تألیف، تدریس و مشاوره در سطح عالی طی می‌نماید.

«عراقی‌ها از حجم آتش زیاد و دقت کم از توپخانه‌های خود استفاده می‌کردند، آنها توپخانه‌های متنوع‌تر و با برد بیشتری داشتند و به طور معمول به اجرای آتش پراکنده و دیده‌بانی نشده می‌پرداختند، در صورتی که توپخانه‌های ما، از دقت تیر بهتری برخوردار بودند و به نظر می‌رسید با رعایت نکات آموزشی، انضباط آتش و... کمبود حجم آتش خود را جبران می‌کردند.»

گرچه باور داریم بسیار کسان دیگری هستند که نظراتی مشابه دو نمونه آورده شده دارند اما این حدیث را نباید از یاد برد که:

«ارتشها دوست دارند ناکارآمدی و ناتوانی‌های خود را مخفی نگاه دارند تا دشمن نتواند نقاط ضعف‌شان را هدف قرار دهد اما همان ممنوعیتهایی که دشمن را در جهل نگاه می‌دارد، اغلب باعث می‌شود که اطلاعات به دست کسانی نرسد که می‌توانند ناکارایی‌ها را از بین ببرند، بنابراین ضعفها خیلی دیر کشف می‌شود و شاید هرگز شناخته نشود.»^۱

جمع بندی این بخش از کتاب این نتیجه کاربردی را دارد که:

با گذشت زمان که اطلاعات کهنه و سوخته می‌شوند لازم است در هر مورد از امور جنگ به طور تخصصی توانایی و ناکارآمدی‌ها شناسایی و در بی اثر کردن ضعفها و ارتقاء سطح کیفی تواناییها اقدام شایسته و جدی به عمل آید در این صورت است که میدان جنگ هشت ساله به میدان کسب آموزش و تجربه مبدل می‌گردد.

در پس این نتیجه‌گیری با برشمردن نکات مثبت و منفی به تحلیل آموزشی شرکت یگان‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ می‌پردازیم.

۱. نکات مثبت

الف - شرکت در طرح فریب تاکتیکی

پوشش و فریب تاکتیکی کلیه اقداماتی است که به منظور پوشیده نگاه داشتن طرحها و گمراهی دشمن انجام می‌گردد و روشهای آن عبارتند از: تکه‌های فریبنده، نیرنگها، دستبرد، تظاهرات و تکه‌های پشتیبانی.

۱. تافلر، آلوین؛ جنگ و ضدجنگ؛ ص ۲۳۰.

در اهمیت پوشش و فریب تاکتیکی همین بس که سون تزو در کتاب «هنر جنگ» خود، همه هنر جنگ را بر اساس فریب و اغفال استوار دانسته است.^۱ بر این اساس شرکت یگان‌های توپخانه در طرح پیروزمندانه فریب تاکتیکی از یک هفته الی ۱۰ روز قبل از عملیات آغاز گردید. روش کار این بود که در آغاز روز آتشبارهای تیر بدون رعایت اصول حفاظتی به منطقه عمومی شلمچه حرکت می‌نمودند و با تهیه مواضع فریبنده و درپاره اوقات با تیراندازیهای ایدائی و ثبت تیرهای آشکار سعی در جلب توجه دشمن می‌کردند و در پایان روز و شب هنگام با رعایت کامل اصول حفاظتی به مواضع اصلی خود بر می‌گشتند، این اقدام سبب گردید که دشمن تک قریب الوقوع رزمندگان را در منطقه شلمچه پیش‌بینی نماید تا آن جا که بعضی از یگان‌های خود را به این منطقه گسیل داشت.

در پایان نامه یکی از مسئولان توپخانه سپاه در عملیات والفجر ۸ (سرهنگ پاسدار نوشادی) آمده است:

برای اجرای عملیات با توجه به اصل غافلگیری ضرورت داشت تا طرح فریبی برای دشمن به مورد اجرا گذاشته شود، به همین منظور در منطقه عملیاتی بدر (هور) طرح فریب به اجرا گذاشته شد که توپخانه نیز در این باره برنامه‌هایی را به عهده داشت. گردان‌های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی در منطقه در مواضع انتظار استقرار داشتند، سپس تردهای خود را در این منطقه با جابجائی آتشبارها افزایش دادند، اقدامات توپخانه در طرح فریب به شرح زیر انجام گرفت:

- حرکت ستون‌های توپخانه در روز با طول زیاد ستون.
- استقرار توپخانه‌ها در مواضع انتظار هور.
- جابجائی آتشبارها.
- احداث مواضع.
- اقدام به ثبت تیر با گلوله‌های فسفر سفید
- برقراری دکلهای دیدبانی
- در سایه این طرح فریب بود که به لطف خداوند این طرح با موفقیت روبرو شد.^۲

۱. رستمی، سرتیپ ستاد محمود؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ ص ۴۲۷.

۲. نوشادی، پاسدار؛ پایان‌نامه؛ ص ۱۲ و ۱۳.

ستوانیکم مهربان کاظم‌زاده که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ در گردان ۳۶۸ توپخانه شرکت داشته است در بخشی از خاطرات خود چنین نقل می‌کند:

«... ما قبل از عملیات چند تغییر مکان دادیم و اقدام به ثبت تیر کردیم و کاری انجام دادیم که دشمن را متوجه خود کنیم این کار از نظر حفاظتی صحیح به نظر نمی‌رسید اما بعدها معلوم شد این کار برای جلب توجه دشمن و فریب او بوده است تا شاید دشمن فریب بخورد و نیروهایش را از جای دیگری که محل مورد نظر ماست جابجا کند و خود را آماده حمله از محلی غیر از منطقه اصلی کند.»^۱

نامبرده در جواب این سؤال: آیا چنین واقعه‌ای اتفاق افتاد؟ می‌گوید:

«به لطف و کرم خداوند و درایت و کاردانی همکاران دشمن کاملاً فریب خورد.»

ب - تنوع و کثرت یگان‌ها:

با نگرش به فهرست یگان‌های توپخانه تلاش اصلی و تلاش پشتیبانی پیدا است که نزاجا با شرکت دادن ۲/۳ از ظرفیت آتش خود (۳۴ گردان توپخانه از انواع کالیبرهای مختلف و دو قرارگاه گروه) توان آتش بی‌نظیری را برای این عملیات فراهم نمود، که هیچگاه در جنگ ناخواسته ایران و عراق سابقه نداشت، این اقدام بی‌سابقه آن‌هم در یک منطقه محدود با عرض ۳۰ الی ۴۰ کیلومتر آن چنان مؤثر افتاد که توپخانه‌های دشمن تقریباً در طول عملیات خنثی شدند و پاتک‌های دشمن قبل از رسیدن به خطوط تماس تقریباً کارائی خود را از دست می‌دادند. به باور کارشناسان و فرماندهان نزدیک به جبهه فاو، یگان‌های پاتک کننده دشمن قبل از رسیدن به خطوط درگیری تقریباً ۴۰ الی ۶۰ درصد از توان رزمی خود را به علت حجم آتش و دقت تیر یگان‌های توپخانه از دست می‌دادند، در نتیجه شکست این پاتک‌ها از قبل تضمین شده بود. توجه به پاره‌ای مدارک و گفته‌های متنوع به ما کمک می‌کند که اهمیت پشتیبانی آتش در رزم را به طور عملی درک نمائیم.

در کتابچه تخصصی دانشکده فرماندهی و ستاد که عملیات والفجر ۸ را تحلیل کرده است آمده است:

^۱. نوار مصاحبه شماره ۴.

«از ویژگی‌های عملیات والفجر ۸ آتش زیاد نیروهای خودی بود که با ۳۰ گردان توپخانه انجام می‌شد به طوری که واحدهای عراقی وقتی به پای کار می‌آمدند ۴۰٪ از استعداد خود را از دست می‌دادند.»^۱

و یا در نمونه دیگری از کتاب خرمشهر تا فاو چنین می‌خوانیم:

«حجم و قدرت آتش توپخانه آن چنان کوبنده و اثربخش بود که یکی از فرماندهان خط‌مقدم دشمن زبان به اعتراف می‌گشاید و می‌گوید: وضعیت ما بسیار بد و سخت می‌باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر و تلفات نفراش با شمارش دقیقه افزون‌تر می‌شود، فعلاً در مواضع خود مقاومت می‌کنیم ولی به داد ما برسید.»^۲

و یا در جایی دیگر از قول یک تحلیلگر که عملیات والفجر ۸ را در ارزیابی می‌کند زیر عنوان آتش سنگین توپخانه آمده است:

«در جریان حملات دشمن در محورهای ساحلی و میانی آتش توپخانه، نقش ویژه‌ای را در انهدام و عقب‌زدن نیروهای دشمن داشت زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام‌الرصاص عبور می‌کردند تا خط تماس در فاو زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند. شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب‌وتوان مقاومت را از آنها، سلب می‌کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوری که فرمانده یکی از تیپ‌های دشمن می‌گوید:

“آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک از کار افتاده است، توان رزمی به شدت پایین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می‌باشد. توپخانه‌های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود.”

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتک‌های متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید، به طوری که چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.»^۳

۱. کتابچه تخصصی دافوس؛ ص ۲۵

۲. درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ ص ۲۰۴.

۳. همان؛ ص ۲۰۷.

و یا سرباز عراقی که از نزدیک شاهد آتش پر حجم توپخانه بوده، تحت شرایط مطلوب بازجوئی که نشان دهنده، رعایت اصول بین‌المللی رفتار با زندانیان جنگی^۱ و اخلاق اسلامی مسئول بازجوئی قرارگرفته در جواب سئوالی به بازجو با بذله گوئی می‌گوید:

آقا بارون می‌بارید و بازجو می‌گوید در این چند روز هیچ بارانی نیامده است و اسیر در حالی که دستهایش را به هوا کرده بود گفت: "چرا بارون می‌بارید، اما بارون گلوله که خیلی تندتر از بارون و شاید هم رگبار."

تمام این تحلیل‌ها، نقل قول‌ها و اعترافات نشان می‌دهد که حجم آتش توپخانه نقش ارزنده و تعیین‌کننده‌ای در عملیات فاو داشته و موفقیت چشم‌گیر عبور از رودخانه خروشان اروندرود و تصرف شهر بندری فاو بدون وجود پر صلابت و مقتدر یگان‌های توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر نبوده است و انصاف است قلم‌هایی که در این راستا به تحلیل می‌پردازند از پرسنل فداکار، توانمند و خردمند توپخانه که پیروزی را رقم زده‌اند تمجید نمایند و حداقل در حد خسته نباشید از آنان تقدیر و تشکر گردد.

ج - پیش‌بینی و تهیه مواضع:

نقش استحکامات صحرایی در حفظ و حراست از جان رزمنده به‌عنوان ارزشمندترین عامل میدان جنگ و نگهداری از ابزار و تجهیزات جنگی بر کسی پوشیده نیست، لذا فرماندهان به فراخور زمان، مکان، مأموریت و امکانات در اختیار سعی در ایجاد استحکامات مناسب برای پرسنل و تجهیزات خود می‌نمایند در این میان فرماندهان جوانی بودند که بویژه در سال‌های اول جنگ با برداشت نادرست از اصول حاکم بر میداين جنگ و بی‌توجه به استفاده صحیح از زمین جان خود و پرسنل جمعی را به خطر می‌انداختند و بی‌دلیل ضایعات جبران‌ناپذیری را سبب می‌شدند، اما در نقطه مقابل بودند فرماندهان خردمندی که با به‌کار بستن اصول و آموزشهای کلاسیک در میداين عمل برای خود و دیگران امنیت و سرفرازی جاودانه خلق کردند.^۲

۱. برابر آمارهای منتشره در اردوگاههای نازی در جنگ جهانی دوم از هر ۲۸ نفر اسیر فقط یک نفر زنده می‌ماند و جالب است بدانیم آن یک نفر تنها بدلیل امید به زنده ماندن نجات می‌یافت و نه شرایط زندگی در اردوگاه. نقل چنین آمارهائی و مقایسه شرایط زیست زندانیان جنگی ما در عراق و اسرای عراقی در اردوگاههای جمهوری اسلامی ایران عبرت آموز و افتخار آمیز است.

۲. در یک روز بسیار گرم و سوزان تابستان ۱۳۶۰ و در گرماگرم عملیات مسلم ابن عقیل در محور سومار در غرب کشور از طرف فرماندهی لشکر به عنوان راهنما به گیلانغرب رفتم تا در معیت ریاست محترم جمهوری وقت (شهید بزرگوار رجائی) برای بازدید از خطوط مقدم جبهه باشم. در طول مسیر در چند نوبت با اشاره به چند رزمنده که به طور پراکنده و نامناسب روی جاده در حرکت بودند مرا مورد خطاب قرار دادند، مگر چه خبر شده است که این رزمندگان جوان بدون

یکی از اقدامات بسیار موثر در عملیات والفجر ۸ که پیش از آن هرگز به اجرا در نیامده بود پیش بینی و تهیه مواضع برای یگان های توپخانه بود که به وسیله سپاه پاسداران و با استفاده از امکانات مهندسی جهاد سازندگی انجام شده بود.

این اقدام مثبت از آن جهت اهمیت دارد که زمین منطقه عملیات به علت ارتفاع پست به خصوص در فصل بارندگی اجازه تهیه موضع مناسب برای توپخانه را در زمان کوتاه فراهم نمی نمود، برای مقابله با این شرایط از آبان ماه سال ۱۳۶۴ حداقل یک جاده با عرض ۲۰ متر و طول ۳ کیلومتر که حداقل یک متر از سطح زمین بالاتر باشد تهیه گردید و به جاده آسفالتی اصلی متصل شد، بدین صورت ضمن تسهیل رفت و آمد، امکان اشغال موضع سریع یگان های توپخانه در شرایط اضطراری فراهم گردید، در مصاحبه با پرسنل یگان های توپخانه درگیر با عملیات، معلوم گردید که مواضعی به طول ۲۰۰ متر و پهنای ۲۰ الی ۳۰ متر در خارج از جاده که گنجایش یک آتشبار داشته باشد قبلاً تهیه و تحویل فرماندهان آتشبار گردیده است و این در حالی است که فرماندهان دیگری اشغال موضع روی یک جاده را به طور خطی که مناسب نبوده است تایید می کنند، افزون بر این اقدام به بعضی از آتشبارهای توپخانه سوله های پیش

سرپرست به عقب جبهه می روند، اجازه خواستم سؤال کنم، شاید به علت کمبود وقت اجازه نفرمودند و مسیر را به طرف قرارگاه عملیاتی پیمودیم، در قرارگاه، فرماندهی محترم لشکر (سرکار سرهنگ اسماعیل سهرابی) مقدمات استقبال از ریاست محترم جمهوری را فراهم کرده بودند که به سادگی انجام شد و بعد از توجیه اولیه روی نقشه وضعیت از فرماندهی لشکر خواستند از جبهه بازدید داشته باشند، مقصد دیدگاهی بود که با داشتن امنیت می توانستیم فعالیت نیروهای در خط را هم به طور کامل ببینیم، در طول مسیر متوجه شدم که خودرو پاترول حامل شهید بزرگوار و فرماندهی لشکر متوقف شده است من نیز بلافاصله از خودرو خود پیاده شدم و خود را به آنان رساندم، از یگانی که با سیم خاردار محصور شده بود سؤال کردند یکی از گردانهای تیپ ۵۵ هوایرد بود، علاقمند شدند این گردان را از نزدیک بازدید کنند بر خلاف معمول با ممانعت سرباز نگهبان مواجه شدیم، پس از چند لحظه سرکار استواری با ظاهری بسیار آراسته که از دیدن رئیس جمهور برق در چشمانش می درخشید و دستهایش روی شقیقه از شدت می لرزید، اجازه خواست که فرمانده گردان را از ورود آنان مطلع کند، و بدنبال یک تلفن چند ثانیه ای در حالی که سرکار استوار پیشاپیش خودرو پاترول فرمانده لشکر می دوید، ما را به سنگر فرماندهی گردان رساند، ظاهر کاملاً نظامی فرمانده گردان و چند نفر از افسران ستاد گردان آنچنان نمادین بود که گوئی آنان از ساعتها پیش خود را برای استقبال از رئیس جمهور آماده کرده بودند، در حالی که قبل از همه، شهید بزرگوار می دانستند که بدون برنامه و اطلاع قبلی وارد این یگان آرایش گرفته در خط مقدم جبهه شده اند، به همین انگیزه قبل از هر اقدام و رهنمود دیگری از نظم و انضباطی که فرمانده گردان در محدوده یگان خود ایجاد کرده بودند بسیار خرسند شدند و عملکرد رزمندگان یگان را در سایه مدیریت درست فرماندهی گردان ارزیابی فرمودند و آرزو کردند که تمام نیروهای مسلح از چنین نظم و ترتیبی برخوردار شوند، من که از به وجد آمدن رئیس جمهور محترم تحت تاثیر قرار گرفته بودم در درون خود آرزو کردم ای کاش من هم بتوانم چنین عملکردی از خود نشان دهم و فرمانده گردان را الگو قرار دادم و در مورد او به تفحص پرداختم، و اکنون پس از سال ها به حکم قدرشناسی آنچه را که از او بیاد دارم با رعایت اختصار بیان می کنم.

ساخته به پهنای دو متر که نصب آن فوق العاده ساده و به سرعت امکان پذیر بوده به عنوان سنگر پرسنل تحویل گرفته‌اند که با نصب سریع و ریختن خاک روی آن جان پناه نسبتاً مناسبی برای خود تهیه نموده‌اند، این پیش بینیها در حفظ جان پرسنل و آرامش روحی رزمندگان بسیار اثر مثبتی داشته است و از نظر عملیاتی به آمادگی برای اجرای ماموریت در اسرع وقت کمک شایان نموده ضمن اینکه رعایت اصول حفاظتی برای رسیدن به غافلگیری را امکان پذیر نمود. لازم به ذکر است که آتشبارهای توپخانه قبل از اشغال مواضع اصلی در روزهای قبل از عملیات با توپها و حداقل پرسنل و تجهیزات در دو طرف رودخانه بهمن شیر از آبادان تا نزدیک چوبیده در داخل نخلها به استتار کامل خود مبادرت کردند این اقدام که به منزله مواضع انتظار بودند دارای شرایط خوبی از نظر پوشش و استتار نیز بودند به طوری که وجود آنان از نظر دیدبانان و نیروی هوایی عراق مخفی ماند و به اصل غافلگیری منتهی گردید.

سرتیپ ۲ حسین مهرآرا که به عنوان فرمانده گردان ۳۷۰ توپخانه در عملیات والفجر حضور فعالی داشته است می گوید:

”... ما بدون شناسائی و آگاهی از مواضع جدید از طریق جاده آبادان به چوبیده وارد جزیره آبادان شدیم و به جاده ای رسیدیم که به طور موقت تهیه شده بود و روی این جاده به فواصل معین چندین ”پد“ مهیا شده بود که هر کدام گنجایش یک آتشبار به طور فشرده را داشت جلو پد خاکریزی نه چندان بلند و در پشت پد کانالی به اندازه یک بیل مکانیکی آماده شده بود آتشبارها روی جاده مستقر و پرسنل در کانال مربوطه جای گرفتند.“^۱

در جایی دیگر ستواندوم رحمان میثاقیان در جواب این سؤال که به نظر شما به عنوان یک رئیس توپ با سابقه، عملیات والفجر ۸ با سایر عملیات‌ها چه فرقی داشت؟ گفت:

”یک تفاوت را گفتم، تیراندازی بی حساب و کتاب اما یک فرق دیگری داشت که من هیچگاه ندیده بودم، تهیه مواضع قبل از رسیدن آتشبار، آنها (سپاه پاسداران) تعدادی سنگر و حتی تعدادی سوله زده بودند و با لودر روی آن خاک ریخته بودند به طوری که اگر گلوله هم مستقیم روی آن می خورد چیزی نمی شد.“^۲

۱. ”Pad“ جاده یا راه که در اصطلاح نظامی، موضع کوچک ساخته شده برای استقرار اضطراری هلی کوپتر، توپخانه یا تانک می باشد.

۲. نوار مصاحبه شماره ۱۰.

۳. نوار مصاحبه ۸.

و یا در مدرک پیش گفته شده از قول پاسدار نوشادی می خوانیم:

“برای احداث مواضع و خطوط مواصلاتی طرحی پیشنهاد گردید که شامل احداث جاده‌هایی به عرض ۳۰ متر و طول ۱۰ الی ۱۲ کیلومتر و هم چنین مواضعی (T) شکل به طول ۲۰۰ متر برای استقرار یک آتشبار بود، همچنین جاده‌هایی به پهنای ۲۰ متر به موازات ارون‌درد در چند رده تهیه شده بود که این، جاده آسفالت اصلی را به هم وصل می کرد و تقریباً یک متر از سطح زمین بلندتر بود، این طرح شامل احداث ۳۰ کیلومتر جاده توپخانه و تعریض ۱۶ کیلومتر جاده قدیمی می گردید. همچنین در حاشیه دو طرف رودخانه بهمن شیر از آبادان تا نزدیک چوبیده پدهائی به ابعاد ۲۰ × ۲۰۰ متر با استفاده از استتار و پوشش نخلستان ایجاد گردد. همچنین حدود یک هزار سوله به پهنای ۲ متر که نصب آن فوق العاده آسان و سریع بود که ساخت آن به جهاد سازندگی سفارش داده شده بود تا در مواضع نصب شود کلیه سنگرها و سوله‌های نفرات از چند روز پیش از عملیات توسط نیروهای سپاه نصب شد. شبانه آتشبارهای ارتش و سپاه مواضع خود را به صورت آماده تحویل می گرفتند.”

در رابطه با اشغال موضع یگان‌های توپخانه نکته قابل توجه دیگر این که ترتیبی داده شده بود که آتشبارها به ترتیب تا روز قبل از عملیات وارد منطقه شوند و در غروب شب عملیات اشغال موضع نمایند و تا روز ۶۴/۱۱/۲۰ هیچ گونه موضع توپخانه به شکل اصلی اشغال نگردید و از عصر همان روز با استفاده از تاریکی شب آتشبارها از مواضع انتظار داخل نخلها خارج شده و توسط راهنما به طرف موضع اصلی حرکت و اشغال موضع نمودند، این تدبیر در راستای رعایت اصل غافلگیری اتخاذ شده بود که بسیار هم موثر افتاد.

د- رعایت اصول حفاظتی

پیش دیوار آنچه گوئی هوش دار
تا نباشد در پس دیوار گوش
در سخن با دوستان آهسته باش
تا ندارد دشمن خونخوار گوش
عدم رعایت اصول حفاظتی و بازگو کردن اطلاعات مربوط به جبهه و جنگ در سطح جامعه را می توان به عنوان یک نکته تاریک و عادت ناپسند برای رزمندگان یاد کرد که به دلیل عدم آموزش کافی و یا در پاره ای موارد با تفکر نادرست مردمی بودن جنگ انجام می گرفت که از این بابت آسیبهای مادی و معنوی بسیاری را متحمل شدیم.

گزاره ناخوشایند: “آگاه شدن بقال سرکوپه از عملیات‌ها قبل از پرسنل در گیر در عملیات که بر سر زبانها بود. نه به علت افشای اطلاعات از روی عمد، بلکه به علت کم اهمیت دانستن

اطلاعات بازگوشده و هم چنین فرهنگ خود بزرگ کردن و خود مهم جلوه دادن و شوق وشور حمله و هیجان پیروزی آینده است که در بیشتر موارد از روی عادت انجام می گیرد، رزمندگان ناخواسته می خواستند بگویند ما در جبهه بیکار ننشسته ایم بلکه به زودی بر دشمن می تازیم و برای اثبات گفته های خود به طور معمول و بدون اراده به بازگو کردن دانسته های ناقص خود می پرداختند و البته دشمن آموزش دیده از این فرهنگ نادرست به خوبی بهره برداری می کرد و ما شاهد وارد آمدن تلفات و خسارات قبل از شروع عملیات ها بودیم جالب است بدانیم وسائل ارتباط جمعی هم در این میان ناخودآگاه اطلاعاتی را در سطح وسیع افشا می کردند که بی تردید سبب بهره برداری دشمن قرار می گرفت و این در حالیست که در اکثر کشورهای جهان در زمان بحران با اعلان حالت فوق العاده وسائل ارتباط جمعی را موظف می کنند، نوشته ها، فیلمها، خبرها و به طور کلی اطلاعات خود را قبل از پخش با ارتش هماهنگ کنند و این کار بایسته ایست که در جنگ ناخواسته کمتر به اجرا درآمد و شاید معتقد بودیم که باید سخاوتمندتر از آن باشیم که اطلاعات را فقط برای خود داشته باشیم؟!

به عنوان نمونه: در یک کار تخصصی در قرارگاه غرب کارشناسان اطلاعاتی از بررسی چند شماره یک روز نامه معروف به ۲۰۰ مورد نقص آشکار اصول حفاظتی پی بردند که به دشمن کمک می کرد، ما را بهتر بشناسد این اطلاعات در ظاهر کم اهمیت در مجموع منبع گران بهائی برای دشمن بودند، این اطلاعات شامل: مبدأ نیرو، مسیر نیرو، مقصد و هدف نیرو، تعداد نیرو، ترکیب نیرو، استعداد نیرو، محل تجمع نیرو، نکات ضعف و قوت، تجهیزات، آموزش، مشخصات فرماندهان، وسائل حمل و نقل، امکانات و کمبودها بودند که در لابلائی روزنامه ها دیده می شدند و از همه مهمتر در پاره ای موارد عملیاتی خاص از روی نقشه وضعیت به صورت تصویری تشریح و از تلویزیون پخش می گردید. اما در این آشفته بازار حفاظتی، رعایت کامل اصول حفاظتی و اطلاعاتی به عنوان یکی از ویژگی های مثبت در عملیات والفجر ۸ مورد توجه طراحان و اجرا کنندگان این عملیات قرار گرفت.

این اقدام شایسته و قابل تقدیر و شاید کم نظیر مورد تأیید اکثر کسانی است که در این رابطه مورد پرسش قرار گرفته اند. این مهم آن چنان به اجرا درآمد که دشمن هرگز فکر نمی کرد، نیروهای ایرانی قصد دارند از اروند بگذرند و به شهر فاو حمله کنند و لذا منطقه عملیات را جای دیگری پیش بینی کردند. اظهار نظر فرماندهان ارتش عراق که در صفحه ۳۸ و ۳۹ نقل گردیده است شاهد خوبی برای به اثبات رساندن این ادعا می باشد.

سرتیپ ۲ ستاد حسین مهرآرا که تمام سال‌های جنگ را در جبهه‌های حق علیه باطل^۱ و در مشاغل مختلف فرماندهی و ستاد در لشکر ۷۷ پیاده گذرانده، در ویژگی عملیات والفجر نسبت به سایر عملیات‌ها می‌گوید:

“ اولین ویژگی عملیات والفجر ۸ نسبت به عملیات‌هایی مانند ثامن الائمه و فتح‌المبین که من در آنها شرکت مستقیم داشتم، رعایت کامل اصول حفاظتی در مخفی ماندن عملیات تا آغاز عملیات بود. که در نوع خود بی‌نظیر بود به طوری که هیچ یک از مقامات عراق جز یک ژنرال عراقی، احتمال حمله و عبور از ارونند را نمی‌دادند، تمام این تمهیدات سبب شد که تا مادامی که غواصان سپاه پاسداران از رودخانه خروجشان ارونند عبور نکردند، کسی به هدف عملیات پی نبرد و عملیات مخفی ماند، انجام عملیات فریب تاکتیکی در منطقه شلمچه در مخفی ماندن هدف عملیات و رسیدن به موفقیت بسیار کارساز بود، در هر حال ارتش عراق در این عملیات کاملاً غافلگیر شده بود و هیچگونه آمادگی برای برخورد با رزمندگان را نداشت و اصولاً تصور حمله را از این جبهه نمی‌کردند.”^۲

۱. گر چه گزاره بسیار معروف “جنگ حق علیه باطل” در شرایط بحرانی آنقدر تکرار شده است که امروزه به صورت عادت به جا و نابجا در هر نوشته و یا مصاحبه ای بیان می‌گردد، اما به درستی این عنوان با الگوهای رفتاری رهبران جنگ در ایران و عراق قابل توجیه می‌باشد.

در جبهه حق هرگاه فرماندهان در هدایت جنگ به بن بست می‌رسیدند و راه کار مناسبی برای خروج از بن بست نمی‌یافتند و یا بر سر راه کاری به اتفاق نظر نمی‌رسیدند راه خروج از بن بست را مراجعه به حضرت امام خمینی (ره) و مشورت با ایشان تشخیص می‌دادند، در یکی از این مراجعات که گویا برای رسیدن به تصمیمی واحد بین فرماندهان سپاه و ارتش بوده است، شهید سپهبد صیاد شیرازی می‌گویند: حضرت امام خمینی با گذاشتن دست من و دست آقای رضایی از ما خواستند، ید واحد باشیم. مقایسه این پندار پسندیده با رهبری صدام در جبهه باطل بسیار آموزنده است، زیرا پس از آزاد سازی خرمشهر، رهبر کبیر انقلاب به دلیل این که صدام را مسئول این جنگ می‌دانست خواهان عزل او می‌شود و صدام حسین در فروردین ۱۳۶۱ در جلسه هیأت دولت عراق چنین مطرح می‌کند، «به نظر می‌رسد منظور (آیت الله) خمینی این است که اگر من استعفا کنم صلح برقرار می‌شود، شاید حق با او باشد» این ترفندی بود که بارها صدام بدان متوسل شده بود تا به وسیله آن مخالفان بالقوه خود را در دستگاه دولتی شناسائی کند، حقه صدام کار خود را کرد. ریاض ابراهیم، وزیر بهداشتی در پاسخ صدام گفت:

«شاید اگر عالیجناب چند ماهی کنار بمانید، ما بتوانیم حرف ایرانی‌ها را محک بزنیم» صدام در پاسخ گفت: فکر خوبی است و باید به تفصیل درباره آن بحث کنیم، صدام به دفتر خود رفت و وزیر بهداشتی را به آنجا فرا خواند، لحظه ای بعد اعضای کابینه صدای گلوله ای را شنیدند، صدام به جلسه هیأت دولت بازگشت و به محافظان مسلح خود دستور داد جسد ریاض ابراهیم را بیرون ببرند، چند روز بعد خبر اعدام وزیر تیره بخت در بغداد پخش شد، علت مرگ او را وارد کردن داروهای بد و آلوده و کشتن سربازان دلاور عراق ذکر کردند. (سوداگری مرگ؛ ص ۲۳۴ و ۲۳۵)

۲. نوار مصاحبه شماره ۱۰.

هـ- پشتیبانی‌های مناسب (در ابتدا)

آماد مهمات

به مصداق « آفتاب آمد دلیل آفتاب » آنچه به دنبال خواهد آمد دلیلی برای جدا کردن آماد مهمات از سایر آمادها فرض نمائید.

آمار مهمات مصرفی: با وجود تلاش و مراجعات مکرر به مبادی مربوط بدلیل گذشت زمان و از بین بردن مدارک نتوانستیم آمار دقیقی از حجم مهمات مصرفی را تعیین کنیم، اما با مراجعه به بعضی مدارک موجود و مصاحبه با فرماندهان یگان‌های توپخانه می‌توان به رقمی نزدیک به تعداد گلوله‌های که مصرف شده است رسید.

گرچه روز آماد مهمات در عملیات والفجر ۸ هرگز به یگان‌های توپخانه ابلاغ نگردید اما برابر مدرک موجود در دانشکده فرماندهی و ستاد (پایان نامه سرهنگ پاسدار نوشادی) این مهم به وسیله مسئولان توپخانه سپاه به شرح زیر تعیین شده بود.^۱

روز آماد مهمات برای بیست روز اول عملیات والفجر ۸

تعداد	کالبر
۱۰۰ گلوله	۱۰۵ میلیمتری
۲۰ //	۱۲۲ میلیمتری
۴۰ //	۱۳۰ میلیمتری
۴۰ //	۱۵۲ میلیمتری
۱۰۰ //	۱۵۵ میلیمتری
۳۰ //	۲۰۳ میلیمتری
۱۲۰ موشک	کاتیوشا

از طرفی در همان مدرک پیش گفته شده، مهمات مصرف شده در عملیات والفجر ۸ برای مدت ۷۰ روز (از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۵/۲/۱) یعنی از شروع عملیات تا تثبیت خطوط پدافند برابر جداول ۲ و ۳، صفحه ۱۷۱ و ۱۷۲ در مجموع ۵۵۵۰۱۴ گلوله اعلام گردیده است که بسیار کمتر از روز آماد مهمات می‌باشد. در صورتی که اگر یگان‌های توپخانه ارتش فقط در حد مجاز تعیین شده اقدام به تیراندازی کرده باشند و مهمات در همین حد پیش بینی و تحویل

۱. نوشادی، پاسدار؛ پایان‌نامه؛ ص ۱۲ و ۱۳.

شده باشد، مجموع گلوله‌های مجاز برای تیراندازی ۱۶۲۸۲۰۰ گلوله می شود که در حد سه برابر میزان اعلام شده به وسیله سرهنگ پاسدار نوشادی است و این در حالیست که جدول ۱ و ۲ و ۳ مجموع مهمات مصرف شده به وسیله توپخانه‌های سپاه و ارتش را نشان می دهد در حالی که جدول شماره ۴ فقط مربوط به توپخانه‌های ارتش می‌باشد.

برای کسب آمار دقیق از مهمات مصرفی و یا حداقل نزدیک به واقعیت به مدیریت آماد مهمات معاونت لجستیکی نزاجا مراجعه و از این طریق مهمات تحویلی به یگان‌های توپخانه نزاجا در جنوب را برابر جدول شماره ۵ اعلام گردید.

گرچه در جدول شماره ۵ نام یگان‌های دریافت کننده مهمات مشخص نشده است اما با نگرش به این که بیشتر توپخانه‌های مستقر در جنوب برای پشتیبانی آتش از عملیات والفجر ۸ اعزام شده‌اند و باقی مانده توپخانه‌ها در فاصله زمانی یاد شده در جدول شماره ۵ فعالیت قابل ملاحظه ای نداشته‌اند، می‌توان با قبول چند درصد خطا همین مقدار را به عنوان مهمات مصرفی در عملیات منظور کرد که البته این یگان‌ها قبل از اعزام مقداری مهمات بیش از بار مینا را همراه داشته‌اند که با همان چند درصد خطا برابری می‌کند،

جالب است بدانیم اظهار نظر شفاهی بعضی از فرماندهان که نسبت به دیگران از آگاهی قوی‌تری برخوردار هستند و همچنین گزارش کتبی بعضی از یگان‌ها، آمار مصرفی را در حد آمار ارائه شده به وسیله معاونت لجستیکی می دانند به عنوان مثال گزارش گروه ۳۳ توپخانه نشان می‌دهد که گردان‌های ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۷۲ به ترتیب ۹۰۰۰ گلوله، ۱۲۰۰۰ گلوله و ۶۶۰۰ موشک تیراندازی کرده‌اند.

با پذیرش چند درصد خطا (حداکثر ۵ درصد) همان جدول شماره ۵ را مبنای محاسبات خود برای بدست آوردن تناژ مهمات مصرفی در عملیات والفجر ۸ و در نهایت تعداد خودروهای مورد نیاز قرار می دهیم که حاصل این محاسبات در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۱: آمار مهمات مصرفی ماه اول عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۲/۱۹

ردیف	نوع جنگ افزار	یک عملیات	دو عملیات	سه عملیات	چهار عملیات	پنج عملیات	شش عملیات	جمع یک ماه
۱	هوتیزر ۱۰۵ م.م	۱۷۴۳۷	۱۴۴۶۴	۸۸۳۶	۶۳۶۰	۱۰۴۹۶	۱۲۹۲۷	۷۰۵۲۰
۲	هوتیزر ۱۲۲ م.م	۹۵۲۱	۱۵۸۸	۵۴۷	۹۱۱	۱۸۳۹	۲۱۳۵	۱۶۵۶۳
۳	توپ ۱۳۰ م.م	۲۵۲۱۲	۱۵۴۵۷	۱۰۱۵۰	۹۴۲۷	۱۲۹۴۳	۱۰۱۲۴	۸۴۱۱۴
۴	هوتیزر ۱۵۲ م.م	۱۵۴۴	۹۵۲	۱۰۵۵	۱۰۷۷	۵۸۹	۸۱	۵۲۹۸
۵	هوتیزر ۱۵۵ م.م	۱۴۵۰۹	۱۵۲۸۸۸	۶۷۴۸	۸۹۸۶	۱۲۳۰۵	۱۴۵۶۳	۷۲۴۴۶
۶	هوتیزر ۲۰۳ م.م	۱۱۸۸	۲۴۵۱	۹۲۰۲	۲۷۷۳	۲۰۹۵	۲۱۲۷	۱۲۹۳۶
۷	کاتیوشا	۸۸۵۰	۸۰۸۲	۵۲۴۹	۴۷۶۸	۷۴۳۹	۶۷۰۹	۳۰۱۹۴
جمع کل پنج روز		۷۸۳۰۲	۵۷۳۲۴	۳۵۷۳۵	۳۴۳۰۲	۴۷۶۸۱	۴۸۶۶۲	—
جمع کل یک ماهه: ۳۰۲۲۰۵								

جدول شماره ۲: آمار مهمات مصرفی ماه دوم عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۶۴/۱۲/۲۰ الی ۶۵/۱/۱۹

ردیف	نوع جنگ افزار	۵ روز هفت عملیات	۵روز هشتم عملیات	۵ روز نُه عملیات	۵ ده عملیات	۵ روز یازده عملیات	۵ روز دوازده عملیات	جمع یک ماه
۱	هوتیزر ۱۰۵م.م	۱۵۷۰۰	۱۳۲۱۶	۷۴۸۹	۱۱۱۲۲	۵۴۰۷	۴۶۳۳	۵۷۵۶۷
۲	هوتیزر ۱۲۲م.م	۱۸۵۶	۲۰۶۴	۱۲۹۳	۱۵۷۱	۱۰۱۲	۶۸۹	۸۴۸۵
۳	توپ ۱۳۰ م.م	۱۲۱۵۹	۷۷۴۵	۳۲۸۷	۶۰۳۵	۲۹۶۲	۴۳۹۲	۳۶۵۸۱
۴	هوتیزر ۱۵۲م.م	۱۵۴	۴۵۰	۶۴	۵۳۰	۵۰۹	۱۶۲	۱۸۶۵
۵	هوتیزر ۲۰۳م.م	۲۳۴۴	۱۸۸۳	۶۵۷	۱۴۹۲	۷۸۳	۱۲۶۹	۸۴۲۸
۶	هوتیزر ۱۵۵م.م	۱۴۶۷۲	۱۲۴۹۴	۷۲۹۴	۸۲۲۷	۶۰۴۱	۳۲۰۸	۵۱۹۳۵
۷	کاتیوشا	۵۶۱۳	۷۵۱۳	۳۳۸۵	۶۰۵۸	۴۶۷۳	۵۱۰۶	۳۲۳۵۱
جمع کل پنج روز								
		۵۲۴۹۸	۴۵۳۶۵	۲۳۴۷۲	۳۵۰۳۵	۲۱۳۸۸	۱۹۴۵۹	—
						جمع کل یک ماهه: ۱۹۷۲۱۷		

جدول شماره ۳: آمار مهمات مصرفی ماه سوم عملیات والفجر ۸ از تاریخ ۶۵/۱/۲۰ الی ۶۵/۱/۳۰ (پایان عملیات)

ردیف	نوع جنگ افزار	۵روز سیزده عملیات	۵روز چهارده عملیات	جمع یک ماه
۱	هوتیزر ۱۰۵ م.م	۵۴۲۶	۷۴۳۸	۱۲۵۶۴
۲	هوتیزر ۱۲۲ م.م	۱۱۶۶	۱۲۷۲	۲۴۳۸
۳	توپ ۱۳۰ م.م	۴۰۵۸	۲۳۴۹۹	۲۷۵۵۷
۴	هوتیزر ۱۵۲ م.م	۳۸۶	۸۷۴	۱۲۶۰
۵	هوتیزر ۱۵۵ م.م	۶۹۳۴	۸۹۸۷	۱۵۹۲۱
۶	هوتیزر ۲۰۳ م.م	۹۰۵	۱۱۴۶	۲۰۵۱
۷	کاتیوشا	۵۰۷۷	۶۶۲۳	۱۱۷۰۰
جمع کل پنج روز		۲۳۹۵۳	۳۱۸۳۱	
تعداد گلوله های مصرفی در عملیات والفجر ۸: ۵۵۵۰۱۴				
جمع کل یک ماهه ۵۵۷۸۳				

جدول شماره ۴: شرح مهمات مصرفی برابر روز آماد و و تعداد لوله‌های شرکت کننده در عملیات

ردیف	نوع مهمات	تعداد لوله	روز آماد	مدت	جمع
۱	۱۰۵ م.م	۶۶	۱۰۰	۷۰	۴۶۲۰۰۰۰
۲	۱۲۲ م.م کاتیوشا	۱۶	۱۲۰	۷۰	۱۵۴۴۰۰
۳	۱۳۰ م.م	۷۸	۴۰	۷۰	۲۱۸۴۰۰
۴	۲۰۳ م.م	۲۴	۳۰	۷۰	۵۰۴۰۰
۵	۱۵۵ م ک و خ ک	۱۲۵	۱۰۰۰	۷۰	۸۷۵۰۰۰
جمع					۱۶۲۸۲۰۰

جدول شماره ۵: شرح مهمات تحویلی به یگان‌های مستقر در جنوب از تاریخ ۶۴/۱۰/۱ الی ۶۵/۶/۱

ردیف	شرح مهمات	تعداد	ملاحظات
۱	مهمات ۱۰۵ م.م شدید هوتیزر	۳۸۴۰۶۳ تیر	
۲	راکت ۱۰۷ م.م شدید	۴۴۸۲۶ تیر	
۳	مهمات ۱۱۵ م.م تانک تی ۶۲ و چون ماهو	۱۵۰۰ تیر	
۴	راکت ۱۲۲ م.م کاتیوشا	۴۱۷۲۹ تیر	
۵	مهمات ۱۳۰ م.م شدید	۱۲۷۶۸۶ تیر	
۶	مهمات ۲۰۳ م.م شدید	۳۶۸۸۴ تیر	
۷	مهمات ۱۵۵ م.م شدید	۴۲۲۵۵۴ تیر	

دستاویرهای آموزشی / ۳۴۱

جمع	۱۰۱۲۹۱۴ تیر	

آمار فوق به استناد کارتهای کنترل موجودی ف مهم آماد و پیش استخراج و ارائه گردیده است و در تاریخ ۸۱/۸/۲۱ توسط سرهنگ رستمیان تحویل شد.

جدول شماره ۶: وزن مهمات مصرفی

سلاح	تعداد	وزن با احتساب جعبه و خرج	وزن کل	تعداد خودرو مورد نیاز
هوتیزر ۱۰۵ م.م	۳۸۴۰۶۳	۳۰	۱۱۵۲۱۸۹۰	۲۵۰۰
موشک انداز ۱۲۲ م.م	۴۱۷۲۹	۵۰	۲۰۸۶۴۵۰	۴۰۰
توپ ۱۳۰ م.م	۱۲۷/۶۸۶	۵۰	۶۳۹۴۳۰۰	۱۲۰۰
هوتیزر ۲۰۳ م.م	۳۶۸۸۴	۱۰۰	۳۶۸۸۴۰۰	۷۳۰۰
هوتیزر ۱۵۵ م.م	۴۲۲۵۵۴	۵۰	۲۱۱۲۷۷۰۰	۴۲۰۰
جمع کل				۱۵۶۰۰

تذکر: اگر تمام این مهمات با خودروهای ۵ تن حمل شده باشد در تعداد خودرو مورد نیاز (۱۵۶۰۰) می شود که البته در بسیاری از موارد با خودروهای سبک تر به خصوص در داخل جزیره آبادان و منطقه فاو حمل شده اند.

تدارک مهمات

به دلیل حجم بالای آتش در عملیات والفجر ۸، تدارک مهمات رقم عمده پشتیبانیهای آمادی را سبب گردید، مهیا کردن این مقدار مهمات با توجه به وزن و دوری آمادگاههای اصلی و شرائط آبی خاکی منطقه بسیار دشوار و تا حدی غیر ممکن به نظر می رسید اما فرماندهان گردانهای توپخانه با وجود اینکه به طور عملی کنار گذاشته شده بودند و حتی برای رفت و آمد آنها مشکلاتی ایجاد شده بود، با احساس مسئولیت و درک صحیح از موقعیت و شرائط پیش آمده و توجه به اهمیت سیاسی، نظامی منطقه فاو و به طور کلی سرنوشت جنگ تلاش نمودند که به وظائف سازمانی خود عمل نمایند و بویژه در تدارک مهمات به عنوان اصلی ترین نیاز آتشبارهای تیر وقفه ای ایجاد نگردد و به هر طریق و با هر وسیله ممکن، مهمات یگانها را در جزیره آبادان و در پاره ای از یگانها در مواضع آتشبارها تحویل نمایند.

تدارک مهمات از آنجا مهم جلوه گر بود که در ۱۰ روز اول عملیات که آتشبارهای تیر در اوج تیراندازی بودند، پلهای سه گانه روی بهمن شیر چندین بار به وسیله هواپیماهای دشمن بمباران و تخریب گردید که شاید به گمان دشمن، در آماد رسانی یگانها تأخیر و نارسائی ایجاد گردد که در هر مورد با تلاش یگانهای مهندسی و با استفاده از پلهای آماده در کوتاه ترین زمان پلها مرمت و رفت و آمد برقرار گردید و آماد رسانی میسر گردید، سردار حسین علایی (فرمانده قرارگاه نوح) می نویسد:

"ارتش عراق در این روزها با هواپیماهای جنگی خود، تمام پل های احداث شده بر روی رودخانه بهمنشیر و اروندرود و نیز مراکز پشتیبانی یگانها را بطور مرتب مورد حملات و بمباران های هوایی قرار می داد."^۱

لازم است بدانیم آماد رسانی مهمات مزید بر آمادگاههای موجود داخلی از منابع خارجی با دیپلماسی قوی همزمان با ادامه عملیات انجام گرفت که اقدامی اساسی و بااهمیتی بود. در این رابطه فرماندهی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) می نویسد:

"... برای تامین مهمات کافی، یک محموله ۵ هزار تنی انواع مهمات توپخانه از چین خریداری شده بود که در روزهای پایانی عملیات به ایران رسید. وزارت سپاه در روز پنجاه و هفتم عملیات مجبور شد به صورت اضطراری نیز هزار تن انواع مهمات توپخانه را از

سوریه بخرد و با هواپیماهای بوئینگ ۷۴۷ (نیروی هوایی) و از طریق آسمان شوروی سابق وارد کشور کند تا مهمات خریداری شده از چین برسد.^۱ شرح کامل نقل قول آقای رفسنجانی را از زبان وزیر وقت سپاه (محسن رفیق دوست) شنیدنی است:

"در پنجاه و هفتمین روز عملیات، که طبق قرار می بایست سه روز دیگر به تثبیت می رسیدیم، در یکی از سنگرها خوابیده بودم. آمدند و گفتند که فرمانده سپاه با شما کار دارد. محسن رضایی و شفیع زاده نشسته بودند و هر دو رنگشان پریده بود. پرسیدم: «چه شده برادر رضایی؟» اشاره به شفیع زاده کرد و گفت: «ببینید ایشان چه می گوید.» شفیع زاده گفت: «شما برای بیست روز آفند و چهل روز پدافند به ما مهمات داده بودید. من تا الان دارم با نرخ آفند شلیک می کنم. اگر با این آهنگ شلیک بکنم. تا چهل و هشت ساعت دیگر تمام می شود. چه کار کنم؟»

مهماتی که می گفت تمام می شود عبارت بود از موشک کاتیوشا و چهار رقم گلوله توپ بود. من یک پارتی از این مهمات را از چین خریده بودم و یک کشتی سی و پنج هزار تنی قاعدتاً باید تا قبل از عملیات از چین می رسید. ولی هنوز نرسیده بود و ارتباط رادیویی ما با کشتی قطع بود. این که عمدی بود یا سهوی وارد این بحث نمی شوم. به خدا توکل کردم و به شفیع زاده گفتم «بلند شو برو با همان آهنگ شلیک کن.» تا این را گفتم، آقای رضایی گفت حاج محسن، می دانی چه می گویی؟ توپ ۱۲۲ خط دشمن را می زند. گفتم: «تا حالا فهمیدید از کجا آمده؟ کی آمده و چطور آمده من به شما می گویم شلیک کنید.»

به سنگر مخابرات رفتم و تلفن سپهبد مصطفی طلاس وزیر دفاع سوریه را گرفتم. بعد از سلام و احوال پرسی گفتم که من هزار تن چنین مهماتی را می خواهم سه ساعت دیگر هم هواپیماهای ما در فرودگاه دمشق می نشیند باید به ما بدهی. گفت: «این مهمات از مهماتی نیست که وزارت دفاع می سازد، اینها خریدنی و در اختیار ستاد ارتش است. به حکمت شهابی زنگ بزن»

حکمت شهابی رئیس ارتش و بر عکس طلاس که خیلی شوخ طبع بود، آدمی جدی با دیسپلین نظامی بود. گفت: «من باید از رئیس حافظ اسد اجازه بگیرم که این مهمات را به شما قرض بدهیم. الان هم که شب است و نمی شود.» به شهابی گفتم که

زمان حرکت ما حیاتی است و از او خواهش کردم که معطل نکند و شبانه پیش حافظ اسد برود و اجازه بگیرد. گفتم: «من الان هواپیما را می فرستم و دو ساعت دیگر به شما زنگ می زنم.» بعد هم معطل نکردم از همانجا زنگ زدم به آقای [محمد] سعیدی کیا وزیر راه گفتم: «همه هواپیماهای باری تان را آماده بکنید. از هواپیماهای باری ارتش هم خواهش می کنم با شما هماهنگ بشوند اجازه اش را هم می گیرم که هر دو ساعت یک هواپیما به دمشق برود و در برگشت در اهواز یا امیدیه بنشیند.» سعیدی کیا گفت: چشم و خودش شبانه با هواپیمای فالکون به جبهه آمد. ساعت نه شب به آقای ولایتی، وزیر امور خارجه، زنگ زدم و گفتم: «آقای ولایتی الان ماشین بفرستید به سفارت شوروی و سفیر را به وزارت امور خارجه بیاورید. بغل میزتان بنشانید. و اجازه ده پرواز را از روی خاک شوروی برای دمشق بگیرید.»

نمی شد از ترکیه رفت. چون ممکن بود در مثلث مرزی ما را بزنند. به مرحوم شهید ستاری زنگ زدم که هواپیمای باری تان را در اختیار ما بگذارید. صبح روز بعد با همان فالکون که سعیدی کیا با آن آمده بود به دمشق رفتم آنجا کارها را سازمان دادم، اولین هواپیما را بارگیری کردم و برگشتم در کمتر از سی و شش ساعت، ده پرواز به دمشق انجام دادیم و پای قبضه های توپ هایمان مهمات گذاشتیم تا اینکه کشتی رسید و مشکل حل شد.^۱

رئیس رکن چهارم گردان ۳۹۹ توپخانه (سرهنگ مرتضی سیستانی) در این رابطه چنین اظهار نظر می کند:

«... چون گردان در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران عمل می کرد، سعی بر این بود مشکلات را نادیده بگیریم و به درخواست آتش بدون وقفه جواب دهیم مهمات با درخواست گردان و امریه قرارگاه جنوب از ماهشهر و حتی نقطه آماد باباعباس، خرم آباد آورده می شد ما به هر کجا می توانستیم مراجعه می کردیم و مهمات تهیه می کردیم با این هدف که معطل مهمات نشویم، یک روز ۴۰۰ جعبه مهمات از آمادگاه باباعباس گرفتیم، در هنگام برگشت با تخریب تمام پلها روی بهمنشیر مواجه شدم، پلهای ایستگاه ۷ و ۱۲ و ۳۷ تخریب شده بودند و تنها یک پل که آن هم داخل آب بود، برای رفت و آمد آماده بود، من و سربازی به نام سبزه پور مجبور شدیم، این ۴۰۰ جعبه را با

یک دستگاه تویوتا (هر بار ۱۰ جعبه) به مواضع برسانیم در شرایطی که منطقه زیر آتش توپخانه و حمله هوایی قرار داشت ۴۰ بار از پل گذشتیم و مهمات را به آتشبارها تحویل دادیم.^{۱۱}

با توجه به جدول شماره ۶ که وزن و تعداد خودروهای مورد نیاز را نشان می‌دهد تدارک این حجم از مهمات که ۳/۴ آن در یک ماهه اول عملیات انجام گرفت کاریست که پرسنل تدارکاتی گردان‌های توپخانه با استفاده از امکانات ضعیف سازمانی و بیشتر از طریق رابطه با مراکزی که امکانات مردمی را در اختیار داشتند به انجام رساندند پرسنلی که با اشکال تردد مواجه بودند لازم به ذکر است در این عملیات به دلیل رعایت اصول حفاظتی برای پرسنل مجاز به رفت و آمد کارتهای ویژه‌ای صادر شده بود که هر از چندگاه عوض می‌شد، متأسفانه صدور این کارتها فقط برای پرسنل آتشبارهای تیر انجام گرفت و فرماندهان گردان و پرسنل ستادی گردان از داشتن چنین کارتهایی محروم بودند، در نتیجه برای عناصر تدارکاتی و ستادی موانع عمده‌ای در تردد و انجام وظیفه ایجاد شده بود.

سایر پشتیبانی‌ها

می‌دانیم آتشبار ارکان گردان‌های توپخانه به طور سازمانی مسئولیت انواع پشتیبانی آمادی آتشبارهای تیر را به عهده دارد اما برابر آنچه گفته شد ستاد و آتشبار ارکان گردان‌های توپخانه به طور عملی به کار گرفته نشدند و آتشبارهای تیر به طور مستقل مورد بهره برداری تاکتیکی قرار گرفتند و چون آتشبارهای تیر امکان تدارک خود را برای مدت طولانی ندارند، در نتیجه چاره‌ای جز استفاده از امکانات جهادی و مردمی نداشتند. یگان پشتیبانی شونده (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) چون خود چنین شرایطی را رقم زده بود در ایجاد هماهنگی برای استفاده به موقع و مناسب از این امکانات، مسئولیت خود را به خوبی تشخیص و به اجرا گذاشت تا جایی که در یک ماه اول عملیات هیچگونه نارسائی و کمبودی گزارش نگردید. و در بیشتر موارد آتشبارهای تیر فارغ از هر گونه دغدغه تدارکاتی فقط به کار عملیاتی می‌پرداختند، برابر اظهار نظر بسیاری از شرکت کنندگان در عملیات والفجر ۸ پس از این که یگان‌های توپخانه در کنترل عملیاتی قرار می‌گرفتند، با استفاده از وسایل ترابری مناسب و کافی به جزیره آبادان نقل مکان می‌کردند و پس از پیاده شدن، برای تهیه مواضع انتظار با هماهنگی رابطین توپخانه سپاه پاسداران از طریق جهاد سازندگی و وسائل مهندسی سنگین

دریافت می کردند و در پاره ای موارد مواضعی قبلاً برای آنها آماده شده بود. سپس به طور پیش بینی شده، نسبت به تدارک آب، سوخت و جیره غذایی اقدام می گردید. خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از بیمارستانهایی که برای کمک به رزمندگان مجهز شده بودند انجام می گرفت در این میان استفاده از کمک های مردمی و نقش ایستگاههای نمادین صلواتی در تدارک رزمندگان مثبت ارزیابی شده است، گفتنی است که ایستگاههای صلواتی صرفنظر از نقش تدارکاتی محدود خود، بیشتر از نظر فرهنگی و حفظ روحیه و ایجاد تفاهم ملی موثر واقع می شدند. البته بیشتر فرماندهان و افسران ستاد گردان ها هیچ گاه به طور کامل از ایفای نقش هدایت ستادی خود سرباز نزدند و موانع موجود را با احساس مسئولیت پشت سر می گذاشتند و با بازدیدهای گاه به گاه در فراهم کردن زمینه تدارکات لازم به خصوص آن دسته از تدارکاتی که سپاه پاسداران قادر به انجام آن نبود، اقدام می کردند که می توان به تدارک مهمات و پشتیبانیهای تعمیراتی اشاره کرد.

بازگو کردن گفته های چند نفر از پرسش شوندگان ما را در بیان اهمیت کاری که انجام گرفته است یاری می کند.

سرهنک حسین گودرزی (فرمانده آتشبار وقت) می گوید:

"در تاریخ ۶۴/۱۱/۱۹ راهنماهای توپخانه همراه با فرمانده لشکر (لشکر امام حسین ع) آمدند و با هم برای شناسایی موضع آتشبار به منطقه مینو می رفتیم، موضع را تعیین و بلافاصله لودر و سوله (آماده) برای تهیه سنگر نفرات و مواضع توپها به من دادند.^۱"

منصور لروند معاون آتشبار وقت گردان ۳۶۴ توپخانه می گوید:

"در فاو امکانات بسیاری فراهم شده بود که به هیچ وجه با امکاناتی که ارتش تهیه می دید قابل مقایسه نبود و در مورد مسائل رفاهی خوشبختانه همه چیز بود و ایستگاههای صلواتی فراوانی بودند که نوشابه، غذا، شیرینی و حتی حمام و... را فقط با فرستادن صلوات به رزمندگان خدمات می دادند.

به طور کلی در شهر فاو مانند یکی از شهرهای ایران امکانات فراهم شده بود و به نوبت شهرداران تهران با کارگران شهرداری می آمدند و خدمات شهری فراهم می نمودند به عنوان مثال بیمارستانی ساخته بودند که در کمتر شهری در ایران وجود

داشت بیمارستان با کلیه امکانات پزشکی و پزشکان متخصص و فوق تخصص که کلیه خدمات پزشکی را به عموم ارائه می دادند.

نمونه دیگر این که یک حمام بسیار شیک ساخته شده بود که پیرمردی با خوشروئی به مراجعه کنندگان خیر مقدم می گفت و با دادن یک بسته شامل (حوله، صابون، شامپو، شانه، خمیردندان و...) از شما می خواست یک صلوات بفرستی و سپس یک دوش در اختیار شما می گذاشت.

از نظر جیره روزانه، وضعیت بسیار رضایت بخش بود، به طوری که یگان‌های مستقر در منطقه با هم رقابت می کردند که از غذای آنان که بسیار هم مطلوب بود، استفاده کنیم.

به طور متوسط هفته ای دو یا سه بار چلوکباب یا چلو مرغ داده می شد و آب به صورت بسته بندی (آب مصرفی) برای خوردن داده می شد.^۱ ایشان در پایان در جواب سئوالی درباره تدارک مهمات می گوید:

"مهمات را خود با استفاده از خودروهای بنز ۱۰ تن سازمانی از نقطه آماد مهمات ارتش می گرفتیم و استفاده می کردیم."^۲

سرتیپ ۲ حسین رادمهر که با درجه سرگردی فرمانده گردان ۳۲۷ توپخانه را به عهده داشت، در جواب این سئوال که گردان چه کمکی به آتشبارهای تیر می کرد؟ گفت:

"ما از لحاظ لجستیکی کاملاً آتشبارها را پوشش می دادیم، ما در کنترل عملیاتی سپاه پاسدارن بودیم. ما به آنها جیره خشک می دادیم و غذای طبخ شده تحویل می گرفتیم."^۳

۲- نکات منفی

حذف فرمانده و ستاد گروه

برابر دستورالعمل‌های صادره از طرف نازاجا با توجه به حجم یگان‌های توپخانه، پیش بینی شده بود که قرارگاه گروه‌های ۲۲ و ۳۳ مسئولیت هدایت عملیاتی و هماهنگی‌های لازم اداری، لجستیکی گردان‌های اعزامی را عهده دار گردند، اما از همان ابتدا معلوم گردید یگان پشتیبانی شونده برنامه ای برای استفاده از این امکان بالقوه را ندارد و هیچ گونه همکاری برای

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۱۹.

۲. همان.

۳. نوار مصاحبه شماره ۱۰.

استقرار ستادهای این دو گروه به عمل نیامد و از این بابت آسیبهایی از ابعاد مختلف رزمی متوجه توپخانه‌های شرکت کننده در عملیات گردید. که در پاره ای اوقات جبران ناپذیر بود، با توجه به این که ارکان ستاد و آتشبار ارکان و بویژه گردان پشتیبانی گروههای توپخانه دارای امکانات بالائی از نظر عملیاتی، اداری، آمادی، اطلاعاتی، ارتباطی و... می باشد که در صورت بهره برداری سبب خواهد شد گردان‌های زیر امر گروه با توان عملیاتی بیشتری در امر پشتیبانی آتش ظاهر شوند و هماهنگی پشتیبانی آتش اصولی و برابر استانداردهای موجود انجام خواهد گرفت که در نهایت استفاده بهینه را از منابع امکان پذیر می نماید.

به طور مشخص در مورد فعالیت گروه ۲۲ توپخانه در عملیات والفجر ۸ سرتیپ ۲ بازنشسته پرویز افراز تلفنی چنین اظهار نظر می کند:

"به دستور شهید صیاد شیرازی (فرماندهی وقت نزاجا) من به عنوان افسر هماهنگ کننده توپخانه‌های اعزامی به برادر شفیع زاده (فرمانده وقت توپخانه سپاه) معرفی شدم که ابتدا قرار شد یک قرارگاه مشترک تهیه و کار هماهنگی پشتیبانی آتش به عمل آید اما با گذشت دو الی سه روز و شروع عملیات هیچ اقدامی به عمل نیامد و برادر شفیع زاده گفتند، ما گردان‌ها را مأموریت داده ایم که در اختیار یگان‌های عمده سپاه باشند و نیاز به قرارگاه دیگری نیست، من هم به همین طریق مراتب را به فرماندهی نزاجا گزارش دادم که فرمودند: اگر گفته اند لازم نیست حتماً لازم ندانسته اند."^۱

با این وصف نیروی زمینی در ابتدای عملیات والفجر ۸ این گروه و بعداً گروه ۳۳ را مسئول هماهنگی پشتیبانی آتش گردان‌های توپخانه می داند و کلیه دستورات خود را به گردان‌ها از طریق گروههای مذکور ابلاغ می کند، و گروهها نقش یک را بطه بین قرارگاه جنوب و گردان‌های توپخانه را ایفا می کنند و ارتباط گروه با گردان‌ها از ارتباط عملیاتی به ارتباط اداری آن هم فقط از طریق نامه نگاری مبدل می گردد.

حذف فرماندهی و ستاد و آتشبار ارکان گردان‌ها

برابر اصول سازمان برای رزم بکارگیری آتشبارهای تیر به طور مستقل فقط در شرایط ویژه و در پشتیبانی گروه رزمی در مأموریت‌های پاسدار عمومی و پاسدار رزمی قابل توجه می باشد. در عملیات‌های گسترده (به طور ویژه عملیات والفجر ۸) که از توانایی متجاوز از ۳۰ گردان توپخانه بهره برده شده است بکارگیری آتشبار مستقل و سازماندهی بر مبنای آتشبار عدم توجه

۱. افراز، سرتیپ ۲ بازنشسته پرویز.

به استانداردهای علمی سازمان برای رزم است که هیچ گونه توجیه تاکتیکی ندارد و معلوم نیست مبنای علمی و تخصصی چنین تفکری از کجا سرچشمه گرفته است و کدام نیاز تاکتیکی چنین سازماندهی غیر علمی را دیکته کرده است. لازم به گفتن است که نیاز آتشبارهای تیر به امکانات فراوان موجود در ستاد و آتشبار ارکان گردان، مصداق نیاز ماهی به آب و واجب هوا برای موجود زنده است، واجباتی چون پشتیبانی‌های اداری، اطلاعاتی، عملیاتی، آمادی، ارتباطی و از همه مهم‌تر فرماندهی فراتر از تشخیص یک شخص نا آگاه به مسائل تخصصی در محروم کردن آتشبار از این پشتیبانی‌ها می‌باشد، به طور تخصصی وقتی آتشبار را از گردان جدا می‌کنیم؛ یعنی آتشبار را از نقش فرمانده و ستاد گردان در رهبری و هدایت آتشبار محروم کرده ایم؛ به طور عملی نقش افسران رابط را در هماهنگی پشتیبانی آتش نادیده گرفته ایم از اهمیت رکن دوم و نقش هدایت تلاش جمع‌آوری اطلاعات به وسیله دیدبانان را صرف‌نظر کرده ایم، به هر حال آتشبار تیر بدون گردان یعنی آتشبار بدون، آب، غذا، بهداشت، مهمات تعمیر و نگهداری، ارتباط و مخابرات و در یک کلام آتشبار جدا شده از گردان یعنی آتشبار سرگردان و بی پناه و دست و بال بسته.

نگرش به این محرومیتها است که جز در موارد استثنا نباید آتشبارهای تیر را به تنهایی به کار گرفت که البته در چنین مواردی هم برابر مسئولیتهای ذاتی توپخانه یگان پشتیبانی شونده در بخش تدارکاتی بایستی جایگزین آتشبار ارکان گردان شود و افسر رابط توپخانه وظیفه هدایت عملیاتی، آتشبار را به عهده خواهد گرفت با این وجود در عملیات والفجر ۸ به دلایل کاملاً ناشناخته، این کار به طور گسترده انجام گرفت و این در حالی بود که وجود تعداد زیادی توپخانه در یک منطقه محدود، ایجاب می‌کرد از حجم آتش هماهنگ شده به طور گردانی و حتی چند گردانی استفاده شود و از قدرت تخریب انبوه آتش که مورد تأکید مراکز علمی و دانشگاهی می‌باشد استفاده شود، برابر مطالب مندرج در نشریه ضد آتش که به عنوان یک کتاب تخصصی در دانشکده توپخانه صحرایی تدریس می‌گردد این یک اصل است که اجرای آتشیهای انبوه قدرت تخریب را به مقدار زیادی افزایش می‌دهد، افزون بر این با اجرای آتشیهای انبوه غافلگیر کننده می‌توان کارائی خودی را به حداکثر و آسیب پذیری‌های آنرا به حداقل رساند و با آتشیهای انبوهی که از مواضع مختلف اجرا می‌گردد، برای مدت زمان کوتاهی،

سیستمهای صوتی و رادار دشمن را منحرف کرد و در نتیجه خط کشف مواضع را قطع و احتمال تک به آنها را کاهش داد.^۱

برابر پژوهشهای علمی که در همان مدرک پیش گفته شده به آنها استناد گردیده است: "قدرت تخریب یک شلیک آتشباری (۶ گلوله) برابر ۹ گلوله به طور توپ به توپ و قدرت تخریب یک شلیک گردانی (۱۸ گلوله) برابر توان تخریبی ۵ شلیک آتشباری (۳۰ گلوله) می باشد."^۲ لازم به ذکر است در جنگ ناخواسته جز در عملیات والفجر ۸ امکان استفاده از شلیک گردانی بدلیل تمرکز آتشبارهای تیر در یک منطقه بسیار محدود وجود نداشت و دریغ که این فرصت طلایی آموزشی از بین رفت. شاید ادعا شود که در عملیات والفجر ۸، مسئولان از توپخانه یگان پشتیبانی شونده پاره ای از مسئولیتهای فرمانده و ستاد گردان ها را به عهده گرفته است. سرتیپ ۲ بازنشسته هوشنگ استکی که در عملیات والفجر ۸ فرمانده گردان بوده است در این باره چنین اظهار نظر می کند:

"نگاه بد بینانه این است که به دلیل رعایت اصول حفاظتی نسبت به من و ستاد گردان سوء ظن وجود داشته باشد اما نگاه دیگر این است که با توجه به اصل غافلگیری، رأی سپاه بر این بود که حتی الامکان تعداد کمتری از عملیات اطلاع داشته باشند به همین انگیزه واحدهای اجرائی (آتشبارها) به کار گرفته شد، اما آنچه که اصل است رعایت اصل فریب تاکتیکی (اصول حفاظتی) نباید شامل فرمانده گردان شود به هر طریق در ادامه کار بدون این که من اطلاع پیدا کنم، آتشبارهای گردان به منطقه ای در حوالی ایستگاه ۷ آبادان تغییر مکان پیدا کردند و در پشت رادیو تلویزیون و در داخل نخلها مستقر می شوند و به کسی هم اجازه خارج شدن از منطقه داده نشد و..."^۳

سرهنگ مهدی پایلی رفسنجانی که با درجه ستوان یکمی به عنوان فرمانده آتشبار در عملیات والفجر ۸ شرکت داشته است در قسمتی از خاطرات خود گفت:

"قرارگاه گردان در خارج از جزیره آبادان قرار داشت و هیچ گونه کنترل عملیاتی روی آتشبار نداشت، فرمانده گردان (سرهنگ اسکندرزاده) فقط سعی می نمود مهمات مورد نیاز گردان را مهیا و تدارک نماید و در سایر موارد هماهنگی با سپاه پاسداران بود."^۴

۱. اسدی، هیبت الله؛ نشریه ضدآتش؛ ص ۹۷.

۲. همان

۳. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۴. نوار مصاحبه شماره ۱۱ و ۱۰.

حذف رسد دیدبانی

چنین گفت با دیده بان پهلوان	که بیدار دل باش و روشن روان
بدو دیده بان گفت از هیچ روی	نبینم همین جنبش و جست و جوی

(فردوسی)

دیدبانی در یگان‌های توپخانه چنان مهم است که به عنوان چشم و گوش معروف شده است. اجرای مأموریت پشتیبانی آتش رابطه مستقیمی با روش دیدبانی دارد؛ چنانچه دیدبانهای ورزیده آموزش یافته و متهوری وجود داشته باشند مأموریت به نحو شایسته ای به انجام خواهد رسید و بر عکس اگر دیدبانان ضعیف باشند، اجرای مأموریت به سختی میسر می‌گردد. دیدبان با هماهنگی فرمانده یگان مانوری هدف را تعیین و سپس درخواست آتش را تهیه و با استفاده از چالهای ارتباطی آنرا مخابره، سپس با تنظیم تیر به هدف حمله می‌برد و در نهایت نتیجه را گزارش می‌نماید، نقش دیدبان در کاربرد بهینه توپخانه و نتیجه ای که از هر گلوله به دست می‌آید تعیین کننده و قابل ملاحظه است. اشاره به پاره‌ای از وظائف دیدبانان در قبل، حین و بعد از اجرای مأموریت، در نمایاندن نقش و اهمیت توپخانه ما را یاری می‌دهد. مراقبت دایم در منطقه عمل یگان پشتیبانی شونده، آگاهی کامل از طرح مانور و برنامه‌های یگان پشتیبانی شونده، حفظ ارتباط دایم با افسران رابط و یگان توپخانه مشخص نمودن نقاط ثبت تیر و نقاط برگشت و آماجها و محل آخرین آتشیهای حفاظتی روی زمین و نقشه، تهیه لیست آماجها برای طرحریزی آتش توپخانه، تهیه درخواست تیر، هماهنگی با دیدبانهای مجاور، بررسی قیفهای انفجار، گزارش محل وسائل پشتیبانی آتش دشمن، ارسال گزارشات نوبه ای منفی، تهیه و ارسال گزارش اطلاعاتی مربوط به دشمن و در نهایت تعیین موقعیت هدف، تهیه درخواست تیر و تنظیم تیر توپخانه از جمله وظایفی است که دیدبانان بایستی قبل، حین و بعد از اجرای مأموریت انجام دهند نگاهی اجمالی به آنچه گفته شد نمایانگر اهمیت و نیازهای آموزشی دیدبان است، و بر این اساس است که، امر دیدبانی به فردی تحصیل کرده (در حد لیسانس) سپرده شده است.

اگر چه در ایام جنگ به علت کمبود افسر وظیفه، از پرسنل وظیفه با حداقل مدرک دیپلم استفاده گردید و این پرسنل یک دوره آموزشی ۸ هفته ای در مرکز آموزش توپخانه را طی می کردند با این وصف مادامی که فرماندهان از آموزش دیدبانان خود مطمئن نمی شدند از گماردن آنان در امر دیدبانی به طور مستقل حتی الامکان خودداری می کردند انجام دیدبانی به وسیله افسران رابطه، رؤسای رکن دوم و سوم، فرماندهان آتشبار و معاونین آتشبار در مواقع

حساس بارها و بارها در عملیات‌های مختلف تکرار گردید و این نشان‌دهنده اهمیت است که آگاهان در رسته توپخانه برای امر دیدبانی مد نظر دارند با این وصف بعضی از فرماندهان که از نزدیک با مسائل توپخانه درگیر بودند، این میزان آموزش را کافی نمی‌دانند و گاه و بیگاه از وضعیت آموزش دیدبانها اظهار نگرانی می‌کردند.

سرتیپ ۲ هوشنگ استکی که پیشتر نظرات وی منعکس گردیده است در مورد آموزش دیدبانان می‌گوید:

توپخانه در جنگ خوب عمل کرد، اما واقعیت این است که می‌توانست بهتر عمل کند، به نظر من دیدبانان به عنوان چشم توپخانه آن چنان مهم است که بایستی در آموزش آنان تجدید نظر به عمل آید، تا دیدبانانی مطمئن، آموزش داده شود، من در کمتر مواردی به دیدبان ورزیده که بتواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد برخورد داشتم، دیدبانان از اصول پیروی نمی‌کردند، اصطلاحات من درآوردی و بی مورد استفاده می‌کردند، با فرمانده یگان مانوری هماهنگی نداشتند و در بیشتر موارد در خارج از یگان مانوری و مستقل عمل می‌کردند، که مصرف بالای مهمات تنها یکی از نتایج منفی این موضوع بود، آن وقت شکایت داشتیم که مهمات نداریم.

ایجاد انگیزه چاره کار است، ما باید برای پرسنل خرج کنیم تا وقتی جنگ می‌شود از این هزینه بهره برداری نمائیم، یک ارتش کوچک با تجهیزات عالی و پرسنل راضی و منسجم و آموزش دیده خوب چاره کار است، این چنین ارتشی هدف بازدارندگی دارد و از بیشتر رویدادها جلوگیری می‌کند، پاکستانیها ثروتمند نیستند، اما ارتش خوبی دارند انگیزه و آموزش خوب است. در میدان تیر در جه‌داری را دیدم که تمام گلوله‌هایش را به هدف زد، به شوخی به افسر فرمانده گفتم، شما این درجه‌دار را انتخاب کرده‌اید عصبانی شد و تفنگ را گرفت و ۱۰ گلوله به هدف تیراندازی کرد، تمام گلوله‌هایش به هدف خورد، آن وقت تفنگ را به یکی از همراهان ما داد و گفت نوبت توست البته خوشبختانه او نصف نصف به هدف زد، اما اگر به من می‌داد خدا اعلم.^۱

گرچه تمام سعی و کوشش فرماندهان در هنگامه کارزار استفاده از دیدبانان آموزش دیده بود اما با لحاظ کردن گفته‌های دلسوزانه همکار خوبمان (سرتیپ ۲ استکی) گاه به گاه به اجبار و بویژه در جایگزینیهای ناشی از تلفات رزمی و یا نا آگاهی به طور محدود اتفاق می‌افتاد که دیدبانی به کسانی که آموزش کافی نداشته‌اند، واگذار شده است که متأسفانه در

این میان، عملیات والفجر ۸ یکی از موارد کم نظیر در امر دیدبانی می باشد، در این عملیات به دلایل کاملاً نا مشخص برابر تصمیمات فرماندهان ارشد توپخانه در سپاه پاسداران از دیدبانان سازمانی آموزش دیده استفاده نگردید و به جای آنان از دیدبانانی استفاده گردید که آموزش کافی نداشته و در عمل از هیچ یک از اصول و استانداردهای علمی برای درخواست تیر استفاده نکردند. این دیدبانان بدون اینکه در مراکز تخصصی آموزش ببینید دیدبانی را به طور تجربی در دیدگاه با روش غیر علمی آزمون و خطا فرا گرفته بودند به طوری که برابر اظهار نظر فرماندهان آتشبار این دیدبانان با انتخاب چند هدف از پیش تعیین شده، بدون اشاره به نوع هدف و استفاده از شماره گذاری هدف تنها با کلمه بزنید، به درخواست تیر مبادرت می ورزیدند و هیچگاه از روش تنظیم تیر و فرم دیدبانی که در صرفه جویی مهمات و سرعت عمل نقش ارزنده ای دارد، استفاده به عمل نمی آمد. این دیدبانان به طور کلی فرماندهان آتشبار را از نتیجه تیراندازی با خبر نمی کردند. حتی یک نمونه از شرکت در تلاش جمع آوری اطلاعات بویژه در امر مهم ضد آتش برای کشف توپخانه دشمن گزارش نشده است و باید گفت تلاش اصلی این دیدبانان حجم آتش بود.

گر چه آنچه بیان گردید در حقیقت جمع بندی گفته های کسانی است که در عملیات شرکت داشته اند، اما به طور ویژه بهره برداری آموزشی از زبان فرماندهان آتشبار که مستقیماً با دیدبانان ارتباط داشته اند بهتر امکان پذیر می باشد.

از ستوان دوم عبدالله فرزانه جمعی گردان ۳۷۶ توپخانه که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ ۱۲۲ م کاتیوشا خدمت می کرده است پرسیدم چند سال است رئیس توپ هستید؟
۱۷ سال است رئیس توپ کاتیوشا می باشم.

- می توانید حدس بزنید چند موشک تیراندازی کرده اید؟

خدا می داند، شاید ۱۵ هزار موشک که ۱۰ هزار آن در همین عملیات فاو بود.

- چرا در این عملیات زیاد تیراندازی کرده اید؟

خودم هم نمی دانم، ولی هر چه دیدبان درخواست می کرد، مجبور بودیم بزنیم.
آنها عادت داشتند که ۴۰ تا ۴۰ تا بزنیم، با این وصف گاهی من کمتر می زدم مثلاً ۲۰ تا می زدم و صرفه جویی می کردم.

- چرا فکر می کنید بایستی صرفه جویی می کردید؟

چون می دانستم هدفهای کاتیوشا بایستی بزرگ و مهم و حداقل یک گروهان تانک یا پیاده باشد. در صورتی که کمتر چنین هدفهائی وجود داشت، مگر در پانکها، بارها

اتفاق می افتاد که با دیده بان خودم صحبت می کردم و می گفتم اجازه بدهید برای روز مبادا کمی صرفه جوئی کنم و پس از چانه زدن به جای ۴۰ تا ۲۰ تا می زدم و اتفاقاً هم نمی افتاد.^۱

و در جایی دیگر از سرگرد توپخانه مرتضی رجبی که در هنگام عملیات والفجر ۸ با درجه ستوان سومی در سِمَت معاون آتشبار در گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م خدمت می کرده است. از وضعیت دیده بانی سؤال کردم، گفتند:

هیچ گونه اصولی رعایت نمی گردید، گاهی گلوله به گلوله به فاصله چند دقیقه و گاهی می گفتند تا می توانید بزنید، بدون اینکه نوع هدف را تعیین کنند یا دم هست یک روز با شهید کابلی از توپخانه تیپ ۶۳ قائم در همین باره بحث کردم من به ایشان گفتم، دیده بانان شما ضعیف هستند، گفت چرا؟ من گفتم، آنان گاهی هر ۲۰ دقیقه یک گلوله از ما درخواست می کنند و این سبب می گردد، که دشمن فرصت داشته باشد محل ما را شناسایی و ضد آتشبار اجرا نماید، ایشان قبول کردند فکر می کنم به دیده بانان در این رابطه دستوری داده بودند.^۲

سرهنگ مرتضی سینائی را که از حجم تیراندازی در عملیات والفجر ۸ شکایت داشت چنین مورد خطاب قرار دادم:

من و شما که افسر توپخانه هستیم به خوبی می دانیم گلوله ریختن به معنی خوب تیراندازی کردن نیست بلکه فرمانده باید نتیجه ای را که می گیرد در نظر داشته باشد.

- آیا نتایج تیراندازیهای انجام شده از طریق دیده بانان گزارش می گردید؟

متأسفانه دیده بانان هیچ گونه گزارشی نمی دادند و چون آنان از سپاه پاسداران اعزام شده بودند ما نیز نمی توانستیم در این رابطه کاری انجام دهیم، خلاصه بگویم من چند بار شاهد اصرار فرماندهان آتشبار بودم که از دیدبانان نتیجه تیراندازی را می خواستند، آنان به عنوان مثال می گفتند، چند اتوبوس با نفراتش منهدم شده است.^۳ و در نهایت از یکی از فرماندهان با تجربه جبهه و جنگ که هم اکنون به عنوان رئیس رکن سوم توپخانه لشکر خدمت می کند (سرهنگ حسن طلوعی) سؤال شد.

- دیده بانان از نظر آموزش در چه حدی بودند؟

۱. نوار مصاحبه شماره ۸.

۲. نوار مصاحبه شماره ۶.

۳. همان

آموزش دیدبانان ضعیف بود، به عنوان مثال برقراری آخرین آتشیهای حفاظتی که بسیار مهم است و پس از گرفتن هر منطقه بایستی به سرعت انجام گیرد، اطلاعی نداشتند، من مجبور شدم معاون آتشبار را برای آموزش به دیدگاه بفرستم.

- چرا از دیدبانان آتشبار استفاده نکردید؟

این سؤال من نیز هست، به طور کلی روش سپاه بود که از دیدبانان خودشان استفاده کنند، شاید به آنها اعتمادی بیشتر داشتند، البته این دیدبانان دوره آموزشی مصوبه‌ای ندیده بودند و بیشتر تجربی استفاده می‌کردند و مواردی هم بود که یک دیدبان می‌رفت و شخص عادی دیگری جای او را می‌گرفت و ما می‌فهمیدیم که شخص جدید هیچ آموزشی ندارد.^۱

حجم آتش غیر ضروری

واکاوی تخصصی جنگ در بخش توپخانه نشان می‌دهد که استفاده از آتش توپخانه به عنوان پشتیبانی از عملیات‌های آفندی و پدافندی برابر اصول آمده در آیین نامه‌های رزمی، انجام نگرفته است بلکه فرماندهان یگان‌های پشتیبانی شونده در بیشتر موارد از توپخانه به عنوان یک یگان بازدارنده استفاده کرده‌اند. نباید منکر این واقعیت بود که بهره‌برداری از حجم آتش از جمله راهکارهای تکنیکی جنگ محسوب می‌شود، اما از طرفی باید پذیرفت که توپخانه به هر حال یک سلاح پشتیبانی رزمی است و جایگزین کردن آن به جای نیروی پیاده یا زرهی تاکتیکی مناسب نیست و بایستی در شرایط ویژه انجام گیرد. باید توجه داشت کاربرد اصلی توپخانه در پدافند برای ایجاد سد آتش و در آفند برای شکستن مقاومت دشمن است و این در حالی است که ما از آتش توپخانه در آفند به طور اصولی کمتر استفاده می‌کردیم.

افسران توپخانه معتقد هستند که در پاره‌ای اوقات از توپخانه بی‌رویه و خارج از توان و استانداردهای علمی استفاده شده است و از این رهگذر آسیب‌هایی وارد شده است و دلیل اصلی استفاده نا مناسب از توپخانه را برقرار نبودن مراکز هماهنگی پشتیبانی آتش^۲ و یا

۱. نوار مصاحبه شماره ۱۱۱.

۲. هماهنگی پشتیبانی آتش: عبارت است از طرح‌ریزی هماهنگ شده و اجرای آتش به نحوی که تمام هدفها به اندازه کافی با وسائل پشتیبانی آتش مناسب مورد تک قرار گیرند. برای رسیدن به این هدف در رده‌های مختلف مراکز تشکیل می‌شود که مسئولیت اداره بهینه این مراکز با هماهنگ کننده پشتیبانی آتش می‌باشد. فرمانده گروهان در رده گروهان، افسر رابط توپخانه در رده گردان و فرمانده گردان کمک مستقیم در رده تیپ و فرمانده توپخانه لشکر (با افسر تطبیق آتشها) در رده لشکر مسئولیت این مراکز را دارند، در تمام این مراکز نمایندگان از نیروی عمل کننده (پشتیبانی شونده) و

استفاده ضعیف از این مراکز عنوان می کنند و این در حالی است که تشکیل این مراکز با توجه به نقش ارزنده ای که دارند از رده گروهان تا سپاه با ترکیب های مناسب در سازمان پیش بینی شده است و وظائف هر یک از این مراکز به طور جدی در آموزشهای تکمیلی افسران منظور گردیده است.

برابر اصول، تمام درخواستهای آتش بایستی از طریق این مراکز کنترل و هماهنگ گردد و سپس جهت اجرا به آتشبار تیر ابلاغ گردد. در صورتی که در جنگ تحمیلی حداقل ۹۰٪ درخواستها از طریق دیدبان و تصمیم فرمانده آتشبار بدون نظارت مراکز هماهنگی پشتیبانی آتش انجام می گرفت و همین ناهماهنگی سبب مصرف بی رویه مهمات و بدست نیامدن نتیجه مناسب از مهمات مصرف شده است.

درست است که قضاوت عمومی درباره کاربرد توپخانه در جنگ تحمیلی در مجموع مثبت ارزیابی شده است اما بهای پرداخت شده در پاره ای اوقات و در بعضی از عملیات ها متناسب با نتیجه کسب شده به درستی ارزیابی نمی شود.

به عنوان نمونه که مربوط به ماههای اول جنگ در جبهه سومار است چنین از حافظه خود یاری می طلبم:

روزی به عنوان معاون رکن سوم توپخانه لشکر به همراه فرماندهی محترم لشکر ۸۱ زرهی^۱ برای بازدید از آتشبارهای گردان ۳۹۶ توپخانه در محور سومار رفته بودم فرمانده آتشبار که ستوانیکم جوانی بود با ظاهری نه چندان مناسب نزد فرمانده لشکر آمد و بی مقدمه گفت:

از دیشب تا حالا ۲۰۰۰ گلوله تیراندازی کرده ام و تمام لوله های توپ سرخ شده است.

فرمانده لشکر در حالی که با وی دست می داد با متانت گفت:

خسته نباشید، آفرین، مگر چه خبر شده است؟

وی بر خلاف معمول گفت:

من چه می دانم؟! حتماً عراقیها حمله کرده اند! دیدبان درخواست کرده است.

پشتیبانی کننده (توپخانه نیروی هوایی تاکتیکی و...) وجود دارند که بر استفاده موثر از وسایل پشتیبانی آتش و فراهم کردن آتش مورد نیاز یگانهای عمل کننده را نظارت می نمایند.

۱. سرهنگ زرهی ستاد باوندپور دارای سابقه خدمتی درخشانی در یگانهای لشکر ۹۲ زرهی و ۸۱ زرهی بود و به هنگام جنگ به عنوان فرمانده لشکر ۸۱ زرهی منصوب شدند. در هدایت لشکر در شرایط بحرانی از خود شایستگی لازمی را نشان داد. آموزش، نگهداری تجهیزات و رعایت نظم و انضباط را شرط موفقیت در عملیات می دانست و در این مورد حساسیت داشت و در هر فرصتی آنها را به دیگر فرماندهان گوشزد می کرد.

فرمانده لشکر این بار با خونسردی گفت:

اما من می‌دانم، گزارش اطلاعاتی را خوانده‌ام، در حد یک دسته تانک تظاهر به تک کرده است، فکر می‌کنید لازم به تیراندازی ۲۰۰۰ گلوله بوده است؟ چه تلفات و خساراتی به دشمن وارد گردیده است؟

فرمانده آتشبار نتوانست جوابی بدهد و هیچ گزارشی از تلفات و خسارات وارده به دشمن نرسیده بود. با این وصف فرمانده لشکر دستهایش را روی شانه آن افسر گذاشت و گفت: پسر، اگر چنین بی حساب و کتاب تیراندازی کنیم و نتیجه ای هم نگیریم، معلوم نیست کار به کجا خواهد کشید.

و پس از خداحافظی براه افتادیم. و من که آن افسر را از نزدیک می‌شناختم، مشکل او را در ضعف آموزش می‌دانستم، زیرا آموزش اساسی ترین فرآیند و ارتقاء کارائی در هر یگان و در هر مورد می‌باشد.

گر چه بدون تردید هر کس که از نزدیک دستی بر آتش جنگ داشته است می‌تواند نمونه‌هایی از آنچه بیان شد نقل کند اما در این میان عملیات والفجر ۸ نمونه شناخته شده‌ای از مصرف پر حجم آتش توپخانه که در هیچ عملیات دیگری در جنگ تحمیلی سابقه نداشته است، به حساب می‌آید در این عملیات که در یک منطقه محدود انجام گرفت در مدت کمتر از یک ماه متجاوز از دو میلیون گلوله توپخانه تیراندازی گردید و به علت همین حجم غیر متعارف آتش بود که ۸ گردان توپخانه کارائی خود را از دست دادند و لوله‌های آنها صفر گردید. در همین راستا و برای حفظ مداومت آتش، نزاجا مجبور گردید، این گردان‌ها را با گردان‌های مشابه تعویض و آنها را برای تعمیرات اساسی و تعویض لوله به پشت جبهه تخلیه نماید، کاری که هرگز در طول جنگ اتفاق نیفتاد. افزون بر این به سایر گردان‌ها آسیب جدی وارد گردید و موجبات نگرانی فرماندهان فراهم شد و در حالی که عمر قانونی لوله‌ها به پایان رسیده بود، اما آنان کماکان مجبور به ادامه مأموریت پشتیبانی آتش بودند. این نگرانی در سخنان فرماندهانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند آشکار است.

سرهنگ حسن محمدی (معاون وقت آتشبار یکم گردان ۳۷۲ کاتیوشا) می‌گوید:

در این عملیات تدارک مهمات، بسیار مهم بود، زیرا حجم آتش آنقدر بود که پرسنل آتشبار و حتی آتشبار ارکان جوابگو نبودند و حدود ۱۲۰ نفر سرباز که آموزش مقدماتی

خود را رها کرده بودند به ما دادند، خلاصه آتشبار ما در مدت ۴۰ روز اول عملیات تقریباً ۲۰۰۰۰ موشک تیراندازی کرد.^۱

استوار یکم غلامعلی احمدیان (رئیس توپ گردان ۳۳۲ توپخانه ۱۳۰ م) می‌گوید: با شروع عملیات، کار ما نیز شروع شد، من هیچگاه به اندازه این عملیات گلوله تیراندازی نکرده بودم، خلاصه بگویم، توپ من که به تازگی لوله آن عوض شده بود، به علت تیراندازی بیش از حد، مجبور شدیم دوباره لوله اش را تعویض کنیم. یعنی در مدت یکماه، یک لوله از بین رفت، یادم است که قبل از تعویض لوله، شعله پوش توپ ترکید و من مدتها با توپ بدون شعله پوش تیراندازی می‌کردم من در مدت یک ماه بیش از ۱۵۰۰ گلوله تیراندازی کردم.^۲

سرهنگ سینائی (رئیس رکن چهارم گردان ۳۹۹ توپخانه ۱۳۰ م) بدنبال گفته‌های خود اضافه می‌کند:

گردان به علت تیراندازی بیش از حد لوله‌های خود را از دست داده بود، لذا ما مجبور شدیم تمام لوله‌های توپها را عوض کنیم. سرهنگ سینائی علت تعویض لوله‌ها را چنین بیان می‌کند: چون گردان زیر امر سپاه پاسداران عمل می‌کرد، سعی بر این بود، مشکلات را نادیده بگیریم و به درخواست آتش بدون وقفه جواب دهیم.^۳

پشتیبانی آمادی ضعیف در پایان

پشتیبانی آمادی (لجستیک) در طول تاریخ به عنوان رکن اساسی عملیات رزمی، مورد نظر فرماندهان بوده و هست و چه بسیار جنگ‌هایی که تنها به علت کمبودهای آمادی به شکست انجامیده است و یا حداقل بهانه ای برای فرماندهان شده تا بدلیل عدم پشتیبانی مناسب شانه از زیر بار مسئولیت خالی کنند و شکست‌های خود را توجیه نمایند، اما در جنگ ناخواسته نگاه به پشتیبانیهای آمادی کاملاً متفاوت بود، فرماندهان ما پیش از شروع هر عملیات در حد توان و امکان سعی در فراهم کردن آمادهای لازم برای کسب پیروزی می‌نمودند. اما در کمتر موردی کمبودها را بهانه ای برای ننگیدن و یا بد جنگیدن قرار می‌دادند.

۱. نوار مصاحبه شماره ۵.

۲. نوار مصاحبه شماره ۸.

۳. نوار مصاحبه شماره ۶.

به یاد داریم فرماندهان در شورهای ستادی به طور معمول با فهرست بلند بالائی از نیازمندیها شرکت می کردند. اما فراهم نشدن اقلام مندرج در این فهرستها، عملیاتی را ناممکن نکرد، اگر قرار بود استانداردهای قید شده در جداول مربوط به اقلام آمادی رعایت گردد لفظ نظامی مورد استفاده تهیه کنندگان برآوردهای آمادی باید این می بود که: «این عملیات از نظر آمادی قابل پشتیبانی نیست.»

اما به دلیل اعتقاد به جنگیدن با حداقل امکانات، به طور معمول این استانداردهای علمی نادیده گرفته می شد و عملیات با هر امکانی به سرانجام می رسید. البته به پشتیبانی آمادی در جنگ تحمیلی می توان از منظر دیگری نگاه کرد و آن جایگزین کردن پشتیبانی های مردمی به جای پشتیبانی های سازمانی بود، که اگر به درستی تجزیه و تحلیل شود، شاید تجربه نوینی در تاریخ جنگ ها باشد. درست است هیچ جنگی در مقیاس جنگ ایران و عراق در تاریخ بدون پشتیبانی مردمی امکان پذیر نبوده و همیشه مردمان فداکار سهم ارزنده ای در کمک رسانی به نیروهای مسلح خود داشته اند، اما نباید فراموش کرد که کم دیده ایم، مردم خود جوش و ابتدا به ساکن در جنگ شرکت نمایند بلکه در اغلب کشورها استفاده از توان جامعه برای دفاع به طور سازمان یافته پیش بینی می گردد.

در دفاع مقدس چون این سازوکار از هم پاشیده شده بود و یا پیش بینی نشده بود فقط و فقط توان بسیج رهبر انقلاب، این امکان را فراهم کرد که مردمانی از تبار غیرت و عقیده، خودجوش بدون چشم داشت به حرکت در آیند و نیروهای مسلح را به خصوص در بخش آمادی (بجز مواردی که امکان تهیه آن در داخل کشور نبود) مساعدت و یاری نمایند، لازم به ذکر است، نبود یک مرکز سازمان یافته برای استفاده بهینه از این امکانات سبب شد که کمک های فراهم شده به وسیله مردم در اختیار ارتش یعنی بدنه نیروهای مسلح قرار نگیرد و متأسفانه در پاره ای از موارد دیده می شد حجم بیشتری از این کمک ها به علت افراط و تفریط ضایع و به هدر می رفت. نباید فراموش کرد که این پشتیبانی های منحصر به خورد و خوراک نمی شد بلکه وسائل مهندسی سنگین، ترابری سبک و سنگین، پوشاک، وسائل گرمای و خنک کننده، اقلام بهداشتی و فرهنگی، نیازمندی های ساختمانی و... یا هر وسیله دیگر که مهیا کردن آن در داخل کشور امکان پذیر بود را شامل می شد که در مجموع سبب می گردید رزمندگان با آرامش خاطر و امکانات بیشتری عملیات ها را به انجام برسانند و هم از مسئولیتهای مادی دولت در حد هر

چند کم کاسته شود و از همه مهمتر ارتباط معنوی و فرهنگی خوبی بین مردم و رزمندگان فراهم شده بود.

آنچه می ماند، از یک طرف ایجاد زمینه مناسب برای استفاده بهینه از امکانات بالقوه جامعه در اهداف نظامی برای زمان بحران می باشد و از طرف دیگر باید در هر فرصتی هر چند در حد این نوشتار از این همت و غیرت ملت فداکار قدردانی گردد تا برای همیشه تاریخ ارتباط معنوی و تنگاتنگ بین نیروهای مسلح و مردم برقرار بماند و باردیگر این شعار دیرپای انقلاب، یعنی ارتش فدای ملت و ملت برای ارتش از قوه به فعل درآید.

اتکا و دل بستن یگان های توپخانه شرکت کننده در عملیات والفجر ۸ به کمک های مردمی به خصوص در شروع عملیات سبب گردید که فرماندهان و ستاد گردان ها از وظیفه اصلی خود که همانا پوشش دادن پشتیبانی آتشبارهای تیر بود غافل شوند و در مواردی که یگان پشتیبانی شونده بدلائلی نمی توانست و یا نمی خواست کمک های مردمی را در اختیار آتشبارهای تیر جدا شده از گردان بگذارد، مشکلات زیادی برای آتشبارها بوجود آمد تا جائیکه با فروکش کردن اهمیت عملیات والفجر ۸ و ایجاد آرامش در جبهه مشکل تدارکات ابتدا برای یگان های مستقر در شرق اروندرود و سپس به یگان های داخل فاو تسری یافت، به طوری که یگان ها هم از چانل اصلی تدارکات خود بریده شده بودند و هم دیگر سپاه پاسداران از تدارک آنها که جزو وظایف ذاتی یگان های پشتیبانی شونده می باشند سر باز می زد و این تجربه ای است برای یگان های توپخانه تا جز در مواردی که مأموریت ذاتی آنها حکم می کند به چانلهای غیر سازمانی اکتفا نکنند و فرماندهان گردان ها در هر شرایطی بایستی با اتخاذ تدابیر تاکتیکی به فکر پشتیبانی آمادی از آتشبارهای تیر باشند و در استقرار ارکان و آتشبار ارکان طوری عمل کنند که امکان تدارک آتشبارهای تیر را داشته باشند.

عدم رعایت اصول تاکتیکی و تکنیکی

رعایت اصول که در کلاسهای آموزشی نظامی بویژه در آئین نامه های رزمی مورد تأکید فراوان است به مشهود و آشکار، دانسته و ندانسته در جنگ بعضاً نقض و مورد بی توجهی قرار گرفت در پاره ای موارد آسیبهای آن روشنتر است، به طور ویژه در بخش توپخانه در عملیات والفجر ۸ که بدلیل حجم بالای یگان های شرکت کننده نسبت به سایر عملیات ها انتظار می رفت که اصول بیشتر و بهتر رعایت گردد، اما بر عکس به نظر می رسد اضافه بر این که تجربه آموزنده ای کسب نگردید بلکه از تجربه های آموزنده آورده شده در آئین نامه های موجود هم بهره برداری لازم به عمل

نیامد و در نهایت از این بابت آسیبهایی مادی و معنوی به پیکره یگان‌های توپخانه وارد شد، موارد تاکتیکی و تکنیکی در مأموریت ذاتی توپخانه که به طور وضوح با توجه به اظهار نظر پرسنل شرکت کننده در عملیات نقض گردیده‌اند به شرح زیر است:

۱. سازمان برای رزم برابر اصول انجام نگرفت و به فرماندهان تفهیم نگردید.
۲. ربط و ارتباط برقرار نشد.
۳. مرکز تطبیق آتشها، اصولی و با شرکت تمام عناصر لازم تشکیل نگردید.
۴. جابجائیها، بدون اطلاع قبلی و بدون رعایت اصول انجام می گرفت.
۵. قرارگاه‌های گروه و گردان فعال نشدند.
۶. ثبت تیر انجام نگرفت.
۷. درخواست تیر اصولی و با استفاده از چانل اصلی انجام نگرفت.
۸. مرکز عملیات تاکتیکی با شرکت عناصر رکن دوم و سوم توپخانه تشکیل نگردید.
۹. ضد آتش فعال نبود.
۱۰. نقشه برداری انجام نگرفت.
۱۱. هیچ طرح و دستوری به یگان‌های توپخانه ابلاغ نگردید.
۱۲. مواضع بدون لحاظ کردن نظر فرماندهان یگان‌های توپخانه انتخاب می گردید.
۱۳. امر تدارکات از چانلهای غیر اصولی و با افراط و تفریط انجام می گرفت.
۱۴. یگان‌های توپخانه بدون دلیل تجزیه شدند.
۱۵. طرحریزی آتش اصولی انجام نمی گرفت.

پاره ای از مصادیق موارد گفته شده در اظهار نظر فرماندهان به شرح زیر آمده است:

سرتیپ ۲ استکی:

شب عملیات به من گفته شد امشب عملیات است و این در حالی بود که نه مواضعی شناسائی شده بود و نه مقدمات کار فراهم شده بود و حتی من از طرح عملیات یگان‌های عمل کننده اطلاعی نداشتم. روز بعد مواضع اصلی در روی جاده‌ای که برای همین کار به موازات اروندرود تهیه شده بود به ما نشان داده شد و قرار شد که در روی همین جاده که هیچگونه شرائط مواضع را نداشت مستقر شویم، بدون اینکه برای پرسنل و توپها جانپناه و یا سنگری تهیه شده باشد.^۱

سرتیپ ۲ قطره سامانی:

گردان در جریان طرح عملیاتی یگان پشتیبانی شونده نبود و این از نظر اصولی درست نیست.^۱

سرتیپ ۲ خیرالله همتی:

مأموریت گردان (۳۱۷ توپخانه) کمک مستقیم لشکر بود که با اصول سازمان برای رزم تطابق ندارد. درباره مأموریت به طور شفاهی گفته شد شما عمل کلی سپاه هستید، اما معلوم نشد عمل کلی چه یگانی از سپاه پاسداران.^۲ سرهنگ امین (فرمانده دانشکده توپخانه صحرایی):

ما می دانیم کوچکترین واحد تاکتیکی توپخانه گردان است، در حالی که حتی یک مورد که از آتشهای گردان هم زمان استفاده گردد سراغ ندارم، اگر از آتش گردانی استفاده می شد، ضمن بالا بردن تلفات و ضایعات دشمن، از مصرف بی رویه مهمات جلوگیری می شد.^۳

سرگرد لروند:

آتشبار زیر امر لشکر ۲۵ کربلا بود، ولی گاهی از لشکر ۷ ولیعصر از ما درخواست آتش داشتند و چون دیدبانان تجربه و آموزش کافی نداشتند، من شخصاً به دیدگاه می رفتم و دیدبانی می کردم و آموزش هم می دادم. از طرح ریزی آتش خبری نبود گاهی مسئولی می آمد و می گفت امشب برنامه داریم و شما فقط آتش تهیه بریزید تا ما آتش بس دهیم.^۴

سرهنگ گودرزی:

آتشبار در روز سوم عملیات به داخل روستای مینومی تغییر مکان دادیم و در محل بانک صادرات مستقر شدیم و من درخواست لودر و سوله کردم بر خلاف روز اول در اختیار قرار نگرفت.^۵

سرهنگ بانزاد:

من رئیس رکن سوم گردان بودم ولی از چون و کیف عملیات خبر نداشتم.^۶

۱. نوار مصاحبه شماره ۹.

۲. نوار مصاحبه شماره ۱۱.

۳. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۴. نوار مصاحبه شماره ۱ و ۱۱.

۵. نوار مصاحبه شماره ۷ و ۱۰.

۶. نوار مصاحبه شماره ۱۴.

سخن پایانی

در پایان این بخش از کتاب لازم می دانم به این نکته اشاره ای داشته باشم که به دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک کافی درباره عملیات والفجر ۸، چاره کار را در این دیدم، از طریق ارتباط مستقیم با رزمندگان به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز بپردازم و در نهایت این کار با صرف وقت بسیار و قبول سفر در جای جای میهن اسلامی و حضور در محل کار و زندگی خصوصی بیش از ۱۰۰ نفر از همکاران که بیشتر آنان بازنشسته بودند، به سرانجام رسید. اگر چه هدف اولیه این گفتگوها بازگو کردن حقایق روزهای تلاش و مقاومت رزمندگان در مقابل دشمن متجاوز در یک منطقه ویژه بود اما با استفاده از فرصت پیش آمده و علاقه شخصی من به مسائل آموزشی، سعی گردید مسائل توپخانه در جنگ از زبان دست اندرکاران در حد توان تجزیه و تحلیل گردد و اینک با رضایت کامل از کاری که انجام گرفته، اعلام می دارم که گنجینه ای ارزشمند با جهت گیری آموزش تهیه و تدوین گردیده است این کار از آن جهت ارزشمند تلقی می گردد که در آن به جد از نخبه گرانی پرهیز گردیده و گفتگوها به طور عام در محیطی صمیمانه و بدون تشریفات و زمینه قبلی انجام گرفته است و از مصاحبه شوندگان خواسته شده است که نکات ضعف و قوت، توانائیها و ناکامیها را که مشاهده کرده اند بدون کم و کاست بیان کنند تا مورد بهره برداری قرارگیرند. آنچه به دنبال و بعنوان حسن ختام خواهد آمد، یکی از مصاحبه های انجام شده است که فقط بدلیل این که اشاره ای به پایان عملیات والفجر ۸ دارد و به مصداق مشتئی از خروار انتخاب گردیده است.

این بار در پی گیری هدف کسب اطلاعات جنگ ناخواسته به شهرستان شهرضا در استان اصفهان آمده ایم تا با یاران سلحشور گروه ۲۲ توپخانه هم صحبت شویم و گوشه ای از رشادت و ایثارگریهای آنان را ضبط و ثبت نمائیم اما قبل از هر اقدامی دریغ اینکه، نام اصفهان آورده نشود و از نقش ارزنده و سرنوشت ساز مردم این دیار در دفاع مقدس و پشتیبانیهای انسانی مادی و معنوی از جنگ که بوسیله مردم با فرهنگ اصفهان به عمل آمد، سخنی هر چند با ایماء و اشاره گفته نشود، تقدیم ده ها هزار شهید به انقلاب اسلامی یکی از اشارات بجائی است که در کارنامه پر افتخار و خونبار ساکنین این استان برای همیشه تاریخ به ثبت رسیده است که نمی توان به سادگی از آن گذشت، روان شهیدان شاد و افتخار باز ماندگان پرافزون.

در اولین گام با فرمانده گردان ۳۲۲ پدافند هوایی گروه ۲۲ گفتگو می‌کنیم ایشان در سال ۱۳۶۴ فرماندهی آتشبار سوم گد ۳۱۸ را عهده‌دار بوده‌اند و بقیه ماجرا را از زبان جناب سرگرد ایرانشاهی می‌شنویم^۱:

برابر طرحهای ابلاغی از لشکر ۹۲، گردان ۳۱۲ توپخانه برای پشتیبانی آتش عملیات والفجر ۸ تعیین و اعزام گردید، اما بعد از حدود ۴۵ روز گردان ۳۱۸ توپخانه، گردان ۳۱۲ را تعویض نمود، من معاون آتشبار سوم بودم، در تاریخ ۶۵/۱/۳ در ساعت ۲ بعد از نصف شب فرماندهی گردان (سرگرد حجت الله توکلی). تلفنی فرمانده آتشبار را احضار کرد و چون ایشان در مرخصی بودند من رفتم، سایر فرماندهان آتشبارها آمده بودند، فرمودند: برای شناسائی آماده شوید، صبح زود فردا حرکت می‌کنیم، البته ماسک ضد گاز فراموش نشود، در برگشت سرگروه‌بان و سایر رؤسای رده‌ها را توجیه و دستورات لازم برای آماده شدن را صادر کردم و خود به قرارگاه گردان در ساعت مقرر برگشتم. گروه شناسائی سوار یک‌دستگاه جیپ استیشن غنیمتی از عراقیها شدیم و به سوی مقصد نا معلومی حرکت کردیم، در بین راه فرمانده گردان مقصد و هدف از شناسائی را برای ما گفتند در مقصد بدون اینکه از خودرو پیاده شویم، فرماندهی گردان محل تقریبی آتشبار را که نزدیک منبع آبی در قصوه بود تعیین کرد و پس از تعیین محل تقریبی دو آتشبار دیگر از مسیری که رفته بودیم برگشتیم، در برگشت، من مسیر را با دقت شناسائی و برای خود نقاط کمکی راهنما انتخاب کردم و ساعت ۳ بعد از ظهر به قرارگاه رسیدیم و فرماندهی گردان گفت اولین یگان بایستی در تاریکی شب حرکت کند با توجه به لطفی که نسبت به بنده داشتند! (خوب همشهری بودند و قد من هم از همه بلند تر بود) فرمودند: آتشبار سوم آماده حرکت باشد، من هم اطاعت کردم و به آتشبار نرسیده دستور جمع‌آوری دادم و با توجه به این که موضع در دید عراقیها بود و آمدن وسائل ترابری سنگین ممکن بود، عراقیها را متوجه تخلیه آتشبار کند، من با رعایت اصول حفاظتی، آتشبار را به طور نفوذی به عقب هدایت کردم و آتشبار به سه راهی فتح حرکت و در آنجا منتظر آمدن کمر شکن برای حمل توپها ماندیم. به هر حال با رسیدن وسائل ترابری، آتشبار به طرف سه راهی حمیدیه حرکت کردیم و پس از یک بازرسی کوتاه مقصد بعدی را پلیس راه اهواز - اندیمشک تعیین کرده، پس از آن در چهار شیر اهواز برای استراحت شبانه توقف نمودیم.

روز بعد ساعت ۶ صبح مجدداً براه افتادیم و این بار مقصد پادگان گلف اهواز بود. پس از سوخت‌گیری و صرف ناهار، به طرف مقصد بعدی ایستگاه ۷ آبادان حرکت کردیم. با توجه به ترافیک سنگین در تاریکی شب رسیدیم. در تاریکی شب و زیر باران تگرگ بسیار شدید، آتشبار سوم گردان ۳۱۲ راه‌ها و خود جایگزین آنها شدیم. دستور این بود که نباید آتش پشتیبانی قطع شود، لیست هدف‌ها را از فرمانده آتشبار تعویض شونده گرفتیم، توپ‌ها را روانه و سنگر هدایت آتش را برقرار کردم و اعلام آمادگی نمودم. آن شب را کسی نخواست و با طلوع آفتاب موضع را مورد بررسی قرار دادم مشکلات ارتباطی و تا اندازه‌ای استحکاماتی را برطرف کردم و آنگاه نفسی راحت کشیدم، زیرا قبل از آن دلهره داشتیم که اتفاق ناجوری رخ ندهد، آتشبار در بعد از ظهر آمادگی کامل اجرای مأموریت را داشت و هوای خوب بهاری هم روحیه مضاعفی بخشیده بود. از نکات مثبت اینکه در همان بعد از ظهر یکی از برادران سپاهی وابسته به توپخانه ۱۵ خرداد به من مراجعه و ضمن خوشامدگویی و پرسش در موارد کمبودها، مرا بخوبی در جریان منطقه، چالهای ارتباطی درخواست آتش، محل قرارگاه پشتیبانی شونده گذاشتند و برای شروع کار، یک تانکر سوخت و مقداری جیره خشک غذائی به آتشبار دادند.

روز بعد در یک اقدام ناباورانه، نماینده توپخانه ۱۵ خرداد به آتشبار آمدند و پس از خوش و بش گفتند، جمع کنید و به دنبال من بیایید، به همین سادگی من هم بدون اینکه چیزی بپرسم، به همان سادگی، به آتشبار گفتم “جمع کنید” راستش را بخواهید منم از این موضع به دلیل نزدیکی به قبرستان خوشم نمی‌آمد، جمع کردیم و پشت سر برادر و کیلی که سوار بر موتور سیکلت بودند راه افتادیم، برای اولین بار رود خروشان اروند را مشاهده کردم و در ساحل آن بالاچار متوقف شدیم، معلوم شد بایستی به آن سوی اروند برویم و از اینکه برای اولین بار بدون پاسپورت و دسته جمعی به یک کشور خارجی سفر می‌کردم، خوشحال بودم و امیدوار بودم که دست خالی برنخواهم گشت.

وسائل ترابری برای عبور از رودخانه، ۱۲ دستگاه قایق بودند که طارق نامیده می‌شدند، آتشبار در دو نوبت به ساحل غربی تخلیه شد و از آنجا بدون توقف حرکت کردیم و پس از عبور از یک دو خیابان در شهر فاو، از دروازه خروجی خارج شدیم و در ۸ کیلومتری دروازه شهر موضع گرفتیم، البته در بین راه تابلو، فاو ام‌القصر را مشاهده کردم. و این تنها خبری بود که به فرماندهی گردان مخابره کردم.

موضع آماده شده بود و در یک طرف توپها گذاشته شده بود و از طرف دیگر تعدادی سوله فلزی که با خاک پوشانده بود برای استراحت پرسنل مهیا شده بود. مواضع توپها بیشتر به سکوی تانک شباهت داشت تا به سنگر توپ، ولی اعتراض من به جایی نرسید و من هم سعی در بهبود شرایط موجود داشتم، به همین انگیزه برای توپها خاکریز تهیه و مهمات را به ۵۰۰ متری آتشبار تغییر دادم و خودروها را جایی که زمین اجازه می داد پراکنده کردم. و با پرسنل تا جایی که توانستیم شرایط را به نفع خود تغییر دادیم و خود را محکم کردیم.

دستور کاری به ما داده شد، ارتباط بی سیم چی با قرارگاه پشتیبانی شونده برقرار شد و از طریق این قرارگاه از ما درخواست آتش بعمل می آمد.

باز هم به عنوان یک نکته مثبت دیگر لازم است عرض کنم، حسن این عملیات این بود که من به عنوان فرمانده آتشبار (البته در غیاب فرمانده آتشبار) هیچگونه استرسی از جهت تدارکاتی نداشتم، بلکه آب یخ، غذا، سوخت، وسائل مهندسی و... خودبخود و اتوماتیک می رسید و معلوم هم نبود چطور و چگونه، تنها نگرانی، نگرانی شخصی من بود که مدت ۷۰ روز به مرخصی نرفته بودم و تازه داماد هم بودم و خدا خیرش بدهد فرمانده محترم آتشبار هم بموقع از مرخصی برنگشتند و ماه غسل مرا هم به تعویق انداختند! روزهای عید نوروز یکی پس از دیگری در فاو می گذشت و سیزده بدر را هم در کنار سنگر توپها بدر کردیم و روز چهاردهم بود که به فکر نظافت شخصی افتادم و آبی برای استحمام گرم کردم و مشغول شستن سر و تن خود بودم که پاترول فرمانده گردان را دیدم، با عجله خود را خشک و لباس پوشیدم و برای خوشامدگوئی نزد ایشان رفتم، چشمم به جمال فرمانده آتشبار روشن شد و نوید رفتن به مرخصی به مشام رسید.

نکته جالب اینکه، برخورد فرماندهی گردان بسیار دوستانه و محبت آمیز بود و از این که برای گردان در دسری ایجاد نکرده بودم بسیار خوشحال بودند و از من در چند نوبت تقدیر و تشکر (البته خشک و خالی) کردند. البته تعارفات زیاد طول نکشید و فرمانده گردان خطاب به من گفتند، "برو و آماده رفتن به مرخصی باش" فرماندهی آتشبار با شنیدن این حرف، خطاب به فرماندهی گردان گفتند: "اجازه بدهید یک دو روز مرا توجیه کنند و بعد بروند".

فرمانده گردان که به نظر می رسید از این که فرمانده آتشبار چند روزی دیرتر از وقت موعود از مرخصی مراجعت کرده بودند، عصبانی هستند، گفتند: "ستوان

ایرانشاهی از طلائی به بدن توجیه حرکت کرده اند و اکنون در فاو هستند و کسی هم به ایشان کمک نکرده است و چیزی هم نگفته اند و اظهار نارضایتی هم نکرده اند، آن وقت شما توجیه می خواهید. سر گروهیان شما را توجیه خواهد کرد "البته هدف فرماندهی آتشبار درست بود ولی فرمانده گردان شرایط مرا درک کرده بود و جایز نمی دانست بیشتر از این در موضع بمانم.

دستوراتی به فرمانده آتشبار داد و خدا حافظی کرد و مرا نیز به همراه خود به پشت جبهه برد تا از آنجا به مرخصی چند روزه بروم.

بسیار خوب تا اینجا به قول خودتان انصافاً خوب صحبت کردید و هیچ نقطه ابهامی نگذاشتید، الحمدلله در سکوی پرتاب برای رفتن به خرم آباد که زیاد هم راه دوری نبود قرار گرفتید، البته این نکته را هم نباید فراموش کنیم که ماه عسلی (یا بهتر است با توجه به شرایط بگویم هفته یا حداکثر دهه عسل) در پیش بود که باز هم به قول خودتان انصافاً روحیه ای مضاعف به شما داد، اما من هم قبل از اینکه از مرخصی برگردید چند سؤال دارم که باز هم به قول خودتان دوست دارم انصافاً جواب دقیق بدهید.

- در فاصله ده روزی که در فاو بودید، حجم کاری آتشبار چگونه بود؟

قبول بفرمائید انصافاً حجم درخواست تیر آنقدر بالا بود که هیچ روزی کمتر از ۷۰۰ الی ۷۵۰ گلوله تیراندازی نمی شد، بنابراین ما مجبور شدیم به طور شیفت کارها را تقسیم کنیم تا هم بچه ها بتوانند استراحت کنند و هم بتوانیم توپها را نگهداری کنیم. - هدفهای شما چگونه بودند؟

البته دیده بانان سپاهی نوع هدف را مشخص نمی کردند اما یگان در خط دشمن بطور دائمی زیر آتش ما بودند بطوری که امکان هر گونه حرکت را از آنان گرفته بودیم، منظورم تمام یگان های توپخانه ای بودند که این عملیات را پشتیبانی می کردند.

- از دو آتشبار دیگر گردان چه خبر؟

انصافاً در این مدت وقت نکرده بودم که به آنها سر بزنم و حتی نمی دانستم کجا هستند اما بعدها معلوم شد آتشبار دوم در ۱/۵ کیلومتری جنوب ما بودند و در منطقه ای بنام خور عبدالله مستقر شده بودند و مأموریت آنها دریائی بود یعنی بر علیه هدفهای روی دریا که معمولاً قایق هایی بودند که از اسکله های البکر و الامیه رفت و آمد می کردند. و آتشبار یکم هم در جاده فاو البهار مأموریتی شبیه ما داشتند، انصافاً مأموریت ما از همه خطرناکتر بود، زیرا در چهار کیلومتری دشمن قرار داشتیم.

- فعالیت نیروی هوایی خودی و دشمن را هم مقایسه بفرمائید ؟

فعالیت نیروی هوایی دشمن انصافاً بیش از حد بود و در روز چندین نوبت نه با یک فروند بلکه با ۴ فروند و در بعضی اوقات تا ۱۶ فروند را هم شمارش می کردیم، چندین بار مورد حمله قرار می گرفتیم که تلفات و ضایعاتی هم داشتیم. بیشتر اوقات از دریا می آمدند و در مرکز منطقه در جهات مختلف پخش می شدند و بمبهای خود را رها می کردند و چون منطقه آزاد شده فاو زیاد هم وسیع نبود در نتیجه بمبها به هر کی می خورد، هدف بود و تلفاتی کم و بیش بیار می آوردند.

- پدافند هوایی چه وضعیتی داشت ؟

همراه بعضی از یگان های توپخانه توپ ضد هوایی ۲۳ م م بودند اما در عمل کاری از آنان ساخته نبود، ناگفته نماند در این عملیات از پدافند اورلیکن مرکز توپخانه و سایتهای موشکی نیروی هوایی در شرق اروندرود خوب استفاده شد و چندین فروند هواپیما هم ساقط گردید اما حجم پرواز زیاد بود و زدن چند فروند محدودیت زیادی برای عراق ایجاد نمی کرد.

- از نیروی هوایی خودی بفرمائید ؟

بنظر من انصافاً نسبت به دشمن کمتر هواپیما داشتند. اولین شهید گروهبان وظیفه ای به نام رسولی بود که شخصاً شاهد شهادت ایشان در اثر بمباران هوایی بودم. این شهید از ناحیه سر مورد اصابت ترکش بمب قرار گرفت و بلافاصله جان به جان آفرین تسلیم کرد.

- من سؤال خاصی ندارم ادامه ماجرا را بفرمائید.

همان طوری که عرض کردم من از اولین مسافرت خارج از کشور برگشتم و بر خلاف معمول مجوز دو هفته اقامت در داخل کشور را گرفتم و به خرم آباد رفتم. انصافاً این دو هفته خوش گذشت. بفرمائید بیش از حد خوش گذشت.

همینطور است، انصافاً دلم نمی خواست زمان بگذرد اما کسی قادر به متوقف کردن زمان نیست و دو هفته هم زمان زیادی نیست و گذشت و بار دیگر ساکم را بستم و سفر خارج کشور را دوباره از سرگرفتم، این آمد و رفت ها چندین بار تکرار شد، در مرداد ماه اتفاق ناگواری افتاد که نقل آن شاید لازم باشد روزی فرمانده گردان جناب سرگرد توکلی برای بازدید آمده بودند نهار را با ما و دیگر بچه های آتشبار صرف کردند و پس از بوسیدن همه درجه داران و چند نفر از سربازان به قصد آتشبار یکم با ما خداحافظی کردند.

هنوز متفرق نشده بودیم که صدای هواپیماهای دشمن ما را زمین گیر کرد و هواپیمائی شیرجه کنان چند بمب رها کرد و بمبها چند کیلومتر دورتر از آتشبار بر زمین اصابت کرد و از بخت بد، بمبی نزدیک خود رو متوقف شده فرمانده گردان به زمین خورد و ایشان را به سختی مجروح می کرد. چند روز بعد متوجه شدیم که پای ایشان از بالای زانو قطع شده است و فرمانده گردان به همین انگیزه بازنشسته شدند و برای مدت کوتاهی سروان محمد مهدی آژیر سرپرست گردان شدند و بالاخره جناب سرگرد ناصر منتظر فرماندهی گردان شدند. درود به شرف این بشر، من از ایشان بسیار درس گرفتم، ایشان مشکلات بیش از حد گردان را یکی بعد از دیگری با صبر و درایت حل و فصل کرد، آماده کردن توپهای از کار افتاده و خودروهای تعمیری را با توجه به روابط حسنه ای که با سلسله مراتب داشت به زودی انجام گرفت، البته اطلاعات فنی ایشان زبان زد عام و خاص بود. به هر حال فرماندهی به تمام معنی بودند، خداوند پشت و پناهمان باشد. از این که قدر شناسی می کنید. بسیار متشکرم، این نشانه درایت و تجربه خوب شما هم است. البته لازم است بدانیم، باید از این چنین فرماندهانی درس بگیریم و با معرفی بهترینها، خوب و بد مشخص شوند، این صحبت های شما در این راستا می باشد.

- حالا دوست دارم کمی درباره درجه داران آتشبار صحبت کنید ؟

اگر شما هم نگفته بودید من از این دسته از همکاران که سنگینی آتشبار روی دوش آنها استوار بود. بر حسب وظیفه و از جهت قدردانی و قدر شناسی صحبت می کردم، من شاید یکی از خوشبخت ترین فرماندهان آتشبار بودم که با ۲۲ درجه دار بسیار کار آزموده و رشید و با حمیت کار می کردم، در هر توپ ۳ نفر درجه دار کادر با تجربه سازمان یافته بودند که در غیاب ستوانیار، از استوار و یا حداقل از یک گروهان کاردان به عنوان رئیس توپ استفاده می کردم بعلت ارتباط خوبی که ایجاد شده بود، هیچگاه وسیله ای بدون سرپرست نبود و هیچ گاه وسیله ای بدون نگهداری حتی در تاریکی شب ترک نمی شد. اکنون که سالهاست از جنگ می گذرد بهترین دوستان من در میان همین همکاران خوبم در جبهه می باشند، آنها کم توقع و پر تلاش و خونگرم ظاهر شدند. خداوند یار و یاور آنها باشد. متأسفانه زبانم قاصر است که حق مطلب را ادا کنم امیدوارم آنانی که دست به قلم دارند در این باره قلم فرسائی کنند که شاید بشود گوشه ای از فداکاریها و جانبازیها و رشادتهای این عزیزان را برای ثبت در تاریخ و آیندگان، نگارش گردد.

- از همکاران در آتشبار گفتید، از چگونگی پشتیبانی‌های فرمانده و ستاد گردان نیز صحبت بفرمائید؟

من همین جا باید این نکته را بگویم با وجود این که قرارگاه گردان در شرق اروند و در مکانی مناسب و دارای امکانات خوبی بود اما فرمانده گردان با قبول خطر و زحمت فراوان بیشتر وقتش را با آتشبارها بود و از نزدیک بر کار آنها نظارت می کرد، حداقل هر ۲ الی ۳ روز یکبار با فرصت در یک آتشبار حضور پیدا می کرد در نتیجه رئوسای ارکان ستاد هم مجبور به آمدن و سرکشی بودند و از این بابت مشکلات احتمالی بهتر و زودتر برطرف می شد با گذشت زمان نیاز ما به گردان بیشتر و بیشتر می شد، من قبلاً گفتم در عملیات فاو، هیچ گونه مشکل تدارکاتی نداشتیم و بخصوص از نظر مواد غذایی، زیاده روی می شد، اما این وضعیت در سال ۱۳۶۶ کم کم تغییر کرد. از آنجایی که با گذشت زمان، اهمیت عملیات والفجر ۸ و آزاد سازی فاو کم و کمتر می شد، وجود نیروهای مستقر در فاو هم به فراموشی سپرده می شد تا جایی که تدارک یگان‌ها حتی از نظر غذا و آب با مشکل روبه‌رو شد و دیگر نه از غذاهای آماده خبری بود و نه از کمک‌های مردمی و دست و دلبازیهای سپاه پاسداران. مشکل به آنجا رسید که فرماندهان آتشبارها مجبور شدند از گردان تقاضا نمایند که به طور معمول ما را تدارک نماید. که البته با توجه به مسافت ۱۰۰ کیلومتری که گردان از آتشبارها داشت این کار بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن بود. به عنوان یک خاطره تلخ و در رابطه با تدارک عرض کنم، یک روز نهار سرباز مقسم به نام سیروس علی حسینی به من مراجعه کرد و گفت من نمی توانم غذا را تقسیم کنم، دلیل را پرسیدم، گفت باید ببینید رفتم غذا را که یگان پشتیبانی شونده (توپخانه یونس) بما داده بود، ماکارونی بود و حداکثر برای ۵ الی ۶ نفر کفایت می کرد، من غذا را با دیگ مربوطه برداشتم و به آتشبار یکم که در نزدیکی ما بود رفتم، آنها هم وصفی شبیه ما داشتند، همراه فرمانده آتشبار یکم به قرارگاه گردان رفتیم ماجرا را گفتیم، معاون گردان در غیاب فرمانده گردان که در مرخصی بودند، با متانت و اظهار نگرانی از این وضعیت گفتند چند روزی صبر کنید تا با آمدن فرمانده گردان فکری بکنیم، در نهایت این اعتراض عملی ما سبب شد که گردان یک آشپزخانه صحرایی به ما داد و ما آشپزخانه ای با کمک آتشبارهای یکم و دوم و به مسئولیت خود من در مدرسه شهر فاو دایر کردیم و از آن تاریخ وضعیت غذایی آتشبارها روی روال خود افتاد.

- جناب سرگرد ایرانشاهی، شما چند بار از فرمانده گردان تشکر کردید و از ایشان تعریف نمودید، البته این حق شماست که تعریف و تمجید کنید اما در رابطه با تخصص حرفه‌ای چند سؤال مطرح است که از شما می‌خواهم بدرستی به آن جواب دهید.

اول اینکه، چرا قرارگاه گردان با آتشبارهای تیر بایستی ۱۰۰ کیلومتر فاصله داشته باشد؟ و سؤال بعد اینکه چرا گردان نباید رسدهای غذاخوری را فعال کند و از شما بخواهد خود با استفاده از امکانات آتشبارها این کار را انجام دهید؟

در ابتدای عملیات، وجود آتشبار ارکان برای آتشبارهای زیاد محسوس نبود و اصولاً به آنها نیازی نبود، همین که مهمات آتشبارها را تهیه می‌کردند. کافی به‌نظر می‌رسید، البته یگان پشتیبانی شونده هم تمایل به آمدن قرارگاه‌های گردان و فعال شدن آنها نداشت، آنها فقط آتش می‌خواستند و ما هم جواب می‌دادیم. در نتیجه قرارگاه گردان در فاصله ۱۱۸ کیلومتری برقرار شده بود و امکاناتی هم فراهم کرده بودند و خودشان هم می‌آمدند و می‌رفتند و شاید نیاز هم نمی‌دانستند که به فاو بیایند، اما با گذشت زمان وضعیت فرق کرد و بایستی قرارگاه گردان تغییر مکان می‌داد که البته اظهار نظر در این باره در آن زمان با من ستوان نبود در مورد سؤال دوم، باید عرض کنم رسد غذاخوری گردان امکانات آنچنانی برای ریختن غذا و تدارک آتشبارها نداشت که من این مسئولیت را پذیرفتم و الحمدالله مشکل برطرف شد.

- گرچه صحبت‌های شما همراه با حسن نیت است، اما این سؤال همچنان باقی است که گردان در مورد آتشبارهای خود با بی تفاوتی عمل کرده است. به هر حال سؤال بعدی من این است که بفرمائید ماندن در فاو چگونه ادامه پیدا کرد؟

به‌طور کلی عراقیها تا نیمه دوم سال ۶۵، ۳۳ بار اقدام به پاتک و حمله گسترده برای باز پس گیری فاو کردند اما عزم پاسداران و بسیجیان سلحشور و وجود توپخانه‌های قدرتمند نزاجاً هر بار آنها را ناکام گذاشت و به یگان‌های پاتک کننده که از کلیه امکانات هم برخوردار بودند تلفات و ضایعاتی وارد می‌کردند و آنها با ناکامی منطقه را ترک می‌کردند، از نیمه دوم سال ۶۵، جبهه فاو رو به آرامش گذاشت و شاید هم عراقیها به این نتیجه رسیده بودند که امکان موفقیت ندارند، و متأسفانه ما هم کم کم بی انگیزه شده بودیم و موضوع را با اهمیت تلقی نمی‌کردیم تا اینکه بار دیگر ارتش عراق در تاریخ ۶۶/۶/۲۰ اقدام به یک حمله سازمان داده شده کرد که این بار هم ناموفق ماند، در این رابطه در همان روز از طرف قرارگاه نوح ۱ که ما پشتیبانی آتش آن بودیم احضار

شدم، به آنجا رفتم ملاحظه کردم سه نفر اسیر عراقی باز جوئی می شوند، از ستوانیکمی که دارای هیکل بسیار درشتی بود، پرسیدند، دلیل شکست امروز شما چه بود او بلافاصله گفت: تنها دلیل شکست ما، آتش پر حجم توپخانه بود که همه جا را گلوله باران کرد و دیگر نتوانستیم بمانیم و دستور عقب نشینی به مواضع داده شد.

- شما که از توپخانه تعریف می کنید من هم که یک توپچی هستم بر خود می بالم پس از این شکر خورد کردنها بفرمائید تا کی در فاو ماندید ؟

تا روز ۶۷/۱۱/۲۸ یعنی روز تخلیه فاو، یگان ما و یا بهتر بگویم توپخانه ها اولین یگان هایی نبودند که وارد فاو شدند اما بدون شک آخرین یگان هایی بودند که فاو را تخلیه کردند و از این بابت درس مقاومت را تا آخرین لحظه از خود به یادگار گذاشتند. اجازه می خواهم ماجرا را بطور کامل تعریف کنم.

- حتماً این کار را بکنید و با توجه به اهمیت موضوع سعی بفرمائید. آنچه به یاد دارید لحظه به لحظه تعریف کنید، متشکر می شوم.

شب ۶۷/۱۱/۲۷ را با گفتگو و خوش و بش با چند نفر از درجه داران به پایان رساندیم. در همین شب درخواست چند نفر از درجه داران از جمله حسین علی تاجیکی را برای مرخصی دیدم اما ناخودآگاه، امضاء نکردم و آنرا برای فردا گذاشتم. روز بعد شروع شده بود یعنی ساعت از ۱۲ شب گذشته بود که به سنگر خود برگشتم هنوز نخواستیده بودم که صدای چند انفجار را شنیدم. البته صدای گاه به گاه چند انفجار گلوله توپخانه چیز تازه ای نبود، خود شما می دانید جبهه جای انفجار و تیراندازی و زخمی و شهید است نه چیز دیگر، زیاد توجه نکردم دراز کشیدم که بخواهم که تلفن قورباغه ای با آن صدای نکره اش به صدا درآمد، سرباز شمس الدین کاکوئی متصدی تلفن گفت، جناب سروان، حال حسین علی تاجیکی (رئیس رسد مخابرات) خوب نیست و دارد می میرد پرسیدم چرا ؟ گفت نمی دانم از سنگر بیرون بود. وقتی داخل سنگر شد افتاد و بسیار ناراحت است، بلند شدم، ساعت را نگاه کردم ساعت درست ۰۴۳۵ بود که از سنگر بیرون رفتم، آتش تهیه ارتش عراق با شدت تمام شروع شد و شدت آن طوری بود که نتوانستم خودم را به سنگر مخابرات برسانم، به سنگر خودم برگشتم، ۲ الی سه دقیقه بعد قصد رفتن کردم و خودم را به سختی به سنگر مخابرات که در مسافت ۲۵۰ متری بود رساندم با دیدن او متوجه فاجعه شدم، او شیمیایی شده بود و چشمانش از حدقه بیرون آمده بود و یارای نفس کشیدن نداشت و خون استفرغ می کرد، کار او تقریباً تمام شده بود و همچنین احساس می کردم من هم قادر به تنفس

نیستم، به سرباز کاکوئی گفتم ماسک بزند و ماسک تاجیکی را نیز به من بدهد اما خود ماسک زد و نتوانست ماسک رئیس رسد مخابرات را پیدا بکند، از سرباز خواستم ماجرا را به گردان گزارش کند و تقاضای کمک نماید. من در حالی که به سختی جایی را می دیدم بفکر افتاد از فرمانده آتشبار یکم کمک بخواهم زیرا می دانستم تمام پرسنل آتشبار شیمیایی شده اند، به او گفتم به داد ما برسد، و با این حال از سنگر بیرون رفتم که از وضعیت پرسنل با خبر شوم، به سختی قدم برمی داشتم در مسیر چند قدم دورتر دو سرباز را دیدم به صورت کتابی افتاده اند، آنچه یادم هست این است که توپهای آتشبار را به اندازه قوطی کبریت می دیدم، احساس می کردم دارم باد می کنم و سرم گیج می رفت و افتادم، در این موقع بود که فکر می کردم کارم تمام شده است از خداوند خواستم کاری کند که جسد من به میهن اسلامی باز گردد و بدست عراقی ها نیفتد، برابر معتقدات خود شهادتین را خواندم و دیگر چیزی نمی دانم تا ۸/۵ ساعت بعد که در بیمارستان به هوش آمدم.

- سرنوشت آتشبار به کجا کشید ؟

آنچه را که از این به بعد می گویم بعدها برایم نقل، قول کرده اند و از زبان همکاران می گویم. فرمانده آتشبار یکم با تقاضای کمک من دست بکار می شود و با آمبولانس و چند نفر به آتشبار می آید و در چند نوبت ۳۰ الی ۴۰ نفر از پرسنل که کاملاً شیمیایی شده بودند را به بیمارستان فاو تخلیه میکند و آنطوری که خود برایم تعریف کرد در آخرین بار آمبولانس از کار می افتد و آنها مجبور می شوند پیاده به آتشبار خودشان برگردند، من از این همکار فداکار و رشید در مقابل شما تشکر می کنم و او را ناجی ۳۰ الی ۴۰ نفر از پرسنل آتشبار خود می دانم.

جالب است که بدانید، فرمانده آتشبار دوم نتوانسته بود مرا تخلیه کند، زیرا ایشان می گفتند، وضعیت پرسنل طوری بود که با دیدن آنها همه چیز و همه کس را فراموش می کردم و تنها کسانی را که می دیدم بلافاصله در آمبولانس می گذاشتم و با پر شدن آمبولانس حرکت می کردم. برایم فرق نمی کرد که کی را می برم و یا کی را باید ببرم.

با روشن شدن هوا تعدادی از درجه داران با غیرت آتشبار که کمتر صدمه دیده بودند بفکر نجات آتشبار می افتند و سراغ مرا می گیرند، کسی به من گفت او را ببخشم، گفتم چرا، گفت من فکر می کردم، شما سوار جیپ شده اید و ما را تنها گذاشته اید، اما بعداً به اشتباه خود پی بردم، زیرا ما جیپ شما را کنار سنگر دیدیم و به جستجو پرداختیم، شما را در ۱۰ الی ۱۵ متری سنگر مخابرات در داخل گودالی دیدیم که کاملاً بیهوش

هستید و خشک شده اید آنها مرا به بیمارستان فاطمیه در فاو و از آنجا با توجه به وضعیت وخیمی که داشته ام مرا به بیمارستان علی بن ابی طالب در سه راهی ماهشهر، آبادان می برند. وضعیت آتشبار را با عدد و ارقام ذکر می کنم.

از پرسنل آتشبار سه نفر شهید و متأسفانه جسد آنان جا ماند، اولی را خدمتان عرض کردم، استوار یکم حسین علی تاجیکی به بیمارستان فاطمیه تخلیه می شود اما دیگر از وی خبری در دست نیست، نفر دوم گروهان سوم وظیفه محمد علی فروتن که کسی او را ندیده است، و معلوم نشد که سرنوشت او به کجا کشیده است و آخرین نفر، سرباز حسن نیک بخت که جسدش در بیمارستان جا می ماند، بقیه پرسنل آتشبار به جز چند نفر به نامهای، استوار منصور حیدری، گروهان کرم پرونده و سرباز منصور کوچک دزفولی و سرباز مخابرات و یکی دو سرباز دیگر کاملاً شیمیایی می شوند، این چند نفر که نام بردم با رشادت و خونسردی، پرسنل مصدوم را به بیمارستان تخلیه می کنند و سپس اجباراً وقتی می بینند اوضاع بسیار خراب است و پرسنل در خط در حال عقب نشینی هستند، خود سوار بر جیپ کا-ام می شوند و همراه یگان های در خط عقب نشینی می کنند. بنابراین از آتشبار سوم گردان فقط و فقط یک جیپ به عقب آورده می شود. خوشبختانه پرسنل مصدوم از بیمارستان با استفاده از امکانات بیمارستان به بیمارستانهای ل ۹۲، بیمارستان علی بن ابی طالب، بیمارستان اهواز و جاهای دیگر تخلیه و نجات پیدا می کنند.

- از ۲ آتشبار دیگر گردان چه خبری دارید ؟

متأسفانه وضعیت آتشبار دوم با وجود این که شرایط ما را نداشتند و البته مورد تک شیمیایی قرار نگرفته بودند، ولی بعلت نبودن فرمانده آتشبار و معاون آتشبار، ۱۱ نفر شهید بر جای گذاشتند که هرگز جسد این ۱۱ نفر پیدا نشد و آتشبار به طور کامل باقی ماند اما، آتشبار یکم، که در محور فاو البهار مستقر بود به همت فرمانده و پرسنل آتشبار کاملاً تخلیه شد و تنها یک نفر شهید بجای گذاشت البته مهمات این آتشبار و یک یا دو وسیله خراب نیز بجا ماند.

- جناب سرگرد، گرچه می شود، جواب سوال بعدی را از گفته های شما استنباط کرد، اما برای نتیجه گیری بهتر شما فکر نمی کنید اگر استوار شهید تاجیکی مانند سرباز کوکائی از ماسک استفاده می کرد، هرگز شهید نمی شد ؟ و یا اگر خود شما ماسک همراه داشتید قطعاً وضعیت آتشبار بهتر از آنچه گفتید می شد.

من آدم رُکی هستم و این انتقاد را قبول دارم اما خدا را شاهد می گیرم، من بارها از پرسنل آتشبار خواسته بودم اگر با لباس نمی خوابند ولی دو چیز را در دسترس داشته باشند، اول تفنگ و بعد ماسک، بارها هم از این بابت با بسیاری از همکاران بگو مگو کرده بودم و شاید هم اگر ما شهید کمتری دادیم بعلت استفاده از ماسک بود که البته چون حجم مواد شیمیایی در آتشبار بسیار بالا بود، با وجود استفاده از ماسک پرسنل مصدوم شدند، ولی اینکه چرا خودم بی توجه بودم، فرصت پیدا نکردم و در لحظه بیرون آمدن از سنگر خواب آلود بودم.

- از دیگر یگان های توپخانه مستقر در بندر فاو خبری دارید ؟

آنچه بعداً معلوم شد هیچ یک از گردان های توپخانه مستقر در فاو قبل از یگان های در خط منطقه را ترک نکرده بودند و به دلیل این که عقب نشینی یگان های مانوری یک عقب نشینی تاکتیکی نبود بلکه تحت فشار انجام گرفت تقریباً درصد بالایی از سلاح های توپخانه در فاو باقی ماند. از جمله این یگان ها می توان یک گردان ۱۵۵ م م از لشکر ۱۶، یک آتشبار ۲۰۳ م م از لشکر ۲۱، گردان تیپ هواپرد و یک آتشبار ۱۰۵ م م لشکر ۳۰ و یک گردان ۱۳۰ م م از لشکر ۳۰ اشاره کرد.

- آخرین سؤال اینکه: آیا یگان های سپاه پاسداران برابر سازمان رزمی تا هنگام تخلیه در فاو مانده بودند؟

من از نظر درجه رقی نبودم که سازمان رزمی سپاه را بدانم، اما یگان های اصلی سپاه یعنی لشکرهای ۱۴، ۲۵، ۲۷ و چند تیپ دیگر و قرارگاه های توپخانه ۱۵ خرداد و ۴۲ یونس و نوح ۱ در فاو بودند و فرماندهان آنها را می دیدم.

- ضمن تشکر از شما که با حوصله و دقت به سؤالات من پاسخ گفتید، اگر مطلب خاصی دارید که بتواند ناگفته ای را بیان کند بفرمائید.

حرف و حدیث زیاد است برای هر روز از ۲۶ ماهی که در فاو بودم. می توان یک خاطره گفت، آنچه در پایان می گویم اینست که بردن توپخانه بداخل فاو مطابق اصول تاکتیکی نبود، به عنوان مثال تمام هدفهایی که از من درخواست گردید که بزنم از همان موضع قبلی (قصوه) می توانستم زیر آتش قرار دهم بنابراین دلیلی وجود نداشت که در ۳۰۰ متری خط مقدم قرار بگیرم.

- خسته نباشید، خدا حافظ.

در رابطه با پژوهش دانشکده بهداشت و درمان نزاچا

در بخش دستاوردهای آموزشی، یکی از اهداف اصلی کتاب، انعکاس دستاوردهای آموزشی عملیات والفجر ۸ بیان گردید. و با توجه به اهمیت تحلیل‌های علمی، پژوهشی از همکاران درخواست گردید، نویسنده را در این مهم با هدف پربار کردن محتوای آموزشی کتاب یاری دهند.

خوشبختانه قبل از انتشار کتاب از طریق هیئت معارف جنگ اطلاع پیدا کردم که گروهی از همکاران اندیشمند، صدیق و تلاشگر در دانشکده بهداشت و درمان نزاچا در یک اقدام اساسی، بر روی مجروحین عملیات والفجر ۸ یک پژوهش ارزشمند انجام داده‌اند که حاوی دستاوردهای علمی قابل توجه‌ای می‌باشد. از این رو ضمن قدردانی از این همکاران، نتایج پژوهش انجام شده بدون هیچگونه اظهار نظری به عنوان پیوست ارائه می‌گردد که امیدوارم مورد بهره برداری برنامه ریزان دفاعی کشور قرارگیرد.

پیوست:

بسمه تعالی

نگرشی بر مجروحین عملیات والفجر ۸ دانشکده بهداشت و درمان مرکز آموزش بهداشت و درمان نزا هیات معارف جنگ شهید صیاد شیرازی

- ۱- سرتیپ ۲ بازنشسته دکتر نامجونیک
- ۲- سرهنگ پزشک فریور متقی
- ۳- سرهنگ بهداشت و درمان داود مقیسه
- ۴- سرهنگ دوم پزشک حسن لباف قاسمی
- ۵- سرگرد پزشک مسعود دانشمند وزیری

چکیده:

فرماندهان در صحنه عملیات در برآوردهای مختلف خود همواره به این می‌اندیشند که تا حد امکان ماموریت‌های خود را با تلفات رزمی کمتری به سرانجام برسانند، از این رو پژوهشی از طریق دانشکده بهداشت و درمان نزا بر روی مجروحین عملیات والفجر ۸ به عمل آمد که نتایج آن بر اساس جداول و نمودارهای استخراج شده نشان‌دهنده نیاز رزمندگان به استفاده از وسائل حفاظتی در سطحی فراگیر است که در نهایت کاهش تلفات رزمی بویژه مجروحین میدان جنگ را سبب می‌گردد. لازم به ذکر است که اطلاعات موجود مربوط به گروهی از مجروحین می‌باشد که از فرودگاه اهواز تخلیه شده‌اند و این اطلاعات مربوط به مجروحین مرحله آفندی از مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ الی ۶۴/۱۱/۲۴ می‌باشد.

روش تحقیق:

جامعه آماری عبارت است از اطلاعات موجود از تعداد و نوع مجروحین عملیات والفجر ۸ روش نمونه‌گیری: استفاده از آمارهای موجود مجروحین تخلیه شده از فرودگاه اهواز از مورخه ۶۴/۱۱/۲۰ لغایت ۶۴/۱۱/۲۴ و سپس دسته‌بندی اطلاعات تحت عناوین ذیل:

- الف) جدول و مشخص‌کننده ترکش به اعضا بدن.
- ب) جدول و مشخص‌کننده تیر به اعضا بدن.
- ج) جدول و مشخص‌کننده نوع آسیب.
- د) جدول و مشخص‌کننده نوع اعزام نیرو.

یافته‌ها

آمار اصابت ترکش به کل اعضا بدن در عملیات آفندی والفجر ۸ در ۵ روز اول عملیات:
(دست: ۹۵۶) - (پا: ۱۴۴۳) - (شکم: ۳۲۹) - (صورت: ۳۲۰) - (سر: ۱۴) - (پشت: ۶۲۵)
- (سینه: ۲۲۱) - (بدن: ۳۱) - (گردن: ۱۱۷)

جمع: ۴۵۲۲ مورد

آمار مشخص کننده تیر به اعضا بدن:
(پا: ۱۷۵) - (شکم: ۵۰) - (دست: ۱۴۱) - (پشت: ۸۳) - (صورت: ۱۶) - (سر: ۱۴) - (سینه: ۲۲۱) - (گردن: ۸)

جمع: ۷۰۸ مورد

آمار مشخص کننده آسیب:
(ترکش به اعضا: ۴۵۲۲) - (شیمیایی: ۸۴۳) - (کما: ۵۴) - (تیر به اعضا: ۵۲۰) - (شکستگی: ۹۵) - (موجی: ۲۹۵) - (متفرقه: ۱۴۵)

جمع: ۶۴۷۴ مورد

آمار مشخص کننده نوع نیروهای مجروح شده:
(بسیجی: ۲۹۸۰) - (جهادی: ۴۷) - (افسر: ۲۲) - (پزشک و امدادگر: ۱۳) - (سرباز: ۱۷۶۱) - (درجه دار: ۴۰) - (مجهول الهویه: ۱۲۵) - (روحانی: ۱۳) - (متفرقه: ۲۷)

جمع: ۵۰۲۸ مورد

بحث و پیشنهاد

بنابر آنچه که در مطالعه جدول مشخص کننده اصابت ترکش به کل اعضا بدن در عملیات آفندی والفجر ۸ یعنی در پنج روز اول حاصل گشته است، نشان می‌دهد که بیشترین مکان آسیب پذیر در این مجموعه ناحیه پا (۱۴۴۳ مورد) و سپس ناحیه دست (۹۵۶ مورد) بوده است، بطوریکه جمع مجروحین از نواحی دست و پا (اندام‌ها) $(۱۴۴۳+۹۵۶=۲۳۹۹)$ نفر بوده که بیشتر از نصف کل مجروحین (۴۵۲۲ مورد) از سایر نقاط بدن بوده است. لذا برای کاهش پیک اول در جدول آسیب به نظر می‌رسد که آموزش استفاده صحیح از عوارض زمین، توانایی انجام حرکات خیز، اجرای نحوه صحیح آتش و حرکت در هنگام عملیات و از طرف دیگر استفاده از وسایل ایمنی مهمی مثل زانوبند ضد گلوله و کفش‌های ضد ترکش می‌تواند تا حدودی باعث کاهش پیک اول گردد.

در پیک دوم آسیب بیشتر متوجه شکم و پشت و تنه و در پیک سوم آسیب بیشتر متوجه قفسه سینه فرد می‌باشد که می‌تواند باعث فوت فرد مصدوم گردد.

لذا با استفاده از یک جلیقه ضد گلوله به راحتی می‌توان این ۳ محل آسیب پذیر را محافظت نموده و آمار مجروحین و تلفات را بشدت کاهش داد.

از آنجا که به ازای مصدومیت و مجروحیت هریک نفر، حداقل ۲ نفر مشغول حمل مجروح گشته و یک نفر نیز به مداوا و امداد رسانی باید بپردازد و همچنین سیکل تخلیه مجروح باید انجام گردد که در این مسیر حتی در صورت عدم وجود معلولیت که نیاز به حمایت و پیگیری مداوم و گاهی تا آخر عمر مجروح خواهد داشت، برای سیر مراحل درمان و بهبودی و بازتوانی هزینه‌های هنگفتی مورد نیاز است از طرف دیگر مجروحیت فرد باعث کاهش توان رزمی و احیاناً ناتمام ماندن ماموریت فرد و یگان مربوطه می‌گردد. لذا بنظر می‌رسد انجام هزینه تامین و تجهیز یگان‌ها با پوشش جلیقه و زانو بند ضد گلوله در جهت پیشگیری از مجروحیت و معلولیت از هر نظر مقرون به صرفه می‌باشد.

توجه به جدول اصابت تیر به اعضا بدن نشان می‌دهد که محافظت سر با کلاه آهنی علی‌رغم آفندی بودن عملیات و در معرض تیر قرار گرفتن رزمندگان خط مقدم و تک کننده تا چه حد توانسته است از مجروحیت و معلولیت آنها جلوگیری نماید (تنها ۱۴ مورد از ۷۰۸ مورد) اما با این حال در جدول اصابت ترکش به اعضا بدن میزان اصابت به سر افزایش قابل توجهی نشان داده است (۴۳۰ مورد). با توجه به اینکه یگان‌های پشتیبانی بیشتر در معرض اصابت ترکش واقع می‌شوند لذا به نظر می‌رسد اولاً توجه و آموزش رزمندگان در اهمیت استفاده از کلاه آهنی کافی نبوده است لذا طراحی کلاهی با وزن کمتر و فیزیک مناسبتر و قابل تحمل برای رزمنده و همچنین توجه و آموزش کافی رزمندگان در اهمیت استفاده از کلاه آهنی و کنترل بیشتر فرماندهان در تحقق این امر می‌تواند باعث کاهش چشمگیر مجروحیت و معلولیت از این ناحیه گردد.

توجه به جدول نوع آسیب نشان می‌دهد ترکش به اعضا پیک اول جدول می‌باشد و بالاترین آمار را به خود اختصاص داده است. لذا توجه به نوع سنگرها، پوشش مناسب سنگرها، ایجاد خطوط رابط بین سنگرها برای حرکت و جابجایی رزمندگان و دیگر تدابیر مهم در این موارد می‌تواند باعث کاهش مجروحیت و معلولیت گردد.

پیک دوم در این جدول مربوط به مصدومین ش م ه می باشد. برای رفع این نقیصه نیز آموزش کافی و تمرین به دفعات و تجهیز کلیه رزمندگان چه در خط مقدم و چه در یگان‌های پشتیبانی لازم به نظر می‌رسد. میزان آموزش، روشهای آموزش و تمرین باید در حدی باشد که کارکنان به این باور برسند که استفاده نکردن و یا اطلاع نداشتن از چگونگی استفاده از تجهیزات ضد ش م ه تا چه حدی می‌تواند برای آنان خطرناک باشد و به عکس در صورت استفاده صحیح از این تجهیزات تا چه حدی می‌توانند خود را از خطر برهانند.

در جدول نوع نیروی دچار مجروحیت پیک جدول مربوط به رزمندگان بسیجی و پس از آن سربازان ارتش می‌باشد. از آنجاییکه در این عملیات نیروهای خط شکن و عمل کننده از رزمندگان بسیجی بوده است و همچنین به سبب دوره‌های آموزشی کوتاه مدت این نوع نیروها، شاید میزان مجروحیتشان قابل توجیه باشد ولی با توجه به اینکه در این عملیات نیروهای ارتش از نوع یگان‌های توپخانه و پشتیبانی رزمی بوده‌اند، این تعداد مجروحیت سرباز از تعداد سربازانی که می‌توان برای مجروحیت پیش بینی نمود بیشتر است که برخی از علل آن توضیح داده شد. با این وصف به نظر می‌رسد میزان پیش بینی مجروحیت در یک یگان رزمی با پشتیبانی با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و امکانات نظامی دشمن‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران نیاز به بازنگری داشته باشد و به عبارت دیگر ما هم باید توان دفاعی و مکانیزم‌های حفاظتی از کارکنان نظامی را در جهت کاهش تلفات افزایش دهیم و هم میزان انتظارمان را قبل از عملیات به واقعیت نزدیکتر نماییم. تا به هنگام تخلیه مجروحین با مشکل مواجه نگردیم و پیش بینی‌های لازم از قبل انجام شده باشد.

جدول مشخص کننده جراحات‌ها

ترکش به پا	ترکش به دست	ترکش به صورت	ترکش به شکم	ترکش به پشت	ترکش به سر	ترکش به بدن	ترکش به سی‌نه	ترکش به گردن
۱۴۴۳	۹۵۶	۳۲۰	۳۲۹	۶۷۵	۴۳۰	۳۱	۲۲۱	۱۱۷
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو

تیر به پا	تیر به دست	تیر به صورت	تیر به شکم	تیر به پشت	تیر به سر	تیر به سینه	تیر به گردن
۱۷۵	۱۴۱	۱۶	۵۰	۸۳	۱۴	۳۳	۸
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو

موجی	کما	شکستگی	شیمیایی	متفرقه	قطع عضو	سوختگی بدن
۲۹۶	۵۴	۹۵	۸۴۳	۱۴۵	۲۶	۲۲ نفر
عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	عضو	

جمع کل: ۶۵۲۳ - جمع کل تیر به اعضا: ۵۲۰ عضو - جمع کل ترکش به اعضا: ۴۵۲۲ عضو

جدول مشخص کننده نوع اعزام

بسیجی	۲۹۸۰ نفر
سرباز	۱۷۶۱ نفر
جهادی	۴۷ نفر
درجه دار	۴۰ نفر
افسر ارشد	۱ نفر
افسر	۲۱ نفر
مجهول	۱۲۵ نفر
امداد درمان	۸ نفر
روحانی	۱۳ نفر
دکتر	۵ نفر
متفرقه	۲۶ نفر
مجاهد عراقی	۱ نفر
جمع کل	مجموعاً ۵۰۲۸ نفر

منابع

- احمدی، سرهنگ ستاد؛ عملیات والفجر ۸: فاو؛ تهران: دافوس، ۱۳۷۸.
- استرآبادی، مهدی خان؛ تاریخ جهانگشای نادری
- اسدی، هیبت اله؛ نشریه ضد آتش؛ معاونت آموزشی نزاآ؛ تهران؛ ۱۳۷۰.
- السامرائی، وفیق؛ ویرانی دروازه شرقی؛ ترجمه عدنان قارونی؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز فرهنگی، ۱۳۷۷.
- تافلر، الوین؛ جنگ و ضدجنگ؛ ترجمه شهیندخت خوارزمی؛ تهران: سیمرغ، ۱۳۷۲.
- تیرمن، کنت؛ آر؛ سوداگری مرگ؛ ترجمه احمد تدین؛ تهران: فرهنگ خدمات رسا، ۱۳۷۳.
- حسینیا، احمد، سرهنگ؛ امیر خستگی ناپذیر؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- حسینیا، احمد، سرهنگ؛ صیاد دلها؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- حسینی، سید یعقوب، سرهنگ؛ تاریخ جنگ تحمیلی تا ۳۱ شهریور ۵۹؛ هیات معارف جنگ؛ زیر چاپ؛ ۱۳۸۵.
- دانشگاه افسری امام علی؛ نفس جنگ، مجموعه مقالات سال تحصیلی ۸۱-۸۲
- دانشجویان دانشگاه افسری؛ تهران
- دانشکده فرماندهی و ستاد؛ نیروهای مشترک و مرکب؛ تهران: ۱۳۸۲.
- درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۹.
- درودیان، محمد؛ از خرمشهر تا فاو؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۹.
- درودیان، محمد؛ فاو تا شلمچه؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۸.
- درودیان، محمد؛ جنگ، بازبایی، ثبات؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۸.
- درودیان، محمد؛ شلمچه تا حلبچه؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۶.
- دهقان، احمد؛ ناگفته‌های جنگ، خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی؛ خاطرات؛ تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۹.

رستمی، محمود، سرتیپ؛ فرهنگ واژه‌های نظامی؛ تهران: سماجا، ۱۳۷۸.
ریچادسون، اف ام؛ روحیه جنگی؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۲.
سمیعی، علی؛ کارنامه توصیفی عملیات‌ها؛ تهران: نسل کوثر، ۱۳۸۲.
عقیدتی سیاسی ارتش؛ نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: ۱۳۷۳.
گروه پژوهش و نگارش انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش؛ اعجوبه قرن؛ تهران: ۱۳۷۷.

لطفیان، سعیده؛ ارتش و انقلاب اسلامی؛ تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
مبلغ، محمد؛ مجموع خاطرات؛ تهران: ۱۳۷۷.
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ گزارش سقوط فاو: سند شماره ۶۹۷.
نداف، مجید؛ نبرد فاو: گزارش عملیات والفجر ۸: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹.
نوشادی، پاسدار؛ توپخانه در عملیات والفجر ۸؛ پایان نامه دوره کارشناس ارشد، تهران: دافوس، ۱۳۷۶.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران معاونت عملیات، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس؛ اطلس نبردهای ماندگار؛ عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس؛ تهران: چاپ دوم، ۱۳۸۴.

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران آجودانی، کتابچه لیست شهدای نزاجا؛ تهران: بهره برداری از تعدادی جراید داخلی و خارجی به شرح مندرج در کتاب بهره برداری از تعدادی مقالات دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) در سال تحصیلی ۸۱-۸۲

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»: مجموع نوارهای مصاحبه با کسانی که در این کتاب با آنان مصاحبه شده است؛ ۱۳۸۰

منابع بخش دوم کتاب:

الف - اسناد و مدارک عملیاتی، اطلاعاتی باقی مانده از دوران دفاع مقدس موجود در دفتر ویژه‌ی نهاجا.

ب - اسناد و مدارک موجود باقی مانده از دوران دفاع مقدس در معاونت اطلاعاتی نهاجا.

ج - اسناد و تصاویر موجود در فرماندهی اطلاعات و شناسایی نهاجا.

- د - اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی دفتر مطالعات و تحقیقات نهاجا.
- ه - کتاب فاو تا شلمچه از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ نوشته‌ی درودیان - محمد
- و - کتاب ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس از انتشارات عقیدتی سیاسی آجا
- ز - تاریخ نبردهای هوایی دفاع مقدس در دست تحقیق در دفتر مطالعات و تحقیقات نهاجا
- ح - کتاب درگذرگاه هشت سال دفاع مقدس نوشته‌ی سعید مهر - حسنعلی و خورند - محمد تهیه شده در ستاد فرماندهی پدافند هوایی نهاجا
- ط - حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس
- ی - پژوهش، مرکز پژوهش‌های نهاجا، طی نامه شماره ۳۴۱۰/۱/۲۷ رت مورخه ۸۳/۴/۲ به دافوس ارسال شده است.
- ک - عملیات والفجر، مجموعه مقالات، تنظیم حسن دری، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸

نمایه

- آبادان, ۵۱, ۵۲, ۵۵, ۷۸, ۸۵, ۱۰۱, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۴۷, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۴۰, ۲۵۷, ۲۶۷, ۲۷۰, ۲۷۳, ۲۷۶, ۲۹۶, ۳۲۰, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۴۱, ۳۴۲, ۳۴۵, ۳۷۴, ۳۶۵, ۳۵۰.
- آژیر: محمد مهدی, ۳۶۹
- آمریکا, ۲۱, ۲۴, ۲۳۴, ۲۸۱, ۲۸۲, ۲۸۶, ۲۸۷
- أ
- احمدی: سرهنگ, ۵۶, ۵۸, ۳۸۳
- احمدیان: غلامعلی, ۳۵۸
- ارتش: اکثر صفحات
- اردستانی: مصطفی, ۱۶۹, ۲۸۹, ۲۹۰, ۲۹۷, ۲۹۹, ۲۹۱
- اروند رود, ۶, ۸, ۲۷, ۵۴, ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۱۰۰, ۱۰۵, ۱۳۴, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۷, ۲۴۱, ۲۵۵, ۲۶۸, ۲۷۰, ۲۷۴, ۲۸۶, ۲۹۰, ۲۹۲, ۳۰۳, ۳۱۹, ۳۲۰, ۳۲۹, ۳۳۲, ۳۶۰, ۳۶۱, ۳۶۸
- استکی: هوشنگ, ۱۲۱, ۳۵۰, ۳۵۲, ۳۶۱
- اسدزاده: ابوالفضل, ۲۷۰, ۲۸۳
- اسدی: هیبت الله, ۳۵۰, ۳۸۳
- اسرائیل, ۵۶
- اسکندرزاده: محمد, ۳۵۰
- اصفهان, ۲۱, ۱۳۷, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۵, ۱۶۹, ۲۳۵, ۲۶۰, ۲۹۶, ۳۶۳
- افراز: پرویز, ۱۰۶, ۳۴۸
- افراز: پرویز, ۱۰۸, ۱۲۱, ۳۴۸
- الامیه: اسکله, ۳۶, ۵۳, ۵۴, ۲۵۷, ۳۰۳, ۳۱۹, ۳۶۷
- البکر: اسکله, ۳۶, ۵۳, ۵۴, ۲۵۷, ۳۰۳, ۳۱۶, ۳۱۷, ۳۱۹, ۳۶۷
- البهار: عراق, ۲۹۱, ۳۶۷, ۳۷۴
- السامرائی: وفیق, ۱۹, ۵۸, ۳۲۳, ۳۲۴, ۳۸۳
- العمار, ۵۶, ۲۵۹, ۲۷۸, ۲۸۲
- ام الرصاص, ۳۶, ۳۷, ۵۳, ۵۴, ۶۳, ۷۷, ۸۰, ۲۵۰, ۳۲۸
- ام القصر, ۵, ۷۹, ۱۳۹, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۷۰, ۲۵۷, ۲۶۹, ۳۶۵
- امیدیه, ۱۶۹, ۱۹۱, ۲۳۰, ۲۴۴, ۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۲, ۲۶۴, ۲۶۵, ۲۷۱, ۲۸۶, ۲۸۸, ۲۸۹, ۲۹۶, ۲۹۷, ۳۴۴
- امیربگی: غلامحسین, ۴۹, ۱۰۸
- اندیمشک, ۳۶۴
- اهواز, ۱۰۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۳۳, ۱۵۳, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۵۹, ۲۰۳, ۲۳۰, ۲۴۴, ۲۶۱, ۲۶۴, ۲۷۱, ۲۷۶, ۲۸۰, ۲۸۴, ۲۸۵, ۳۴۴, ۳۶۴, ۳۶۵, ۳۷۴, ۳۷۷

ایران: اکثر صفحات

ایران‌شاهی: سرگرد، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۱

ب

بابایی: عباس، ۲۳۵، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۱

۲۷۹، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۵، ۳۰۰

۳۰۱

بالگرد ۲۰۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۵۷

بالگرد ۲۱۴، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۳

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۶۵

بالگرد شنوک، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۲

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۶۵

بالگرد کبرا، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲

۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۳

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷

بانژاد: سرهنگ، ۳۶۲

باوندپور: ابراهیم، ۳۵۶

بختیاری: مسعود، ۴۹، ۱۷۱، ۳۲۴

برزیل، ۱۹

بزرگی: ولی‌الله، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۰

بستان، ۴۹

بصره، ۲۳، ۴۲، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰

۶۴، ۷۰، ۷۹، ۱۰۸، ۱۷۰، ۲۵۶، ۲۵۹

۲۶۱، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۸

۲۸۲

بغداد، ۲۰، ۵۸، ۱۰۳، ۲۶۳، ۲۸۲، ۳۳۴

بمباران شیمیایی، ۴۱، ۱۵۵

بندر امام خمینی، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱

۱۹۳، ۲۰۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۵

۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۹۲، ۲۹۷

۳۰۲، ۳۱۶، ۳۱۹

بندر گناوه، ۲۲۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳

۲۷۶

بوارین، ۶۳، ۷۰، ۷۵، ۷۶، ۱۱۳

بوشهر، ۱۶۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۸

۲۲۹، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲

۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲

۲۷۶، ۲۹۶، ۳۲۰

بهبهان، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۳، ۲۲۸

۲۲۹، ۲۶۰، ۲۶۱

بیمارستان الزهرا، ۱۵۱، ۱۵۵

بیمارستان علی بن ابی‌طالب، ۱۵۵، ۳۷۴

بیمارستان فاطمیه، ۳۷۴

پ

پاپلی رفسنجانی: مهدی، ۳۵۰

پاوه، ۵۱

پاویز: نادر، ۱۵۷

پدافند هوایی، ۳۷، ۳۹، ۴۸، ۸۸، ۱۰۰

۱۰۱، ۱۰۲، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۲۴، ۲۲۵

۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۳

۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۲

۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳

۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۶

۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۲، ۲۸۳، ۲۷۹

۳۸۵، ۲۹۹

پرونده: کرم، ۳۷۴

پشتیبانی هوایی، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۹۰، ۲۹۸

پورداراب: سعید، ۸، ۶، ۵۰، ۳۲۳

ت

تاجیکی: حسین علی، ۱۲۹، ۳۷۲، ۳۷۳،

۳۷۴

تاکتیک ویژه، ۱۵۱

تانک، ۴۳، ۴۸، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۱۰۴،

۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۷۰، ۲۷۸، ۲۹۳،

۲۹۸، ۳۲۸، ۳۴۰، ۳۵۳، ۳۵۷، ۳۶۶

تجلائی: علی، ۸

تفرشی: عیسی، ۴۹

تفنگ ۱۰۶م، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۹

تفنگ ۵۷م، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷

تنگه هرمز، ۲۵۲، ۲۸۰

تهران، ۷، ۱۵، ۲۱، ۲۸، ۳۶، ۴۳، ۵۵، ۶۰،

۷۵، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۶، ۲۰۵،

۲۳۰، ۲۳۵، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۸۷، ۳۴۳،

۳۴۴، ۳۸۳، ۳۸۴

تیپ امیرالمؤمنین (ع)، ۵۱

تیپ ۵۵ هوابرد، ۶، ۷، ۸، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۹،

۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳

ج

جاودانی: ابوالقاسم، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹

جدیدی: محمد تقی، ۲۹۰

جراحی: جاده، ۱۵۱، ۱۵۵

جزیره بویان، ۳۷، ۱۴۹

جمشیدی: حسینعلی، ۱۵۱

جهاد سازندگی، ۵۰، ۸۵، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۴۵

چ

چمران: مصطفی، ۱۴

چنانه، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۵۷

چنگوله، ۵۱

چوب بندی: محمد، ۱۵۲

چوبیده، ۱۵۵، ۲۶۰، ۳۳۱، ۳۳۲

چین، ۱۹، ۲۳۱، ۲۹۹، ۳۴۲، ۳۴۳

ح

حسینی: سید یعقوب، ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۵۱،

۵۴، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۳۸۳

حق شناس: علیرضا، ۱۵۳

حکیمی: رمضان علی، ۷۸، ۷۹

حمیدیه، ۳۶۴

حیدری: منصور، ۳۷۴

خ

خارک، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۸، ۲۵۳،

۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸،

۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶

خدا بنده لو: حسن، ۱۵۰

خرمشهر، ۴، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۵۴، ۵۵،

۵۶، ۷۴، ۷۸، ۸۴، ۸۵، ۱۰۴، ۱۰۸،

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۷۰، ۲۴۹، ۲۷۱، ۲۷۶،

۲۹۴، ۳۲۸، ۳۳۴، ۳۸۳

ر	خضرای: محمود, ۲۸۱, ۲۸۴
رادفر: نصیر, ۱۵۶	خلیج فارس, ۱۹۰, ۱۵۰, ۵۵, ۲۱, ۱۱, ۶
رأس البیشه, ۳۶, ۳۷, ۵۳, ۵۴, ۲۵۷, ۳۱۷	, ۲۵۸, ۲۵۵, ۲۵۳, ۲۲۸, ۲۰۳, ۲۰۱
رجبی: مرتضی, ۳۵۴	۲۸۴, ۲۸۰, ۲۷۸, ۲۷۴, ۲۷۳, ۲۷۲
رستمی: شهرام, ۱۶۹	خور عبدالله, ۳۷, ۱۴۹, ۳۱۷, ۳۶۷
رستمی: محمود, ۱۱, ۱۳۱, ۳۲۳, ۳۲۶	خور موسی, ۲۵۵, ۲۵۷, ۳۰۳, ۳۱۶, ۳۱۸
۳۸۴	۳۱۹
رستمیان: سرهنگ, ۳۴۱	خوزستان, ۱۹۰, ۲۰۱, ۲۰۳, ۲۲۸, ۲۳۰
رسولی: گروهبان وظیفه, ۳۶۸	۲۶۰
رضایی: محسن, ۱۵, ۵۳, ۱۰۵, ۲۸۹, ۳۱۷	د
۳۴۳, ۳۳۴	دارخوین, ۱۰۲, ۱۳۴, ۱۳۹, ۱۴۵, ۱۵۲
رفیق دوست: محسن, ۳۴۳, ۳۴۴	۱۵۵, ۱۵۴
روحانی: حسن, ۱۰۵, ۱۰۶, ۲۶۹	دانشکده فرماندهی و ستاد, ۱۰, ۱۱, ۲۲
رودخانه دجله, ۵۷, ۵۸	, ۴۷, ۴۹, ۵۶, ۵۷, ۶۳, ۱۰۹, ۳۲۷
رودخانه دز, ۶, ۵۰	۳۸۳, ۳۳۵
س	دانشگاه افسری, ۴۷, ۲۳۴, ۲۸۲, ۳۸۳
سپاه, سپاه پاسداران: اکثر صفحات	۳۸۴
ستاری: منصور, ۱۶۹, ۲۲۷, ۲۳۰, ۲۳۳	دانشگاه امام حسین (ع), ۲۳, ۳۸۴
, ۲۳۴, ۲۳۵, ۲۶۲, ۲۷۹, ۲۸۸, ۳۰۱	دانشمند وزیر: مسعود, ۳۷۷
۳۴۴	درویش: عبدالباقی, ۲۸۵
سروری: روح الله, ۴۹	دریاچه نمک, ۴۰, ۵۷, ۱۴۸, ۱۵۰
سلطانی‌نیا: سرهنگ خلبان, ۱۴۶	دزفول, ۷, ۲۷, ۱۰۶, ۱۵۷, ۱۶۹, ۱۹۱
سمیعی: علی, ۵۶, ۱۷۰, ۲۵۰, ۳۸۴	, ۲۲۹, ۲۲۸, ۲۳۰, ۲۵۸, ۲۶۰, ۲۶۱
سنجری‌پور: داود, ۶۳, ۷۳, ۷۹, ۸۰	, ۲۶۲, ۲۶۳, ۲۶۵, ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱
سوسنگرد, ۵۶	۲۸۳, ۲۸۷, ۲۸۹, ۲۹۳, ۲۹۶
سهرابی: اسماعیل, ۳۳۰	دلال خوش: ابراهیم, ۲۸۷
سیستانی: مرتضی, ۳۴۴	

سینائی: مرتضی، ۳۵۴، ۳۵۸

ش

شادمان: عطاءالله، ۱۵۷

شاهان: محسن، ۴۹

شفیع‌زاده: پاسدار، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۳۴۳،

۳۴۸

شکیبا مقدم: سرتیپ ۲، ۴۹

شلمچه، ۸، ۱۲، ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۴،

۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴،

۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۰،

۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۴،

۳۸۳، ۳۸۵

شوروی، ۲۱، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۸۰، ۳۴۳، ۳۴۴

شیبانی: سرگرد، ۱۴

ص

صحتی: اسماعیل، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷

صدیق: هوشنگ، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۶

صفری کیا: بهروز، ۷

صفوی: رحیم، ۱۰۹، ۱۴۸، ۲۸۹

صیاد شیرازی: علی، ۴، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۴۹،

۸۱، ۱۰۷، ۳۳۴، ۳۴۸، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۴

ط

طلاس: مصطفی، ۳۴۳

طلب: عین علی، ۱۵۶

ع

عبادت: کریم، ۷، ۸

عبدالرشید: ماهر، ۴۲، ۵۶، ۲۷۱

عراق: اکثر صفحات

عربستان، ۲۸۰

علینقی پور: علی، ۱۵۶

عملیات بدر، ۱۲، ۵۵، ۲۴۹، ۳۲۶

عملیات بیت المقدس، ۴، ۱۲، ۲۶، ۵۰،

۲۹۴، ۳۲۴

عملیات خیبر، ۴، ۲۵، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۷۲،

عملیات رمضان، ۴، ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۲۶، ۲۷۸،

عملیات شفق، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۷۵،

۲۷۸، ۲۸۳

عملیات طریق القدس، ۲۹۴، ۳۲۴

عملیات فتح المبین، ۱۲، ۲۶، ۵۰، ۲۹۴،

۳۲۴، ۳۳۴

عملیات کربلای ۴، ۲۹۴

عملیات کربلای ۵، ۲۳، ۲۹۴

عملیات میمک، ۲۹۴

عین خوش، ۵۵، ۱۰۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹،

۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۳۲۴

ف

فروتن: محمد علی، ۱۳۳، ۳۷۴

فکه، ۵۴، ۵۵، ۱۵۷، ۲۵۷

فلاح‌زاده: پاسدار، ۳۱۸

فلاحی: ولی الله، ۱۴، ۴۶

ق

قاسمی: مصطفی، ۲۹۱

کشواد: محمدرضا، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵	قرارگاه جنوب، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۸۴، ۱۰۸،
کنجان چم، ۵۱	۳۴۴، ۳۴۸
کوچک دزفولی: منصور، ۳۷۴	قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، ۶، ۸، ۱۳، ۳۰، ۳۶،
کوشک، ۳۷، ۴۱، ۵۳، ۵۴، ۵۹، ۷۶، ۷۷	۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۹،
کویت، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۸۰	۷۷، ۸۰، ۸۱، ۱۰۵، ۱۱۳، ۲۲۶، ۲۵۳،
گ	۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲،
گودرزی: حسین، ۳۴۶، ۳۶۲	۲۶۸، ۲۶۹
ل	قرارگاه رعد، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۸،
لباف قاسمی: حسن، ۳۷۷	۱۶۹، ۱۸۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴،
لروند: منصور، ۳۴۶، ۳۶۲	۲۳۵، ۲۳۷، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۱،
لشکر ۲۱ حمزه، ۶۳، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۱	۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۶،
۱۰۲، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵	۲۹۷، ۳۰۰
۳۷۵	قرارگاه کربلا، ۲۸، ۵۳، ۶۴، ۷۶، ۸۰، ۱۴۲،
لشکر ۷۷ پیاده، ۶۳، ۷۴، ۷۷، ۱۳۱، ۱۳۲،	۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۳
۱۳۳، ۳۳۴	قرائی: غلامحسین، ۴۹
لشکر ۸۱ زرهی، ۵۱، ۵۵، ۳۵۶	قضات: رحمان، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۷
لشکر ۹۲ زرهی، ۱۳۲، ۱۳۳، ۳۵۶، ۳۶۴	قطره سامانی: نورالله، ۱۲۱، ۳۶۲
لطفیان: سعیده، ۱۷، ۱۹، ۳۸۴	ک
لیبی، ۲۳۳، ۲۴۱	کاظم زاده: مهربان، ۳۲۷
م	کاظمی: بهرام، ۱۵۵
ماه شهر، ۱۵۶، ۲۰۳، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸،	کاوئی: شمس الدین، ۳۷۲، ۳۷۳
۳۲۰، ۳۴۴، ۳۷۴	کاووسی: جهانگیر، ۱۵۰
مبلغ: محمد، ۲۴، ۳۸۴	کثیری: حجت الله، ۲۹۲
متقی: فریور، ۳۷۷	کرخه، ۴۹، ۲۹۳
محرّم نژاد: خلبان، ۱۵۶	کرکوک، ۱۰۳، ۲۸۲
محمدزاده: اقبال، ۴۹	کرمان، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷
محمدی: حسن، ۳۵۷	کره شمالی، ۱۹، ۲۳۳، ۲۴۱

- محمدی آزاد: منصور، ۲۸۸، ۲۸۶
مسجد سلیمان، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۶
مصر، ۲۳۱، ۳۲۳
معین وزیری: نصرت الله، ۱۰، ۴۹
مفید: عبدالحسین، ۱۹، ۲۰، ۱۰۸
مقیسه: داود، ۳۷۷
منتظر: ناصر، ۳۶۹
منوچهری فر: احمد، ۱۵۲، ۱۵۳
موسوی: سید اسماعیل، ۲۸۷
موشک تاو، ۸۴، ۹۱، ۹۳، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۷
موشک سهند، ۹۱، ۹۳، ۱۰۱
موشک ماوریک، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۹
۲۶۷، ۲۶۸، ۳۲۰
موشک انداز مالیوتکا، ۸۴، ۹۱، ۹۳
مهران، ۵۱
مهرآرا: حسین، ۱۲۰، ۱۷۰، ۳۳۱، ۳۳۴
میثاقیان: رحمان، ۳۳۱
- ن
نادری: علی محمد، ۲۹۳، ۲۹۷
ناصریه، ۴۲، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹
۲۸۲
نامجونیک: خسرو، ۳۷۷
نجفی: عبدالله، ۱۵۷
نخعی: ناصر، ۴۹
نداجا، ۳۷، ۳۸، ۲۵۵، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۶
نداف: مجید، ۱۳۶، ۲۵۱، ۳۸۴
- نظری: اژدر، ۱۴۹
نوابی: هوشنگ، ۴۹
نوشادی: غلامرضا، ۱۰۹، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۸۴، ۳۳۶
نهایا: اکثر صفحات
نهر کتیبان، ۳۷، ۵۴
نیروی دریایی، ۱۸، ۳۶، ۳۹، ۵۳، ۲۴۳
۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۳۰۲، ۳۱۶
۳۱۸
نیروی زمینی: اکثر صفحات
- و
ورزدار: قاسم، ۲۷۰، ۲۸۳، ۲۸۸
وکیلی: پاسدار، ۳۶۵
وکیلی: حسین، ۱۴۸
ویتنام، ۳۲۳
- ه
هاشمی رفسنجانی: اکبر، ۵، ۷، ۸، ۱۳، ۱۵، ۲۷، ۵۳، ۱۰۷، ۲۵۵، ۲۶۲، ۳۴۲، ۳۴۳
هلی برن، ۸، ۵۰، ۱۴۱، ۱۵۴
همتی: خیرالله، ۳۶۲
هوانیروز، ۶، ۸، ۲۸، ۳۸، ۳۹، ۴۸، ۵۳، ۷۹
۸۸، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸
۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴
۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰
۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶
۱۵۷، ۱۷۰، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۸۵
هورالهیوزه، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۴، ۱۴۰



Artesh dar Fav (valfajr-8)

Col. Heybat-allah Asadi

**War Cognizance Committee Of
Martyr Lieutenant General Ali Sayyad Shiraz**